



## مجموعه مقالات

# یازدهمین کنگره‌ی سالانه‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.

برگزارکنندگان  
انجمن ژئوپلیتیک ایران  
سازمان جغرافیایی ن.م.

۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹

صلى الله عليه وسلم

**مجموعه مقالات**

**یازدهمین کنگره‌ی سالانه‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران،  
سازمان جغرافیایی ن.م.**

**برگزارکنندگان**

**انجمن ژئوپلیتیک ایران**

**سازمان جغرافیایی ن.م.**

**۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹**

## سخنرانی دکتر صفوی

### رئیس یازدهمین کنگره سالانه انجمن ژئوپلیتیک ایران و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

تقدیر از حاضرینی که در این کنگره شرکت کردید و به ویژه از میزبان محترم یازدهمین کنگره، امیر مومن، خردمند و شجاع سرتیپ دکتر فخری و زحمات ایشان برای برگزاری کنگره و تلاش های علمی و کارهای بزرگ این سازمان بسیار ارزشمند جمهوری اسلامی نه تنها برای نیروهای مسلح بلکه برای عمران و آبادانی کشور عزیزمان ایران و حتی کمک به کشورهای همسایه انجام شد. صمیمانه از هیات مدیره محترم انجمن ژئوپلیتیک جناب آقای دکتر اخباری، جناب آقای دکتر ربیعی و همکاران عزیزم اعضای محترم انجمن ژئوپلیتیک تقدیر و تشکر می کنم. از اینکه بر خی از اساتید محترم که توفیق حضور نداشتند در این جلسه و بصورت وینار در این جلسه و پنل های تخصصی شرکت می کنند تشکر می کنم. از اعضای پنل های تخصص چهارگانه هم تشکر می کنم.

در این صحبت کوتاه دو محور سخنرانی در نظر گرفتیم. محور اول عبارت است از افول و سقوط امپراطوری آمریکا در مقیاس جهانی در دهه سوم قرن بیست و یکم و محور دوم صحبتیم پیش بینی اخراج قطعی ارتش تروریستی آمریکا از غرب آسیا تا چند سال آینده از نگاه ژئواستراتژیک.

بنظر بنده بزرگترین رخداد و ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک غرب آسیا در قرن بیست و یکم همین اخراج قطعی ارتش آمریکا در غرب آسیا ست. در رابطه با محور اول صحبتیم بعنوان یک تحلیل و اندیشه و تفکر راهبردی جغرافیای سیاسی و ژئواستراتژیک نتایجی را برای شما بصورت خلاصه بیان می کنم و چنانچه خداوند متعال فرصتی را داد آن را بصورت مقاله چاپ می کنم. روزگاری بر این عالم گذشته است که حتی صحبت از مبارزه با قدرت بی رقیب دنیا یعنی امپراطوری آمریکا مضحک، غیر علمی و غیر معقول و حتی رمان خیالی محسوب می شد. هم اکنون در آستانه سال جدید ۱۴۰۰ هجری شمسی و ورود به قرن ۱۵ شمسی و دهه سوم قرن ۲۱ میلادی، شاهد رخداد های زیر برای استدلال های علمی افول و سقوط امپراطوری آمریکا در مقیاس جهانی در دهه سوم قرن ۲۱ میلادی هستیم. دلیل اول: شکست ایالات متحده آمریکا برای تشکیل تنها ابر قدرت جهانی و یا قدرت هژمون آمریکا طی

سی سال گذشته پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و برای کسب برتری قدرت اقتصادی، توانایی نظامی و رهبری و مدیریت سیاسی جهان حتی در مسایل ایدئولوژیک و فرهنگی جهان و ایجاد دهکده جهانی. ۲۰ دلیل دوم: افول و سقوط امپراطوری آمریکا ریشه در تغییر و تحولات درونی جامعه آمریکا و سیاست مداران آمریکا دارد. در انتخابات اخیر برای همه اندیشمندان علوم سیاسی، جامعه شناسان و اقتصاد دانان این افول آشکار شد و رئیس جمهور مغرور و بیشعور سیاست بین الملل و امنیت بین الملل و تروریست سابق آمریکا، آخرین تیشه را به ریشه های فاسد این امپراطوری زر و زور و تزویر زد و خودش را مفتضح کرد و آمریکا را بسمت افول قطعی سوق داد. سومین دلیل: آمریکا از بیرون بعثت لشکرکشی نظامی و اشغال دو کشور مظلوم افغانستان در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ افغانستان و عراق و کشتار ده ها هزار نفر از مردم بی گناه و گیر افتادن در صحرای کویری عراق و ارتفاعات افغانستان و هزینه کردن بیست ساله منابع اقتصادی و انسانی آمریکا و استفاده از رقبای استراتژیک آمریکا مثل چین در بعد اقتصادی و روسیه در بعد نظامی برای حفظ خود و حتی افزایش قدرت نظامی. بنظر می رسد جهان کنونی با سرعتی بالا بسمت تغییرات و جابه جایی قدرتی از نیم کره غربی به شرقی در حرکت است. دیگر در دهه های آینده هیچ کشور و دولتی چه ایالات متحده آمریکا، چه چین و هر کشور بزرگ دیگر تنها ابر قدرت جهان نخواهد شد و سیر صعودی قدرت غرب به رهبری آمریکا که از قرن ۱۸ به بعد برقرار بوده معکوس خواهد شد. و احتمالاً در اقتصاد جهانی، قدرت به آسیا باز خواهد گشت و کشورهای بزرگ چین، هند و روسیه در قالب پیمان همکاری شانگ های هم از نظر اقتصادی و امنیتی و نظامی احتمالاً در مقابل پیمان آتلانتیک شمالی قوت خواهد گرفت و این اولین تغییر در مقیاس قدرت های جهانی و امنیت جهانی است و دومین تغییر شکلگیری قدرت جدید جهان اسلام بر مبنای منابع قدرت عظیم بالقوه و توانمندی های فرهنگی و اقتصادی با جهت گیری تمدن نوین اسلامی با رشد دو میلیارد نفری مسلمانان جهان و وسعت و برتری موقعیت نسبی جغرافیایی ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی در قاره های آسیا و آفریقا که وسعت آن از سواحل اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام را در بر می گیرد، و وجود ذخایر عظیم نفت و گاز با بیش از ۷۰ درصد منابع کشف شده نفتی و بیش از ۵۷ درصد ذخایر قطعی گاز جهان و رشد فناوری های جدید و گسترش علوم مختلف از جمله ارتباطات و فناوری های رسانه ای و بیداری ملت های اسلامی از شمال آفریقا تا غرب آسیا از شمال اقیانوس هند و تا کرانه های اقیانوس آرام در شرق آسیا. جهان اسلام می تواند بعنوان یک قدرت جدید در ایجاد صلح و امنیت پایدار منطقه ای و جهانی تاثیر گذار باشد.

من در همین جا از تمامی اساتید دانشگاه های کشور عزیزمان، ایران اسلامی و از همه نظریه پردازان در حوزه سیاست امنیت بین الملل، جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، سیاست خارجی، روابط بین الملل،

ب

مطالعات منطقه ای و اقتصاد جهانی، قاره ای و منطقه ای می خواهیم که این اساتید و شما دانش ۳ پژوهان به عنوان یک مرجعیت علمی و اندیشمندان ایران اسلامی برای چگونگی همگرایی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و رسانه ای ایران با کشور های همسایه و اوراسیا و جهان اسلام و خروج از وضعیت نامساعد فعلی کشور عزیز و ملت عزیز مان و رسیدن به وضعیت مطلوب نظریه پردازی کنید. آیا یکی از رسالت های دانشگاه ها و اساتید و بیش از چهار و نیم میلیون دانشجو و یکصد هزار اعضای هیات علمی دانشگاه های تابع وزارت علوم و وزارت بهداشت و شما جوانان هوشمند و پژوهشگران ارجمند در گیر شدن با مسایل کشور و چالش های پیش رو و ارایه راه حل مسایل جهانی، منطقه ای و ملی و ارائه پیشنهاد به تصمیم سازان و مسولان عالی کشور نیست!؟

در مقیاس غرب آسیا هم چند کلمه عرض کنم: به فضل الهی ائتلاف آمریکایی ها، صهیونیست ها و برخی کشورهای منطقه برای تغییر جغرافیای سیاسی جنوب غرب آسیا و شکل گیری خاورمیانه جدید با محوریت آمریکا با شکست مواجه شد و سیاست های آمریکا در سوریه، عراق و یمن با شکست مواجه شده است. به فضل الهی سیاست های راهبردی جمهوری اسلامی و همکاران و شرکای بین المللی همچون کشورها، دولت ها و نیروهای جبهه مقاومت مثل سوریه و مقاومت اسلامی لبنان، عراق، یمن و فلسطین و فدراسیون روسیه در شکست استراتژی سازمان های اطلاعاتی امریکا و صهیونیست ها و برخی کشورهای منطقه با شکست مواجه شده و قدرت و نفوذ سیاسی - امنیتی جبهه ی مقاومت در منطقه غرب آسیا رو به افزایش است و ایران بعنوان یک قطب قدرت در غرب آسیا در مقابل آمریکا به پیروزی رسیده است و این علامت روشن را شما در آینده ای نه چندان دور بعنوان خروج اجباری آمریکا از غرب آسیا مشاهده خواهید کرد. من امیدوار هستم که منطقه غرب آسیا که در مرحله گذار ژئوپلیتیکی قرار دارد بازیگران جهانی دیگری را که در حال حضور هستند، بطور خاص قدرت اقتصادی چین با مطرح کردن یک کمربند یک راه، حضور هند در فعالیت های اقتصادی غرب آسیا و کشورهای پیرامونی ایران و منطقه و سیاست ایران با نگاه به شرق و با نظریه انتقال آرام قدرت از نیم کره غربی به شرقی، جایگاه خودش را در ارتباط با معادلات قدرت آینده جهانی پیدا کند و رهبر عظیم الشان و ملت بزرگ و تمدن ساز ایران بتوانند در ۵۰ سال آینده تمدن نوین اسلامی را و صلح پایدار و امنیت پایدار را نه تنها در منطقه غرب آسیا بلکه در مقیاس جهانی پایه گذاری کنند. والسلام...

**دکتر سید یحیی صفوی**

**رئیس یازدهمین کنگره سالانه انجمن ژئوپلیتیک ایران**

ت

## گزارش دبیر علمی یازدهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران

### مقدمه

نظام ژئوپلیتیکی جهانی، دارای ماهیتی دیالکتیک و پویاست که در نتیجه این پویایی، در طول تاریخ زندگی سیاسی و اجتماعی بشر در دوره های زمانی مختلف در نتیجه تحولات بنیادین ژئوپلیتیک جهانی، ساختار جدیدی از قدرت با آرایش جدید و با ابزار و نقشه جدیدی چرخه قدرت را در دست گرفته و نظام ژئوپلیتیکی جهانی نوینی را با فرمولی نو، شکل داده اند. جهان ژئوپلیتیک به شکل طبیعی دوره هایی از نظم و بی نظمی، ثبات و بی ثباتی، امنیت و ناامنی، موازنه و یا عدم توازن را تجربه می کند. جهان کنونی در یک دوره «گذار ژئوپلیتیکی» قرار دارد، این دوره گذار بین دو نظم ژئوپلیتیکی قرار دارد.

در دوره گذار ژئوپلیتیکی: بی نظمی، ناامنی، فقدان و یا ضعف مدیریت و کنترل منسجم بر فرآیندهای منطقه ای یا جهانی، تجاوز نظامی، ائتلافهای ناپایدار، رقابت شدید قدرتهای مدعی گسترش حوزه نفوذ، ظهور و رشد بازیگران جدید، عدم توازن قدرت، تروریسم ملی و بین المللی، هویت گرایی محلی، منطقه ای، ملی، قومی و نظایر آن توسعه و گسترش می یابد .

یکی از مختصات این دوران، افزایش نیروهای مرکزگرای در نظام بین الملل است که در پرتو آن به موازات قدرت نمایی کنشگران غیردولتی، ظهور مراکزچندگانه قدرت نیز شتاب یافته است که حاصل آن تغییر تدریجی شکل و ماهیت نظام بین الملل می باشد، البته دولت ها و واحدهای سیاسی هنوز کنشگران اصلی سیاست جهانی محسوب می شوند.

شرایط خاص و ساختارهای مختلف نظام منطقه ای خاورمیانه و خلیج فارس پس از در دوران جنگ سرد سبب گسترش حضور بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای گردید و این عوامل زمینه بی ثباتی، ائتلاف گرایی، شکل گیری معمای امنیت، گسترش تضاد های قومی و مذهبی و ... رافراهم نمود.

پیشگیری از تهدیدهای امنیتی در آینده نیازمند درجه ای از حضور فعال ایران در مسائل سیاسی\_امنیتی منطقه است. واقعیت های ژئوپلیتیک و ویژگی های قومی، فرهنگی و مذهبی ایران به گونه ای است که امنیت ملی آن را به مسائل منطقه ای و به خصوص مرزهای فوری متصل می کند. چالش های نوظهور امنیتی بر وابستگی متقابل امنیتی ایران با کشورهای همسایه افزوده است. برای پیشگیری از تهدیدهای آینده، ایران خواهان افزایش نقش و حضور فعال در نظام سیاسی امنیتی و نیز فعالیت های اقتصادی\_فرهنگی در سطح منطقه است.

ماهیت رقابتی و پرتحول دوره گذار ژئوپلیتیک به گونه ای است که همه بازیگران اصلی منطقه سعی دارند نظم جدید را براساس منافع و امنیت ملی خود تقویت کنند. ایران نیز در نقش یکی از دولت های مهم منطقه ای و دارای نگرانی های مشروع امنیتی، از این امر مستثنی نیست .

ایران تلاش می کند با بهره گیری از ابزارهای داخلی و خارجی حداکثر منافع خود را با افزایش توانمندی های نسبی از طریق ایجاد موازنه قدرت در دوره گذار ژئوپلیتیک تامین کند .

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک، ویژگی هایی منحصر به فرد دارد که سیاست خارجی آن را تحت تاثیر قرار می دهد.

نخست، ایران کشوری بین المللی است که همواره مورد توجه کانون های قدرت بین المللی قرار داشته و در معادلات جهانی نقشی برجسته ایفا می کند .

دوم، ایران در مرکزیت و محوریت مناطق ژئوپلیتیک متداخلی قرار دارد که به واسطه دارا بودن موقع راهبردی دریایی، زمینی و تنگه ای از نقش و جایگاه برتری سود می برد .

سوم، ایران از موقعیت ژئواکونومیک راهبردی خاصی سود می برد که آن را در مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی جهان قرار می دهد.

کشور ایران با دارا بودن موقعیت مهم در آسیای جنوب غربی، همواره بازیگر مؤثری در این منطقه بوده است. با این وجود، شواهد موجود نشان می دهد روابط ایران با کشورهای منطقه فاقد نهادینگی است



به هم پیوسته شدن مسائل نوظهور ژئوپلیتیکی و سیاسی جدید در منطقه، چالش ها و فرصت های جدیدی را برای ایران به همراه داشته است. دفع چالش های امنیتی جدید و بهره گیری از فرصت های فراهم شده، نیازمند درجه ای از حضور موثر ایران در مسائل سیاسی امنیتی منطقه ای است.

فرصتها و تهدیدات گوناگون به طور مستمر جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت وموقعیت جدید و انتخاب گزینه های جدید قرار می دهد. بهره برداری از فرصت ها و مقابله باتهدیدهای موجود در مسیر اعتلای موقعیت در گرو توجه به الزامات و پیاده سازی دقیق اهداف ومنافع ملی است. ایران به دلیل نقش تمدنی، ایرانی و اسلامی و فرهنگی و اقتصادی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و نقشی که در کل این حوزه های تعامل (آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شبه قاره و خاورمیانه) دارد و اگر این کشور در چارچوب بین المللی حرکت کند و از ظرفیت تأثیرگذاری خود در روابط منطقه ای و بین المللی و همچنین، نسبت به رقابت های بین المللی در منطقه می تواند استفاده نماید.

### تشریح محورها و مقالات:

این کنگره تحت عنوان «تحولات ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا در قرن ۲۱» در راستای ظرفیت تأثیرگذاری خود در روابط منطقه ای و بین المللی و همچنین، نسبت به رقابت های بین المللی در منطقه بره برداری لازم را بنماید. برای این منظور اهداف کنگره را در ۴ محور ارایه داد که عبارتند از:

- الف- مفاهیم و بنیان های نظری مطالعات ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا
- ب- مطالعات کاربردی ژئوپلیتیک در جنوب غرب آسیا
- ج- تحولات ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا
- د- ایران و ژئوپلیتیک منطقه ی جنوب غرب آسیا

از تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۹۹ که اولین اطلاع رسانی در خصوص این کنگره جهت ارسال مقالات صورت گرفت تا اطلاع رسانی در تاریخ های ۲۸ دی ماه ۱۳۹۹ و ۶ بهمن ۱۳۹۹ حدود ۶۵ مقاله به دبیرخانه کنگره ارسال شد که در بازه زمانی ۲۱ الی ۲۳ بهمن داوری مقالات انجام شد و در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۹۹ لیست نهایی مقالات آماده شد. که با توجه عنوان مقالات در بین محورها و زیر محوره های کنگره مقالات بدین شرح دسته بندی می شوند:

- ۱۲ مقاله در حوزه محور الف با موضوعات بنیادی و نظری مفاهیم و بنیان های نظری مطالعات ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا
- ۱۶ مقاله در حوزه محور ب با موضوعات مطالعات کاربردی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا
- ۲۲ مقاله در حوزه محور ج با موضوعات تحولات ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا
- ۱۲ مقاله در حوزه محور د با موضوعات ایران و ژئوپلیتیک منطقه ی جنوب غرب آسیا

از منظر محیط جغرافیایی و کشورهای مورد مطالعه در مقالات کنگره بیشترین مناطق مورد مطالعه در مقالات ارسالی بدین شرح هستند

تعداد مقالات حدود ۲۶ مقاله با محوریت جمهوری اسلامی ایران با موضوعات امنیت و قدرت ملی، روابط دوجانبه با کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و نقش ایران در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه بوده است. همچنین ۸ مقاله با محوریت کشور عراق، ۸ مقاله با محوریت کشور سوریه و ۶ مقاله نیز با محوریت کشور عربستان سعودی بوده است.

با محوریت کشور چین و افغانستان نیز هر کدام ۳ مقاله و محوریت روسیه، قره باغ و قفقاز هم ۳ مقاله به کنگره ارائه شده است. همچنین امارات متحده در ۲ مقاله و اسرائیل نیز در ۲ مقاله مورد مطالعه قرار داده شده اند.

از منظر کلید واژه های تخصصی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در عنوان های مقالات کنگره بیشترین واژگان مورد مطالعه در مقالات ارسالی بدین شرح هستند:

۲۶ مقاله با محوریت واژه ژئوپلیتیک، ۱۵ مقاله با محوریت واژه امنیت، ۶ مقاله با محوریت صلح، ۵ مقاله با محوریت واژه ژئواستراتژی و ۵ مقاله با محوریت همگرایی بوده است.

در پایان این گزارش لازم است. مراتب تقدیر و تشکر خود را از کادر علمی و اجرایی کنگره یازدهم در انجمن ژئوپلیتیک ایران و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح به عمل آورم.

دکتر محمد اخباری

دبیر علمی یازدهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران

۲۷ بهمن ۱۳۹۹

## لیست حامیان

یازدهمین کنگره سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.

### اتحادیه انجمن های علوم جغرافیایی ایران



### انجمن مخاطره شناسی ایران



### موسسه آینده پژوهی جهان اسلام



### دانشگاه فردوسی مشهد



### دانشگاه خوارزمی تهران



دانشگاه خوارزمی

دانشگاه تربیت مدرس تهران



مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری



مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)



معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری



ریاست جمهوری  
معاونت علمی و فناوری



یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.  
 ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
 National Geography Organization Of Iran  
 15 February 2021



## لیست اعضای کمیته ی علمی

یازدهمین کنگره سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.

ردیف	نام و نام خانوادگی	دانشگاه محل خدمت
۱	دکتر سید یحیی صفوی	دانشگاه امام حسین
۲	دکتر مجید فخری	سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۳	دکتر محمد اخباری	دانشگاه آزاد
۴	دکتر حسین ربیعی	دانشگاه خوارزمی
۵	دکتر یاشار ذکی	دانشگاه تهران
۶	دکتر هادی اعظمی	دانشگاه فردوسی
۷	دکتر مرتضی قورچی	دانشگاه شهید بهشتی
۸	دکتر مصطفی قادری حاجت	دانشگاه تربیت مدرس
۹	دکتر سید هادی زرقانی	دانشگاه فردوسی
۱۰	دکتر افشین متقی	دانشگاه خوارزمی
۱۱	دکتر حسین مختاری هشی	دانشگاه اصفهان
۱۲	دکتر غلامحسن حیدری	دانشگاه آزاد
۱۳	دکتر مهدی حسین پور مطلق	دانشگاه پیام نور
۱۴	دکتر مهدی مدیری	دانشگاه مالک اشتر
۱۵	دکتر علی محمد پور	دانشگاه مالک اشتر
۱۶	دکتر فرهاد حمزه	دانشگاه آزاد
۱۷	دکتر علی اصغر اسماعیل پورروشن	دانشگاه آزاد
۱۸	دکتر عبدالرضا فرجی راد	دانشگاه آزاد
۱۹	دکتر اشرف عظیم زاده	سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۲۰	دکتر علیرضا عباسی سمنانی	سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۲۱	دکتر سیروس نبیونی	سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

ز

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	دکتر مسلم نامدارزاده	۲۲
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	مهدی خزائی	۲۳
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	رضا آقا طاهر	۲۴
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	دکتر محمد فلاح ززولی	۲۵
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	رضا عرب صاحبی	۲۶
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	هادی باباپور	۲۷
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	دکتر زینب قربانی	۲۸
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	دکتر یاسر حکیم دوست	۲۹
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	فرهاد جعفری	۳۰
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	دکتر محمد حسن نامی	۳۱
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح	ابوالفضل جعفری	۳۲

## لیست اعضای کمیته ی اجرایی

یازدهمین کنگره سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.

دکتر محمد فلاح ززولی	۱
مهندس بنیامین قوامی آزاد	۲
دکتر علی علیزاده	۳
دکتر زینب قربانی	۴
مهندس مجید خراسانی	۵
مهندس خدایار سپهوند	۶
مهندس قاسم دژ	۷
مهندس مرتضی بیگ وردی	۸
رعنا کاویانی	۹
مژده ابراهیمی کیا	۱۰
مهندس ایمان نجفی	۱۱
دکتر مسلم نامدارزاده	۱۲
سارا امانی	۱۳
مهندس قاسم حبیب زاده	۱۴
دکتر یاسر حکیم دوست	۱۵
دکتر لیلا مجیدی	۱۶
فرهاد جعفری	۱۷
آزاده بلالی	۱۸
مهندس حامد امامی میبیدی	۱۹
مهندس چمران بویه	۲۰
مهندس میرمحمدی موسوی	۲۱
احمد صالحی	۲۲
لیلا کیانی	۲۳
دکتر سید محمدتقی رئیس السادات	۲۴

ش





فهرست		
ردیف	عنوان مقاله و نویسندگان	صفحه
<b>بخش اول : مجموعه مقالات سخنرانی</b>		
۱	ایران و سازمان شانگهای، عضویت دائم و چالش پیش رو دکتر بهرام امیراحمدیان	۱
۲	مفهوم امنیت منطقه ای در جنوب غرب آسیا با تاکید بر نقش افغانستان زهرا احمدی پور، محسن عزیززاده طسوج	۱۷
۳	تحلیل ژئوپلیتیک جایگاه ایران در ابتکار یک کمر بند یک جاده چین و فرصت های پیش روی آن سید عباس احمدی، حسن نور علی	۵۸
۴	تأثیر بنیادگرایی دینی در منطقه جنوب غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران لیلا کیانی، سید حمید رضا مرتضوی، سید محمد تقی رئیس السادات	۷۱
۵	زمینه های ژئوپلیتیکی شکل گیری اتحادیه کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا با الگو برداری از اتحادیه اروپا دکتر علیرضا محرابی، مجید پناهی مهربانی	۹۰
۶	ژئوپاسفیک در جنوب غرب آسیا، تبیین مصادیق ورزش، هنر و گردشگری در همگرایی و صلح بین کشورهای منطقه سید محمد تقی رئیس السادات، سامان خلیلیان، لیلا کیانی	۱۰۲
۷	بررسی و تحلیل مناسبات ژئوپلیتیکی در جنوب غرب آسیا ( نمونه موردی: ترکیه با جمهوری گرجستان ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ م) حیاتی اونلو، محسن سلطانی، شقایق برادران مطیع	۱۲۲
۸	چالش های امنیتی ایران در منطقه غرب آسیا با رویکرد به دفاع در عمق راهبردی روح اله پورطالب، خدایار مولایی پور	۱۴۳

۱۶۲	پیامدهای ژئوپولیتیک تعارضات نظری و کارکردی ناسیونالیسم در منطقه خاورمیانه احسان لشگری تفرشی	۹
۱۷۵	بررسی و تحلیل مناسبات ژئوپولیتیکی ترکیه با جمهوری عربی سوریه در جنوب غرب آسیا، مبتنی بر دکترین عمق استراتژیک و نئوعثمانیسم (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ م). محسن جانپور، شقایق برادران مطیع، محسن سلطانی	۱۰
۱۹۲	بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای پروژه یک کمربند یک راه برای جمهوری اسلامی ایران سیده الهام قباسفیدی، هادی اعظمی، امیدعلی خوارزمی	۱۱
۲۱۱	تبیین قابلیت‌های استانهای مرزی و تاثیر آن در روابط ژئوپولیتیک ایران و جمهوری آذربایجان، محمد اخباری، فریبا محبوبی	۱۲
۲۳۴	تبیین مولفه‌های ژئوپولیتیک ایران در مناسبات با اقلیم کردستان عراق لقمان توتونچی، محسن جان پور، لیلا کیانی	۱۳
۲۵۹	ژئواکونومی اسرائیل و تأثیر آن بر عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه خلیج فارس بهادر زارعی، فاطمه قاسم‌نژاد، آرش نصیری زرقانی	۱۴
۲۷۹	سنجش مزیت‌های ژئوپولیتیکی ایران در راستای نیل به هاب هوایی جنوب غرب آسیا جواد شاپوری، افشین متقی	۱۵
۲۹۸	رابطه بین هویت قومی و امنیت در منطقه اورامانات استان کرمانشاه عباس علیپور، افشین متقی دستنایی، حسین همتی فر	۱۶
۳۲۲	تدوین سناریوهای پیش روی صلح سوریه ریحانه صالح آبادی، سیروس احمدی نوحدانی، ساجد بهرامی جاف	۱۷
۳۴۵	جایگاه ژئواستراتژیک افغانستان در روابط ژئوپولیتیک بازیگران عمده منطقه ای و فرامنطقه ای در غرب آسیا رضا جنیدی، علی ابوالخانی، مسعود مهدوی، بهرامعلی خدایی	۱۸
۳۶۳	زمینه‌های همگرایی و صلح اسرائیل و امارات متحده عربی	۱۹

۳۸۱	عباس علی پور، علی ابوالخانی ، مسعود عبدی، بهرامعلی خدایی
۲۰	نوازن قوا و تحول مفهوم امنیت منطقه ای در قرن ۲۱ مرتضی قورچی، قاسم عباسیان
۳۹۲	نقش سینما در بازنمایی وضعیت ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا مرتضی قورچی، سپیده السادات موسویان
۴۰۴	مدل سازی رهیافت ژئواکونومیک روسیه در معادلات منطقه‌ای جنوب غرب آسیا داود کریمی پور
۴۲۲	تبیین چالش های جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جنوب غرب آسیا و تاثیر آن بر امنیت ملی فرهام گودرزی
۴۳۶	تحلیل تأثیر جنگ قره باغ بر مولفه های ژئوپلیتیک ایران زکیه نادری چنار، محسن جان پرور، محمد یوسفی شاتوری
۴۵۰	بررسی خوانش عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی عزیز نصیرزاده- کوروش اشکبوس
۴۷۴	بررسی روابط سیاسی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم در منطقه جنوب غرب آسیا محمد محمودی بالاگفشه
۴۸۷	ارزیابی طرح جمهوری اسلامی ایران در رابطه با صلح منطقه ای هرمز و نقش آن در امنیت منطقه ای خلیج فارس علی محمد پور ، علی توحیدیان، مهدی الیاسی
۵۰۵	تحلیل ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا با تاکید نقش عوامل همگرایی؛ واگرایی محمد اخباری ، اعظم پورقاسمی
۵۱۵	بررسی تحولات ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک صنایع دریایی جنوب ایران و تطبیقی آن با بنادر هاب اروپا ( مطالعه موردی صنعت بانکرینگ بنادر جنوب ایران و تطبیق آن با بندر روتردام هلند) مهدی مظفری زاده

۵۳۹	۳۰	تحولات ژئوپولیتیکی خاورمیانه ایران و عربستان در مناسبات منطقه‌ای پس از سال ۲۰۱۱ مهدی مهدوی زاده؛ حشمت اله علی زاده؛ ایمان جمشیدپور نصیرمحلله
۵۵۵	۳۱	روندهای بحران ساز امنیت ملی عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰ سجاد محسنی
۵۷۰	۳۲	تقابل سیاست خارجی عربستان سعودی و ترکیه با رویکرد سازه انگاری ساجد بهرامی جاف، شیرزاد آزاد، محبوبه شهبازی
۵۸۰	۳۳	چالش های امنیتی مناطق مرزی در جنوب غرب آسیا مطالعه موردی: منطقه مرزی عراق و عربستان سعودی حسین عباس حسین العاصی
۵۸۹	۳۴	تحلیل ژئوپولیتیک جایگاه قفقاز در منطقه گرایی نوین ایران عمران علیزاده، حمید یحیی پور
۶۰۸	۳۵	روابط و تعاملات منطقه ای ایران و عراق بر مبنای دیپلماسی آب سمیرا سامعی
<b>بخش دوم: مجموعه مقالات پوستر</b>		
۶۲۷	۳۶	تحلیل ژئوپولیتیکی از روابط دهه اخیر ایران و روسیه مبنی بر نظریه وابستگی متقابل فاطمه بخشی شادمهری
۶۳۸	۳۷	امکان سنجی شکل گیری منطقه خاورمیانه کوچک در جنوب غربی آسیا سیدهادی زرقانی، فرزاد عابدی شجاع
۶۵۲	۳۸	بررسی تاثیرات عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای محمد زنگویی، امین مرادی
۶۶۳	۳۹	بررسی پیامدهای امنیتی و ژئوپولیتیکی جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر مرزهای آبی کشور حسین علی پور ایمنجه، فرشید مافی
۶۷۹	۴۰	نقش قدرت های فرامنطقه ای در دولت ملت سازی کشورهای جنوب غرب آسیا محمد علی صادقی، فیروز نجفی،

۶۹۲	بنیان های ژئوپلیتیکی خشونت سیاسی، مطالعه ی موردی: سوریه مزگان قانع ، جواد دهقانی	۴۱
۷۱۴	تبیین جایگاه محور مقاومت در کنش های ژئوپلیتیک خاورمیانه محمدامین ولی زاده	۴۲
۷۲۳	الگوی رفتاری لجیستیکی و ژئواستراتژیکی ایران و چین با محوریت توافق ۲۵ ساله و پروژه یک کمبرند یک راه(با رویکرد آینده پژوهی) مهدی مظفری زاد	۴۳
۷۴۵	بررسی نقش روابط ژئوپلیتیکی منطقه ای در بی ثباتی امنیتی کشور عراق حسین عباس حسین العاصی	۴۴
۷۶۳	تبیین وزن ژئوپلیتیکی سوریه در راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران افشین متقی ، حسین ربیعی، عباس سعیدی ابواسحق	۴۵
۷۸۸	آینده حکمرانی در شبه جزیره عربستان و سناریوهای پیش رو عزیز نصیرزاده- کورش اشکبوس	۴۶
۸۰۷	تحولات ژئوپولتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا (با محوریت سوریه و عراق) مریم تک روستا، حسین ربیعی	۴۷
۸۲۱	روابط ژئواستراتژیکی ایالات متحده آمریکا با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عزت اله عزتی، عزیزاله نصیرزاده، مهدی نجاتی پور	۴۸
۸۴۵	فضای مجازی و نقش آفرینی در بحران های ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی کشورهای عراق و سوریه) کیومرث فیروزی، سید علی میرزایی	۴۹
۸۶۱	محور مقاومت و نقش ژئوپلیتیک آن در تحقق تمدن نوین اسلامی حسین مصطفی پور	۵۰

## بخش دوم

### مقالات پذیرفته شده به صورت پوستر

## تحلیل ژئوپلیتیکی از روابط دهه اخیر ایران و روسیه مبنی بر نظریه وابستگی متقابل

فاطمه بخشی شادمهری<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد،

### چکیده

در این پژوهش از زاویه مناسبات به رابطه ایران و روسیه به صورت مختصر پرداخته شده ابتدا رابطه دو کشور در زمان مورد نظر (۲۰۱۹-۲۰۰۹) مورد بررسی قرار داده شد، تلاش شده که این روابط بین دو بازیگر در سطوح سه گانه ساختار نظام ژئوپلیتیکی جهانی (ساختار ژئوپلیتیکی منطقه ای، ساختار ژئوپلیتیکی پیرامونی و ساختار ژئوپلیتیکی قدرت) با تاملی بر سند ۲۰۲۰ روسیه مشخص شود. از آنجا که هدف ارائه استراتژی برای کشور ایران است پس لازم است مولفه های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط (فضای جغرافیایی، مولفه های ژئوپلیتیکی، شکل مناسبات) و میزان انطباق با اصول روابط بین الملل شناسایی شود که در این بین اشاره ای مختصر به نظریه وابستگی متقابل می شود. تا در نهایت بر مبنای این نظریه تحلیل ژئوپلیتیکی از روابط کشور ایران و روسیه داشته باشیم و نتیجه آن ارائه استراتژی هایی به کشور ایران باشد.

کلمات کلیدی: تحلیل ژئوپلیتیکی، ایران، روسیه، نظریه وابستگی متقابل



## مقدمه

نظریه وابستگی متقابل در تاریخ معاصر ایران با توجه به ظرفیتهایی که دارد در حوزه مسأله ژئوپولیتیک کشورمان قابلیت کاربست را دارا می باشد. از نظر ژئوپولیتیک موقعیت کشورمان به عنوان قلب حوزه نفتی به دلیل قرار گرفتن در بین دو حوزه نفتی بزرگ جهان، دریای خزر و خلیج فارس، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا وابستگی متقابل به عنوان نظریه ای که قابلیت پوشش دادن این مسائل را داراست بایستی در حوزه تاریخ معاصر کشورمان مد نظر قرار گیرد (وحیدی راد، ۱۳۹۲: ۱۱۳). با این تفاسیر می توان در بررسی و تحلیل روابط بین دو کشور ایران و روسیه از این نظریه بهره مند شد.

جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه بر اساس نوع برداشت از ظرفیت ها و توانایی های داخلی و خارجی خود، به تبیین و تحلیل سیاست خارجی خود در روابط دو جانبه می پردازند. در واقع روابط ایران و روسیه، همواره فراز و نشیب های زیادی داشته است. به شکلی که گاهی زمان ها دو کشور آنچنان به یکدیگر نزدیک شده اند که صحبت از مشارکت راهبردی آنها به میان آمده و گاهی نیز چنان از هم فاصله گرفته اند که به مرز تیرگی در روابط رسیده اند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۲).

از آنجا که روسیه یکی از مهمترین همکاران سیاست خارجی ایران است، هم در حوزه بین المللی (همکاری در سازمان های بین المللی، به ویژه شورای امنیت سازمان ملل)، همکاری منطقه ای (همراهی نظامی روسیه با ایران و سوریه در بحران سوریه) و هم در زمینه تأمین تسلیحاتی ایران، نقشی مهم و بی بدیل را ایفا می کند. در واقع ایران با وجود ماهیت سیاست خارجی مستقل خود، به دلیل تنوع مسایل و اختلاف های ماهوی با غرب و در راس آن با آمریکا و در شرایط بحران های غیرقابل پیش بینی در خاورمیانه، می کوشد تنها دوست خود در میان کشورهای قدرتمند جهان، یعنی روسیه را به رابطه سودمند دوجانبه بکشاند (کولایی و عابدی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). به همین دلیل بررسی این ارتباط در دوره های مختلف و براساس نظریه های مختلف می تواند در تعیین دیپلماسی و استراتژی کارآمدتر به سیاست مداران کمک کند. در این پژوهش در بررسی روابط دو کشور در طول دهه اخیر از نظریه وابستگی متقابل بهره مند شده است.

## ادبیات پژوهش

- ارس و ازبای (aras-ozbay) اتحاد استراتژیک را نوعی از روابط امنیتی گسترده می دانند که دربرگیرنده سایر ابعاد همکاری برای دستیابی به اهداف مشترک در رابطه با کمک های نظامی، صنایع دفاعی، مانورهای نظامی مشترک، اشتراکات علمی، بکارگیری نیروهای نظامی در کشورهای متحد و آموزش های نظامی است که روابط ایران و روسیه از این مقوله خارج است (Aras and Ozbay, 2008: 56).

- به نظر مارک کاتز، روسیه و ایران در بسیاری از منافع و اهداف در سال های اولیه رئیس جمهوری پوتین مشترک بوده اند و ماهیت همکاری شان به همکاری استراتژیکی تغییر پیدا کرده است و در اواسط رئیس جمهوری پوتین روسیه و ایران عدم توافق خود را در رابطه با موضوعات مختلف از قبیل مسئله دریای خزر نشان داده اند و روابط شان فقط بعد پراگماتیگی خود را به جای اهداف بلندمدت استراتژیکی نشان داده است (Katz, 2002:69).

- بورنز و هیومن صدی نیز ماهیت روابط دو کشور را تاکتیکی تعریف کرده اند که یک همکاری کوتاه مدت بر پایه منافع متقابل کوتاه مدت است که اغلب در پی دستیابی به اهدافی است که در خدمت هدف سیاست خارجی دولت است.

- الکسی مالاشنکو (Malashenko Alexi) نیز ادعا می کند که روابط دو کشور بیشتر ماهیت اقتصادی دارد و به دلایلی امکان همکاری استراتژیکی میان دو کشور وجود ندارد و یکی از دلایل اصلی این است که ایران روسیه را به عنوان بخشی از جهان غرب، اروپا و مسیحیت به حساب می آورد (اصولی و رسولی، ۱۳۹۲، ۷۳).

## مبانی نظری

### • ژئوپلیتیک

تاکنون تعاریف و تفاسیر مختلف علمی و کاربردی گوناگونی از واژه ژئوپلیتیک به عمل آمده که همه آنها در روابط متقابل جغرافیا (در مقیاسهای مختلف) و سیاست در قالب مناسبات قدرت اشتراک دارند؛ بدین مفهوم که قلمروهای جغرافیایی به فراخور موقعیت و محتوایی که دارند در معنابخشی به الگوهای رفتاری (تعامل، رقابت و ستیز) واحدهای سیاسی نقش آفرینی می کنند و سازنده و هویت بخش رویدادهای نواحی مختلف جهان هستند (زارعی، ۱۳۹۷: ۹۳). از اینرو ژئوپلیتیک به مطالعه روابط متقابل سیاست (قدرت) و جغرافیا (فضا، مکان و قلمرو) می پردازد (کاویانی و مالدار، ۱۳۹۶: ۳). مسئولیت ژئوپلیتیک در وهله نخست، به ویژه شناسایی و بررسی تأثیرات جغرافیا بر سیاست خارجی دولت و قدرتهای درگیر در قلمروهاست. در وهله دوم، جست و جو، یافتن و تبیین اندرکنش ها در قلمرو رقابت و در پایان و به ویژه پیش بینی رویکرد و کارکرد بازیگران در این قلمروهاست. ژئوپلیتیک حتی هنگام بررسی و تحلیل با توجه به همه مؤلفه های مؤثر در رقابت به ویژه مؤلفه های پایدار، ضمن وضوح ماهیت رخدادهای، نتیجه طبیعی رقابت را پیش بینی کند (کریمی پور، ۱۳۹۴: ۸۱۰).

### • نظریه وابستگی متقابل

با توجه به نیاز به ارائه یک چارچوب نظری جدید برای تبیین نظام بین المللی با یک روند توصیفی - تحلیل کساننی چون رابرت کوهن و جوزف نای و دیگران، نظریه وابستگی متقابل را به عنوان مناسب ترین چارچوب نظری برای درک و تشریح پدیده های نظام بین الملل ارایه دادند. نظریه وابستگی متقابل در ردیف نظریه هایی در روابط بین الملل قرار می گیرد که می کوشند به لحاظ روش شناختی میان سطوح

تحلیل خرد و کلان پیوستگی برقرار کنند. کوهن و نای می کوشند "سیاست جهانی را با طرح توضیحاتی در سطح نظام بین الملل" درک کنند و در عین حال روندهای داخلی را نیز مورد توجه قرار دهند. همانگونه که جیمز روزنا در ایجاد پیوستگی میان نظام های ملی و بین المللی، نوع جدیدی از نظام سیاسی را تحت عنوان "نظام نفوذ پذیری" مطرح کرده، جوامع ملی آن چنان از سوی محیط خارجی متأثر شده اند که دیگر به هیچ وجه تنها منبع مشروعیت یا حتی تنها منبع به کارگیری ابزار زور مشروع نیستند (سیف زاده، ۱۳۶۷: ۱۸۰).

بنابراین در حال حاضر نظام های ملی چنان متأثر از یکدیگر و وابسته به هم هستند که عملکردشان با همکاری اعضای خارج از نظام (داخلی) تضمین می شود. با توجه به اصول نظریه وابستگی متقابل می توان این نظریه را در ردیف نظریه های مربوط به نظام های نفوذ پذیری قرار داد.

نظریه وابستگی متقابل مبتنی بر سلسله اصولی است که به طور خلاصه عبارتند از: تعدد کانالهای برخورد و تماس میان جوامع، افزایش تعداد بازیگران در عرصه روابط بین الملل و در نتیجه کاهش نقش دولتها به عنوان تنها بازیگر، کاهش نقش نیروی نظامی و زور در روابط بین الملل، افزایش حس امنیت از طریق وابستگی متقابل هسته ای و در عین حال انتقال حوزه رقابت میان دولت ها از بعد نظامی به اقتصادی، عدم وجود سلسله مراتب در دستور کار سیاست خارجی و تفوق سیاستهای اقتصادی در این برنامه، افزایش تعاون و همکاری میان کشورها و ...

نظام بین المللی تصویر شده از سوی نظریه وابستگی متقابل نظامی است که به طور کیفی نظام بین المللی گذشته متفاوت است. حوزه های موضوعی، بازیگران، روابط آنها، قواعد بازی، کارگردانی و نقش اقتدار و زور هر یک کارکردی متفاوت از معادل های خود در نظام بین المللی گذشته دارند. اقتصاد نقش اساسی پیدا کرده و بدین ترتیب حتی بازیگران سنتی (یعنی کشورها) با ماهیتی اقتصادی و نه نظامی وارد بازی شطرنج بین المللی می شوند. در این زمینه برخلاف دو دهه اول پس از جنگ جهانی که نظام دو قطبی مبتنی بر تسلیحات هسته ای حاکم بود، به تدریج ابر قدرت شرق ناکارکرد شد بازیگران جدیدی از جمله ژاپن و آلمان در جرگه بازیگران اصلی وارد شده اند که قادرند از طریق سرمایه گذاری، سیاست های مناسب تسلط بر نوسان های ارزی و زیر و بم های مالی و تعیین راهبردهای بین المللی رونق اقتصادی، نفوذی معنی دار در اقتصاد جهانی داشته باشند. روابط تعارض گونه و گریز از مرکز گذشته جای خود را به نوعی همکاری محافظه کارانه و هوشیارانه بین بازیگران اصلی می دهد و این احساس به وجود می

آید که بدون همکاری با رقبا و دشمنان دیرینه هر بازیگری چه جهان سومی بدون وابستگی به دیگران محکوم به فنا خواهد شد (واعظ مهدوی، ۱۳۷۵: ۹۸).

بدین ترتیب، نظریه وابستگی متقابل به طور فزاینده ای تمامی کشورها را به یکدیگر پیوند می دهد و آنها را در شبکه خود درگیر می سازد و امنیت هر کدام از آنها و مخصوصاً فرصت های اقتصادی آنها را وابسته به یکدیگر می کند. مشکلاتی که در مقابل یک کشور منفرد قرار می گیرد، هرچه باشد نمی تواند به طریقی حل شود که به منافع دیگر کشورها لطمه زند؛ در عوض به طور جمعی به حل مشکلات پرداخته خواهد شد و تمام کشورها از آن سود خواهند برد.

### بحث

#### تحلیل ژئوپلیتیکی

در تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و روسیه باید به فضای جغرافیایی دو کشور در سطوح مختلف، مولفه های ژئوپلیتیکی، بازیگران مرکزی و پیرامونی و همچنین نوع مناسبات دو کشور توجه داشت. که در دل هر یک از این عناصر اهداف و منافی که از این ارتباط دستاورد هر کدام از کشورها می شود، قرار دارد. البته که در این تحلیل چون رویکرد پژوهش نظریه وابستگی متقابل است در بررسی هر عنصر از ملاحظات این نظریه استفاده می شود.

#### ➤ فضای جغرافیایی:

مناطق آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و دریای خزر چهار منطقه ای است که در روابط دو کشور بسیار موثر است به گونه ای که ایران و روسیه به تدریج در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، خزر به درک مشترکی از منافع متقابل رسیدند که مبنای برای همکاری آنها در سطح مناطق است. خطر گسترش نفوذ قدرت های غربی و متحدان آنها (ترکیه، اسرائیل، عربستان و پاکستان)، سرایت بحران های موجود در منطقه به درون مرزهای دو کشور و بستر ایجاد شده بر اساس قرارداد ۱۹۸۹ در گسترش همکاری ها بسیار موثر هستند (باقری و جمعه زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

\* فضای جغرافیایی قفقاز: سیاست های منطقه ای روسیه، در قبال قفقاز به نظر می رسد عمدتاً تابع ملاحظات امنیتی و استراتژیک است. برای ایران نیز مجاورت قفقاز ناامن و درگیر در مسائل قومی و هویتی بحران ساز، نگرانی هایی را به دنبال دارد. منافع دیگر ایران و روسیه در منطقه قفقاز مخالفت با حضور قدرت های خارجی و روابط کشورهای گرجستان و آذربایجان با ناتو است. باید توجه داشت که در شرایط فعلی رویکرد اقتصادی است ولی رویکرد سیاسی و امنیتی که نسبت به قفقاز برای ایجاد موازنه قوا میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان باعث شکست ایران در فضا می شود.

\* فضای جغرافیایی آسیای مرکزی: در دکتترین سیاست خارجی روسیه تشکیل کمربندی از همجواری مسالمت آمیز پیرامون مرزهای این کشور و تلاش برای نابودی زمینه های تنش و درگیری و پیشگیری از پیدایش مشکلات در مناطق نزدیک به روسیه به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی روسیه تعریف شده است. ایران تنها کشوری است که با این سه حوزه مرز مشترک دارد و این ویژگی جغرافیایی باعث شده تا نقش ممتازی در سیاست خارجی روسیه پیدا کند.

✳ فضای جغرافیایی دریای خزر: در این رابطه رو سیه به همکاری با طرح باکو-تفلیس-جیحان مبادرت ورزیده است و نماینده ویژه رئیس جمهوری رو سیه در امور دریای خزر سیاست ایران (بهره برداری م شاع یا تقسیم دریا به بخش های مساوی) را غیر عملی خوانده است. در مورد خطوط انتقال انرژی نیز دو کشور با وجود توافق بر سر جلوگیری از ایجاد خطوط انتقال شرقی-غربی، اما هیچ توافقی برای بهره گیری از فرصت های جغرافیایی یکدیگر به عمل نیاورده اند تا جایی که روس ها بیشتر به انحصار خطوط انتقال انرژی برای رسیدن به موقعیت ابر قدرت انرژی از نگاه پوتین اندیشیده اند و ایران را به عنوان گزینه رقیب در این حوزه تلقی کرده اند (موسسه بین المللی مطالعات خزر، ۱۳۸۷: ۲۴).

✳ فضای جغرافیایی خاور میانه: در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه خاور میانه در اولویت پنجم منطقه ای سیاست خارجی مسکو قرار دارد. عواملی در تقویت همکاری های ایران و روسیه در منطقه خاور میانه نقش دارند، یکی به توان بالای کنشگری ایران در کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، لبنان و فلسطین مربوط است و عامل دیگر مربوط به انقلاب های عربی و روی کار آمدن حکومت های متمایل به غرب که در تعارض با منافع روسیه و ایران است و زمینه را برای همکاری بیشتر این دو کشور برای جلوگیری از سناریو های همانند فراهم می کند. مواضع دو کشور ایران و روسیه نسبت به صلح خاور میانه متفاوت بوده است. در حالی که ایران روند سازش را ناعادلانه می داند روس ها روابط گرمی با اسرائیل دارند. اسرائیل پس از ترکیه دومین شریک تجاری عمده روسیه در خاور میانه است علاوه بر آن نزدیک به ۱ میلیون روسی در اسرائیل سکونت دارند و این عامل مهمی برای روابط فرهنگی روسیه و اسرائیل است روابط دیپلماتیک نزدیک و همکاری فنی-نظامی دو کشور نیز در وضع مساعدی است. با این حال مواضع روسیه نسبت به خاور میانه در دوره پوتین به نوعی موازنه برگشته است و به دولت سوریه تسلیحات فروخته و با دولت خودگردان ارتباط دارد و حتی پس از پیروزی حماس در انتخابات سمران آن را به مسکو دعوت کرد و این به رغم مخالفت های آمریکا و اسرائیل بود مسکو معتقد است که باید به انتخاب مردم فلسطین احترام گذاشت. اما روابط رسمی با حماس را به شناسایی اسرائیل مشروط کرده است. از دیدگاه ایران، سوریه خط مقدم جبهه توسعه طلبی اسرائیل است و اگر دولتی غربی در سوریه بر سر کار آید به نفع ایران و جبهه مقاومت نخواهد بود، جمهوری اسلامی ایران از دولتی حمایت می کند که متحد مقاومت است. از نگاه روسیه این وجه موضوع که نباید در سوریه با مداخله غرب حکومتی طرفدار آمریکا در دمشق به قدرت برسد با نگاه ایران نزدیک است. ایران و روسیه سطح بحران در سوریه را نه یک بحران داخلی محدود بلکه به طور بالقوه یک بحران منطقه ای و بین المللی می بینند که تنها در سایه همکاری همه جانبه قابل حل و فصل خواهد بود. به طور کلی منطقه خاور میانه به چند دلیل برای روس ها اهمیت دارد:

موقعیت جغرافیایی: روسیه از طریق ایران و ترکیه عملاً با منطقه خاور میانه همسایه است. ضمن آنکه مسافت میان گروزی پایتخت چین و موصل عراق حدود ۶۰۰ مایل است (سهرابی، ۱۳۹۳: ۱۳۵). بنابراین مجاورت فیزیکی و همسایگی یکی از مهمترین دلایلی است که منطقه خاور میانه را برای روس ها با اهمیت می کند.

مسلمانان: با فروپاشی شوروی، عملاً دیواری که میان مسلمانان روسیه و سایر مسلمانان کشیده شده بود، فرو ریخت. در حال حاضر حدود یک هفتم جمعیت روسیه را مسلمانان تشکیل می دهند که رو به رشد نیز می باشند.

یهودیان روس تبار: حدود ۲۰ درصد از جمعیت اسرائیل را یهودیانی تشکیل می دهند که سابقا در اتحاد جماهیر شوروی زندگی می کردند. تقریبا اکثر این عده در حال حاضر می توانند به زبان روسی صحبت کنند.

ناارامی های مذهبی و سیاسی مداوم در جهان اسلام: ورود اندیشه های رادیکال و جنگ طلب از خاورمیانه به قفقاز شمالی و به خصوص جمهوری های تاتارستان و باشقیرستان همواره موجب نگرانی روس ها بوده است.

منابع غنی انرژی: روسیه خود را به عنوان یک قدرت در حوزه انرژی به حساب می آورد و به دنبال فرصت در مرزهای جنوبی خود می گردد.

حضور نظامی آمریکا: روس ها همواره با دقت تحرکات و سیاستهای نظامی آمریکا را در منطقه دنبال کرده اند. در این بین به خصوص لشکر کشی آمریکا به عراق و افغانستان موجب توجه بیشتر روسیه به حضور نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه شده است که در مسئله سوریه این حساسیت افزایش یافت.

### ➤ بازیگران:

بازیگران اثرگذار در روابط ایران و روسیه به دو دسته پیرامونی و مرکزی تقسیم می شوند که:

بازیگران مرکزی: مسکو (پوتین)، تهران و آمریکا قرار دارند. که وجود این بازیگر سوم خود عاملی برای وابستگی متقابل دو کشور ایران و روسیه است چرا که دو کشور ایران و روسیه با نظام بین المللی تک قطبی، هژمونی و یکجانبه گرایی آمریکا مخالفت جدی دارند. جلوگیری از فشارهای آمریکا برای منزوی ساختن ایران و روسیه، دستیابی به قدرت مانور بیشتر در سطح بین المللی با همکاری های دولت های مستقل یا ناراضی از وضع موجود و جلوگیری از گسترش ناتو از مهمترین موضوعات مشترک در حوزه سیاست خارجی ایران و روسیه است. علاوه بر این بازیگران پیرامونی چون دولتهای ترکیه، عربستان و پاکستان، گروهک های طالبان و چین، اسرائیل است که از یکسوی می تواند اثر مثبت داشته باشند و مناسبات را به سمت همکاری پیش برند و از یکسو بازیگری چون اسرائیل که از یکطرف ایران مخالفش و از طرف دیگر روسیه موافقش می باشد می تواند مناسبات دو کشور را به سمت تعارض بکشاند.

### ➤ مولفه های ژئوپلیتیکی

عوامل جغرافیایی قدرت در سطوح ملی و فراتر (مولفه های ژئوپلیتیکی) که در روابط بین دو کشور تاثیر بسیاری دارد باید توجه داشت که مولفه های بسیاری در روابط بین الملل هر کدام از کشورها است ولی در اینجا تاکید بر مولفه هایی شده است که در روابط بین روسیه و ایران تاثیرگذار است که به شرح زیر می باشد:

### جدول ۱: مولفه های ژئوپلیتیکی کشورهای ایران و روسیه

کشور روسیه

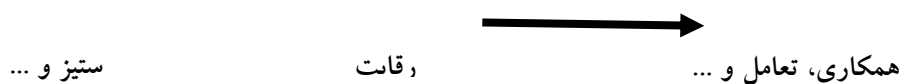
کشور ایران

موقعیت جغرافیایی، موقعیت ژئوپلیتیکی	موقعیت جغرافیایی، موقعیت ژئوپلیتیکی
موقعیت دریایی، اقلیت های مسلمان	موقعیت دریایی، دسترسی به آبهای آزاد
ذخایر گاز، انتقال انرژی، قدرت اقتصادی	موقعیت گذرگاهی، ژئوپلیتیک مذهبی، دولت ملی قوی.
جایگاه ترانزیتی، ایدئولوژی سیاسی حکومت	ذخایر نفت و گاز، انتقال انرژی، جایگاه ترانزیتی، ایدئولوژی
قدرت نظامی، موقعیت استراتژیک، حق وتو	سیاسی حکومت، قدرت نظامی،
کدهای ژئوپلیتیکی، تفاهم نامه های دوجانبه	موقعیت استراتژیک، کدهای ژئوپلیتیکی،
موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در ساختار منطقه ای و جهانی ،	تفاهم نامه های دوجانبه، موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در
قدرت نرم و...	ساختار منطقه ای، هویت ژئوپلیتیکی، قدرت نرم و...

در بین این مولفه ها تعدادی وجود دارند که می تواند با رویکرد وابستگی متقابل تاثیر مثبتی بر روابط دو کشور داشته باشند. از جمله دسترسی به آبهای آزاد و موقعیت گذرگاهی ایران، ذخایر نفت و گاز، ایدئولوژی سیاسی حکومت، تفاهم نامه های دو جانبه و قدرت نرم و از سوی دیگر حق وتو روسیه، انتقال انرژی عظیم به اروپا، جایگاه بالای روسیه در ساختار جهانی؛

➤ مناسبات

فضای جغرافیایی، مولفه های ژئوپلیتیکی و بازیگران این میدان باعث شده اند که شکل مناسبات ایران و روسیه از رقابت به سمت همکاری و تعامل باشد و از نظر اصول روابط بین الملل شاهد احترام متقابل دولت ها، احترام به استقلال سیاسی دولت ها، توسعه همکاری دوستانه دولت ها هستیم.



شکل ۱ مناسبات ایران و روسیه در چند دهه اخیر

### تاملی بر بندهای راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ فدراسیون روسیه

در بند ۱۱ این راهبرد ضمن تأکید بر اینکه تنش و رقابت در سراسر جهان بر سر منابع طبیعی شدت خواهد گرفت، احتمال توسل به نیروی نظامی برای افزایش بهره مندی از این منابع و به تبع آن تغییر موازنه قوا بویژه در مناطق هم جوار روسیه از جمله در آسیای مرکزی، حوزه خزر، خاورمیانه و دریای بارنز تهدیدی بالقوه علیه امنیت ملی روسیه معرفی شده است. با این ملاحظه، در بندهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ بر توسعه و گسترش روابط روسیه با کشورها، نهادها و سازمان های بین المللی از جمله اتحادیه اروپا، گروه هشت، گروه ۲۰ و گروه بریکس (شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی)، منطقه ای چون سازمان کشورهای هم سود، سازمان پیمان امنیت جمعی و سازمان همکاری شانگهای تأکید و از همکاری با نهادهای منطقه ای در حوزه کشورهای مستقل مشترک المنافع به عنوان اولویت یاد شده است.

بندهای ۲۱ تا ۲۴ رشد اقتصادی، توسعه علمی و فناوری، بهداشتی، فرهنگی، حفظ اکولوژی سیستمهای زیستی، استفاده منطقی از محیط و همچنین حفظ ثبات راهبردی و همکاری راهبردی برابر با سایر کشورها از جمله دیگر منافع ملی روسیه است که در این بخش بر آنها تأکید شده است.

بندهای ۵۳ تا ۶۵ زیر عنوان «رشد اقتصادی» بر ضرورت ورود روسیه به جمع پنج کشور برتر اقتصادی جهان از نظر تولید ناخالص ملی در میان مدت تأکید و از این مسئله به عنوان هدفی راهبردی یاد و تحقق آن از طریق «توسعه و نوسازی فناوریهای ملی» مقدور دانسته شده است. افزون بر این، در این قسمت از استمرار الگو اقتصادی «وابسته به صادرات مواد خام» به عنوان خطری مهم یاد و بر جلوگیری از استفاده بی رویه از محصولات غذایی تغییر ژنتیکی یافته، مقابله با پیامدهای اکولوژیکی ناشی از فعالیت های صنعتی و حراست از محیط زیست نیز تأکید شده است.

با توجه به بند ۳۰ راهبرد تقابل و رقابت فدراسیون روسیه با آمریکا به ویژه در مناطقی مثل قفقاز جنوبی سبب شده است تا راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز رویکرد تقابلی با الگوی نظام بین الملل آمریکایی داشته باشد. از این جهت، آمریکا به افزایش نفوذ خود در قفقاز می پردازد و از موج گسترش ناتو به شرق و بستن پیمانهای همکاری برای صلح در چارچوب آن پیمان حمایت می



کند. لذا، روسیه نیز به تدریج با و تحکیم موقعیت خود سعی در ایجاد نفوذ در منطقه اوراسیا داشته و این یعنی که روسها در این منطقه به دوران شوری می اندیشند.

فدراسیون روسیه گسترش ناتو را نوعی تهدید علیه امنیت ملی خود دانسته و آن را در راستای کاهش اقتدار این کشور در سطح بین المللی از بین بردن مناطق حائل و بی توجهی به این کشور بزرگ میدانند. در این راستا، در بند هفدهم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که برنامه های ناتو در انتقال زیرساختهای نظامی این پیمان به سوی مرزهای فدراسیون روسیه و تلاش برای تسری بخشیدن سراسری به ناتو در منطقه امری خلاف موازین حقوق بین الملل بوده و مسکو آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود می داند .

در بند پنجاه و سوم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که ورود فدراسیون روسیه در میان مدت به ترکیب پنج کشور برتر جهان از نظر اقتصادی جزء اهداف راهبردی تامین امنیت ملی این کشور می باشد. با این وصف، به نظر میرسد رونق اقتصاد و تجارت بین المللی مسکو با کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای به عنوان یک هدف بسیار مهم در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ بوده است؛ چرا که فدراسیون روسیه این راهبرد را پس از تجربه بحران اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۸ تدوین کرده است. کشورهای مستقل شده از اتحاد جماهیر شوروی خصوصا کشورهای حوزه بالتیک و قفقاز دچار مشکلات اقتصادی- اجتماعی جدی شدند که مسکو توانست با توجه به ذخیره مالی مناسب و یک رشته اقدامات مهار بحران، نفوذ سیاسی - اقتصادی فدراسیون روسیه را در حوزه کشورهای همسود گسترش داده و با دستیابی به سهام عمده چندین شرکت بزرگ انرژی، انحصار خود در بازار انرژی منطقه را تقویت نماید.

در بند شصتم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰، پیرامون اهمیت سیاست انرژی برای فدراسیون روسیه تصریح گردیده است که امنیت انرژی یکی از اصلی ترین جهات تامین امنیت ملی در زمینه اقتصاد در دراز مدت خواهد بود. تعامل چندجانبه در جهت ایجاد بازارهای منابع انرژی که پاسخگوی اصول سازمان تجارت جهانی باشد، تنظیم و تبادل بین المللی چشم اندازهای صرفه جویی انرژی و همچنین استفاده از منابع جایگزین از جمله شرایط لازم برای تامین امنیت انرژی ملی و جهانی می باشد. در بند نوزدهم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که فدراسیون روسیه نسبت به بهره گیری از تمامی ابزارهای صلح آمیز ناشی از تعاملات جهانی در تحصیل منافع ملی خود بهره خواهد گرفت و امیدوار است تا ادغام موفقیت آمیزی با فضای اقتصاد جهانی و تقسیم کار بین المللی داشته باشد.

### جمع بندی و ارائه استراتژی

بر اساس یکی از دیدگاهی که به وابستگی متقابل وارد است وابستگی متقابل را محصول رژیم سیاسی - نظامی موجود سیاست جهانی می داند که وابستگی متقابل اقتصادی تحت حمایت صلح امریکایی روند روبه افزایش داشته بر اساس این دیدگاه با زوال و

چالش این رژیم سیاسی - نظامی وابستگی متقابل زوال می یابد. حال براساس این دیدگاه می توان گفت: در روابط ایران و روسیه دو دیدگاه است؛ یکی هرگاه امریکا قدرت بیشتری داشته وابستگی روسیه و ایران بیشتر است چرا که روسیه خواهان عدم ارتباط ایران و امریکا بوده و نمی خواهد در مرزهای خود یک رقیب داشته باشد. دیگر هم می تواند این باشد که با چالش در رژیم سیاسی - نظامی وابستگی متقابل ایران و روسیه قوی تر می شود، چرا که روسیه سودای ابرقدرت جهان شدن را در سر دارد و ایران ابرقدرت منطقه شدن را می خواهد. می توان رشد وابستگی متقابل را در زمینه حرکت کالا، سرمایه، افراد، اطلاعات و عقاید از ورای مرزها شکل داد و با صرف توان در مفهوم اقتصادی کشورها به یکدیگر نزدیکتر می شوند.

طبق نظریه وابستگی متقابل نظام بین المللی در حوزه های موضوعی، بازیگران، روابط آنها و حتی قواعد بازی متفاوت با معادل های گذشته است و همه در میدان بازی (فضای جغرافیایی) با سیاستهای اقتصادی وارد شده اند که به این امر باید ایران توجه مضاعف داشته باشد. به عقیده کوهن و نای ویژگی عدم تقارن در وابستگی متقابل به بازیگران منبع قدرتی برای کنار آمدن با یکدیگر می دهد. به گونه ای که بازیگرانی که کمتر وابسته اند اغلب از رابطه وابستگی متقابل به عنوان یک منبع قدرت استفاده می کنند تا از طریق آن بر سر یک موضوع چانه بزنند و یا بر مسائل دیگر تاثیر گذارند و همچنین قدرت، نفوذ و وابستگی متقابل به صورت ناگشودنی به هم مرتبط اند. پس اینجا مولفه های ژئوپلیتیکی ایران و روسیه می تواند اثر بسیار زیادی بگذارد: دسترسی ایران به آب های آزاد و گرم، موقعیت ترانزیتی انرژی، ذخایر انرژی (در حوزه اقتصادی) و موقعیت استراتژی، قدرت نرم و سطح نفوذ در کشورهای منطقه (در حوزه نظامی - سیاسی) می توانند برای ایران در چانه زنی اثرگذار باشد. البته نکته مهمی که مسئولین ایران از آن غافل هستند مراحل کسب، حفظ و بهره برداری از این مولفه های ژئوپلیتیکی می باشد. همانند استراتژی که روسیه نسبت به مولفه ژئوپلیتیکی انتقال گاز به اروپا در پیش دارد.

طبق نظریه وابستگی متقابل ایران باید اصل حساسیت و آسیب پذیری را در خود و کشور متقابل (روسیه) در نظر بگیرد. مثلا در مسایل اقتصادی اگر ارزش تجارت به رشد قیمت و درآمد دو کشور حساس نباشد آنها هنوز میزان پایینی از وابستگی متقابل دارند. همانطور که نای و کوهن تعریف می کنند: تغییرات یک کشور به چه سرعت موجب بروز تغییرات پر هزینه برای کشور دیگری می شود و میزان این تاثیرات پرهزینه چقدر است. طبق مفروضات نظریه وابستگی متقابل روابط غیر رسمی میان نخبگان دولتی و نیز نظام های اداری رسمی، روابط غیر رسمی میان نخبگان دولتی و سازمان های فراملی و شرکت های چندملیتی که این باعث می شود بازی قدرت، نفوذ و روابط از کانال های بی شمار و متعددی عبور کند. که ایران با توجه به منافی که دارد می تواند علاوه بر مسائل اقتصادی وارد حوزه های فرهنگی - اجتماعی هم بشود چرا که روابط بین الملل شکل چند وجهی و پیچیده دارد و ایران نباید از این امر غافل شود. روابط ایران و روسیه باید به یک رابطه استراتژیکی تبدیل شود، البته که در سال های اخیر این گونه نبوده است و برخلاف وابستگی متقابل که باید در حوزه های مختلف باید رشد داشته باشد فقط در حوزه های خاصی رشد داشته اند، ایران با روابط تجاری می تواند یک رابطه مستحکم را ایجاد کند.

بنابراین در استراتژی ها تاکید بر:

\*توجه به سطح تعاملات فرهنگی و اجتماعی کشور با انجام مطالعات و معرفی دو کشور به ایرانیان و روسی ها.

\*در مورد سبک زندگی در روسیه مطالعاتی دقیق صورت گیرد تا از این طریق بتوان بسته های مفیدی برای ورود در حوزه های فرهنگی- اجتماعی کشور مقابل موفق شد و در نهایت از آن در مسایل اقتصادی بهره برد.

\*نوع نگرش آن ها به امریکا و یک جانبه گرایی امریکا در منطقه باعث شده که هر دو کشور تلاش دارند تا با افزایش قدرت مانور خود در منطقه و افزایش حوزه های نفوذ از پیشروی امریکا ممانعت کنند. این عامل زمینه تعمیق اشتراکات معنایی موجود در کشور را فراهم می آورد مانند مانور پاییز ۱۳۹۸.

\*نیازمندی روسیه در تامین بخش مهمی از نیازهای کشاورزی خود و توانمندی های ایران برای تامین این نیازها در صورت داشتن برنامه ای مدون از سوی ایران زمینه روابط مستحکم تر تجاری و بازرگانی روابط نظامی- امنیتی را فراهم خواهد آورد.

در نهایت در راستای تحقق چشم انداز ۲۰ ساله با توجه به نظریه ای که مختصر به آن اشاره شد و روابطی که با روسیه و فضاهای جغرافیایی مشترکشان(منافع) دارند و تاملی که بر سند ۲۰۲۰ روسیه داشتیم، کشور ایران باید در تمام استراتژی ها تثبیت دامنه های نفوذ اقتصادی در منطقه و حفظ تعادل در منطقه گرایی توسعه ای و منطقه گرایی امنیتی- سیاسی را انتخاب کند.

## منابع

- اصولی، قاسم، رسولی، رویا. (۱۳۹۲). «روابط ایران و روسیه: فرصتها، چالش ها و سازوکارهای بسط روابط»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۱.
- باقری، اسماعیل؛ جمعه زاده، راحله. (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه ای رویکرد ایران و روسیه به تحولات افغانستان، مطالعات راهبردی جهان اسلام شماره ۵۴.
- جعفری، علی اکبر، ذوالفقاری، وحید. (۱۳۹۲)، روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲.
- زارعی، بهادر. (۱۳۹۷)، قرن بیست و یکم قرن آسیا- پاسیفیک، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- سهرابی محمد. (۱۳۹۳)، سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه مطالعات روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل)، دوره ۷، شماره ۲۵.
- کاویانی، مراد و حسن مالدار. (۱۳۹۶)، تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک بر راهبردهای ملی، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۴.
- کریمی پور، یدالله. (۱۳۹۴)، جغرافیا نخست در خدمت صلح، انتشارات انتخاب، تهران.

کولایی، الهه، عابدی، عقیقه. (۱۳۹۹)، فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶-۱۹۹۰، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۴۰

موسسه بین المللی مطالعات خزر (۱۳۸۷)، روابط ایران و روسیه: همکاری در دوره پسا همسایگی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۴، شماره ۶۱.

۱- وحیدی راد، میکایل. (۱۳۹۲)، نظریه وابستگی متقابل و کاربست آن در تاریخ معاصر ایران، خردنامه سال چهارم بهار و تابستان ۱۳۹۲ شماره ۱۰.

واعظ مهدوی، معصومه. (۱۳۷۵)، تلاش برای تبیین نظام بین المللی: وابستگی متقابل یا وابستگی یک جانبه، فصلنامه راهبرد شماره ۱۰.

Aras, Bülent and Fatih Özbay. —The Limits of the Russian-Iranian Strategic Alliance: Its History and Geopolitics, and the Nuclear Issue, Korean Journal of Defense Analysis, Vol. 20, No. 1, 2008, ۵۶.

Katz Mark N. (2002), Russian-Iranian Relations in the Putin Era, Demokratizatsiya, Vol. 10, No. 1, Winter

## امکان سنجی شکل گیری منطقه خاورمیانه کوچک در جنوب غربی آسیا

۱- سیدهادی زرقانی، ۲- فرزاد عابدی شجاع

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی، مشهد

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری، جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد

## چکیده

منطقه آسیای جنوب غربی در اغلب تفاسیر گستره‌ای از آسیای مرکزی تا مدیترانه است و با اندکی تغییر در اعضا، خاورمیانه خوانده می‌شود. این محدوده به دلیل وسعت زیاد و تنوع فرهنگی، ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی و تضاد منافع فاقد انسجام لازم و اشتراکات بنیادی برای اطلاق عنوان منطقه ژئوپلیتیکی است. وجود قدرتهای رقیب نظیر ترکیه و عربستان نیز به این مسئله دامن می‌زند. بنابراین باید به دنبال گزینه‌ای جایگزین برای اجرای سیاست منطقه‌گرایی ایران باشیم. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و محتوای توصیفی-تحلیلی و با پیش گرفتن رویکردی انتقادی، به شیوه‌ی اکتشافی و از طریق مدل سازی به دنبال امکان سنجی تشکیل منطقه‌ای کوچکتر و محدودتر در دل این گستره‌ی بزرگ بود. از مدل نردبانی و سلسله مراتبی که موقعیت جغرافیایی، اشتراکات بنیادی، منافع و تهدیدات مشترک، کارکرد ژئوپلیتیکی و چند مولفه‌ی دیگر برای دستیابی به این هدف استفاده شد. دکترین محور مقاومت، ژئوپلیتیک شیعه و سیاست خارجی ایران، به دلیل وجود منافع و تهدیدات مشترکی چون دستیابی به بازار مشترک انرژی، تروریسم و بحران زیست محیطی، توان گردهم آوردن شش کشور عراق، سوریه، لبنان، اردن، کویت و فلسطین، حول مناسبات منطقه‌ای پایدار یا یک بازار مشترک را دارد. اما برای رسیدن به چنین منظوری راهی دراز در پیش است. نبود فضای حسن نیت و تفاوت‌انگیزه‌ها و علایق ژئوپلیتیکی برخی اعضای فرضی مثل کویت و اردن از جمله مهمترین دلایل عدم تحقق این منطقه تا به امروز است.

## کلمات کلیدی:

منطقه، خاورمیانه کوچک، منطقه ژئوپلیتیکی، آسیای جنوب غربی، محور مقاومت.

## مقدمه

بخشی از سطح کره زمین که منطقه قفقاز، شبه جزیره عربستان، نیمه غربی آسیای مرکزی و همسایگان بلافصل و منفصل ایران در غرب را شامل میشود، در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران، آسیای جنوب غربی خوانده می‌شود. این محدوده را بنا به ملاحظات گوناگون اغلب سیاسی، با جداکردن آسیای مرکزی و اضافه کردن مصر و شمال آفریقا، خاورمیانه می‌نامند. تقسیم‌بندیهای رایج دیگری در این باره مثل تقسیم بندی کمیسیون اقتصادی اروپا در سازمان ملل نیز وجود دارد که بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی در نقشه‌ها و اطلس‌های جغرافیایی خود آن را ملاک قرار می‌دهند، هرچند بنا به مصالح و ملاحظاتی گاهی این تقسیمات را در نقشه‌ها، با تغییراتی اعمال می‌کنند. آنچه حائز اهمیت است، منطقه آسیای جنوب غربی به دلیل موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و

ژئواستراتژیکی که دارد، همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی و همینطور بازوهای آکادمیک آنها بوده است و به همین دلیل در حوزه دکترین و نظریه نیز بسیاری از صاحب‌نظران به این منطقه توجهی ویژه داشته‌اند. برای مثال منطقه‌ای که اصطلاحاً خاورمیانه نامیده می‌شود، به دلیل حضور رژیم اسرائیل، یکی از مهمترین عرصه‌های جهان معاصر برای عرضه سیاست‌های ژئوپلیتیکی آمریکاست. کشورهایی مثل چین و روسیه نیز از این منطقه غافل نیستند و اروپاییان نیز جای پای قدیمی در این منطقه دارند.

سیاست خارجی ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، نگاه به بیرون و تلاش برای منطقه‌گرایی را در جهت جلوگیری از حضور فعال و قدرت‌نمایی آمریکا در سطح منطقه ضروری ساخته است. از طرفی آمریکا بعد از فروپاشی اتحاد شوروی تلاش کرد، قلمرو مفهومی منطقه خاورمیانه را افزایش داده و آن را به کشورهای استقلال یافته از شوروی نیز تعمیم دهد، به این امید که علایق ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود را در مناطق موردنظر گسترش دهد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۸۷). به همین منظور از اصطلاح «خاورمیانه‌ی بزرگ» پرده‌برداری کردند. علی‌رغم اینکه این واژه عمومیت چندانی نیافت، اما در حوزه عمل با حمله به افغانستان و عراق، آمریکا گام‌های بلندی برای حضور در منطقه برداشت. با سلسله اقداماتی که اخیراً جهت به اصطلاح صلح اعراب و رژیم اسرائیل با وساطت آمریکا انجام شد، این حضور به نوعی تثبیت نیز شد، چه بسا که بدون حضور مستقیم نیروهای آمریکایی نیز، منافع این کشور تهدید نمی‌شود. از سویی دیگر اما، باتوجه به سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران که در آن، جمهوری اسلامی از منظر علمی، اقتصادی و فناوری قرار است قدرت اول منطقه‌ی آسیای جنوب غربی شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲)، این منطقه از چنان گستره‌ی جغرافیایی برخوردار است که همگنی‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آن در حداقل قرار داشته، دغدغه‌های امنیتی متفاوت بوده و در نتیجه اطلاق عنوان منطقه ژئوپلیتیکی بر آن، محل مناقشه‌ی جدی است. این موضوع از این منظر اهمیت دارد که چشم‌انداز ایران برای همگرایی، طبق اسناد، تمام منطقه‌ی مذکور را شامل می‌شود؛ در حالی که بعضی از کشورهای منطقه تحت نفوذ روسیه یا چین هستند، برخی دیگر متحد نزدیک یا ضمنی آمریکا بوده و کشورهای حوزه خلیج فارس نیز حسن نیت اندکی نسبت به اغراض ژئوپلیتیکی ایران در منطقه دارند. تمامی این موارد را اگر کنار رقابت ژئوپلیتیکی - گفتگمانی عربستان، رژیم اسرائیل و ترکیه با ایران بگذاریم، می‌توان گفت شکل‌گیری منطقه‌ای ژئوپلیتیکی بدین وسعت با محوریت ایران، اگر نه رویایی و ناممکن، اما در آینده نزدیک تقریباً ناشدنی بنظر می‌رسد.

با نظر داشت آنچه که شرحش رفت، در حوزه سیاست خارجی و در عرصه‌ی تدوین استراتژی ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، یک بدیل با محوریت کدهای ژئوپلیتیکی ایران در منطقه، دکترین محور مقاومت و ژئوپلیتیک شیعه، برای نیل به خواست‌های ژئوپلیتیکی ایران ضروری است. این مقاله در پی آن است تا با بررسی امکان شکل‌گیری منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خاورمیانه‌ی کوچک با محوریت ایران، بدیل متناسب را پیشنهاد دهد.

تلاش‌هایی چند در حوزه‌ی نظری برای تحلیل، تفسیر و تبیین امکانات، محدودیت‌ها فرصت‌ها، چالش‌ها و پیشران‌های ایران برای منطقه‌گرایی و پیمان‌های چندجانبه انجام شده است. محسن رضایی (۱۳۸۳) در کتاب *گزیده‌ای از طرح پژوهشی شکل‌گیری منطقه‌ی*

آسیای جنوب غربی: ایران منطقه/ای، طی یازده فصل به این موضوع پرداخته است. این کتاب علاوه بر بررسی تاریخی و نظری منطقه و منطقه گرایی در آسیای جنوب غربی و جایگاه آن در نظریات کلان روابط بین الملل، به ترکیب منطقه، نظم سیاسی منطقه و بازیگران منطقه پرداخته است. همچنین جایگاه ایران در منطقه نیز تشریح شده و در پایان نتیجه گرفته است که به دلیل وجود مشکلاتی نظیر تنوع فرهنگی-زبانی و ایدئولوژیکی و منافع متفاوت و گاهی متضاد، امکان شکل گیری منطقه ی ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا با هژمونی یا لاقول حضور قدرتمند و جدی ایران، امکان کمی دارد. علاوه بر کتاب مذکور، حسین سلیمی (۱۳۸۸) در مقاله ی آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق عنوان منطقه به آسیای جنوب غربی؛ به بررسی جغرافیایی محدوده ی آسیای جنوب غربی ذیل عنوان منطقه پراخته و نتیجه می گیرد به دلیل گستره جغرافیایی زیاد، آسیای جنوب غربی واجد شرایط اطلاق عنوان منطقه نیست و از طرفی منطقه سازی در آن نیز دشوار است (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). همچنین زهرا احمدی پور و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله ای با عنوان تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت ها و چالش های همگرایی در منطقه غرب آسیا، علایق و ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، زبانی و دینی کشورهای منطقه را بررسی کرده و معتقدند علی رغم وجود برخی اشتراکات قوی، منطقه فاقد یک سازمان منطقه ای فراگیر است و با توجه به اختلافات ایدئولوژیکی، بحران آب، تروریسم و اختلاف سطح توسعه میان کشورها، در کوتاه مدت، امکان شکل گیری یک همگرایی منطقه ای ممکن نیست (احمدی پور، قادری حاجت، مختاری هشی، ۱۳۸۹: ۷۷).

در نهایت رضا سیمبر (۱۳۸۸) نیز در مقاله ی ایران و منطقه گرایی در آسیای جنوب غربی: راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی ایران، مدلی نردبانی از روند همگرایی در منطقه ارائه داده و به تفاوت منطقه گرایی جدید و قدیم می پردازد. همچنین با بررسی وضعیت ایران در این نردبان، نتیجه میگیرد که به دلیل نبود فضای اعتماد متقابل در منطقه، دشواری ارتقای ایران در منطقه به عنوان قدرت هژمون و بحران های کلان سیاست خارجی در تقابل با آمریکا و کشورهای منطقه، اولویت اول، حل این مسائل بوده و سپس با گسترش صلح، می توان منطقه گرایی را نیز به برنامه سیاست خارجی اضافه کرد (سیمبر، ۱۳۸۸: ۱۲۵). لازم به ذکر است مقالات دیگری نیز در حوزه ژئوپلیتیک، روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای در حوزه موضوع حاضر وجود دارند، اما کمابیش به نتایج نسبتاً مشابه یافته اند، به همین دلیل و همینطور ارتباط کمتر موارد مذکور با موضوع مشخص مقاله، از ذکر آنها خودداری شده است. به طور کلی از بررسی نتایج مقالات مذکور چنین برمی آید، که محدوده ی جغرافیایی آسیای جنوب غربی واجد خصوصیات فراگیر منطقه ی ژئوپلیتیکی نبوده و در آینده نزدیک سخت بتواند به یک سازمان منطقه ای تبدیل گردد، همچنین به دلیل گستره ی جغرافیایی و تضادها و تفاوت های متعدد در حوزه های گوناگون، نمی توان این محدوده را منطقه ژئوپلیتیکی نامید. این مقالات هرچند به دقت منطقه آسیای جنوب غربی را بررسی کرده و نتایج قابل قبولی گرفته اند، اما نتوانسته اند راهی میان بر یا یک بدیل مناسب جهت استفاده از فرصت ها و پیشران های منطقه گرایی در این محدوده جغرافیایی با توجه به واقعیات سیاسی موجود، ارائه دهند. نقطه عزیمت این مقاله گشودن این گره و یافتن حلقه ی مفقوده ی مقالات قبلی یعنی عدم پیشنهاد یک بدیل است، این بدیل یعنی محدوده ی جغرافیایی به طور محسوس کوچکتری که کشورهای درونش ویژگی ها و خصایص شبیه تری به همدیگر داشته و تهدیدات امنیتی و منافع مشترکی میانشان وجود داشته باشد، در واقع همان خاورمیانه ی کوچک است. در این مقاله باتوجه به راهبرد سیاست خارجی ایران مبتنی بر

اسناد فرادستی و دکترین ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی، همچنین با نگاهی حتی المقدور ژرف به ویژگی‌های کشورهای همسایه که به طور بالقوه اعضای منطقه فرضی مذکور هستند، امکان شکل‌گیری منطقه خاورمیانه‌ی کوچک بررسی خواهد شد.

### تعاریف مفاهیم

#### منطقه

یک نکته در ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای مهم و تا حدودی مورد اجماع است و آن این که وجود یک جغرافیای مشترک برای شکل‌گیری یک منطقه لازم است، اما کافی نیست. در بعضی مطالعات جدید برای تعریف یک منطقه سه عامل اصلی در نظر گرفته می‌شود: عامل جغرافیایی، عامل ساختاری و عامل ذهنی که گرد آمدن این سه عامل در یک مجموعه می‌تواند شکل‌دهنده‌ی یک منطقه باشد و همکاری و ساختارهای منطقه‌ای را پدید آورد. در یک تعریف کلاسیک از منطقه آمده است: «منطقه عبارت است از گروهی از کشورها که از نظر اقتصادی، جغرافیایی و اجتماعی مستقل هستند و در پدید آوردن یک فضای جغرافیایی مشخص مشارکت دارند. بعد جغرافیایی در این تعریف مهم است» (Salas, porras, 2007:1). البته اهمیت عامل جغرافیا در این تعریف سبب نمی‌شود که نقش عامل ذهنیت در آن نادیده گرفته شود به طوری که سالاس بلافاصله ذکر می‌کند که منطقه امری است که به طور اجتماعی ساخته می‌شود و تا ایده‌هایی به هم پیوسته وجود نداشته باشد، حتی جغرافیای به هم پیوسته نیز نمی‌تواند یک منطقه را شکل دهد (Salas And porras, 2007:3).

در مجموع علی‌رغم اینکه تعریف واحدی از منطقه ارائه نشده است، اما میتوان نقاط مشترکی را میان تعاریف یافت. ویلیام تامپسون بیست و یک ویژگی و عامل را به عنوان عوامل شناسایی منطقه برمی‌شمرد، از جمله این عوامل میتوان همجواری جغرافیایی، به رسمیت شناخته شدن روابط آن منطقه به عنوان فضای مستقل و متفاوت، وجود روابط اجتماعی مکمل میان اعضا، وجود حدی از همگرایی و تعادل نیروهای محلی را نام برد (Tompson, 1973:89-112). جوزرف نای نیز منطقه را چنین تعریف کرده است: «یک منطقه بین‌المللی تعداد محدودی از کشورهاست که با روابط جغرافیایی باهم پیوند داشته و این پیوند با سطحی از وابستگی متقابل چندجانبه، معین و تحکیم شده است» (Nye, 1968:8). مشخصه‌ی منطقه داشتن خصلت و خصوصیتی است مبتنی بر مکان و اساساً واژه‌های دال بر جغرافیا است. «این واژه ممکن است به توزیع نژادی و قومی گروه‌ها، ترکیبهای متعارف جغرافیایی و اقلیمی و یا به محدوده‌های سیاسی رجوع کند» (شایان و کامل نیا، ۱۳۸۷:۱۱). در جغرافیای سیاسی به یک فضای جغرافیایی که از یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیوند دهنده‌ی اجزای تشکیل دهنده آن محیط برخوردار باشد، هم از نظر فیزیکی و هم از نظر محیط انسانی، منطقه گفته می‌شود. یک منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص است که از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه برخوردار بوده و از دیگر مناطق متمایز باشد؛ به طوری که اجزای آن به خوبی آشکار و قابل تشخیص و شناسایی باشد. از نظر فیزیکی یک منطقه باید محیطی یکپارچه باشد یا حداقل دارای ویژگی‌های جغرافیایی و استراتژیک مشابهی باشد، مثل واقع شدن در یک شبه



جزیره مانند کشورهای واقع در شبه جزیره عرب و یا واقع شدن بر گرد یک دریا مانند کشورهای ساحلی خلیج فارس (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۵). یک منطقه در ابتدا حوزه ی وسیعی است که با معیارهای فرهنگی و طبیعی مشخص می شود (بایزیدی، ۱۳۹۱: ۴۴).

### منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی به عنوان زیر مجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین و بخشی از آن است که به لحاظ ساختاری و یا کارکردی از تنانس و یگانگی برخوردار می باشد و بر پایه خصیصه های ساختاری و یا کارکردی از مناطق همجوار خود متمایز می گردد. منطقه ژئوپلیتیکی می تواند خشکی پایه، آب پایه و یا تلفیقی باشد و از مقیاسهای کوچک نظیر دریاچه یا شبه جزیره تا مقیاسهای بزرگ نظیر اقیانوس و یا قاره را در بر بگیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۷۱-۶۵). مناطق جغرافیائی بر پایه یک یا چند خصیصه ساختاری نظیر کالبد، فضا، نوع اقلیم، نوع زبان، نوع دین و مذهب، نوع و سطح فرهنگ و تمدن و یا خصیصه های کارکردی نظیر: تولید محصول و یا عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و غیره تعیین هويت می شوند. در مجموع منطقه جغرافیایی در صورت برداشتن عناصر و خصیصه های آن از حیث سیاسی، تغییر ماهیت داده و به منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل می شود. منطقه ژئوپلیتیکی سرشتی پویا داشته و دچار تحول می شود، به گونه ای که بعد از بردار شدن منطقه از منظر سیاسی و فعال شدن نیروهای واگرا و همگرا، منطقه در صورت غلبه ی نیروهای همگرا، به تدریج تبدیل به سازه ژئوپلیتیکی می شود، اما اگر نیروهای واگرا غالب باشند، متلاشی می شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

### آسیای جنوب غربی

این منطقه ژئوپلیتیکی ۱۹ کشور مستقل را شامل می شود که عبارتند از ایران، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، عربستان، یمن عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان می باشد. شکل شماره (۱) نقشه منطقه آسیای جنوب غربی را نشان می دهد. جنوب غربی آسیا به طور تاریخی یکی از کانون های عمده پیدایش تمدن ها و فرهنگ های دیرین بشر و از محورها و مسیرهای عمده تبادل فرهنگی، علمی و تجاری بین شرق و غرب عالم بوده است. ویژگی بزرگ منطقه جنوب غربی آسیا این است که در بین مردم این منطقه دین اسلام دین اکثریت است و بیش از ۸۰ درصد مردم منطقه مسلمان هستند. منطقه جنوب غرب آسیا در چند دهه گذشته به موازات تغییرات اقتصادی و اجتماعی از نظر فرهنگی نیز دچار دگرگونی هایی شده است.



شکل شماره ۱: نقشه آسیای جنوب غربی (انجمن ژئوپلیتیک ایران)

منطقه جنوب غرب آسیا با داشتن امکانات و موقعیت‌های ممتاز جغرافیایی و همچنین با داشتن منابع غنی از اهمیت ویژه ژئوپلیتیکی برخوردار می‌باشد. وجود تنگه‌های مهم و استراتژیک و منابع زیرزمینی و سرزمینی غنی و وجود منابع فسیلی و معادن فلزی و غیرفلزی اهمیت آن را دوچندان نموده است؛ اما عوامل واگرایی در منطقه جنوب غرب آسیا بسیار زیاد است و کشورهای این منطقه همواره با چالش‌های گوناگون سیاسی، امنیتی، اقتصادی ایدئولوژیکی، فرهنگی، جنگ، توسعه نیافتگی، فقر و فلاکت انسانی، بحران آب، مشکلات زیست محیطی، مسایل و مشکلات جمعیتی، اختلافات مرزی و سرزمینی تنوعات قومی و مذهبی و.. مواجه بوده‌اند که موجب بحران‌هایی در این منطقه شده‌اند. از سوی دیگر فاقد ساختار منطقه‌ای فراگیر هستند تا بتوانند در راستای حل و فصل منازعات و چالش‌های شکل گرفته گام بردارند. اما در این مطالعه، همسایگان شرقی ایران (افغانستان و پاکستان)، کشورهای جنوب خلیج فارس شامل قطر، امارات، بحرین، یمن و عمان، کشورهای قفقاز (گرجستان، آذربایجان و ارمنستان) و در نهایت رژیم اسرائیل، عربستان و ترکیه، هر یک بنا به دلایل سیاسی، ایدئولوژیکی، جغرافیایی، اقتصادی یا فرهنگی، به عنوان اعضای اولیه‌ی منطقه حضور ندارند و منطقه فرضی خاورمیانه‌ی کوچک در صورت تحقق و شکل‌گیری، شامل ایران، عراق، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین اشغالی و کویت می‌شود.

پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای، محتوای توصیفی - تحلیلی و رویکردی انتقادی، ابتدا به تشریح وضعیت کلی کشورهای حاضر در منطقه پرداخته، اشاراتی به دلایل جداسازی برخی کشورها از تحلیل حاضر می‌کند و سپس یک مدل نردبانی را برای امکان سنجی تحقق منطقه ژئوپلیتیکی خاورمیانه‌ی کوچک ارائه می‌دهد.

### خاورمیانه کوچک

منطقه‌گرایی یا همگرایی منطقه‌ای تنها اشاره به پهنه‌ای جغرافیایی ندارد. منطقه‌گرایی اشاره به گسترش فرآیندهای همکاری سیاسی یا اقتصادی در میان دولت‌ها و دیگر بازیگران در یک منطقه جغرافیایی خاص دارد؛ اگرچه از این عبارت بیشتر در زمینه‌ی جریان‌های تجاری استفاده می‌شود. منطقه‌گرایی اگرچه مفهومی است که ماهیت فضایی دارد اما با ترکیبی از مجاورت‌های جغرافیایی به همراه تراکم تعاملات متقابل، چارچوب‌های نهادی اشتراکی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود. با وجود این، مناطق عموماً هستی‌های پویایی هستند و هیچ بلوک سازنده‌ی نظم بین‌المللی به عنوان سازه‌های فضایی فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی وجود ندارد که ماهیت و کارکرد آن در طول زمان دچار تحول نشود. با استفاده از عبارت منطقه‌گرایی به جنبه‌های پویای همکاری منطقه‌ای به مثابه رشد تعاملات اقتصادی و اجتماعی و نیز رشد هویت‌ها و آگاهی‌های منطقه‌ای اشاره می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۵۱۶). بنابراین، منطقه‌گرایی نتیجه‌ی ادغام و یکپارچگی پویا در درون یک هستی فضایی است.

بنا به تعریفی که در اسناد رسمی سیاست خارجی از منطقه‌ی آسیای جنوب غربی وجود دارد، تا تکامل و حتی شکل‌گیری چنین منطقه‌ای بنا به تعریف دقیق آن در ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل مسیر زیادی در پیش است. از طرفی حضور ایران به عنوان محور شکل‌گیری منطقه بنا به ماهیت جغرافیایی تعریف آسیای جنوب غربی مستلزم برخورداری ایران از نوعی هژمونی است. باتوجه به این واقعیت که کشورهایی که در این بخش فضایی قرار گرفته‌اند، به دلیل گستره‌ی وسیع، تجانس کمی باهم دارند، برای مثال در قفقاز و شرق ایران، بالعکس بخش عمده‌ی کشورهای عربی در خاورمیانه، هویت فرهنگی مشترک وجود ندارد، از طرفی دیگر کشورهای آسیای میانه و قفقاز در حوزه‌ی نفوذ قدرت‌های هژمون چین و روسیه قرار می‌گیرند، در حالی که این موضوع برای اعراب صادق نبوده و آنها اغلب با امریکا روابط نزدیک‌تری دارند. کشورهای قفقاز و بیشتر کشورهای عربی، بالعکس دو کشور افغانستان و پاکستان به هم وابستگی امنیتی گسترده و دیرپایی ندارند که تعاملات سیاسی میان این کشورها را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل کند و در نهایت ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل که قدرتهای رقیب ایران در منطقه هستند، علاوه بر رقابت ژئوپلیتیکی، رقابت ایدئولوژیک نیز با ایران دارند و اشتراک عمده‌ای نیز از هیچ منظری باهم ندارند. در نتیجه تصور حضور این چهار قدرت در یک ترتیبات منطقه‌ای در کنار هم لااقل در کوتاه مدت ناممکن بنظر می‌رسد. بنابراین، پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که با توجه به سکوت اغلب مقالات و پژوهش‌ها درباره اینک، حال که امکان تحقق همگرایی و منطقه‌گرایی ژئوپلیتیکی در تمام محدوده‌ی آسیای جنوب غربی کم و حتی ناچیز است، آیا هیچ راه جایگزینی برای دستیابی ایران به اهداف سیاست خارجی در سطح منطقه وجود ندارد؟ آیا نمی‌توان با کشورهای محدودتر و در مجموع متجانس‌تری این مناسبات منطقه‌ای را با موفقیت ایجاد کرد؟ پاسخ تا اینجا مثبت است.

دکترین محور مقاومت و ژئوپلیتیک شیعه به خوبی تغذیه‌ی نظری-فکری و ایدئولوژیک کافی برای یک ترتیبات و مناسبات همگرایانه‌ی منطقه‌ای با اعضایی کمتر را در اختیار می‌گذارند. به نحوی که در این مناسبات هم منافع ایران تامین شود، هم منافع اکثریت ملل حاضر در این مناسبات و در نهایت دست قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز از تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی منطقه کوتاه

گردد. ایران به عنوان یک بازار عمده ی تجاری بالقوه، عراق در هلال حاصل خیز به عنوان منبع غنی محصولات کشاورزی، سوریه به عنوان متحد استراتژیک ایران در حوزه روابط بین الملل و راهی برای دستیابی به منافع ژئوپلیتیکی، کویت با داشتن بنادر و اسکله های ترانزیتی و ثروت کلان، به عنوان وزنه ی ژئواکونومی و در نهایت اردن و لبنان به عنوان کریدور ورود به حوزه مدیترانه و اروپا می توانند یک منطقه مشترک اقتصادی به صورت بالقوه بسیار ثروتمند و قدرتمند را با اتحادی مثال زدنی ایجاد کنند. به نکات فوق، منابع انرژی فسیلی غنی کشورهای مذکور، اشتراکات تاریخی، هویتی، فرهنگی، دینی، تمدنی و زبانی، منافع و تهدیدات مشترک سیاسی-امنیتی و اقتصادی مختلف را نیز می توان اضافه کرد. شکل شماره (۲) نقشه خاورمیانه کوچک را نشان می دهد.



شکل شماره ۲: نقشه خاورمیانه کوچک: خط چین سیاه (ترسیم نگارندگان)

بجز ایران بقیه کشورهای یادشده، حاصل فروپاشی عثمانی و پیمان سایکس-پیکو هستند، همین می تواند به عنوان یک عامل وحدت بخش عمل کند. زبان عربی و دین اسلام به عنوان یک عامل پیونددهنده ی مهم در همه کشورها نمود دارند (رهبر، آخوندمهریزی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). ایران دارای اقلیت عرب زبان و بقیه کشورها دارای اکثریتی عرب زبان هستند. از نظر زبانی همچنین میتوان به وجود اقلیت قابل ملاحظه ی کرد در سه کشور ایران، سوریه و عراق اشاره کرد. دین حدود ۹۰ درصد مردمان این ۷ کشور اسلام بوده و ۱۰ درصد نیز اقلیت های مسیحی، یهودی، ایزدی و... هستند. حدود ۶۰ درصد جمعیت ۱۸۷ میلیونی منطقه شیعه و ۳۰ درصد اهل سنت می باشند. همچنین از نظر ساختار حکومتی بجز اردن و کویت، که به صورت پادشاهی مشروطه اداره می شوند و فلسطین که حاکمیتی نیمه مستقل محسوب می شود، بقیه کشورها به شیوه ی دموکراتیک اداره می شوند. در این میان لبنان و عراق

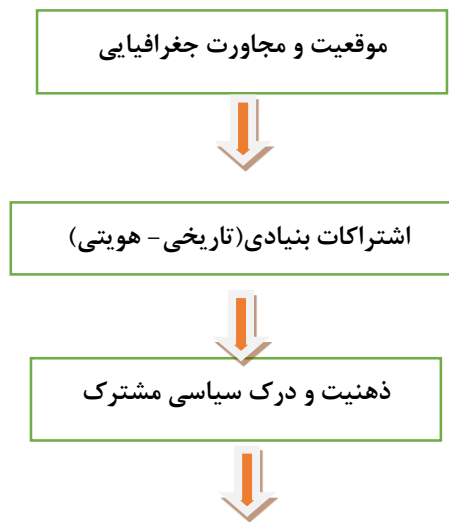
دارای جمهوری پارلمانی و ایران و سوریه دارای حاکمیت ریاستی هستند. در نهایت بجز کشور عراق که ساختاری ناحیه‌ای دارد، تمامی کشورها به شیوه‌ی متمرکز اداره می‌شوند. جدول شماره (۱) به طور اجمالی وضعیت ویژگی‌های انسانی کشورهای خاورمیانه‌ی کوچک مثل جمعیت، حکومت، دین، مذهب و زبان را نشان می‌دهد.

کشور	جمعیت (میلیون ن)	زبان اکثریت	نوع حکومت	دین اکثریت درصد	مذهب اکثریت درصد	اقلیت زبانی	اقلیت مذهبی
ایران	۸۴	فارسی	ریاستی- متمرکز	اسلام (۹۰)	شیعه (۸۰)	متنوع	اهل سنت
عراق	۳۸	عربی	پارلمانی- ناحیه‌ای	اسلام (۹۵)	شیعه (۶۰)	کردی	اهل سنت- ایزدی
سوریه	۱۸	عربی	ریاستی- متمرکز	اسلام (۹۰)	اهل سنت (۶۰)	کردی	شیعه
اردن	۱۰	عربی	مشروطه- متمرکز	اسلام (۸۰)	اهل سنت (۷۰)	عبری	شیعه
لبنان	۷	عربی	پارلمانی- متمرکز	اسلام (۸۰)	اهل سنت (۶۰)	عبری	مسیحی-شیعه
کویت	۶	عربی	مشروطه- متمرکز	اسلام (۹۵)	اهل سنت (۷۰)	فارسی	شیعه
فلسطین	۴	عربی	نیمه مستقل	اسلام (۸۰)	اهل سنت (۶۰)	عبری	شیعه

جدول شماره ۱: ویژگی های کشورهای خاورمیانه کوچک (ترسیم نگارندگان. منبع داده ها: نتایج آخرین سرشماری ها)

### مدل شکل گیری منطقه

آل ویور یکی از نظریه پردازان حوزه منطقه و منطقه گرایی در یکی از نوشته های خود می پرسد: « آیا منطقه ی دریای بالتیک وجود دارد؟ حتما خیر، اما در آینده به وجود می آید» (Waever, 1997:305). بدون تردید منظور او همجواری یا موقعیت فیزیکی و جغرافیایی نیست، چرا که موقعیت وجود دارد، بلکه او به فهم و ادراک مشترک و متقابل و عامل بیادذهنی در میان بازیگران آن منطقه اشاره دارد، به نظر او ایجاد منطقه ی دریای بالتیک بیش از هر چیز نیازمند هویت مشترک بالتیکی است تا پاره های جدا از هم را با یک درک مشترک گرد هم آورده و به سوی منافع و خواست های مشترک در قالب یک منطقه رهنمون شود (Waever, 1997:306). کسانی دیگر نیز کمابیش چنین نگرشهایی را نسبت به شکل گیری منطقه داشته اند، یعنی عامل بینادذهنی و مسائل امنیتی مشترک و منافع و تهدیدهای مشترک را مهم دانسته اند. اهمیت این مقدمه برای ما در اینجا است که مقاله حاضر نیز با نظر داشت عواملی به غیر از موقعیت و جغرافیا که البته جغرافیا مقدم بر آنهاست، دست به یک مدل سازی نردبانی - سلسله مراتبی خواهد زد، در واقع ما ابتدا نتیجه گرفتیم که گستره جغرافیایی آسیای جنوب غربی و وجود کشورهایی با علایق گوناگون و متضاد ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی مانع از شکل گیری منطقه ای موسع در این بخش از کره زمین شده و در نتیجه باید به دنبال یک منطقه ی محدودتر بود. حال برای امکان سنجی این منطقه ی محدودتر، نیازمند یک سلسله مراتب هستیم. این سلسله مراتب در نمودار شماره (۱) به صورت یک مدل نردبانی جامع ترسیم و نمایش داده شده است. شایان ذکر است، این مدل توسط نگارندگان برای اولین بار ارائه می گردد.



- نتایج سرشماری مربوط به سالهای ۲۰۱۹، ۲۰۱۸، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۰ است و به عدد نزدیکتر گرد شده است. درباره آمار مربوط به سرشماری ۱۳۹۵ است.



نمودار شماره ۱: مدل شکل گیری منطقه (نگارندگان)

با توجه به آنچه که در این نمودار قابل مشاهده است، موقعیت و همجواری جغرافیایی اولین و زیربنایی ترین شرط لازم برای شکل گیری یک منطقه است؛ در واقع اگر این شرط وجود نداشته باشد، منطقه ای نیز وجود ندارد، حتی اگر تمام شروط دیگر موجود باشند. در منطقه خاورمیانه کوچک شرط همجواری مهیاست. اشتراکات بنیادی و ذاتی نظیر تاریخ نسبتاً مشترک و هویت دینی زبانی و منشا تمدنی نیز بین هر هفت کشور تا حد قابل قبول موجود است. در زمینه ی درک سیاسی مشترک بجز اردن و کویت که نزدیکی با آمریکا و انگلیس دارند و افکار عمومی آنها نیز در همان جهت حرکت می کند، در بقیه کشورها، یا نظام های حکومتی علقه های سیاسی نزدیک به هم با محوریت ایران به هم دارند، یا اینکه افکار عمومی کشورها باعث این درک مشترک سیاسی است. برای مثال

دولت رسمی سوریه و عراق متحد نزدیک ایران هستند و در لبنان و فلسطین نیز اقلیت قابل ملاحظه‌ی شیعه و نیروهای فعالی نظیر حزب الله به این درک مشترک کمک می‌کنند. همینجا لازم به یادآوری است که شکل‌گیری منطقه خاورمیانه کوچک در این مقاله، با محوریت ایران است که معنا پیدا می‌کند، به بیان دیگر امکان تحقق چنین منطقه‌ای در این مقاله، فقط با حضور فعال ایران بررسی می‌شود. در پله‌ی بعدی نردبان ساختار و کارکرد ژئوپلیتیکی دارای اهمیت ذاتی است، فرارگرفتن این محدوده‌ی جغرافیایی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا و وجود ذخایر عظیم انرژی، باعث اهمیت استراتژیکی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه در جهان شده و همین به خودی خود بیانگر ساختار و کارکرد ژئوپلیتیک خاورمیانه‌ی کوچک است. از نمودهای عینی وجود درک و ذهنیت مشترک میان حکومت‌ها و بازیگران سیاسی - اقتصادی منطقه میتوان به وجود قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های دو یا چندجانبه اشاره کرد. ایران، سوریه، عراق و لبنان، چهار کشوری هستند که علاوه بر ارتباطات مستمری که باهم دارند، تفاهم‌نامه‌های مختلفی در حوزه‌های مختلف اقتصادی - تجاری، محیط زیستی، گردشگری و امنیتی با یکدیگر دارند. همچنین اردن، کویت و لبنان نیز چنین همکاری‌هایی را در دو دهه گذشته با هم گسترش داده‌اند و در نهایت ایران با کویت در حوزه انرژی، پیمان‌های دو جانبه دارد.

البته در این میان تحریم‌هایی که از جانب آمریکا علیه ایران و برخی کشورها اعمال شده، همکاری‌های اقتصادی را تحت الشعاع قراردادهاست. همچنین این منطقه هنوز به ثبات لازم نرسیده و یک محدوده‌ی امنیتی است، بنابراین اگر همکاری‌ها و پیمان‌هایی نیز در عرصه سیاست خارجی کشورها وجود دارد، بیشتر امنیتی - سیاسی است، تا تجاری - اقتصادی، با همه این اوصاف، وجود پیمان‌ها و همکاری‌های کج دار و مریز کشورهای منطقه باهم، بیانگر وجود حداقل‌های مثبتی در جهت همگرایی منطقه‌ای است. بازار مشترک، امنیت و توسعه پایدار، ثبات سیاسی و فروش انرژی به صورت یکپارچه از جمله منافع مشترک کشورهای هفت گانه‌ی منطقه و بنیادگرایی اسلامی، اسلام هراسی، فروپاشی اقتصادی، بحران آبی و محیط زیستی و در نهایت تهدیدات سیاسی - امنیتی درون‌زا، همچون اقلیت‌ها و برون‌زا مثل آمریکا، از جمله تهدیدهای مشترکی هستند که برخی از آنها بین همه‌ی کشورها مشترک بوده و بعضی دیگر مختص همه نیست، اما اهمیت این منافع و تهدیدات مشترک باعث شده گردهمایی این کشورها در پاره‌ای از موارد اجتناب ناپذیر گردد، برای مثال بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، از جمله تهدیداتی است که لزوم اقدام مشترک را به کشورها یادآور می‌شود.

پله‌ی بعدی این مدل نردبانی، الگوی روابط و ساختار قدرتی است که در منطقه وجود دارد، در زمینه الگوی روابط، ایران در چهار کشور عراق، سوریه، لبنان و فلسطین نفوذ سیاسی داشته یا لاقط سعی در اعمال چنین نفوذی دارد و روابطش با اردن و کویت نیز بیشتر برپایه‌ی تعامل است. بجز کشور فلسطین که اغلب کشورهای منطقه به طرق مختلف سعی در نفوذ در آن داشته و کویت که مناسبات سیاسی خاصی با عراق دارد، روابط بقیه کشورها باهم تعاملی و در مواردی رقابتی است. برای مثال کشور اردن با بیشتر کشورهای منطقه، رقابت اقتصادی دارد. این روابط نشان می‌دهد خصومت آشکاری میان کشورها وجود نداشته یا جدی نیست، در نتیجه امکان اینکه الگوی روابط سیاسی - ژئوپلیتیکی کشورها مانعی جدی بر سر عدم همگرایی یا شکل‌گیری منطقه باشد، ناچیز



است. در زمینه ساختار قدرت، در این مقاله از بررسی جامع سیدهای زرقانی که قدرت ملی کشورها را با استفاده از چندین عامل (سیاسی، اقتصادی، سرزمینی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، نظامی و...) محاسبه نموده استفاده شده است (زرقانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). برپایه ی الگوی مذکور، ترتیب قدرت در منطقه این چنین است که به ترتیب ایران، عراق و اردن در رتبه ی بهتری قرار گرفته و بعد سوریه، لبنان، کویت و در انتها فلسطین اشغالی قرار دارند. طبق این الگو، در سطح منطقه ایران قدرت دجه یک منطقه ای، عراق، اردن و سوریه، قدرت درجه دو منطقه ای و لبنان، کویت و فلسطین اشغالی قدرت درجه سه منطقه ای محسوب می شوند.

علاوه بر تمامی نکات فوق، جایگاه کشورهای منطقه مورد مطالعه و نحوه ارتباط آنها با نظام ژئوپلیتیک جهانی، از مهمترین عوامل جهت گیری استراتژیک آنها بوده و رفتار منطقه ای کشورها را می توان بر این اساس تحلیل کرد. در واقع تفاوت های عمیق میان کشورهای منطقه با کشورهای سایر نقاط جهان و قدرتهای ژئوپلیتیکی جهانی میتواند باعث نزدیکی کشورها و حتی کنش مشترک آنها شده و به شکل گیری منطقه کمک کند. برای مثال در این منطقه، ایران، سوریه و تاحدودی لبنان و گروه های تعیین کننده در عراق و فلسطین اشغالی در تقابل کامل با سیستم ژئوپلیتیک جهانی با سرگردکی آمریکا قرار دارند و همین عامل میتواند به نزدیکی هرچه بیشتر این کشورها بیانجامد. از طرفی دیگر گروه های بنیادگرای اسلامی و برخی گروه های ضد آمریکای در منطقه رشد کرده اند که به تضاد ریشه دار کشورهای منطقه با امریکا و نظام بین الملل منجر شده است.

### نتیجه گیری

منطقه آسیای جنوب غربی، باتوجه به تعاریفی که از منطقه ژئوپلیتیکی وجود دارد، تا به حال شکل نگرفته، در نتیجه باید به صورت جدی به تشکیل منطقه ای کوچکتر اندیشید. محدوده ی جغرافیایی به طور محسوس کوچکتری که کشورهای درونش ویژگی ها و خصایص شبیه تری به همدیگر داشته و تهدیدات امنیتی و منافع مشترکی میانشان وجود داشته باشد، در واقع همان خاورمیانه ی کوچک است. دکترین محور مقاومت و ژئوپلیتیک شیعه به خوبی تغذیه ی نظری- فکری و ایدئولوژیک کافی برای یک ترتیبات و مناسبات همگرایانه ی منطقه ای با اعضایی کمتر را در اختیار می گذارند. به نحوی که در این مناسبات هم منافع ایران تامین شود، هم منافع اکثریت ملل حاضر در این مناسبات و در نهایت دست قدرتهای فرامنطقه ای نیز از تصمیم گیری های کلان سیاسی منطقه کوتاه گردد. اما مدل نردبانی این مقاله بیانگر این مهم است که علاوه بر موقعیت و همجواری جغرافیایی، اشتراکات بنیادی و هویتی، ذهنیت و درک سیاسی مشترک و همچنین ساختار و کارکرد ژئوپلیتیکی در این منطقه، منافع و تهدیدات مشترکی نیز میان اعضا وجود دارد که به نوبه ی خود باعث تضادی قوی میان کشورهای منطقه و بازیگران فرامنطقه ای شده است. در نتیجه به صورت بالقوه، خاورمیانه ی کوچک با محوریت و حضور موثر ایران و همراهی شش کشور عراق، سوریه، لبنان، اردن، کویت و فلسطین اشغالی امکان شکل گیری دارد، اما مستلزم و نیازمند افزایش فضای حسن نیت میان اعضا، گسترش همکاری ها و پیمان های دو یا چندجانبه و همینطور همگرایی سیاسی بیشتر است. اردن و کویت از میان کشورهای یادشده کمترین انگیزه های ژئوپلیتیکی را برای حضور در

این منطقه دارند. این منطقه در صورتی می‌تواند با موفقیت ظهور و در عرصه‌ی ژئوپلیتیک جهانی نقش‌آفرینی کند که گفتمان‌های ژئوپلیتیکی رقیب در منطقه، مهار شوند و در دورنمایی استراتژیکی امکان پیوستن کشورهای قفقاز و کشورهای نظیر عمان که روابط بهتری با ایران دارند نیز فراهم گردد. همچنین کشورهای یادشده آمال سیاسی و ژئوپلیتیکی خود را در سطح همین منطقه دنبال کنند و به دنبال عضویت جدی در مناسبات منطقه‌ای دیگر با محوریت شبه جزیره عربستان و ترکیه نباشند. با توجه به پتانسیل‌های فراوان موجود در منطقه، شکل‌گیری چنین منطقه‌ای می‌تواند منافع تمام اعضا را تامین کند؛ اما اگر چنین منطقه‌ای ایجاد نشده یا روند شکل‌گیری آن در هر مرحله متوقف شود، با شرایط امتناع ژئوپلیتیکی روبرو شده و اغلب کشورها به دنبال راه‌هایی دیگر برای برون رفت از مسائل ژئوپلیتیکی خود خواهند بود و منطقه به یک منطقه‌ی جغرافیایی صرف ارتجاع و تنزل خواهد کرد.

## مراجع

فارسی:

کتاب:

- ۱- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۲- رضایی، محسن (۱۳۸۳)، *گزیده‌ای از طرح پژوهشی شکل‌گیری منطقه آسیای جنوب غربی: ایران منطقه‌ای*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۳- زرکانی، سیدهادی (۱۳۸۹)، *مقایسه تطبیقی مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای جنوب غربی*، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر
- ۴- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱) *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، چاپ اول، تهران: سمت.
- ۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱) *فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک (مفاهیم و نظریه‌ها در عرصه‌ی فضای مجازی)*، چاپ اول، تهران: سمت.

پایان نامه و طرح پژوهشی:

- ۱- بایزیدی، قادر (۱۳۹۱) «جهانی سازی و منطقه گرایی در معماری معاصر ایران»، رساله دکتری معماری، به راهنمایی دکتر ایرج اعتصام و مشاوره دکتر مصطفی مختاباد امرئی و دکتر فرح حبیب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقالات:

- ۱- احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی و مختاری هشی، حسین (۱۳۸۹)، «تحلیل ژئوپلیتیکی فرصتها و چالش‌های همگرایی در منطقه غرب آسیا»، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۸-۷۷.

- ۲- رهبر، عباسعلی، آخوند مهرریزی، مسعود (۱۳۸۷)، «پتانسیل‌های فرهنگی مؤثر بر همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی»، راهبرد یاس، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۶۰-۱۴۲.
- ۳- سلیمی، حسین (۱۳۸۸)، «آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۳۷-۱۱۶.
- ۴- سیمبر، رضا (۱۳۸۸)، «ایران و منطقه گرایی در آسیای جنوب غربی: راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی ایران»، دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۷ و بهار ۱۳۸۸، صص ۱۲۸-۱۱۳.
- ۵- شایان، حمیدرضا، کامل نیا، حامد (۱۳۸۷)، «منطقه گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره ی سوم»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۹۰، صص ۳۵-۱۵.
- ۶- قاسمی، محمد علی (۱۳۸۳)، «منطقه گرایی، ایران و آسیای مرکزی»، هرتسینگ، ادموند، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۳، صص ۵۲۳-۵۰۱.

اینترنت:

- ۱- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۲) سند چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، قابل بازیابی در <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132295>

انگلیسی:

- ۱- Nye, Josef S, (1968), *International Regionalism*; Boston: Little Brown.
- ۲- Salas-Porras, Alejandra. (2007), *The Political Economy of Region Formation*; Arena, May.
- ۳- Thompson, William P. (1973), *The Regional Subsystem, A Conceptual Explication and a Propositional Inventory*, in: *International Studies Quarterly*; January.
- ۴- Waever, Ole. (1997), *The Baltic Sea: A Region after Post-Modernity*; in: *Neo Nationalism or Regionalism: The Restructuring of Political Space Around the Baltic Rim*, Pertti Joenniemi (ed.) , Stockholm: Nordrefo.

## بررسی تاثیرات عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای

محمد زنگویی دوم (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>، امین مرادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه آموزشی جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه آموزشی جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

چالش‌های امنیتی و اقتصادی در آسیا، اهمیت همکاری کشورها با یکدیگر در جهت برطرف نمودن این تهدیدات، که بسیار از آنها ابعادی بین‌المللی دارد را افزایش می‌دهد. این چالش‌ها باعث تمایل کشورهای منطقه‌ی آسیا مرکزی در جهت ایجاد سازمان همکاری شانگهای گردیده است. تا بتواند با عضویت و ایجاد تعامل با کشورهای عضو، باعث برطرف نمودن این چالش‌ها گردد. این مقاله در تلاش است با بررسی تاثیرات حضور جمهوری اسلامی در سازمان همکاری شانگهای به جوانب متفاوت آن بپردازد. روش تحقیق این مقاله به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد حضور جمهوری اسلامی در سازمان همکاری شانگهای تاثیرات متفاوتی داشته که بیشتر در ابعاد جغرافیایی، منابع نفتی، سیاست خارجی در مقابله با غرب و بعد امنیتی می‌باشد. جمهوری اسلامی می‌تواند با رویکردهایی همچون ترغیب سازمان‌های عضو به استفاده بهینه و سودمند از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و همچنین کنترل و خرید راحت‌تر منابع انرژی تو سط جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای غنی از نظر ذخایر فسیلی سبب عضویت خود در این سازمان گردد این رویکرد می‌تواند در ابعاد امنیتی و فرهنگی به واسطه‌ی مبارزه جمهوری اسلامی با گروه‌های تروریستی، مواد مخدر و فرهنگ غرب در جریان باشد.

کلمات کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، سازمان همکاری شانگهای، امنیت، اقتصاد

## ۱- مقدمه

سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ ایجاد شد، و شامل شش کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان تاجیکستان و ازبکستان بود و به تدریج اعضای این سازمان گسترش یافت. در ۱۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۰ ژوئیه ۲۰۱۵) هندوستان و پاکستان نیز به عضویت سازمان همکاری شانگهای در آمدند. اکنون جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، مغولستان و بلاروس اعضای ناظر این سازمان هستند. از ۱۹ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۰ ژوئیه ۲۰۱۵) ارمنستان، آذربایجان، نپال، کامبوج، ترکیه و سریلانکا نیز به صف متقاضیان عضویت در این سازمان پیوستند. امروزه سازمان همکاری شانگهای بر این نکته تأکید دارد که این سازمان تهدید خارجی خاص یا قدرتی معارض علیه غرب یا آمریکا به شمار نمی رود و برای حفظ امنیت داخلی اعضا و همگرایی اقتصادی منطقه تأسیس شده است. با این اوصاف، تعداد زیادی از تحلیل گران غربی، سازمان همکاری شانگهای را به عنوان بلوکی ضد غربی و ضد آمریکایی یا به عنوان ابزار ضد غربی دو کشور روسیه و چین برای دستیابی به موازنه متقابل با قدرت ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیا پاسیفیک در نظر می گیرند (Kumar, ۲۰۱۳:۳۴۴).

مبنای ایجاد سازمان همکاری شانگهای، تشکیل گروه مشهور شانگهای پنج در آوریل ۱۹۹۶ توسط چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان است (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۲) در حقیقت، به این ترتیب هدف اولیه مجمع شانگهای، حل و فصل اختلافات مرزی میان چین و کشورهای بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی در آسیای مرکزی و نیز روسیه بود. در این دوره که ترکمنستان همچنان سیاست بی طرفی خود را دنبال می کرد، اعضای این پیمان به همکاری های نظامی نیز توجه داشتند و تشکیل شورای وزیران دفاع مورد تصویب قرار گرفت (انوری، ۱۳۸۰: ۶۵). با حوادث تروریستی تابستان ۱۳۷۸ و حمله به جنوب قرقیزستان، مبارزه با تروریسم و افراط گرایی دینی در این پیمان مورد توجه قرار گرفت (Hunter, ۲۰۱۱: ۶۵-۸۹). این همکاری جمعی منطقه ای برای تأمین امنیت، به ظرفیتی تبدیل شد تا کشورهای همسایه بتوانند مسایل مرزی خود را در قالب آن حل و فصل کنند. طی سال های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ چین و قزاقستان توانستند مشکلات مرزی خود را رفع کنند. قرقیزستان و چین هم طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ برای حل و فصل دعای مرزی خود به توافق رسیدند، در تابستان ۱۳۷۸ روسای جمهوری چین، قرقیزستان و قزاقستان موافقت نامه سه جانبه ای را در مورد مرزهای خود به امضا رساندند (سازمان همکاری شانگهای، ۱۳۸۴: ۱۳)، توافق نهایی در آغاز تابستان ۱۳۷۹/۲۰۰۰ در شهر دوشنبه در مورد مناطق مرزی چین، تاجیکستان و قرقیزستان امضا شد (سازمان همکاری شانگهای، ۱۳۸۴: ۱۲).

در خرداد ۱۳۸۰ در جریان دیدار اعضای شانگهای - ۵ و رئیس جمهوری ازبکستان در شانگهای، درباره تأسیس سازمان پیمان شانگهای توافق شد (سازمان همکاری شانگهای، ۱۳۸۴: ۱۵). سازمان همکاری شانگهای به عنوان سازمانی امنیتی و اقتصادی در آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۱ که شامل چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان تاجیکستان و ازبکستان است ایجاد گردید و اهداف اصلی این سازمان در بعد امنیتی شامل مقابله با گروه های تروریستی، جدایی طلب، افراطی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر و از بعد اقتصادی شامل افزایش تجارت ما بین گروه های عضو می باشد اما هدف پنهان از شکل گیری این سازمان موازنه قدرت با کشور آمریکا و هم پیمانش بوده است و سبب شده جمهوری اسلامی به عنوان قدرت منطقه ای نوظهور که توانایی بازیگری و نفوذ در

مسائل کشورهای غرب آسیا به ویژه کشورهایی همچون افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین را دارد، علاقه مند به عضویت دائم خود نماید. جمهوری اسلامی نتوانسته است به دلیل نفوذ ایالات متحده آمریکا در کشورهای جنوب غرب آسیا به عضویت سازمان‌های منطقه‌ای همچون اتحادیه‌ی عرب، شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای مستقل و همسود (سی‌ای‌اس) و سازمان همکاری اورا آسیا درآید و تنها در سازمان اکو عضو است که براساس آمار مبادلات کمتر از ۵ درصد فعالیت‌های تجاری دولت‌های عضو را در برمی‌گیرد این عوامل باعث علاقه مندی جمهوری اسلامی به عضویت در سازمان شانگهای گردیده است. پیوستن جمهوری اسلامی ایران نیز تاثیرات فراوانی بر سازمان همکاری شانگهای دارد که در این مقاله به بررسی آن پرداخته شده است.

### ۲- روش تحقیق:

روش تحقیق مقاله حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و اسنادی بوده و روش تحلیل اطلاعات به صورت کیفی انجام گرفته است.

### ۳- بحث

#### ۱-۳ اهداف سازمان همکاری شانگهای

اساسنامه سازمان همکاری شانگهای در بر دارنده‌ی مجموعه‌ای از اهداف مانند امنیت، ثبات، مبارزه با مواد مخدر و تروریسم، همکاری‌های اقتصادی و تبادلات فرهنگی است (علی‌وند و خلیل پور رکن آبادی، ۱۳۹۰: ۱۷۹)، اعضای سازمان همکاری شانگهای اهداف مشترکی دارند (Lukin, ۲۰۱۵: ۲۳) که در ذیل به سه هدف آن پرداخته شده است

۱- اهمیت مباحث اقتصادی را می‌توان از تصمیم‌های شورای سران سازمان مبنی بر ایجاد ساختارهای جدید مشاهده نمائیم، در سال ۲۰۰۳، سازمان همکاری شانگهای رونق تجارت و توسعه را در دستور کار خود قرار داد و با پذیرش برنامه توسعه و تجارت چند جانبه، این رویکرد را جزو اهداف و اولویت‌های خود محسوب کرد. در سال ۲۰۰۴ نیز در اجلاس تاشکند، طرح اقدامات منطقه‌ای جهت همکاری‌ها و تبادلات انرژی در دستور کار قرار گرفت. در همین اجلاس نیز دبیر خانه دائمی سازمان (در پکن) به وجود آمد. در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ شورای سران حکومت‌ها (نخست وزیران)، یک کنسرسیوم بین بانکی ایجاد کردند که دارای اعضای متشکل از بانک‌های کشورهای عضو می‌باشد، شامل؛ بانک توسعه قزاقستان، بانک توسعه دولتی چین، بانک توسعه امور اقتصادی خارجی روسیه، بانک ملی تاجیکستان و بانک ملی برای فعالیت اقتصادی خارجی ازبکستان که در دومین شورای کنسرسیوم بین بانکی در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی شرکت پس انداز و پرداخت قرقیزستان نیز به جمع مذکور افزوده شد. همچنین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ مدیران بانک‌های عضو برنامه، اقدامی جهت پشتیبانی از همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی را امضاء کردند که استراتژی فعالیت‌های کنسرسیوم بین بانکی را در میان مدت مشخص می‌کند، در تداوم این موضوع تصمیمات موثری در زمینه اعتبارات لازم جهت پروژه‌های با سرمایه‌گذاری مشترک در حدود ۷۴۲ میلیون دلار در همان سال امضاء شد (SCO Website A, 2009).

در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی و در جریان کنفرانس سران دولت‌ها ساختاری تحت عنوان شورای بازرگانی «در سازمان همکاری شانگهای تعریف شد. البته این تصمیم در پی مذاکرات نمایندگان پارلمان کشورهای عضو در می ۲۰۰۶ در مسکو اتخاذ شد. این

شورا ساز و کاری غیردولتی است که درصدد گسترش تعاملات بازرگانی میان کشورهای عضو و تعاملات سرمایه ای و مبادلات مالی اعضای سازمان می باشد. همکاری های چندجانبه در خصوص انرژی، حمل و نقل، تکنولوژی های نو، بهداشت و مسائل کشاورزی نیز در دستور کار این شورا قرار دارد، هماهنگ سازی قوانین ملی در زمینه اقتصاد، بخش بنیادی در فعالیتهای این شورا است که تاکنون در این خصوص چندان موفق عمل نکرده است (SCO Website B, ۲۰۰۹). در اجلاس سران در بیشکک (۲۰۰۷)، تعاملات بین دو ساختار جدید سازمان همکاری شانگهای، یعنی کنسرسیوم بین بانکی و شورای بازرگانی سازمان ایجاد گردید.

۲— در اجلاسیه آستانه علاوه بر طرح ایجاد بانک داخلی بر امنیت منطقه ای و نهادینه شدن ساختار ضد تروریسم منطقه ای تأکید شد که این ساختار مسئولیت تأمین امنیت در منطقه آسیای مرکزی و تضمین همکاری ها در زمینه های نظامی، پلیسی و نیروهای ویژه کشورهای عضو را به عهده داشت و در واقع، ساختار مبارزه با تروریسم منطقه ای بر هماهنگی عملیات و سرویس های اطلاعاتی کشورهای عضو تأکید دارد و از این قبیل عملیات، حمایت های سیاسی و دیپلماتیک به عمل می آورد (۲۰۱۲:۴۵۳). Aris این موارد به ویژه زمانی حائز اهمیت اند که بدانیم که پس از فروپاشی شوروی، شاهد ایجاد انقلاب های رنگی در آسیای مرکزی هستیم. به همین جهت عده ای برآنند که سازمان همکاری شانگهای یک سازمان امنیتی است که در آسیای مرکزی جهت جلوگیری از برهم خوردن وضع موجود رژیم های قانونی پس از شوروی ایجاد شده است. بدین معنا که تهدیدات مشروعیت رژیم های آسیای مرکزی، نخبگان این کشورها را بر آن داشت تا جهت حفظ منافع خود به ایجاد سازمان همکاری شانگهای بپردازند. رهبران چین از اسلامگرایانی که در استان سین کیانگ غربی ساکن اند، در هراسند. رفع معضلات چین درباره تروریسم، بنیادگرایی، جدایی طلبی و تجارت مواد مخدر از موارد مهم در پیگیری چینی ها در شکل گیری سازمان همکاری شانگهای بوده است. روسها نیز با چالش جدایی طلبی چین ها روبرو هستند. دیگر دولتهای عضو سازمان همکاری شانگهای هم هر کدام با درجات گوناگون با گروه های جدایی طلب روبرو هستند (Atal, ۲۰۰۵:۱۰۳)

۳— علاوه بر همه ی این تلاش ها در به کار گیری قدرت سخت، سازمان همکاری شانگهای همواره سعی کرده تا بر قدرت نرم خود نیز بیفزاید. در این زمینه می توان به تشکیل کمیته های ناظران انتخابات در سازمان و همچنین کمک های ویژه به چین و پاکستان (پس از زمین لرزه استان سی چوان در سال ۲۰۰۸ و سیل در پاکستان در سال ۲۰۱۰) اشاره کرد. امروزه سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان چند جانبه قدرتمند در منطقه اورا سیاه ظهور پیدا کرده و توجهات بین المللی را به خود جلب کرده است (Kumar, ۲۰۱۳: ۳۴۶-۳۴۷)

### ۲-۳ دیدگاه اعضای دائم برای عضویت دیگر کشورها

در حال حاضر، دیدگاه های متفاوتی در میان اعضای سازمان همکاری شانگهای در مورد پذیرش و عضویت دائم کشورها در این سازمان وجود دارد. برای مثال مقامات چینی معتقدند که گسترش و توسعه سازمان همکاری شانگهای اجتناب ناپذیر است، اما با رویکرد تدریجی و احتیاط باید به آن نگرست و از نظر آنان، مشمولیت اعضای جدید در سازمان باید با روش گام به گام (پذیرش به عنوان عضو ناظر، شرکای گفت و گو و در آخر عضویت دائم) انجام پذیرد. در واقع پیامد این دیدگاه این است که کشورهای مستعد

باید آمادگی سیاسی، قانونی و فنی برای عضویت در این سازمان را به دست آورند، که این امر کاری بلند مدت به حساب می آید (Roy, 2012 - 647).

بخشی از اعضای سازمان مانند ازبکستان از اظهار نظر رسمی مبنی بر تمایل به گسترش و عضویت اعضای جدید در سازمان خودداری می کند. مقامات قرقیزستان نیز بیان می دارند که سازمان پیش از هر چیز باید بر گسترش روابط جاری میان اعضا و حل و فصل مشکلات موجود در این روابط مبادرت ورزد (Krishna, 2012: 15). اگرچه تاجیکستان در میان اعضای دیگر سازمان تمایل بیشتری به پذیرش اعضای جدید، ابراز داشته و از پذیرش دو کشور جمهوری اسلامی ایران و هند حمایت به عمل آورده، این کشور نیز شرایطی مانند پیشرفت اقتصادی و حل و فصل مشکلات امنیتی را به عنوان مولفه های موثر در پذیرش اعضای جدید مدنظر قرار داده است (Kundu, 2009: 7). در سوی دیگر سازمان، روسیه تنها کشوری است که به شدت از گسترش اعضای سازمان استقبال کرده است. از نظر مقامات روسی، گسترش و پذیرش اعضای جدید در سازمان موجب تقویت منابع مالی سازمان می شود، چرا که در حال حاضر سازمان با بودجه ای کمتر از ۴ میلیون دلار نمی تواند به اهداف و برنامه هایش دست پیدا کند (Kumar, 2013: 353).

### ۳-۳ تأثیر عضویت جمهوری اسلامی در سازمان شانگهای

پس از عضویت ایران به عنوان ناظر از سال ۲۰۰۵ و حضور رئیس جمهور در این سازمان در چارچوب سیاست خارجی آقای احمدی نژاد، تمایل خود رامبنی بر عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در این سازمان مطرح نمود. به همین دلیل به بررسی تاثیرات حضور جمهوری اسلامی در سازمان شانگهای می پردازیم.

### ۳-۳-۱ تاثیرات جغرافیایی جمهوری اسلامی در سازمان شانگهای

ایران به علت موقعیت جغرافیایی خود از دیرباز محل ارتباط شرق و غرب بوده است، علاوه بر آن جمهوری اسلامی ایران در محل تلاقی محور عمودی شمال - جنوب منابع انرژی و محور افقی شرق و غرب مصرف انرژی قرار داشته و همچنین مانند پلی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را که محصور در خشکی اند، به خلیج فارس مرتبط می سازد دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۶۰). این عوامل تاثیرگذار را می توان در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد.

### ۳-۳-۲ موقعیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

ایران دارای سه امتیاز جغرافیایی در جهان و به شرح زیر است: اول اینکه ایران متصل به موقعیت بری اوراسیا است؛ ثانياً به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است؛ ثالثاً به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز، که در حدود یک سوم تجارت جهانی انرژی از آن صورت می گیرد، موقعیت ویژه ای دارد. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، ایران نسبت به حوزه های ژئوپلیتیکی پیرامون خود از موقعیت مرکزی برخوردار است. در واقع ایران به عنوان کشوری با نسبت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه های ژئوپلیتیک اطراف خود حضور دارد و در پیدایش شکل های منطقه ای و فعال شدن حوزه های ژئوپلیتیکی و کارکرد آن نقش مؤثری دارد و فرایند سیاسی این حوزه را شکل می دهد (متقی، ۱۳۹۲: ۲۹-۲۸). البته باید توجه



داشت سیاست خارجی روسیه در قبال ایران همواره با تناقض روبه رو بوده است و سیاست خارجی خود را با تهران، به روابط خود با کشورهای غربی متناسب نموده است مسکو تلاش دارد موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به عنوان مسیر ارتباطی آسیای مرکزی به غرب را به حاشیه براند و تنها خود را به عنوان شاهراه ارتباطی شرق به غرب مطرح نماید لذا تلاش دارد مانع عضویت ایران در سازمانهایی همچون سازمان شانگهای شود

### ۳-۳-۳ تاثیرات منابع نفتی جمهوری اسلامی در سازمان شانگهای

جمهوری اسلامی ایران از نظر منابع نفتی با دارا بودن ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت، ۹/۴ درصد از کل ذخایر نفتی را به خود اختصاص داده است. جدا از منابع غنی، ایران اولین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان (معادل ۳۳/۶ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان) به شمار می رود ( ۲۰-۶: ۲۰۱۳، BP). همچنین منابع متعدد و گسترده ی معدنی دیگری چون زغال سنگ، مس، آلومینیوم، گوگرد، اورانیوم، طلا، منگنز، سرب، روی و ... ایران را به عنوان کشور غنی در جهان مشخص می کند (پیشگامی فرد، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۱). از این رو عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نه تنها به نفع ایران است بلکه باعث افزایش قدرت چانه زنی بر سر قیمت گاز و نفت در میان کشورهای عضو می شود و با پتانسیل عظیم ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود می تواند در قدرتمند ساخت سازمان شانگهای تأثیر بسزایی داشته باشد. در این مورد روسیه و ایران می توانند با ابزار گازی و نفتی و ایجاد سطح قیمت مورد توافق، تأثیر گذاری خود در سطح جهانی دوچندان کنند. در حقیقت وضعیت ژئواستراتژیک ایران در غرب آسیا و جایگاه آن به عنوان پل میان غرب و شرق از یک سو و پلی بین آسیای مرکزی و آبهای گرم خلیج فارس و اقیانوس هند از سوی دیگر، از نظر اعضای شانگهای عامل مهم جذابی محسوب می شود

با این تفاسیر عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای پتانسیل عظیمی را به این سازمان و به تبع کشورهای عضو ارائه می کند که در تأثیر گذاری بیشتر این سازمان نقش بسزایی دارد، مطابق گفته آندرانیک درانگیان متخصصان و تحلیل گران امنیتی و سیاسی روسیه بر این عقیده اند که عضویت ایران به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع غنی نفتی، گازی و ذخایر طبیعی سرشار این کشور، برای قدرتمندی و تأثیر گذاری سازمان شانگهای بسیار مؤثر واقع خواهد شد و شاید مهم ترین دلیل این مسئله که چرا غرب همواره با عضویت و دسترس ایران به سازمان همکاری شانگهای مخالفت کرده همین نکته باشد. علاوه بر آن، تأمین انرژی به عنوان موتور رشد و توسعه در آسیا برای کشورهایی چون چین، ژاپن و هند ضروری است و منابع انرژی فراوان ایران در دریای خزر و خلیج فارس، موقعیت ژئواکونومیک ایران را تقویت می کند. در واقع امنیت انرژی برای غرب و پتانسیل عظیم گازی و نفتی منطقه دریای خزر این منطقه را به حوزه رقابت و توجه جهانی بدل کرده است. روسیه، چین و ایران هر سه نگران نفوذ آمریکا در این منطقه هستند. علاوه بر این، روسیه روابط نزدیک ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی با غرب را به عنوان نگرانی ژئوپلیتیکی خود در نظر می گیرد. همچنین همکاری ایران، روسیه و چین، برای منافع آمریکا خطری جدی تلقی می شود (Mousavi & Khodace ۱۹۷-۱۹۶: ۲۰۱۳).

اما کشور روسیه اساساً حضور نهادینه و سازمانی جمهوری اسلامی ایران در منطقه پیرامون خود و در حوزه کشورهای آسیای مرکزی را نمی پسندد (کریمی، ۱۳۹۵: ۹). و ایران به عنوان رقیب بزرگ روسیه در حوزه تولید نفت و گاز مطرح است. جدا از این، چین به عنوان کشور مصرف کننده منابع انرژی عرصه ای برای رقابت میان ایران و روسیه تلقی می شود. ، کشورهای آسیای مرکزی، ایران را به عنوان یک قدرت منطقه ای در نظر می گیرند و باور دارند عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران و قدرت های دیگر مانند هند و پاکستان در پیمان شانگهای موجب به حاشیه راندن کشورهای آسیای مرکزی در سازمان خواهند شد (Mousavi & Khodace 2013:204).

### ۳-۳-۴ تاثیرات سیاست خارجی ایران نسبت به کشورهای غربی در سازمان شانگهای

اگرچه مقابله با هژمونی آمریکا، به صورت رسمی از اهداف تأسیس سازمان شانگهای، ذکر نشده است، اما کشور چین و روسیه یکجانبه گرایی آمریکا را تهدیدی علیه اهداف ملی خویش تلقی می کنند و به ایجاد نظم جهانی جدید و نظامی چند قطبی تمایل دارند. روسیه و چین همچنین نگران نفوذ آمریکا و ناتو و گسترش آن به سمت منطقه آسیای مرکزی و قفقاز هستند. در سال ۲۰۰۵، آمریکا درخواست عضویت خود در سازمان شانگهای به عنوان ناظر را ارائه داد که توسط اعضا رد شد. ایالات متحده با هدف تأمین منافع خود از جمله تنوع بخشی به منابع انرژی، گسترش حضور نظامی - سیاسی خود در منطقه و از همه مهم تر مهار روسیه به منطقه آسیای مرکزی می نگرد (احمدی و جلیل پیران، ۱۳۸۹: ۱۳۱)، در حالی که روسیه همواره گسترش ناتو در محیط نزدیک خود را یک تهدید قلمداد کرده و مقامات روس بارها نگرانی خود را مبنی بر گسترش ناتو در منطقه آسیای مرکزی و عضویت احتمالی این کشورها در ناتو ابراز کرده اند. با این تفاسیر، برخی تحلیل گران، سازمان همکاری شانگهای را نسخه ای شرقی برای مقابله با گسترش ناتو قلمداد می کنند. در مقطع همکاری نزدیک کشورهای آسیای مرکزی و آمریکا در جنگ افغانستان، احتمال عضویت کشورهای آسیای مرکزی در ناتو محتمل به نظر می رسد و در این مورد همواره مقامات روس از ایجاد پایگاه های نظامی آمریکا در دو کشور ازبکستان و قرقیزستان ابراز نگرانی می کردند. چین نیز نگران نفوذ هژمونی آمریکا در غرب آسیا و آسیای مرکزی است. در سال ۲۰۰۲، زمانی که جرج بوش سه کشور ایران، کره شمالی و لیبی را به عنوان محور شرارت قلمداد کرد، در مدت کوتاهی رئیس جمهور وقت چین (جیانگ زمین)، در پاسخ به بوش از تهران دیدار کرد. این سفر حاوی این پیام بود که چین مخالف یکجانبه گرایی آمریکا و تسلط این کشور در غرب آسیا و دیگر مناطق است (Mousavi & Khodace 2013:198-199).

علاوه بر آن، این کشور در تولید زیرکونیوم که ایران را قادر به تولید سوخت راکتور هسته ای خود می سازد یاری رساند و از آغاز مسئله، برنامه هسته ای ایران همواره خواهان حل و فصل موضوع در آژانس بین المللی انرژی اتمی بود (Aylin, ۲۰۰۶: ۸۸) به این ترتیب می توان مقابله با یکجانبه گرایی آمریکا را از جمله اهداف مشترک روسیه و چین به شمار آورد و در همین زمینه روسیه و متحدان آن در آسیای مرکزی می خواهند با همراهی چین، موازنه قدرتی در برابر هژمونی آمریکا در عرصه نظام بین المللی پسا جنگ سرد ایجاد کنند که این مهم در قالب همکاری شانگهای تبلور می یابد در این میان جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت منطقه ای مستقل میتواند به عنوان شریک روسیه و چین که نگرش مشترکی برای مقابله با هژمونی آمریکا و جهت گیری به سمت

جهان چند قطبی دارد، تلقی شود. ضدیت جمهوری اسلامی ایران با آمریکا که کشوری بانفوذ در جهان اسلام به شمار می رود، همچنین موقعیت ژئواستراتژیک آن در غرب آسیا (به دلیل امکان تماس با آسیای مرکزی و دسترسی به خلیج فارس)، ظرفیت های راهبردی این کشور محسوب می شود. از این رو می توان مثلث ایران، روسیه و چین را به عنوان اتحاد اور آسیایی علیه یکجانبه گرایی آمریکا در غرب آسیا و آسیای مرکزی قلمداد کرد (Mousavi & Khoda, 2013:199)

در حقیقت، پس از فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، هدف مشترک دو کشور روسیه و جمهوری اسلامی ایران جلوگیری از تسلط و نفوذ آمریکا، ترکیه و عربستان در این منطقه بوده است. ایران و روسیه در این برهه روابط خود را بهبود بخشیدند و پس از ملاقات سران سازمان امنیت و همکاری اروپا در ۱۹۹۹ زمانی که آمریکا اولویت خود را در تأسیس خط لوله باکو - تفلیس - جیحان مطرح کرد، در مقابل جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روسیه، محور استراتژیک شمال جنوب (مسکو - ایروان - تهران) را ارائه کرد که در تضاد با محور غرب به شرق (واشنگتن - آنکارا - باکو - تاشکند) بود. در واقع این همکاری ایران و روسیه به منظور جلوگیری از تسلط آمریکا بر منطقه با استفاده از دسترسی به راه اصلی انتقال نفت و گاز در قرن بیست و یکم تلقی می شود (Mousavi & Khodace 2013:196-197).

اما باید مدنظر قرار داد کشورهای روسیه و چین تلاش دارند تا تنش های خود را با کشورهای غربی به ویژه آمریکا به حداقل برسانند و اعضای سازمان همکاری شانگهای از جمله روسیه تأکید دارند که تبدیل سازمان شانگهای به یک بلوک نظامی امنیتی بر ضد غرب با اصل عدم مقابله جویی این سازمان و نیز رویکرد عمل گرایی مسکو در عرصه خارجی در تضاد آشکار است اما روابط جمهوری اسلامی ایران و غرب به ویژه پس از سال ۲۰۰۳ به بعد، با توجه به توسعه ی برنامه هسته ای ایران، با چالش بیشتری روبه رو شد. اگرچه ایران همواره بر صلح آمیز بودن برنامه هسته ای اش تأکید داشته و بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی این امر را تأیید کرده اند، ولیکن آمریکا و رژیم اشغالگر قدس این مسئله را همراه با تردید نگریستند و با تبلیغات سوء، برنامه هسته ای ایران را زمینه ای برای دستیابی به تسلیحات اتمی جلوه دادند. در حقیقت این چالش ریشه در عدم اعتماد متقابل و افزایش مواجهه ایران و آمریکا دارد. در واقع فشار آمریکا بر ایران به وسیله تحریم های بین المللی از جمله موانع عمده عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای است. جدا از این مسائل، اگر چه مقاومت ایران علیه هژمونی آمریکا را می توان عاملی مهم برای عضویت در شانگهای به شمار آورد. این مسئله به طور رسمی رویکردی ضد آمریکایی به سازمان می دهد که برخی از کشورها از این مسئله نگران هستند. برای مثال از نظر چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی مانند قزاقستان و ازبکستان عضویت دائم ایران در سازمان، با وجود مزیت های امنیتی و اقتصادی، کلیه مسائل سازمان را تحت الشعاع تقابل ایران و آمریکا قرار می دهد در ملاقات سران کشورهای عضو در تاشکند در سال ۲۰۱۰، اگرچه پیش نویس دستورالعمل پذیرش اعضای جدید در سازمان به تصویب رسید، رئیس جمهور وقت روسیه با بیان اینکه کشورهای که با تحریم های سازمان ملل روبه رو هستند نمی توانند به عضویت دائم سازمان در آیند، عملاً عضویت ایران را مشروط دانست. در واقع این مورد مهم ترین مانع ایران برای عضویت در سازمان شانگهای محسوب می شود (Mosvi & Khodance, 2013:199-200)

### ۳-۳-۵ تاثیرات ابعاد امنیتی عضویت جمهوری اسلامی در سازمان شانگهای

در واقع هدف عمده ایجاد سازمان همکاری شانگهای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه محسوب می شود و نگرانی مهم اعضای مؤسس این سازمان خطر افراط گرایی، تروریسم و مواد مخدر است. این سازمان در بسیاری از جنبه های امنیتی در خصوص مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و تجزیه طلبی، فعالیت می کند و از جمله اهدافی است که بسیاری از تحلیل گران آنرا مبنای شکل گیری این سازمان می دانند. البته گروهی پا را از این فراتر گذاشته و در صددند تا با شبیه سازی الگوی نظم در دوره نظام بین الملل جنگ سرد، سازمان را «ناگوی شرق» بنامند. البته سرگئی شویگو وزیر دفاع وقت روسیه در ژوئیه ۲۰۰۵ اعلام کرد که «همکاری نظامی در اولویت های سازمان همکاری شانگهای قرار ندارد و اولویت های ما اقتصاد و امنیت است» (انوری و رحمانی موحد، ۵۶: ۱۳۸۷). جنبش های افراطی در شکل های متفاوت در شش کشور عضو سازمان شانگهای وجود دارند. روسیه پس از فروپاشی شوروی همواره با جدایی طلبان چینی رو به رو بوده و با استفاده از نیروی نظامی این تهدید را سرکوب کرده است. چین نیز با اعتراضات گروه اویغورها در استان سین کیانگ مواجه بوده و در سال ۲۰۰۷ از نیروی نظامی برای سرکوب این جنبش های جدایی طلب استفاده کرده است. چهار عضو دیگر شانگهای نیز با افزایش گروه های رادیکال در کشورشان رو به رو بوده اند. در واقع مواجهه ادامه دار میان حکومت سیکولار و گروه های افراط گرایی دینی که ریشه در هفتاد سال دین زدایی اتحاد شوروی دارد، همچنان در کشورهای آسیای مرکزی نمود فراوانی دارد. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اینکه قربانی این قبیل اقدامات خرابکارانه محسوب می شود، می تواند به عنوان بهترین متحد علیه این سه محور و ایجاد صلح و ثبات در منطقه تلقی شود. ایران در طول جنگ علیه طالبان در افغانستان ثابت کرد که می تواند به عنوان یک متحد قابل اعتماد علیه افراط گرایی طالبان و تروریسم القاعده محسوب شود. از نظر اعتقادی، جمهوری اسلامی ایران همواره با تفسیر وهابی سلفی رژیم سعودی، القاعده و طالبان از اسلام مخالفت و مقابله کرده است. ایران همچنین نقش مؤثر و سازنده ای در حفظ صلح و ثبات در منطقه آسیای مرکزی به ویژه در تاجیکستان (با ایفای نقش میانجی بین دولت تاجیکستان و احزاب اسلامی این کشور داشته و تلاش این کشور در حل و فصل بحران قره باغ شایان ذکر است. همچنین با توجه به مرکزیت تهدید رادیکالیسم و بی ثباتی در افغانستان، حضور جمهوری اسلامی ایران در ائتلاف شانگهای بسیار مؤثر است. جدا از این مسائل، ایران با توجه به سیاست مستقل از غرب می تواند به عنوان متحد قابل اعتماد محسوب شود. کشورهای آسیای مرکزی همواره نگران مداخله و نفوذ آمریکا در امور داخلی خود هستند که این نگرانی برآمده از مداخله آمریکا و غرب در انقلاب های رنگی این کشورها بوده است. در واقع آمریکا و متحدانش به دنبال منافع خود از طریق گسترش بی ثباتی در آسیای مرکزی با ایجاد رژیم های طرفدار غرب و ضعیف شدن سازمان شانگهای هستند. کمال الدین ربیع موویکی از تحلیل گران ازبکستان عقیده دارد که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای به نفع ازبکستان است؛ زیرا احساسات ضد آمریکایی و سیاست مستقل از غرب با عضویت ایران در سازمان شانگهای گسترش می یابد و دولت ازبکستان با این اهرم می تواند امنیت و ثبات خود را تأمین کند» (Mousavi & Khodace 2013:197-198). اما متاسفانه به تبلیغات رسانه های غربی، ایران از دید برخی مقامات منطقه آسیای مرکزی، حامی و مروج افراط گرایی دینی است. اما در حقیقت بیشتر مسلمانان آسیای مرکزی مسلمان سنی مذهب اند که تأثیر اندکی از ایران (شیعه مذهب) می پذیرند. علاوه بر این بیشتر جنبش های افراطی آسیای مرکزی تشکیلات سازمانی در کشورهایی مانند پاکستان، عربستان و قطر دارند. به هر حال در سال های اخیر کشورهای عضو سازمان شانگهای رویکردهای متفاوتی را در قبال ایران به کار گرفته اند. چین و روسیه روابط خود را با ایران بر اساس سیاست

ارتباط نزدیک بهبود بخشیده اند و تلاش دارند تا جدایی طلبان و گروه های افراطی را مهار کنند. در سوی دیگر، چهار کشور دیگر عضو شانگهای، راهبرد محتاطانه ای را در روابط خود با ایران اتخاذ کرده اند. برای مثال ازبکستان پیشنهاد ایران مبنی بر ایجاد مرکز فرهنگی ایران در سمرقند و بخارا در سال ۱۹۹۳ را نپذیرفت، با این سوء ظن، که این مرکز می تواند ترویج گر افکار و عقاید افراطی اسلامی باشد. علاوه بر آن، مقامات قزاقستان نیز مطابق با این رویکرد، اجازه تأسیس کتابخانه فرهنگی ایران را در این کشور ندادند. با این حال، جمهوری اسلامی ایران نیز مانند کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای به جبهه مبارزه جهانی علیه تروریسم ملحق شد. از سوی دیگر ایران از مجاهدین افغان در جهت ایجاد حکومتی مردمی در افغانستان و مقابله با طالبان حمایت به عمل آورد. تا جایی که در سال های ۱۹۹۶ - ۲۰۰۱ ایران تنها حامی ائتلاف شمال افغانستان در برابر طالبان بود (Mosvi & Khodance, 2013: 202). علاوه بر آن، در موضوع بحران تاجیکستان نمی توان نقش آشتی جویانه ایران در سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ و سرانجام حل و فصل بحران با وساطت ایران را نادیده گرفت (کرمی، ۱۳۹۵، ۱۳). در واقع این رویکرد ایران، به سران و مقامات کشورهای آسیای مرکزی فهماند که استراتژی محتاطانه ی آنها در قبال ایران ناشی از عدم ادراک صحیح در سیاست خارجی و نشانگر کاربردی بودن همکاری با جمهوری اسلامی ایران است. در حقیقت رأی مثبت چهار کشور آسیای مرکزی به پذیرش عضویت ناظر ایران در شانگهای (۲۰۰۵) را می توان ناشی از تغییر رویکرد رهبران این کشورها در ارتباط با ایران تلقی کرد (Mosvi & Khodance, 2013: 199-200)

#### ۴- نتیجه گیری

سیاست خارجی مطلوب برای هر کشور بایستی مبتنی بر منافع ملی آن کشور طرح ریزی شود جمهوری اسلامی نیز به عنوان یک قدرت نوظهور منطقه ای نیز از این امر مستثنی نیست و با ایجاد سیاست خارجی در ست و فعال در عرصه خارجی می بایست در جهت رسیدن به منافع ملی تلاش نماید. جمهوری اسلامی به دلیل دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیکی کم نظیر و دارا بودن منابع فسیلی فراوان می تواند تاثیرات بسزایی در جهت رشد سازمان ها و اتحادیه های منطقه ای داشته باشد اما متاسفانه به دلیل اختلافات و رقابت ایجاد شده در جنوب غرب آسیا که ریشه در کشورهای فرامنطقه ای به ویژه آمریکا دارد باعث آن شده که نتواند از ظرفیت های خود و عضویت در این سازمان ها استفاده نماید. عضویت ایران در سازمان شانگهای می تواند فرصتی تازه برای کشورهای عضو باشد تا بتوانند از ظرفیت های ایران در جهت شکوفا کردن و رشد این سازمان اقتصادی و امنیتی استفاده نمایند جمهوری اسلامی به واسطه قرارگیری در جنوب غرب آسیا با تهدیدات امنیتی فراوانی روبرو شده است که توانسته این تهدیدات را پشت سر گذارد لذا تجربه ایران می تواند ارتقاء امنیتی سازمان همکاری شانگهای را سبب گردد. اما باید مدنظر قرار داد اعضای سازمان شانگهای در تلاش هستند تنش خود را با کشورهای غربی به حداقل برسانند و این سازمان را به عنوان بلوک نظامی امنیتی بر ضد غرب و آمریکا نشان ندهند و حرکت این سازمان را در جهت موازنه قدرت با آمریکا و متحدانش به صورت چراغ خاموش پیش گیرند اما روابط ایران و غرب همیشه با چالش روبرو بوده است که یکی از موانع عضویت ایران در این سازمان می باشد و مانع دیگری که سد راه ایران برای عضویت است منافع خاص برخی از اعضا می باشد که در مقاله به بیان آن پرداخته شده است. این موانع باعث آن شده که عضویت ایران در سازمان شانگهای هیچگاه به صورت جدی مطرح نگردد لذا برای عضویت در سازمان شانگهای بایستی سیاست خارجی خود را فعال نموده و به ریل گذاری در ارتباط با موارد زیر بپردازیم

۱- تلاش در جهت وابستگی کشورهای عضو سازمان شانگهای به منابع فسیلی جمهوری اسلامی به واسطه قراردادهای دو جانبه و چند جانبه جهت انتقال آنها به وسیله خط لوله ۲- تلاش در جهت احیا جنبه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی و نقش کریدوری ارتباطی و حمل و نقل شمال به جنوب و غرب به شرق ۳- تلاش در جهت همکاری امنیتی با اعضای سازمان همکاری شانگهای به صورت دو جانبه و چند جانبه در خصوص مبارزه با گروه‌های افراطی و مواد مخدر ۴- تاکید بر توانمندی داخلی و ایجاد موازنه قدرت به صورت نرم ۵- تلاش در جهت اعتمادسازی، به وسیله ایجاد گسترش روابط اقتصادی و ایجاد فرهنگسراهای مشترک به صورت دو جانبه یا چند جانبه

نهایتاً باید به این نکته توجه داشت که در کنار انجام موارد فوق باید تلاش نمود تا با گسترش ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صورت نپذیرفتن ایران به عنوان عضو، اتحادیه‌ها و سازمان‌های جایگزین را در نظر بگیریم.

### منابع و مأخذ

- احمدی، حسین؛ جلیل پسرانه داراب (۱۳۸۹)، «رژیم امنیتی حوزه دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد شوروی تا سال ۲۰۰۹، موانع و چالش‌های تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۳، ص ۱۴۲ - ۱۰۹
- انوری، حمیدرضا (تابستان ۱۳۸۰) «نگاهی به شکل‌گیری سازمان شانگهای»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۴، سازمان همکاری شانگهای شکل‌گیری و دورنمای توسعه (۱۳۸۴) بولتن ویژه، مؤسسه تهران
- انوری، حمیدرضا و رحمانی موحد، مرتضی (۱۳۸۷)، سازمان همکاری شانگهای چشم اندازی به سوی جهان چند قطبی، تهران، وزارت امور خارجه
- بزرگی، وحید؛ میر عبدالله حسینی (۱۳۸۹)، «سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم انداز آینده مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم ش ۷، ص ۲۷-۱
- پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران راهبرد. سال بیستم، ش ۶۱، ص ۲۱۱-۱۹۱
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال نوری، وحید (۱۳۹۱). «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی» مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، ش ۳، ص ۱۸۰-۱۴۹.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۹۵)، «چرا ایران باید عضو شانگهای شود؟» قابل دسترس در [www.iras.ir](http://www.iras.ir)
- متقی، افشین (۱۳۹۲)، «تحلیل ژئوپلیتیکی مؤلفه‌های قدرت انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، ش ۶، ص ۴۸-۲۷
- نور علی وند، یاسر؛ خلیلی پور، علی (۱۳۹۰)، «چند جانبه‌گرایی و روابط فرا آتلانتیک در افغانستان»، مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، ش ۱، ص ۲۰۰-۱۷۵.

منابع لاتین

- Aris, Stephen (2012), "The Response of the Shanghai Cooperation Organization to the Crisis in Kyrgyzstan", Civil Wars, Vol.14, No.3, pp.57-482.
- Atal, Subdoh (2005). "The New Great Game", The National Interest, Fall. Vol. 81
- Aylin, Unver Noi(2006), "Iran and The Shanghai cooperation organization", Perceptions, pp.79-۱۰۳. ۱۳. ۰۰۰۰۰۰۰, ۰۰۰۰۰۰ (۲۰۱۱), ۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰ ۰۰ ۰۰۰۰: ۰ ۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰, Brooking Institutions Policy Paper, pp. 1-62.
- BP.(2013) Statistical Review of World Energy/bp.com/statisticalreview.
- Hunter,« Shirin bReligion, Politics, and Security in Central Asia», SAIS Institute Analysis Paper, No. 4, July 2003, www. Brookings edu
- Krishna, Ananth(2012), "Observer Countries must work hard for SCO Membership, says China", The Hindu, Accessed on Online edition of India's National Newspaper.
- Kumar, S.Y.Surendra (2013), "India and the Shanghai Cooperation Organization: Issues and Concerns", International Journal of China Studies, Vol.4, No.3, pp.343-359.
- Kundu, Nivedita Das(2009), " India should give a closer look to The ShanghaCooperation Organization", Indian Council of World Affairs-Policy Brief, pp.1-10.
- Lukin, Alexander (2015), "Should the Shanghai Cooperation Organization Be Enlarge?", Russia in global affairs accses in <http://eng.globalaffairs.ru>.
- Mousavi, Mohammad A & Khodae, Esfandiar (2013), "Iran and The Shanghai Cooperation Organization", Iranian Review of Forign Affairs, Vol.4, No.1, pp.185-210.
- Roy, Meena. Singh (2012), "India's Option in the Shanghai Cooperation Organization", Strategic Analysis, Vol.36, No.4, pp.645-650.
- SCO Website A (2009). "The Interbank Consortium of the Shanghai Cooperation Organization", [www.sectesco.org/EN/show.asp?id=51](http://www.sectesco.org/EN/show.asp?id=51)

## بررسی پیامدهای امنیتی و ژئوپلیتیکی جزایر مصنوعی امارات متحده عربی

### بر مرزهای آبی کشور

۱-حسین علی پور ایمچه، ۲-فرشید مافی

۱-دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۲-دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه رفسنجان

### چکیده

خلیج فارس از جمله پهنه های مهم آبی دنیا است که برخی از راهبرد پردازان از آن تعبیر به کانون انرژی دنیا می کنند سواحل این منطقه از لحاظ جغرافیای سیاسی دریاها از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بوده و اقداماتی که اخیرا در دستور کار کشور امارات متحده عربی مبنی بر ساخت جزایر مصنوعی قرار گرفته می تواند در کنار تبعات زیست محیطی پیامدهای امنیتی و ژئوپلیتیکی نیز بر مرزهای آبی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد لذا ضرورت دارد این موضوع علاوه بر دقت نظر دستگاه های دیپلماسی مورد توجه و رصد دقیق دستگاه های امنیتی و انتظامی و مرزبانی نیز قرار گیرد.

روش اصلی این پژوهش توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه ای بوده و در صدد پاسخ گویی به این پرسش است که ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی چه پیامدهای امنیتی و ژئوپلیتیکی بر مرزهای آبی کشور دارد؟

یافته های حاصل از تحقیق نشان می دهد که، با ساخت این جزایر سواحل امارات در خلیج فارس از ۶۰۰ کیلومتر به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش خواهد یافت و به تبع آن پیش بینی می شود ساخت این پروژه ها تسلط بیشتر این کشور به عنوان دومین دارنده سواحل طولانی در خلیج فارس را موجب شده و باعث طولانی تر شدن روند تعیین مرزهای دریایی ایران و تیرگی روابط دو کشور با توجه به سوابق اختلافات روی جزایر سه گانه و در پی آن دخالت کشورهای فرامنطقه ای و بروز مشکلات امنیتی گردد.

### کلید واژه

امنیت، ژئوپلیتیک، جزایر مصنوعی، حقوق دریاها، مرزدریایی





# یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.

۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
National Geography Organization Of Iran  
15 February 2021



#### مقدمه

در گذشته اغلب تعارضات و کشمکش ها ی بین کشورها در خشکی حادث می شد و مناطق دریایی کمتر مورد منازعه قرار داشتند، لیکن در یک قرن اخیر به دلیل نقش و اهمیت مضاعف دریاها به دلایل باز تعریف از مقوله هایی چون منافع ملی، امنیت و قدرت، پهنه آبه در روی زمین دچار تحول شده است.

جزایر مصنوعی در حال ساخت توسط امارات عربی متحده که از شاهکارهای طراحی و معماری قرن حاضر محسوب می شوند بزرگترین جزایر ساخته شده به دست بشر بوده که مهندسی و معماران با ساخت این سازه ها می توانند یکی از موجبات رفاه و تفریح بشریت را ایجاد و در شکل ظاهری و طبیعی زمین تغییراتی ایجاد نمایند این جزایر که به اشکال مختلف و شبیه نخل می باشند به اسامی جبل علی، جمیرا و دیرا نامیده می شوند. ساخت این جزایر به دستور امیر دبی (شیخ محمد بن راشد آل مکتوم) در سال ۲۰۰۱ به منظور توسعه توریسم آغاز شد که در آنها حدود یکصد هتل لوکس، سواحل اختصاصی، ویلاها و آپارتمانها تفرجگاههای ساحلی، پارکهای آبی، رستورانها، مراکز خرید و فروش، تسهیلات ورزشی و بهداشتی و... پیش بینی شده است علاوه بر این، پروژه مصنوعی دیگری در ساحل امارات در حال اجرا است که مجزی از سه جزیره فوق بوده و آن یک جزیره مصنوعی به شکل نقش کره زمین (العالم) است که خود شامل ۳۰۰ جزیره می باشد. جزیره مذکور دارای ابعاد ۶ کیلومتر عرض و ۹ کیلومتر طول که نام جزیره های درونی آن بر اساس نام کشورهای جهان است ۳ با ساخت این جزایر سواحل امارات در خلیج فارس از ۶۰۰ کیلومتر به ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش خواهد یافت که پیش بینی می شود ساخت این پروژه ها تسلط بیشتر این کشور به عنوان دومین دارنده سواحل طولانی در خلیج فارس را موجب شود.

اقدامات کشور امارات متحده عربی در احداث جزایر مصنوعی به نوعی گسترش قلمروسازی برای این کشور در پهنه آبی خلیج فارس بوده و گرچه این اقدام از سوی کنوانسیون حقوق دریاها منع نشده ولی بی توجهی به آن می تواند آثار منفی امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد.

سوال اصلی اینست که ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی چه پیامدهای امنیتی و ژئوپلیتیکی بر مرزهای آبی کشور دارد؟ براین اساس این مقاله سعی دارد با تبیین وبررسی و تجزیه و تحلیل احداث جزایر مصنوعی امارات عربی متحده تاثیر آن را بر امنیت و ژئوپلیتیک مرزهای آبی جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار دهد.

#### مبانی نظری تحقیق

۱- the world map

- کنسرسیوم سه جانبه اماراتی، آمریکایی و انگلیسی کار ساخت این جزایر را عهده دار است؟

### جزایر مصنوعی

جزیره مصنوعی به جزیره ای گفته می شود که ساخته دست بشر است و فرایندی طبیعی در پدیدار شدن آن وجود نداشته است این گونه جزایر ممکن است روی صخره ای در دریا ساخته شده یا بر اثر گسترش یک جزیره ذره ای بوجود آیند گار حقوق بین الملل جزیره مصنوعی به تاسیسات دست بشر گفته می شود که پیرامون آن آب است و در حالت بالا آمدن آب نیز دیده شود در یک نقطه جغرافیایی و برای مدت معینی بر پا شده باشد و به عنوان ایستگاهی برای فعالیتهای دریایی به کار رود.

از نظر رابرت فراست وجود رابطه مناسب میان همسایگان در گرو وجود حصارهای مناسب در میان آنهاست ( کالینز، ۱۳۷۹: ۳۳) در یکصد سال اخیر اغلب منازعات ژئوپلیتیکی از جمله جنگ ها در خشکی یا در امتداد سواحل رخ داده است که در آن نقاط دسته جات انسانی اهداف متضادی را تعقیب می کنند بسیاری از نقاط حساس و نا آرام منشاء جغرافیایی دارند که شاید متداول ترین آنها مسائلی چون اختلافات ارضی و منازعات زیست محیطی باشند. در یک قرن اخیر تلقی از مسئله قدرت در رابطه با دریاها دچار تحول شده است در گذشته مفهوم قدرت در دریاها بیشتر متمرکز به قابلیت های ارتباطی و نظامی بود ولی امروزه ابعاد گسترده تری یافته است. ( حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۳: ۲۰۱) گرچه از نظر سرپرسی سایکس ایرانیان به واسطه سدهای سلسله جبال از دریا محرومند و همیشه از خود ناسازگاری و عدم تمایل نسبت به دریا نشان داده اند اما به همان اندازه می بینیم که در مقاطع مختلف تاریخ، ایرانیان میل و ادعای حاکمیت و سرکردگی بر دریاهای مجاور خود را داشته اند به خصوص در سالهای اخیر با توسل به حقوق بین الملل دریاها و کنفرانس های منطقه ای و دستیابی به یک نظم نسبی موضع خود را دنبال می کنند ( فولر، ۱۳۸۸: ۶۷) پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق در یاها نقش مهمی را بویژه در رابطه با مسائلی چون قاچاق مواد مخدر، سلاح، انسان و ... و همچنین تعیین کنترل خط دریایی اختلافات مرزی و ارضی و مسائل زیست محیطی اکتشافات و ... پیدا کرده اند مسائل مورد اشاره همه کشورهای جهان بویژه ایران را با پدیده نوینی درگیر کرده است چرا که کشورمان می تواند از طریق دریا (خلیج فارس) به آبهای آزاد دسترسی داشته باشد. بنا براین تعیین مرزهای دریایی و مسائل دیگر از این دست در حوزه جغرافیای سیاسی از عوامل مهم و تاثیر گذار بر اقتدار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس تلقی می شود.

### جغرافیای سیاسی دریاها

جغرافیای سیاسی دریاها، شاخه ای از جغرافیای سیاسی است که رفتار و حدود حاکمیت و صلاحیت دولت ها نسبت به محیط های دریایی و همچنین نقش عوامل و عناصر دریایی در سیاست دولت ها و روابط بین الملل را مورد مطالعه قرار می دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۱۳۷). بنابراین در جغرافیای سیاسی دریاها، موضوعاتی از قبیل محدوده مرزها و قلمروهای دریایی، دریاهای بسته و نیمه بسته،

<http://en.wikipedia.org> - دایره المعارف ویکی پدیا<sup>۱</sup>

<sup>۰</sup> - Robert frost

<sup>۱</sup> - Borde r sea

جزایر طبیعی و مصنوعی، تنگه ها و رودخانه های بین المللی به طور اخص مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. در هردو کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۸۵ و ۱۹۸۲، از جزیره، تعریف مشترکی به عمل آمد و آن عبارت است از «قطعه زمینی که به طور طبیعی به وجود آمده باشد و اطراف آن را آب فرا گرفته باشد. تمام جزایر دارای دو قلمرو دریای سرزمینی و منطقه نظارت هستند. اما جزایر مصنوعی فاقد هر نوع قلمرو دریایی اند (پیشگاهی فر، ۱۳۸۴: ۹). اما در ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق دریاها در سال ۱۹۸۲، دولت ساحلی در احداث جزایر مصنوعی در منطقه انحصاری اقتصادی حق انحصاری دارد، اما در احداث این گونه جزایر، می بایست اطلاعیه های لازم صادر شود (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۳۸) همچنین طبق ماده ۱۲۲ این کنوانسیون، خلیج فارس را می توان یک دریای نیمه بسته قلمداد نمود. از طرفی نیز در ماده ۱۲۳ این کنوانسیون، مصوب شده است که دولت های حاشیه یک دریای بسته و یا نیمه بسته در اجرای تکالیف خود با همدیگر همکاری خواهند کرد و اداره، حفظ، کاوش و بهره برداری از منابع جاندار و حفظ محیط زیست دریایی و خط مشی های تحقیقات علمی با همدیگر هماهنگی خواهند نمود (همان، ۸۲). نکته مهم دیگر این است که در اعمال حاکمیت بر پهنه ای از دریا، تعامل مستمر در مباحث حقوقی، دیپلماسی، امنیتی، رعایت استقلال و نفع ملی در بین کشورهای ساحلی مطرح است. همچنین در قلمرو مغشوش عرف و سنت، مذاکره و مجادله، ادعا و ضد ادعا، همه دست در دست هم می دهند و به اصطلاح حقوق دانان آنچه که باید باشد را تبدیل به آنچه که هست می کند (صفوی، و قنبری، ۱۳۹۰: ۳ و ۴).

#### مفهوم امنیت

امنیت مفهومی است که از دست یابی به رهایی از خطری و توانایی دولت ها و جوامع برای حفظ هویت مستقل خود و تمامیت عملکرد خود در برابر نیروهای متغیر که برای آن ها خصمانه باشد، گرفته شده است. حد پایین امنیت بقا است اما امنیت شامل طیف وسیعی از محدوده ی قابل توجه نگرانی ها از شرایط به وجود آمده است. کاملاً روشن است که در آن طیف وسیعی از نگرانی های موجود، به شایستگی ضرورت مفهوم «امنیت» را بر چسب می زنند (که به شناسایی تهدیدات به اندازه کافی مهم به حکم عمل اورژانسی و اقدامات استثنایی از جمله استفاده از زور) و بخشی از ابهامات روزمره از زندگی که یکی از مشکلات امنیتی است (استون، ۲۰۰۹: ۱).

در سال های اخیر کانون توجه مطالعات امنیتی گسترش یافته است به طوری که در این مطالعات به تأثیر فراگیر فناوری روی استراتژی و به انواع جدید منازعات و بازی گران توجه بیشتری شده است؛ این امر تا حدودی ماهیت چندبعدی منازعه در یک نظام بین المللی نامتجانس در سطح جهانی را نشان می دهد (دوئرتی و فالتز گراف، ۱۳۹۰: ۸۴۶).

مکتب کپنهاگ یکی از رهیافت هایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و اندیشه ها و افق های جدیدی را در باب این مفهوم گشوده است. این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه ای را بر آن بیفزاید. این نظریه

برخلاف نظریه های سنتی مانند رئالیسم و لیبرالیسم دارای دیدگاه های تنگ نظرانه در باب امنیت نیست و موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی دهد و از سوی دیگر مانند نظریه های جدید (انتقادی و پست مدرنیسم) فقط در پی انتقاد و به چالش کشاندن اندیشه های قدیمی نیست و نوآوری این مکتب سطح تحلیل آن می باشد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). برخی از محققان روابط بین المللی مانند باری بوزان به مدت طولانی به مطالعه ی گسترش مفهوم امنیت که شامل تهدیدات غیرنظامی هم می شود، پرداخته است. پس از جنگ سرد، بوزان همراه با آل ویور و دیگران که از دانشگاه کپنهاگ آمده بودند به توسعه ی مفهوم «امنیت اجتماعی» که طیف وسیعی از موضوعات قانونی از تجزیه و تحلیل امنیت فراتر از جمله مباحث سنتی نظامی، قابلیت های دیپلماسی و سیاسی حوادث، به موضوعاتی از قبیل قومیت، هویت ملی و مهاجرت را دربر می گیرد، پرداختند (کسلواسکی، ۲۰۰۹: ۲). به گفته باری بوزان، مطالعات راهبردی باید توجه خود را به مطالعه دستور کار امنیتی و به ویژه تأثیر فناوری نظامی بر روابط بین الملل معطوف کند. آن چه بوزان آن را مطالعات امنیت بین الملل می نامد، این است که این مطالعات بایستی تهدیدات متعارف گسترده ی امنیت گروه های انسانی را مورد توجه قرار دهد (واین جونز، ۱۳۹۰: ۳۱۰). باری بوزان در کتاب «مردم، دولت ها و هراس» بر این واقعیت تأکید می ورزد که مفهوم امنیت تحت سلطه انگاره «امنیت ملی» قرار داشته است. تفکر پیرامون امنیت از منظر رهیافت ملی به شکل گیری دیدگاهی انجامید که تنها مسائل نظامی را با امنیت یکسان می پنداشت درحالی که در جهان واقعی حیات روزمره ی بشر، مردم در معرض تهدیداتی از حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نیز قرار دارند.

به نظر بوزان، امنیت اجتماعات انسانی تحت تأثیر عواملی در پنج بخش عمده قرار می گیرد:

۱- امنیت نظامی به اثر متقابل دوسطحی توانایی های تهاجمی و تدافعی کشورها و برداشت های آنان از نیات هم دیگر مربوط می شود؛

۲- امنیت سیاسی درباره ی ثبات سازمانی دولت ها، نظام های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آنها مشروعیت می بخشد؛

۳- امنیت اقتصادی پیرامون دسترسی به منابع، سرمایه و پول و بازارهای لازم و ضروری برای حفظ سطوح قابل قبول رفاه و قدرت دولت است؛

۴- امنیت اجتماعی به پایداری و دوام الگوهای سنتی زبان، فرهنگ و مذهب و هویت و عادات ملی تحت شرایط قابل قبول برای تکامل و تحول مربوط است؛

۵- امنیت زیست محیطی مربوط به حفظ و نگهداری زیست بوم محلی و جهانی به عنوان نظام حمایتی ضروری و حیاتی است که کلیه ی امور خطیر و فعالیت های مهم بشر به آن بستگی دارد (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۷ و ۶۸). جنبه های جدیدی از معماهای امنیتی که

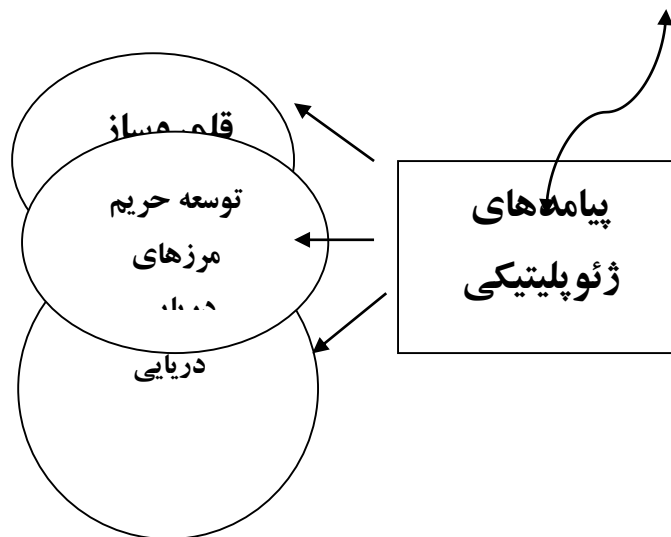
<sup>^</sup>Ole Waver

<sup>^</sup>Koslowski

توسط بوزان ارائه شده است از جمله امنیت منطقه ای، امنیت اجتماعی و امنیت زیست محیطی ابزار مفید برای یک سازمان دهی حرفه ای و یا سیاست پرداختن به نگرانی های امنیت ملی و یا بین المللی هستند . سازمان دهندگان سیاست باید آگاه باشند درحالی که امنیت نظامی هنوز هم مسلط است، بخش های دیگر نیز هنوز هم هستند که می توانند امنیت نظامی را در هر لحظه دور بزنند . مفهوم سلسله مراتبی از امنیت یکی از مفاهیم حاصل از دیدگاه بوزان است (استون، ۲۰۰۹: ۱۰).

### مدل مفهومی تحقیق





پیشینه تحقیق

<p>با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و به کمک اسناد حقوقی به این نتیجه دست یافت که سطح قابل توجهی از آب ها پشت خط مبدا امارات به عنوان آب داخلی قرار گرفته و محدوده دریای سرزمینی امارات و دیگر قلمروها پیش روی داشته و پیامدهای زیست محیطی، حقوقی، سرزمینی و امنیتی در پی داشته است.</p>	<p>مقاله با عنوان تاملی بر قلمرو گستری امارات متحده عربی در خلیج فارس</p>	<p>۱ عمران راستی و همکاران (۱۳۹۱)- فصلنامه راهبرد دفاعی</p>
<p>یافته های این پژوهش بیانگر آن است که قلمرو سازی وسیع امارات با چنین سرعتی از یک سو می تواند باعث طولانی شدن روند تعیین مرزهای دریایی ایران و تیرگی روابط دو کشور و دخالت کشورهای فرامنطقه ای در حاشیه خلیج فارس شود و از سوی دیگر ساخت این جزایر موجب نابودی گونه های بی نظیر و کم نظیر موجودات دریایی و تیرگی و گل آلود شدن آب و جابه جایی رسوبات در کنار ساحل شده است. علاوه بر موارد ذکر شده</p>	<p>پیامدهای منفی تأسیس جزایر مصنوعی امارات در خلیج فارس از</p>	<p>۲ منصور وفایی و فاطمه الوندی (۱۳۹۳) فصلنامه مجلس و راهبرد</p>

<p>پیامدهای منفی اقتصادی را باید عنوان کرد که آثار منفی بر اقتصاد ایران خواهد داشت .</p>	<p>منظر حقوق بین الملل دریاها</p>		
<p>یافته های پژوهش نشان می دهد، جزایر مصنوعی باعث افزایش تیرگی و گل آلود شدن آب و جابجایی رسوبات کنار ساحل شده است. لذا کشور های سازنده جزایر باید اطلاعات لازم را در زمینه ساخت و ویژگی های جزایر مصنوعی خود را کشورهای دیگر ارائه دهند.</p>	<p>پیامدهای زیست محیطی و حقوقی ساخت جسایر مصنوعی در خلیج فارس</p>	<p>زهرا پیشگاهی فر و همکاران (۱۳۹۱) فصلنامه پژوهش های جغرافیایی انسانی</p>	<p>۳</p>
<p>نتایج حاصله از این مطالعه گویای این واقعیت است که با توجه به اهمیت اقتدار و منافع ملی ایران به عنوان دارنده بیشترین ساحل و جمعیت در خلیج فارس در آینده باعث پررنگ تر شدن ادعای امارات بر سر جزایر سه گانه و تیرگی روابط و در نهایت حضور بیشتر قدرت های فرامنطقه خواهد شد.</p>	<p>پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس</p>	<p>دکتر سید یحیی صفوی و علی اصغر قنبری ۱۳۹۰ - فصلنامه ژئوپلیتیک</p>	<p>۴</p>
<p>ساخت جزایر مصنوعی این روند را تشدید می کند و زیان های جبران ناپذیری برای کشورهای ساحلی به بار آورد. در کنوانسیون های حقوق بین الملل دریاها نیز توجه به محیط زیست دریاها و منافع سایر کشورهای ساحلی از پیش شرط های اساسی ساخت این جزایر قرار داده شده است. در این پژوهش تلاش شده تا ساخت جزایر مصنوعی از منظر حقوق بین الملل دریاها بررسی و تبعات زیست محیطی ساخت جزایر مصنوعی بر دریای خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرد.</p>	<p>ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل محیط زیست</p>	<p>مجید عباسی اشلقی ۱۳۹۰- فصلنامه راهبرد</p>	<p>۵</p>

### نوع و روش تحقیق:

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت داده ها، کیفی است. روش اصلی این پژوهش توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه ای بوده و در صدد پاسخ گویی به این پرسش است که ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی چه پیامدهای امنیتی و ژئوپلیتیکی بر مرزهای آبی کشور دارد؟



#### ۱. یافته های تحقیق

امارات عربی متحده در قالب یک فدراسیون سیاسی از هفت شیخ نشین ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام القوین و راس الخیمه و فجیره در یازدهم آذرماه ۱۳۵۰ تشکیل شد این کشور از لحاظ جغرافیایی در طول بخش جنوبی تا شرق ساحل خلیج فارس از پایه شرقی قطر تا پایه راس المسندام در جنوب تنگه هرمز (شبه جزیره مسندام) امتداد می یابد ( مجتهد زاده، ۱۳۷۷: ۲) جزایر مصنوعی در حال ساخت امارات شامل سه جزیره است که به اشکال مختلف و شبیه نخل بوده و عبارتند از جمیرا که دارای ۱۷ شاخه عظیم است و توسط یک حصار ۱۲ کیلومتری حفاظت شده و برای به سطح آب رساندن این سازه، بیشتر از ۵۰ میلیون متر مکعب خاک استفاده شده است. ساخت این جزیره در سال ۲۰۰۱ آغاز شد و مساحت این جزیره ۵ در ۵ کیلومتر می باشد. جبل علی که ساخت آن در سال ۲۰۰۲ آغاز شد و ۵۰ درصد از جمیرا بزرگ تر است و دیرا که ساخت آن از سال ۲۰۰۴ آغاز شده و دارای ۴۱ شاخه است و در ساخت آن بیش از یک بیلیون متر مکعب شن و سنگ در ساخت آن بکار رفته است این جزیره مساحتی به طول ۱۴ و عرض ۸۰۵ کیلومتر را دربر گرفته و ۸۰ کیلومتر مربع مساحت کل آن می باشد کارشناسان زمان اتمام این پروژه ها را تا سال ۲۰۱۵ برآورد می کنند از دیگر جزایر در حال ساخت توسط امارات می توان به جزایر جهان که مشتمل بر ۳۰۰ جزیره مصنوعی به شکل نقشه جهان است اشاره کرد این پروژه عظیم در ۴ کیلومتری ساحل دبئی، واقع شده و به مانند پروژه های دیگر زاینده فکر شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، می باشد، اندازه هر جزیره از ۲۳،۰۰۰ متر مربع تا ۸۴،۰۰۰ متر مربع متفاوت است و ارتفاع آنها بین ۵۰ تا ۱۰۰ متر از سطح دریاست. مساحت جزیره ۹ کیلومتر طول در ۶ کیلومتر عرض و توسط یک موج شکن بیضوی شکل احاطه شده است. مسافت بین جزایر توسط قایق یا بالگرد طی می شود. قیمت هر جزیره از ۱۵ میلیون دلار تا ۴۵ میلیون دلار متفاوت است. و در ۴ کیلومتری ساحل منطقه جمیرا قرار دارد. ۱۱

#### موافقتنامه تحدید حدود مرز دریائی بین ایران و دبئی

مرز دریایی ایران و امارات عربی متحده نسبت به سایر مرزها در خلیج فارس از ویژگی های خاصی برخوردار است اولین ویژگی آن دو قسمت بودن مرز در خلیج فارس و دریای عمان است و ویژگی دوم، عدم یکپارچه بودن سرزمین امارات است که بر اساس قانون اساسی آن کشور هر اقدامی جهت تحدید حدود آلمر ز دریایی باید به تایید یکایک اعضاء فدراسیون برسد سومین ویژگی مرز دریایی دو کشور تحدید حدود بخشی از آن در سال ۱۳۵۰ می باشد ویژگی چهارم وجود حوزه های نفت و گاز مشترک است ( میر حیدر، عسکری، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۲) از ۳۲۰ کیلومتر مرز دریایی میان ایران و امارات فقط ۷۲ کیلومتر با توافق طرفین در سال

با شعار مکانی بی نقص برای دور شدن از دنیا palm island ۱  
http://www.nakheel.com/developments - برای اطلاع بیشتر ر ک ساینل  
Delimitation-

۱۳۵۳ تعیین شده است ۲۴۸۳ کیلومتر باقی مانده به علت اختلاف بر سر جزایر سه گانه بین ایران و امارات هنوز بلا تکلیف است.  
(پیشگامی فرد، ۱۳۸۴: ۷۷) ۱۴

### مرزهای دریایی

در یک نگاه کلی، هر کشوری که به آبهای آزاد دسترسی دارد، لاجرم دارای مرز دریایی لشدت از نظر حقوقی، قوانین حاکم بر آبهای ساحلی با قوانین حاکم بر خاک یک کشور متفاوت است. مرز دریایی در دریاهای آزاد و اقیانوس ها، معمولاً به خط فرضی گفته می شود که «فاصله ای برابر با حداکثر دوازده مایل دریایی» از خط مبدا ۳۰۰ متر طول هر کشور دارد در خصوص جزایر احداث شده در آب باید ابتدا حق مالکیت بر جزیره را تعیین نمود چرا که این مهم امکان تعیین مرز دریایی که در واقع امکان استفاده از آب های سرزمینی و ذخائر و منابع و ظرفیت های استراتژیک مناطق را به کشورها می دهد. حال تصور کنید خشکی های یک کشور کیلومتر ها در آب های سرزمینی آن کشور جلو برود و یا جزایر جدیدی در آبهای سرزمینی آن کشور ایجاد شود؛ چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بی شک پدیدار شدن این خشکی های جدید و مصنوعی روی تعیین سرحدات ۱۰۰ مرزهای آبی و به تبع آنها آبهای سرزمینی بی تاثیر نخواهند بود. زمانی که مرز های آبی فراتر بروند و آبهای سرزمینی توسعه بیابند دسترسی به منابع افزایش خواهد یافت. درست در مجاورت تنگه هرمز جزایر مصنوعی در حال احداث هستند و مشخص است که اهمیت استراتژیک یک تنگه آن هم در منطقه ای نظیر خلیج فارس که قطب صادرات نفت به شمار می رود تا چه میزان است و ایران بارها با انجام مانورهایی در این تنگه اقتدار دریایی خود را به نمایش گذاشته و تاکید کرده است که در صورت احساس تهدید آمادگی مسدود کردن این آبراه را دارد، حال امارات از یک سو با ساخت این جزایر مصنوعی و از سوی دیگر با طرح ادعاهای واهی نسبت به حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ۸۰ مایلی شومی را در ذهن می پروراند و تهدید بالقوه ای محسوب می گردد که باید مسئولین و مقامات ایرانی نسبت به آن هوشیاری لازم را داشته باشند.

### جزایر مصنوعی و تاثیر آن در تعیین مرز دریایی

۱۴ - مشتمل بر یک مقدمه و ۵ ماده و یک برگ نقشه که معرف ۵ نقطه از شماره ۱ تا ۵ در خلیج فارس می باشد.  
این موافقتنامه در مارس ۱۹۷۵ در ایران به تصویب مجلس رسید اما به علت اختلاف هائی مانند حاکمیت بر جزایر سه گانه ایرانی (ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک) بین امارات و ایران از جانب امارات متحده عربی مورد انکار قرار گرفت.

۱۵ Border sea

۱۶ Base line

۱۷ Border land

-این موضوع برای نخستین بار به طور رسمی در سال ۱۹۹۲ از سوی امارات عربی متحده مطرح شد آنهم پس از ۲۱ سال که بر پایه توافق ایران<sup>۱۷</sup> و انگلستان این جزایر به ایران بازگردانده شد.

هما نگونه که پیشتر مطرح شد بر پایه کنوانسیون حقوق دریاها از جزیره تعریف مشترکی بعمل آمده است که عبارت است از قطعه زمینی که به طور طبیعی به وجود آمده باشند و اطراف آن را آب فرا گرفته است. با این تعریف تمام جزایر دارای دو قلمرو دریای سرزمینی و منطقه نظارت بوده لیکن جزایر مصنوعی فاقد هر نوع قلمرو دریایی اند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۹) هرچند در قوانین بین المللی جزیره های مصنوعی ملاکی برای تعیین مرز محسوب نمی شوند، به طور حتم قضیه در مورد پیشروی ساحل فرق می کند، در حقیقت با پیشروی ساحل امارات توانایی چانه زنی این کشور برای تعیین مرزها افزایش می یابد. کشورهای عربی به دنبال این هستند که با ساخت جزایر مصنوعی بخش خشکی کشور خود را اضافه کنند و هیچ بعید نیست که در سال های آینده بیشتر از آنچه حق واقعی خودشان است طلب نمایند. هر چند از نظر حقوق بین الملل ساخت جزایر مصنوعی باعث ایجاد تغییر در خط مبدا نمی شود لیکن مسأله ای که ممکن است در آینده ایران با آن مواجه شود توقعاتی است که از طرف امارات مطرح خواهد شد جزایر چهارگانه مصنوعی قرار است درست در مجاورت تنگه هرمز احداث شوند و مشخص است که اهمیت استراتژیک یک تنگه به عنوان یک آبراه بین المللی<sup>۱۹</sup> هم در منطقه ای نظیر خلیج فارس که قطب صادرات نفت به شمار می رود تا چه میزان است در صورتی که جزایر مزبور در این منطقه به طور کامل احداث و به بهره برداری برسند، احتمال آنکه امارات ادعاهای تازه ای را در خصوص مرز های آبی و آبهای سرزمینی خود مطرح کند بسیار محتمل است.

اهداف امارات متحده عربی از ساخت جزایر مصنوعی

کشوری که امروزه با نام امارات عربی متحده در جغرافیای سیاسی پدیدار گشته است قدمتی کمتر از ۴ دهه دارد ایران در ابتدای تشکیل این کشور در اوایل دهه ۵۰ به رسمیت شناختن این کشور را منوط به رسمیت شناختن حق حاکمیت ایران بر جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابو موسی نمود چند روز قبل از اعلام موجودیت این کشور، امیر نشین شارجه این شرط را پذیرفت و ایران نیز موجودیت آن را به رسمیت شناخت. دلایل مستند و مستدل فراوانی بر مالکیت ایران بر سه جزایر مورد اختلاف وجود دارد و قصد بحث موضوع در این نوشتار نیست لیکن آنچه مسلم است اماراتی ها ادعای حاکمیت خود بر دو جزیره تنب بزرگ و کوچک را صرفا برای داشتن برگ برنده و چانه زنی مطرح می کنند، چرا که حتی با مراجعه به حقوق بین الملل در یاها و یا در نظر گرفتن خط منصف به عنوان خطی که حدود دریایی دو کشور را تفکیک می نماید باز هم این دو جزیره به علت نزدیکی به ساحل ایران در محدوده آبهای ایران قرار می گیرند. بنابراین به نظر می رسد ادعای امارات فقط بر جزیره ابو موسی است لیکن مالکیت ایران بر این جزیره سابقه تاریخی دارد و ادعای اماراتی ها راه به جایی نمی برد، اماراتی ها نیک می دانند هرگز از راه مذاکره بر این جزیره مسلط نخواهند شد و از راه جنگ نیز دو حالت دارد: اول: تنها یا با کمک اعضای شورای همکاری خلیج فارس دست به اقدام نظامی بزنند، در این صورت تحت هر شرایطی مغلوب جنگ بوده و موجودیت خود را نیز باخطر جدی مواجه خواهند ساخت. دوم: با کمک

۱۹ - تا اکنون کشورهایی چون قطر، عمان و بحرین نیز طرح های مشابهی را برای اجرا مورد بررسی قرار داده اند.

کمیسیون حقوق بین الملل آبراه بین المللی را آبراهی می داند که قسمتهایی از آن در قلمرو چند کشور باشد. International channel<sup>۲۰</sup>

غرب و آمریکا دست به اقدام نظامی بزنند، در این صورت نیز احتمال شکست برای این کشور بیش از فیروزی است پس گزینه سوم را در پیش گرفته اند یعنی ساخت جزایر مصنوعی که با این کار به خیال خود با یک تیر دو نشان خواهند زد:

اول : رونق اقتصادی و تجاری این شیخ نشین .

دوم: نزدیکی هرچه بیشتر به جزایر ایرانی مورد مناقشه و بدست آوردن ابزار برای چانه زنی بر سر تحدید حدود دریایی با ایران.

### حقوق بین الملل و جزایر مصنوعی

در حقوق بین الملل از قراردادی و عرفی گرفته تا آرای قضایی ساخت جزایر مصنوعی ممنوع نشده است ۱ طبق ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها اگر جزایر مصنوعی در منطقه انحصاری اقتصادی برپا شوند دولت ساحلی موظف است همراه با برخورداری از مزایای این منطقه حقوق کشورهای دیگر را رعایت نماید. همچنین بر پایه ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ تنها دولت ساحلی اجازه برپا کردن جزایر مصنوعی را دارند اگر بحث مناطق دریایی مشترک میان ایران و امارات حل شده باشد، ایجاد این جزایر مشکلی ایجاد نمی کند. چون در این صورت امارات در منطقه تحت حاکمیت خودش اجازه این کار را دارد، کما این که ایران هم می تواند دست به چنین اقدامی بزند. اما نکته این است که امارات نسبت به مالکیت بر جزایر سه گانه مدعی است واز آنجاییکه تا کنون توافقی برای تعیین مرزهای آبی دو کشور صورت نگرفته است. از نظر ایران، این مناطق تحت حاکمیت ایران بوده و حریمی هم که برای این جزایر ایجاد می شود یعنی منطقه آزاد انحصاری اقتصادی و منطقه دریای سرزمینی تحت حاکمیت ایران قرار می گیرد. در کنار مشکلات خاص زیست محیطی که سبب مخالفت های کشورهای منطقه و به خصوص ایران با جزایر در حال ساخت امارات می شود این طرح پیامدهای خاصی نیز از لحاظ سیاسی و ژئوپلیتیک در منطقه دارد که مهمترین آن تعیین مرزهای دریایی ایران با این کشور است. در حقیقت با توجه به اینکه مرزهای ایران و امارات هنوز تعیین نشده اقدامات شیخ نشین دبی در تغییر مختصات جزایر به نوعی در راستای بالا بردن سهم این کشور عربی است. گرچه در قوانین بین المللی جزیره های مصنوعی ملاکی برای تعیین مرز محسوب نمی شوند، اما به طور حتم قضیه در مورد پیشروی ساحل فرقی می کند، در حقیقت با پیشروی ساحل توانایی چانه زنی امارات برای تعیین مرزها افزایش می یابد بدین ترتیب اگر دیگر کشورهای عربی نیز با ساخت جزایر مصنوعی بر بخش خشکی کشور خود اضافه کنند، هیچ بعید نیست که این کشورها در سال های آینده بیشتر از آنچه حق واقعی خودشان است طلب کنند. که در این صورت شاهد افزایش سیطره آنان بر سواحل خلیج فارس خواهیم بود هر چند بر اساس کنوانسیونهای حقوق دریاها هر کدام از دولت های ساحلی خلیج فارس می توانند در محدوده آب های سرزمینی خود اقدام به ساخت جزایر مصنوعی کنند اما با توجه به ماده ۱۲۳ کنوانسیون

- در کنوانسیونهای ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ که ناظر به حقوق دریاهاست ساخت جزایر مصنوعی بیشتر در زمینه های پژوهشی و اکتشافی مورد توجه بوده و امتیازی از جهت تحدید مرزهای دریایی برای کشورهای دارنده و سازنده پدید نمی آورد.

۱۹۸۲ سازمان ملل در خصوص حقوق دریاها، راجع به دریاهای بسته یا نیمه بسته (خلیج فارس یک دریای نیمه بسته به شمار می آید) دولت های ساحلی باید در امور مختلف مربوط به بهره برداری از حقوق و انجام تکالیف خود با یکدیگر همکاری کنند و به همین سبب می توان گفت اقدام هر کدام از دولت های ساحلی برای ایجاد جزایر مصنوعی باید با اطلاع و هماهنگی سایر دولت های ساحلی و با توجه به در نظر قرار دادن تمامی آثار و عواقب آن انجام شود.

## ۲. حقوق دریاها و ساخت جزایر مصنوعی

طبق ماده ۸۷ عهدنامه حقوق دریاها گللیه کشورها حق ساخت جزایر مصنوعی و سایر تاسیسات مجاز از نظر حقوق بین الملل را در دریای آزاد دارند به شرط آنکه به حقوق کشورهای ساحلی در منطقه فلات قاره خدشه ای وارد نسازند (بیگدلی، ۱۳۹۱: ۳۱۷) بر اساس کنوانسیون حقوق بین الملل دریاها حاکمیت دولت ها در دریای سرزمینی به جز در حق عبور بی ضرر کشتی ها مطلق است؛ بنابراین، این حق به آنها داده شده است که به ساخت جزایر یا سایر تاسیسات مصنوعی در این محدوده آبی مبادرت کنند و هیچ خدشه ای بر حقوق آنها وارد نیست، نکته مهم اینکه هر چند در قوانین بین المللی، جزیره های مصنوعی ملاکی برای تعیین مرز محسوب نمی شوند، ولی آنچه که از بابت ساخت جزایر توسط دولت امارات نباید فراموش کرد این است که با ساخت این جزایر محتمل است که اماراتی ها در سال های آینده بر اساس قاعده تعیین مرز آبی دو کشور از خط ساحلی که بر اساس آن «آب های تحت حاکمیت» ۱۲ مایل ۲۴ «آب های تحت صلاحیت» ۲۰۰ مایل از مرز خاکی هر کشور فاصله دارد، شکست به گسترش مرز آبی خود ادعاهایی را مطرح کنند و برای کشورهای همسایه از جمله ایران مشکل ساز شوند. عکس بر پایه کنوانسیون ۱۹۵۸، جزایر مصنوعی نمی توانند پایه ای برای خط مبدا باشند (۷امیدی، ۱۳۸۴: ۷۴) به طور حتم قضیه در مورد پیشروی ساحل فرق می کند در حقیقت با پیشروی ساحل یکی از دو کشور توانایی "چانه زنی" برای تعیین مرزها افزایش می یابد بدین ترتیب اگر کشورهای عربی از جمله امارات با ساخت جزایر مصنوعی بر بخش خشکی کشور خود اضافه کنند هیچ بعید نیست که در سال های آینده بیشتر از آنچه حق واقعی خودشان است طلب کنند این کشور همزمان با ادعاهای ارضی بی پایه علیه جزایر سه گانه با سرمایه گذاری عظیم

- طبق تعریف ماده ۱۲۲ عهدنامه ۱۹۸۲ حقوق دریاها!

مجموعه قوانین و مقرراتی است مشتمل بر ۳۲۰ ماده و ۹ الحاقیه و چندین قطعنامه که بر روابط اشخاص و کشورها در دریا و Low of sea<sup>۲۳</sup> موضوعات مربوط به دریا ناظر و حاکم است. از جمله حقوق مطروحه در حقوق دریایی می توان حمل و نقل دریایی، بیمه دریایی، وضعیت حقوق کشتیها و ایمنی در دریا اشاره کرد.

- ماده ۳ عهد نامه حقوق دریاها اشعار می دارد: هر کشوری حق دارد عرض دریایی سرزمینی خود را تعیین کند و این محدوده نباید از ۱۲ مایل<sup>۲</sup> دریایی از خطوط مبدایی که در این عهد نامه مشخص شده است تجاوز کند و بر همین اساس ماده ۲ قانون مناطق دریایی ایران (مصوب ۱۳۷۲) عرض ۱۲ مایل را که منطبق بر کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها می را برای دریای سرزمینی برگزیده است.

- طبق ماده ۵۷ عهدنامه حقوق دریاها!

- ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز حق ساخت جزایر مصنوعی را برای دولت ها قائل شده است ولی بر اساس ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۵۸ ساخت جزایر مصنوعی بر تعیین مرز دریایی (خط مبدا)، تاسیسات ویژه کشف و استخراج منابع طبیعی در فلات قاره، منزلت حقوق جزایر (طبیعی) را ندارند و در تعیین مرزهای دریایی هیچ امتیازی برای کشور مالک جزیره مصنوعی ایجاد نمی کنند.

با سرعت مشغول توسعه جزایر مصنوعی در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس است که با هدف افزایش سرمایه، تصرف گام به گام حریم آبی ایران و عربی کردن این پهنه آبی نه تنها محیط زیست شکننده این خلیج ۲۸ در معرض نابودی قرار داده بلکه مرزهای آبی و مناطق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران در خلیج فارس را نیز در معرض تهدید جدی قرار می دهد.

### جزایر مصنوعی در خلیج فارس و پیامدهای آن

همانطوریکه قبلا اشاره شد هر چند از نظر حقوق بین‌الملل ساخت جزایر مصنوعی باعث ایجاد تغییر در خط مبدا نمی شود اما مسئله ای که ممکن است در آینده ایران با آن مواجه شود توقعاتی است که از طرف اماراتی ها مطرح خواهد شد .

از مهمترین اهداف و پیامدهای سیاسی و ژئوپلیتیکی توسعه جزایر مصنوعی توسط امارات را می توان موارد زیر برشمرد:

۱- توسعه حریم مرزهای دریایی: از آنجا که ممکن است در آینده محیط جزایر مصنوعی امارات به عنوان حریم آبی این کشور محسوب گردد اماراتی‌ها با افزایش جزایر خود به دنبال افزایش حریم آبی و به دنبال آن، توسعه هر چه بیشتر محدوده آب‌ها و همچنین بستر خلیج فارس هستند، تا به امروز نیز این کشور با ساخت جزایر مصنوعی سواحل خود را بصورت مجازی دو تا سه برابر کرده است .

۲- توسعه طلبی ارضی: از کرانه‌های خشکی جنوب خلیج فارس به دورترین جزایر مصنوعی از سواحل امارات با هدف تهدید عمق استراتژیک ایران در خلیج فارس.

۳- تصرف گام به گام فلات قاره و بستر خلیج فارس برای نزدیکتر شدن هر چه بیشتر به جزایر سه گانه و سواحل ایران به منظور توسعه طلبی ارضی آینده

۴- بسترسازی برای راه اندازی کانالی جایگزین تنگه هرمز: بر پایه این طرح با ساخت کانالی از داخل امارات، سواحل امارات در دریای عمان (در جنوب شرقی امارات) به سواحل خلیج فارس (در شمال امارات) متصل خواهد شد تا اهمیت استراتژیک تنگه هرمز و جزایر ایرانی از میان برود. ۲۹.

۵- تبلیغ و تثبیت نام جعلی برای خلیج فارس: با تبلیغات رسانه‌ای و پخش نقشه‌های جعلی برای جلب گردشگران و فروش واحدهای مسکونی جزایر در عرصه بین‌المللی<sup>۲</sup>.

### تجزیه و تحلیل

- بر اساس بررسی های انجام شده ، خلیج فارس یکی از مناطق به شدت آلوده جهان است و میزان آلودگی نفتی آن دو برابر بیشتر از دیگر دریاهاست .  
- طول این کانال ۱۸۰ کیلومتر و هزینه راه اندازی آن دویست میلیارد دلار برآورد شده است<sup>۳</sup>

<http://aftab news.ir> -برای اطلاعات بیشتر رکت<sup>۴</sup>

همانطوریکه قبلاً اشاره شد از ۳۲۰ کیلومتر مرز دریایی میان ایران و امارات فقط ۷۲ کیلومتر با توافق طرفین در سال ۱۳۵۳ تعیین شده است ۲۴۸ کیلومتر باقی مانده به علت اختلاف بر سر جزایر سه گانه بین ایران و امارات هنوز بلا تکلیف است با این حال دو نوع توافق میان ایران و دبی از یک سو و ایران شارجه ام القوین از سوی دیگر وجود دارد، در مورد اول ایران و دبی در ۱۴ اوت ۱۹۷۴ قرارداد دادی به امضاء رساندند که به تصویب ایران رسید ولی مورد موافقت امارات قرار نگرفت در مورد دوم پس از اجرای موافقتنامه ایران و شارجه در دسامبر ۱۹۷۱ مقررات ایران در ۱۲ مایل آبهای جزیره بوموسی به اجرا در آمد لیکن اعمال این سر حد آبی با سرحدات ام القوین تداخل یافت، برای حل این مشکل ایران موافقت کرد که آبهای جزیره بوموسی و آبهای ام القوین حد میانه ای به نسبت دو کرانه اعمال شود ولی این توافق از حد شفاهی تجاوز نکرد و تحدید حدود مرزهای ایران و امارات تاکنون لاینحل باقی مانده است. با ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات ظن این موضوع افزایش می یابد که در سالهای آینده تعیین مرز دو کشور تحت الشعاع قرار گرفته و این کشور نسبت به گسترش مرز آبی خود با دیگر کشورها بویژه جمهوری اسلامی ایران تجدید نظر نماید این کشور علی رغم حمایت های کشورهای عربی منطقه و فرمانطقه ای بویژه ایالات متحده آمریکا از جوسازی ها و ادعاهای واهی خود نسبت به واخواهی جزایر سه گانه ایرانی تاکنون طرفی نبسته است سعی دارد با احداث جزایر مصنوعی علاوه بر دستیابی بر منافع اقتصادی جدید در راستای تغییر مرزهای دریایی خود با جمهوری اسلامی ایران نیز امتیازگیری و رویه این مهم توسط این کشور و یا دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس (۳ تا حتی دریای خزر) ساخت جزایر و سازه های مصنوعی ممکن است باعث تبعات سوء و غیر قابل جبرانی از بابت ادعاهای جدید کشورها در ایجاد فضا و چالشهایی برای چانه زنی و امتیاز گیری از جمهوری اسلامی ایران در تعیین تحدید حدود آبهای مرزی شود.

### نتیجه گیری

هر چند از نظر حقوقی حق ساخت جزایر مصنوعی را برای دولتها محفوظ می باشد لیکن در اینکه احداث اینگونه تاسیسات توسط کشورها در خلیج فارس و یا حتی در یای خزر روابط جمهوری اسلامی ایران با همسایه ها را تیره خواهد کرد شکی نیست و این موضوع با حساسیت زیادی در حال پیگیری است که موضع گیری مقامات و مسئولین ایران در این رابطه اهمیت و حساسیت موضوع را نشان می دهد. هرچند طبق قوانین و حقوق بین المللی اگر ساخت و سازی در دریا صورت گیرد کشور سازنده نمی تواند مرز

- در حال حاضر پروژه های متعدد ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس وجود دارد بحرین ساخت جزیره دو دریا کویت ساخت جزیره تقریحی<sup>۳</sup> سبز و قطر نیز با ساخت جزیره مروارید در این راستا گامهای بلندی را برداشته اند.

- از جمله جمهوری آذربایجان با طرح ساخت بزرگترین برج دنیا در خزر و ساخت ۴۱ جزیره در ۱۵ مایلی باکو و یا احداث مجتمع ۵ میلیارد دلاری گردشگری آوازه توسط ترکمنستان و ...

ملی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک اظهار داشت: احداث جزایر به عنوان نمونه سردار سرلشکر سید یحیی صفوی در چهارمین کنگره<sup>۳</sup> مصنوعی باعث پیچیده تر شدن اختلافات موجود اماراتی ها با ایران و باعث واگرایی و تیره شدن بیشتر روابط بین کشورها خواهد شد علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی نیز در خصوص تصمیم امارات مبنی بر ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس عنوان نمود که به لحاظ مسائل حقوق دریایا و مطابق کنوانسیون ها ضروری است که احداث این جزایر پیگیری شوند از سویی

خود را بر اساس آن تغییر دهد اما نقش قدرت و ادعا در بسیاری اوقات تعیین کننده است و به طور معمول در حقوق بین الملل ادعای یک جانبه در صورتی که با اعتراض مواجه نشود زمینه را برای به وجود آوردن عرف فراهم می کند. از منظر حقوق بین الملل و دریاها گرچه ساخت جزایر مصنوعی توسط دولتها ممنوع نشده لیکن باید به این نکته توجه کرد که احداث این جزایر بدون توجه به حقوق و منافع دیگر کشورها نمی تواند صورت گیرد، ایران به هنگام امضای کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها به استناد مواد ۶۹، ۷۰ و ۷۱ در موضع گیری موضوع نیمه بسته بودن خلیج فارس و محفوظ بودن حق خود چنین استنباط نمود که واقع بودن این کشور در منطقه نیمه بسته مانند خلیج فارس صرف نظر از طول ساحل و غیره کشور ایران را به دلیل اتکای جمعیت زیاد آن به منابع پروتئینی در شرایط نامساعدی قرار داده است و کشور دیگری نمی تواند ادعای برخورداری از سهم ویژه ای در این منطقه داشته باشد. در حال حاضر فکر ساخت پروژه های متعدد دیگری نیز توسط کشورهای منطقه خلیج فارس در حال پیگیری است و این مهم رانیز باید در نظر گرفت که به علت بزرگ بودن این سازه ها سایر مناطق نیز تحت تاثیر قرار خواهند گرفت پیش از هر عمل از سوی کشور امارات یا دیگر کشورها در خصوص ساخت جزایر مصنوعی اصولی حقوقی و جدید همچون اصل توسعه پایدار و اصل تدابیر احتیاطی باید رعایت شود و دولت امارات بر پایه موازین بین المللی موظف است که به دیدگاههای دولتهای همسایه بویژه جمهوری اسلامی ایران توجه نماید. در حال حاضر و شرایط فعلی یکی از کارآمدترین راهکارهای ممکن در رابطه با پیشگیری از آثار سوء اینگونه ساخت و سازهها محاله موضوع به مجامع بین المللی است لیکن از آنجاییکه نه ایران و نه امارات به کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها نپیوسته اند ۳۴ عملا این راه کار بجایی نخواهد برد از راه کارهای دیگر در رابطه با جلوگیری از ساخت جزایر مصنوعی مطرح کردن مشکلات زیست محیطی و آثار مخرب اینگونه ساخت و سازهها از طریق اطلاع رسانی توسط سازمانهای مردمی، جراید، احزاب و گروههای سیاسی است که می توان با رسانه ای کردن این مساله جهان و حامیان محیط زیست را به اثرات سوء ساخت اینگونه تاسیسات آگاه نمود و دولت امارات را تحت فشار قرار داد، از راههای دیگر مقابله با این پدیده احیاء دوباره کنوانسیون ۱۹۷۸ کویت (راپمی) (۳) باشد که جمهوری اسلامی ایران می تواند با احیاء این کنوانسیون همکاری کشورها در پاسداری از محیط زیست خلیج فارس را پیگیری نموده ضمن جلوگیری از آسیب به محیط زیست به اهداف قانونی و به حق خود نیز دست یابد.

وقت وزارت امور خارجه نیز در این مورد اعلام کرده بود که ایران مساله ساخت جزایر مصنوعی در خلیج دیگر رانیز مهمانپرست سخنگوی...فارس را دنبال می کند و جنبه های مختلف مربوط به ساخت جزایر مصنوعی در دستور کار قرار دارد - ایران کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را امضاء اما تا اکنون از تصویب آن خودداری کرده است!

کرده است برخی از تردیدهای ایران برای پیوستن به این کنوانسیون عبارتند از: حل اجباری اختلافات بین اعضا، عبور کشتی های نظامی از دریای سرزمینی، عبور ترانزیتی از تنگه های بین المللی که برای ایران حائز اهمیت است و با لایحه تعیین حدود مناطق دریایی.

۳- Regional organization for the protection of the Marine Environment (ROPME)

ایران، بحرین، عراق، کویت، عمان، عربستان سعودی و امارات عربی متحده کشورهایی هستند که در سال ۱۹۷۸ سازمان منطقه ای حفاظت از محیط زیست را به تصویب رساندند. طبق بند ۳ این کنوانسیون دولت های عضو متعهد شده اند به صورت انفرادی یا جمعی کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری یا کاستن از آلودگی محیط زیست دریایی و مبارزه با آلودگی اتخاذ نمایند



### فهرست منابع

- آدمی، علی (۱۳۹۱). بحران بحرین و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲.
- آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر پایدار.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۶). ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، تهران، انتشارات سفیر.
- اشلقی، مجید عباسی (۱۳۹۰). "ساخت جزایر مصنوعی خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل محیط زیست" فصلنامه راهبرد شماره ۵۸.
- امید، علی (۱۳۸۴). حقوق بین الملل و ساختن جزایر مصنوعی در خلیج فارس، مجله سیاسی اقتصادی، ۲۳۷-۲۳۸.
- پیشگاهی فر، زهرا و همکاران (۱۳۹۱). پیامدهای زیست محیطی و حقوقی ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، تهران، نشریه پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۱۱۷، ۷۹-۱۴۰.
- پیشگاهی فر، زهرا (۱۳۸۴). مقدمه ای بر جغرافیای سیاسی دریاها، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حافظ نیا، محمد رضا و کاویانی، مراد (۱۳۸۳). افق های جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۱). خلیج فارس و نقش ژئوپلیتیک تنگه هرمز، تهران؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- دوئرتی، جیمز و فالتز گراف، رابرت (۱۳۹۰). نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس.
- راستی، عمران و همکاران (۱۳۹۱). تاملی بر قلمروسازی و قلمرو گستری امارات متحده عربی در خلیج فارس، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳۸، ۳۱-۷۱.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶). کنوانسیون حقوق دریاها، تهران.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

- صفوی، سید یحیی و قنبری، علی اصغر (۱۳۹۰). پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره سوم، ۱-۲۴.
- ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۶). حقوق بین الملل عمومی، تهران؛ انتشارات گنج دانش.
- فولر، گراهام (۱۳۸۸) قبله عالم ژئوپلیتیک ایران ترجمه عباس مخبر.
- کالینز، جان ام (۱۳۷۹)، جغرافیای سیاسی - نظامی، ترجمه احمد رضاتقاء. دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- گفتگو با پیروز مجتهد زاده همشهری شماره ۱۷۲۴ ۲۳ دیماه ۱۳۷۷.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۰). کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، مترجم حمید رضا ملک محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- میر حیدر، دره وعسکری، سهراب (۱۳۸۳) "ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تاکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات عربی متحده" مجله پژوهش های جغرافیایی شماره ۵۰.
- واین جونز، ریچارد (۱۳۹۰). بازسازی مفهوم امنیت، در ناگفته های سیاست بین الملل، نویسندگان ساموئل هانتینگتون و دیگران، ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران، نشر دفتر علم، چاپ نخست، آذرماه.
- وفایی، منصور و الوندی، فاطمه (۱۳۹۳). پیامدهای منفی تاسیس جزایر مصنوعی امارات در خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل دریاهای، تهران، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۸۳، ۲۲۵-۲۴۳.

Koslowski, Reynold,, (2009) "International Migration and Human Mobility as Security Issues", Paper presented at the annual meeting of the ISA's 50<sup>th</sup> ANNUAL CONVENTION "EXPLORING THE PAST, ANTICIPATING THE FUTURE", New York Marriott Marquis, NEW YORK CITY, NY, USA Online <APPLICATION/PDF>. 2013-12-13 from

STONE, Marianne, (2009), " Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis", Sciences Po – Paris, France Columbia University, School of International and Public Affairs – New York, USA, SECURITY DISCUSSION PAPERS SERIES 1, Groupe d'Etudes et d'Expertise "Sécurité et Technologies" GEEST.

## نقش قدرت های فرامنطقه ای در دولت ملت سازی کشورهای جنوب غرب آسیا

محمد علی صادقی، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران  
فیروز نجفی، استادیار گروه علوم سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

### چکیده

دولت - ملت سازی مهمترین فرایندی است که از طریق آن حضور گروه های مختلف قومی - مذهبی در چارچوب یک سرزمین واحد تضمین می شود. جنوب غرب آسیا یکی از مناطقی است که در معرض پیامدهای دولت ملت سازی قرار گرفته و رویکردها و سیاست های قدرتهای بزرگ بر این روند تاثیر گذاشته است. با توجه به نقش بارز قدرت های فرامنطقه ای در فرآیند دولت ملت سازی، نگارنده در نگارنده با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه درصدد پاسخگویی به این سوال است: قدرت های فرامنطقه ای چه نقشی در دولت ملت سازی کشورهای جنوب غرب آسیا دارند؟ یافته های پژوهش حاکی از آن است: اقدامات قدرت های فرامنطقه ای نظیر آمریکا، انگلیس نقش بسزایی در شکل گیری تحولات دولت - ملت سازی کشورهای عراق، افغانستان و امارات داشته و اقدامات روسیه در قبال کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نیز روند دولت ملت سازی در این کشورهای را با چالش هایی مواجه کرده است.

### واژگان کلیدی:

قدرت، قدرت های فرامنطقه ای، دولت-ملت سازی، جنوب غرب آسیا

## مقدمه

ملت سازی، روندی جامعه شناختی است که تعداد متناهی از مردم در سرزمینی مشخص، باکمرنگ شدن تعلقات قومی، قبیللهای، نژادی، جنسیتی و زبانی، به هویتی مشترک دست مییابند. به عبارتی «ملت سازی، همگرایی و سیع بین دولت و ملت مدرن قلمداد می شود. اما دولت سازی فرایندی است که در آن نهادهای نظامی، قضایی، اجرایی و مقننه شکل می گیرند. بدین ترتیب «دولت و ملت دو سازه متمایزند اما در ارتباط متقابل به پیش می روند (داوودوندی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۰). بسیاری از دولت ها در مرزهای ساختگی که دستاورد استعمار است، به دنبال ایجاد ملت بوده اند، اما چندان موفق عمل نشده و خشونت های قومی و مذهبی در بسیاری از مناطق حساس جهان به معضل تبدیل گردیده است. اگر دولت های قدرتمند بر سرکار باشند، روند جدایی طلبی و واگرایی کنترل و گاه منتفی می شود و عملکرد قوی دولت، به حفظ مرزهای جغرافیایی و یا تشکیل یک ملت می انجامد، اما روند بی ثباتی در کشور و تضعیف قدرت دولت مرکزی، مشوق جریان های جدایی طلب می گردد. از سوی دیگر ساختار نظام بین المللی نیز در روند تغییرات جغرافیایی و سیاسی در سطح جهان بی تأثیر نیست. شکننده شدن و بی ثباتی در نظام بین الملل و مراحل گذار، نیروهای مختلف را برای دولت- ملت سازی تقویت می کند. حوادثی چون جنگ جهانی اول و دوم که ساختار نظام بین الملل را تغییر داد، شرایطی را فراهم آورد تا دولت- ملت های جدیدی شکل گیرند و یا با دخالت قدرت های بزرگ، مرزهای سیاسی دچار تغییر گردد. (فرهادیان: ۱۳۹۳). پس از جنگ جهانی دوم هیچ منطقه ای در جهان به اندازه جنوب غرب آسیا شاهد منازعه ها نبوده است. به عبارتی این منطقه به عنوان قلب انرژی جهان، مرکز ادیان الهی و صاحب تمدنی کهن، در سده اخیر، کانون منازعات ملی، منطقه ای و بین المللی بوده است. گذشته از اهمیت نظامی و استراتژیک، منطقه جنوب غرب آسیا از دید اقتصادی نیز بسیار ارزشمند و مورد توجه قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای است. فزون بر این، دستیابی به بازارهای پر مصرفش، بسیار سود آراست. تنشها میان کشورهای منطقه در دوران جنگ سرد به مسابقه تسلیحاتی بزرگی انجامید که منبع درآمد برای ابرقدرتهای جهانی شد (سمیعی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۲). منطقه جنوب غرب آسیا از مناطقی است که به واسطه اقدامات قدرت های فرامنطقه ای در معرض پیامدهای دولت ملت سازی قرار گرفته است. از این رو نگارنده در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی درصدد تبیین نقش قدرت های فرامنطقه ای در دولت ملت سازی کشورهای جنوب غرب آسیا برآمده است.

## ۲- ادبیات تحقیق

### ۲-۱- پیشینه

سردار نیا، خلیل (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان "خشونت های قومی- مذهبی در خاورمیانه عربی از منظر بحران دولت- ملت سازی" بیان نموده اند: خاور میانه با اختصاص یک چهارم خشونت و کشمکشهای قومی و مذهبی جهان به خود، در بین مناطق گوناگون جهان به کانون محوری سیاست و تعارضهای هویتی مبدل شده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که در خاورمیانه عربی، خشونت قومی و مذهبی که اکنون بیشتر از گذشته فوران یافته است دارای عقبه تاریخی در یک سده اخیر دارد. در گستره

تاریخی، دو بحران سیستمی یعنی بحران مشروعیت سیاسی و بحران هویت، بستر ساز اصلی خشونت گرای قومی - مذهبی و عدم رفتارهای دموکراتیک و بی ثباتی در منطقه بوده اند.

ابطحی و ترابی (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان "دولت ملت سازی در جهان اسلام و سیاست جهانی آمریکا در دوران معاصر" بیان می دارند: دولت ملت سازی در جهان اسلام توسط آمریکا و با توجه به سیاستهای دولت ملتسازی آن و در راستای تثبیت هژمون آمریکا در نظم جهانی بعد از فروپاشی نظام دوقطبی صورت می گیرد. خلأ حضور قدرتی همانند شوروی در مناسبات بین المللی، آمریکا را به سمت تلاش جهت جلوگیری از پر شدن این خلأ توسط گفتمان اسلامی سوق داد؛ بنابراین دولت ملت سازی آمریکا در جهان اسلام را می توان به صورت قاطع، مبارزه با فروپاشی نظم نوین جهانی و همچنین مفهوم دهکده جهانی به رهبری آمریکا دانست.

یعقوبی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان "تبیین الگوی همگرای منطقه ای؛ مورد: جنوب غرب آسیا" بیان می کنند، نقش آفرینی قدرت های فرامنطقه ای در تحولات جنوب غرب آسیا پس از جنگ جهانی دوم و دوران جنگ سرد، رویکرد صنایع خصوصاً صنعت نفت در منطقه ی خاورمیانه و کشورهای حوزه ی خلیج فارس، باعث شده این منطقه اهمیت ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بیشتری یافته و کانون تحولات منطقه ای و بین المللی قرار گیرد. تاریخ منطقه نشان می دهد که در ابتدای قرن نوزدهم به بعد قدرتهای بیگانه، با مداخله در این منطقه و رقابت با یکدیگر برای سلطه بر آن، موجبات ناامنی را در منطقه فراهم کردند.

ابطحی و ترابی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "نقش آمریکا در دولت-ملت سازی در افغانستان و عراق جدید" بیان می دارند : دولت-ملت سازی یکی از دستاوردهای انسان مدرن است و از معاهده صلح وستفالی در اروپا سرچشمه می گیرد. کشورهای جهان به طور کلی دو مدل را برای دولت ملت سازی طی می کنند. مدل از پایین به بالا یا مدل اروپایی و مدل از بالا به پایین یا مدل آمریکایی. در مدل اول ابتدا یک ملت شکل می گیرد سپس دولت خود را تاسیس می کند و در مدل دوم ابتدا یک دولت تشکیل می شود بعد ملت خود را سازماندهی می کند. سایر مدل ها که برخی از آنها نام می برند نهایتاً به یکی از این دو مدل منتهی می شود. قوام و زرگر (۱۳۸۸) در کتابی با عنوان "دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل: چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت - ملت ها" بیان می نمایند: در جهان در حال توسعه و کم تر توسعه یافته، بسیاری از واحدهای سیاسی که از لحاظ حقوقی نام دولت را یدک می کشند، حتی با گذشت چند دهه از استقلال شان هنوز نتوانسته اند روند دولت ملت سازی را به طور مطلوبی طی نمایند و از جنبه های مختلف، از جمله همگرایی ملی و دست یابی به هویت ملی منسجم، تثبیت نهادهای سیاسی، اشباع سرزمینی، ترسیم مرزهای ملی (فیزیکی و هویتی)، استقلال و اعمال حاکمیت ملی و... با مسائل و مشکلات بزرگی روبه رو بوده اند. با ورود به عصر پس از جنگ سرد و به ویژه با تشدید فرایند جهانی شدن نه تنها از شدت و حجم مشکلات آن ها کاسته نشده، بلکه حتی از برخی جهات بر مسائل عدیده آن ها نیز افزوده شده است.

### ۲-۲- دولت-ملت سازی

منظور از دولت سازی فرایندی است که در آن نهادهای قضایی، اجرایی، مقننه و نیروی اجبار و نظامی شکل می گیرند، در این روند، ثبات در الویت قرار دارد. ملی گرایی نیز رسیدن به مفهومی از دولت است که در تناسب با ملت قرار دارد و آن را در تمایز با کشورهای دیگر قرار می دهد. هویت ملی به نظام معنایی و فرهنگی کشور اشاره دارد که خود را در چاقوب خاص معنا می کند. اما ملت مفهومی است که به انحای مختلف با دولت ارتباط پیدا می کند، چه وقتی که در رایج ترین وجه از مفهوم دولت-ملت استفاده می کنیم و منظورمان مهم ترین بازیگر صحنه کره ارض و مرزبندی و تقسیمات کلان ناشی از آن است و چه آنگاه که می گوئیم، دولت نماینده ملتی است یا نیست و بر آن بر خلاف رضایت عامه با جبر حکومت می کند و یا اینکه ملتی در پی ایجاد دولتی مستقل برای خود است، یا ملتی تحت سلطه یا استعمار دولت نامشروعی است و... ملت ساده ترین تعریف، گروه اجتماعی است و در بین گستره متنوع و بیشماری از دیگر گروه های اجتماعی، البته تفاوت آن با دیگر گروه های اجتماعی آن است که جماعت های کوچکتر مانند خانواده و روستا، گروه های رودروی کوچکی هستند، در حالی که یک ملت میلیون ها یا دست کم چند هزار نفر را در بر می گیرد. در وهله دوم، ملت از وفاداری عالی از اعضاء برخوردار است و سوم به طور تنگاتنگ با نهاد دولت ارتباط و پیوند دارد. (Lukitz, 1995, 204)

دولت-ملت سازی روندی است که جامعه سیاسی تلاش می کند از طریق انباشت قدرت و توسعه ظرفیت های نهادی و حاکمیت، استقلال خود را کسب، حذف و ارتقاء دهد. به عبارت دیگر دولت-ملت سازی فرایندی است که از طریق آن، حضور گروه های مختلف قومی-مذهبی در چهارچوب یک سرزمین واحد تضمین می شود. دولت-ملت سازی مبتنی بر ایدئولوژی ناسیونالیسم و معطوف به شکل دهی دولتی، نیرومند، دارای حاکمیت برتر در سرزمینی مشخص است که توان جذب هویت های گوناگون را داشته و از توان امنیتی بالایی برخوردار باشد (سمیعی اصفهانی، کیانی، ۱۳۹۳: ۱۳).

### ۲-۳- قدرت

واژه قدرت را معمولاً با اقتدار، نفوذ، زور، اجبار و ترغیب مترادف می دانند. قدرت به طور ساده حد توانایی کنترل دیگران است به طوری که عملی را که از آنها خواسته شده است انجام دهند (عالم، ۱۳۸۷: ۸۹). مجموعه ظرفیت ها یا نیروهای مادی و معنوی یک ملت برای نیل به اهداف و منافع را قدرت ملی تعریف می کنند که عناصر و عوامل تشکیل دهنده قدرت ملی را دو دسته از عوامل مادی و عوامل غیر مادی تشکیل می دهند (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵: ۱۹۵). در دیکشنری وبستر، از قدرت تعبیر و تعاریف زیادی به عمل آمده است. یک موقعیت سلطه و تفوق، توانایی مجبور کردن برای فرمانبرداری، ظرفیت و توانایی انجام و تولید یک نتیجه، اقتدار و اختیار تجویز و بالاخره قدرت عبارت است از توانایی داشتن برای اداره و کاربرد نیروی جبری. (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۱۶).

#### ۴-۲- جایگاه قدرت در مناسبات بین المللی

قدرت را توانایی یک بازیگر صحنه بین المللی در استفاده از امکانات و منابع برای تأثیرگذاری بر رویدادهای بین المللی به نفع خود تعریف کرده اند. این تعریف مبین برخی از جنبه های مهم رابطه میان بازیگران عرصه بین المللی است:

- قدرت وسیله ای است که بازیگران بین المللی در برخورد با یکدیگر از آن استفاده می کنند.
- قدرت عنصر طبیعی سیاسی نیست، بلکه محصول منابع مادی و رفتاری کشورها است.
- قدرت ابزاری است، برای اعمال نفوذ بر بازیگران دیگری که برای تحقق اهداف خود با یکدیگر رقابت می نمایند.
- قدرت در شرایط کاربرد منطقی ابزار مناسبی است، که می تواند موجبات رضایت خاطر بازیگران بین المللی را از طریق شکل دادن و رویداد های بین المللی تأمین نماید.
- قدرت وسیله ای است برای تحقق هدف و در صورتی که چنین نتیجه ای را به همراه نداشته باشد قدرت چیزی بی معنی خواهد بود.
- علی رغم نقش قدرت نظامی، همیشه نمی توان روابط قدرت را با معیار جنگ افزار مقایسه نمود. زیرا قدرت با زور مترادف نیست و توانایی اعمال قدرت صرفاً به شرایط قهر آمیز محدود نمی شود، و دولت ها با توجه به حجم مراودات بین المللی به ندرت به زور متوسل می شوند.

خلاصه این که یک بازیگر زمانی می تواند با اعمال قدرت در قبال طرف مقابل مبادرت ورزد که در رابطه با موضوع مورد مناقشه از قدرت نسبی بیشتری برخوردار باشد. در این میان آزمونگری دیپلماتیک عامل مهمی در بالا بردن توان سیاسی محسوب می شود. هر چند در رویارویی های نهایی بین دولت ها، توان نظامی کشور عاملی تعیین کننده می باشد. (حافظ نیا، ۱۳۸۹: ۴۶)

#### ۵-۲- منطقه جغرافیایی

واژه یا اصطلاح منطقه در جغرافیای سیاسی به گونه ی تصادفی استفاده نمی شود و به یک فضای جغرافیایی که از یک سلسله پدیده های مشابه و عوامل پیوند دهنده ی اجزای تشکیل دهنده ی آن محیط برخوردار باشد هم از نظر محیط فیزیکی و هم از دید محیط انسانی منطقه گفته می شود. بری بوزان نظریه پرداز جهانی در کتاب مردم، حکومت و ترس منطقه را از دیدگاه امنیتی عبارت از گروهی از کشورها می داند که نگرانی های اولیه ی امنیتی آنها در ارتباط و نزدیک با هم است و امنیت ملی هر یک از آنها جدا از امنیت ملی آن دیگری قابل تصور نمی باشد. (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۹۶) سطح اول یا مرحله آغازین شکل گیری نظام منطقه ای مستلزم وجود یک منطقه و قلمرو جغرافیایی ویژه و به عبارتی فضای جغرافیایی متمایز و نسبتاً متجانس و هم وزن است. فضا یا منطقه جغرافیایی بر اساس خصیصه های مشترک طبیعی یا انسانی از مناطق دیگر متمایز می شود. به عبارتی، دولت ها و کشورهای موجود در یک فضا یا منطقه جغرافیایی در تمام یا پاره ای از ویژگی های طبیعی، انسانی یا ادراکی با یکدیگر اشتراک وضع داشته یا تحت شرایطی به آن می رسند. ویژگی های مشترک جغرافیایی زیرساخت رفتارهای همگرایی منطقه ای را تشکیل می دهد و برعکس، ویژگی های متمایز جغرافیایی، زیرساخت رفتارهای واگرایی و جدایی گزینی در بین دولت ها را به وجود می آورد. به عبارتی ویژگی

های جغرافیایی مشترک یا متمایز به صورت نیروهای ژرف در فرایند شکل دهی به الگوهای روابط دو یا چند جانبه بین دولت ها به عنوان عناصر نظام منطقه ای عمل می کنند. این نیروها قابلیت آفرینند و می توانند در شرایط مناسبی که نیروهای روبنایی فراهم می کنند، شکوفا شوند و رفتارهای مزبور را بر روابط دولت ها با یکدیگر شکل دهند. بنابراین، منطقه یا فضای جغرافیایی مشخص نه تنها کالبد فضایی یک نظام منطقه ای ویژه را بستر سازی می کند، بلکه به میزان وجود ویژگی های مشترک جغرافیایی در بین عناصر منطقه ای می تواند، بر ماهیت نظام منطقه ای و سازه های پدید آمده در آن تأثیر گذاشته و از سازه های تک معیاری (نظیر؛ سازه همکاری های زیست محیطی دولت های منطقه خلیج فارس)، تا سازه های چند معیاری و جامع (نظیر؛ سازه اتحادیه اروپا یا اتحادیه آفریقا) را شکل دهد. (حافظ نیا و کاویانی، ۱۳۸۳: ۷۳).

### ۳- محدودده مورد مطالعه

آسیای جنوب غربی منطقه ای از شمال شبه قاره هند، آسیای میانه، قفقاز، آسیای صغیر، منطقه خلیج فارس و بخش عمده خاورمیانه به معنای مصطلح آن را دربر می گیرد (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). آسیای جنوب غربی که شامل منطقه اوراسیا نیز می شود، خود بخش مهمی از فضای ژئوپلیتیکی اوراسیا شمرده می شود و در دیدگاهی کلی، دربرگیرنده مفهومی جغرافیایی است که ایالت متحده آمریکا تلاش کرده است اصطلاح ساختگی و بی پایه خاورمیانه بزرگ را جانشین آن سازد و این مفهوم جغرافیایی شامل مجموعه ای از دو منطقه خلیج فارس و خزر آسیای مرکزی است به اضافه آن بخش از جهان که خاورمیانه عربی شناخته می شود (مجتهدزاده ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۲).





نقشه ۱: منطقه جنوب غرب آسیا

منبع : (<https://medisf.traasgpu.com>)

همواره منطقه جنوب غرب آسیا به عنوان یکی از مناطق استراتژیک جهان در نظریات ژئوپلیتیکی نقش خاصی را به خود اختصاص داده است. در واقع تلاقی دو قاره اوراسیا و آفریقا در امتداد محور مدیترانه و بحر احمر باعث پیدایش یکی از بزرگترین برخورد های انسان و طبیعت در جهان شده است (درایسل و بلیک، ۱۳۷۴، ۲۱). علاوه بر جغرافیای تاریخی و نیز اهمیت اقتصادی و مذهبی این منطقه چشم انداز های سیاسی، نشات گرفته از علایق مذکور باعث برجسته تر شدن اهمیت ژئوپلیتیکی آن گردیده است. کشمکش های تاریخی و تحول در ساختار های جغرافیایی منطقه بر اساس نظریات ژئوپلیتیکی موجود بیانگر پویایی فرآیندهای سیاسی در خاورمیانه می باشد. به نظر می رسد هیچگاه پایانی برای ظهور و سقوط دولت ها در خاورمیانه معاصر و بازیگری قومیت ها و ملت

های بدون سرزمین و همچنین چالش هایی را که غرب در این منطقه به وجود آورده، نتوان متصور شد. از این رو است که این منطقه براساس نظریه کوهن ساختاری شکننده دارد. رقابت های ژئوپلیتیکی کشورهای جنوب غرب آسیا با یکدیگر و نیز نقش کشورهای غربی به خصوص ایلات متحده در عمق بخشی به نفوذ ژئوپلیتیکی خود در این منطقه باعث شده است که روابط منطقه براساس تردیدها و رقابت ها پایه گذاری گردد. در این فضا به سختی می توان منافع گروهی و به تبع آن همگرایی های منطقه ای را متمرکز به ثمر دانست (یحیی پور، کریمی پاشاکی، ۱۳۹۲: ۱۸۷).

#### ۴- روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی، تحلیلی می باشد و به روش کتابخانه ای انجام می پذیرد. اطلاعات اسنادی و کتابخانه ای از طریق مراجعه به کتب، مجلات علمی-پژوهشی، مقالات و پژوهش های معتبر گردآوری شده است. مطالعات کتابخانه ای، به عنوان محوری اصلی و اساسی در زمینه دسترسی به اطلاعات و منابع مورد نظر قرار گرفته است و سعی گردیده با فیش برداری از منابع مختلف و تاکید بر منابع مهم کتابخانه ای زمینه قوام یابی اطلاعات تحقیق بیشتر گردد. اطلاعات به دست آمده بعد از طبقه بندی، مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

#### ۵- یافته های تحقیق

##### ۱-۵- نقش انگلیس و آمریکا در دولت ملت سازی عراق

دولت ملت سازی در عراق با ابعاد و ویژگی هایی چون تغییر در ساختار قدرت و روابط دولت و جامعه و طرح الگوی دموکراتیک کشورداری، افزایش اختلافات قومی-مذهبی بین گروه های داخلی و افزایش نفوذ نگرانی حساسیت بازیگران خارجی به عنوان محیط برون سیستمی عربستان بر ثبات سیاسی این کشور تاثیر گذر می باشد (امینی، ۱۳۸۸: ۱۶۸). عراق از همان آغاز توسط بریتانیا به صورت مصنوعی ایجاد شد. به عبارت بهتر میراث بریتانیا برای عراق تشکیل یک دولت ضعیف با یک نظام سیاسی تحت سیطره اقلیت سنی بود که باعث ایجاد تعارضات داخلی همچون رشد جنبشهای شیعی و کردی و روند تجزیه گرایی قومی در این کشور بود. این میراث طوری ایجاد شده بود که عراق از یک طرف با وجود کردها با یک جنبش دارای طبیعت خارجی یعنی متمایل به گریز از اقتدار مرکزی و از طرف دیگر با داشتن شیعیان با یک جنبش دارای طبیعت داخلی یعنی تلاش برای در اختیار گرفتن قدرت در داخل، مواجه بود. به عبارت دیگر تاریخ توسعه سیاسی عراق در دوره قیمومیت بریتانیا، تاریخ یکی از دولت های مرکزگرایی است که سعی می کند با مدیریت و دست کاری شکاف های اجتماعی بتواند روند توسعه سیاسی را دنبال کند (Wimmer, 2003) (۱۱۴). جلوه دیگر دولت ملت سازی در عراق پس از حمله آمریکا به عراق نمایان شد. رویکرد آمریکایی ها در امر دولت - ملت سازی در عراق، یک رویکرد برآمده از تجربه بود در این رویکرد که قبلاً در کشورهای هم چون آلمان و ژاپن به کار گرفته شده بود ابتدا دولت (ساختار سیاسی) شکل می گیرد و بعد از طریق آن روند ملت سازی دنبال می شود. در این روند که در آن اصل بر

دولت سازی است، ملت سازی بیشتر دنباله رو آن محسوب می شود. روند دولت سازی و ملت سازی در این رویکرد از هم متمایز نشده و هر دو به یک صورت دیده می شود و دولت سعی دارد با ایجاد جامعه مدنی یک دولت ملی ایجاد کند. این روند نیز به نوعی شبیه روندهای قبلی ایجاد دولت ملی در عراق که روش مرکزگرایی و تمرکزگرایی را دنبال می کردند است اما به شکلی دیگر و متمایزتر (سمعی اصفهانی و نوروزی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

حذف اقتدارگرایی صدام، توأم با حمله آمریکا به عراق، افزایش فعالیت گروههای تروریستی را در پی داشت که در نهایت با ظهور داعش و با اشغالگری و جغرافیای ادعایی آنان، تمامیت ارضی عراق با چالشی جدید مواجه شد. جنگ داعش با کردها، ناخواسته به آنها کمک کرد تا فرایند استقلال را سریعتر سپری کنند. به نظر میرسد فعال شدن گسل جغرافیای سیاسی عراق، این کشور را در سه راهی تجزیه، فدرالیسم یا عراق واحد قرار داده است. ناهمخوانی شیعیان، اعراب سنی و کردها به عنوان ارکان قدرت در طول تاریخ عراق، تنش های شدید داخلی را به همراه داشته است. دولت-ملتسازی در عراق پساصدام با رویکردی امنیت محور از سوی آمریکا کلید خورد. اما به علت ناسازگاری با مبانی هویتی این کشور عاملی در قطبی شدن شکافهای اجتماعی و تشدید خشونت ها شد. انسجام نسبی در عراق مرهون عناصر سنتی بود و ورود زود هنگام عناصر مدرن بدون توجه به مؤلفه های سنتی، نوعی همبستگی تحمیلی ایجاد کرد که دوام چندانی نداشت. به بیانی دیگر هویت ملی در عراق هیچگاه قوی نبوده و یکپارچگی فقط با زور حفظ شده است. با وجود آنکه نهادهای مذهبی در همبستگی اجتماعی عراق نقش زیاده دارند. دولت پساصدام در روند دولت سازی به جای استفاده از این نهادها، بر نقش نخبگان سیاسی متمرکز شد. هرچند مشروعیت دولت هم با مشارکت نهاد مذهب راحتتر تأمین می شود، اما نگاه امنیت محور نومحافظه کاران آمریکایی به دولت-ملت سازی باعث نگاه اکراه آمیز به نقش نیروهای قومی-مذهبی در این کشور شد (داووندی و زرگر، ۱۳۹۹: ۱۶۹). دولت های بزرگ برای تأمین اهداف خود از مجموعه ای از ابزارهای قدرت استفاده می کنند تا بتوانند کنترل بازیگران، منابع و فرآیندها را در اختیار داشته باشند. آمریکا نیز از ابتدای قرن ۲۱ و پس از اتفاقات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به عنوان تنها ابرقدرت باقی مانده از نظام دوقطبی از فرصت به دست آورده استفاده کرد و با کسب حمایت سایر بازیگران و کشورها که در تاریخ بی نظیر بود، به عراق حمله کرد و وارد منطقه ای ژئواستراتژیک شد. به تدریج مشخص گردید که داشتن پایگاه نظامی در عراق و برقرار نظم دلخواه آمریکا در عراق و منطقه خاورمیانه یکی از اهداف مهم آمریکا و در راستای طرح خاورمیانه بزرگ می باشد.

## ۲-۵- نقش آمریکا در دولت ملت سازی افغانستان

آمریکا پس از حمله به افغانستان و پیامدهای گسترده منطقه ای آن، سیاستهای کلی خود را در قالب «طرح خاورمیانه بزرگ» مطرح ساخت. این طرح به دنبال آن بود که ریشه های افراطگرایی و خشونت در منطقه را از طریق دموکراسی گسترده و گشایش فضای باز سیاسی و اجتماعی از بین ببرد و فضای جدید سیاسی برای عادی سازی روابط اسرائیل با کشورهای منطقه فراهم سازد حضور ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا در افغانستان در سال ۲۰۰۱ را باید سر آغاز تجربه نوینی از این مدل در افغانستان دانست.

آمریکا برای خود نقش رهبری کننده و همژمونیک در جهت تامین امنیت و نظم جهانی قایل است. با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر فرصت مناسبی برای نقش آفرینی نومحافظه کاران به وجود آمد تا به تئوریزه کردن سیاست مبتنی بر قدرت و اعاده دوباره همژمونی ایالات متحده در فضای جدید پردازند و به شیوه خود به دولت-ملت سازی پردازند. آمریکا قصد دارد دولتی که در افغانستان شکل می گیرد قبل از آنکه این دولت بتواند کنترل سراسر کشور را در دست داشته باشد، کنترل خود دولت در دست آمریکا باشد. افغانستان را «دولت ضعیف-ملت ضعیف» نام می نهند. دولت ضعیف به دلیل فقدان اقتدار مرکزی که مهم ترین ضعف ساختاری آن عدم کنترل بر تمامیت ارضی و سرزمینی کشور است و ملت ضعیف نیز به دلیل فقدان استحکام ملی و مقدم بودن وفاداری های قومی به جای وفاداری های ملی می باشد. در جمع بندی اقدامات آمریکا برای دولت-ملت سازی در کشورهای عراق و افغانستان باید گفت که در آمریکا آنچنان که انتظار آن را داشته است، نتوانسته به اهداف خود و ایجاد دولت ملت های مورد نظر خویش دست یابد و موفقیت های لازم را به دست نیاورده است. چون علی رغم تحولاتی که در یکی و دو قرن اخیر تحت تأثیر تحولات در سطح جهان پذیرفته است، فرهنگ سیاسی افغانستان هنوز مبتنی بر الگوهای بومی است که دارای منشأ قبیله ای و قومی است. تلاش هایی که تعدادی از حاکمان افغانستان برای تمرکز قدرت در شخص حاکم انجام داده اند، با مقاومت ساختارهای قبیله ای و قومی روبه رو شده است (ابطحی و یزدی، ۱۳۹۴: ۷۶). در جدول زیر اقدامات آمریکا در راستای دولت ملت سازی در افغانستان آمده است:

جدول ۱: اقدامات آمریکا در راستای دولت ملت سازی در افغانستان

اقدامات و بنیان ها	فرایند
تاسیس و تقویت زیربناها	دولت سازی
نیروهای مسلح ساختار نظامی	
جهادزدایی	
خلع سلاح	
سازمان های کمک رسانی	
گسترش فرهنگ غربی با نهادها و ابزارهای ارتباط جمعی	ملت سازی
سیستم آموزشی	
حقوق زنان	

مواد مخدر

منبع : (امینیان و کریمی قهرودی، ۱۳۹۱)

### ۳-۵- نقش آمریکا در دولت ملت سازی امارات متحده عربی

سیاست خارجی آل نهیان در قبال جزایر سه گانه ایرانی، بیش از آنکه متأثر از اهمیت این جزایر باشد، از نقش آنها در شکل دادن به نوعی هویت ملی و تکوین دولت - ملت در امارات تأثیر پذیرفته است. امارات متحده عربی، با استفاده از عوامل مؤثر در تکوین هویت ملی، در پی تعریف دگرهایی است که در سطح منطقه ای، ملی و مناسبات با ایران، به شکل گیری دولت ملی این کشور کمک کند. از این رو، سیاست خارجی این کشور در برابر جمهوری اسلامی ایران، بیش از عوامل مادی، از مؤلفه های معنایی تأثیر می پذیرد و عوامل مادی را به گونه ای تعریف می کند که به تکوین هویت ملی آن کمک کند. با پایان جنگ و آغاز نامه نگاری صدام برای مبادله ی اسرا و تأیید مجدد وی بر معتبر بودن «قرارداد الجزایر»، موضوع جزایر سه گانه تقریباً بدون مدعی گردید تا اینکه در سال ۱۹۹۲، هنگامی که تلاش آمریکا و غرب برای انزوای بین المللی ایران شدت یافته بود، امارات متحده ی عربی فرصت را غنیمت شمرد و به بهانه ی توقیف کشتی حامل اتباع امارات در سواحل ابوموسی توسط ایران، زمان را برای تاخت و تاز در این خصوص مناسب یافت و جزایر سه گانه را از دیرباز تاریخ متعلق به خود دانست. در بحران آوریل ۱۹۹۲، ایران اعلام کرد که به دلیل اینکه حاکمیت و امنیت جزیره با ایران است، در راستای تدابیر امنیتی جزیره، ساکنان جزیره باید دارای کارت شناسایی باشند و اتباع غیرشارجهای که قصد دیدار از جزیره را دارند، بایستی جوازهای امنیتی دریافت کنند. علت این اقدام ایران، ورود قایق های تندرو مسلح وابسته به سرویس های امنیتی غرب بود که به قاچاق کالا و جاسوسی در آب های جزیره ی ابوموسی می پرداختند. لذا عملاً بحران درباره ی جزایر پس از سال ۱۹۹۲ آغاز گردید و طرح موضوع جزایر همواره به عنوان ابزار فشاری بر ایران جهت کاهش نقش منطقه ای جمهوری اسلامی در دستور کار بوده است (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). اختلافات سرزمینی در میان تمامی هشت کشور حاشیه خلیج فارس وجود دارد اما موضوع دعاوی کشور امارات متحده عربی در قبال جزایر سه گانه ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به یکی از جنجال برانگیزترین این اختلافات تبدیل شده است. از دلایل این موضوع می توان به پیگیری های بسیار جدی و مستمر امارات در این دعاوی، حمایت غیر مسئولانه کشورهای عربی خصوصاً اعضای شورای همکاری خلیج فارس و حمایت قدرت های فرامنطقه ای اشاره کرد. این دعاوی امارات در خصوص جزایر سه گانه دارای سابقه نسبتاً طولانی می باشد که این موضوع در ۱۰ سال گذشته شدت یافته است. امارات در سطح سازمان کنفرانس اسلامی تمام سعی خود را برای قرار دادن موضوع جزایر سه گانه در دستور کار و همچنین بیانیه های پایانی اجلاس های کنفرانس اسلامی که ایران نیز یکی از اعضای فعال آن است بکار بیند. امارات در سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ شمسی با توجه به ریاست کشور قطر و امیر این کشور بر این سازمان تلاش زیادی نمود که این موضوع در سطح کنفرانس اسلامی نیز مطرح گردد. این کشور جهت پیگیری دعاوی خود اقدام به مطرح کردن آن در سطوح بین المللی و منطقه و فردی می نماید. طرح و کشاندن این موضوع به دیوان دادگستری بین المللی و کشاندن مسئله به

شورای امنیت سازمان ملل از اقدامات امارات در این راستا است و در سطح منطقه ای نیز علاوه بر کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس سعی می کند تا با نزدیک شدن به سایر همسایگان ایران جهت ایجاد فشار به ایران از همه سو استفاده کند. امارات متحده عربی دومین کشور از مجموع تنها دو کشور در جهان بود که دولت طالبان را در کابل به رسمیت شناخت و همچنین با هزینه امارات چند هواپیما برای طالبان خریداری شد. در سطح فردی نیز در سفر تمامی مقامات کشورهای دیگر به امارات از آنان خواسته می شود که در مورد اماراتی بودن جزایر سه گانه اظهار نظر نکنند. در مقابل این فعالیت ها و ایجاد چالش هایی برای ایران توسط امارات، جمهوری اسلامی ایران از آغاز مطرح شدن مسائل مربوط به جزایر میان دو کشور بارها و باره حسن نیت خود را برای حل موضوع به صورت مسالمت آمیز از طریق مذاکره دوجانبه نشان داده است. در نهایت موضع گیری امارات و تداوم این موضوع، منبعت از حضور قدرت های فرامنطقه ای و تابعی از قدرت ایران در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و تابعی از نوع روابط جمهوری اسلامی ایران با قدرت های فرامنطقه ای به ویژه آمریکا است (پیشگامی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳).

#### ۴-۵- قدرت های برزگ و روند دولت ملت سازی در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان

دولت سازی در این کشورها (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) با مشکلات زیادی رو به رو بوده است. بسیاری از این مشکلات (بخش اعظم آن ها)، در ارتباط با عوامل داخلی و بخشی دیگر نیز در رابطه با عوامل خارجی بوده اند. در مورد عوامل خارجی می توان به اختلاف های سرزمینی، وجود ذهنیتهای منفی تاریخی ملت ها از یکدیگر اشاره کرد. زیرا قفقاز برخلاف دیگر مناطق شوروی سابق، مثل دولت های بالتیک، آسیای مرکزی و دولت های اسلاو غربی، وضعیت حقوقی، سیاسی ناهمگونی دارد و در زمینه های سیاسی، حقوقی و اجتماعی اقتصادی منطقه یکپارچه ای نیست. ارمنستان بیشترین حمایت را از روسیه دریافت کرده است در حالی که جمهوری آذربایجان و گرجستان که به صراحت غرب گرایی خود را بیان کرده اند به واسطه منازعات داخلی تضعیف شده اند و اقلیت های قومی آنها از پشتیبانی و حمایت روسیه بهره برده اند. (کرم زاده و خوانساری فر، ۱۳۹۱: ۱۴۵) مشکلات جمهوری گرجستان در عرصه دولت - ملت سازی شامل مخاطرات سیاسی، منازعات کهنه، نظام سیاسی بی سامان، عدم وجود دموکراسی و اقتصاد ضعیف و راکد است. معضلات داخلی گرجستان پس از استقلال، بیشتر ناشی از ضعف در فرایند دولت - ملت سازی و ترکیب چند قومی و نیز کشاکش میان حامیان روسیه و حامیان غرب بوده و این معضلات همچنان ادامه دارند. از دیگر عوامل، مداخله روسیه در امور گرجستان است؛ به دلیل این که گرجستان شرط اصلی ادامه تسلط روسیه بر کل منطقه قفقاز است، نمی خواهد کنترل خود را بر آن کشور از دست بدهد (همان: ۱۵۶).

#### ۶- بحث و نتیجه گیری

دولت ملت سازی و برقراری و پذیرش حاکمیت ملی شهروندان برابر و همشان در یک واحد جغرافیایی فرآیندی است (سینایی، ۱۳۹۵: ۳۳) و مهمترین فرآیندی است که از طریق آن حضور گروه های مختلف قومی - مذهبی در چارچوب یک سرزمین واحد تضمین می شود. این فرایند که در تئوری های کلاسیک دولت - ملت سازی، مبتنی بر اجبار بوده و در رویکرد

لیبرال از طریق فرایند دموکراتیزاسیون یا دموکراسی اجماعی صورت می گیرد. در واقع این مسئله بیشتر به سبب چالشها، مشکلات و موانع بسیاری که فراروی کشورها در گذار از این فرایند به وجود می آید، مورد توجه قرار می گیرد (جاودانی مقدم، ۱۳۸۸). در این میان منطقه جنوب غرب آسیا که به دلیل تعارض میان حفظ ساختارهای سنتی سیاسی - اجتماعی و نفوذ جریان توسعه و جهانی شدن و همچنین مداخله قدرت های فرامنطقه ای، سالیان متمادی در دوران تکوین دولت - ملت سازی قرار گرفته است. ساختارهای ایلی، قبیله ای و قومی قدرتمند مهم ترین مانع شکل گیری ملت و برپایی و نفوذ نهادهای دولت جدید در این جوامع بوده اند. با توجه به نقش بارز قدرت های فرامنطقه ای در فرآیند دولت ملت سازی، نگارنده در روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه در صدد پاسخگویی به این سوال است: قدرت های فرامنطقه ای چه نقشی در دولت ملت سازی کشورهای جنوب غرب آسیا دارند؟ یافته های پژوهش حاکی از آن است: اقدامات قدرت های فرامنطقه ای نظیر آمریکا، انگلیس نقش بسزایی در شکل گیری تحولات دولت - ملت سازی کشورهای عراق، افغانستان و امارات داشته و اقدامات روسیه در قبال کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نیز روند دولت ملت سازی در این کشورهای را با چالش هایی مواجه کرده است. چنانکه فرآیند دولت ملت سازی در عراق در ابتدا توسط بریتانیا با تشکیل یک دولت ضعیف و یک نظام سیاسی تحت سیطره اقلیت سنی آغاز شد. پس از حمله آمریکا به عراق نیز دولت ملت سازی بر پایه مرکزگرایی و تمرکزگرایی اما به شکلی متمایز از ادوار پیشین دنبال شد. دولت ملت سازی در کشور افغانستان نیز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر و در راستای طرح خاورمیانه بزرگ با حمله ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا آغاز گردید. پروسه ای که به دلیل دولت ضعیف (فقدان اقتدار مرکزی که مهم ترین ضعف ساختاری آن عدم کنترل بر تمامیت ارضی و سرزمینی کشور) و ملت ضعیف (فقدان استحکام ملی و مقدم بودن وفاداری های قومی به جای وفاداری های ملی) آنچنان که انتظار بود به اهداف مدنظر آمریکا منجر نشد. در مورد دولت ملت سازی در امارات، می توان گفت سیاست خارجی آل نهیان در قبال جزایر سه گانه ایرانی، بیش از آنکه متأثر از اهمیت این جزایر باشد، از نقش آنها در شکل دادن به نوعی هویت ملی و تکوین دولت - ملت در امارات تأثیر پذیرفته است. امارات متحده عربی، با استفاده از عوامل مؤثر در تکوین هویت ملی، در پی تعریف دگرهایی است که در سطح منطقه ای، ملی و مناسبات با ایران، به شکل گیری دولت ملی این کشور کمک کند. موضع گیری امارات و تداوم این موضوع، منبعت از حضور قدرت های فرامنطقه ای و تابعی از قدرت ایران در منطقه و نیز تابعی از نوع روابط جمهوری اسلامی ایران با قدرت های فرامنطقه ای به ویژه آمریکا است. در زمینه چالش های دولت ملت سازی در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، می توان به نقش روسیه اشاره کرد که شرایط به وجود آمده متأثر از دوگانه ی گرایش یا عدم گرایش دولت های این کشورها به غرب است.

## ۲- منابع و مآخذ

- ۱) ابطحی، سید مصطفی، ترابی، سید علی اصغر (۱۳۹۶) دولت ملت سازی در جهان اسلام و سیاست جهانی آمریکا در دوران معاصر فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره سوم، پاییز

- ۲) ابطحی، سید مصطفی، ترابی، سید علی اصغر (۱۳۹۴) نقش آمریکا در دولت- ملت سازی در افغانستان و عراق جدید، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۲، پاییز
- ۳) امینی، کریم (۱۳۸۸) تاثیر روند دولت ملت سازی بر ثبات سیاسی و سیاست خارجی عربستان سعودی، مجله سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۸،
- ۴) امینیان، بهادر، کریمی قهرودی، مانده (۱۳۹۱) استراتژی دولت ملت سازی آمریکا در افغانستان، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره اول - بهار و تابستان
- ۵) پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۲) چالش های پیش روی ایران در منطقه خلیج فارس؛ بعد از حمله آمریکا به عراق (از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، طالقان، انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه پیام نور طالقان
- ۶) جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۸) دولت - ملت سازی در خاورمیانه : مطالعه موردی عراق، مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی تحولات جدید ایران و جهان، قزوین
- ۷) حافظ نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۹) سیاست و فضا، تهران، انتشارات پاپلی، چاپ اول
- ۸) حافظ نیا، محمدرضا و مراد کویانی راد، (۱۳۸۳) افق های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۹) داودوندی، نصراله و همکاران (۱۳۹۹) تأثیرات متقابل منازعات ملی- منطقه ای بر دولت-ملت سازی ناقص در عراق، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۶، شماره ۴، بهار.
- ۱۰) درایسدل، آلسدایر، بلیک، جرالداچ (۱۳۷۴): جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر، چ چهارم، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۱) روشن، علی اصغر و نورالله فرهادیان، (۱۳۸۵) فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی سیاسی نظامی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۲) سلیمی، حسین (۱۳۸۸) آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی، فصلنامه ژئوپلیتیک ۱۳۸۸ شماره ۲ (پیاپی ۱۵)
- ۱۳) سردار نیا، خلیل (۱۳۹۹) خشونت های قومی- مذهبی در خاورمیانه عربی از منظر بحران دولت- ملت سازی، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام سال دوم، شماره اول، بهار
- ۱۴) سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۸۸) ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه و چالش ایران و امریکا، اطلاعات سیاسی اقتصادی « مرداد و شهریور، شماره ۲۶۴، ۲۶۳.
- ۱۵) سمیعی اصفهانی، علیرضا، کیانی، امران (۱۳۹۴) جهانی شدن و دولت ملت سازی در کشورهای پیمانزعه (نمونه پژوهی عراق) دوره ۵، شماره ۱۶ پاییز
- ۱۶) سمیعی اصفهانی، علیرضا، نوروزی نژاد، جعفر (۱۳۹۲) دولت- ملت سازی بین المللی و خشونت سیاسی در عراق جدید، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان



- ۱۷) سینایی، وحید (۱۳۹۵) فرآیند ناتمام دوات-ملت سازی و از رشد ماندگی همزایی منطقه ای در خلیج فارس، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، بهار
- ۱۸) صالحی، حمید (۱۳۹۰) مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۱-۲۰۰۰)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، بهار
- ۱۹) فرهادیان، محمدحسین (۱۳۹۳) آمریکا و طرح دولت-ملت سازی در غرب آسیا و آفریقا قابل جستجو در سایت "<http://tabyincenter.ir>
- ۲۰) قوام، عبدالعلی، زرگر، افشین (۱۳۸۸) دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل: چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت - ملت ها، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
- ۲۱) عالم، عبدالرحمان، (۱۳۸۷) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ هجدهم.
- ۲۲) کرم زاده، مسلم، خوانساری فرد، فهیمه (۱۳۹۱) دولت سازی در قفقاز جنوبی: شکست ها و موفقیت، ۱۳۸ / فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸، تابستان .
- ۲۳) مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت، چاپ اول.
- ۲۴) مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷) کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران.
- ۲۵) یحیی پور، محمدصادق، پاشادکی، سجاد (۱۳۹۲) تحلیل چارچوب های بیداری اسلامی بر ساختارهای ژئوپلیتیکی خاورمیانه، نگرش های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، دوره ۵، شماره ۲
- ۲۶) یعقوبی، سامره و همکاران (۱۳۹۸) تبیین الگوی همگرایی منطقه ای؛ مورد: جنوب غرب آسیا، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی - پژوهشی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، پاییز .

۲۷) Lukitz, Liora (1995). Iraq: the search for national identity. London: Frank Cass

۲۸) Wimmer, A. (2003). Democracy and ethno religious conflict in Iraq. Survival, 45(4)

<https://medisf.traasggu.com>

## بنیان های ژئوپلیتیکی خشونت سیاسی، مطالعه ی موردی: سوریه

۱-مژگان قانع، ۲-جواد دهقانی

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

### چکیده

از سال ۲۰۱۱ که کشور سوریه وارد یک خیزش و بحران شدید سیاسی شد به تدریج اعتراضات به سمت شورش، جنگ داخلی و خشونت های سیاسی و تروریسم هدایت شد. وضعیتی که تاکنون به مثابه ی آتش زیر خاکستر فعال است در این نا امنی و خشونت ها که هزاران نفر از مردم سوریه کشته و یا آواره شدند زمینه های تاریخی، فرهنگی، تمدنی، محیطی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بی تاثیر نبوده است اما به نظر می رسد با توجه به ماهیت خشونت ها و تداوم دوگانه های ناسازگار سرکوب مقاومت و انکار- شناسایی، جنگ و صلح تا کنون بنیان های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور سوریه بیش از هر چیز تاثیر گذار بوده است. مقاله ی حاضر با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با روش یافته های کتابخانه ای، اسنادی، رویدادی و... به دنبال شناسایی، تبیین و تحلیل مهم ترین بنیان های ژئوپلیتیکی موثر بر خشونت سیاسی در سوریه است فرض مقاله بر این است که موقعیت سرزمینی، نظام سیاسی حاکم، رقابت قدرت های منطقه ای، تنوع قومی و مذهبی با پشت پرده ی حمایت های خارجی از آنها بیش از هر عامل دیگری در افسار گسیختگی، سرکوب و خشونت بر اعتراضات موثر بوده است در نهایت یافته ها نیز نشان داد بار استراتژیکی منطقه و کشور سوریه در همسایگی دریای مدیترانه، ضعف در ساختارهای سیاسی حاکم، تنوع و ترکیب نا یکدست قومی، نژادی و هویتی سرکوب شده، در کنار رقابت قدرت های نامتوازن منطقه، پیدایش و تداوم خشونت های سیاسی را در سوریه موجب شده است.

**کلید واژه:** بنیان های ژئوپلیتیکی، خشونت، خشونت سیاسی، جنوب غرب آسیا، سوریه

#### ۱-مقدمه

به دنبال شکل گیری جنبش های اجتماعی و تحولات جدید در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۱ نظام های سیاسی با چالش های جدی در حوزه ی بی ثباتی و نا آرامی روبرو شدند در این میان وضعیت کشور سوریه بعضا متفاوت از دیگر کشورها بود، تداوم و تشدید اعتراضات و نارضایتی های اولیه در این کشور به درگیری مخالفین با دولت، بی ثباتی و همچنین مداخله خارجی ها در امور داخلی این کشور و در نهایت کشیده شدن دامنه ی اعتراضات به خشونت های سیاسی و ترویستی انجامید. «خشونت از نوع سیاسی را می توان به وارد آوردن نوعی فشار و زور فیزیکی از سوی یک نهاد، یک فرد یا یک گروه بر نهاد، فرد یا گروهی دیگر دانست از این رو خشونت همواره در برابر میل، اراده و آزادی قرار دارد و به نوعی حدود آنها را تعیین می کند» (فکوهی، ۱۳۷۸: ۱۵) که به اشکال گوناگون جنگ، انقلاب، شورش، تنش، سرکوب، ترور، اعدام، کودتا و... انجام می شود. گستردگی و پایداری این خشونت ها در سوریه نشان می دهد بر خلاف تعداد زیادی از تحقیقاتی که در حوزه ی زمینه های اعتراضات و خشونت ها نوشته شده است بیش از آن که متاثر از عوامل و وضعیت های گذار سیاسی باشد متاثر از عوامل و عناصر بنیادین جغرافیایی و ژئوپلیتیکی است. بنیان های ژئوپلیتیکی به سبب ارزش های بالایی که برای طرفین نزاع و کشمکش دارند و تامین کننده ی منافع در سطوح چهارگانه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و امنیت برای بازیگران است نقش به سزایی در شکل گیری و تداوم خشونت های سوریه از آغاز شکل گیری اعتراضات داشته است در نظریه های فشار، منابع و اکولوژیکی خشونت نیز به خوبی تعریف می کند که چگونه عوامل و متغیر های با ماهیت ژئوپلیتیکی شکل تقابل، اعتراضات و درگیری و خشونت های سوریه را باعث و تداوم بخشیده است.

در همین راستا نویسنده به دنبال پاسخ دادن به این سوال اساسی است که عوامل بنیادین ژئوپلیتیک شکل گیری خشونت سیاسی در سوریه و تداوم آن تاکنون کدام بوده است؟ و در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح شده است که موقعیت سرزمینی، ضعف در دولت\_ملت سازی، مداخله ی قدرت های منطقه ای، تنوع قومی و مذهبی به همراه حمایت های خارجی از آنها بیش از هر عامل دیگری در شکل گیری خشونت های سیاسی و پایداری آن در بحران سوریه نقش ایفا می کند.

## ۲- روش پژوهش

در تحقیق حاضر روابط بین دو متغیر بنیان های ژئوپلیتیکی به عنوان متغیر مستقل و شکل گیری خشونت های سیاسی در سوریه به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به ماهیت کیفی پژوهش به روش توصیفی\_تحلیلی و با استفاده از منابع و مطالعات تاریخی، کتابخانه ای، اسنادی\_رویدادی و اینترنتی به بررسی، تبیین و تحلیل ارزش ها و بنیان های ژئوپلیتیک کشور سوریه در شکل گیری بی ثباتی، نا امنی و خشونت های با ماهیت سیاسی این کشور از زمان آغاز بحران (۲۰۱۱) تا به کنون پرداخته ایم. روش پژوهش کیفی از اطلاعات و داده های تاریخی، توصیفی و تجربی استفاده می کند(دهقان، کتابی و جعفری نژاد، ۱۳۹۶:۱۰). پژوهشگران این حوزه سعی دارند به درک اوضاع و احوال فرایندهای پیچیده ی اجتماعی نایل آیند (حافظ نیا، ۱۳۹۶:۳۸).

## ۳- مفاهیم نظری

### ۳-۱- بنیان های ژئوپلیتیک:

پیش از این که بنیان های ژئوپلیتیک را تعریف کنیم لازم است که تعریفی از ژئوپلیتیک را مبنا قرار دهیم. ژئوپلیتیک از نظر ماهیت و موضوعی از زمان وضع آن دچار شناوری بوده و دیدگاهها تاکنون بر سر ماهیت، موضوع و تعریف آن متفاوت بوده است. برداشت های متفاوتی از زمان وضع آن از سوی متفکرین و اندیشمندان سیاسی و دانشگاهی صورت گرفته است که هر کدام با نگرشی خاص به چیستی و تعریف عمومی این مفهوم پرداخته اند. در فرهنگ نامه ی لاروس از ژئوپلیتیک به عنوان علم نام برده شده است و آن را علم مطالعه ی روابط میان جغرافیای کشورها، و سیاست آن کشور تعریف می - کند(حافظ نیا، ۱۳۹۶، ۲۲). دکتر محمد حسین گنجی تعریف هاوس هوفر را از ژئوپلیتیک می پذیرد که ژئوپلیتیک هنر استفاده از دانش جغرافیا در حمایت و جهت دادن به سیاست دولت هاست(گل کرمی، کریمی پور، متقی، ربیعی، ۱۳۹۶: ۴). سائل برنارد کوهن در تعریف ژئوپلیتیک می نویسد: «ژئوپلیتیک به عنوان تحلیل تعامل میان زمینه های جغرافیایی و دیدگاههای مرتبط با آن از یک سو و فرایندهای سیاسی از سوی دیگر تعریف می شود»(کوهن، ۱۳۸۹: ۴۳). پیتر تیلور نیز می گوید «ژئوپلیتیک عبارتست از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به ویژه رقابت بین قدرت های بزرگ و اصلی است»(گل کرمی، کریمی پور، متقی و ربیعی، ۱۳۹۷: ۳۸). بنابراین اصالت دادن به جغرافیا، قدرت و سیاست فصل مشترک غالب صاحب نظران و اندیشمندان حوزه ی ژئوپلیتیک به این رشته از دانش بشری است. اگرچه هر کدام سعی می کنند بر یکی از ابعاد مفهومی آن تمرکز کنند و از رهگذر دیدگاه خاصی به تعریف این مفهوم بپردازند. با این حال به نظر می رسد تعریف دکتر محمدرضا حافظ نیا از ژئوپلیتیک که در قالب یک مفهوم ترکیبی تبیین شده است از جامعیت نسبی برخوردار باشد که ژئوپلیتیک را ترکیب سه عنصر جغرافیا، سیاست و قدرت، الگوهای رفتاری گروههای متشکل انسانی از جمله ملت ها و دولت ها را نسبت به یکدیگر تعریف می کند(حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۴۸). لذا پژوهش حاضر با این رویکرد به تعریف بنیان های ژئوپلیتیکی می پردازد و یافته های خود را منطبق بر آن جمع آوری و سپس به تعریف و تبیین بنیان های ژئوپلیتیکی می پردازد. بنیان های ژئوپلیتیکی عبارتست از آن دسته از متغیرها و عناصر با ارزش، متأثر از ترکیب و برهم کنشی سه عامل جغرافیا، سیاست، قدرت به گونه که نه مطلقا سیاسی باشد نه مطلقا جغرافیایی(حسین پور پویان، ۱۳۹۰: ۱۵) این عناصر در شکل گیری و تداوم الگوها و اشکال روابط بازیگران سیاسی در هر سطحی(محلی، منطقه ای و جهانی) نقش مهمی ایفا می کند. که مهم ترین آنها عبارتند از:

بار استراتژیک منطقه و موقعیت راهبردی کشورها، نظام سیاسی حکومت، ساختار قومی، نژادی، مذهبی و نفوذ قدرت های منطقه ای با حمایت های پشت پرده و نامحسوس جهانی.

## ۲-۳- خشونت سیاسی:

هر گونه رفتار یا کنش آگاهانه که با هدف وارد نمودن آسیب به یک پدیده صورت می گیرد رفتار خشونت آمیز تلقی می - شود خواه می خواهد فیزیکی باشد خواه روانی، اما از نقطه نظر پژوهشگران سیاسی خشونت عبارتست از:

پرخاشگری، تحمیل اراده خود بر دیگران، پیشبرد هدف و قصد با توسل به زور، گفتار و رفتار آزار دهنده، حرکت قهر آمیز ناشی از اراده ی خاص (خارج از محدوده و قوانین و قواعد) و نیز اعمال نیروی جسمانی یا بدنی است ( فکوهی، ۱۳۷۸:۴۱). که بعد فیزیکی و جسمی آسیب مورد تاکید است. اگر چه باید گفت در اغلب موارد ترکیبی چندگانه از ابعاد مختلف خشونت است که آسیب یا صدمه را به دنبال دارد اما به لحاظ زمینه ای، خشونت سیاسی گونه ای از خشونت است که موضوع اصلی آن قدرت سیاسی است چه بر سر دستیابی به قدرت، چه بر سر اعتراض و نابود کردن یک قدرت و چه بر سر حفظ و تداوم بخشیدن به یک قدرت باشد.

بنابراین می توان خشونت را نوعی فشار و زور فیزیکی از سوی یک نهاد، یک فرد و یا یک گروه بر نهاد، فرد یا گروه دیگر دانست که هدف آن وادار کردن نهاد یا افراد به انجام کاری بر خلاف میل و اراده شان است (فکوهی، ۱۳۷۸:۴۲).

خشونت انواعی دارد یکی از این انواع خشونت، خشونت سیاسی است. خشونت سیاسی عمدتاً با بی ثباتی سیاسی نیز هم معنی می داند، شامل جنگ چریکی، شورش، ترور، خشونت، مرگ بر اثر خشونت، اعتصاب و تظاهرات است در همه این طیف ها افراد جامعه به دنبال تغییر و دگرگونی اساسی در جامعه هستند که برای رسیدن هدف از هر ابزاری استفاده می کنند نظیر بسیج نیروها، خشونت و حتی سلاح و تبدیل به اشکالی جدید مانند انقلاب، کودتا، شورش، جنبش و... که از جمله این پدیده ها هستند (اصغری نیاری و محمود اوغلی، ۱۳۹۷:۱۵).

مبتنی بر داده های عملیاتی نیز خشونت سیاسی عبارتست از جنگ داخلی، تروریسم و نا به سامانی داخلی، منظور از جنگ داخلی تضاد نظامی بین دولت، و سازمانهای شورشی است که ممکن است به تغییر رژیم و تقسیم آن منجر شود تروریسم نیز یکی از مفاهیم مبهم خشونت است نا به سامانی داخلی نیز شامل تظاهرات و اعتصاب و تخریب است (قاراخانی، ۱۳۸۸: ۷).

از میان همه ی نظریه هایی که در حوزه ی خشونت سیاسی اجتماعی بطور اعم وجود دارد نظریه های فشار، اکولوژیکی و منابع بیش از نظریه های دیگر شکل گیری خشونت اجتماعی و سیاسی را تبیین می کنند.

نظریه فشار مدعی است تضاد بین اهداف و ابزارها است که باعث شکل گیری خشونت می شود مرتن اندیشمند نظریه فشار معتقد است وقتی افراد ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف را در اختیار نداشته باشند احساس فشار می کنند در نتیجه راههای غیر قانونی و نامشروع را برای رسیدن به اهداف خود بر می گزینند (علمی، تیغ زن و باقری، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

در نظریه منابع بر محرومیت اقتصادی اجتماعی از سوی ساختارها و افراد تاکید می کند و معتقد است افراد و گروهها که در محرومیت اقتصادی و اجتماعی به سر می برند مستعد رفتارهای خشونت آمیز هستند.

در نظریه اکولوژیکی نیز تاثیر عوامل محیطی و اجتماعی بر شکل گیری خشونت مورد تاکید است که ناظر بر سطح های مختلف فردی تا ساختارهای کلان سیاسی و اجتماعی است. عوامل محیطی نظیر فرهنگ و ساختار جامعه، دسترسی به ابزارهای خشونت، سیاست های کلان اجتماعی و اقتصادی، به کارگیری نیروهای قهریه پلیس و نیروهای نظامی علیه شهروندان برای برقراری نظم و امنیت در شکل گیری خشونت تاثیر گذار هستند (قادر زاده و قادری، ۱۳۹۵: ۶۶).

### ۳-۳- سوریه:

کشور سوریه با مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع وسعت، هشتاد و هفتمین کشور از نظر وسعت است که در منطقه جنوب غرب آسیا و در همسایگی دریای مدیترانه و لبنان در غرب، عراق در شرق و جنوب شرقی، اردن در جنوب، فلسطین در جنوب غربی واقع شده است. سوریه به لحاظ اقلیمی به جز در برخی نواحی مشرف به مدیترانه در کل آب و هوایی گرم و خشک دارد.



نقشه شماره (۱): موقعیت جغرافیایی سوریه در جنوب غرب آسیا منبع: <https://www.hamshahrionline.ir>



نقشه شماره (۲): موقعیت سوریه در رابطه با همسایگان منبع: <http://www.kaums.ac.ir>

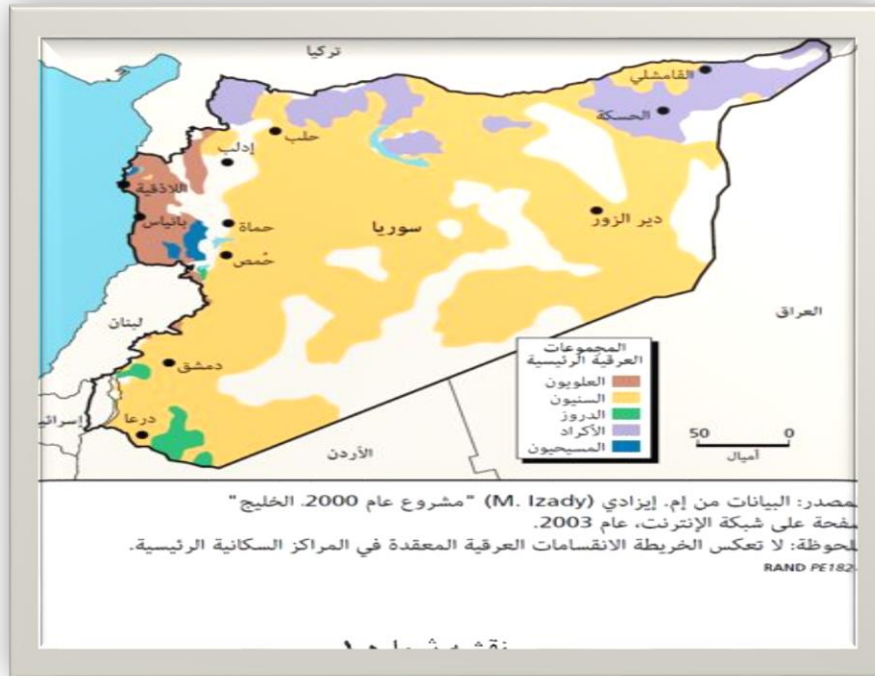
کشور سوریه که در گذشته شامات گفته می شد به سبب موقعیت شاهراهی و ارتباطی که در طول تاریخ داشته است همواره شاهد حضور و عبور گروههای تجاری، دینی، فرهنگی و نژادی مختلفی بوده است که باعث منحصر به فرد شدن بافت جمعیتی این کشور



شده است. در سالهای بین ۱۳ تا ۱۶ هجری قمری در نتیجه ی حمله مسلمانان و فتح آن، سوریه سرزمین طرفداران دو آیین مسیحی و مسلمان که از قبل وجود داشتند شد، تحت تاثیر سیاست های استعماری فرانسه در دوران اشغال سوریه مناطق سه گانه قومی مذهبی در سوریه شکل گرفت علوی ها در شمال غرب به مرکزیت لاذقیه، جنوب مأمَن دروزی ها و اهل سنت هم در دمشق، سیاستی که هر گونه تهدید بالقوه ناسیونالیسم عربی را از بین می برد، از ویژگی عمده اغلب کشورهای خاورمیانه تنوع قومی فرقه ای و قبیله ای است و این باعث شده این کشورها در درون از نظر امنیتی متزلزل شده و در ایجاد یک هویت فراگیر ملی دچار مشکل شوند لذا وحدت اجتماعی شکل نگرفت (۱۴۸-۱۴۴).

تا قبل از شروع بحران، جمعیت این کشور حدود ۲۲ میلیون نفر بوده است که از نظر قومیتی حدود ۸۷ تا ۹۰ درصد عرب، حدود ۷ تا ۱۰ درصد کرد و حدود ۳ درصد ترک ها و ارمنی ها بوده اند، همچنین از نظر مذهبی نیز حدود ۷۴ درصد جمعیت این کشور اهل تسنن، حدود ۱۳ درصد علویان و شیعیان، حدود ۱۰ درصد مسیحیان و حدود ۳ درصد نیز دروزی ها و سایر مذاهب بوده اند (بیات و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۲). علوی ها در ۴۰ سال اخیر اکثر پست های کلیدی و حساس دولتی را در دست دارند، در حالی که اکثریت عرب های سنی، نه تنها در سیستم سیاسی سوریه مشارکت واقعی نداشتند، بلکه بارها توسط رژیم حاکم سرکوب می شدند. مسیحیان سوریه که اکثراً تاجر پیشه هستند، از نفوذ بالای اقتصادی و تجاری در سوریه برخوردارند و با توجه به گرایشات سکولار، توانسته اند همپای علویان رشد و پیشرفت نمایند (نواختی مقدم و ببری، ۱۳۹۷: ۱۱۴).

کردها نیز به عنوان بزرگترین گروه اقلیت سوریه، به منظور فرار از سرکوب نیروهای کمال آتاتورک در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی از ترکیه به سوریه گریخته و عمدتاً در حسکه ساکن شدند. دولت سوریه نیز بنا به استفاده از این امر، استدلال می کنند که همه کردهای سوریه ترکیه ای هستند که به سوریه مهاجرت کرده اند و تا همین اواخر حاضر به پذیرش آنها به عنوان شهروند سوری و اعطای هویت سوریه ای به آنها نبود؛ درحالی که پیش از آن تا اواخر قرن نوزدهم بسیاری از عشایر کرد، اسکان یافته و در این منطقه مشغول زراعت بوده اند (دولت آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴: ۱۳۰ و ۱۳۱).



نقشه شماره (۳): پراکنش قومی و مذهبی کشور سوریه

منبع: <http://roikard.blogfa.com/>

#### ۳-۴- تاریخ کشور سوریه:

نام سوریه را نخستین بار فرانسوی ها پس از فروپاشی عثمانی بر آن نهادند. سرزمینی که بخشی از شام محسوب می شد، محلی برای سکونت اقوام اموری، آرامی، آشوری و در سده های بعدی ممالیک و سرانجام ترکان عثمانی بود. تاریخ معاصر سوریه از ۱۷۹۹ م با فتح مصر و سوریه توسط ناپلئون شروع می شود. وجود مسیحیان و آزار آنها توسط دولت عثمانی راه مداخلات بیش از پیش دولت های اروپایی را فراهم نمود.

در سال ۱۹۱۸ پادشاهی مستقل سوریه تحت رهبری ملک فیصل پسر شریف حسین اعلام شد، اما متفقین آن را به رسمیت نشناختند و نیروهای فرانسوی در نبرد میلسون این کشور را به تصرف درآوردند و سوریه و لبنان تحت قیومیت فرانسه درآمدند. در سال ۱۹۳۶ تحت تاثیر شورش ها و اعتراضات، فرانسه پذیرفت استقلال نسبی سوریه را به رسمیت بشناسد، با این حال فرانسوی ها نیروهای خود را در سوریه نگه داشتند تا همچنان به اعمال نفوذ خود در این کشور ادامه دهند در نهایت در اوایل سال ۱۹۴۶ فرانسوی ها به دنبال درخواست اعضای شورای امنیت نیروهای خود را از سوریه خارج کرد و استقلال این کشور به رسمیت شناخته شد (leukefeld,2011).

بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی فرانسه و انگلیس طی یک قرارداد مخفیانه بنام قرارداد سایکس-پیکو سرزمین های عربی را بین خود تقسیم کردند فرانسوی ها کنترل سوریه و لبنان را بدست گرفتند (histoty.com). در سال ۱۹۳۶ فرانسه و سوریه بر سر استقلال سوریه مذاکره کردند اما در طول جنگ جهانی دوم فرانسوی ها باز هم سوریه را اشغال کردند تا این که سوریه در سال ۱۹۴۶ رسماً به یک کشور مستقل تبدیل شد.

پس از استقلال، عواملی مانند مرزبندی های مصنوعی و تحمیلی از سوی انگلستان و فرانسه، منجر به سوق یافتن جنبش های پان عربی به سمت چپ گرایی و سوسیالیسم شد؛ تشکیل حزب بعث در سوریه با دو رکن عربی و سوسیالیستی، مهم ترین مصداق آن است؛ این حزب با دامن زدن به تفکرات و آرمان های انقلابی، عدالت طلبانه، ضد غربی و ضدیت با فئودالیسم موفق گردید در بیشتر جامعه که از طبقات پایین بودند، نفوذ کرده و در رقابت با دیگر احزاب از آنان پیشی یابد (سردار نیا و کیانی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). در سال ۱۹۵۸، در نتیجه ی وحدت سوریه و مصر، جمهوری متحد عربی تشکیل شد، اما این اتحاد آن گونه که رهبران سوریه امید داشتند ثمر بخش نبود. همه سوری ها با سیاست های بعثی ها موافقت نداشتند و درگیری های محلی میان حامیان اصلاحات سوسیالیستی و بازرگانان ثروتمند شهری و زمین داران خواهان حفظ قدرت در می گرفت. از طرفی دیگر، ناصر منافع سوریه را تحت الشعاع منافع مصر قرارداده بود و در نتیجه این اتحاد در سال ۱۹۶۱ پایان پذیرفت (صالحی، ۱۳۹۱: ۴۱). حزب بعث در سال ۱۹۶۳، کودتایی صورت داد و قدرت را در سوریه بدست گرفت (سردار نیا و کیانی، ۱۳۹۵: ۱۱۸). این اتفاق هم زمان بود با روی کار آمدن بعثی ها

در عراق و در سوریه که از آن به عنوان انقلاب بعث نیز نام برده می شود (nationsonlin.org). از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۰ بعث سوریه صحنه کشمکش و مخالفت های مختلف بود که از میان آنها، مبارزات بین ترقی خواه ها و ملی گرا ها شدیدتر بود (britannica.com). در سال ۱۹۶۶ حافظ امین برکنار شد و ژنرال صلاح جدید با کودتا حکومت را به دست گرفت. او از فلسطین و شوروی حمایت می کرد و مخالف سر سخت اسرائیل بود اما ملی گرایان طرفدار بعث ملی به رهبری حافظ اسد مخالف بودند. لذا در کودتایی ملایم حافظ اسد جای او را گرفت (nationsonlin.org). از سال ۱۹۷۱ که حافظ اسد به قدرت رسید به صورت ناخواسته با سیاست های خود باعث به وجود آمدن شرایطی شد، فقدان آزادی و شفافیت سیاسی در تصمیم های سیاسی و استراتژیک، صرف اعتماد به نزدیکان که موجب فساد گسترده شده بود، شرط علوی بودن و تنها بعثی بودن برای حضور در منصب های سیاسی موجب گسترش مخالفان سیاسی شد که مسیحیان برکنار و علویان روی کار می آمدند. مخالفان اسد شامل کمونیست ها، ناسیونالیست های عرب و اخوان المسلمین بودند گاهی درگیری های بین آنها مسلحانه و تند می شد مانند ۱۹۸۵ تا ۱۹۷۹ و سرکوب اخوان المسلمین که بیش از ۱۷ تا ۴۰ هزار نفر کشته و باعث عمیق تر شدن اختلافات اجتماعی، قومی، مذهبی و قبیله ای شد. از سال ۱۹۶۳ تا ۲۰۱۱ نظام حکومتی سوریه تک حزبی و لائیک بود تا این که در سال ۲۰۱۲ تغییراتی در قانون اساسی به وجود آمد و نظام چند حزبی جایگزین شد.

#### ۴- بنیان های ژئوپلیتیک کشور سوریه

##### ۴-۱- بار استراتژیک منطقه و موقعیت راهبردی سوریه

جنوب غرب آسیا همواره نقشی کلیدی و استراتژیک در تحولات سیاسی، صلح و ثبات، و اتخاذ قدرت های جهانی ایفا کرده است این منطقه ی منحصر به فرد جغرافیایی که به اشتباه خاورمیانه گفته می شود قلمروییست در مرکز سه قاره ی آسیا، افریقا و اروپا و همسایگی خطوط ساحلی منحنی دریای سیاه، دریای مدیترانه، و اقیانوس هند با گذرگاه های مهم و راهبردی، گذشته از این موقعیت حساس جغرافیایی، منطقه ی جنوب غرب آسیا کانون پیدایش سه دین بزرگ یکتا پرستی، زیستگاه تنوع کثیری از اقوام، نژادها و مذاهب و آیین ها بوده است. علاوه بر این، جنوب غرب آسیا مهد شکل گیری نخستین تمدن های بزرگ انسانی بوده است که امروز

به سبب افزوده شدن مزیت های تولید ، تامین و توزیع انرژی در حوزه ی نفت و گاز اهمیت فوق العاده ای برای بازیگران سیاسی پیدا کرده است. کشور سوریه با قرار گرفتن در این منطقه مشرف بر سواحل شرقی دریای مدیترانه و همسایگی با کشورهای فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق و اردن به لحاظ تاریخی و جغرافیایی اهمیت ویژه ی ژئوپلیتیکی پیدا کرده است. نخست این که سوریه در موقعیت دماغه ی اتصال سه قاره و داشتن سواحل طولانی با مدیترانه نقش مهمی در امنیت نظامی، تجارت و انتقال انرژی نفت و گاز به همسایگان خود و اتصال فروش کالا در جنوب روسیه در مسیری کوتاه به شمال آفریقا و جنوب اروپا ایفا می کند این موضوع همواره توجه و طمع قدرت های منطقه ای و جهانی را برانگیخته است که از این فرصت برای تامین منافع خود در حوزه ی امنیتی و توسعه ی تجارت استفاده کنند واگذاری بندر مهم طرطوس به روسیه به مدت ۴۹ سال و لاذقیه به ایران (طبق توافق سال ۹۷ با بشار اسد) ([www.dw.com](http://www.dw.com)). در سواحل مدیترانه ی سوریه، گواهی بر این ادعاست در نشست سه جانبه ی همکاری حمل و نقل ایران، عراق و سوریه در دهم تیرماه ۹۸ گزارش اتصال ریلی بندر امام خمینی به بندر لاذقیه از طریق شلمچه-بصره نیز رسانه ای شد.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان حوزه مسائل سیاسی سوریه بزرگترین کشور کوچک جهان است (رجبی، ۱۳۹۱:۱۲۵) که این اهمیت راهبردی ناشی از چند عامل مهمی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی است از جمله؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک جنوب غرب آسیا، نقطه اتصال سه قاره ی مهم، آسیا، اروپا و آفریقا، برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و قرار گرفتن در حاشیه دریای مهم مدیترانه، برخورداری از منابع غنی نفت و گاز و تامین نیازهای نفتی کشورهای حاشیه (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳:۵) برخورداری از امن ترین موقعیت استراتژیک در روابط بین اعراب و اسرائیل (El-Hokayem: 2007,44). طرف دیگر تنها کشوری است که دارای ارتش کلاسیک عربی در منطقه است که توانایی آن را دارد که امنیت اسرائیل را در معرض خطر قرار دهد (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳:۵).

#### ۲-۴-نظام سیاسی حکومت :

رژیم سیاسی سوریه در دوران حافظ اسد و نیز در دوران حکومت بشار اسد تا زمان وقوع بحران در سوریه، در زمره رژیم های تک حزبی و بسته می گنجد. در سوریه، قدرت عملاً در اختیار حزب بعث این کشور بوده است، از نظر ساختار سیاسی، رئیس جمهور

بالاترین مقام رسمی کشور و رئیس قوه مجریه محسوب می گردد و عزل و نصب نخست وزیر و دیگر اعضاء کابینه را در انحصار خود دارد. کاندیداتوری رئیس جمهور، توسط مجلس خلق و بنا به پیشنهاد رهبری حزب بعث اعلام می گردید و مردم طی یک فراندوم برای تأیید رئیس جمهور پیشنهادی شرکت می کردند. در انتخابات پارلمانی سوریه نیز کرسی ها به گونه ای تقسیم شده بود که از ۲۵۰ کرسی نمایندگی مجلس، ۲۳۱ کرسی در اختیار بعث قرار گرفته بود و ما بقی کرسی ها به دیگر احزاب جبهه ترقی خواه ملی و افراد مستقل داده شده بود. مطابق قانون اساسی، رئیس جمهور حق انحلال مجلس را نیز در اختیار دارد. به طور کلی نظام حکومتی سوریه به رغم داشتن عنوان جمهوری، همچون یک حکومت نظامی عمل می نماید که اقتدار تقریباً مطلق را به رئیس جمهور داده است و شهروندان علی رغم داشتن حق رأی، حق تغییر حکومت خود را ندارند، بر اساس قانون وضعیت اضطراری که از سال ۱۹۶۳ در سوریه آغاز شده است، کنترل نامه ها، نشریات، کتب، وسایل ارتباط جمعی، محدود سازی اقامت، عبور و مرور و نقل و انتقال در ساعات محدود و مشخص، ضبط هر نوع اموال منقول و کنترل نمودن شرکت ها، مؤسسات و محدودیت شدید در اعمال تجمعات برای حکومت مجاز شمرده شده بود. این اقدامات با استناد به وضعیت جنگی بین این کشور و اسرائیل و همچنین تهدیدات گروه های تروریستی به حدود نیم قرن تداوم یافت (دولت آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۰ و ۳۱). در اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۲، عبارت "سوسیالیسم" در قانون اساسی کشور حذف گردید و بر چند حزبی بودن ساختار سیاسی این کشور تأکید شد، اگر چه همچنان پیشوند "عربی" بر نام رسمی کشور باقی ماند و بر هویت عربی سوریه تأکید گردید. همچنین اگر چه دوران ریاست جمهوری به دو دوره ۷ ساله محدود شد و انتخاب وی از فراندوم به انتخابات با چند کاندیدا تبدیل شد، اما کماکان رئیس جمهور اختیارات دوران ریاست جمهوری خود را حفظ نمود (Syrian Arab Republic's Constitution of 2012).

### ۳-۴- باز یگری قدرت های نامتوازن منطقه ای

#### ۴-۴- اسرائیل

سوریه بعد از پایان جنگ جهانی دوم با موجودیتی جدید با مرزهای نامشخص بنام اسرائیل روبرو شد که ریشه ی عمده ی اختلافات با اعراب از جمله سوریه از همین جریان آغاز شد از آنجا که این کشور تازه تاسیس مرزهای روشنی نداشت بنابراین درگیری های

بزرگی بین اعراب و اسرائیل رخ داد که در نهایت با دخالت سازمان ملل متحد به توافق آشتی را امضا کردند آخرین کشور از بین کشورهای عربی درگیر سوریه بود که در سال ۱۹۴۹ توافقنامه را پذیرفت در نتیجه مرزهای موقتی بین سوریه و اسرائیل شکل گرفت و منطقه ی حائل به عنوان منطقه ی عاری از سلاح نیز بین دو کشور به وجود آمد به تدریج اسرائیل به دلیل نقض توافقنامه و تجاوز به خاک سوریه در سال ۱۹۶۷ جنگ دیگری بین اعراب و اسرائیل در گرفت که اسرائیل توانست مناطق جولان سوریه را تصرف کند در سال ۱۹۷۳ باز هم جنگ دیگری بین اعراب و اسرائیل در گرفت که سوریه نتوانست جولان را پس گیرد (روحانی فرد، ۱۳۹۱: ۱۱) بازپس گیری جولان از مولفه های محوری درگیری سوریه در دشمنی با همسایه جنوبی خود است که تاکنون ادامه داشته است به زعم اسرائیل نیز سوریه رادیکال ترین دشمن به حساب می آید چرا که با امضای قرارداد صلح با مصر که طی ماههای اخیر بسته شد خیال اسرائیل تا حدودی از دشمنی مصر راحت شده است اما موقعیت سوریه همچنان به عنوان قلب تپنده ی ناسیونالیسم عربی، نزدیکی خاص آن به فلسطین و لبنان، و پیچیدگی مسائل مرزی لاینحل با اسرائیل، چالش های موجود دولت را تداوم بخشیده (رابینویچ، ترجمه براتی ۱۳۹۲: ۲). و زمینه ساز بسیاری از جنگ و خشونت های داخلی دو کشور بوده است.

از سوی دیگر اسرائیل به منظور حفظ موقعیت خود در منطقه و با هدف ایجاد نظم ژئوپلیتیک در برابر رقبای منطقه ای خود از جمله ایران و سوریه همواره در صدد افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود بوده تا دست برتر را در معادلات منطقه و تامین منافع خود داشته باشد طرح "اینان" به عنوان یک طرح راهبردی اسرائیلی به دنبال این است که اسرائیل را به یک قدرت منطقه ای تبدیل کند این طرح از طریق بالکانیزه کردن کشورهای عربی باز ترسیم می شود (التیامی نیا، ۱۳۹۲: ۸۶).

#### ۵-۴- عربستان

بعد از جنگ جهانی دوم که رسماً سوریه از استعمار فرانسه خارج شد منطقه به دو بخش عراق و اردن هاشمی از یک سو و مصر و عربستان از سوی دیگر تقسیم شده بود بنابراین الحاق سوریه به هر طرف مزیتی مهم تلقی می شد (نجات، ۱۳۹۳: ۵) عربستان سعودی از این فرصت استفاده می کند و از طریق حمایت های مالی و سیاسی به تقویت جبهه های هم سو در سوریه می پردازد در سال ۱۹۵۵ با تشدید رقابت های ایدئولوژیک بین کشورهای عربی که از حمایت مخفی دو قطب شوروی و آمریکا و بریتانیا برخوردار بودند

عربستان در کنار مصر و سوریه دست به تشکیل ائتلافی در مقابل ائتلاف عراق بریتانیا و آمریکا زدند در واکنش به این توازن ها مصر و سوریه ادغام شدند و جمهوری متحده ی عربی را تشکیل دادند در نتیجه این امر عربستان هراسناک شد و با اردن ائتلاف کرده و علیه بی ثباتی در سوریه دست به کار شد (نجات، ۱۳۹۳: ۵). در سال ۱۹۶۱ در سوریه کودتا صورت گرفت و جمهوری متحده عربی تجزیه شد.

در سال ۱۹۶۶ حکومتی رادیکال از نئو بعثی ها در سوریه تشکیل شد که با عربستان میانه و مواضع همسویی نداشت .

روابط عربستان و سوریه از زمان روی کار آمدن بشار اسد تحکیم روابط با ایران، مسئله ی فلسطین، دخالت سوریه در لبنان و ترور رفیق حریری رو به تیرگی رفت، در رژیم های اقتدارگرا از آنجا که سازو کار نهادینه شده ای برای انتقال قدرت وجود ندارد و سازوکاری با تحولات داخلی و خارجی برای رژیم اغلب ایستا و بعضا غیر قابل تحمل است چنین رژیمی همواره از درپچه امنیت به تحولات می نگرد و در برخورد با آن از ابزارهای امنیتی و نظامی استفاده می کند سیاست عربستان سیاست محافظه کارانه ی تهاجمی است، سیاست عربستان در قبال سوریه همین بوده است عربستان طرفدار انتخابات آزاد در سوریه نیست چون آن چیزی است که خود ندارد، او از گروههای سلفی جدید مسلح و وابسته به القاعده استفاده می کند، ابزارهایی که عربستان استفاده می کند عبارتند از حمایت تسلیحاتی از مخالفان نظام سوریه، بکارگیری نرم افزارهای تبلیغاتی و به راه انداختن جنگ روانی، تحریک اختلافات قومی و مذهبی این حمایت ها و مسلح کردن گروههای تروریستی که افق گفت و گوها را بسته و باعث تداوم و پایداری خشونت ها در سوریه شده است منشا اختلافات سوریه و عربستان علاوه بر گرایش به سمت ایران این بوده است که سوریه همواره طرف بلوک شرق بوده و عربستان بلوک غرب و منافع خود را در این بلوک ها دنبال کرده اند در قبال فلسطین نیز عربستان جانب حکومت خودگردان و جنبش فتح است و سوریه حماس و جهاد اسلامی و عدم سازش با اسرائیل، عربستان از ۱۴ مارس دفاع می کند و سوریه از هشتم مارس و حزب الله حمایت می کند عربستان به دنبال پایه ریزی بنیادگرایی سنی در منطقه است و نوعی گسترش اسلام وهابی در مقابل شیعه بسط تفکرات سلفی در منطقه که مهم ترین استراتژی حفظ نظام سیاسی اقتدارگرا و سنتی سعودی و زمینه مناسب جهت ارتقای نفوذ و نقش آفرینی منطقه ای عربستان محسوب می شود (نجات، ۶-۱۳۹۳: ۷).



#### ۶-۴- ایران

تا پایان سقوط نظام شاهنشاهی در ایران عملاً تغییر مهمی در بهبودی روابط رخ نمی دهد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، روابط سوریه و ایران که پیش از این به دلیل قرار داشتن دو کشور در دو اردوگاه شرق و غرب سرد بود، با اتخاذ موضع ضد امریکایی و ضد صهیونیستی نظام جدید تهران، به سرعت بهبود یافت (Gelbart, 2010: 40) ایران با در پیش گرفتن سیاست های ضد استکباری به ویژه در مقابل آمریکا و حمایت از مردم مسلمان فلسطین اسرائیل را نماد و پایگاه نظامی غرب در خاورمیانه معرفی می کند و از همه ی مبارزان حق طلب در دنیا می خواهد از مستضعفین در برابر مستکبرین دفاع کنند، سوریه که خود را در انزوای بین مصر و اسرائیل می دید از این فرصت استقبال و با آغوش باز به سمت ایران رفت (درویشی سه تلانی و فیاضی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). با وقوع جنگ در ایران سوریه تنها کشور عربی بود که از ایران در مقابل عراق حمایت کرد و به ارتش ایران از دو جهت - کمک های تسلیحاتی در شرایط تحریم و بستن لوله های نفت بر روی کشور عراق به مدیترانه کمک کرد. در مقابل نیز ایران از سوریه در مقابل تهدیدات امنیتی بعضاً از سوی اسرائیل دفاع کرده است.

مناسبات چند ده ریشه دار ایران و سوریه عمق روابط استراتژیک دو کشور نشان می دهد سوریه دارای نقش استراتژیک برای ایران است مشترکاتی مانند دشمنی با اسرائیل، ایدئولوژی های ضد امریکایی و ضد استکباری، حمایت از حماس و حزب الله لبنان، نزدیکی و موقعیت اسرائیل به فلسطین، لبنان و مدیترانه از عوامل اصلی تقویت کننده ی بین دو کشور بوده است (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۵).

اهمیت روابط دو کشور به گونه ای بوده که رهبر انقلاب در ملاقاتی که با بشار اسد در سال ۱۳۸۵ داشتند ایران و سوریه را " عمق استراتژیک یکدیگر " نامیده و تأکید فرمودند که " این روابط از دیرینه ترین و متمایزترین روابط کشورهای منطقه است " (farsi.khamenei.ir). روی هم رفته رهبری ایران و سوریه، امریکا را به عنوان تهدیدی برای بقای رژیم هایشان می بینند . (Malici & Buckner, 2008: 792-794).

حجم همکاری های نظامی امنیتی ایران و سوریه در سال ۲۰۱۰ - به اوج خود رسید تا آن جا که برخی کارشناسان از تبدیل همکاری سیاسی استراتژیک دو کشور به یک اتحاد تمام عیار- نظامی صحبت کردند و مقامات امریکا آن را یک همگرایی بی سابقه در زرادخانه

نظامی دو کشور، همراه با افزایش آموزش مشترک، اشتراک اطلاعات و انتقال سیستم های تسلیحاتی پیچیده توصیف و از آن ابراز نگرانی کردند (Mohns & Bank, 2012: 27).

#### ۴-۷- ترکیه

بر اساس دکترین عمق استراتژیک احمد چاوش اوغلو، ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود دارای عمق استراتژیک می باشد و به همین دلیل می بایست نقش رهبری را در مناطق پیرامونی خود بر عهده گیرد و اهمیت استراتژیک جهانی را برای خود کسب نماید (بیری و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۷). تفکر نو عثمانی گرایی یا بازگشت به عظمت امپراطوری عثمانی در پوشش و شعار اسلام گرایی، یکی از اهداف اردوغان است. وی، پس از وقوع انقلاب و استقرار حکومت های جدید در مصر، لیبی و تونس، به این کشورها سفر کرد و از پیشنهاد ارائه الگوی حکومت لائیک ترکیه در این کشورها صحبت به میان آورد. ترکیه در سوریه نیز به دنبال حکومتی غرب گرا و مطیع برای رهبران ترکیه بود با وجود پذیرش الگوی سیاسی ترکیه از سوی لیبی و تونس و نیز روی کار آمدن اخوان المسلمین، باید توجه کرد که ساخت و بافت فکری و سیاسی سوریه، متفاوت از کشورهای از پیش گفته است و اساسا چنین الگویی در سوریه، به آسانی میسر نیست (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

با گسترش بحران در سوریه، روابط دو کشور رو به تیرگی گذاشت. در نوامبر ۲۰۱۱، ترکیه از اسد خواست تا قدرت را رها کند و افزون بر آن، با قرار گرفتن در موضع تهاجمی و فعال، چندین نشست، مخالفان سوری را میزبانی و در آوریل ۲۰۱۲ نیز دومین اجلاس دوستان سوریه را در استانبول برگزار کرد تا به عنصری کلیدی برای حمایت از مخالفان سوریه تبدیل شود. ترکیه در راستای سیاست خارجی خود، نه تنها به مخالفان دولت سوریه اجازه عبور از خاک خود و اجازه حمل سلاح به درون خاک سوریه را داد، بلکه خودش را نیز تا مرحله درگیری نظامی با دولت دمشق پیش برد. این سیاست ترکیه نسبت به سوریه تا زمان ورود نیروهای داعش به منطقه کردنشین شمال سوریه و محاصره کوبانی ادامه یافت. از طرفی دیگر، آنکارا در قضیه محاصره کوبانی، نه تنها هیچ موضعی مبنی بر محکوم نمودن داعش یا کمک به نیروهای کرد از خود نشان نداد، بلکه اردوغان در یک مصاحبه خبری تأکید کرد که کوبانی قطعا سقوط خواهد کرد. در حقیقت دولت ترکیه، حضور نیروهای کرد ترکیه، عراق و ایران در سوریه را به منزله آغاز تشکیل دولت

خودمختار جدیدی در جنوب ترکیه تلقی می کند که می تواند تمامیت ارضی آن را با خطر مواجه نماید و به همین دلیل به مقابله با هویت خواهی کردها برخاست و توافق خود با احزاب کرد داخل کشورش را نیز شکست. اگر چه این اقدامات در نهایت نتوانست مانع پیروزی کردها بر داعش گردد. پس از شکست محاصره کوبانی، ترکیه از یک سو، با در اختیار قرار دادن پایگاه انجریلیک به آمریکا، عملاً وارد ائتلاف جنگ علیه داعش شد و از طرفی دیگر، با جنگنده های خود، مواضع گروه های کرد را هدف قرار داد. هدف از این اقدام، جلوگیری از پیوستگی هر چه بیشتر کانتون های کرد نشین شمال سوریه و ایجاد منطقه امن در شمال سوریه بود. در کل، ترکیه هر نوع استقلال طلبی کردها را بر نمی تابد و خطر خودمختاری آنها را بیشتر و جدی تر از آن می داند؛ به همین سبب، آتش بس خود با کردهای داخل را نیز شکسته و به سرکوب آنها در شمال سوریه نیز ادامه می دهد (باقری دولت آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴: ۱۴۱ تا ۱۴۳).

### ۵- بحث و نتیجه گیری

بحران سوریه ابتدای ۲۰۱۱ با سوریه کنونی یکی نیست. ماهیت این بحران از حالت اعتراضی و جنبش های مسالمت امیز اجتماعی و سیاسی بیرون آمده است و تبدیل به یک ناامنی و خشونت سیاسی شده است. حضور هزاران تروریست، جنگ داخلی، مبارزات مسلحانه، سرکوب های پلیسی، آوارگی هزاران زن و کودک سوری نشان می دهد خشونت جاری در این کشور متفاوت از خشونت دیگر کشورهای منطقه ی جنوب غرب آسیا است. خشونت هایی که از سوی طرف های درگیر بعضاً واکنشی، تدافعی، فرقه ای در یک بستر ساختاری، محیطی و تاریخی اتفاق می افتد. یافته های پژوهشی نشان می دهد علت اصلی شکل گیری و تداوم بی ثباتی های این چینی را باید ناشی از عوامل ثابت و پایدار باشد تا تصمیم و واکنش های وضعی بازیگران و طرف های درگیر بحران.

منطقه ی جنوب غرب آسیا به شکل تاریخی به سبب وجود پاره ای از ویژگی های منحصر به فرد ارتباطی، اقتصادی، تمدنی و دینی حائز بار استراتژیکی بالایی است بنابراین کشورهایی مانند سوریه که در این منطقه واقع شده اند از مزیت های بالای ژئوپلیتیکی این منطقه برخوردار هستند. این عناصر و ویژگی های بارز بالای سیاسی همان بنیان های ژئوپلیتیکی اند که توجه بازیگران سیاسی و گروه های خواهان نفوذ قدرت را به خود جلب کرده است. کشور سوریه درست در نوک پیکان ارتباط سه قاره قرار دارد با سواحل

طولانی در شرق مدیترانه، و البته در همسایگی با فلسطین و اسرائیل، بی شک قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای برای ضربه زدن به رقبا و تامین منافع ملی خود و دوستان منطقه ای چشم طمع به تسلط بر این منطقه و کشور دارند معقول ترین گزینه برای رسیدن به این هدف، روی کار آمدن حاکمان سیاسی همسو و دوست در سوریه است. وجود شخص بشار اسد و تداوم حکومت او منافع کشورهای ترکیه، عربستان، اسرائیل و حامیان فرا منطقه ای آنها مانند آمریکا را تامین نخواهد کرد. در آن سوی معادله روسیه و ایران نیز برای حفظ وضع موجود و تثبیت موقعیت حکومت علویان در سوریه تلاش می کنند تا از این طریق بتوانند تامین منافع اقتصادی و سیاسی خود را تضمین کنند. رقابت این قدرت های نامتوازن به هر قیمتی وضعیت اعتراضات را به سمت جنگ داخلی و تروریسم کشانده است. علاوه بر این موقعیت ارتباطی عنصر ژئوپلیتیکی دیگری که در سوریه الگوی روابط بین بازیگران و مداخله کنندگان را به سمت خشونت سیاسی برده است ساختار تک حزبی-بعثی-علوی این کشور است که به شکل تاریخی به بسته نگه داشتن فضای باز گفت و گو، چرخش قدرت بین نمایندگان گروههای دیگر هویتی این کشور، همچنین در نطفه خفه کردن اعتراضات باعث شده است گروههای پر جمعیت مانند اهل تسنن و کوردها نسبت به وضع موجود رضایت نداشته باشند و به هر ابزاری توسل جویند تا ساختار سیاسی جاکم را تغییر دهند.

شکل گیری اندیشه بعثیسم در سوریه را می توان تا حدی متأثر از ساخت انسانی این کشور دانست که عدم وحدت قومی و مذهبی، آنان را به سمت تعصب به یک قومیت و زبان خاص و تلاش گسترده این گروهها، یعنی عربی، به سرتاسر سوریه بوده است. از طرفی دیگر، ماهیت سکولار اندیشه بعث در سوریه، منجر به حضور گسترده اقلیت های مذهبی عربی و در رأس آن علویان شد تا به این ترتیب، به مرور قدرت از اهل تسنن گرفته و به علویان منتقل گردد. انحصار قدرت در اختیار اقلیت های مذهبی و تداوم آن، نوعی حس بیگانگی با حکومت سوریه را برای اکثریت اهل تسنن این کشور ایجاد و این احساس را تقویت کرده است که ناسیونالیسم عربی در واقع نوعی پوشش برای تداوم قدرت اقلیت ها بر اکثریت است.

این موضوع منجر به تلاش اهل تسنن به بازپس گیری قدرت با حق به اینکه اکثریت ساختار جمعیتی سوریه هستند، می گردد؛ و از آن جایی که اندیشه حزب بعث که پوششی بر تداوم قدرت اقلیت مذهبی بر محور ناسیونالیسم عربی و حکومت سکولار و مخالفت

با اسلامگرایی است، اکثریت اهل تسنن را از رویکرد ملی گرایی دور می کند موجب می شود برای گرفتن قدرت، به سمت اندیشه های اسلامگرایی و سلفی گری حرکت کنند. در حالی که اقلیت مذهبی شامل علویان، مسیحیان و دروزیان بر حفظ وضع موجود و رویکردهای سکولار تأکید دارند و از هر ابزاری استفاده می کنند.

این موضوع منجر می شود به اینکه قدرت های منطقه ای، هر یک با توجه به بافت انسانی خود، رویکردهای متفاوتی در قبال بحران سوریه اتخاذ کنند. از یک سو، ایران به علت نقش اصلی علویان سوریه و شخص اسد در حکومت این کشور، از بقا و تداوم وضع موجود پشتیبانی نماید و در مقابل، حکومت های ترکیه و عربستان، به علت بافت اکثریت سنی، از سرنگونی حکومت اسد و روی کار آمدن حکومت اکثریت اهل تسنن، حمایت کنند.

با توجه به این نکات، می توان گفت که موقعیت سرزمینی و ساختار قومی و مذهبی سوریه، در کنار ساختار سیاسی بسته و محدود آن که بر خلاف واقعیت های جغرافیای انسانی این کشور شکل گرفته زمینه ساز وقوع جنگ داخلی و خشونت های تمام عیار در این کشور بوده است و این خود، زمینه را برای دخالت قدرت های منطقه ای در بحران سوریه به منظور تأمین منافع خود فراهم کرده و در نهایت موجب بحرانی شدن هر چه بیشتر فضای این کشور و گسترش خشونت ها شده است

بنابراین ثبات و پایداری خشونت های سیاسی سوریه را باید متأثر از عوامل و متغیر های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی سوریه مانند بار استراتژیکی و موقعیت راهبردی در میان همسایگان، ضعف ساختار سیاسی حاکم، تنوع و تکثر قومی، نژادی و دینی و رقابت قدر های منطقه ای دانست ویژگی هایی که نسبتاً پایدار بوده و به سبب برخورداری از ارزش های بالای سیاسی تامین کننده منافع ملی بازیگران سیاسی، گروهها و فرقه های داخلی هستند.

#### ۶- پیشنهاد و راه حل:

- با توجه به جهانی شدن ابعاد خشونت ها ضرورت دارد نهادهای حافظ صلح و حامی حقوق بشر در این خصوص سکوت نکرده و زمینه ی گفت و گوهای چند جانبه ی صلح را فراهم کنند

- ضرورت دارد قدرت های منطقه ای ایران، ترکیه و سوریه در سلسله نشست هایی سازنده با عضو ناظر و میانجی به رفع اختلاف دیدگاهها و مواضع در خصوص بحران سوریه بپردازند.
- پیشنهاد می شود که کشورهای صاحب نفوذ در سوریه مانند ایران تلاش کنند تا زمینه ی گفت و گوهای صلح و رفع تعارض بین گروههای مخالف و موافق بشار اسد و گروههای معترض دیگر در کشور بی طرف فراهم شود
- پیشنهاد می شود کشورهای منطقه ای به کمک نهادهای بین المللی زمینه چرخش مسالمت آمیز سیاست و قدرت در حاکمیت سوریه و برگزاری انتخابات دموکراتیک در این کشور را فراهم سازند.

#### ۷- منابع و آخذ:

- اصغری نیار، یعسوب، محمود اوغلی، رضا. (۱۳۹۷). احساس محرومیت نسبی در میان قوم بلوچ و تاثیر آن بر خشونت سیاسی، دوفصلنامه علمی و پژوهشی « پژوهش سیاست نظری»، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان، ۱۳۹۷، ۳۰۵-۳۳۶
- اصلاحی، جواد (۱۳۹۱). منحنی تحولات اصلاحی در سوریه و تحلیل نقش اپوزیسیون در این کشور. شماره ۷۰، پاییز ۱۳۹۱، ۳۷-۶۰.
- التیامی نیا. رضا. (۱۳۹۲). تبیین نقش قدرت های منطقه ای در منطقه ی شامات و چشم انداز پیش رو. دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی. سال دوم. شماره ۴. ۶۳-۹۴.
- باقری دولت آبادی، علی، رحیمی دهگلان، سیروان (۱۳۹۴). بحران سوریه: بررسی انگیزه ها، مواضع و آینده کردها. فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۱، ۱۲۳ تا ۱۵۰.
- ببری، نیکنام، ابراهیمی، شهروز (۱۳۹۷). بحران سوریه و تأثیر آن بر منافع ملی و منطقه ای ترکیه. فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، ۱۴۹-۱۷۸.

- بیات، حمید رضا، احمدی، عباس، ذکی، یاشار، اطاعت، ذکی (۱۳۹۹). تبیین الگوی روابط قدرت منطقه ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال شانزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، ۳۷-۷۴.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، ویراست دوم، انتشارات پاپلی، مشهد
- حافظ نیا (۱۳۹۹). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران
- حسین پور پویان، رضا (۱۳۹۰). تبیین الگوی روابط در مناطق ژئوپلیتیک مطالعه موردی: شبه قاره هند. دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
- درویشی سه تلانی، فراهاد، فیاضی، حامد، (۱۳۹۶). کنکاشی در روابط تاریخی ایران و سوریه، تاریخنامه ی انقلاب، سال اول، دفتر اول، بهار و تابستان، ۱۴۳-۱۱۵.
- دهقان، یدالله، کتابی، محمود، جعفری نژاد، محمود، تاثیر شکاف های اجتماعی بر شکل گیری و رشد افراط گرایی در سوریه، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰، بهار ۹۶، شماره پیاپی (۵۰) ۱۱۱-۱۳۶
- رایینویچ، ایتمار، ترجمه، براتی، منصور، (۱۳۹۲)، نگاه اسرائیل به بحران سوریه، فصلنامه مطالعات منطقه ای، دوره چهارم، شماره ۵۱، ۸۹-۱۱۰.
- روحانی فرد، حسین، (۱۳۹۱)، واکاوی اختلاف بین سوریه و اسرائیل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رجبی، سهیل، (۱۳۹۱)، واکاوی جایگاه و نقش استراتژیک سوریه در مناسبات منطقه ای و بین المللی، فصلنامه پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، زمستان، شماره ۳۴.

سردار نیا، خلیل الله، کیانی، فائزه (۱۳۹۵). تحلیل بحران سوریه از منظر شکاف های اجتماعی. جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ۱۱۱ تا ۱۳۲.

شریفیان، جمشید، کبیری، ابصت، طحانمنش، علیرضا (۱۳۹۱). تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه. امنیت پژوهشی. دوره ۱۱، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۱، ۱۳۹-۱۸۴.

کوهکن، علیرضا، تجری، سعید، (۱۳۹۳)، بحران سوریه و سیاست منطقه ای عربستان سعودی (۲۰۱۱-۲۰۱۴). فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست. سال سوم. شماره ص. ۱۲۸-۱۱۳.

کوهن، سائول برنارد، (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه: عباس کاردان، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۴۳

گل کرمی، عابد، کریمی پور، یدالله، متقی، افشین، ربیعی، حسین، (۱۳۹۷)، تبیین ژئوپلیتیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر قابلیت های ژئواکونومیک، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هجدهم، شماره ۴۹، تابستان ۹۷، ۵۷-۳۷

علمی، محمود، تیغ زن، خدیجه، باقری، ربابه، (۱۳۸۸)، عیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه ی موردی در بین دانش آموزان دبیرستان های دخترانه و پسرانه ی شهر عجب شیر). همایش جامعه ایمنی مراکز دولتی.

قاراخانی، معصومه، (۱۳۸۸)، نوسازی و خشونت سیاسی: بررسی تطبیقی کشورهای اسلامی. فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۴۵، ۱۵۹-۱۷۸



قادرزاده، امید، قادری، بهروز (۱۳۹۷). تحلیل چند سطحی خشونت ورزی، مطالعه پیمایشی خشونت ورزی دانش آموزان دبیرستان های شهر سقز، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۲. شماره اول. بهار ۹۵. ۶۱-۸۰

فکوهی، ناصر، (۱۳۷۸)، خشونت سیاسی، نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها، پیام امروز، چاپ اول، تهران

نواختی مقدم، امین، ببری، نیکنام (۱۳۹۷). تبیین جنگ داخلی سوریه بر مبنای عوامل داخلی و منطقه ای. دوره ۹، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۷. ۱۰۳-۱۲۹.

El-Hokayem, Emile, (2007) , “Hizballah and Syria: Outgrowing the Proxy Relationship”, the Washington Quarterly, 30(2).

Gelbart, Jonathan. ( 2010). “The Iran-Syria Axis: A Critical Investigation”. **Stanford Journal of International Relations**, Vol.12, No.1.

Malici, Akan & Buckner, Allison. (2008). “Empathizing With Rouge Leaders: Mahmoud Ahmadinejad and Bashar Al-Asad”. **Journal of Peace Research**, Vol.45, No.6.

Mohns , Erick & Bank, Andre. (2012). “Syria Revolt Fallout; End of the Resistance Axis”. **Middle East Policy**, Vol.19, No.3.

<https://www.hamshahrionline.ir/news/86293/2011>

<http://www.kaums.ac.ir۲۰۱۶>.

<http://roikard.blogfa.com/tag/%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B۴,۲۰۱۵>

<https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-49470922.2019>

<https://www.nationsonline.org/oneworld/History/Syria-history.htm>. 2021

<https://www.history.com/topics/middle-east/the-history-of-syria.2017>

<https://www.britannica.com/topic/Bath-Party>

Syrian Arab Republic's Constitution of 2012.



یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.  
۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
National Geography Organization Of Iran  
15 February 2021

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1034&p=2021>



## تبیین جایگاه محور مقاومت در کنش های ژئوپلیتیک خاورمیانه

محمدامین ولی زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

### چکیده:

در سال های اخیر با توجه به شرایط جهانی و به خصوص تحولات منطقه ای، اعراب و اسرائیل با نزدیکی به یکدیگر تلاش می کنند تا شرایط را در منطقه به گونه ای تغییر دهند که به تضعیف موقعیت و از دست رفتن موفقیت ها برای ایران و محور مقاومت منجر شود. محور مقاومت یا جبهه مقاومت عنوانی است برای اشاره به ائتلاف عقیده ای و منطقه ای نانوشته و میان کشورها و قدرت های عمدتاً شیعه مانند ایران، سوریه، عراق، حزب الله لبنان، عراق و یمن که هدف اصلی آنها مبارزه با رژیم اسرائیل سلطه غرب در منطقه خاورمیانه و دفاع از آزادی فلسطین است. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال نقش محور مقاومت در مقابل استکبار جهانی هستیم. استکبار جهانی واژه ای است که به طور کلی به سیاست های جهان غرب به سرکردگی ایالات متحده امریکا و در کنار آن اسرائیل در برخورد با جهان اسلام و مقابلات آنها اطلاق می شود. یافته های مقاله نشان می دهد که قدرت یابی محور مقاومت و در راس آن جمهوری اسلامی ایران باعث کاهش تنش در ژئوپلیتیک خاورمیانه می شود.

واژه های کلیدی: محور مقاومت؛ ژئوپلیتیک، خاورمیانه، اعراب، اسرائیل

۱-مقدمه

محورمقاومت یک اصطلاحی است که به یک پیوند عقیده ای و منطقه ای است که در سال ۲۰۰۲ میلادی در مقابل اصطلاح محورشرارت که توسط جرج دبلیو بوش مطرح شده، عنوان شد. و در آن عنوان شده بود که کشورهایی که رئیس جمهور وقت ایالات متحده از آنها به عنوان محور شرارت نام می برد، در اصل کشورهای محورمقاومت در مقابل ایالت متحده امریکا و تلاش آن برای سلطه گری بر سایر کشورها محسوب می شود (sulilivan2014) براین اساس می توان کشورهای عضو محورمقاومت را این چنین برشمرد: ایران - سوریه - حزب الله لبنان - عراق و یمن که باهدف اصلی مبارزه با اسرائیل و پایان دادن به تسلط غرب در منطقه ی جنوب غربی آسیا و دفاع از آزادی فلسطین تشکیل شده است.

۱-۱ ایران:

ایران کشوری با پیشینه ی تاریخی فراوان و جمعیت ۸۴ میلیون نفر (مرکز آمار ایران) که در جنوب غربی آسیا قرار دارد. کشور ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و استقرار حکومت جمهوری اسلامی در این کشور بعد از همه پرسی فروردین ۱۳۵۸ (اصول قانون اساسی) به عنوان یکی از حامیان اصلی مستضعفین جهان همچون فلسطین و دشمن اصلی کشورهای استکبار و از جمله اسراییل و ایالت متحده امریکا اعلام وجود کرد. (اصل ۱۱ و ۱۵۲ قانون اساسی) کشور ایران دومین کشور وسیع خاورمیانه است که اکثریت مردمانش مسلمان و شیعه ی اثناعشره هستند. ایران از قدیمی ترین مناطق شیعی است که در سده های نخستین اسلام، مهد تشیع بوده است. سابقه ی حکومت های شیعه مذهب در ایران به حکومت های علویان، آل بوی و صفویان برمی گردد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۰) و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی در کشوری که سابقه ی شیعه بودن دارد مسئله ی جدیدی نیست. کشور ایران از لحاظ جغرافیایی در منطقه جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) قرار دارد. اشراف ایران بر خلیج فارس و تنگه ی حیاتی تنگه هرمز که یکی از شاهراه ها و شریان های انتقال سوخت در جهان است از دلایل برتری ژئوپلیتیکی ایران در منطقه می باشد. (حافظ نیا، ۱۳۷۰)

۱-۲ حزب الله لبنان

حزب الله یک حزب سیاسی- نظامی در لبنان است که در سال ۱۹۸۲ میلادی تاسیس شد. فعالیت ابتدایی این حزب به صورت مخفیانه بود ولی در سال ۱۹۸۵ میلادی طی بیانیه ای رسمی با استراتژی مقابله با رژیم غاصب صهیونیستی اعلان موجودیت کرد. (شریعتمداری، ۱۳۸۳). سیدحسن نصرالله پس از ترور سیدعباس موسوی به دست نیروهای نظامی اسرائیل در سال ۱۹۹۲ میلادی به مقام دبیر کلی حزب الله لبنان رسید (موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷)، سازمان سیاسی نظامی حزب الله لبنان توانست در خرداد ۱۳۷۹ بر تسلط نظامی ۱۸ ساله رژیم اسرائیل بر مناطقی از جنوب لبنان پایان دهد. تقابل میان حزب الله لبنان و رژیم اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه نیز ادامه پیدا کرد (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۷). هم اکنون حزب الله یکی از ارکان اصلی حکومت لبنان بوده و در تصمیم گیری های کشوری و نیز منطقه ای نقش بسیار پررنگی دارد. (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹۶) همکنون جمعیت کشور لبنان حدود هفت میلیون نفر است که از این تعداد حدود پنجاه درصد مسلمان و حدود چهل و پنج درصد مسیحی و پنج درصد نیز دروزی هستند (نوری، شیعیان لبنان)

۳-۱ سوریه

سوریه از کشورهای قدیمی و دارای تمدن در آسیاست. این کشور در جنوب غرب آسیا و در کنار سواحل شرقی مدیترانه قرار دارد. این کشور از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، و از غرب با لبنان و از جنوب با اردن همسایه است. (سیدزاده، ۱۳۸۰) جنگ داخلی سوریه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی آغاز شد و موجب ویرانی ها و ناامنی های گسترده در این کشور شده است. کشور سوریه متشکل از گروه های نژادی و قومیت های گوناگون است که بر اساس اعلام بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ جمعیت آن ۱۸۲۷۰۰۰۰ نفر بوده است. (آمار رسمی بانک جهانی) که حدود ۷۰ درصد این جمعیت عرب هستند. از نظر مذهبی حدود ۷۴ درصد جمعیت سوریه مسلمان سنی، ۱۳ درصد شیعیان، حدود ۱۰ درصد مسیحی و حدود ۳ درصد نیز دروزی هستند. (December-2020)

۴-۱ عراق

عراق یکی دیگر از کشورهای محور مقاومت و از همسایه های ایران می باشد. این کشور که از کشورهای نفت خیز خاور میانه می باشد حدود ۴۰ میلیون نفر جمعیت دارد. عراق به مثابه ایران، لبنان و سوریه از تمدن های کهن بشری می باشد و در تاریخ خود مخصوصاً در بین النهرین پادشاهان و تمدن های باشکوهی به خود دیده است. (صفا، تاریخ ادبیات در ایران) حدود هفتاد و پنج درصد از جمعیت عراق عرب زبان هستند و حدود بیست درصد نیز کرد زبان هستند. همچنین حدود هفتاد درصد مردم عراق شیعه و حدود سی درصد نیز سنی مذهب هستند. (افشردی، ۱۳۹۵). عراق سالها درگیر جنگ داخلی و نیز جنگ با داعش بود و این جنگ ها باعث آسیب فراوانی به بافت شهری، اقتصاد و سیاست عراق در سطح بین المللی شده است.

۵-۱ یمن

یمن کشوری در جنوب شبه قاره ی عربستان بامرکزیت صنعا است. کشور یمن حدودا سی میلیون نفر جمعیت دارد. که از این جمعیت حدود ۵۰ درصد مذهب شافعی دارند. و سی درصد هم مذهب زیدی دارند که یکی از شاخه های شیعه است. (فصل نامه پژوهش - شماره ۲۴). یمن از سال ۲۰۱۵ گرفتار جنگ شده و به تبع آن با بحران های مختلفی در زمینه های اقتصادی، بهداشتی و امنیتی مواجه شده است.

### ۶-۱ محور مقاومت

محور ائتلاف عقیده ای و منطقه ای نانوشته و میان کشورها و قدرت های عمدتا شیعه مانند ایران، سوریه، عراق، حزب الله لبنان، عراق و یمن که هدف اصلی آنها مبارزه با رژیم اسرائیل سلطه غرب در منطقه خاورمیانه و دفاع از آزادی فلسطین است. (مجله مطالعات انقلاب اسلامی شماره ۴۸، ۱۳۹۶) این اصطلاح «محور مقاومت» در مقابل اصطلاح محور شرارت که توسط جورج دبلیو بوش رئیس جمهور ایالات متحده ی امریکا در سال ۲۰۰۲ میلادی مطرح شد، و در آن عنوان شده بود که کشورهایی که رئیس جمهور آمریکا از آنها با عنوان محور شرارت نام می برد، در اصل کشورهای محور مقاومت در مقابل ایالات متحده ی امریکا و تلاش آن برای سلطه گری بر سایر کشورها محسوب می شود (sulilivanTmarisa2014). هدف این اعتلاف مخالفت با منافع استکبار و صهیونیست در جهان عنوان شده است. (sulilivanTmarisa2014). معنای استکبار جهانی این است که دولت ها و قدرت هایی در دنیا هستند که نسبت به ملت های دیگر، با برخورد استکباری مواجه می شوند؛ ثروت آنها را می برند؛ در حکومت های آنها دخالت می کنند؛ در سیاست های آنها اعمال نظر می کنند و آنها را به این سمت و آن سمت می کشانند. این، استکبار بین المللی است؛ همان چیزی که در قرن هجدهم و نوزدهم، با استعمار شروع شد و بعد در قرن بیستم، به استعمار نوین مبدل شد و امروز یا در دوران اوج قدرت های استکباری، به شکل استکبار جهانی درآمد که دنیا را بین دو قطب و دو قدرت تقسیم کرده بودند. و هر کدام یک جور، ملتی را می دوشیدند و در پنجه خود می فشردند. (بهشتی، ۱۳۶۰)

امروزه آنچه که بر آن مفهوم قبلی اضافه شده است و کلمه استبداد بین المللی مناسب آن است، عبارت است از این که قدرت های مستکبر جهانی و در رأس آنها قدرت ایالات متحده آمریکا و اسرائیل برای ملت های دیگر، حق حرف زدن و اظهار نظر کردن هم قائل نیستند؛ هر کاری که برای سیاست خودشان مفید و لازم بدانند، ولو به ضرر ملتی یا ملت هایی باشد، انجام می دهند. یعنی یک طرف، فشار یک عده قدرتمند است که اگر در صد مسئله هم با هم اختلاف دارند، در تقسیم دنیا به مناطق نفوذ و فشار آوردن بر اکثریت مردم عالم، یک دست هستند و با هم اختلافی ندارند. اگر در تقسیم منابع غارت زده جهان سوم یا کشورهای فقیر، با هم درگیری دارند که دارند، اما در اصل غارت منابع و فشار بر روی دولت هایی که مقاومت کنند، با هم هیچ اختلافی ندارند (رئیس دانا، ۱۳۸۲) استبداد امروز با توجه به شرایط جهانی و به خصوص تحولات منطقه ای، اعراب و اسرائیل با نزدیکی به یکدیگر تلاش می کنند تا شرایط را در منطقه به گونه ای تغییر دهند که به تضعیف موقعیت و از دست رفتن موفقیت ها برای ایران و محور مقاومت منجر شود. قدرت یابی محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران باعث کاهش تنش در ژئوپلیتیک خاورمیانه می شود

بررسی محیط استراتژیک و ماهیت معادلات امنیتی در تعیین اهداف امنیت ملی هر کشوری در اولویت قرار دارد. از این رو، محیط امنیتی خاورمیانه همواره منافع ملی و تهدیدهای امنیتی ایران را تعریف می کند. با توجه به گفتمان انقلابی شیعی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران و تقابل این گفتمان با دولت‌های اهل سنت و سلفیگری در منطقه از یک از و سو سوی دیگر مداخله قدرتهای فرا منطقه ای، امنیت ملی ایران همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. بنابراین، درک محیط امنیتی خاورمیانه موجب فهم سیاست امنیتی ایران می‌گردد. در مجموعه امنیتی خاورمیانه ما با چند زیر مجموعه مواجه هستیم برای مثال شورای همکاری خلیج فارس، اسرائیل و مصر و نهایتاً ایران، سوریه، عراق، یمن و حزب الله. کشورهای منطقه با اینکه سعی در ایجاد چنین مجموعه ی امنیتی با همسایگان خود نموده اند اما تا کنون نتوانسته اند همچون محور مقاومت، روابط خود را پایدار و مستحکم حفظ نمایند. ساخت ناسیونالیسم عربی بیش از آنکه موجب همکاری و هماهنگی میان اعراب شود، رقابت میان آنها را افزایش داده است. منطقه دربرگیرنده ی دستور کارهای مجزا و قدرتمند بینا اسلامی و بینا عربی می باشد رقابتهای بینا عربی معطوف به رقابت بر سر رهبری جهان عرب و تفسیر عربیسم و نیز انواع سنتی رقابت بر سر زمین، آب و ایدئولوژی میباشد، بماند که منافع قبیله ای و جانیشینی در خانواده‌های سلطنتی هم موضوع رقابت است (خاکرند، یدالهی، ۱۳۹۸) اکثر دولت‌های عربی، ایران را تهدیدی برای خود میدانند به همین علت در تلاش برای مقابله با قدرت یابی علیه این کشور هستند. (بوزان و ویوور، ۱۳۸۸) از نظر کشورهای عربی منطقه، ایران نقش مخرب در سیاست خاورمیانه در دهه اخیر بازی کرده است، حمایت از حزب الله لبنان و حماس، پشتیبانی از طیف وسیعی از شبکه های شبه نظامی شیعه در عراق، حمایت از رژیم اسد و انقلابیون شیعی در بحرین و یمن. از دیدگاه آنان، ایران حکومتی است که در محور شرارت قرار دارد و بطور یکجانبه درصد گرفتن بخش وسیعی از منطقه تحت نفوذ خود بوده، از غرب افغانستان تا مدیترانه را نه با نیروی نظامی بلکه با متحدین نزدیک و پیرو خود کنترل میکند کاری را کشورهای عرب سنی نشین نتوانسه اند به انجام برسانند

### ۱-۷ شکل گیری هلال شیعی

اقدام نظامی ایالات متحده ی امریکا علیه عراق و فروپاشی حکومت صدام که در راستای سیاست اعلام مبارزه با تروریسم انجام گرفت، نه تنها باعث تشدید روند قدرت گیری و استحکام بیش از پیش موضع جمهوری اسلامی ایران گردید، بلکه شیعیان عراق نیز توانستند قدرت اصلی در تعاملات سیاسی - امنیتی این کشور را بر عهده بگیرند. این وقایع در کنار جنگ ۳۳ روزه ی حزب الله و اسرائیل که باعث تبدیل حزب الله به یک بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه ای شد. و به سهم خود به نقش و نفوذ ایران به تحولات منطقه جنوب غربی آسیا کمک کرد. این اتفاقات باعث شده است که برخی مقامات کشورهای همسایه نسبت به افزایش اقتدار شیعیان و به ویژه ایران اظهار نگرانی کنند. آنها ادعا می کنند که ایران نیز از این فرصت استفاده کرده و با و با حمایت از گروه ها و احزاب شیعی، در نظر دارد با ایجاد بلوک شیعی در منطقه بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی و نیز منافع منطقه ای ایالات متحده ی امریکا و اسرائیل به کار گیرد. (پورا احمدی، ۱۳۸۸) برخی معتقد به شکل گیری ژئوپلیتیک شیعه در تقابل

باژئوپلیتیک سنی می باشند. و مدعی اند: ایران به عنواتن قوی ترین کشور شیعه ی منطقه به دنبال استفاده از این واقعیت برای پیشبرد اهداف و منافع ملی خود می باشد. البته احیای شیعه، نوید دهنده ی شکل گیری یک خاورمیانه ی جدید است که از یک سویک بلوک قدرتمند شیعی است و از سوی دیگر این بلوک شیعی توسط تهران هدایت می شود (Walker-2006). در همین رابطه، ملک عبدالله پادشاه اردن ادعا کرد: «نتیجه ی اصلی جنگ در عراق ر، شکل گیری یک هلال شیعی تحت سلطه ی ایران بوده است» از دیدگاه او

اگر احزاب یا سیاستمداران طرفدار ایران، بر دولت جدید عراق مسلط شوند، یک هلال جدید شامل جنبش ها یا حکومت های مسلط شیعه از عراق، سوریه و لبنان ظاهر خواهد شد که موجب برهم زدن موازنه ی قوای موجود میان شیعه و سنی شده، چالش جدیدی برای منافع امریکا و متحدانش خواهد بود..... . برنامه ریزان استراتژیک در دنیا باید در مورد این احتمال آمادگی داشته باشند (Wright- Baker-2005)

مقامات امریکا چنین ادعا دارند که در کنار عراق و ایران که دارای اکثریت جمعیت شیعه هستند، کشورهای لبنان و یمن به دلیل جمعیت زیاد شیعی و سوریه با حاکمیت اقلیت شیعیان و گروه شیعیان عربستان به دلیل سکونت در مناطق نفت خیز، با شکل دادن به هلال شیعه، تحولات ژئوپلیتیکی را از خلیج فارس تا مدیترانه تحت تاثیر قرار می دهند. (برنابلدچی، ۱۳۸۵) ولی از دیدگاه جغرافیایی، پیدایش نهضت های اسلامی، به منزله ی یکی از عوامل متغییر ژئوپلیتیک، موجب افزایش حساسیت هادرمورد دیگر عوامل ثابت آن شده است. از این دیدگاه با توجه به مرام و ایدئولوژی خاص جنبش های اسلامی، دستیابی آنها به منابع نفتی، قدرت سیاسی مناطق حساس و ترانزیت جغرافیایی، اهمیت ژئوپلیتیک آنها را چند برابر میکند (پاشاپور، ۱۳۸۶)





نقشه کمربند موسوم به هلال شیعه

منبع: تامپسون ۲۰۰۹

۸-۱ راهبرد تقابل استکبار با هلال شیعی در منطقه جنوب غربی آسیا

برخی تدابیر و راههای اندیشیده شده از سوی ایالات متحده امریکا و نیز اسرائیل برای مهار و کنترل هلال شیعی موارد زیر بوده است:

- الف) بهره برداری از اختلافات شیعه و سنیو دامن زدن به آن، در راستای جلوگیری شکل گیری هلال شیعه (برنابلدچی ۱۳۸۵)
- ب) جلب نظر قدرت های بزرگ، برای معرفی گروه های وابسته به شیعیان لبنان، مانند حزب الله به عنوان گروه های تروریستی در راستای انزوای بین المللی ایران و اعمال محدودیت علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل دفاع از حزب الله.

ج) بهره برداری از کردها به منظور کنترل قدرت شیعیان عراق و ایجاد توازن منطقه ای .

ن) ابهره برداری از اختلافات مرزی، قومی و ملی بین کشورهای شیعی و سنی

و) ایجاد کمربند امنیتی در محدوده مرزهای ایران و سوریه که مستلزم تصرف مناطق مرزی تصرف مناطق مرزی میان این دو کشور است.

ی) ایجاد «امپراتوری اخوانی سنی» به رهبری مصدر برابرهلال شیعی به رهبری جمهوری اسلامی ایران (معروف، ۱۳۹۲)

۹-۱ نقش هلال شیعه در ژئوپلیتیک منطقه

ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حکومت شیعی در این کشور، این فرصت را در اختیار اندیشه ی سیاسی شیعه قرار داده است تا بتواند الگوی ایدئولوژیکی خود را گسترش دهد، اما گسترش این اندیشه از یک سو به عوامل مختلف منطقه ای به ویژه فعالیت غربی ها و ایالات متحده و از سوی دیگر تامین شدن شیعیان منطقه، چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی مانند مادری دلسوز از جانب ایران بستگی دارد (عزت، ۱۳۸۴) تحولات اخیر در عراق و روی کار آمدن دولت شیعی که دولت مردان آن سال ها در ایران ساکن بوده اند و به نوعی خود را مدیون ایرانیان می دانند، پیروزی حزب الله در لبنان به خصوص در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل که مستقیماً با ایران در ارتباط است، پیروزی شیعیان بحرین در عرصه های سیاسی این کشور و سرانجام اقدامات حوصی ها در یمن همگی نشان می دهد که شکل گیری هلال شیعی از جنبه ی مثبت آن - که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ آغاز شده است - متوقف نشده و در حال تکامل و پیشرفت می باشد. (جمالی، ۱۳۸۶)

۱۰-۱ دستاوردهای محور مقاومت

دستاوردهای محور مقاومت برای کشورهای عضو محور علی الخصوص ایران در شرایط و توانمندی های فعلی در سطح جهان و منطقه می توان به موارد زیر اشاره کرد :

- حفظ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور اصلی و حامی مقاومت

- کمک به حفظ، تقویت و تداوم مقاومت مردم فلسطین.

- شکسته شدن ابهت و اسطوره شکست ناپذیری نظام سلطه و استکبار .

- گسترش و تقویت روحیه ی مقاومت در برابر نظام سلطه و صهیونیسم در جهان به ویژه جهان اسلام.

- شکل گیری هسته های جدید مقاومت مردمی در منطقه. مانند: گروه های مقاومت مردمی (حشدالشعبی)، افغانستان (فاطمیون)، پاکستان (زینبیون)، سوریه (گروه های داوطلب مردمی) و یمن (انصارالله).  
- شبکه ای شدن مقاومت به ویژه در سطح منطقه.

- قدرت یابی محور مقاومت در حوزه های فرهنگی، امنیتی و نظامی، علمی و فنی، اقتصادی. با توجه به هجوم ی شدید استکبار در تمام زمینه ها.

- پیروزی مقاومت در لبنان و فلسطین: خروج نیروهای اسراییلی در سال ۲۰۰۰ میلادی از لبنان، جنگ ۳۳ روزه در لبنان در سال ۲۰۰۶ میلادی، جنگ ۲۲ روزه در غزه در سال ۲۰۰۸-۹ میلادی، جنگ ۵۱ روزه در غزه در سال ۲۰۱۴ میلادی، شکست داعش در عراق، پیروزی های پی در پی مقاومت در سوریه، پیروزی های انصارالله در یمن در جهان به ویژه جهان اسلام. (سایت تابناک، شماره ۱۹، ۵۶۸۵، ۱۳۹۴)

## ۲- نتایج

محور مقاومت که متشکل از کشورها و قدرت های عمدتاً شیعه مانند ایران، سوریه، عراق، حزب الله لبنان، عراق و یمن است با هدف اصلی آنها مبارزه با رژیم اسرائیل سلطه غرب در منطقه خاورمیانه و دفاع از آزادی فلسطین است. این محور با توجه به نقش کلیدی اسلام و نیز تشیع و با محوریت کشور جمهوری اسلامی ایران توانسته بسیاری از معادلات قدرت در منطقه جنوب غربی آسیا را برهم بزند. این محور غیر رسمی توانست تا با گسترش در بین کشورها هر روز قدرتمند تر شده و در برابر استکبار جهانی که ایالات متحده امریکا و اسرائیل بازیگران اصلی آن هستند قد علم کند. بدیهی است که افزایش قدرت محور مقاومت به نوعی عامل بازدارنده ای برای کشمکش در کشورها شده و باعث کاهش تنش های بیشتر در این منطقه می شود.

## ۳- منابع:

۱- افشردی، محمد حسین، ۱۳۹۵، بررسی عوامل ژئوپلیتیک انسانی شیعیان عراق و تاثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵

۲- امام خمینی (ره)، استکبار جهانی و شیطان بزرگ، ۱۳۸۷

۳- بصیری محمد علی و دوستان، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۸، ۱۳۹۶

۴- برنابلدچی، سیروس، ۱۳۸۵، هلال شیعه و ژئوپلیتیک خاورمیانه

۵- بهشتی احمد، ۱۳۶۰، ویژگی های استکبار

- ۶- پورا احمدی، حسین ، ۱۳۸۸، طرح هلال شیعی اهداف، موانع و پیامدها
- ۷- ترکمنی، پروین ، ۱۳۸۰ ، موقعیت شیعیان ایران در دوره ی ایلخانان
- ۸- خاکرند، شکرالله- پدالهی سیاوش ، ۱۳۹۸ ، تاثیر ایدئولوژی ناسیونالیسم عرب بر گسترش شکاف اجتماعی عراق
- ۹- حافظ نیا محمدرضا، ۱۳۷۰ ، نقش سیاسی و نظامی تنگه ی هرمز،
- ۱۰- سیدزاده، نصیر احمد، ۱۳۸۰ ، آشنایی با کشور سوریه
- ۱۱- سایت تابناک ۱۳۹۴، شماره، ۵۶۸۵۱۹،
- ۱۲- شریعتمداری، محمد مهدی، ۱۳۸۳ حزب الله لبنان خط مشی، گذشته و آینده ی آن، اطلاعات
- ۱۳- شفیعی، نوذر، مرادی، احمد، ۱۳۸۷، تاثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه ای ایران
- ۱۴- صفا، ذبیح الله، ۱۳۸۶ تاریخ ادبیات ایران
- ۱۵- عظیمی دولت آبادی، امیر ، سیف، زهره ، ۱۳۹۶، بررسی مقایسه ای جنبش حزب الله لبنان و انصار الله یمن
- ۱۶- کتاب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۷- فصل نامه پژوهش - شماره ۲۴
- ۱۸- موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان ، ۱۳۸۷، سید حسن نصرالله رهبر و الگوی جهان عرب، ۱۳۸۷ / ۱۱ / ۲
- ۱۹- معروف، یحیی ، ۱۳۹۲، ویژگی های جغرافیایی قلمروهای شیعه نشین
- ۲۰- نوری، داوود ، ۱۳۹۰ ، شیعیان لبنان
- ۲۱- Thompsona shia crescen-fakt fiction (in Persian)t
- ۲۲- December-(2020.U.S.Relations With Syria)-
- ۲۳- SulilivanTmarisa (۲۰۰۴hezboallah in Syria)



# یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.

۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
National Geography Organization Of Iran  
15 February 2021



## الگوی رفتاری لجیستیکی و ژئواستراتژیکی ایران و چین با محوریت توافق ۲۵ ساله و پروژه یک کمربند یک راه (با رویکرد آینده پژوهی)

مهدی مظفری زاده

کارشناس علوم سیاسی

### چکیده

ایران و چین این دو کشور از دیرباز روابط دوستانه و مستحکمی میان یکدیگر داشته اند و به عنوان پایه گذار دو تمدن بزرگ و تاثیرگذار از نقش مهمی در منطقه و معادلات بین المللی برخوردار هستند. چین همواره از توسعه روابط خود با ایران استقبال می کند. چینی ها نظر مثبتی را به توسعه روابط با ایران دارند و مهم است که چینی ها در رده های بالای حکومتی خواهان توسعه روابط با تهران هستند. روابط تهران و مسکو نیز در سالهای اخیر بهتر از گذشته شده است. نزدیکی سیاست روسیه و ایران در رابطه با سوریه و عراق نشانه ای از نزدیکی سیاست های خارجی و منطقه ای دو کشور به یکدیگر است. سیاست نگاه شرق اگر به صورت جدی و پیگیر باشد می تواند افق های تازه ای را در توسعه روابط ایران با دنیا و صحنه بین المللی باز کند. در حال حاضر چین به عنوان یک کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و کشوری که سریعترین و مهمترین رشد را میان کشورهای در حال رشد دارد بدون تردید در آینده نقش بسیار مهمتری را در دنیا ایفا خواهد کرد. جمهوری خلق چین بزرگترین خریدار نفتی ایران محسوب می شود و به ویژه بعد از لغو پاره ای از تحریم ها علیه ایران، روابط اقتصادی پکن با تهران افزایش یافته است. آن چه در این بازه زمانی مهم به نظر می رسد نگاه عمیق با در نظر گرفتن واقعیت ها و مولفه های تجاری در جهان و کشورهای منطقه و همچنین زیرساخت های کشور است. نگاه صرفاً محض به یک کشور و یا یکی از مبانی قدرت در کشور ابعاد و پیامدهای ممکن است نا مناسبی به همراه داشته باشد. در این پژوهش سعی بر نگرش آینده پژوهی بر مولفه های تاثیرگذار در رابطه ایران با چین و سناریوهای محتمل و غیر محتمل نگارش شده است و مقاله بصورت کتابخانه ای و اسنادی صورتی گرفته است.

**کلمات کلیدی:** ایران؛ سند ۲۵ ساله، ژئوپلیتیک، سناریوها، اقتصاد

## ادبیات پژوهش و مبانی نظری آن

### پیشنه پژوهش:

در سال های اخیر در پژوهشگاه ، مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی تحقیقاتی گسترده ای انجام شده است از جمله : وزارت صنعت، معدن و تجارت ، وزارت امور خارجه ، مرکز تحقیقات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری و .... در همین راستا نشست های تخصصی با صاحب نظران و مسئولین کشوری صورت گرفته است و اسنادی که در همین زمینه انتشار یافته است.

### مفروضات :

**مفروضات بدیهی :** مولفه های مهم برای هر کشور اقتصاد آن کشور است حال آنکه اقتصاد دارای ابعاد گوناگونی برای توسعه و شکوفایی دارد که مهمترین آن دارای شرکای تجاری راهبری ، امنیت و ثابت سیاسی و نظامی کشورهای مرتبط است.

**مفروضات علمی :** در اسناد و قراردادهای ما بین شرکای تجاری باید به نکات و زیر ساخت های آن توجه بسازی داشت از جمله نکات حائز اهمیت می توان به : درآمد ناخالص ، ضریب جینی ، زیر ساخت های آن ، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئو استراتژیکی ، مولفه های قدرت چه سیاسی ، اقتصادی ، نظامی آن اشاره کرد.

### فرضیه ها :

- (۱) با توجه به تحریم ها و عدم اجرای شدن توافق نامه ها و قرارداد ها در سال های اخیر با غرب چین با داشتن مولفه های اقتصادی ، سیاسی (مانند حق وتو) ، نظامی می تواند شرکی بسیار قوی استراتژیکی برای ایران محسوب شود
- (۲) با این که شرکت های تجاری غربی توان رقابت و یا به نوعی از دست دادن بازارهای جهانی مخصوصا آمریکا را ندارند می توان روی شرکت های شرکای تجاری از جمله چین حساب کرد.
- (۳) داشتن برنامه بلند مدت استراتژیک اقتصادی ، سیاسی مستحکم با در نظر گرفتن واقعیت ها و پتانسیل های درونی کشور یک سند قوی نگارش شود چنان که تبدیل به یک مستعمره جدید کشور تبدیل نشود و یک تجاری قوی و برای شریک خود لحاظ شود

۴) ایران با توجه به عملکرد نسبت به چین و همچنین ارتباط این کشور با ما در سال های اخیر نباید تمامی اهداف و برنامه های استراتژیک خود را با کشوری خاصی تنظیم کند و باید به اینکه نکته که اقتصاد جهانی یک شبکه پیچیده است و با یک مولفه نمی توان به شکوفایی اقتصاد دست یافت توجه نماید.

متغیرها:

متغیر وابسته: اقتصاد ، برنامه های ایران ، برنامه های راهبردی چین، امنیت، نظامی

متغیرهای مستقل: اسناد بالا دستی ، موقعیت ژئوپلیتیکی هر کشور ، مولفه های اقتصادی درونی و پایه کشور

سؤال اصلی :

۱. آیا با توجه به مولفه ها و زیر ساخت های ایران ، چین می تواند شرکی بلند مدت استراتژیک برای کشور باشد؟
۲. آیا در منافع مشترک در صورت تحریم های آمریکا ، چین می تواند نقش حمایت گری داشته باشد؟
۳. در صورت توافق و ایجاد اشتراک های تجاری چین با کشورهای منطقه و غربی آیا در حمایت خود از ایران استوار است؟

سؤال فرعی:

۱. با توجه به اینکه چین بندرهای منطقه را در جاده ابریشم جایگزین بنادر ایران قرار داد و سرمایه گذاری سنگینی انجام داده است، آیا سند بلند مدت با این کشور حمایت های زیر بنایی از ایران صورت خواهد گرفت؟
۲. آیا استقلال و امنیت کشور حفاظت خواهد شد؟

## مقدمه

برنامه ۲۵ ساله همکاری های مشترک ایران و چین یک پیش نویس توافق و مذاکرات با جنبه های پنهان<sup>۱</sup> میان نظام جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین برای سرمایه گذاری در صنعت نفت ایران<sup>۲</sup>، شرکت ملی صادرات گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، زیرساخت های ایران<sup>۳</sup> و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی است<sup>۴</sup>: ادعای «پترولیوم اکونومیست» آن است که حجم سرمایه گذاری معادل ۲۸۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا است. بخش قابل توجهی از این سرمایه گذاری چینی ها طی سال نخست اجرای قرارداد ۲۵ ساله با آن ها به صنعت نفت و گاز ایران تزریق می شود و مابقی آن به صورت مرحله ای و براساس توافق

<sup>۱</sup><https://oilprice.com/Energy/General>

<sup>۲</sup><http://www.president.ir/EN/91435>

<sup>۳</sup><https://besacenter.org/perspectives-papers/iran-china-25-year-plan>

<sup>۴</sup><https://www.nytimes.com/2020/07/11>



دو طرف از سوی پکن در ایران انجام می‌شود.<sup>۱</sup> آغاز بحث این توافقنامه به سفر شی جین پینگ، رئیس‌جمهور جمهوری خلق چین، به ایران در سال ۱۳۹۴ برمی‌گردد و بخشی از طرح راه ابریشم جدید چین می‌باشد. از سال ۱۳۹۸ انعقاد این سند به‌طور جدی مورد بحث قرار گرفت و چند متن پیش‌نویس بین دو کشور مبادله شد. نهایتاً حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران پیش‌نویس نهایی برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های جامع ایران و چین را ۳ تیر ۱۳۹۹ در جلسه هیئت دولت بررسی و تأیید کرد. در آن نشست به وزارت امور خارجه ایران مأموریت داده شد که طی مذاکرات نهایی با طرف چینی، آبراساس منافع متقابل بلند مدت، این برنامه را به امضای طرفین برساند.<sup>۲</sup> به گفته غلامرضا انصاری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت خارجه جمهوری اسلامی، این سند، تنها اقتصادی نیست و سند نهایی در «در بخش‌های مختلف قضائی، مجلس و... دو کشور ورود کرده است». به گفته وی اهداف این سند در مدت ۲۵ سال تکمیل می‌شود و قرار است معاملات با واحد پولی کشور چین یعنی یوان صورت گیرد. در شرایطی که تحریم‌های آمریکا علیه ایران<sup>۳</sup> در راستای اعمال استراتژی فشار حداکثری به بیشترین میزان خود رسیده است<sup>۴</sup> و منجر به بحران اقتصادی در ایران شده است، توافق بلندمدت با چین راه نجاتی برای ایران در برابر تحریم فزاینده اقتصادی به‌شمار می‌رود و می‌تواند منجر به ناکامی سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، به منظور تسلیم ایران باشد. <sup>۵</sup> چنان‌که سخنگوی دولت ایران در حمایت از این توافق اعلام کرده است: سیاست‌های آمریکا برای انزوای ایران و قطع روابط بین‌المللی ما شکست خورده است. در مقابل، منتقدان، این حرکت را نه به دلیل چرخش نظام جمهوری اسلامی به سمت شرق، بلکه نشانه ورود ایران به بازی قوانین بین‌الملل می‌دانند و آن را عقب‌نشینی از سیاست‌های چهل سال گذشته خود ارزیابی می‌کنند. بسیاری از سوی گروه‌های مخالف حکومت از آن با نام قرارداد ترکمنچای یاد کردند و عده‌ای آن را ناقض اصل ۷۷ قانون اساسی می‌دانند. همچنین تعدادی از نمایندگان مجلس از ابعاد «پنهان» این قرارداد ابراز نگرانی کرده‌اند. گروهی از منتقدان، از جمله، برخی سیاستمداران داخلی و مخالفان جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور از این توافق به‌خصوص با ادعای استقرار نیروی نظامی چینی و نیز واگذاری برخی جزایر جنوب ایران انتقاد کرده‌<sup>۶</sup> و به تبدیل ایران به مستعمره و وابسته اقتصادی چین، هشدار دادند.<sup>۷</sup> همچنین منتقدین به این برنامه همکاری، این برنامه را نمونه‌ای از دیپلماسی قرض تله چین خوانده‌اند و آن را به سود ایران ارزیابی نمی‌کنند اما مدافعان سند می‌گویند در این مرحله صرفاً یک توافق راهبردی برای تعیین چارچوب کلان همکاری تدوین شده و شامل اعداد و ارقام مورد بحث نمی‌باشد. اینها در آینده در قالب قراردادهای مشخص تدوین خواهد شد.<sup>۸</sup> گروه سومی نیز عملی شدن آنچه که اعلام شده را دور از واقعیت می‌دانند و تأکید می‌کنند که بر اساس تجربه، چین نشان داده است که دنبال منفعت خودش است و هر جا که ببیند ممکن است منافعتش

<sup>۱</sup> <https://hamdelidaily.ir/?post=5879> روزنامه همدلی

<sup>۲</sup> <https://www.shana.ir/news/304061>

<sup>۳</sup> <https://www.tabnak.ir/fa/news/986274> تصویب سند ۲۵ ساله ایران و چین در هیات دولت و چند نکته

<sup>۴</sup> <https://www.businessinsider.com/iran-china-deal-shows-getting-tough-doesnt-solve-us-problems-2020-7>

<sup>۵</sup> <https://time.com/5872771/china-iran-deal>

<sup>۶</sup> <https://www.nytimes.com/2020/07/11/world/asia/china-iran-trade-military-deal.html>

<sup>۷</sup> <https://asiatimes.com/2020/07/china-iran-deal-eyes-a-future-decoupled-from-us>

<sup>۸</sup> <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2020/07/iran-government-rouhani-secretive-deal-china.html>

<sup>۹</sup> <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/11/2298015> خبرگزاری تنسیم

صدمه ببیند، پا پس می‌کشد. از این رو، از نظر آنها چین تحریم‌های آمریکا را هیچگاه برای ایران نقض نمی‌کند، همان‌طور که پس از تحریم‌های اخیر، چین بیش از نود درصد از خرید نفتش از ایران را کاهش داده یا پروژه‌های نفتی‌اش را در ایران بدون اینکه به پایان برساند، رها کرده و رفته است.<sup>۵۰</sup>

### تجارت خارجی چین

چین در سال ۲۰۱۴ به عنوان بزرگترین صادرکننده بر اساس آمار سازمان تجارت جهانی لقب گرفت. هم‌چنین سهم این کشور از تجارت جهانی بسیار حائز اهمیت و ارزش بسیار زیاد و مثبت تراز تجاری این کشور نیز بسیار چشمگیر است. این کشور صادرکننده عمده وسایل برقی و ماشین‌آلات برقی و در مقابل انواع سوخت‌ها و نفت به همراه دستگاه‌های برقی مهم‌ترین اقلام وارداتی این کشور را تشکیل می‌دهند.<sup>۵۱</sup>

### تاریخچه مذاکره برای سند ۲۵ ساله بین ایران و چین :

- (۱) در سال ۱۳۹۴ و ۱۱ روز پیش از انعقاد برجام، شی جین پینگ رئیس‌جمهور جمهوری مردمی چین در سفر به تهران اعلام کرد که برای یک همکاری راهبردی ۲۵ در ابعاد مختلف توافقی میان رهبران دو کشور حاصل شده‌است. در سوم بهمن‌ماه ۱۳۹۴، متن پیش‌نویس اولیه توافق‌نامه جامع همکاری میان ایران و چین در حوزه‌های «سیاسی»، «اجرایی»، «انسانی و فرهنگی»، «قضایی، امنیتی و دفاعی» و «منطقه‌ای و بین‌المللی» به زبان انگلیسی منتشر شد. البته این سند فاقد اعداد و ارقام بود.<sup>۵۲</sup>
- (۲) در سال ۱۳۹۶ ایران در اجلاس راه ابریشم جدید در سطح وزیر اقتصاد و امور دارایی، علی طیب‌نیا، شرکت کرد. این اجلاس با حضور دبیرکل سازمان ملل، رئیس بانک جهانی و همچنین رئیس صندوق بین‌المللی پول و ۲۸ نفر از سران کشورها برگزار شد.<sup>۵۳</sup>
- (۳) تا اواخر سال ۱۳۹۷ دولت ایران اقدام خاصی برای پیشبرد توافق انجام نمی‌دهد.<sup>۵۴</sup>
- (۴) در اسفندماه ۱۳۹۷ بخش‌هایی از قرارداد راهبردی ۲۵ ساله میان ایران و چین از سوی یک عضو هیئت رئیسه مجلس علنی شد.

<sup>۵۰</sup><https://per.euronews.com/2020/07/13/25-years-of-cooperation-between-iran-and-china-is-the-agreement-with-beijing-colonial>

<sup>۵۱</sup><https://data.worldbank.org>

<sup>۵۲</sup><https://plus.irna.ir/news/83847724> خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران

<sup>۵۳</sup><https://tejaratnews.com> همایش بین‌المللی جاده ابریشم چین

<sup>۵۴</sup><https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/11/2298015>

۵) در مرداد ۱۳۹۸ علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد که ایران یک برنامه همکاری ۲۵ ساله با چین تدوین کرده است. <sup>۵۵</sup> همچنین در شهریور سال ۱۳۹۸ اعلام می شود که ایران پیش نویس اولیه درباره سند ۲۵ ساله را به مقامات چینی ارائه می دهد. پترولیوم اکونومیست آن زمان مدعی شد به بخش های مفصل تری از این قرارداد دست یافته است.

۶) چین نظر خود در خصوص نسخه تهیه شده توسط ایران را در فروردین ۱۳۹۹ ارائه می دهد و در ۱ تیر این سال، نسخه پیشنهادی به تصویب دولت می رسد و خبر آن توسط علی ربیعی، سخنگوی دولت، اعلام می شود.<sup>۵۶</sup>

چین ۲۰۱۴			
	صادرات	واردات	
ارزش تجارت در سال ۲۰۱۴ (هزار دلار)	۲,۳۴۲,۳۴۳,۰۱۱\$	۱,۹۵۸,۰۲۱,۳۰۱\$	
رتبه تجارت جهانی در سال ۲۰۱۴:			
رتبه تجارت بخش کالا	۱	۲	
رتبه تجارت بخش خدمات	۵	۲	
سهم از تجارت جهانی (درصد)	۱۲,۳۳	۱۰,۲۶	
تراز حساب جاری (تراز پرداخت ها) ۲۰۱۳	۱۸۲,۸۰۷,۰۰۰,۰۰۰\$		
خالص تجارت کالا و خدمات (تراز پرداخت ها) ۲۰۱۳	۲۳۵,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰\$		
خالص سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)	-۲۰۸,۶۷۸,۶۹۵,۶۴۱\$		
کشورهای اصلی طرف تجارت:			
صادرات به	سهم از کل صادرات (درصد)	واردات از	سهم از کل واردات (درصد)
ایالات متحده آمریکا	۱۷	اتحادیه اروپا	۱۲,۴
اتحادیه اروپا	۱۵,۹	جمهوری کره	۹,۷
هنگ کنگ	۱۵,۵	ژاپن	۸,۳
ژاپن	۶,۴	ایالات متحده آمریکا	۸,۲
جمهوری کره	۴,۳	چین تایپه	۷,۸

جدول شماره ۱

<sup>۵۵</sup><https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/05/08/2065418>

<sup>۵۶</sup><https://www.isna.ir/news/99041409913>

### رابطه اقتصادی ایران و چین

یکی از اساسی ترین محور های همکاری اقتصادی میان این دو کشور را بخش نفت و گاز تشکیل می دهد. از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۰ این کشور واردکننده عمده نفت ایران بوده است. این روند باعث شده تا در سال ۲۰۱۱ تقریباً ۱۰٪ از واردات نفت چین از ایران باشد. شرکت ملی نفت چین قراردادهایی برای حفاری در بخش های نفتی جنوبی ایران به ارزش ۸۵ میلیون دلار و هم چنین سایر قراردادهای مرتبط به ارزش ۱۳ میلیون دلار منعقد کرد. همچنین گروه سینکوپک چین با امضای قراردادی در میدان نفتی یادآوران به منظور اکتشاف و استخراج شریک است که ارزش این میدان نفتی بالغ بر ۱۰۰

میلیارد می باشد.<sup>۵۹</sup> تجارت میان این دو کشور نیز دارای سابقه ای طولانی است. طی دهه ۱۹۸۰ ارزش تجارت این دو کشور به ۱۶۲۷ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۱۱ ارزش تقریبی تجارت ایران با چین ۳٫۳ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۵ به ۹٫۲ میلیارد دلار رسید. در همان سال ها مقامات این دو کشور اعلام کردند که تجارت آن ها به بیش از ۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ خواهد رسید. در سال ۲۰۰۵ چین بعد از آلمان بیش ترین صادرات را به ایران داشته و در سال ۲۰۱۴ چهارمین کشوری بود که به ایران بیش ترین صادرات را داشت.<sup>۶۰</sup> واردات ایران از چین از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ بیش تر از ۳۶۰٪ افزایش داشت. در حالی که بیش تر تجارت میان این دو کشور از طریق دریا صورت می گیرد این امکان وجود دارد که از طریق مسیر خشکی و با قطار از طریق کشورهای قزاقستان و ترکمنستان تجارت انجام شود. در سال ۲۰۱۶ نخستین قطار باری از استان ژجیانگ پس از ۱۴ روز به تهران رسید.<sup>۶۱</sup> سرمایه گذاری چین در ایران نیز بسیار حائز اهمیت است. سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در ایران در سال ۲۰۰۲ بر اساس اداره آمار سرمایه گذاری آنکتاد ۸ میلیون دلار بود که این عدد در سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۷۰۲ میلیون دلار برآورد شده است یعنی طی ۱۰ سال سرمایه گذاری نزدیک به ۹۰ برابر شده است. همچنین مجموع سرمایه گذاری های چینی ها در سال ۲۰۰۲ برابر با ۲۲ میلیون دلار بوده که در سال ۲۰۱۲ با رشد ۹۳٪ به ۲٫۰۷۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲ رسید.<sup>۶۲</sup> آمار نشان دهنده افزایش ارزش تجارت میان این دو کشور از سال ۲۰۱۰ است. ارزش تجارت میان این دو کشور در سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۲۹٫۳۹۲ میلیون دلار بوده که در سال ۲۰۱۴ به ۵۱٫۸۴۶ میلیون دلار رسیده که به عبارتی رشد ۷۶٪ را نشان می دهد. علاوه بر این تراز مثبت بازرگانی ایران نیز به مدد صادرات انواع مواد سوختی مثل نفت به چین است. ایران همانطور که پیش تر گفته شده یکی از تامین کنندگان اصلی انرژی چین است. با این حال واردات ایران از چین نیز رشد بسیاری داشته است. افزایش واردات از این کشور آن هم با رشدی ۷۳٪ در سال ۲۰۱۴ نشان از اهمیت تجارت چین با ایران است. از سوی دیگر وابستگی چین به عنوان اقتصادی نو ظهور به

<sup>۵۹</sup>China National Petroleum Corporation (CNPC)

<sup>۶۰</sup>Sinopec Group

www.mop.ir . وزارت نفت

<sup>۶۱</sup>World Trade Statistics",comtrade.un.org,(May 2016)

<sup>۶۲</sup>First freight trains from China arrive in Tehran.ft.com.(1 May2016).

<sup>۶۳</sup>FDI Statistics Division on Investment and Enterprise". unctad.org. (May 2016)

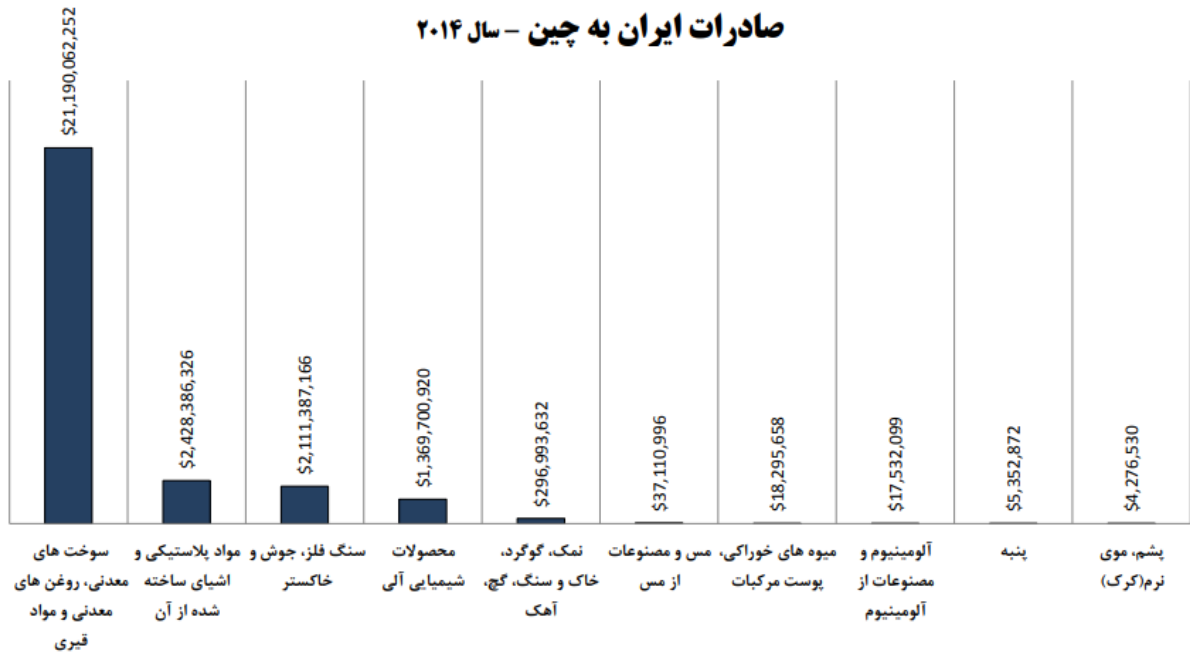
انرژی نیز از آمار واردات مشخص است. اگرچه رشد اقتصادی این کشور طی چند سال اخیر با آهنگی آرام تر از گذشته بوده و در منفی شدن صادرات ایران نیز بی تاثیر نبوده؛ با این حال چین چهارمین مقصد صادراتی کالی ایرانی بوده که ۴,۱٪ از کل صادرات ایران را به خود اختصاص داده است. ایران نیز ۱۰,۳٪ از کل وارداتش را از چین انجام می دهد. ۶۳

سال	صادرات ایران (میلیون دلار)	تغییرات	واردات ایران (میلیون دلار)	تغییرات	مجموع ارزش تجارت (میلیون دلار)	تغییرات	تراز تجاری (میلیون دلار)
۲۰۱۰	۱۸,۳۰۰\$	/	۱۱,۰۹۲\$	/	۲۹,۳۹۲\$	/	۷,۲۰۸\$
۲۰۱۱	۳۰,۳۲۲\$	%-۶۵,۷۵	۱۴,۷۶۱\$	%۳۳,۰۸	۴۵,۰۹۳\$	%۵۳,۴۲	۱۵,۵۷۱\$
۲۰۱۲	۲۴,۸۶۹\$	%۱۸,۰۱	۱۱,۵۹۸\$	%-۲۱,۴۳	۳۶,۴۶۷\$	%-۱۹,۱۳	۱۳,۲۷۱\$
۲۰۱۳	۲۵,۳۸۹\$	%-۲,۰۹	۱۴,۰۹۶\$	%۲۱,۰۲	۳۹,۴۲۵\$	%۸,۱۱	۱۱,۳۵۳\$
۲۰۱۴	۲۷,۵۰۶\$	%-۸,۳۴	۲۴,۳۴۰\$	%۷۳,۴۱	۵۱,۸۴۶\$	%۳۱,۵۱	۳,۱۶۶\$

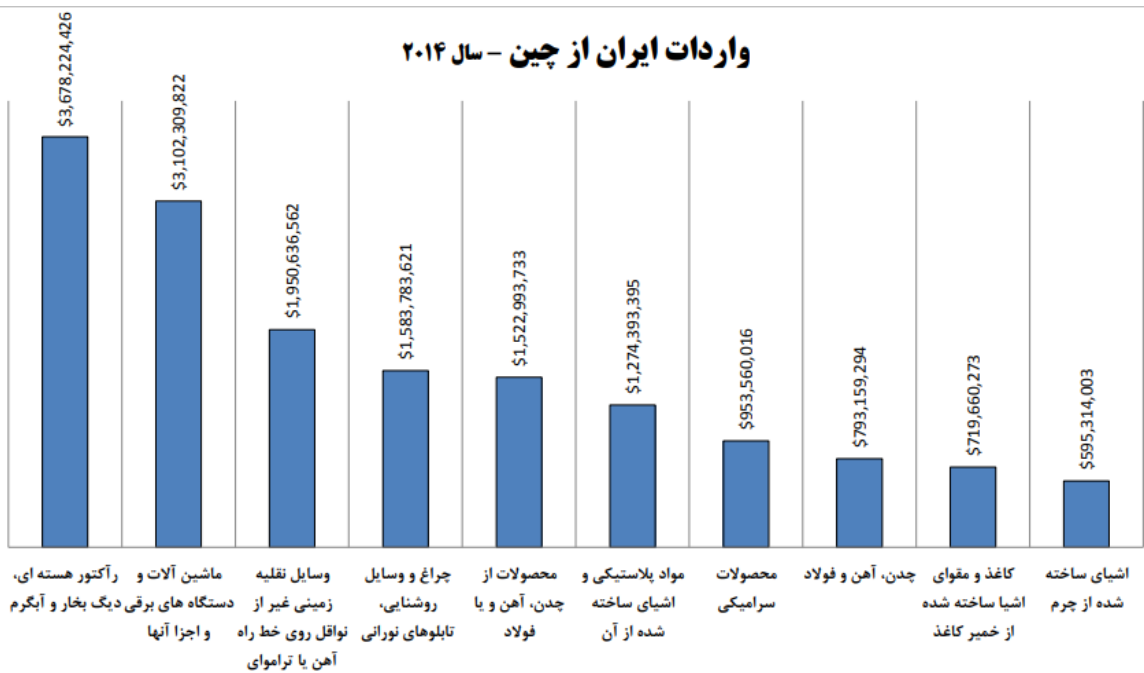
جدول شماره ۲ ۶۴

امکان سنجی ایجاد همگرایی اقتصادی میان کشورهای ایران، چین، هند، روسیه و ترکیه ، پایان نامه، دانشگاه تهران، ایمان پیرانده، ۱۳۹۵  
 comtrade.un.org/data, (May 2016)

صادرات ایران به چین - سال ۲۰۱۴



۳- نمودار شماره ۶۵۱



۴- نمودار شماره ۲

برنامه همکاری های جامع بین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران و نکات کلیدی آن

متن تهیه شده توسط وزارت خارجه با تیتیر «ویرایش نهایی / برنامه همکاری های جامع فیما بین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران» در فضای مجازی منتشر شده که مشتمل بر ۹ بند و ۳ ضمیمه است؛ ضمیمه های این متن که توسط «دبیرخانه سازوکار عالی مشارکت جامع راهبردی ایران و چین» تنظیم شده مشتمل بر اهداف سیاسی، عناوین اصلی برای برنامه همکاری های جامع ۲۵ ساله و اقدامات اجرایی است. آنچه ویرایش نهایی متن این قرارداد تنظیم شده در خرداد ۱۳۹۹ تحت عنوان «برنامه همکاری های جامع فیما بین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران» مشهود است، اگر هر نسخه فارسی، انگلیسی و چینی آن دقیقاً با همین متن به تصویب برسد و اجرایی شود، حاوی چهار نکته کلیدی است که برخی نگرانی ها را نسبت به تبعات چنین قراردادی به شکل قابل ملاحظه ای رفع می کند.

متن تفاهم نامه:

برنامه همکاری های جامع فیما بین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران

#### مقدمه

جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران که در این متن طرف‌ها نامیده می‌شود.

دو تمدن کهن آسیایی و دو شریک نزدیک در عرصه های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی هستند، با دیدگاه ها و منافع مشترک بسیار در عرصه دوجانبه و چندجانبه بوده و یکدیگر را شریک راهبردی مهم خویش تلقی می کنند.

با به رسمیت شناختن مشترکات فرهنگی، چندجانبه گرایی، حمایت از حق ملت ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و مدل توسعه بومی خود و اشتراک دیدگاه‌هایی مشابه در مورد مسائل مختلف جهانی که موجب گسترش روابط آنها به سطح راهبردی مبتنی بر منافع متقابل و رویکرد برد - برده شده است.

با داشتن روابط عمیق و دوستانه از زمان برقراری روابط دیپلماتیک در ۱۹۷۱ با زمینه‌های مساعد برای همکاری در حوزه‌های انرژی، زیرساخت، منتم علوم و فن‌آوری و غیره، رهبران دو طرف قویا متعهد به گسترش روابط و درخواست برنامه برای تقویت روابط بوده‌اند.

با اطمینان از اینکه این سند ترمیم کننده فصلی جدید در سپهر مناسبات دو تمدن بزرگ آسیایی چین و ایران و گامی موثر جهت تحقق اراده مشترک رهبران در جهت تعمیق روابط دوجانبه و تقویت همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های مختلف در چارچوب ابتکار «کمربند - راه» می‌باشد؛ - با هدف عملیاتی شدن بند ششم بیانیه مشارکت در خصوص ایجاد مشارکت جامع راهبردی بین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی که ژانویه ۲۰۱۶ میلادی منتشر شده و تاکید می‌کند بر ضرورت ایجاد مکانیزم و فراهم آوردن زیر ساخت‌های لازم برای توسعه همکاری‌ها در یک چشم انداز ۲۵ ساله.

دو طرف در خصوص موارد زیر تفاهم نمودند؛

#### بند اول

#### چشم‌انداز

سوق دادن مشارکت راهبردی جامع چین - ایران، مبتنی بر رویکرد برد-برد در زمینه دوجانبه منطقه ای و روابط بین الملل

#### بند دوم

۱. ماموریت: با در نظر داشتن ظرفیت‌های عظیم همکاری، طرفین در چارچوب این سند، برای دستیابی به اهداف زیر همکاری خواهند کرد؛

۲. گسترش همکاری‌های دوجانبه اقتصادی و تجاری



۳. تعامل موثر بین دستگاه های عمومی دولتی و بخش خصوصی و مناطق آزاد و ویژه
۴. افزایش میزان اثرگذاری در حوزه های اقتصادی، فناوری و گردشگری
۵. مشارکت راهبردی در حوزه های مختلف اقتصادی
۶. گسترش همکاری ها بین دانشگاه ها، بخش های فناوری و علمی
۷. بازنگری موثر و مستمر همکاری های مشترک اقتصادی به منظور فائق آمدن بر موانع و چالش ها
۸. حمایت از مواضع یکدیگر و همکاری در مجامع بین المللی و سازمان های منطقه ای
۹. تقویت اجرای قانون و همکاری های امنیتی در حوزه های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم
۱۰. گسترش همکاری نظامی برای تقویت ظرفیت های دفاعی و راهبردی
۱۱. همکاری در زمینه های دیگر.

بند سوم

اهداف اساسی : طرفین، اهداف اساسی این سند را با در نظر داشتن سیاست های راهبردی دوجانبه، ظرفیت های همکاری و فرصت ها و شرایط واقعی به شرحی که در ضمیمه شماره (۱) آمده است، تدوین نموده اند.

بند چهارم

زمینه های همکاری : طرف ها برای گسترش و توسعه همکاری های جامع به شرح ضمیمه شماره (۲) همکاری خواهند نمود. برخی از حوزه های مرجح به شرح زیر می باشند:

انرژی شامل نفت خام (تولید، حمل، پالایش و امنیت تامین) پتروشیمی، انرژی های تجدیدپذیر و انرژی هسته ای غیر نظامی.

بزرگراه، خط آهن و اتصالات دریایی به منظور ارتقای نقش ایران در ابتکار کمربند-جاده.

همکاری های بانکی با استاندارد بالا، با تاکید بر استفاده از ارزهای ملی، با تصریح بر مقابله با پولشویی، تامین مالی تروریسم و جنایت های سازمان یافته.

همکاری های گردشگری، علمی- آکادمیک، فناوری و تبادل تجارب در آموزش نیروی انسانی ریشه کن کردن فقر و بهبود وضعیت معیشت مردم در مناطق کمتر توسعه یافته.

بند پنجم

### اقدامات اجرایی

طرفین بر مبنای اصول و منافع مشترک، و منطبق بر اصول تجارت میان بنگاه‌های اقتصادی، همکاری‌های جامع راهبردی خود را در تمامی حوزه‌ها با اجرای اقدامات مندرج در ضمیمه ۳ این سند گسترش می‌دهند.

#### بند ششم

#### نظارت و اجرا

۱. برای هماهنگی و نظارت بر کاربرد مفاد این سند، طرفین یک سازوکار به سرپرستی مقامات عالی و ذیصلاح به نمایندگی از رهبرانشان ایجاد می‌کنند.

۲. در این راستا، نمایندگان عالی‌رتبه، دیدارهای سالانه خواهند داشت و در صورت نیاز مقامات مرتبط، جلسات مشورتی با همتایانشان خواهند داشت.

۳. وزارت خانه‌های امور خارجه دو کشور، به عنوان مقامات مسئول، با همکاری سایر وزارتخانه‌ها، از جمله وزارت بازرگانی چین و وزارت امور اقتصاد و دارایی ایران، وظیفه نظارت بر اجرای مفاد این سند و ارائه گزارش پیشرفت همکاری را به رهبرانشان در زمان‌های مناسب دارند.

#### بند هفتم

همکاری در کشور ثالث : با توجه به علایق مشترک در ابتکار کمربند - جاده، طرفین، همکاری دوجانبه و چند جانبه را از طریق برنامه‌های مشترک در کشورهای همسایه یا ثالث تشویق می‌کنند.

#### بند هشتم

نفی فشارهای خارجی : در راستای حمایت از اصل چند جانبه گرایی، طرفین در مقابل فشارهای غیرقانونی طرف‌های ثالث، از اجرای مفاد این سند حفاظت می‌نمایند.

#### بند نهم

#### مفاد نهایی

۱- هرگونه اصلاح در ضمیمه این سند (موضوعات مطروحه در بندهای ۳، ۴، ۵) باید با رضایت متقابل طرفین و از طریق هماهنگی و مشاوره انجام شود.

۲- در صورت ضرورت، برای تسهیل در اجرای موضوعات مورد توافق طرفین می‌توانند با ارائه پیشنهادهای برای اصلاح یا به‌روزرسانی سند حاضر اقدام کنند. این امر نباید بر اجرای پروژه‌های توافق شده تاثیر بگذارد یا مانع شود.

۳- ضمائم این سند جزء لاینفک آن محسوب می‌شوند.

۴- این سند از تاریخ امضا به مدت ۲۵ سال اجرایی خواهد بود.

این سند در تاریخ ... ( برابر با ... تقویم ایرانی) در شهر ... در سه نسخه به زبان چینی، فارسی و انگلیسی به امضاء رسید؛ هر یک از نسخ از اعتبار یکسان برخوردار است. در مواقع اختلاف، نسخه انگلیسی ملاک عمل می‌باشد.

**نکته نخست اینک،** دست‌کم مطابق با این پیش‌نویس چین در ایران در همه بخش‌های سرمایه‌گذاری و انتقال دانش خواهد نمود. این میزان سرمایه‌گذاری از سوی چین در حالی که در شرایط کنونی چین برای جلوگیری از تحریم حتی در صنایع عظیم نفتی ایران نیز سرمایه‌گذاری یا منابع ارزی چند ده میلیارد دلاری ایران را آزاد نمی‌کند، شگفت‌انگیز است و اگر اجرایی شود تحولی اساسی برای ایران خواهد بود.

**نکته دوم اینک،** در قرارداد ایران به جز مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت توسط طرف چینی و همکاری در خلق مجموعه‌های صنعتی و تجاری و مجموعه اقدامات سیاسی، امنیتی و نظامی مشترک، هیچ خدمات یا امتیاز ویژه‌ای نظیر واگذاری بخشی از خاک ایران به چین برای اجرای این پروژه‌ها یا واگذاری امتیازهای انحصاری نمی‌دهد؛ بنابراین، دست‌کم با اجرایی شدن متن مورد اشاره ایران، چیزی از دست نخواهد داد و قرارداد به شکل قابل ملاحظه‌ای در راستای منافع ایران است.

**نکته سوم اینک،** این قرارداد عمدتاً حالت تفاهم نامه دارد و در آن ارقام و اعدادی درج نشده است. در واقع این سند همکاری، بیانگر راهبرد بلندمدت همکاری ایران و چین است و هر بند از متن اصلی یا ضمیمه‌های سه‌گانه نیاز به قراردادهای جداگانه‌ای برای اجرایی شدن دارد که آن قراردادهای حاوی جزئیات این توافق است؛ بنابراین، اگر حساسیتی باشد، باید درباره قراردادهایی صورت پذیرد که بعدها پس از تصویب این قرارداد برای اجرای بخش‌های مختلف میان ایران و چین منعقد می‌شود.

**نکته چهارم اینک،** در این قرارداد ۲۵ ساله ضمانت اجرایی برای هیچ یک از دو طرف ایران و چین در نظر گرفته نشده است؛ بنابراین، هدف گذاری‌هایی که در این قرارداد و ضمیمه صورت پذیرفته در هر مرحله از سوی طرفین می‌تواند اجرا نشود و اجرایش متوقف شود، مگر آنکه بعدها در چارچوب هر بند قراردادهای همکاری دارای ضمانت اجرایی تنظیم شود که قاعدتاً آن قراردادهای نیاز به ارزیابی‌های جداگانه‌ای دارد.<sup>۶۶</sup>

**اهمیت جنوب غرب آسیا و سواحل مکران :**

مکران سرزمین ساحلی است که در جنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان و در امتداد سواحل دریای عمان قرار گرفته است. بخشی از این منطقه که در داخل مرزهای ایران قرار دارد از خلیج گواتر تا جاسک با احتساب دماغه‌های ساحلی، حدود ۱۰۰ کیلومتر امتداد دارد که به‌طور عمده متعلق به دو استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان است و بندرهای چابهار، تیس، کنارک و جاسک را شامل می‌شود. اهمیت سواحل مکران در سطح بین‌الملل از آن جهت است که این منطقه کم و بیش از تنش‌های خاورمیانه در امان است و بر مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی تسلط دارد. همچنین اتصال خلیج عمان و بندر چابهار در ساحل شرقی مکران به کریدور بین‌المللی شمال- جنوب، می‌تواند نقش مهمی در مبادله کالا به شرق کشور و کشورهای آسیای مرکزی، هند، چین، افغانستان و حتی کشورهای اروپایی چابهار در سواحل مکران به آب‌های آزاد موجب شده کشورهای آسیای مرکزی، هند، چین، افغانستان و حتی کشورهای اروپایی تمایل داشته باشند از این بندر برای انتقال کالاهای خود استفاده کنند. همچنین سواحل مکران به واسطه قابلیت‌های محیطی، طبیعی و اقتصادی آن مانند نزدیکی به منطقه آزاد تجاری - اقتصادی چابهار، وجود بسترهای مناسب برای ترانزیت و کشتیرانی تجاری، وجود سواحل مناسب و پسرکانه‌های مناسب در امتداد سواحل و همچنین مزیت بالقوه برای ترانزیت کالا به کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و حتی روسیه، به محلی مورد علاقه برای رقابت قدرت‌های بزرگ منطقه آسیا یعنی دو کشور چین و هند و آمریکا تبدیل شده است. کارشناسان مسائل ژئوپلیتیک باور دارند یکی از مناطقی که آمریکا حاضر است با بر سر آن درگیر شود همین منطقه است. گزارش زیر که خلاصه‌ای از یک گزارش مشروح تهیه شده از سوی موسسه تدبیر اقتصاد است، اهمیت مکران و چابهار را برای آمریکا و چین و هند نشان می‌دهد. راهبرد هند در مکران به‌زعم هند پروژه توسعه بندر چابهار برای این کشور از اهمیت حیاتی و ژئوپلیتیک برخوردار است. هند به عنوان یک اقتصاد نوظهور تلاش‌های زیادی برای دستیابی کریدورهای بین‌المللی و ترانزیت کالاهایش از آنها کرده است و با توجه به مشکلات سیاسی بین هند و پاکستان، بندر چابهار گزینه مناسبی برای هند است. توسعه این بندر از ابعاد گوناگون از جمله اقتصادی و سیاسی حائز اهمیت است. به‌طور کلی اهداف اصلی حضور هند در بندر چابهار را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

رقابت با کشورهای چین و پاکستان

گسترش تجارت و دسترسی به بازار و منابع انرژی به ویژه در افغانستان و آسیای مرکزی

اتصال و پیوستگی منطقه‌ای به اوراسیا و آسیای مرکزی

تداوم نفوذ در افغانستان و مهار نفوذ پاکستان در افغانستان

تحقق پروژه (Cotton Road) به عنوان Counter Balance حلقه چین پاکستان و راه ابریشم

از بعد اقتصادی، توسعه بندر چابهار برای هند این امکان را فراهم می‌کند تا از این طریق به کشورهای آسیای میانه و افغانستان و روسیه متصل شود. در واقع، بندر چابهار به هند این امکان را می‌دهد که با دور زدن پاکستان از طریق کریدور شمال - جنوب با افغانستان روابط تجاری برقرار کند و کالاهای خود را از طریق افغانستان به کشورهای آسیای میانه که در خشکی محصور هستند صادر کند. اهمیت راهبردی سواحل مکران برای محور چین - پاکستان ارزیابی راهبرد قدرت‌های بزرگ در سواحل مکران بدون در نظر گرفتن تحولات بندر گوادر امکان‌پذیر نیست. چین که به یکی از قطب‌های اقتصادی دنیا تبدیل شده در رقابتی نزدیک با کشور هند قصد در دست گرفتن بازارهای آسیای مرکزی را دارد. نیاز چین به واردات انرژی و صادرات کالاهای خود از طریق محور ترانزیت

شرق سبب شده این کشور به سرمایه‌گذاری در بندر گوادر اقدام کند زیرا سرمایه‌گذاری در این بندر نه تنها مقاصد تجاری چین را فراهم می‌سازد، بلکه فرصتی به وجود می‌آورد تا بر حاکمیت نظامی آمریکا بر منطقه نیز نظارت داشته باشد. به‌طور کلی اهداف اصلی حضور چین در بندر گوادر را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- چین به دنبال فراهم کردن زمینه‌های ارتباط از خشکی با اروپا و بهره‌برداری از کریدور شمال - جنوب است.
- ۲- چین به دنبال کسب قدرت بازدارندگی در مقابل کنترل و مدیریت منابع انرژی خاورمیانه از سوی آمریکاست.
- ۳- چین به دنبال جبران خطر محرومیت از حمل‌ونقل دریایی به ویژه آبراه‌های حساسی مانند تنگه مالاکا و هرمز است. این کشور سعی دارد به آب‌های خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند بدون استفاده از مسیر تنگه مالاکا و استفاده از مناطق جنوبی خود دسترسی پیدا کند.
- ۴- چین به دنبال گسترش قدرت اقتصادی خود در نقاط استراتژیک جهان از جمله بندر گوادر است.
- ۵- چین به دنبال اتصال مناطق غربی خود به بازارهای جهانی است.
- ۶- چین به دنبال بهره‌برداری نظامی از طریق ایجاد پایگاه نظامی و استفاده از امکانات دریایی و ساحلی در بندر گوادر است.
- ۷- چین به دنبال کوتاه کردن مسیر واردات نفت از ایران و منطقه خلیج فارس است.
- ۸- چین به دنبال استفاده از فضای پاکستان برای پیشی گرفتن از رقبای خود یعنی هند و آمریکا است.

بندر گوادر در جنوبی‌ترین بخش ایالت بلوچستان پاکستان واقع شده که در نزدیکی مرزهای ایران قرار دارد. فاصله این بندر با شهر جابهار ایران ۷۰ کیلومتر است. این بندر از سال ۲۰۰۰ مورد توجه جدی پاکستان قرار گرفت و طی این سال‌ها توافقنامه‌های متعددی با چین در خصوص تجهیز و توسعه آن اجرایی شده است. بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده در اخبار داخلی پاکستان، سرمایه‌گذاری چین در بندر گوادر که در سال ۲۰۱۵ با ارزش ۴۶ میلیارد دلار (۳۳/۸ میلیارد دلار برای پروژه‌های بخش انرژی و ۱۲/۲ میلیارد دلار برای احداث زیرساخت‌های مورد نیاز این بندر) آغاز شده و قرار است این میزان سرمایه‌گذاری تا سال ۲۰۳۰ به ۱۲ میلیارد دلار افزایش یابد. همان‌طور که بیان شد، چین اهداف متعددی را در بندر گوادر پاکستان دنبال می‌کند که مهم‌ترین آنها گسترش نفوذ اقتصادی خود در منطقه غرب آسیا، بهره‌برداری از کریدور بین‌المللی شمال - جنوب و همچنین افزایش امنیت انرژی خود است. طرح اقتصادی کریدور چین- پاکستان بزرگ‌ترین طرح همکاری بین دو کشور است. از طریق این کریدور بندر گوادر به منطقه سین‌کیانگ در غرب چین متصل می‌شود. این طرح مزیت‌های زیادی را به ویژه در حوزه انرژی برای این کشور به همراه خواهد داشت. نیاز فزاینده چین به منابع انرژی باعث شده است تا این کشور به منظور تامین امنیت انرژی و نیازهای خود، به دنبال مسیرهای ترانزیتی مطمئن‌تری و مناسب‌تری باشد. در حال حاضر چین برای وارد کردن روزانه ۶/۳ میلیون بشکه نفت خام از مسیر خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان، اقیانوس هند، تنگه مالاکا و در نهایت سواحل جنوب‌شرقی چین، حدود ۱۸ میلیون دلار هزینه حمل‌ونقل پرداخت می‌کند. هزینه‌های بالای حمل‌ونقل برای چین از یک سو و از سوی دیگر نگرانی‌های این کشور در خصوص تشکیل ائتلاف ایالات متحده آمریکا علیه این کشور و احتمال محاصره دریای چین توسط کشورهای رقیب، مانند ژاپن و هند سبب شده تا چین به دنبال راه‌حلی برای گریز از این وضعیت باشد که به نظر تنها گزینه منطقی چین برای دور زدن ایالات متحده آمریکا و دسترسی این کشور به آب‌های خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین مسیر تامین انرژی مورد نیاز این کشور، بندر گوادر پاکستان است. با اجرایی شدن

پروژه کریدور چین - پاکستان، چین قادر خواهد بود که هزینه حمل و نقل نفت را به میزان قابل توجهی کاهش دهد و به یک سوم میزان فعلی برساند. ضمن اینکه این پروژه دسترسی آسان تری به منابع انرژی در خلیج فارس برای چین فراهم خواهد کرد. در مجموع نگاهی بر وضعیت بندر گوادر پاکستان حاکی از آن است که این بندر در حال آماده سازی خود برای تبدیل شدن به عنوان یک مگاپورت در منطقه است. بدون تردید به سرانجام رسیدن طرح کریدور چین - پاکستان و توسعه بندر گوادر، مزایای اقتصادی زیادی را برای پاکستان نیز به همراه خواهد داشت و در عین حال که می تواند به توسعه اقتصادی مناطق غرب پاکستان که بسیار محروم هستند منجر شود، بخش مهمی از نیازهای اقتصادی این کشور را برطرف خواهد کرد. با وجود تلاش چین برای تبدیل بندر گوادر به عنوان یک مگاپورت در منطقه، این پروژه با مشکلات متعددی روبه رو است که اغلب این مشکلات به مسائل داخلی پاکستان مانند عدم وجود زیرساخت های حمل و نقلی و ظرفیت تجاری و صنعتی مربوط می شود اما، مشکل اصلی چین در بندر گوادر بحث ناامن بودن بندر گوادر در استان بلوچستان پاکستان است. وضعیت امنیتی در مرزهای پاکستان با افغانستان، ایران و هند همچنان نامناسب است. زیرا این مناطق به دلیل درگیری های قومی و طایفه ای به طور مکرر شاهد درگیری بین مردم و دولت مرکزی است. وقایع قومی، فرقه گرایی در پاکستان به احساس ناامنی در بین فعالان اقتصادی منجر شده است. علاوه بر این، صعب العبور بودن کوهستان های موجود در کشمیر پاکستان و چین نیز مانع اصلی در احداث بزرگراه ها و خطوط لوله نفت و گاز هستند. با وجود این مشکلات، نه تنها چین از توسعه بندر گوادر منصرف نشده است بلکه در یک سال اخیر چین برای سرمایه گذاری برای بندر چابهار نیز ابراز تمایل کرده است. با توجه به آنکه چابهار نزدیک به ۷۰ کیلومتر با بندر گوادر پاکستان (بندری که چین در حال سرمایه گذاری در آن است) فاصله دارد، این نزدیکی، نشانه ای از رقابت استراتژیک میان هند و چین در منطقه تلقی می شود. همان طور که می دانیم، چین اولین شریک اقتصادی و تجاری پاکستان به شمار می آید به نحوی که در سال ۲۰۱۸، نزدیک به ۲۵ درصد واردات پاکستان از چین بوده است. توسعه روابط تجاری بین چین و پاکستان سبب شده است تا در کشور همکاری قابل توجهی را در طرح های سرمایه گذاری مشترک آغاز کنند که این همکاری به طور عمده از سوی چین در پاکستان در حال انجام است. مبدا و مسیر اجرایی پروژه های سرمایه گذاری چین از استان سین کیانگ شروع می شود و مقصد آن در بندر گوادر در جنوب غرب پاکستان است. روابط تنش آلود پاکستان با کشورهای هند و افغانستان نیز سبب شده تا پاکستان به منظور ارتقای جایگاه خود در منطقه از ظرفیت های اقتصادی خود بهره برداری کند. از این رو پاکستان به سرمایه گذاری چین در بندر گوادر امید بسته است. مهم ترین اهداف پاکستان در بندر گوادر را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- ایجاد زیرساخت های حمل و نقل، ارتباطات و ترانزیت کالا در جهت توسعه منطقه ای
- ۲- خارج کردن فعالیت های اقتصادی و تجاری پاکستان از انحصار بندر کراچی و ایجاد بندر ثانویه اقتصادی
- ۳- ایجاد پایگاه نظامی و تجهیز نیروی دریایی پاکستان از طریق تقویت روابط نظامی و امنیتی با چین
- ۴- ایجاد خط لوله نفت و گاز بندر گوادر به استان سین کیانگ چین
- ۵- ایجاد ارتباطات گسترده تر با منطقه خلیج فارس و ایفای نقش در بازار جهانی نفت

با توجه به اینکه بندر چابهار و بندر گوادر نزدیک همدیگر واقع شده اند بدون شک، روند تحولات در توسعه هر یک از آنها می تواند بر دیگری اثرگذار باشد. در صورتی که سرمایه گذاری های چین در بندر گوادر در نهایت سبب شود تا بندر گوادر به یک مگاپورت در

سواحل مکران تبدیل شود، تهدیدی برای بندر چابهار خواهد بود و می تواند فرصت های ترانزیتی - ترانشیپی - گمرکی این بندر را از بین ببرد. همچنین مسیر گوادر در واقع افغانستان و آسیای میانه را بدون نیاز به راه های ایران در دسترس چینی ها قرار می دهد، بنابراین موقعیت راهبردی ایران را از بین می برد. با وجود تهدیدهای یادشده، به اعتقاد برخی از کارشناسان به گوادر به جای اینکه به عنوان رقیب چابهار نگاه شود باید به عنوان مکمل نگریسته شود. زیرا بی ثباتی و ناامنی در پاکستان تاثیرات منفی زیادی بر ایران دارد و توسعه اقتصادی در این کشور برای مناطق شرقی ما هم منافی به همراه خواهد داشت. با توجه به اینکه پیش بینی می شود بحران افغانستان در آینده نزدیک حل نشود، مسیر ایران به سمت آسیای میانه می تواند مسیر جذابی برای چینی ها (به عنوان مکمل گوادر) باشد و از این طریق هم می توان همکاری با چینی ها از مسیر بندر گوادر را گسترش داد. از سوی دیگر برخی از کارشناسان معتقدند با پیوستن و ارتباط چابهار و گوادر، استقلال چابهار از دست می رود، این بندر در سایه گوادر قرار می گیرد و استقلال چابهار را نباید از دست بدهیم. چابهار اهرمی در دست ایران است که بتواند از آن در مسائل سیاسی، امنیتی و تجاری استفاده کند. بنابراین، دستگاه دیپلماسی کشور باید توجه داشته باشد که نباید در رودر بایستی روابط دوستانه ما با هند و پاکستان، چابهار قربانی شود.

### اهمیت راهبردی سواحل مکران برای آمریکا

همان طور که می دانیم یکی از مولفه های اصلی در سیاست خارجی آمریکا، محدودیت قدرت چین است زیرا آن را تهدیدی برای آینده خود می داند. یکی از ابزارهای آمریکا برای محدودسازی چین، هند است. در میان کشورهای منطقه آمریکا به لحاظ اقتصادی و سیاسی کمترین تعارض را با هند دارد. از این رو، به دنبال محدودسازی چین، آمریکا از گسترش نفوذ هند در افغانستان و حتی سرمایه گذاری این کشور در بندر چابهار در راستای ایجاد ثبات در افغانستان حمایت می کند. ضمن اینکه در راستای سیاست خاص منطقه ای آمریکا و رقابت این کشور با چین، معافیت های تحریمی بندر چابهار نیز در همین چارچوب قابل توجیه است. اگر سه کشور ایران، هند و آمریکا در یک مثلث قرار گیرند، اضلاع هند و آمریکا و هند و ایران با یکدیگر پیوند عمیقی دارند، اما ضلع آمریکا و ایران با یکدیگر در تعارض هستند. با وجود این موضوع، تقابل و توازن بین قدرت های بزرگ یعنی از یک سو همسویی آمریکا و هند و از سوی دیگر تقابل هند و آمریکا با چین، می تواند فرصت مناسبی را برای ایران فراهم کند به این ترتیب که از توان کشورهای مختلف برای توسعه سواحل مکران و بندر چابهار به عنوان مولفه اصلی این منطقه استفاده کند. البته باید توجه داشت که وقتی پای رقابت بین کشورها پیش می آید امکان ناامن شدن چابهار نیز وجود خواهد داشت و با امنیتی شدن منطقه، به نوعی از رشد اقتصادی آن جلوگیری می شود.<sup>۶۷</sup>

### جایگاه چین در نظام بین الملل و اهمیت همکاری های جامع ایران و چین

در این متن گسترش همکاری دوجانبه اقتصادی و تجاری، تعامل بخش خصوصی و مناطق آزاد، افزایش اثرگذاری در حوزه های فناوری و گردشگری، مشارکت راهبردی در حوزه های اقتصادی، همکاری دانشگاهی و فناوری و علمی، بازنگری در همکاری های اقتصادی، حمایت از مواضع یکدیگر در مجامع منطقه ای و بین المللی، همکاری در مبارزه با تروریسم، گسترش همکاری نظامی و

<sup>۶۷</sup> <https://jahanesanat.ir/33888> روزنامه جهان صنعت

دفاعی و همکاری در زمینه‌های دیگر به‌عنوان ده هدف اصلی فهرست شده است<sup>(۲)</sup>. با علم به اینکه چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل معرفی می‌شود لذا کارگزاری تاثیرگذار این کشور در عرصه بین‌الملل و استراتژی تغییر وضع موجودی که در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی در دستور کار خود دارد برای منافع جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت می‌باشد. بنابراین هدف این نوشتار پاسخ به این سوال می‌باشد که چین در شرایط ساختار یک چندقطبی نظام بین‌الملل چه جایگاهی دارد و اهمیت همکاری‌های جامع (۲۵ ساله) ایران و چین چیست؟ با فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی، آمریکا مدعی کسب جایگاه قدرت بدون رقیب و قدرتمندترین دولت در نظام بین‌الملل گردید تا خود را بازیگری که توانایی جهت‌دهی به قواعد و رویه‌های بین‌المللی را به تنهایی داراست معرفی کند. با این همه سایر قدرت‌های بزرگ با به چالش کشیدن آمریکا، تلاش‌های خود را برای تغییر این شرایط را با برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و استراتژیک ادامه دادند. این بازیگران همیشه به‌عنوان یک رقیب بالقوه جایگاه برتری و هژمونی طلبی آمریکا را تهدید می‌کردند. چین یکی از این قدرت‌های بزرگ است که توانایی‌های بالقوه این کشور برای تبدیل شدن به ابرقدرت و اشغال جایگاه فعلی آمریکا، باعث نگرانی استراتژیست‌ها و مقامات آمریکایی شده است. بنابراین با ظهور ساختار یک چند قطبی چین توانست خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌ها و کارگزاران اصلی نظام بین‌الملل معرفی کند و همچنین به صورت مستمر و تدریجی با افزایش توانمندی‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی فاصله خود را با آمریکا در این عرصه رقابتی کمتر کند و تهدیدی جدی برای جایگاه آمریکا در ساختار بین‌الملل باشد.

### قدرت اقتصادی

چین همواره در سالیان اخیر پیشرفت در حوزه اقتصادی را مهمترین هدف سیاست خارجی قرار داده است تا جایی که توانسته خود را به‌عنوان یک ابر قدرت اقتصادی در دنیا معرفی کند و همچنین به دنبال تثبیت جایگاه اقتصادی خود در مرکز و نه در پیرامون بوده است. بررسی سهم کشورهای مختلف از تولید ناخالص داخلی جهان بر مبنای قدرت برابری خرید طی یک بازه ۲۰ ساله نشان می‌دهد کشور چین که سال‌های متمادی سهم‌اش از تولید ناخالص داخلی جهانی کمتر از ایالات متحده آمریکا بوده، سرانجام در سال ۲۰۱۴ با سهم حدود ۱۶/۵ درصدی از GDP جهان بالاترین حجم تولید جهانی را به خود اختصاص داده است و از این منظر بالاتر از آمریکا در جایگاه اول قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۷ نیز سهم این کشور از تولید ناخالص داخلی جهان به حدود ۱۸/۳ درصد می‌رسد. بر اساس پیش‌بینی‌های صندوق بین‌المللی پول، تا سال ۲۰۲۲ چین با اختلاف نسبتاً قابل توجهی از سایر کشورها، همچنان پیش‌تاز اقتصادهای جهان خواهد بود. بر اساس آمارهای سازمان تجارت جهانی، ارزش صادرات کالا در کشور چین از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ بیش از ۸/۵ برابر شده است.<sup>(۳)</sup> رشد اقتصادی ۸ درصدی برای این کشور بعد از اصلاحات اقتصادی دنگ شیائو پینگ محقق شد. بسیاری از اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند که با تداوم این رشد اقتصادی، چین در سال ۲۰۲۵ بتواند خود را به‌عنوان بزرگترین اقتصاد دنیا معرفی کند. همچنین در گزارش روند جهانی که توسط شورای ملی اطلاعات آمریکا در سال ۲۰۱۲ منتشر شده است، تصریح شده که چین ظرف دو دهه به‌عنوان بزرگترین اقتصاد جهان از آمریکا پیشی خواهد گرفت<sup>(۴)</sup>.

### قدرت نظامی

چین در دهه‌های اخیر اقدام به نوسازی در ارتش و نیروهای نظامی خود کرده است. چه از نظر فناوری تسلیحاتی و چه از نظر سازمان نیروهای دفاعی دست به ابداعات نوینی زده است. در حال حاضر در یک فرایند منطقی، چین به موازات افزایش رشد اقتصادی،



توجه زیادی را به ارتقاء صنایع نظامی خویش نموده است. با افزایش بودجه نظامی، این کشور موفق شده تا فناوری‌های بومی کشور را در حوزه‌های دفاعی و نظامی بهبود بخشد. در حال حاضر چینی‌ها موشک‌های قاره‌پیمایی در اختیار دارند که قادر است خاک آمریکا را مورد اصابت قرار دهد. موشک‌های کروز چینی بردی معادل سه برابر مشابه آمریکایی خود دارند. علاوه بر این چینی‌ها موشک‌هایی دارند که می‌تواند به وسیله آنها ماهواره‌ها را مورد اصابت قرار دهند، اولین سری از این نوع موشک‌ها را با هدف قرار دادن یک ماهواره هواشناسی مورد آزمایش قرار دادند (۵). برخی از رسانه‌ها رقم رسمی هزینه‌های نظامی پکن را حدود ۱۸۰ میلیارد دلار اعلام کردند. اما موسسه یاد شده اعتقاد دارد مبلغ واقعی هزینه‌های چین در سال ۲۰۱۷ بیشتر از ارقامی است که به صورت رسمی از سوی دولت بیان می‌شود. رقم واقعی بودجه نظامی پکن در آن سال بیشتر از ۲۱۰ میلیارد دلار ارزیابی شده که شامل بودجه نظامی مرکزی و محلی، خریدهای تسلیحاتی و بخش‌های توسعه و تحقیق است. تارنمای «گلوبال فابریک» در زمینه تداوم رشد نظامی چین آورده است، این کشور می‌تواند مهم‌ترین رقیب برای توانایی‌های آمریکا و روسیه در آینده نه چندان دور باشد. براساس این پژوهش شمار کل نیروی نظامی رسمی چین نزدیک به ۲ میلیون و هفتصد هزار نفر است که حدود ۵۰۰ هزار نفر از آنها نیروهای ذخیره هستند. این کشور بیشتر از ۱۲۰۰ فروند هواپیمای جنگنده دارد ضمن اینکه نزدیک به ۳۰۰ فروند هلیکوپتر تهاجمی آماده رزم نیز در اختیار دارد. چین همچنین ۷۷۰ ناو و ناوچه جنگی دارد که دو عدد از آنها ناو هواپیمابر هستند. همچنین بایستی تاکید کرد که چین ۷۴ زیردریایی جنگی نیز دارد.

### قدرت سیاسی

یکی از موارد افزایش قدرت چین، ایفای نقش مسئولانه در محیط بین‌الملل و عملکرد مستقل این کشور به عنوان یک قدرت بین‌المللی است. رویکرد چین در جهت مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکا و مخالفت با راه‌حل و روندهای غربی برای حل مسائل و مشکلات منطقه‌ای و جهانی در حال حاضر نمود و ظهور بیشتری پیدا کرده است. یکی از موارد مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا و اتخاذ سیاست‌های مستقل، سازمان همکاری شانگهای است. چین سعی دارد با تقویت هرچه بیشتر سازمان همکاری شانگهای، از آن به عنوان اهرم قدرت استفاده کند. این کشور نقش تعیین کننده‌ای در سازمان همکاری‌های شانگهای دارد. از جمله تعیین خطمشی‌ها، تبدیل پیمان شانگهای به سازمانی نهادینه و حمایت مستقیم از پروژه‌ها و برنامه‌های آن. چین همواره با تصریح بر این امر که کشورهای منطقه می‌توانند مشکلات منطقه‌ای خود را در قالب همگرایی منطقه‌ای حل کنند، تلاش کرده است تا بدین وسیله مانع گسترش حضور و نفوذ هرچه بیشتر آمریکا در منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم شود. مورد بعد حضور چین در شورای امنیت سازمان ملل و برخورداری از حق وتو است که به این کشور یک توان سیاسی بالایی را داده تا بتواند هر چه بیشتر با این قدرت کارگزاری خود را تثبیت کرده و با همراهی روسیه به تغییر ساختار نظام بین‌الملل به صورت تدریجی بپردازد.

### قدرت فرهنگی

قدرت فرهنگی یکی از مظاهر قدرت در دنیای امروز به حساب می‌آید و نظریه پردازان واقع‌گرا نیز با وجود تأکیدی که به وجوه کمی قدرت مانند قدرت نظامی و اقتصادی دارند، قدرت نرم که می‌تواند شامل ایدئولوژی و فرهنگ اصیل باشد، را نیز جزو مؤلفه‌های شکل‌دهنده به قدرت واحدهای ملی به حساب می‌آورند. خاستگاه هویت مردمان چین از دو عامل نژاد و بنمایه‌های تاریخی- فرهنگی نشأت گرفته است. چین کشوری با تمدن چند هزارساله و دارای فرهنگی بسیار غنی است. فرهنگ حاکم بر این کشور دارای

ویژگی‌هایی است که باعث قدرتمند شدن این کشور می‌شود؛ از جمله این موارد کار و تلاش زیاد و قناعت است که این عناصر ریشه در عقاید باستانی چینیان و به خصوص آیین کنفوسیوسی دارد. در این آیین بر اجرای اصول عادلانه در زندگی تأکید شده است که از جمله آنها می‌توان به اصل شو اشاره کرد که بیان می‌کند: آنچه بر خود روا نمیداری بر دیگران روا مدار. سیاستمداران و رسانه‌های چینی مرتباً صلح آمیز و انسان مدارانه فرهنگ چینی استناد می‌کنند و آن را گزینه‌ای مناسب برای مبنای قرار گرفتن در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌نمایند که این مهم نقش مهمی در تضعیف هنجار لیبرال دموکراسی داشته است. از سوی دیگر زبان چینی به دلیل اقتصاد قدرتمند چین به تدریج در حال تبدیل شدن به زبان تجاری دنیا است. مجموعه این عوامل می‌تواند قدرت نرم چین را در مدت نه چندان طولانی به تهدیدی جدی برای هژمونی فرهنگی آمریکا تبدیل کند.

### اهداف چین در نظام بین الملل

چین در سیاست خارجی فعلی خود اصول و اهدافی را به صورت عام و خاص برای تثبیت جایگاه خود در نظام بین‌الملل و کم کردن این جایگاه با آمریکا دنبال می‌کند. در اهداف عام، چین به دنبال ۴ مولفه مهم می‌باشد. در مولفه اول چین درصدد تقویت و حداکثر سازی منافع سیاسی، حاکمیتی و استقلال خویش است تا بتواند خود را به یک قدرت بزرگ مستقل تبدیل کند و در نهایت در مدیریت روندهای بین‌المللی مشارکت داشته باشد و همچنین سایر رقبا نتوانند منافع و اهداف چین را محدود کنند. مولفه دوم تقویت و حداکثر سازی منافع اقتصادی و توسعه‌ای است. به این منظور که با توسعه مستمر اقتصادی و ارتقاء آن به جایگاه اول اقتصاد جهانی نائل شود که می‌توان تلاش چین را برای رسیدن به این مهم در ابر پروژه‌های آفریقا و پاکستان مشاهده کرد. مولفه سوم تقویت و حداکثر سازی امنیت و منافع امنیتی است. در این مولفه چین در تلاش است به امنیت گسترده و مطمئن دست یابد. مولفه چهارم نیز تقویت و حداکثر سازی منافع هویتی برای تبدیل شدن به چین بزرگ واحد است تا هویت چینی حفظ شود، شکاف‌های جدایی طلبی در چین دیده نشود و در نهایت آمریکا از تجزیه طلب‌های چینی استفاده نکند. در اهداف خاص چین می‌توان به حداکثر سازی موقعیت و نفوذ خود در دامنه جهانی در عناصر اصلی روابط و سیاست بین‌الملل اشاره کرد. در این راستا چین سه موضوع اصلی را دنبال می‌کند. موضوع اول مخالفت با ساختار فعلی نظام بین‌الملل (یک چند قطبی) به صورت تدریجی، محافظه کار و همچنین تلاش برای تقویت تکثر در ساختار نظام بین‌الملل است. بنابراین با این نوع سیاست چین می‌تواند نفوذگذاری خود را پررنگ‌تر کند. موضوع دوم کارگزاری می‌باشد که در این موضوع چین به دنبال ممانعت از تحدید کارگزاری موثر و تقویت موقعیت این مهم به‌عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی است که چنین استراتژی را می‌توان در فشارهایی بر آمریکا ناشی از فعالیت گسترده اقتصادی مشاهده کرد. موضوع سوم الگوی هنجاری چین می‌باشد در این راستا چین در تلاش است با استفاده از قدرت نرم و فرهنگی خود الگوی لیبرال دموکراسی را تضعیف و الگوی دولت توسعه‌گرای اقتدار گرای مدرن یا دولت محوری را گسترش دهد.

### اهمیت همکاری‌های جامع (۲۵) ساله ایران و چین

همانطور که در بالا نیز اشاره شد با توجه به اهمیت جایگاه چین در نظام بین‌الملل و با در نظر گرفتن توانایی‌های این کشور در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی و همچنین نگاه انتقادی چین به ساختار آمریکا محور نظام بین‌الملل، می‌توان چنین استناد کرد که همکاری جامع (۲۵) ساله ایران و چین منافع زیادی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. چین می‌تواند در زمینه‌های اقتصادی با توجه به قدرت بالای خود و حضور موثری که در سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی دارد به خصوص در شرایط تحریم‌های

ناجوانمردانه آمریکا به بهبود وضعیت اقتصادی ایران کمک بسیار زیادی کند. همچنین با توجه به قدرت سیاسی چین، حضور فعال و تاثیرگذار در نهادها و رژیم‌های بین‌المللی و همچنین برخورداری از حق وتو شورای امنیت، این کشور می‌تواند در راستای حمایت سیاسی-دیپلماتیک، سیاست‌های آمریکا و غرب را علیه ایران خنثی کرده و در مذاکرات بین‌المللی نیز اثر گذاری مطلوبی برای منافع ایران داشته باشد. مورد بعد قدرت نظامی و تسلیحاتی چین می‌باشد که این کشور با فروش و کمک تسلیحاتی به ایران و همانطور که در سند همکاری جامع و همچنین سند امنیت ملی چین نیز تاکید شده این کشور می‌تواند نقش زیادی در تامین امنیت منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم داشته باشد. بنابراین با توجه به سیاست‌های ضد آمریکایی چین و اهمیت جایگاه این کشور در نظام بین‌الملل ایران می‌تواند در سایه این همکاری جامع با کم کردن فشارهای تحریمی، افزایش توان اقتصادی، تاثیرگذاری در روندهای بین‌المللی و خرید تسلیحات نظامی استراتژی حضور خود را در منطقه تقویت کرده و همچنین باعث افزایش توان بازدارندگی در برابر دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شود.<sup>۶۸</sup>

### آینده محتمل و غیر محتمل روابط چین با ایران:

سناریوهای پیش روی این سند:

خلیج فارس یکی از مناطق استراتژیک دنیاست که از دیرباز همواره دغدغه‌های امنیتی داشته و بحرانهای فراوانی فراروی خود دیده است. تأمین امنیت این منطقه که استراتژیکترین حوزه منافع ملی ایران به شمار میرود، یکی از دغدغه‌های امنیتی حکومت‌های مختلف ایران بوده و همچنان نیز هست. در دوران معاصر، امنیت این منطقه همواره متکی به قدرتهای بزرگ بوده و هیچگاه امنیت منطقه ای بومی و پایدار در آن شکل نگرفته است. در دوران پهلوی اول، امنیت این منطقه متکی به انگلستان بود؛ اما در دوره پهلوی دوم، با افول قدرت بریتانیا و جایگزینی آن با قدرت ایالات متحده آمریکا، امنیت این منطقه نیز با اتکا به قدرت نظامی آمریکا تأمین میشد. از آن زمان تا کنون مراحل امنیتی و نظم‌هایی که در منطقه شکل گرفته، همواره آمریکا محور بوده است.<sup>۶۹</sup> وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری حکومتی مخالف آمریکا در منطقه، این نظم (آمریکا محور) دچار چالش شده و از آن زمان ایران همواره به عنوان یک قدرت منطقه ای که هژمونی آمریکا در منطقه را به چالش کشیده، مطرح است. اهمیت استراتژیک و منابع انرژی فراوان خلیج فارس باعث شده است قدرتهای مختلف از جمله چین برای حضور در این منطقه ابراز علاقمندی کنند. از دیدگاه رئالیستی، هر چه تعداد قدرتهای بازیگر و قطب‌های تشکیل دهنده موازنه قوا در یک منطقه بیشتر باشد، آزادی عمل قدرتهای منطقه‌ای و قدرتهای کوچک نیز بیشتر میشود و این قدرتها، فرصت و فضای بیشتری برای بازیگری و نقش آفرینی به دست می‌آورند. بنابراین حضور چین در خلیج فارس ممکن است خالق فرصتهای جدیدی برای جمهوری ایران به منظور تأمین منافع و افزایش مطلوبیت‌های

<sup>۶۸</sup><http://peace-ipsc.org>

فصلنامه علمی- پژوهشی آفاق امنیت / سال ششم / شماره بیست و یکم- زمستان ۱۳۹۲

امنیتی خود باشد. توجه به رغبت قدرتهای بزرگ دیگر مانند چین و روسیه برای حضور در منطقه و فرصت ها و چالش هایی که ممکن است حضور آنها ایجاد کند، سناریوهای امنیتی\_اقتصادی برای تأمین امنیت و اقتصاد خلیج فارس فرا روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد: سناریوی اول، (امنیت آمریکا محور)؛ سناریوی دوم، (امنیت دسته جمعی)؛ سناریوی سوم، (توازن قوا) در مقابل آمریکا و اما مولفه های اقتصادی به این صورت که درست است که دوری جستن از اقتصاد لیبرالی غرب این حسن را دارد که از مخاطرات و تهدیدات آن تا حدی مصون باشیم، اما باید این نکته را مد نظر داشت که سیاست نگاه به شرق و اتکا به کشوری نظیر چین نمی تواند در بلند مدت پاسخگوی نیازهای اساسی و بنیادین اقتصادی ایران باشد. کار حالی ما به شرق نگاه میکنیم و تمرکز داریم که چینی ها نگاهشان به میزان چشمگیری بسمت غرب است. در واقع چینی که قرار است با آن روابط نزدیک داشته باشیم، برای توسعه و پیشرفت و نقش آفرینی در معادلات جهانی خود متکی به غرب است. بویژه آن که این کشور همواره سعی کرده تا از سیاست تقابل با آمریکا امتناع کند. دوم، علاوه بر این، دستگاه سیاست گذاری کشور نباید به دنبال سیاست هایی باشد که یکی را در مقابل دیگری قرار دهد. زیرا شرایط فعلی نظام بین الملل تغییر یافته و وابستگی متقابل کشورها و الزامات بینالمللی سبب شده تا دیگر هیچ کشوری نتواند به تنهایی بقای خویش را تأمین و حفظ نماید. به عبارتی، در عصر پسا جنگ سرد و پایان تقابل شرق و غرب (همکاری و رقابت) جایگزین (اتحاد و دشمنی) شده است. به همین دلیل ضرورت دارد که ایران با همه دولتهای غربی و شرقی بر اساس احترام متقابل همکاری داشته باشد. سوم، همچنین، پرهیز از القای حس ناگزیری برای گسترش روابط با طرف مقابل، اصلی است که در ارتباط با کشور چین باید در نظر گرفته شود. به دیگر سخن، راهبردهای سیاست خارجی کشور باید به گونه های تنظیم شود که کشور مقابل به این نتیجه نرسد که کشور متقاضی روابط انتخاب محدود و خاصی دارد. چهارم، علاوه بر این، انسجام در تصمیم گیری، گسترش فعالیت دیپلماتیک کشور با بهره گیری از دیپلماسی چند جانبه، دوری از تاکتیک نیروی سوم و تاکید بر ایجاد توازن در روابط با شرق و غرب میتواند بخشی از دستور کارهایی باشد که آینده روابط میان تهران و پکن را در مسیری منطبق با منافع ملی قرار دهد. پنجم و نهایتاً این که، در جهانی که با ویژگی وابستگی متقابل شناخته میشود، اصل بدیهی در دیپلماسی و سیاست خارجی بهره گیری از مزیت نسبی تمام قدرتها و کشورها و تلاش برای متنوع سازی منابع دیپلماتیک است. اگر چه چین مزیتهایی برای ایران دارد اما صرف اتکا به آنها، علاوه بر ایجاد نوعی انحصار برای چینی ها، فی النفسه زمینه انزوای ایران را فراهم خواهد کرد.

سناریوی اول، (امنیت آمریکا محور)

سناریوی دوم، (امنیت دسته جمعی)

سناریوی سوم، (توازن قوا) در مقابل آمریکا

سناریوی چهارم، (توازن اقتصادی بین تمام کشورها) بر حسب منافع ملی

سناریوی ششم، (همکاری و رقابت) جایگزین (اتحاد و دشمنی)

سناریوی هفتم، عدم منزوی بودن و گزینه های اقتصادی جایگزین

نتیجه گیری :

چین در دوران پس از جنگ سرد توانسته است با حفظ رویکرد اقتصادی خود و اولویت دادن اقتصاد به سیاست، پایگاه و جایگاه خود را در جهان نوین به شکل روزافزونی توسعه دهد. به گونه ای که امروزه تحلیلگران آمریکایی بیشترین نگرانی را از افول آمریکا در قبال چین دارند و چین را بزرگترین قدرت اقتصادی سالهای آینده جهان، و بزرگترین تهدید برای آینده ی آمریکا می دانند. ترامپ کوشید با جنگ های اقتصادی متعدد و چند بُعدی، از سرعت توفیق اقتصادی چین بکاهد. اما تدابیر اقتصاد مقاومتی چین تاکنون موثر بوده و به این غول اقتصادی این امکان را داده است که همچنان برتری رشد اقتصادی خود در برابر سایر اقتصادهای رقیب را حفظ کند. اکنون چین تا مرزی از نبرد اقتصادی پیش رفته و تا لبه ای از برخورد تمدنی با غرب نزدیک شده است که احتمال تشدید این برخورد تا هر سطحی دور از ذهن نیست. تنش های روزافزون اقتصادی و سیاسی میان آمریکا و چین بازتابی از وحشت روزافزون طرفین از قریب الوقوع بودن این برخورد تمدنی و رسیدن تنش ها به نقطه ی بدون بازگشت است. چینی ها مدت ها است به دنبال تدابیری بازدارنده هستند که دسترسی آنها به مدیترانه را از طریق غیر از کانال سوئز فراهم آورد. اگرچه حمل و نقل دریایی ارزان تر و ساده تر است اما وجود و حفظ راهی زمینی برای رسیدن به مدیترانه، یک عامل بازدارنده قوی برای جلوگیری از استفاده غرب از این پاشنه آشیل است. اگرچه چینی ها همواره دسترسی به آسیای میانه را هدف برنامه یک پهنه یک راه قید می کنند اما هدف اصلی آنها، دور زدن هند چه از شمال و چه از جنوب، و دسترسی به مدیترانه از طریق غیر از کانال سوئز است. و این درست جایی است که ایران نقشی اساسی ایفا می کند. ما تنها کشوری هستیم که در عین دسترسی به اقیانوس هند از طریق دریای عمان، امکان دسترسی به مدیترانه را نیز داریم. نه عراق توانایی دسترسی مستقیم به بیرون از تنگه هرمز را دارد و نه مسیر روسیه به ترکیه برای رساندن بار چین به مدیترانه صرفه اقتصادی دارد. راهبرد چین و ایران یک وجه مشترک دارد: اتصال ایران\_عراق\_سوریه! ایران از طریق تقویت این ارتباط، خواهان خروج آمریکا از منطقه و تضعیف موضع اسرائیل است و چین خواهان دسترسی آسان در زمان ضروری و لازم، به آبهای مدیترانه است. این تصمیم مشترک سالهاست که اتخاذ شده و حضور تثبیت شده ایران در بندر طرطوس سوریه، و کنترل گذرگاه مرزی البوکمال در استان دیر الزور سوریه و گذرگاه القائم در استان الانبار عراق طی سالهای اخیر با مجاهدت های سردار سلیمانی و یارانش استحکام یافته است. اکنون با این مجاهدت ها ایران دارای متاع بی بدیل و گرانبهایی است که یک مشتری راهبردی خاص دارد. مشتری خاصی که می تواند از طریق یک پیمان راهبردی ویژه، اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران را که بهای سنگینی برای رسیدن به وضع موجود متحمل شده است متحول سازد.



یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.  
۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
National Geography Organization Of Iran  
15 February 2021



## بررسی نقش روابط ژئوپلیتیکی منطقه ای در بی ثباتی امنیتی کشور عراق

حسین عباس حسین العاصی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

### چکیده

جنوب عرب آسیا از جمله مناطق جغرافیایی است که از اهمیت و جایگاه برجسته ای برخوردار می باشد. این اهمیت و جایگاه برجسته جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی به صورت های مختلف بازیگران را در سطوح مختلف جذب کرده است و مناسبات و کنش ها درون منطقه را تا حد زیادی افزایش داده است. با توجه به این اهمیت و نقش مناسباتی که در منطقه وجود دارد مقاله حاضر تلاش دارد با روش توصیفی و تحلیلی به این سوال پاسخ دهد که رقابت های منطقه ای چه نقشی در بی ثباتی امنیتی کشور عراق دارند. بر این مبنای، تحقیق حاضر مربوط به مطالعه متغیرهای محلی و منطقه ای تأثیرگذار بر امنیت و ثبات کشور عراق است. و همچنین به چالش ها و تهدیدهایی که امنیت ملی عراق و ماهیت روابط بین کشورها را تحت تأثیر قرار می دهد می پردازد. بعد از اشغال عراق توسط آمریکایی ها در سال ۲۰۰۳، امنیت عراق برای مدتی دچار ضعف شد، با توجه به این امر، درگیری های منطقه ای در منطقه منجر به بی ثباتی امنیتی شده است که به یک چالش بزرگ برای منطقه عرب و آینده سیاسی آن و قرار گرفتن در نقشه جهانی تبدیل شده است بنابراین باید سیستم امنیت منطقه ای با شرایط جدید، توسط معادلات ژئواستراتژیک از نو تنظیم شود. در مجموع نتایج نشان دهنده آن است که بازیگری و نقش آفرینی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای به نوعی در امنیت کشور عراق اثرگذار می باشد و باید تلاش شود درک بهتری جهت بهبود و ثبات امنیتی کشور عراق مبتنی بر رقابت های منطقه ای در نظر گرفته شود.

**کلمات کلیدی:** عراق، رقابت های منطقه ای، بی ثباتی امنیتی

### مقدمه

مناسبات و رقابت های منطقه ای ابعاد مختلفی دارد و مختص همه کشورهای پیرامون آن است، از آنجا که درگیری های منطقه ای بین کشورها گسترش می یابد منجر به بی ثباتی سیاسی در کشورها می شود، و باعث رقابت کشورها میشود ما در مطالعه خود، به دنبال عوامل پدیده بی ثباتی در عراق از طریق دخالت مستقیم در امور داخلی و خارجی عراق هستیم. هدف از این پژوهش شناخت درگیری های منطقه ای در حال وقوع در منطقه و همچنین تجزیه و تحلیل چالش های داخلی و خارجی که دولت عراق با آن روبرو است و بررسی تأثیر این درگیری ها بر امنیت و ثبات دولت عراق است. اهمیت این مطالعه در تجزیه و تحلیل و آگاهی از درگیری های منطقه ای و تأثیر این منازعات بر بی ثباتی امنیت عراق است که تاکنون ادامه دارد. بنابراین، شرایط امنیتی عراق مستلزم درک و آگاهی است تا از این طریق خطرات پیرامون آن و نحوه مقابله با آنها را شناخت.

این پژوهش با این فرضیه آغاز می شود که مداخلات قدرت های منطقه ای و بین المللی عامل اصلی بی ثباتی عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون است. این مداخلات تمام اختیارات دولت را از بین می برد و امنیت آن را به عنوان یک کشور در محیط منطقه ای خود تهدید می کند. به منظور اثبات این فرضیه، از روش تحلیل توصیفی و تاریخی برای درک و نگاشته شدن موضوع تحقیق استفاده شده است. امنیت ملی عراق به دلایل رخدادهای سیاسی که در منطقه رخ میدهد از اهمیت بالایی برخوردار است. عراق از نظر موقعیت جغرافیایی کاملاً متمایز بوده و نقش منطقه ای متفاوتی دارد، بنابراین به جغرافیای این کشور اهمیت زیادی داده شده است. و نقش موقعیت جغرافیایی آن در روابط سیاسی بین المللی بسیار حائز اهمیت است. هرچه ارزش آن بیشتر شود، وضعیت سیاسی کشور و توانبخشی مداوم آنها برای برآوردن الزامات نقش سیاسی و تعهدات سیاسی، و اجرای نقش های ترسیم شده افزایش می یابد. واقعیت این است که عراق به یک معضل افتاده است. زیرا در مقابل مزایای نقش، محیطی وجود دارد که هزینه های سازگاری آن را افزایش می دهد زیرا برخی از نقش ها و الزامات با آنچه که دولت عراق میخواهد تلاقی دارد مانند اختلاف ملی، فرقه ای و سیاسی. برخی دیگر دارای پیوندهای سیاسی بین المللی هستند که باعث می شود توانایی ها و منابع خارج از دایره اندازه گیری توانایی خود را بدست آورند. (ترکیه، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس ...) کشور عراق یکی از برجسته ترین کشورهای عربی شناخته می شود که موقعیت منطقه ای و بین المللی را اشغال کرده و عواقبی را بر خود تحمیل کرده است که در همه ابعاد و امور داخلی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی منعکس شده است.

از سوی دیگر، امنیت ملی عراق با چالش های خارجی روبرو است که ناشی از تغییرات منطقه ای و بین المللی است، به ویژه تأثیر اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط آمریکایی ها و حوادثی که غزه از سال ۲۰۰۷ شاهد آن بوده و همچنین انقلاب های کشورهای عربی که در سال ۲۰۱۱ رخ داد. با توجه به اوضاع امنیتی و پیامدهایی که منطقه شاهد آن بوده امنیت ملی عراق با ابعاد داخلی و خارجی خود در رأس اولویت های سیاست عراق قرار گرفته است. بر این اساس، و با توجه به ویژگی ژئوپلیتیکی که در وضعیت منطقه ای کشور عراق وجود دارد، نگرانی امنیتی وی با اتخاذ تدابیر و سیاست ها با حساسیت نسبت به شرایط پیرامونش به نوعی استثنایی بیان شد. در مجموع تحقیق حاضر تلاش دارد به صورت های مختلف نقش رقابت های منطقه ای را در بی ثباتی کشور عراق مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.



**۲- چارچوب های نظری و مفهومی****۲-۱- مفهوم امنیت**

مفهوم امنیت با مطالعه سیاست بین الملل و با مفهوم «دولت» که نمایانگر واحد اصلی در سیستم بین المللی است پیوند خورده است و یکی از دلایل ظهور دولت، امنیت است (محمد، ۲۰۱۳: ۱۹۹۹). این مفهوم با شکل گیری دولت ملی در اروپا پس از معاهده وستفاليا در سال ۱۶۴۸ ظهور کرد، که براساس آن شکل سیستم بین المللی تغییر کرد و دوره جدیدی از زندگی جهان که بیانگر اندیشه روشنگری است نمایان شد. تمایل هر کشور برای حفظ جغرافیا، جمعیت و توانایی های ملی خود، و ترس از همسایگان خود، مفهوم امنیت ملی را تقویت می کند و توسعه و بهبود آن را افزایش می دهد (رزاق و احمد، ۲۰۱۵: ۴).

**۲-۲- مفهوم بی ثباتی**

مفهومی نسبی است و براساس یک شاخص یا گروهی از شاخص ها تعیین نمی شود، بنابراین «ساموئل هانتینگتون» آن را بر اساس معادله ای تعریف می کند که بی ثباتی برابر با تقاضاهای سیاسی تقسیم شده توسط نهادهای سیاسی است، به این معنی که بی ثباتی سیاسی با افزایش تقاضاهای سیاسی و عدم توانایی نهادهای سیاسی افزایش می یابد. این تعریف به طور مستقیم با خواسته های سیاسی و بی ثباتی متناسب است، زیرا ثبات سیاسی با استفاده از زور و خشونت که مخالفان رژیم را سرکوب می کند، تأمین نمی شود، زیرا زور نمی تواند خواسته های سیاسی را لغو کند بنابراین این خواسته ها باقی مانده و وجود دارند، اما ماهیت موضوع افزایش می یابد (داوود، ۲۰۰۳: ۳).

مفهوم نفوذ (بی ثبات سازی): سیستم سیاسی به عنوان خدای بندگان توصیف شده است، این موضوع به دلیل انقلاب های دینی توسعه یافت و سیستم سیاسی مانند پدر برای فرزندان توصیف شد و بنابراین گفته شد که این یک سیستم مردسالار است. این اصطلاح با عناوین دیگری مانند دموکراسی، مدنی و شهروندی جایگزین شده است، اما محتوای آن تغییر نکرده است. اما آنچه تغییر کرده است فقط روش است و محتوا هنوز قابل قبول است. این بدان معنی است که دولت موفق باید در همه زمینه های زندگی افراد مدیریت داشته باشد، به دورترین شهروند برسد و نیازهای او را تأمین کند. بنابراین، این سیستم توانایی نفوذ مثبت دولت به دورترین نقطه از زندگی شهروندان را دارد، از این تعریف مشخص می شود که ثبات سیاسی در نحوه اداره کشور از شرایط و سیستم های سیاسی خاصی برخوردار است (سیدابراهیم، ۲۰۰۳: ۴۵-۴۴).

**۲-۳- مفهوم روابط ژئوپلیتیک**

روابط ژئوپلیتیک روابطی هستند که بین کشورها و دولت ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می شوند. در شکل گیری هر گونه رابطه بین بازیگران، عنصر سیاست در قالب بازیگران سیاسی یا اراده ای که به ماهیت رابطه شکل می دهد و نیز اقدامات و کنش هایی که توسط بازیگر انجام می شود پدیدار می گردد. الگوهای روابط ژئوپلیتیک عبارتند از:

رابطه تعاملی: رابطه مبتنی بر برابری قدرت

رابطه سلطه: رابطه مبتنی بر نابرابری قدرت

رابطه نفوذ: عبارت است از ظرفیت و توان یک بازیگر برای تغییر یا تحمیل رفتار خاص بر بازیگر دیگر در سیستم بین المللی. رابطه رقابتی: این رابطه بر پایه برابری نسبی قدرت بین بازیگران شکل می گیرد (حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۴۹۹-۴۹۲).

### ۳- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی- تحلیلی است و برای گردآوری و فیش برداری آن از اطلاعات کتابخانه‌ای، میدانی و اینترنتی استفاده شده است. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیایی- سیاسی آن تلاش دارد به این سوال اصلی پاسخ دهد که روابط ژئوپلیتیک منطقه ای چه تأثیر بر بی ثباتی امنیتی کشور عراق دارد؟

### ۴- یافته های تحقیق

#### ۴-۱- تأثیر رقابت های متعارض کشورهای قدرتمند بر عراق

به نظر نمی رسد قدرت منطقه ای در خاورمیانه محصول این لحظه باشد. بلکه این یک تعارض با ریشه ها و ثابت های تاریخی است، زیرا هر کشوری به دنبال دستیابی به منافع خود و تحمیل اراده خود به بقیه رقبای خاورمیانه است. به ویژه پس از انقلاب های «بهار عربی»، و ظهور یک نظم منطقه ای چند قدرته در خاورمیانه، اما هنوز در مرحله شکل گیری است. بنابراین، این مرحله یک فرآیند انتقالی در نظر گرفته می شود تا یک الگوی منطقه ای جدید را از نظر شکل و ماهیت تعاملات و اتحادها و توازن نسبی قدرت بین قدرت های مختلف خاورمیانه تشکیل دهد. از جمله قدرتهای فعال غیرعربی، اسرائیل و ترکیه، علاوه بر این، قدرتهای عربی موثری مانند عربستان سعودی و مصر نیز وجود دارند. درگیری در منطقه حول محور چندین جنبه می باشد.

- حفظ مرزهای کشورها و انسجام ملی
  - حفظ هویت ملی که مردم پیرامون آن متحد شده اند اعم از ایدئولوژیک، مذهبی یا قومی
  - تشکیل محورهای منطقه ای و مقابله ای
  - کاتالیزورهای درگیری در منطقه قبل از انقلاب های «بهار عربی»
  - وجود دولت فعال و توانمند در سیستم منطقه ای
  - مبارزه برای سلطه و تحمیل اراده در خاورمیانه در حضور گروهی از نیروهای همگرای قدرت و توازن نسبی بین آنها
  - وجود برخی بحران ها و موضوعات اساسی در خاورمیانه، از جمله (بحران سوریه، مسئله عراق و بحران یمن).
- با توجه به این شرایط و درگیری های رخ داده در منطقه، در می یابیم که اعتراضات بهار عربی در خاورمیانه از زمان سقوط رژیم عراق، بسیاربر شکل و ماهیت منطقه تأثیر گذاشته است. به ویژه هنگامی که این حوادث و تحولات منجر به ظهور سایر قدرتها شد. (زیاد، ۲۰۱۶).

پدیده گسترش سازمان های تروریستی در منطقه، گسترش هرج و مرج، جنگ، درگیری و اتحاد بین قدرت های بزرگ منطقه ای و مداخلات نظامی، چه منطقه ای و چه بین المللی، باعث تحمیل امنیت و صلح بین المللی و مبارزه با تروریسم منجر شده است برای کنترل قدرت های بین المللی و برنامه های آنها در قبال خاورمیانه است، که با توجه به دیدگاه اصلی برنارد لویس در سال ۱۹۷۹ برای تغییر شکل نقشه در منطقه خاورمیانه از طریق تقسیم کشورها و معرفی سیستم های جدید مانند دموکراسی است (ابو شعیب، ۲۰۱۸: ۵).

به همین دلیل مشکل عراق بوجود آمد، زیرا در منطقه عراق اختلافات بیشتری بین قدرت های مختلف منطقه وجود دارد، که هر یک از آنها به دنبال پیروزی در حرکت های بیشتری هستند و گسترش نفوذ بر عراق، باعث تقویت سلطه در منطقه خاورمیانه می شود. دولت عراق در نبرد موصل و نبردهایی که نیروهای حشد الشعبی علیه داعش انجام داد، به دنبال خلاص شدن از شر نیروهای داعش بود که تهدید بزرگی برای امنیت عراق محسوب می شوند. همچنین، وقتی ما از عراق نام می بریم، نمی توان از تعداد جناح های قومی و عراقی در آن غافل شد، مانند کردهایی که در اقلیم کردستان عراق زندگی می کنند و همچنین اسرائیل که هدف آن گسترش هرج و مرج، و گرایش به فرقه گرایی و ملی گرایی در منطقه و به ویژه در عراق است. این کار برای تشویق گرایش های جدایی طلبی ملی و مذهبی انجام می شود تا بتواند یهودی بودن دولت را اعلام کند و مسئله فلسطین را با هزینه دولت های مستقر که در درگیری های بین آنها ایجاد خواهد شد، حل کند. این به اسرائیل اجازه می دهد تا به یک کنترل کننده درگیری های منطقه تبدیل شود تا به منابع منطقه دست یابد. اسرائیل برای اینکه بتواند پروژه «تئودور هرتزل» را که هدف آن دستیابی به کنترل مناطق حاصلخیز کشاورزی در جنوب سوریه و جزایر عراق و سوریه است، به اتمام برساند. از جدایی کردستان عراق حمایت می کند. همچنین مذاکراتی در حال حاضر بین ترکیه و اقلیم کردستان عراق در جریان است که تا حدودی با یکدیگر سازگار هستند. ترکیه به دنبال حمایت از کردهای عراق برای خلاص شدن و کنترل دولت شیعه در عراق است. بنابراین، این کشور از اتحاد خود با اقلیم کردستان عراق به عنوان پناهگاهی برای دستیابی به کنترل و تسلط خود استفاده می کند و ترکیه همچنین در جدایی اقلیم کردستان منافع خود را دارد زیرا در عراق نقش های متناقضی را ایفا می کند، که این امر باعث پیچیدگی صحنه منطقه می شود. از زمان آغاز بحران سوریه در ترکیه این سازمان با بهره برداری از گروه های تروریستی مانند (جبهه النصره، داعش) از این گروه های تروریستی ابزاری برای سرنوشتی رژیم سوریه استفاده می شود و آنها سرزمین های خود را به پناهگاه و گذرگاهی برای این گروه ها تبدیل کردند. تمام این محاسبات ترکی آنکارا را در یک حلقه اصطکاک با روسیه و آمریکا قرار داده است در مورد مسئله کردها، جنگ بین ترکیه و آمریکا وجود دارد و آنکارا در تلاش است تا با جلوگیری از تحکیم قدرت و نفوذ کردها در منطقه، به ویژه در مناطق هم مرز با مرزهای خود، نفوذ خود را در منطقه تحمیل کند. (السعدون و براك، ۲۰۱۳: ۱۳-۱۰)

#### ۴-۲- رقابت های ناشی از درگیری بر سر مناطق مرزی

درگیری های عراق در مرزهای اقلیم کردستان به یک قرن پیش برمی گردد و این درگیری ها پس از کشف نفت در کرکوک در اواخر قرن بیستم و ظهور جنبش ملی کردها در این منطقه شدت گرفت. حکومت بغداد هنگامی که کردها ادعا کردند که «کردستان» عراق از جمله کرکوک و میادین نفتی آن را تشکیل می دهد. توافق نامه خودمختاری که در سال ۱۹۷۰ مورد مذاکره قرار گرفت، یک منطقه کردنشین در عراق تأسیس شد، اما مرزهای آن را مشخص نکرد و این امر باعث تضاد بین مناطق مورد

مناقشه شد آنها از نظر قومی گروه های متنوعی هستند و در بین عراق عربی و کردستان واقع شده و بین مرز ایران در مرکز شرقی تا مرز سوریه در شمال غربی گسترش می یابد. حزب کارگران کردستان (به کردی: Partiya Karkerên Kurdistanê) که به صورت مخفف به شکل PKK نگاشته می شود، نام گروهی چپگرا و مسلح در کردستان ترکیه است که در تاریخ ۱۹۷۸ نوامبر تاسیس شد، که به صورت مسلحانه علیه دولت ترکیه برای خودمختاری کردستان مبارزه می کند. همچنین این گروه توسط آمریکا، اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورها به عنوان یک گروه تروریستی شناخته شده است (فیسیر و ریدار، ۲۰۰۸: ۳۴۷).

مناطق مورد مناقشه بین حکومت عراق و اقلیم کردستان یا مناطق کردنشین خارج از اداره اقلیم کردستان عراق است. حکومت عراق و اقلیم کردستان بر سر اداره این مناطق و استفاده از منابع نفتی آن کشمکش و درگیری دارند. زیرا این منطقه با ترکیب قومی مختلف از جمعیت و وجود نفت و گاز در این منطقه مشخص می شود. هر یک از چهارده منطقه تشکیل دهنده مناطق مورد مناقشه در چهار استان مختلف گسترش یافته و دارای ترکیبی متفاوت از مردم، فرهنگ ها و چالش ها است. هر یک از سه منطقه، یعنی کرکوک، خانقین و طوز، خورماتو، با احزاب مسلح رقیب، بین اجزای محلی خود و تنش با بغداد روبرو هستند مناطق مورد مناقشه به شرح زیر است: درگیری در عراق به دلیل موقعیت جغرافیایی آن در نقشه خاورمیانه و ثروت داخلی است و مناطقی که نفت عراق در آن واقع شده است از مناطقی است که در آن درگیری شدید از همه طرف وجود دارد و از جمله دلایلی است که منجر به بی ثباتی سیاسی در عراق می شود. در ادامه مناطق نفتی را که همه احزاب منطقه ای و بین المللی بر سر آن درگیر هستند را توضیح می دهیم.

#### **الف) رقابت ها بر سر شهر کرکوک**

کرکوک، شهری در کشور عراق و مرکز استان کرکوک است. و در منطقه گسترده ای دارای جمعیتی آمیخته از اقوام گوناگون واقع شده است استان کرکوک در مرزی بین منطقه اکثریت عرب عراق و اقلیم کردستان عراق قرار دارد. جمعیت آن علاوه بر گروه کوچکی از مسیحیان کلدانی و آشوری، شامل کردهای «سنی»، «عرب سنی»، ترکمن «سنی و شیعه» است. منطقه کرکوک شامل یک پادگان نظامی در یک مسیر مهم تجاری عثمانی بود، که وجود جمعیت ترکمن را توضیح می دهد و این منطقه حتی در سالهای اولیه جمهوری عراق حتی پس از کشف نفت، محل خلافت را تشکیل داد. میدان کرکوک بزرگترین میدان نفتی عراق است، زیرا ده ها سال درآمد دولت را فراهم کرده است و پس از کشف سایر میدان ها نیز اهمیت خود را از دست نداد. با این وجود، میدان کرکوک در طول جنگ قرن بیستم، هنگامی که میادین نفتی جنوب، زیرساخت ها و خطوط لوله آنها از کار افتاد، با توجه به رژیم های تحت رهبری بعثی ها با ایدئولوژی ملی گرایانه عرب، به عنوان یک حلقه نجات باقی ماند. این رژیم ها برای تحکیم کنترل خود بر نفت، کمپین های گسترده ای برای اعراب زدگی برای کرکوک انجام دادند و تحت حکومت صدام حسین، در جریان مبارزات انفال در سال ۱۹۸۸، این مسئله به نسل کشی رسید. سیاست های عربی سازی صدام حسین در این منطقه باعث تبعید و کشتار حدود ۱۲۰ هزار کرد، ترکمن و آشوری (پروژه انفال) از استان های شمالی عراق به جنوب آن کشور شد که به گفته دیدبان حقوق بشر سازمان ملل بیشتر آن ها از کرکوک و روستاهای اطراف بودند. و در حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳، این خشونت بازتاب بازگشت کردها و اعراب کرکوک بود و آنها از نظر سیاسی تحت حمایت آمریکا به حاشیه رانده شدند، دو حزب اصلی کرد، اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان، تسلط سیاسی و نظامی خود را برقرار کردند، اما آنها با وجود قصد اعلام شده قبلی خود از

طریق فرایند مندرج در ماده ۱۴۰ قانون اساسی، قادر به الحاق کرکوک به منطقه کردستان نبودند. در حالی که در سال ۲۰۰۷ همه پرسی در مورد وضعیت کرکوک و سایر مناطق مورد مناقشه برگزار شد عراق نیز در سطح استان انتخابات را برگزار کرد و کرکوک از این روند عقب ماند، زیرا احزاب محلی قادر به توافق نبودند. (ریدار، ۲۰۰۸: ۴۴)

ب) رقابت ها بر سر خانقین

این شهر در نزدیکی یک خط ارتباطی سیاسی بین مرزهای ایران و عراق واقع شده است و خانقین حتی در دوره های حاکمیت امپراتوری های عثمانی و ایران نیز مورد مناقشه بود. مناطق مورد مناقشه، شامل مناطق جلالوا، سعدیه و قره تپه است راه تهران - بغداد از شهر خانقین می گذرد که باعث تجارت و زیارت می شود. به لطف رودخانه دیالی که آن را آبیاری می کند، خاک آن بسیار حاصلخیز است. وجود نفت ممکن است دلیلی باشد برای ظهور جنبش ملی کردها و رهبران کرد تلاش کردند که خانقین را در اختیار خود قرار دهند. در آغاز دهه ۱۹۷۰، لغو ملیت و اخراج کردهای شیعه «فیلی» علاوه بر سیاست های عرب سازی توسط رژیم صدام، منجر به فشارهایی شد که دولت اقلیم کردستان پس از سال ۲۰۰۳ بر اعراب وارد کرد تا شهر خانقین را به مقصد سعدیه و جلالوا ترک کنند. و این مناطق دارای ترکیبی از ساکنان است، اما در شهر خانقین کردها ساکن هستند که به دو گروه سنی و شیعه تقسیم می شوند، در حالی که بیشتر جمعیت عرب، دارای اقلیت های بزرگ ترکمن و کرد هستند. از زمان تأسیس حکمرانی موثر از سال ۲۰۰۳، به ویژه در مناطقی که شوراهای محلی منتخب قادر به فعالیت در میان خشونت ها هستند، از شورش و واکنش جلوگیری شده است و از سال ۲۰۱۴ داعش کنترل مناطق سعدیه و جلالوا را به دست گرفت، اما نه اینطور که بتوانند شهر خانقین را کنترل کنند.

پس از پنج ماه حشد و پیشمرگان وابسته به اتحادیه میهنی کردستان را اخراج کرد. بازگشت ارتش و پلیس فدرال و ورود حشد درگیری های محلی را دگرگون کرده است. این جمعیت به محض بازپس گیری منطقه و انتقال مکان به جای دیگر، برتری خود را به دست گرفتند این بسیج به سازمان بدر و اسائب اهل الحق اجازه داد مالیات را برای بازرگانان و جاده ها وضع کنند و غیر شیعیان را بترسانند که آنها قانون و دولت را رعایت نمی کنند. پاسخ به این اقدامات این بود که بسیاری از کردها آنجا را ترک کرده بودند، برخی از آنها بازگردانده نشدند و برخی دیگر به دلیل کنترل داعش در منطقه مواضع خود را ترک کردند و امنیت هنوز ضعیف است و خدمات در دسترس نیست. گفته می شود پس از سال ۲۰۰۳ جمعیت از ترس تلافی احزاب کرد تلاش کرد، تعدادی از خانواده های کرد را از روستاهای منطقه جلالوا بیرون براند و دیگران را وادار به ترک کند. و در شهر خانقین که جمعیت آن عمدتاً کرد هستند کردها حزب اتحادیه میهنی کردستان را مدیریت کرده اند تا در آن رویدادها به پرونده امنیتی پایبند بمانند.

در سال ۲۰۱۷، دولت مناطق مورد مناقشه، منطقه خانقین را تحت کنترل خود درآورد و این امر به راحتی حاصل شد زیرا اتحادیه میهنی کردستان با عقب نشینی موافقت کرد.

ج) رقابت ها بر سر طوز خورماتو

منطقه طوز خورماتو رنج زیادی دیده است و در بعضی موارد به آن توز گفته می شود که در استان صلاح الدین در شمال بغداد واقع شده است. ساکنان این شهر متشکل از کردها، ترکمانان و اعراب هستند. این شهرستان تا پیش از سال ۱۹۷۶ م، جزو استان کرکوک عراق بود، اما پس از این تاریخ، به استان صلاح الدین ملحق گردید. خشونت و درگیری در آن پس از تسخیر ارتش عراق و

حشد در اول اکتبر ۲۰۱۷، بیش از سایر مناطق مورد منازعه بود. دلیل این امر این است که این منطقه از سال ۲۰۰۳ از درگیری های قومی و فرقه ای خشونت آمیز رنج برده است، علاوه بر اعراب سنی، کردها، ترکمن ها، سنی ها و شیعیان در آن شرکت داشتند. از آنجا که طوز یک مرکز حمل و نقل مهم است و در مسیر بغداد و کرکوک واقع شده است کرکوک در اصل یک مرکز ترکمن است، در حالی که حومه شمالی و شرقی آن عمدتاً کرد است و قبایل عرب در جنوب و غرب وجود دارند. این شهر دارای اکثریت ترکمن شیعه در شهر است، اما روستاهای منطقه عمدتاً سنی مذهب هستند و در منطقه سلیمان بیگ، غالباً عرب سنی مذهب هستند. در آن دوره (۲۰۰۳-۲۰۱۷)، منطقه طوز شاهد درگیری های مکرر بین احزاب کرد، به ویژه اتحادیه میهنی کردستان و احزاب ترکمن بود که کنترل امنیتی را بر عهده گرفته بودند این امر منجر به ورود داعش به بخش های جنوبی و غربی این منطقه در سال ۲۰۱۴ شد که باعث تخریب روستاهای عرب و ترکمن شد. اتحادیه میهنی کردستان برای جنگ با داعش با جنگجویان جمعیت شیعه متحد شد، نظامیان شیعه همچنین پس از تنها سه ماه کنترل داعش، منطقه (آمرلی) را در سپتامبر ۲۰۱۴ بازپس گرفتند و ارتش و حشد در سال ۲۰۱۵ این سازمان را از منطقه خارج کردند و در ژانویه ۲۰۱۵ جمعیت و نیروهای امنیتی حدود ۷۰۰ عرب را دستگیر کردن دلیل آن سو ظن به وابستگی یا پشتیبانی از داعش است. ولی داعش همچنان مناطق غربی طوز را تهدید می کرد و به حومه شهر نزدیک می شد.

### ۳-۴- دو بازیگران موثر در رقابت در عراق

#### الف) ایالات متحده آمریکا

فولکر پرتس، دانشجوی آلمانی گفت که ایالات متحده در هنگام حمله و اشغال عراق کل منطقه خاورمیانه را در اهداف خود قرار داده است و مقابله با آن اشتباه است. در حالی که این بدان معنی است که هدف کنترل خاورمیانه فرآیندی بود که پس از حوادث سال ۲۰۰۳ اتفاق افتاد، از جمله اهداف استراتژیک گسترش دموکراسی است، اگر عراق ثبات سیاسی پیدا می کرد یا منازعات عرب و اسرائیل حل و فصل می شد، این امر محقق نمی شد. تفکر آمریکایی بر سه رکن اساسی استوار است: استفاده از نیروی نظامی، کنترل منافع اقتصادی، تعمیم ارزش های لیبرال. سیاست خارجی آمریکا در دهه های گذشته از طرق مختلف تقویت شده است تا اینکه به مرحله امپریالیسم امپراتوری آمریکا رسیده است. ایالات متحده آمریکا عراق را انتخاب کرده است زیرا این کشور ساده ترین و ضعیف ترین حلقه در منطقه است، و اگرچه شرایط منطقه ای و عربی به ایالات متحده کمک کرد تا برنامه سیاسی خود را برای بازسازی عراق و اشغال مستقیم، حدود ۵-۱۰ سال قبل از ورود به روند سیاسی تسریع کند، با این حال، موفق شد مرحله تحولات پسا سیاسی را در عراق ایجاد کند و این همان چیزی است که عراق در سه مرحله شاهد آن بوده است (شذی زکی، ۲۰۱۱: ۳۶).

- مرحله تغییر نظام سیاسی در آوریل ۲۰۰۳ با اشغال بغداد.

- مرحله تأسیس یک نهاد سیاسی ضعیف مرتبط با بقای ایالات متحده.

- مرحله سوم و نهایی آغاز حضور دائمی آمریکایی ها است.

ایالات متحده مناطق بالقوه را به کار می گرفت که به صورت زیر ارائه میشوند:

- ایجاد پایگاه های نظامی، و این مستلزم توافق امنیتی بین ایالات متحده و عراق، در زمینه ارائه کلیه اطلاعات، و تعیین مقررات اساسی در حدود ۴ پایگاه اصلی است که انتظار می رود پس از خروج نیروهای آمریکایی، آن پایگاه ها پایگاه های دائمی باشند (پایگاه هوایی علی بن ابی طالب در نزدیکی نا صریه پایگاه هوایی حریر در شمال عراق، پایگاه هوایی الشعبیا در غرب بغداد، پایگاه شرق بغداد

- ایجاد پایگاه های اطلاعاتی در مناطق جداگانه عراق به عنوان ایستگاه های جاسوسی دائمی در عراق و کشورهای همسایه -مداخله از عراق علیه کشورهای همسایه در صورت نیاز و لزوم -تحت فشار قرار دادن کشورهای منطقه برای اجرای اصلاحات در سیستم حکومتی یا سیستم های اقتصادی و آموزشی آنها. (عطوان، ۲۰۱۸: ۱۵۰-۱۴۹).

بنابراین، اهداف سیاست های خارجی با توجه به ضعف سیاسی و منافع ایالات متحده، برای عراق روشن است.

### ب) ترکیه

با مقایسه ترکیه و ایران با توجه به اینکه فرقه های موجود در عراق، بیشتر است در می یابیم که تعداد زیادی شیعه در عراق وجود دارند و ترکیه فقط فرقه های ترکمن دارد، ترکیه تمرکز خود را بر وجود روابط دوجانبه با دولت بعثی گذاشته است. روابط قوی بین ترکیه و جامعه عراق وجود ندارد ترکیه هنوز یک حزب مهم در آینده عراق است و در واقع ما می توانیم به نو سانات او ضاع در عرصه عراق نگاه کنیم، هیچ کشور همسایه نمی تواند روند تحولات آینده را در آن تعیین کند، اما ترکیه توانایی جلوگیری و تسهیل پیشرفت ایالات متحده و متحدانش در این کشور را دارد، بنابراین آنکارا این توانایی را دارد که خطوط تأمین آمریکا را نقض کرده و مانع استفاده ارتش آمریکا از پایگاه هوایی اینجیرلیک و توسل به جبهه ترکمن عراق شود تا تنش روابط قومی بین آنها افزایش یابد. برخی از ترکمن های شیعه علی رغم عدم وابستگی به جبهه ترکمن های عراق در منطقه تلغفر و حتی در کرکوک، در کنار شورشیان علیه ایالات متحده و دولت علاوی قرار گرفتند.

جبهه ترکمن عراق، صرف نظر از ترکیه، تا حدودی نفوذ کرده و حتی شرایط واقع بینانه در کرکوک و فراتر از آن را نقض می کند و ترکیه دائما در تلاش است تا انگیزه های مثبتی در عراق داشته باشد. موارد زیر را می توان توضیح داد.

- تغییر گفتمان ها و پیشنهاد کمک سیاسی به کردها به کاهش برخی از تنش های قومی بین کردها و ترکمن ها کمک می کند تا گفتگو درباره کرکوک امکان پذیر شود

- از وجود یک نهاد سکولار کرد یا یک کشور مستقل سود می برد زیرا در صورت وخیم شدن بیشتر اوضاع، این نهاد می تواند نقش مهمی در منطقه حائل داشته باشد.

- تغییر گفتمان ترکی نسبت به کردها همچنین به کاهش تنش های داخلی در ترکیه کمک خواهد کرد. این تغییرات در تأثیر روند الحاق به اتحادیه اروپا منجر به بهبود زمینه شده است

همچنین، این همگرایی از نظر اقتصادی به نفع ترکیه در استانهای جنوب شرقی خود است که در طول دهه ۱۹۹۰ از شورش حزب کارگران کردستان رنج فراوانی برد. علی رغم دخالت همه این کشورها در عراق، و هر یک از آنها منافع و رقابتی برای حضور در عراق دارند، حضور آمریکایی ها در عراق مانع توانایی ترکیه برای تأثیرگذاری در روند حوادث در این کشور می شود اگر ایالات متحده،

عراق را قبل از اینکه ثبات در آن حاکم باشد ترک می کرد، ما متوجه می شدیم که آنکارا هنوز طرفها و گزینه های بیشتری در عراق دارد، خصوصاً در توانایی جلوگیری از وقوع برخی تحولات.

#### ۴-۴- پیامدهای ناشی از رقابت های ژئوپلیتیک در عراق

معانی ثبات به طور عام، و ثبات سیاسی به طور خاص، متفاوت است. ثبات در یکی از معانی آن چیزی است که بر روی یک حرکت خاص ثابت می شود، این حرکت طبیعی آن است، به این معنی که ثبات به معنای عدم حرکت یا رکود نیست بلکه این فرکانس و تکرار منظم است، به عنوان مثال می گوئیم زمین در چرخش خود پایدار است یعنی حرکت می کند و می چرخد، اما حرکت و چرخش آن مکرر و مداوم است. ثبات سیاسی به این معنی است که یکی از سیستم های سیاسی در یک کشور مسیر مشخصی را طی می کند، بدون اینکه با مکث یا تغییر ناگهانی در حرکت آن همراه شود و باعث اشتباه در سیستم کلی آن شود (عیسوی، ۲۰۰۱: ۱۵۶).

در این حالت، ثبات به معنای راکد و عدم توسعه نیست، بلکه باید توسعه و پیشرفت وجود داشته باشد، و باعث تقویت و پویایی سیستم و افزایش کارایی و هماهنگی آن شود. در مورد بی ثباتی سیاسی، معنای آن مخالف ثبات است، به عبارت دیگر، شوک های بزرگ و اساسی وجود دارد که سیستم را از روند معمول خود منحرف کرده، سیستم را دچار اشتباه کرده و کار آن را معیوب می کند (نعیمی، ۲۰۰۱: ۱). از جمله تعاریف مهم بی ثباتی سیاسی این است که بی ثباتی (به منظور ناتوانی نهادهای سیاسی در انطباق با تغییرات محیط پیرامونی و پاسخگویی به چالش های ناشی از این محیط است) دستیابی به ثبات سیاسی در یک کشور موارد مختلفی را می طلبد و از جمله آنها موارد زیر باشد:

#### ✓ مشروعیت

مشروعیت یکی از مهمترین موضوعاتی است که ثبات سیستم های سیاسی به آن بستگی دارد، زیرا نشان دهنده طنابی است که مردم را به حاکمان آنها متصل می کند، و اعتماد متقابل این دو را نشان می دهد که ممکن است به طور قانونی مانند انتخابات حاصل نشود همانطور که در سلطنت وجود دارد، و نیروهای سیاسی ممکن است به روش غیر مسالمت آمیز مانند کودتا یا انقلاب به قدرت برسند. اما بعداً به تأیید توده ها و پذیرش آنها از تحقق اتفاقات یا اطمینان از عملکرد و دستاوردهای سیاسی خود دست می یابد و این وضعیت غالباً در کشورهای غیر توسعه یافته یافت می شود و مشروعیت انقلابی یا مردمی خوانده می شود. (اونوط، ۲۰۰۶: ۱) اما ایمن ترین راه برای دستیابی به مشروعیت، که در کشورهای پیشرفته دنبال می شود، روش دموکراتیک است که در آن حاکم از طریق انتخابات به سکان قدرت می رسد و بنابراین او به اراده صریح مردم که در صندوق های رای بیان می شود، اعتماد خواهد کرد (سیکای و اوباما، ۲۰۰۶: ۱۱۹). بنابراین، مشروعیت از آنجا که به معنای رضایت مردم و پذیرش حاکم است، یکی از مهمترین الزامات ثبات سیاسی در هر کشوری است.

#### ✓ هویت ملی

تعاریف و مفاهیم متعددی برای مفهوم هویت ملی وجود دارد. اما جامع ترین آنها مفهومی است که به ویژگی هایی اشاره دارد که یک قوم را از دیگران متمایز می کند به عبارت دیگر آنها مشترکات مادی و اخلاقی مردم هستند که توسط حاکمان در قالب برنامه



های سیاسی پذیرفته و تحمیل می شوند (خزرجی، ۲۰۰۴: ۱). به عنوان یک پدیده جمعی، هویت ملی می تواند به عنوان یک نتیجه مستقیم از حضور عناصر از «نقاط مشترک» در زندگی روزمره مردم به وجود آید مانند نمادهای ملی، زبان، تاریخ ملت، آگاهی ملی و آثار باستانی. هرچه این خصوصیات عمیق تر، واضح تر و ریشه در آگاهی و ذهن مردم داشته باشد، بیشتر به وحدت و ثبات کشور کمک می کنند. بسیاری از مردم از یک نژاد، یک دین و یک زبان هستند اما آنها از مشکلات بسیاری رنج می برند: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و خارجی و دلیل این امر عدم استفاده از مشارکت ها در سیستم سیاسی به نفع وحدت ملی است. این امر دخالت سایر کشورها را تسهیل می کند و باعث ایجاد تفرقه، پراکندگی، خصومت و درگیری بین مردم به دلایل مختلف می شود (جابر، ۲۰۰۹: ۱۱۲). بنابراین، هرچه مهارت نظام سیاسی در به کارگیری آن بیشتر باشد، ثبات و هماهنگی بیشتری در کشور حاکم می شود و شرایط سیاسی، امنیتی، اقتصادی و خارجی آن با ثبات است (فرانک، ۱۹۸۴: ۲).

#### ✓ توزیع

همه کشورها دارای ثروتی هستند که از کشور دیگر کاهش و افزایش می یابد، اما فراوانی و کمبود ثروت به اندازه کافی نشان دهنده عدالت اجتماعی در توزیع آن نیست. کشورهای هستند که از کمبود ثروت رنج می برند، اما با این وجود توزیع عادلانه بالایی دارند، و برعکس کشورهایی نیز وجود دارند که دارای ثروت، ویژگی های جمعیتی، اقلیمی و طبیعی زیادی هستند که این کشور را به عنوان بزرگترین کشور در جهان از نظر عدالت اجتماعی واجد شرایط می کند، اما با وجود این ما شاهد این هستیم که این کشور از بیکاری، افسردگی و فقر رنج می برد. و مردم از آنها ناراضی هستند (سوفت، ۲۰۰۷: ۲۸). اگر این صحبت ها حاکی از هر چیزی باشد، نشانگر این است که خرد و فلسفه نظام سیاسی عملکرد آن اساس است. نظام هرچه بیشتر در این وظیفه موفق شود، یعنی بتواند در توزیع ثروت کشور در بین ساکنان کشور به اشکال و روش های مختلف، مانند فرصت های شغلی، سرمایه گذاری، ساخت و ساز و سرگرمی، منصفانه باشد، رضایت و مقبولیت مردم را بدست می آورد. هرچه بیشتر خلاف این عمل را انجام دهد، یعنی در توزیع ثروت نتواند انصاف داشته باشد، روابط وی با مردم رو به وخامت خواهد گذاشت، که این امر بر شرایط کلی کشور تأثیر منفی می گذارد و منجر به بی ثباتی آن می شود (طویل، ۲۰۰۷: ۱۷).

#### ✓ مشارکت

رژیم های سیاسی از نظر عملکرد از کشور به کشور دیگر متفاوت هستند. برخی از آنها روشهای دموکراتیک حکمرانی را دنبال می کنند از طریق تبادل صلح آمیز قدرت، گوش دادن به انتقاد مخالفان، و باز کردن راه برای مشارکت در حکومت، مانند بیشتر کشورهای پیشرفته (هیلند، ۲۰۰۷: ۳۰). برخی از کشورها توسط رژیم های سیاسی اداره می شوند که به تنهایی، مستبد و متعالی عمل می کنند و اجازه نمی دهند گروه کوچکی (نخبگان) به بهانه های مختلف، مانند ادعا اینکه تهدیدی خارجی تهدید کننده امنیت کشور است، یا مردم آگاهی ندارند، توانایی های رژیم را کنترل کنند (حافظ، ۲۰۰۰: ۷). مشارکت سیاسی منجر به رضایت مندی و اعتقاد عمومی مردم می شود، در صورت عدم مشارکت سیاسی، رضایت و پذیرش وجود نخواهد داشت و مردم سیستم خود را به حال خود رها می کنند، که این امر باعث از هم گسیختن همه جنبه های زندگی در کشور می شود، اما اگر مشارکت سیاسی واقعی وجود داشته باشد، این سیستم با مردم خود هماهنگی خواهد داشت و این امر به ثبات مطلوب می رسد (حکمت، ۲۰۰۷: ۱۹۲۱).

#### ✓ نفوذ

در توصیف نظام سیاسی گفته شد سیستم سیاسی به عنوان خدای بندگان توصیف شده است، این موضوع به دلیل انقلاب های دینی توسعه یافت و سیستم سیاسی مانند پدر برای فرزندان توصیف شد و بنابراین گفته شد که این یک سیستم مردسالار است (شقاوی، ۲۰۰۷: ۱). این اصطلاح با عناوین دیگری مانند دموکراسی، مدنی و شهروندی جایگزین شده است، اما محتوای آن تغییر نکرده است. اما آنچه تغییر کرده است فقط روش است و محتوا هنوز قابل قبول است. این بدان معنی است که دولت موفق باید در همه زمینه های زندگی افراد مدیریت داشته باشد، به دورترین شهروند برسد و نیازهای او را تأمین کند. بنابراین، این سیستم توانایی نفوذ مثبت دولت به دورترین نقطه از زندگی شهروندان را دارد، از این تعریف مشخص می شود که ثبات سیاسی در نحوه اداره کشور از شرایط و سیستم های سیاسی خاصی برخوردار است (ابراهیمی، ۲۰۱۴: ۲). بنابراین، ثبات سیاسی شرایط خاص خود را دارد و دارای سیستم های سیاسی خاص خود است که می داند چگونه کشور را از طریق مشروعیت، یکپارچگی، مشارکت و نفوذ، اداره و پیشرفت دهد.

#### ۴-۵- پیامدهای ثانویه پدیده بی ثباتی سیاسی در عراق

میتوان به چند دلیل پدیده بی ثباتی سیاسی در عراق پس از سال ۲۰۰۳، را مورد بررسی قرار داد. این موارد را می توان در قالب محورهای ذیل آورد:

محور اول: علل داخلی

#### ▪ دلایل سیاسی

نظام سیاسی عراق پس از ۲۰۰۳ فروپاشید، و یک سیستم جدید مبتنی بر مبادله صلح آمیز قدرت، تعدد حزب و پابندی به قانون اساسی جای آن را گرفت. روشی که سیستم سیاسی عراق با اتخاذ سهمیه و اجماع به عنوان ابزاری برای به دست گرفتن قدرت بین مولفه های سیاسی در پیش گرفته است، بر کلیه عناصر سیستم و روش کار آن تأثیر منفی گذاشته است. زیرا سهمیه ها قدرت را بر مبنای مذهبی، ملی و فرقه ای توزیع می کنند، که باعث می شود سیستم اتحاد ساختار و هماهنگی و هدف کار خود را که قرار بود یکپارچه شود، از دست بدهد و همچنین سیستم سیاسی دوام، ثبات و هماهنگی عملکردی خود را از دست داده است (احدی، ۲۰۱۲: ۳۵).

#### ▪ دلایل امنیتی

شناخته شده است که کار در زمینه های سیاسی به یک فضای امن نیاز دارد، زیرا این محیط عرصه ای خواهد بود که در آن نامزدهای انتخابات برنامه های سیاسی خود را ارائه می دهند و سعی می کنند رای دهندگان خود را در این زمینه متقاعد کنند، در صورت عکس این، یعنی عدم وجود یک فضای امن، و وجود خطر قریب الوقوع و تهدید برای زندگی سیاسی، نامزدها نمی توانند آزادانه برنامه ها و دستور کارهای سیاسی خود را ارائه دهند و در عین حال شهروندان قادر به تبادل و مانور بین گزینه های موجود نخواهند بود (عمار، ۱۹۷۰: ۳۶). شرایط امنیتی که پس از سال ۲۰۰۳ از بین رفت، شرایط سخت و نامطلوبی تلقی می شود زیرا آنها اقدامات سیاسی را از یک فضای پایدار و امن محروم کرده اند و زندگی سیاسی شهروندان را در معرض خطر قرار دادند. که باعث

سردرگمی کار انتخاباتی و معنای آن شد. این سردرگمی ممکن است منجر به پیامدهای یکسان برای کل سیستم سیاسی نشود، این اشتباهات پیرامون کار سیاسی، مشارکت بسیاری از عناصر ملی و ذی صلاح را از سیستم سیاسی سلب کرده و باعث شده است که برخی از عناصر غیرحرفه ای برای مدت طولانی بر روند امور مسلط شوند (طیب، ۲۰۰۱)

### ▪ دلایل فرهنگی

کار دموکراتیک بیش از هر چیز ایجاد یک فرهنگ و رفتار بیش از قوانین یا متونی است که به واقعیت تبدیل می شوند و این فرهنگ اتفاقی نیست بلکه به تجربه و تکرار و بلوغ نیاز دارد. کشورهای توسعه یافته ممکن است در این زمینه مشکل زیادی نداشته باشند، اما این مسئله در کشورهای غیر توسعه یافته واضح و عمیق است. به دلیل طولانی ماندن اقوام آن تحت حکومت دیکتاتوری (طیب، ۲۰۰۷)

### ▪ بحران هویت ملی عراق

هویت ملی در هر کشوری در جهان طنابی است که مردم را به هم پیوند می دهد و آنها را به سمت یکدیگر می کشد، بنابراین هر کشوری مشتاق است هویت ملی خود را تثبیت کند و به مشکلات و بحران هایی که با آن روبرو است رسیدگی کند. بحران هویت ملی یکی از بحران هایی است که به دلیل استراتژی ها و سیاست های متعدد در کشورهای پیشرفته برطرف شده است. اما در کشورهای غیر توسعه یافته به دلیل شرایط این کشورها و رفتار رژیم های سیاسی و شیوه حکومت آنها هنوز بحران هویت ملی در اوج است. و در مورد عراق، آنچه پس از سال ۲۰۰۳ در آن اتفاق افتاد تشویق به ایجاد تفرقه و رقابت و حمایت از ظهور هویت های فرعی به هزینه نبود هویت ملی است. زیرا هویت های فرعی دلایل زیادی برای نفوذ دارند و اهمیت هویت ملی را دچار ضعف میکند از این نظر، قانون اساسی حاوی موارد بسیار زیادی است که به این معنا اضافه می شود، مانند مقدمه قانون اساسی که در آن بیان شده: ما ملت عراق می خواستیم، از طریق قانون اساسی، گذشته را به یاد بیاوریم که تحت حکومت رژیم های ناعادلانه ای زندگی کردیم، با ملی گرایی جنگیدیم و آن منطقه را نابود کردیم، کمتر با آن منطقه و آن فرقه خشن و بیرحمانه بودیم (عارف، ۱۹۸۱). در این مقدمه همچنان اختلافات را زیر نظر گرفته و سوالات و پرسشهایی را درباره دلایل تبعیض رژیم سابق در میان مردم مطرح می کند. همین امر در ماده (۳) یافت می شود، که در آن بیان شده: عراق کشوری با ملیت ها، مذاهب و ادیان مختلف است و عضوی مؤثر در جامعه دولت های عربی و به میثاق های خود در این راستا پایبند است و همچنین بخشی از جهان اسلام می باشد. و در ماده (۹ الف) که در آن بیان شده «نیروهای مسلح و سرویس های امنیتی عراق از اجزای تشکیل دهنده مردم عراق تشکیل می شوند» نیروهای مسلح و سازمان امنیتی عراق از مؤلفه های ملت عراق به شمار می رود و توازن خود و حضور همه اقشار در خود بدون هر گونه تبعیض را رعایت می کند و تحت رهبری حکومت مدنی قرار دارد و از عراق دفاع می کند ضمن آن که ابزاری برای سرکوب ملت عراق نیست، در امور سیاسی دخالت نمی کند و در نقل و انتقال قدرت نیز نقشی ندارد. و در ماده (۴۰-الف) بیان شده: «پیروان هر دین و مذهبی در انجام آداب و رسوم مذهبی، از جمله آئین های حسین، آزاد هستند» و در ماده (۴۳) بیان شده است: حکومت بر تقویت نقش نهادهای جامعه مدنی و حمایت و توسعه و مستقل کردن آنها بطوری که با ابزارهای مسالمت آمیز برای تحقق اهداف مشروع آن هماهنگی داشته باشد تاکید دارد. این امر در قانونی سازماندهی می شود. عملکرد سیاستمداران علاوه بر فساد اداری و مالی، نکات منفی زیادی نیز دارد به ویژه مسئله سهمیه بندی که در بالا ذکر شد (سامرائی، ۲۰۱۰).

**▪ دلایل اقتصادی**

ثبات اقتصادی یکی از نشانه های ثبات در هر کشور در جهان است، زیرا اقتصاد تعیین کننده نظام سیاسی با عناصر قدرت و هماهنگی است، و اقتصاد برای تأمین نهادهای دولت و سازمان های مختلف بسیار مهم است، به خصوص در کشورهایی که درگیر جنگ یا مشکلات اجتماعی هستند یا از تهدیدهای خارجی رنج میبرند. عراق از وضعیت اقتصادی خود ناراضی است و دلایل متعددی در پشت این امر وجود دارد. عراق علاوه بر اینکه پرونده اقتصادی آن به پرونده های سیاسی، فرهنگی، امنیتی و خارجی ناپایدار دیگری نیز مرتبط است، مانند بقیه کشورهای غیر توسعه یافته از یک جانبه گرایی اقتصادی خود رنج می برد که این امر تقریباً به صادرات نفت بستگی دارد بدون اینکه تنوع در منابع درآمد وجود داشته باشد. بازار کالاهای وارداتی عراق، بازار محلی را تحت سلطه و کنترل بازرگانان خارجی قرار داده و اقتصاد ملی به بازیچه ای در دست سایر کشورها تبدیل شده است (سامرائی، ۲۰۱۰).

**۴-۶- سازوکارهای دستیابی به ثبات سیاسی در عراق**

برای ایجاد پایه های ثبات سیاسی، کشورها به چندین مکانیزم متوسل می شوند که می توان از طریق موارد زیر به آن اشاره کرد:  
محور اول: در سطح داخلی

اول: لغو سهمیه ها

همانطور که قبلاً شناخته شده و ذکر شده بود، سهمیه های سیاسی و دموکراسی از جمله عوامل ضعف سیستم سیاسی عراق هستند، زیرا بذر تفرقه و پراکندگی را در ارکان نهادهای دولتی می کارد و ابرقدرتها را تقویت می کند و برنامه های سیاسی ارائه شده براساس علاقه فرقه ها و ملیت ها نیست، بلکه بر اساس منافع عالی عراق است (گروهی از نویسندگان، ۲۰۱۶).

دوم: سازوکارهای اقتصادی

از طریق مرور تاریخ برخی از کشورهای جهان مشخص می شود که کشورهای با ثبات کشورهایی هستند که دارای اقتصادی قوی و موثر می باشند و دارای چندین وجه در آمدی و منابع مختلف هستند، به طوری که خود را در برابر نوسانات محافظت می کند، در نتیجه، هر کشوری که آرزو دارد مقداری ثبات سیاسی را بدست آورد در راستای دستیابی به ثبات اقتصادی، نباید خود را به یک منبع واحد درآمد ملی متکی کند، حتی اگر قادر به تأمین بودجه نهادهای خود و اجرای سیاست ها و برنامه های آینده خود نخواهد بود. عراق که تقریباً به نفت وابسته است، باید منبع درآمد جدیدی داشته باشد، یعنی باید اقتصاد خود را متنوع کند و فقط رانته نباشد، زیرا نفت کالایی است که تحت نوسانات بازار جهانی و سیاست های اقتصادی کشورهای مختلف جهان قرار دارد و بنابراین منبعی ناامن و ناپایدار است. همانطور که در بحران ناشی از کاهش قیمت پس از سال ۲۰۱۵ اتفاق افتاد، و برای اینکه عراق بتواند خود را در برابر آن محافظت کند، باید از بخش صنعت ملی حمایت کند و تمام نیازهای آن را تأمین کند، با وضع مقررات و قوانینی که بازاریابی و حمایت از محصول محلی را تضمین می کند، همچنین باید با حمایت و فعال سازی بخش کشاورزی، برای دستیابی

به خودکفایی و همچنین تا حد صادرات آن پیش رود تا بتواند رشد اقتصادی و توسعه پایدار را در کشور فراهم می کند. (سمیر امین، ۲۰۰۲).

### سوم: ساز و کار فرهنگی

نظام سیاسی، نظامی است که به امور سیاسی و دولتی می پردازد، و بنابراین اصلاح محیطی که سیستم در آن فعالیت می کند راهی برای اصلاح کلیه نهادها، سیستم ها و بخش های جامعه است و اصلاح محیط پیرامون سیستم با گسترش آگاهی های ملی و سیاسی و تشویق شهروندان به همکاری با رژیم انجام می شود. عراق به شدت به چنین آگاهی احتیاج دارد، زیرا این کشور از ناتوانی اجتماعی در تولید نخبگان موثرسیاسی، اقتصادی و حتی مذهبی و فرهنگی رنج می برد. بنابراین، باید راهی برای فعال سازی جامعه و تحقق آن وجود داشته باشد.

ایجاد نخبگان صالح و موثر، به ویژه نخبگان سیاسی، از طریق سازوکارهای متعددی صورت می گیرد که مهمترین آنها عبارتند از:  
-آموزش

موسسات آموزشی دولتی و خصوصی در اشاعه ارزشهای حرفه ای و میهنی، و آموزش نسل های آینده از فضیلت عشق به ملت و از خود گذشتگی، نقش مهمی دارند.

- کانال های ارتباطی مدرن

ابزارهای نوین ارتباطی در آموزش جامعه و تأمین ارزشها و اصول ملی برای آن، مهم است. کشورها می توانند از اینترنت، کانالهای ماهواره ای، ایستگاه های رادیویی و تلفن های همراه، به منظور آموزش افراد و تأثیر مثبت بر رفتار آنها به کار گیرند.

عراق نیز می تواند برای گسترش فرهنگ و آگاهی ملی، و آماده سازی جامعه برای تولید نخبگان سیاسی، فرهنگی و مذهبی آگاه، از همه راه های ارتباطی استفاده کند. در زمینه سیاسی، نخبگان سیاسی تنها خروجی فرهنگ و آگاهی جامعه هستند. در نتیجه، باید جامعه را تحت فشار و هدایت قرار داد تا افراد صالحی که قدرت سیاسی را در اختیار دارند تولید شود و این افراد را نمی توان یافت مگر اینکه شهروند بر اساس شایستگی و تجربه انتخاب شود، و نه بر اساس هویت های فرعی: مذهبی، فرقه ای و ملی. در صورت تحقق این امر، عراق اطمینان حاصل خواهد کرد که رهبران بی طرف و موثری وجود دارند که می توانند کشور را به سمت بهتر هدایت کنند (همان، ۸)

چهارم: مکانیسم های امنیتی

همانطور که قبلاً اشاره کردیم، امنیت برای ثبات هر کشوری ضروری است، در واقع بدون امنیت نمیتوان زندگی کرد. عراق بعد از سال ۲۰۰۳ درصد زیادی از امنیت را از دست داد و دلایل آن بسیار است. و اکنون برای دستیابی به ثبات، باید چیزی را از سیستم امنیتی خود بازگرداند، زیرا امنیت عرصه ای است که به همه اجازه می دهد بدون ترس نقش خود را در جامعه سیاسی اعمال کنند، و از شهروندان عادی تا روحانیت و نخبگان هنری و فرهنگی و همچنین کلیه نهادهای دولتی، به ویژه نهادهای سیاسی، از پارلمان تا کابینه بدون ثبات امنیتی نمی توانند کار کنند. بر این اساس در هر کشور جهان، از جمله عراق ثبات سیاسی ضرورت ثبات امنیتی است (عبدعزیز، ۲۰۰۹)

## محور دوم: مکانیسم های خارجی

این مکانیسم ها به دو قسمت منطقه ای و بین المللی تقسیم می شوند:

### اول: سازوکارهای منطقه ای

کشورها، همانطور که در بالا ذکر شد، تحت تأثیر محیط منطقه ای اطراف قرار دارند، بنابراین تا زمانی که کشورهای همسایه از دشمن به دوست یا حداقل بی طرف تبدیل نشوند، عراق به ثبات نخواهد رسید، و از جمله سازوکارهایی که باید در این زمینه دنبال شود موارد زیر است:

#### ۱- گفتگو با کشورهای همسایه

کشورها اغلب با درک و گفتگوی مستقیم، مشکلات را در بین خود حل می کنند و عراق برای اینکه خود را از شر دخالت همسایگان در امور داخلی خود مصون بدارد، باید به این سمت برود (مروان سالم علی، ۲۰۰۱).

#### ۲- بی طرفی

شناخته شده است که عراق درگیری فرقه ای بین عربستان سعودی و کشورهای عربی پشت آن است، بنابراین برای اینکه عراق به دلیل داشتن موقعیت مهم استراتژیک منطقه ای از خود محافظت کند و مردم خود را از انتقام دو طرف دور نگه دارد، چیزی جز اعلام بی طرفی ندارد (مروان سالم علی، ۲۰۰۱).

#### ۳- سیاست متقابل

سیاست متقابل یک سیاست موفق و ضروری برای هر کشوری است که بخواهد حقوق خود را تضمین کند، زیرا عامل بازدارندگی موثری است که مانع از مداخله سایر کشورها در امور کشور هدف می شود و این یک اصل کلی بین المللی است.

### دوم: سازوکارهای بین المللی

اهمیت مکانیسم های بین المللی از مکانیزم های دیگر کمتر نیست، زیرا جهان امروز یکپارچه شده است، علاوه بر این که منطقه خاورمیانه به یک جاذبه جهانی تبدیل شده است و از جمله این مکانیسم ها موارد زیر است:

#### ۱- متحد بین المللی قوی

کشورهای ضعیف و ناپایدار اغلب به یک متحد بین المللی قوی اعتماد می کنند که آنها را در سطح جهانی پذیرفته و از آنها در برخورد با مشکلات داخلی و خارجی پشتیبانی می کند، عراق قبل از ۲۰۰۳ در روابط خارجی خود از این سیاست پیروی می کرد. و در این دوره در صورت بروز مشکلات به حمایت و پشتیبانی انگلیس بسیار وابسته بود و در دوره بین ۱۹۵۸ تا ۲۰۰۳، اتحاد جماهیر شوروی جای انگلیس را گرفت. پس از سال ۲۰۰۳، عراق بدون متحد بین المللی ماند و دلیل آن این است که ایالات متحده، علیرغم اینکه در سرنگونی رژیم قبلی بسیار به عراقی ها کمک کرده بود، در ساختن سیستم جدیدی برای این کشور به آنها کمک نکرد و عراق در معرض درگیری های داخلی و منطقه ای قرار گرفت. بنابراین عراق به شدت نیازمند تعمیق روابط خود با کشورهای

هم سایه و استفاده از موقعیت جهانی خود است تا بتواند تجربه دموکراتیک خود را ساخته و از چالش های داخلی و خارجی عبور کند.

## ۲- حمایت جامعه بین المللی از عراق

به خوبی شناخته شده است که پروژه هایی برای تنظیم مجدد خاورمیانه وجود دارد که برخی از کشورهای پیشرفته قصد اجرای آنها را دارند و بر اساس این است که خاورمیانه بیشتر تقسیم شده و پراکنده است. بنابراین، جامعه جهانی در حمایت از هر آنچه موجب بی ثباتی مردم این کشورها می شود، از جمله عراق، که هویت های فرعی آنها مورد حمایت و تشویق کشورهای غربی است، دریغ نمی کند (سولت، ۲۰۰۲).

## ۵- نتیجه گیری

اهمیت و جایگاه برجسته جنوب غرب آسیا زمینه ساز حضور و بازیگری و رقابت بازیگران متعددی را در منطقه فراهم آورده است. این مناسبات در منطقه به ویژه در کشور عراق زمینه ساز شکل گیری بی ثباتی و مسائل متعددی را فراهم آورده است و سبب شده است که مسائل و مشکلات متعددی در این کشور به وجود آید. در این مطالعه به بی ثباتی امنیتی در منطقه ناشی از بی ثباتی ملی و بی ثباتی عراق پس از سال ۲۰۰۳ و دخالت های داخلی و خارجی پرداخته شد. ما از این مطالعه به شرح زیر نتیجه می گیریم: در منطقه، درگیری هایی وجود دارد که کشورهای همسایه را تحت تأثیر قرار می دهد. در تحقیقات ما، این درگیری ها بر آینده عراق تأثیر گذاشته است، زیرا در عراق سیستم سیاسی ضعیف وجود دارد که به دلیل ناتوانی در مقابله با قدرت های بزرگ موجب می شود در امور عراق دخالت کنند. مشکلات دیگری نیز وجود دارد مثل کثرت گرایی ملیت ها، مذاهب و فرقه ها، زیرا گسترش این موارد منجر به درگیری ها و جنگ داخلی در عراق شده است. این دلایل که در بالا ذکر شد، نتیجه بی ثباتی سیاسی در عراق است و می تواند به دلایل داخلی از جمله (سیاسی، اساسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) و علل بیرونی (منطقه ای و بین المللی) تقسیم شود. این همان چیزی است که ما از نتایج به دست آورده یک از مهمترین نتیجه گیری (محقق) این است که یکی از دلایل بی ثباتی سیاسی در عراق، مداخلات منطقه ای است، از جمله (عربستان سعودی، امارات، بحرین، قطر، اردن و ترکیه) بدون وجود مداخلات منطقه ای هیچ ضعفی در سیستم سیاسی و فساد سیاستمداران و بی ثباتی در عراق وجود نخواهد داشت.

## پیشنهادات

۱- سیستم سیاسی در عراق باید اصلاح شود

الف- نیروهای سیاسی ورودی باید در اداره امور کشور سیستم سهمیه را ترک کنند.

ب- پیروی از سیستم دموکراتیک، همانطور که در کشورهای پیشرفته اتفاق می افتد، یعنی انتخابات بر اساس تجربه و شایستگی انجام بشود بدون توجه به هویت قومی، مذهب، فرقه، ملی گرایی یا موارد دیگر

۲- روی دولت عراق کار می کند تا سیاست خارجی را با محیط منطقه در رابطه با زمین ها و ثروت ها فعال کند تا مشکلات مربوطه پایان یابد.

۳- برای دفع حملات و محافظت از مرزها از عبور گروه های تروریستی مسلح، باید یک ارتش دفاعی و قدرتمند تشکیل شود.

۴- کار بر روی عدالت اجتماعی و احترام به ادیان ، مذاهب و سایر ادیان و ملیت ها

#### منابع

- ابراهیم عبدالقادر محمد (۲۰۱۳). چالش های داخلی و خارجی موثر بر امنیت ملی اردن در دوره (۱۹۹۹-۲۰۱۳). پایان نامه کارشناسی ارشد. آنکارا ، دانشگاه خاورمیانه، کالج علوم و هنرها.
- فاتن محمد رزاق و علا جبار احمد (بیتا). ضعف هویت ملی و تأثیر آن بر امنیت ملی عراق ، تحقیق منتشر شده در اینترنت.
- احمد فاضل جاسم داوود (بیتا). بی ثباتی جامعه در عراق پس از سال ۲۰۰۳، یک مطالعه تحلیلی درباره چالش های جامعه ... و چشم اندازهای آینده، تحقیقات منتشر شده در اینترنت.
- سید ابراهیم (۲۰۱۸). بی ثباتی سیاسی در عراق پس از سال ۲۰۰۳ ، تحقیق در اینترنت.
- حاج، عبدالله جمعه (۱۰۱۲). چالش منطقه ای ، دوره ۱۰ ، شماره ۳۸ ، امور اجتماعی ، جامعه اجتماعی شارجه.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. چاپ پنجم. مشهد: انتشارات پاپلی.
- عبدالله، علی زیاد (۲۰۱۶). آینده تعادل و درگیری در خاورمیانه، شماره ۱۵۳، امور خاورمیانه، مرکز مطالعات استراتژیک.
- محمد رمضان ابو شعیش (۲۰۱۸). پرونده های پیچیده: آینده درگیری های منطقه ای در خاورمیانه ، مرکز تحقیقات و مطالعات عرب.
- محمد رمضان ابوی شعیش (بیتا). پرونده های پیچیده: آینده درگیری منطقه ای در خاورمیانه.

-السعدون، واثق محمد باراک (۲۰۱۳). آینده روابط عراق و ترکیه در پرتو چالش های امنیت منطقه ای، مجله مطالعات منطقه ای، دوره ۱۰، شماره ۳۱.



- فیسیر، ریدار (۲۰۰۸). هویت فرقه ای و درگیری های منطقه ای در عراق: یک دیدگاه تاریخی، دوره ۳۰، شماره ۳۴۷، آینده عرب، مرکز مطالعات وحدت عرب.
- گزارش خاورمیانه شماره ۱۴/۱۹۴ (۲۰۱۸). احیای میانجیگری سازمان ملل در مورد مرزهای داخلی مورد مناقشه در عراق، گزارش ترجمه شده توسط INTERNATIONAL CRISIS GROUP.
- گزارش خاورمیانه شماره ۱۴/۱۹۴ (۲۰۱۸). احیای میانجیگری سازمان ملل متحد در مورد مرزهای داخلی مورد مناقشه در عراق، مرجع قبلی.
- حسن، شذی زکی (۲۰۱۱). سیستم منطقه ای عرب بین مشکلات واقعیت و مداخلات منطقه ای و بین المللی، مجله المستنصریه برای مطالعات عربی و بین المللی، شماره ۳۶، دانشگاه المستنصریه - مرکز مطالعات عربی و بین المللی المستنصریه.
- خضر عباس عطوان (بی تا). آینده نقش سیاسی منطقه ای عراق، مجله مطالعات بین الملل، شماره سی و سوم.
- صفا خلف (۲۰۱۸). آب ایران و عراق: روش های خفقان. سفیر عربی.
- هنری جی بارکی (۲۰۱۱). ترکیه و عراق خطرات و پتانسیل ها همسایگی. گزارش از موسسه صلح ایالات متحده. گزارش شماره ۱۴۱.
- مروه مصطفی احمد الحدیثی (۲۰۱۲). پدیده بی ثباتی دولت در کشور کویت پس از ۱۹۹۰، دانشگاه بغداد، کالج علوم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر.
- منعم صحنی العمار (۱۹۹۷). روابط عراق و روسیه و جستجوی یک مدل واقع گرایانه برای چارچوب تعاملات آنها، در گروهی از محققان، مجله مطالعات استراتژیک، شماره (۳).
- مولود زاید طیب (۲۰۰۱). تربیت سیاسی و نقش آن در توسعه جامعه، چاپ اول. عمان: شرکت انتشارات عرب.
- مولود زاید طیب (۲۰۰۷). جامعه شناسی سیاسی، چاپ اول، الزویه: دانشگاه.
- نصر محمد عارف (۱۹۸۱). نظریه های توسعه سیاسی معاصر، چاپ اول قاهره: موسسه بین المللی اندیشه اسلامی.
- سمیر امین (۲۰۰۲). اقتصاد سیاسی توسعه در قرن های بیستم و بیست و یکم، فهمیه شرف الدین، چاپ اول. بیروت: دارال فارابی.
- علی عبدالعزیز میرزا نور الیاسیری (۲۰۰۹). ابعاد فکری و سیاسی استراتژی امنیت ملی در عراق، دانشگاه بغداد، دانشکده علوم سیاسی. پایان نامه کارشناسی ارشد.



## تبیین وزن ژئوپلیتیکی سوریه در راهبرد دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران

افشین متقی<sup>۱</sup>، حسین ربیعی<sup>۲</sup>، عباس سعیدی ابواسحق<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران

<sup>۲</sup> استادیار، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران

### چکیده

یکی از اصول سیاست خارجی در ج ا ایران تامین امنیت حداکثری و تقویت هلال شیعی می باشد. این مسئله در منطقه غرب آسیا به ویژه با افزایش روزافزون دخالت قدرت منطقه ای و فرا منطقه ای در پساداعش مهمترین مانع تحقق منافع ج ا ایران در منطقه می باشد. در این مقاله، تلاش نویسنده ارائه پاسخی متقن به این سوال است: چرا ج ا ایران برای روابط با سوریه و حضور در بحران این کشور اهمیت خاص استراتژیک قائل است؟ فرضیه مقاله که مبتنی بر تئوری مدل مکتب امنیتی کپنهاگ می باشد، دلالت بر این مسئله دارد که عقبه تاریخی این رابطه استراتژیک به دوران مبارزه سوریه با رژیم صهیونیستی برمی گردد. مرحله تکوین این رابطه، به شکل گیری مخالفان داخلی و بین المللی در دوران ظهور داعش برمی گردد. در مرحله تعامل می توان به چالش ها نظامی و غیر نظامی که علیه دو کشور از سوی ائتلاف عبری - عربی اشاره کرد و در نهایت وزن ژئوپلیتیکی سوریه باعث حضور فعالتر ایران در مسائل امنیتی و سیاسی بحران سوریه گردید این پژوهش چند هدف را پیگیری کرده است: سناریو سازی و اتخاذ بهترین رویکرد در تبیین حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه هم چنین مقاله این فرضیه را بررسی می کند یافته های مقاله نیز نشانگر این مسئله است که به دلیل وابستگی متقابل امنیتی در جنوب غرب آسیا راهبرد امنیتی ایران حمایت دو سویه مربوط به مسائل مربوط با محور مقاومت و لزوم نقش آفرینی ایران و سوریه در راستای آرمانهای دو کشور و حفظ و تقویت متحدان در سطح منطقه

است. روش پژوهش این مقاله نیز مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، اسناد و مقاله ها و سایت های معتبر می باشد.

### کلمات کلیدی:

ژئوپلیتیک ، وزن ژئوپلیتیکی ، راهبرد ، راهبرد دفاعی ، امنیت ملی

### مقدمه

کشور ایران به عنوان هارتلند جنوب غرب آسیا ، به لحاظ ژئوپلیتیک، محل تلاقی و پیوند تمدن ها و اندیشه های مختلفی است. ایران بعد از وقوع انقلاب اسلامی سودای رهبری جهان اسلام و ام القری را دارد و با توجه به اینکه ایران به مدعی پایتختی جهان اسلام شناخته می شود، به دنبال آن مسئولیتهای ما هم متوجه جمهوری اسلامی ایران می گردد. حراست، حفاظت و توسعه ام القری بر اساس این نظریه در اولویت اول قرار می گیرد. البته باید تاکید کنیم که حفاظت از ام القری به معنای حفاظت صرف از ایران نیست، به عبارت بهتر در چارچوب این نظریه نه تنها ما وظیفه داریم از ایران حفاظت کنیم بلکه باید از جایی حفاظت کنیم که اگر دشمنان آنجا را مورد هدف و حمله قرار دهد، به معنای مورد حمله قرار دادن کل جهان اسلام است. با تشکیل دولت شیعی در ایران اکنون موضوع رهبری در منطقه جنوب غرب آسیا یکی از مسایل اصلی در سیاست خارجی کشورهای منطقه شده و جایگاه ویژه ای در روابط متقابل و منطقه ای کشورهای منطقه و حتی فرا منطقه ای پیدا کرده است. دولتها برای کسب ارزشهای جغرافیایی در ماورای مرزهای خود از الگوهای مسالمت جویانه و گاه زورمندانه استفاده می نمایند و در این راستا از برخی مؤلفه همچون امنیت به صورت ابزاری علیه دیگر کشورها جهت کنترل و یا تصرف مزیت‌های جغرافیایی موردنظر بهره برداری میکنند. در این راستا میتوان به کشور ایران و سعی کشورهای منطقه ای و فرا منطقه ای جهت امنیت زدایی را به عنوان نمونه ی مورد مطالعه در این پژوهش اشاره کرد. با نظر به اینکه کشور ایران اساساً بر مبنای عوامل درون زا و زیر بنایی تأسیس شد و علت وجودی آن نیز زبان ، قومیت ، تشیع ، فرهنگ و تمدن ایرانی بود؛ حاکمان ایران از زمان شکل گیری به دلیل درک جامع و واقع بینانه نسبت به جغرافیای انسانی (قومی - مذهبی) و موقعیت حساس ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک توانستند به خلق یک اندیشه ی سیاسی فراگیر بپردازند که در برگیرنده بابت انسانی نامتجانس کشور باشد. اما از آنجا که بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران همواره رقابای منطقه ای و قدرتهای فرامنطقه ای همواره درصدد وارد کردن خلل در قدرت منطقه ای ایران از طریق قطع حمایتها از طرف همپیمانان منطقه ای ایران داشته اند که یکی از نمودهای آن تغییر در معادلات منطقه ای از طریق حذف یا تضعیف همپیمانان و به تبع آن ایران داشته اند.

پس اهمیت موضوع از چند جهت قابل بررسی است موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه و ایران در جنوب غرب آسیا ، هم سویی سیاستهای ضدآمریکایی و ضد اسرائیل دو کشور، همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی و لبنان، حمایت

از جریان مقاومت اسلامی و جبهه اول مبارزه با رژیم صهیونیستی، نقش تأثیرگذار سوریه در معادلات سیاسی لبنان نقش اساسی سوریه در مناقشه اعراب و اسرائیل و موقعیت ویژه سوریه در انتقال نفت و گاز ایران به اروپا. با توجه به موارد فوق، سؤالی که در این تحقیق مطرح می شود این است که چرا جمهوری اسلامی ایران برای روابط با سوریه و حضور در بحران این کشور اهمیت خاص استراتژیک قائل است در پاسخ به این سؤال فرضیه مقاله اینگونه قابل طرح است که وزن ژئوپلیتیکی سوریه باعث حضور فعالتر ایران در مسائل امنیتی و سیاسی بحران سوریه گردید. به منظور بررسی فرضیه فوق از نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ استفاده شده است با توجه به این نظریه، در بخش اول استراتژی پژوهشی و سطح تحلیل مقاله که بر مبنای تحلیل منطقه ای است، بررسی می کند. در بخش دوم مکتب امنیتی کپنهاگ و کاربست آن در موضوع تحقیق تبیین میشود. در بخش سوم یافته های تحقیق در قالب تبیین وزن ژئوپلیتیکی سوریه در راهبرد دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته بررسی می شود؛ در بخش چهارم یافته هایی که در بخش قبلی بررسی شد به بوته تحلیل گذاشته می شود؛ و در نهایت نتیجه گیری و راهبردهای پیشنهادی ارائه می شود.

## ۲- روش شناسی پژوهش و سطح تحلیل

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی است. به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری بحران سوریه بر امنیت ملی ایران از ظرفیتهای تبیینی نظریه کپنهاگ استفاده شده است. تبیین مؤلفه تأثیرگذار به عنوان عوامل تبیین امنیت ملی برای ارزیابی فرضیه ضروری است. مطابق استراتژی پژوهشی تحلیلی آزمون فرضیه های برگرفته از نظریه، خود نظریه را نیز آزموده و اثبات فرضیه بیانگر قابلیت تبیینی آن است. در نظریه های روابط بین الملل سه سطح تحلیل وجود دارد؛ سطح تحلیل اول مربوط به ویژگیهای کشور؛ سطح دوم مربوط به تحلیل موضوعات منطقه ای و سطح سوم مربوط به ویژگیهای نظام بین الملل بوده و بر تأثیرگذاری ساختار نظام بین الملل بر رفتار کشورها تأکید دارد. این پژوهش بر سطح تحلیل منطقه ای تأکید دارد. همچنین سه دیدگاه درباره تحلیل منطقه ای وجود دارد: دیدگاه اول بر تشابه رفتار دولتها در سطوح مختلف تأکید داشته و معتقد است که دولتها در هر سه سطح رفتار یکسانی از خود بروز می دهند؛ دیدگاه دوم معتقد است که هر منطقه جغرافیایی، منطقه ای منحصر بفرد بوده که مفروضه ها و گزاره های آن قابل تسری به مناطق دیگر نیست و دیدگاه سوم معتقد است که مناطق از عوامل سطوح بالاتر نظام بین الملل و پایین تر ملی خود تأثیر می پذیرند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۴) از این جنبه نیز این پژوهش بر مبنای دیدگاه سوم انجام شده است.

## ۳- چارچوب نظری: مکتب امنیتی کپنهاگ

هر نظریه و رویکردی مبتنی بر یک سلسله مفروضات و گزاره هایی است که بر اساس آن نهادها، فرایندها و پدیده های گوناگون مورد بررسی، تجزیه، تحلیل و ارزیابی قرار می گیرند (قوام، ۱۳۹۳: ۱۶۷) متناظر با رویکردهای نظری مکتب کپنهاگ، امنیت به چه صورت و در چه مؤلفه هایی تعریف شده است؟ همانگونه که اعضای مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ؛ اوله ویور و گروهی از نظریه پردازان، به بسط نگرشی سازنده در راستای امنیت پرداخته اند که حاکی از مسیری جدید در مطالعات مربوط به امنیت است. نخستین

کتاب مکتب کپنهاگ عبارت است از امنیت چارچوب جدیدی برای تحلیل، به قلم باری بوزان، اوله ویور و جاپ دووولد. این کتاب بیانگر چارچوبی جامع از تحلیل مطالعات امنیت است. در این کتاب دیدگاه سنتی به امنیت که تأکید فراوانی بر مقوله نظامی گری و حوزه نظامی دارد رد می شود؛ در عوض، بررسی خصوصیات امنیت به طور کل در پنج حوزه در دستور کار قرار می گیرد: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نویسندگان کتاب بر این عقیده اند که امنیت، نوع خاصی از سیاست است که در گستره وسیعی از مسائل کاربرد دارد. مکتب کپنهاگ تلاش کرده است به تعریف امنیت از طریق بیان این تعمیق و گسترش موضوع پردازد که تهدیدات غیرنظامی می توانند امنیت، ثبات و بقای کشورها و همچنین زندگی افراد را تضعیف کنند. هرچند برخی دانشمندان به اصطلاح سنتی به مخالفت با دیدگاه غیرسنتیها برخاسته اند. سنت گرایان طرفدار حفظ مفهوم جنگ سرد از امنیت، تعریفی نظامی و دولت محور از تهدید امنیتی ارائه می کند. استفان والت برای مثال، دیدگاه سنتی را تشریح می کند که کاربرد امنیت را محدود به تهدیدات در حوزه نظامی می داند؛ بنابراین، او امنیت را معادل با صلح در نظر می گیرد و یا به تعبیری بهتر موقعیتی بدون هیچ درگیری نظامی. (احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۲۶)

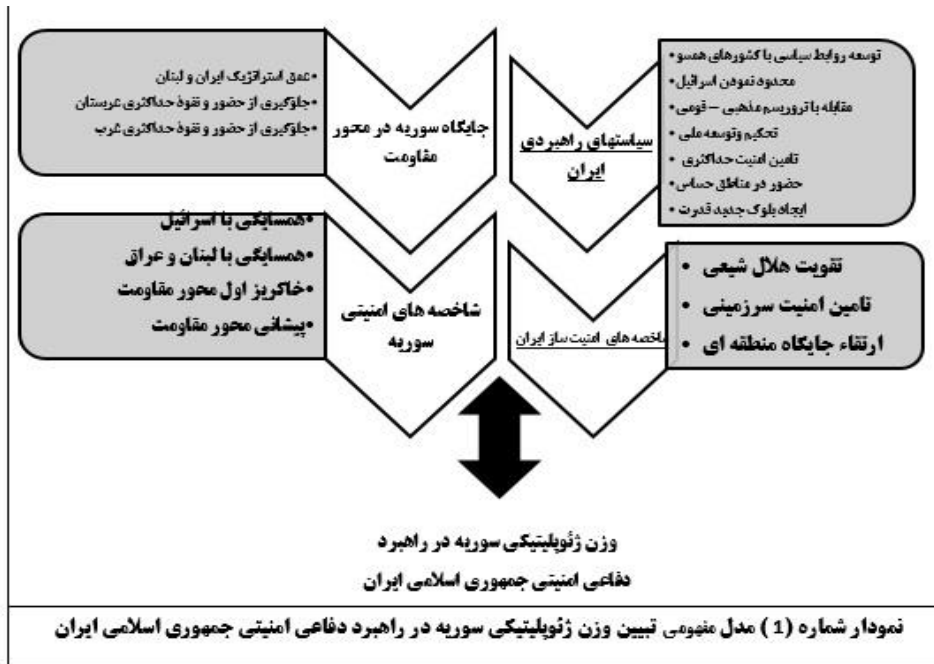
بر اساس پیشرفت های انجام شده در محیط پسا جنگ سرد، دیدگاه سنتی امنیت، مورد انتقاد بسیاری از دانشمندان قرار گرفت. انتقاد اصلی بر تعریف سنتی از یک تهدید امنیتی است که طی آن درگیری بین دولتی، به عنوان منبعی از ناامنی تلقی نمی شود. طبق نظریات بوزان و هانسن، در بیشتر مدت جنگ سرد، مطالعات امنیتی بین المللی به واسطه یک برنامه عمدتاً نظامی تعریف می شد؛ اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد، همزمان با پیشرفت رقابت تسلیحاتی هسته ای، این واژه به واسطه استقرار امنیت اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و انسانی توسعه یافت، و نه یک برنامه نظامی - سیاسی صرف برخی دانشمندان نظیر ویور، محمد ایوب، مایکل کالر و دانیل توماس با گسترش دهندگان تعریف امنیت موافق اند و برخی دیگر نظیر کن بوث و اسپایک پیترسون همسوی با تعمیق کنندگان تعریف امنیت هستند. برخلاف والت، ایوب پیش بینی کرده است که شمار وسیعی از بحرانهای خارجی و داخلی به منظور تهدید کشور ایجاد می شوند. طبق نظریات وی امنیت یا عدم امنیت در ارتباط با آسیب پذیری های داخلی و خارجی، که ساختارهای کشور را تهدید میکنند، یا پتانسیل براندازی یا تضعیف چشمگیر ساختارهای حکومت را دارند، تعریف می شوند از سوی دیگر، کالر و توماس مفهوم امنیت را به واسطه درک و دریافت بازیگران دولتی که در مقابل مسائل جهانی کمتر قادر به انجام واکنش هستند، گسترش دادند و اینکه به جای بقای حکومت، امنیت جهانی باید مورد توجه قرار گیرد. بنا بر اظهارات آنها امنیت جهان شامل امنیت اکولوژیک، محیطی و اقتصادی است و نه صرفاً امنیت نظامی؛ بنابراین آنها فرض را بر این گذاشتند که تمام بازیگران به طور مساوی تحت تأثیر تهدیدات جهانی هستند و اینکه برای همکاری و واکنش به این تهدیدات انگیزه دارند امنیت تبدیل به همه چیز مردم می شود و نمی توان آن را به عنوان یک ارزش تحلیلی مستثنی کرد (Ehteshami, 1997: 820)

در حال حاضر نگرشهای بسیار متفاوتی در رابطه با نحوه مطالعه و تحلیل امنیت وجود دارد. اگرچه دستیابی به یک توافق جمعی در خصوص روش تعریف امنیت هنوز محقق نشده است؛ شکی وجود ندارد که مکتب کپنهاگ حوزه وسیعتری را برای مفهوم امنیت

ارائه کرده و بنابراین دارای کاربرد بیشتری در سیستم جهانی است؛ بنابراین، با توجه به آراء و نظریات مکتب کپنهاگ، درحالیکه عوامل عینی و مادی در درک امنیت حائز اهمیت هستند، تحلیل دامنه وسیعتری از امنیت که شامل بخشهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است، مهم تلقی می شوند .

یادآوری این نکته ضروری است که بوزان، اولین نقدهای جدی بر روی رهیافتهای امنیتی موجود را از اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح ساخت، که بر اساس آن، بقای دولتها یا بازیگران دولتی، فقط توسط اسباب و عوامل نظامی مورد تهدید قرار نمیگیرند؛ بلکه باید سایر حوزه های موضوعی - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را نیز بدان اضافه کرد. عوامل اجتماعی نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ به ویژه حائز اهمیت اند. این امر، موضوع امنیت ملی را به هویت ملی ربط داده و باعث می شود که موضوع مزبور جزء ترکیب کننده امنیت ملی به حساب آید؛ بنابراین اگرچه به طور سنتی، نظریه امنیت ملی به حوزه نظامی وابسته بود، اما امروزه این امنیت ملتهاست که به عنوان مهمترین به وجود آورندگان مفهوم هویت، امنیت ملی را تعیین می نماید (Chena, 2008: 28).

بوزان تأکید اصلی خود را در تحلیل امنیت بر سطح تحلیل منطقه ای می گذارد و معتقد است کشورها باید در سیاست خارجی خود، جایگاه ویژه ای به ابعاد منطقه ای امنیت اختصاص داده و امنیت را در ابعاد چندبعدی آن پیگیری نمایند؛ به عبارت دیگر، وجه تمایز اصلی او، مطالعات امنیتی دوران پساجنگ سرد از دوران جنگ سرد، وسعت دامنه امنیت و شمولیت موضوعاتی مانند مهاجرت، سازمانهای جنایی (تروریستی) فراملی و فروملی و محیط زیست و رفاه اقتصادی است که قبلاً در تعاریف امنیتی لحاظ نمی شدند (Sun, 2009:67)



مدل مفهومی

۵- تجزیه و تحلیل یافته ها

### ۵-۱- ملاحظات سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران و سوریه

سوریه و ایران به عنوان دو متحد استراتژیک در منطقه همکاریهای خود را در تمامی حوزه ها از زمان انقلاب تا به امروز حفظ کرده اند. در واقع، اتحاد ایران و سوریه برخلاف اتحادهای دیگر دوام قابل ملاحظه ای داشته است. گرچه بسیاری به این اتحاد هویت مشترک شیعی را نسبت می دهند، اما تحلیل رایج بر وجود منافع استراتژیک ناشی از تهدیدات منبعت از دشمنان مشترک در عراق، اسرائیل، آمریکا و اخیراً گروههای تروریستی شبه دولتی اشاره دارد این منافع استراتژیک باعث شد که با تشدید بحران در سوریه تهدیدات فراروی امنیت ملی دو کشور فزونی یابد. طوری که ایران و سوریه را به بازنگری در الگوی توازن تهدید در منطقه سوق داد. تشکیل ائتلاف شامل ایران، روسیه، عراق، سوریه و حزب الله در این زمینه قابل تحلیل است در واقع تشکیل این ائتلاف تلاشی بود برای موازنه سازی در مقابل تهدیدات شکل گرفته از سوی محور ترکیه، عربستان و قطر در بحران سوریه. باتوجه به تعریف تهدید که ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندیهای نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تجاوزکارانه احتمالی است، برداشت ایران از تهدیدات شکل گرفته در سوریه در قالب بازیگران دولتی و غیردولتی مخالف اسد این کشور را به سمت اتخاذ راهبرد موازنه سازی در مقابل قدرت های تهدیدگر سوق داد. (Hazbun, Waleed: 2010:111-112)



## ۵-۲- آسیب شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

آسیب شناسی امنیتی براساس دو نشانه انجام می گیرد: نشانه اول مبتنی بر ارزیابی محیط امنیتی است و نشانه دوم را می توان براساس شاخص ها و نشانه های تهدید از جمله قالب های سخت افزاری و نرم افزاری برای مقابله با امنیت ملی دانست. در فرآیند آسیب شناسی امنیتی لازم است آگاه بود که هرگونه آسیب شناسی براساس شکل خاصی از فضای محیط امنیتی انجام می گیرد. نشانه های سخت افزاری مدیریت امنیت ملی شامل موضوعاتی از جمله قدرت نظامی و قدرت اقتصادی است. شاخص های نرم افزاری مدیریت امنیت ملی، مربوط به چگونگی اتخاذ خط مشی برای مقابله با تهدیدهاست. چگونگی بهره گیری از نرم افزار و سخت افزارهای امنیت ملی براساس خط مشی و راهبرد سازماندهی می شود. برای تنظیم خط مشی سیاسی و امنیتی لازم است اطلاعات فراوان درباره ساختار نیرو، تسلیحات و چگونگی کاربرد نیرو فراهم شود. به این ترتیب، شناخت تهدیدها، طبقه بندی سطوح تهدیدها و گونه شناسی تهدیدها در رهیافت های امنیت ملی براساس نشانه های محیط امنیتی انجام می گیرد. (بوزان، ۱۳۷۹: ۴۷)

## ۵-۳- ارزیابی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی امنیت ملی در هر کشوری براساس شاخص ها و نشانه های متفاوتی انجام می گیرد. ویژگی های ساختاری، سطح توسعه یافتگی، مؤلفه های ژئوپلیتیکی، نیروهای تهدیدکننده و ابزارهای قدرت ملی برای مقابله با تهدیدها در چگونگی و فرآیند ارزیابی امنیت ملی هر واحد سیاسی نقشی تعیین کننده خواهند داشت. از سوی دیگر، هرگونه تهدید و کنش تهدیدکننده توسط بازیگران خاصی به انجام می رسد. این تهدیدها دلیل گستره و شدت تفاوت آنها از یکدیگر است. در فرآیند آسیب شناسی تهدیدهای امنیت ملی لازم است لایه بندی تهدیدها انجام گیرد و شاخص های تهدید فراروی امنیت ملی مورد محاسبه واقع شود. (ابراهیم متقی، ۱۳۸۹) که در لایه بندی های تهدید به دو دسته کم شدت که شامل (تهدیدهای کم شدت فرهنگی- اجتماعی، منطقه ای و بین المللی) و پرشدت که شامل (درون ساختاری، منطقه ای و بین المللی) می شود (متقی، ۱۳۸۸: ۶۶)

## ۵-۴- نشانه های قدرت مقاومت ایران در برابر تهدید

با اینکه توان سخت افزاری نسبی ایران برای مقابله با تهدیدها کمتر از برخی از کشورها منطقه می باشد، به دلیل مزیت نسبی و مطلوبیت ایران در حوزه هایی از جمله بسیج نیروهای اجتماعی برای مقابله با تهدیدها، تحرک گروه های اجتماعی در قالب هویت مقاومت، سازماندهی نیروهای اجتماعی در شرایط تهدید امنیتی براساس چنین شاخص هایی انجام گرفت. بهره گیری از مؤلفه های نرم افزاری، قدرت ملی کشورها را در مقیاس تصاعدی افزایش می دهد و زمینه برطرف سازی تهدیدها را به وجود می آورد. این مسئله نشان می دهد رویارویی با تهاجم نظامی در شرایط نابرابری توان تسلیحاتی صرفاً از طریق نشانه های قدرت نرم امکان پذیر است. (متقی، ۱۳۸۸: ۶۶)

مؤلفه های تولیدکننده ناامنی جمهوری اسلامی ایران		
مؤلفه ها	شاخصه ها	
۱	تشدید تنش در مناسبات آمریکا ( Mearshiemer (۴۵: ۲۰۰۱,	<ul style="list-style-type: none"> <li>حضور کشتی های جنگی آمریکا در خلیج فارس</li> <li>ارجاع برنامه هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل</li> <li>تحریم علیه ایران</li> </ul>
۲	تحریمهای اقتصادی و سیاسی بین المللی (حسین علایی ، ۱۳۹۱: ۱۳)	<ul style="list-style-type: none"> <li>تحریم سرمایه گذاری در بخش صنایع</li> <li>تحریم سرمایه گذاری در بخش علمی</li> <li>تحریم اشخاص سیاسی و علمی</li> <li>تحریم سرمایه گذاری در بخش مالی و اقتصادی</li> <li>تحریم سرمایه گذاری در بخش نظامی</li> </ul>
۳	رژیم صهیونیستی (حسین علایی ، ۱۳۹۱: ۱۳)	<ul style="list-style-type: none"> <li>وجود رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی همواره یکی از عوامل ناامنی و بی ثباتی در خاورمیانه</li> <li>برنامه های آمریکا برای حفظ امنیت و بقای اسرائیل</li> <li>سیاست های توسعه طلبانه و جنگ محورانه اسرائیل</li> <li>نادیده گرفتن حقوق فلسطینیان</li> <li>این رژیم تنها کشورسلاح های کشتارجمعی و کلاهدک هسته ای در خاورمیانه</li> <li>عدم عضویت در معاهدات خلع سلاح</li> <li>رایزنی های گسترده با سران کشورهای مختلف به ویژه آمریکا و اروپا به منظور توسعه فشار بر ایران</li> <li>هرازگاهی اسرائیل مسئله احتمال حمله نظامی به مراکز هسته ای ایران را مطرح می کند</li> </ul>
۴	تغییر مداوم در محیط امنیت منطقه ای و بین	<ul style="list-style-type: none"> <li>تغییر در موازنه قوا</li> <li>ظهور بیداری اسلامی در کشورهای عربی</li> <li>فضای امنیتی خاورمیانه به نفع ملتها و به ضرر دیکتاتورها و رژیم صهیونیستی تغییر کرده است.</li> </ul>

	<ul style="list-style-type: none"> <li>• دخالت برخی کشورهای منطقه و فرامنطقه ای برای تأثیرگذاری بر موج آزادی خواهی ملت‌های عربی</li> <li>• مدیریت وقایع موجود برای نفوذ از سوی کشورهای فرامنطقه ای</li> </ul>	<p>المللی (سیف زاده ، ۱۳۸۰)</p>
۵	<ul style="list-style-type: none"> <li>• القاعده</li> <li>• طالبان</li> <li>• داعش</li> <li>• خود مختاری در کردستان عراق</li> <li>• جدایی طلبان منطقه آذربایجان</li> </ul>	<p>قدرت گیری گروه‌های تروریستی و جدایی طلب (حسین علایی ، ۱۴: ۱۳۹۱)</p>
۶	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اجرای ناقص سند چشم انداز</li> <li>• عدم تحقق برنامه های پنج ساله توسعه</li> <li>• جدا شدن نخبگان و فرهیختگان جامعه از حاکمیت</li> </ul>	<p>ناکارآمدی دولتها (حسین علایی ، ۱۵: ۱۳۹۱)</p>
۷	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تنوع قومیتی</li> <li>• تنوع مذاهب</li> <li>• فشار از سوی برخی اقلیت ها جهت خود مختاری و جدایی طلبی</li> </ul>	<p>اقوام و مذاهب (مختارزاده ، ۱۳۸۳)</p>

#### ۵-۵- دیدگاه های حضور ایران در حلقه های امنیتی

موقعیت یک کشور یا منزلت آن را در مجموعه ای از کشورها یا در یک سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه ای نشان می‌دهد مرزها و قلمرو ژئوپلیتیکی که خود مفهوم فضایی جغرافیایی است و نیز قدرت اثرگذاری بر فرآیندها و کنش های بین المللی و منطقه ای سبب می شود امنیت ملی کشور تأمین شود، تهدیدها علیه آن کاهش یابد و منافع و اهداف ملی کشور تضمین گردد. وزن ژئوپلیتیکی رابطه‌ای مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم جهانی و منطقه ای دارد. هر قدر وزن بیشتر باشد، منزلت و اعتبار عمومی کشور بین سایر کشورها اعم از بزرگتر، همتراز و کوچکتر بیشتر می‌شود و هر اندازه اعتبار و منزلت افزایش یابد، به همان اندازه فرصت های جدید قدرت مرئی یا نامرئی برای اثرگذاری عینی و ذهنی بر فرآیندها، تصمیم سازی ها، اقدامات و رفتارها

در مقیاس های مختلف محلی و همسایگی، منطقه ای و جهانی فراهم می آید و کشور میتواند به تدریج در جایگاه مدیریت و رهبری فرآیندها و کنشهای جمعی قرار گیرد و نقش سیاسی و بین المللی محوری ایفا کند. کشورهایی که در سازمان های بین المللی یا منطقه ای عملاً بر فرآیندها، تصمیمها و اقدامات جمعی تأثیر می گذارند و اقدامات و کنش سایر کشورها را متأثر می سازند، از وزن ژئوپلیتیکی و به تبع آن، منزلت بیشتر و برتر میان سایر اعضای سازمانهای بین المللی و منطقه ای برخوردارند. ( حافظ نیا ، ۱۳۸۴ : ۱۱۰ ) از مفاهیم اساسی دیگر در تعیین وزن ژئوپلیتیکی کشورها، قلمرو و مرز یک کشور با قدرت با کشورها و سرزمین ها و فضاهای جغرافیایی پیرامونی است که در حوزه نفوذ کشور مرکز- قطب قرار دارد. مرزهای ژئوپلیتیکی حدود نهایی یک قلمرو ژئوپلیتیکی و حوزه های نفوذ را نشان می دهند. در ارتباط با قلمرو و مرز ژئوپلیتیکی نکات زیر قابل توجه است:

دیدگاه های مختلف در درون ایران، براساس ماهیت مسائل سیاسی، امنیتی و راهبردی در محیط اطراف ایران و درجه ارتباط آنها با منافع ملی کشور، حضور گسترده، اندک یا عدم حضور ایران را در حلقه های امنیتی به طور متفاوت ارزیابی می کنند( عباس علی پور ، ۱۳۸۹ : ۸۶ )

**۵-۵-۱- سیاست انطباق و همسویی :** سیاست انطباق و همسویی با تکیه بر واقعیت های ژئوپلیتیک ایران معتقد به عدم درگیر شدن ایران در آن دسته از مسائل سیاسی امنیتی است که فقط به جهان عرب مربوط اند و از لحاظ راهبردی و ژئوپلیتیکی ارتباط مستقیم با منافع ملی ایران ندارند. از این دید، حضور مستقیم و پررنگ ایران در چنین مسائلی هزینه ساز است. بر این اساس، حضور ایران در خلیج فارس و عراق به عنوان همسایگان امری ضروری و حساس است، اما حضور گسترده در لبنان و فلسطین با اهداف راهبردی کشور هماهنگ نیست (Naghibzadeh, 2000: 155-178)

**۵-۵-۲- سیاست اتحاد و ائتلاف :** دیدگاه های غالب در نظریه های روابط بین الملل علت اصلی ایجاد اتحاد و ائتلاف بین دولت ها را مبارزه با تهدید مشترک خارجی می دانند والت، یکی از نظریه پردازان اصلی نظریه ائتلاف و اتحاد، معتقد است دولت ها به دو دلیل با یکدیگر متحد می شوند: نخست، برای ایجاد تعادل قدرت به منظور رفع یک منبع تهدید در محیط امنیتی؛ دوم، برای رفع یک تهدید عمده خارجی. از این دید، رهیافت سیاسی اتحاد و ائتلاف ایران در سطح منطقه واکنشی تدافعی برای رفع تهدیدهای امنیتی است نه تلاشی برای رسیدن به قدرت در سطح منطقه.

در چارچوب نظریه اتحاد و ائتلاف، دیدگاه دوم در سیاست خارجی ایران معتقد به ایجاد اتحاد و ائتلاف با سوریه و حزب الله در لبنان و حضور بیشتر در حلقه دوم امنیتی برای متعادل کردن تهدیدهای امنیتی در منطقه (اسرائیل) و چانه زنی برای رفع تهدیدهای عمده و مشترک خارجی (آمریکا) است. بنابراین، بهره برداری هم زمان از نقش و تمام ابزارهای فرصت ساز در صحنه سیاست خارجی مد نظر است. براساس این دیدگاه، واقعیات ژئوپلیتیک و همچنین واقعیات فرهنگی و ایدئولوژی ( عنصر شیعی ) ایران را به مسائل

جهان عرب متصل می کند. با بروز انقلاب اسلامی، نقش ایران در منطقه از حالتی حاشیه‌ای خارج شد و جنبه اصلی پیدا کرد (Liska ۱۹۶۲)

نگاهی واقع‌گرایانه نشان می دهد مسائل جهان عرب فرصت‌ها و تهدیدهای زیادی وارد حوزه سیاست خارجی ایران می کند. از آنجا که ایران اهرم‌های کمی برای تأثیرگذاری در مسائل جهان عرب دارد، بهره‌گیری از عنصر شیعی به عنوان ابزاری فرصت‌ساز برای حفظ امنیت و تأمین منافع ملی ایران حائز اهمیت است. افزایش دامنه این ائتلاف با گروه‌های دولت در سوریه و لبنان و حزب الله نیز به افزایش قدرت چانه‌زنی ایران در سطح منطقه برای تأمین منافع راهبردی می انجامد. از این زاویه، حضور گسترده ایران در مسائل جهان عرب در چارچوب اهدافی واقع‌گرایانه اما با روشی متفاوت تعریف می شود. در این دیدگاه، هدف اصلی افزایش حضور ایران در مسائل سیاسی امنیتی، به نوعی تعریف گسترده تر حلقه‌های امنیتی ایران، اتصال امنیت ایران به اهمیت منطقه، افزایش قدرت چانه‌زنی و در نهایت، رفع تهدیدهای امنیتی در محیط فوری امنیتی در ارتباط با تعریف امنیت ایران در این قالب امنیت به هم پیوسته منطقه است. در واقع، امنیت ایران برابر امنیت منطقه و عدم امنیت ایران برابر عدم امنیت منطقه است. لذا اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه راهبردی و پراگماتیک تعریف می شود. برای مثال، نظریه ائتلاف یا اتحاد حکومت‌های دوست شیعی در منطقه از جمله عراق، سوریه و لبنان (حزب الله) بیش از آنکه بر ائتلاف ایدئولوژیک و بر مبنای عنصر شیعی مبتنی باشد، ائتلافی راهبردی با هدف رفع تهدیدهای امنیتی مشترک است. این نظریه را محققان غربی و جهان عرب آگاهانه یا ناآگاهانه خطرهای شکل‌گیری یک هلال شیعی ایدئولوژیک و مبتنی بر اتحاد توده‌ها تعبیر کرده‌اند. (برزگر، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

**۵-۶- ضرورت‌ها و زمینه‌های بسط حوزه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران:** جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات به وجودآمده پیرامونی و منطقه‌ای باید برای بسط حوزه نفوذ و قلمرو ژئوپلیتیکی خود به منظور تأمین اهداف و منافع ملی و تمامیت ارضی در خاورمیانه، ضمن انطباق خود با این تحولات، برای پیشبرد سیاست خارجی در راستای بسط قلمرو ژئوپلیتیکی، محورهای سیاست عملی خود را براساس دو محور ضرورت‌ها و زمینه‌ها پیش‌ببرد. اغلب واحدهای سیاسی خاورمیانه در شکل‌های عنصری و واحدی یا منطقه‌ای، کانون تلاقی و منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای هستند. کانون تلاقی این علایق و منافع را در سه زیرسیستم منطقه خاورمیانه که در ادامه خواهند آمد، به وضوح می توان مشاهده کرد. این زیرسیستم‌ها امروز تحت تأثیر مستقیم تحولات بهار عربی قرار گرفته‌اند و در حال ایجاد تغییرات سریع اجتماعی‌اند، به طوری که این سه زیرسیستم متأثر از یکدیگر در حال تحول‌اند.

**۵-۶-۱- حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس:** به لحاظ وزن ژئوپلیتیک بین سه حوزه خاورمیانه عربی در بالاترین سطح قرار دارد عضویت هفت واحد سیاسی شامل ۵۰ درصد واحدهای سیاسی خاورمیانه عربی در آن، ظرفیت بالای تولید انرژی، داشتن تنگه راهبردی هرمز آن را در موقعیت مرکزی و کانونی دنیای عرب عموماً و جهان اسلام به خصوص قرار داده است. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۳)

۵-۶-۲- حوزه ژئوپلیتیکی دریای سرخ : کشورهای عرب خاورمیانه عربی این حوزه ژئوپلیتیکی شامل یمن، مصر و سودان به علت دسترسی به تنگه مهم و راهبردی باب المندب و کانال سوئز از اهمیت ژئوپلیتیکی بالایی برخوردارند. این حوزه در غرب عربستان قرار گرفته است، لذا می توان این کشور را نیز در زمره کشورهای این حوزه به شمار آورد، اما قرار گرفتن دو تنگه راهبردی در شمال و جنوب این منطقه تأثیر گذاری کشورهای مشرف بر این تنگه ها را بااهمیت تر کرده است مصر به عنوان بزرگ ترین و مهم ترین کشور عربی، مهم ترین واحد سیاسی این حوزه محسوب می شود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۴ : ۲۳-۲۴)

۵-۶-۳- حوزه ژئوپلیتیکی دریای مدیترانه شرقی : زیرسیستم ژئوپلیتیکی مدیترانه کشورهای اردن، سوریه، لبنان و فلسطین را دربرمی گیرد. ایران به عنوان قدرت پیرامونی این زیرسیستم به شمار می رود. حوزه ژئوپلیتیکی دریای مدیترانه نیز به علت دسترسی به اروپا آفریقا، حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس و کانال سوئز از جایگاه ژئوپلیتیکی بالایی برخوردار است. در سیاست های عربی شرق مدیترانه، ایران جدید یک تازه وارد است. در خاورمیانه عربی، پیوندهای فرقه ای، مذهبی یا اعتقادی غالباً به کانون هویت انسان بسیار نزدیکتر از کشور اوست. تحولات جدید در لبنان و قدرت حزب الله و قدرت گرفتن حماس در سرزمین های اشغالی به علت تحولات اخیر منطقه موجب افزایش نفوذ قدرت جمهوری اسلامی در این منطقه شده است. با توجه به تحولات اخیر در لبنان و تحولات فلسطین و پیشی گرفتن نفوذ حماس به دلیل حذف رژیم مبارک در جناح غربی آن و آزادی عمل آنها در مقایسه با گذشته و از همه مهم تر سقوط حسنی مبارک به عنوان اصلی ترین چالشگر حضور ایران در شمال آفریقا، قدرت ایران در مدیترانه شرقی افزایش یافته است (عباس علی پور ، ۱۳۸۹ : ۹۷-۹۹)



نقشه شماره ( ۱ ) موقعیت نسبی ایران در هلال شیعی ( <https://www.dw.com/fa> )

تحولات منطقه غرب آسیا به عنوان یکی از پرچالش ترین مناطق این کره خاکی برای بسیاری از کشورهای مهم و فعال منطقه‌ای و فرمانطقه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یکی از کشورهایی که نسبت به این تحولات واکنش نشان داده و سعی در کنترل آن دارد، جمهوری اسلامی ایران است. تحولات منطقه غرب آسیا با آغاز تحولات داخلی سوریه از ژانویه ۲۰۱۱ م تاکنون رنگ تازه ای به خود گرفته است. این تحولات که موجب ایجاد بحران داخلی در سوریه و فعل و انفعالات منطقه‌ای و بین المللی گشته است، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یکی از کشورهای محور مقاومت مورد تهدید بالقوه قرار داده است. تهدیدات بالقوه ای که هر لحظه امکان بالفعل شدن را دارد، موجب شده تا کشور جمهوری اسلامی ایران نسبت به این کشور بی تفاوت نبوده و متناسب با قوانین بین المللی و در چارچوب قوانین داخلی سوریه سیاستهای لازم را در قبال این کشور و تحولات آن اتخاذ نماید. جمهوری ایران به دلیل ملاحظات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و همچنین رویکردهای کلان سیاست خارجی، روابط بسیار گسترده ای در حوزه ها و سطوح مختلف با کشور سوریه داشته است. ریشه های محوری اتحاد ایران و سوریه به تحولات اواخر دهه ۷۰ برمی گردد. تحولات سوریه از زمان آغاز تا کنون، یکی از مهمترین رویدادهایی است که سیاست خارجی و بالطبع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که وضعیت سوریه برای جمهوری اسلامی ایران بعنوان بازی با حاصل جمع جبری صفر درآمده و هرگونه تحول بنیادین در ساختار سیاسی این کشور ضریب امنیتی ایران را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. کشور سوریه برای سالهای متمادی، نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب، محور مقاومت و اتصال استراتژیک ایران به مدیترانه و خاور نزدیک را داشته است. این امر موجب شده تا تضعیف سوریه و سرنگونی بشار اسد موجب تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه ای ایران شود. (عباس علی پور ، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۶)

**۷-۵- اهداف منطقه ای ایران :** حضور منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی دارای ریشه های الهیاتی و راهبردی محکمی است می توان چهار هدف عمده منطقه ای را به شرح ذیل برشمرد

۱- حذف غده سرطانی اسرائیل- ۲ خروج بیگانگان از منطقه ۳-حق تعیین سرنوشت ملل منطقه به دست خودشان بدون هیاهوی رسانه ای و جنگ روانی ۴- شکل گیری نظام امنیت مشترک منطقه ای ایران برای دستیابی به اهداف فوق، عراق، سوریه، لبنان و یمن را به عنوان عمق راهبردی خود در راستای همدلی، هم اندیشی و حرکت روبه جلو تلقی می کند. براین اساس، اولویت های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی عبارتند از چهار مجموعه ۱- همسایگان ایران ۲- کشورهای مسلمان ۳- کشورهای جهان سوم ۴- کشورهایی که نیازمندی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا نظامی ایران را تأمین می کنند( محمد رضا حاتمی ، ۱۳۹۴: ۲۷)

ایران شبکه ای از شرکا و دوستان منطقه ای را با هدف حمایت در برابر تهدیدات خارجی ایجاد نموده است؛ سیاست دفاع روبه جلویی زمین گیر کردن دشمنان از طریق دوستان و متحدان منطقه ای بدون صدمه مستقیم به ایران این مهم از طرق محور مقاومت انجام می پذیرد؛ اتحاد ایران با سوریه، حزب الله، عراق، حوثی های یمن و حماس علیه رژیم صهیونیستی و برتری امریکا در منطقه. به این ترتیب، سیاست راهبردی دفاع رو به جلو بدون تقویت محور مقاومت غیرممکن است. براین اساس، ایران در عراق و سوریه چند هدف اصلی و محوری را دنبال می کند. حفظ نظام بشار اسد، کمک به ثبات و افزایش نفوذ ایران از جمله اهداف حیاتی ایران در سوریه به شمار می رود. این سیاست به دلیل نقش سوریه به عنوان متحد راهبردی ایران در جهان عرب و نیز باتوجه به تأثیرات منفی احتمالی سقوط اسد بر حزب الله لبنان می باشد؛ چراکه سوریه یک مرکز مهم پشتیبانی و تدارکاتی برای انتقال کمک های ایران به حزب الله است. به علاوه، موقعیت جغرافیایی سوریه در قلب جهان عرب به عنوان یک مرکز ژئوپلیتیکی مهم محسوب می شود که در آینده ایران می تواند حتی قدرت منطقه ای خود را از این طریق پیش ببرد. ایران با تقویت حوزه نفوذ شیعه، عمق بخشی از طریق عراق به سوریه و لبنان و مدیترانه، می تواند یک کریدور زمینی از ایران به سوریه و لبنان ایجاد کند تقویت سازوکارهای فشار و افزایش خطر تهدید نسبت به رژیم صهیونیستی، درحالی که ایجادکننده یک وضعیت بازدارندگی است؛ این وضعیت محصول تقویت توان نظامی حزب الله، توسعه توانمندی های حزب الله جهت ساخت تسلیحات، تثبیت موقعیت حزب الله در بلندی های جولان با هدف ایجاد یک جبهه جدید برای به چالش کشیدن رژیم صهیونیستی است. این وضعیت می تواند توان عملیاتی حزب الله، شبه نظامیان شیعی و سایر بازیگران محلی مورد حمایت ایران را افزایش دهد. ابزار لازم برای اجرای این هدف، خود جوامع شیعی ساکن در این کشورها هستند. در ذیل به برخی از مهمترین اهداف راهبردی ایران در منطقه که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تأمین می کنند، اشاره می شود.

### ۵-۷-۱- آزادسازی قدس شریف: مسئله فلسطین و آزادی قدس شریف از آغازین روزهای پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی

ایران در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفت؛ کما اینکه پیش از انقلاب نیز مسئله فلسطین دغدغه اصلی رهبران مذهبی از جمله امام خمینی(ره)، شهید مطهری بود. درست به همین دلیل بود که ساختمان سفارت رژیم صهیونیستی جایش را به سازمان آزادی بخش فلسطین داد و نام خیابان و میدان کاخ نیز به فلسطین تغییر یافت. کلام تاریخی امام خمینی(ره) در جماران مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۶۱ ما می گوئیم اسرائیل باید از صفحه روزگار حذف شود بیانگر عمق راهبردی و نگاه بلند امام به اهمیت و جایگاه فلسطین در جهان اسلام است. امام خامنه ای(مدظله) نیز بارها اشاره مسئله فلسطین باید اولویت نخست جهان اسلام و آزادی خواهان جهان و محور وحدت همه آنان باشد.

### ۵-۷-۲- تقویت محور مقاومت: همان گونه که پیش از این توضیح داده شد، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران به دلیل

موقعیت خاص ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک اش بدون حضور مؤثر منطقه ای و توسعه عمق راهبردی همواره مورد طمع قدرت های بزرگ و بیگانگان قرار گرفته است. لذا جبر جغرافیایی و البته اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی در حمایت از مظلومان، کاربست



سیاست دفاع رو به جلو را برای حفظ امنیت ملی و عمق بخشی خارجی، اجتناب ناپذیر می نماید که تحقق این دو هدف جز با تقویت محور مقاومت و حق تعیین سرنوشت در سایه خروج بیگانگان از منطقه ممکن و میسر نخواهد بود. در این میان، از آنجاکه سوریه حلقه واسط میان ایران و محور مقاومت به شمار می رود، هرگونه تغییر رژیم در این کشور به تضعیف راهبرد سیاست خارجی ایران در حمایت از نیروهای مقاومت و در نهایت تحدید و تهدید امنیت ملی کشور منجر می شود. ( روح الله قادری ، ۱۳۹۷ : ۲۷ )

**۵-۷-۳- مقابله با تروریسم تکفیری :** بدون تردید بقاء و دوام تروریست های تکفیری در عراق و سوریه و سایر مناطق محیط امنیتی پیرامون جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک تهدید وجودی تلقی می گردد که هم امنیت هستی شناختی و هم امنیت مادی و فیزیکی نه تنها ملت ایران که ملل سایر جوامع به ویژه جهان اسلام را نیز مورد چالش جدی قرار خواهد داد. لذا جمهوری اسلامی ایران نسبت به برخورد و مقابله با این جریان منحرف و مزدور، کوچکترین تردید و مسامحه ای را به خرج نخواهد داد. در این راستا اشغال بغداد و دمشق از سوی داعش و سایر گروههای تکفیری، می توانست بزرگترین فاجعه تاریخی را برای شیعیان و مردم ایران به بار آورد و حتی ایران را با خطر تجزیه نیز مواجه سازد. لذا سپاه پاسداران بیدار انقلاب اسلامی تحت مدیریت راهبردی فرمانده کل قوا و از طریق مدافعان مظلوم حرم اعم از فاطمیون و زینبیون و حیدریون توانستند این توطئه بزرگ نظام سلطه را با نثار خون شهدا خنثی نمایند. ( روح الله قادری ، ۱۳۹۷ : ۳۰ )

**۵-۷-۴- تقویت توان بازدارندگی :** حضور مستشاری سپاه پاسداران، توانسته است توان بازدارندگی منطقه ای ایران را تقویت نموده و هر کشور منطقه ای و فرامنطقه ای را از فکر تجاوز به ملل اسلامی و مستقل منطقه بازدارد؛ چراکه درگیر این صورت، جمهوری اسلامی ایران با اقتدار منطقه ای و توان بالای رزم زمینی، هر متجاوز را می تواند زمینگیر نموده و به عقب براند. امروزه برخلاف باور عده ای که جهان معاصر (( عصر گفتمان )) می نامند (( عصر گفتمان )) نیز هست و این موضوع در جنوب غرب آسیا معنا و رنگ و بوی جدی تری به خود گرفته است. بدون افزایش توان دفاعی و بازدارندگی حداکثری، هرگز نمی توان امنیت ملی را تأمین و تضمین نمود. ( روح الله قادری ، ۱۳۹۷ : ۳۱ )

**۵-۷-۵- دور کردن سایه جنگ از کشور :** نتیجه منطقی توسعه عمق راهبردی منطقه ای، کاربست سیاست دفاع رو به جلو، تقویت محور مقاومت و افزایش توان بازدارندگی دور شدن سایه شوم جنگ از فضای مرزهای جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دوست و برادر است و این موضوع نه با رایزنی، مذاکره و چانه زنی دیپلماتیک که با قدرت افکنی به دست می آید. به عبارت دقیق تر، ثمربخشی مذاکرات دیپلماتیک معلول دور شدن سایه جنگ به اعتبار قدرت نظامی کشور است نه بالعکس. هرگز تصور نشود که بدون اقتدار نظامی می توان با دو سه جلسه مذاکره دیپلماتیک دشمن را به عقب راند. تاریخ روابط بین الملل و بلکه تاریخ جنگ ها پر است از درس ها و عبرت های حیرت انگیز. ( روح الله قادری ، ۱۳۹۷ : ۳۲ )

**۵-۷-۶- افزایش توان چانه زنی دیپلماتیک :** در نظام ناعادلانه و هرج و مرج بین الملل، بی اعتمادی و عدم صداقت و شیوع فریب و تقلب نهادینه شده است و جز با راستی آزمایی گام به گام و نه اعتمادنمی توان منافع ملی و امنیت ملی را تأمین کرد. در این زمینه، اقتدار نظامی و حضور منطقه ای می تواند پشتوانه دیپلمات های کشور در فرایند مذاکرات دیپلماتیک آشکار و پنهان باشد. درست به همین علت است که دیپلماسی قایق های توپدار یعنی تهدید به زور یا استفاده از زور هنوز هم در فضای دیپلماسی و مذاکرات بین المللی معنادار و مؤثر است. ( روح الله قادری ، ۱۳۹۷ : ۳۲ )

**۵-۷-۷- زمینه ساز توسعه پایدار ملی :** توسعه با هر قرائتی بدون وجود امنیت به وجود نخواهد آمد. در واقع، امنیت، بستر توسعه است. درست به همین خاطر است که ایران در شرایط فعلی امن ترین کشور منطقه برای سرمایه گذاری خارجی و اجرای پروژه های کلان اقتصادی است. در همین چارچوب توسعه پایدار یا پایا که محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است و حتی توسعه انسانی که زندگی طولانی، سالم و باعزت را دنبال می کند، هرگز در فضای ناامنی و بی ثباتی به ثمر نخواهد نشست. به خصوص که منازعه و جنگ داخلی به منابع طبیعی و تجدیدنپذیر، عدالت اجتماعی، تنوع فرهنگی و دریک کلام، تعادل میان توسعه و محیط زیست را مورد مخاطره جدی قرار خواهد داد و این گونه است که نسل های بعدی نیز می توانند از منافع امنیت ملی و توسعه پایدار بهره مند شوند. ( روح الله قادری ، ۱۳۹۷ : ۳۳ )

آنچه در سوریه در جریان است که به طور مستقیم بر منافع ملی ایران تاثیرگذار است چراکه سوریه پل ارتباطی ایران با متحدان منطقه ای خود از قبیل حزب الله و گروه های فلسطینی است و تضعیف سوریه می تواند موجب کاهش قدرت و نفوذ ایران در سطح منطقه غرب آسیا گردد همه این مسائل نشان دهنده اهمیت سوریه در سیاست خارجی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است ( موسوی دهموردی و همکاران، ۱۳۸۸ : ۵۰ ) یکی از مشکلات اصلی امنیتی ایران در منطقه غرب آسیا ، فقدان متحدان استراتژیک چه در سطح منطقه و چه فراتر از آن است در این وضعیت کشور سوریه می تواند نقش بسیار مهمی برای سیاست های امنیتی ایران بازی کند از سوی دیگر محیط هرج و مرج گونه غرب آسیا فاقد یک ساختار و ترتیبات امنیتی مورد اجماع کشورهای منطقه است و در فقدان چنین سازوکارهایی ، ترتیبات و پیمانهای مختلف و گاه متعارض در سطح آسیا شکل گرفته اند اتحادیه عرب ، شورای همکاری خلیج فارس ، سازمان امنیت جمعی ( روسیه و آسیای مرکزی ) ، سازمان همکاری شانگهای و قراردادهای دوجانبه میان کشورهای منطقه و کشورهای فرامنطقه ای برخی از پیمانهای منطقه ای و فرا منطقه ای هستند که در اطراف ایران ایجاد شده اند. این پیمان های دوجانبه منطقه ای و فرامنطقه ای وضعیت پیچیده ای را به وجود آورده است که ایران در هیچ یک از آنها حضور ندارد از این رو محیط امنیتی غرب آسیا در وضعیت کنونی وضعیتهای احتمالی آینده تهدیدات مختلفی را برای ایران دربر خواهد داشت اینجا که سوریه نقش خود را برای ایران آشکار می کند چرا که در این وضعیت دشوار سوریه به عنوان یک متحد استراتژیک از چندین جهت می تواند. نقطه اتکایی برای اثرگذاری سیاست خارجی و امنیت ایران در منطقه باشد از این رو پس از انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران به سوریه به عنوان یک متحد منطقه ای نگاه کرده است اما با شروع ناآرامی های داخلی سوریه و کشیده

شدن پای بازیگران و قدرت‌های جهانی و منطقه مخالف جمهوری اسلامی ایران به تحولات این کشور خطر تغییر حکومت در سوریه و از بین رفتن این متحد استراتژیک ایران به وجود آمده است این مسئله از طرف جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک تهدید مستقیم نسبت به امنیت و منافع ملی و منطقه خود قلمداد شده است از این رو این کشور با تمام توان سعی در حفظ دولت حاکم بر سوریه و از بین بردن معارضه داخلی سوریه کرده است بنابراین وقوع تحولات داخلی سوریه و درک تهدید از طرف جمهوری اسلامی ایران وقتی در از بین رفتن متحد استراتژیک خود در سوریه و قدرت گرفتن کشورها و گروه‌های مخالف خود در منطقه غرب آسیا باعث شده است تا این کشور به مداخله مستقیم در سوریه بپردازد

### ۵-۸- دلایل حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران در سوریه

۵-۸-۱- **تقویت محور مقاومت** : روابط ایران و سوریه در این مقطع از زمان متأثر از رویدادهای منطقه ای و به خصوص حفظ محور مقاومت و نگرانی نسبت به خطر افتادن منافع آنان در دیگر کشورهای هم پیمان منطقه ای همچون لبنان بوده است. سوریه به منزله یکی از ستونهای اصلی محور مقاومت، به خاطر مرز مشترکی که با اسرائیل دارد، در معادلات راهبردی آمریکا در منطقه مانع بزرگی به شمار می آید و آمریکا با نابود کردن این پل ژئوپلیتیکی و از میان برداشتن رابط میان ایران و صف اول مقاومت، به دنبال تضمین امنیت اسرائیل است. چون در صورتیکه سوریه از توان و ظرفیت بالایی برخوردار باشد به راحتی قادر است که تهدیدات محور مقاومت را علیه اسرائیل به منصفه ظهور برساند. بنابراین میتوان چنین بیان داشت که جمهوری اسلامی در مقام قدرتی بزرگ منطقه ای در این بازی، بیم آن دارد که با تغییر رژیم سیاسی سوریه، حکومت جایگزین محور مقاومت اسلامی را از هم بگسلد. از منظری دیگر می توان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد میکند و به همین دلیل ایران در طی بحران سوریه هیچگاه از راه حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از منطقه ای و غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت ننموده است؛ بلکه برعکس مسئولان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک راه وجود دارد و آن نیز راه حل سیاسی است. همچنین ایران کشور سوریه را به مثابه سپری از دفاع امنیتی در منطقه برای خود قلمداد مینماید که در صورت فروپاشی ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۱۴۰)

۵-۸-۲- **برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه** : میتوان گفت آنچه بر مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سوریه یک هویت جمعی باثبات و پایدار بخشیده است، همسویی مواضع و استراتژیهای سیاست خارجی، اشتراکات منافع، اشتراکات فرهنگی و قومی است از آنجاکه اشتراکات منافع و ایدئولوژیک می‌تواند مبنای شکل گیری این الگو قرار گیرد، اتخاذ سیاست خارجی یکسان تهران و دمشق در برابر اسرائیل و تا حدودی آمریکا و همچنین حمایت از حزب الله لبنان و گروه های مقاومت فلسطینی، بستر مناسبی را برای کنار هم قرار گرفتن هویت اسلامی شیعی-ایرانی و ناسیونالیسم عربی-سوری فراهم کرد (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴: ۱۵)

**۵-۸-۳- تقویت جایگاه و نفوذ ایران در منطقه :** جمهوری اسلامی ایران نیز به فراخور نقش و میزان اثرگذاری خود در جنوب غرب آسیا ، در معرض این رقابت ها قرار دارد، رقابت هایی که می تواند در پاره ای موارد امنیت ملی کشور را در همه ابعاد آن هدف قرار دهد . چون روند تحولات امنیتی در منطقه جنوب غرب آسیا حاکی از وجود وابستگی متقابل امنیتی منفی در این منطقه است . به جای آنکه ازدیاد قدرت در یکی از واحدهای منطقه، در یک فرایند وابستگی متقابل امنیتی مثبت، موجب بهبود شرایط امنیتی و شکل گیری روندهای همکاری جویانه امنیتی شود، در یک معادله جبری با حاصل جمع صفر، ازدیاد قدرت یک واحد به سرعت تأثیر منفی بر امنیت ملی واحدهای دیگر برجای میگذارد و روندهای تقابل جویانه و منازعات امنیتی شکل می گیرد . در این راستا، عربستان سعودی با حمایت معارضین سوری و ایفای نقش فعال در کنترل بحران سوریه سعی دارد جایگاه خود را در این کشور ارتقا دهد . کاهش نفوذ و عمق استراتژیک ایران در منطقه مهمترین تهدیدی است که از شرایط فوق برای ایران ایجاد میشود و میتواند به شدت منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد . همان طور که مقامات کاخ سفید بیان می کنند، راهبرد ایالات متحده در قبال بحران سوریه این است که آنها شورای امنیت، اتحادیه اروپا، ناتو، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس را با تمام قوا بحران سوریه و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران وارد میدان نموده تا فشار اسد کناره گیری کند و بتوانند وارد حلقه مقاومت بشوند و ایران را مهار نمایند در واقع برای امریکا، غرب و کشورهای عرب محافظه کار، جنگ با سوریه به مثابه بخشی از جنگ گسترده با ایران ارزیابی میشود . به تعبیری دیگر سوریه گروگان آنها برای فشار به ایران است(مرادی و شهرام نیا ، ۱۳۹۴: ۱۶)

**۵-۸-۴- شکل گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنشهای فرقه های و مذهبی در منطقه :** از آغاز شکل گیری تنش در سوریه، گروههای متعددی موسوم به گروههای تروریستی -تکفیری با عناوین مختلف در بحران سوریه ایفای نقش نموده اند . یکی از مهم ترین اهداف این گروهها، ایدئولوژیک نمودن و سیاسی جلوه دادن اسلام، با نام اسلام رادیکال و فرقه بازی های اسلامی است . (زرنچک، ۱۳۹۲: ۶۶). بهره گیری گروه های تکفیری افراطی از خلأ قدرت و ایجاد ناامنی و تداوم بی ثباتی در سطوح مختلف از جمله مسائل و ابعاد دوره گذار در سطح منطقه است که چالشهایی امنیتی را برای ایران نیز ایجاد می کند . یکی از اهداف مهم عربستان از مداخله در سوریه و تقویت و حمایت گسترده از جبهه مخالفان فشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفیگری است . امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی برمی گردد. در واقع عربستان حامل این گفتمان می تواند بستر ساز ایجاد نوعی تنش مذهبی باشد(کرمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲) که چالشهای امنیتی مهمی را برای امنیت منطقه ای ایران در پی خواهد داشت .

**۵-۸-۵- بالاگرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه :** برهم خوردن توازن قوا و دگرگونی در نظم منطقه ای و بالا گرفتن تنشهای قومی و مذهبی و تداوم سناریوهای ایران هراسی در منطقه، باعث خواهد شد تا مسابقه تسلیحاتی در منطقه به اوج خود برسد . تجهیز روزافزون کشورهای منطقه به سلاحهای روز دنیا علاوه بر تشدید مشکلات اقتصادی منطقه و بلعیدن بخش بزرگی

از درآمدهای ملی، می تواند با توجه به افزایش تنش های منطقه ای و اختلافات قومی- قبیله ای و همچنین از سرگیری ادعاهای سرزمینی میان برخی کشورهای منطقه که از تصنی و استعماری بودن مرزهای سیاسی حاصل شده است، چشم انداز بی ثباتی و درگیریهای نظامی در منطقه را برجسته و نزدیک می سازد. (مرادی و شهرام نیا، ۱۳۹۴: ۲۰)

#### ۹-۵- اهمیت سوریه در امنیت ملی ایران

اهمیت راهبردی سوریه برای ایران را می توان در گزینه های ذیل ترسیم کرد:

الف: قرار گرفتن در نقطه اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا، ب: همسایگی با لبنان، عراق و فلسطین که اجزای مهم ژئوپلیتیک مدنظر ایران را شکل می دهند. ج: تنها کشور عرب نزدیک به سیاست های ایران در اتخاذ سیاست مستقل بین المللی د: مسیر انتقال انرژی ایران به اروپا ن: تأثیرگذاری مهم در موفقیت جبهه مقاومت و رابط ایران با حماس و حزب الله لبنان. (شهریاری، ۱۳۹۵: ۱۲۶)

اهمیت این موارد از این جهت است که اگر حکومت بشار ساقط شود یقیناً دولتی مخالف سیاست های اسد روی کار آمده و دسترسی ایران به منطقه قطع خواهد شد به لحاظ اقتصادی نیز سوریه یکی از بازارهای هدف ایران بوده به شکلی که سوریه یکی از کشورهای مهمی که بیشترین صادرات فنی و مهندسی ایران را دریافت کرده است. میزان سرمایه گذاری ایران در سوریه در سال ۲۰۰۸ نیز نزدیک به سه میلیارد دلار برآورد شده است (سپتامبر، ۱۳۹۳: ۱۵۵) موضوع دیگر مسئله کردهای سوریه است که در صورت سقوط دولت اسد کردها توانایی استقلال خواهی بیشتری به دست خواهند آورد و این رویه، تجزیه طلبی کردها در ایران، عراق و ترکیه را تشدید خواهد کرد. همچنین به لحاظ امنیتی جمهوری اسلامی ایران محور مقاومت و علی الخصوص سوریه را سد دفاعی و سپر محافظتی خود در برابر گروه های تکفیری و رژیم صهیونیستی می داند که اگر این موقعیت از بین برود عمق راهبرد دفاعی ایران از هزار کیلومتر دورتر به مرزهای کشور محدود می شود (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۵۶) همه این مسائل دست در دست هم داده اند تا جمهوری اسلامی ایران نقش فعال و پویایی را در تحولات سوریه بازی کند و چنانچه اشاره شد در صورت سقوط دولت اسد حکومت آتی سنی بوده و خط مشی های مخالف دولت کنونی اتخاذ خواهد کرد در این صورت تمامی منافع ایران در سوریه متزلزل خواهد شد

#### ۱۰-۵- راهبرد بهینه سیاسی- امنیتی ایران در سوریه

۱۰-۵-۱- عنصر شیعی: اگر ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی، اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی بر تصمیم گیری های سیاسی به ویژه در سطوح گسترده منطقه ای و جهانی در نظر گرفته شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۸) باید دگرگونی هویتی شیعیان را که ماهیتی تاریخی دارد، یعنی مجموعه و ترکیبی از اندیشه ها، نگرش ها و گرایش هاست و ریشه در بارائیدئولوژیکی جامعه دارد (بابایی، ۱۳۸۸: ۳۸) به عنوان موضوعی ژئوپلیتیک در نظر گرفت؛ زیرا قسمت عمده ای از پیروان این مذهب در منطقه ای قرار گرفته اند که بر روابط قدرت در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی بسیار تأثیرگذار است از طرف دیگر به سبب این همگرایی شیعیان بر

اساس هویت مذهبی، آن هم در منطقه راهبردی خاورمیانه که به علت منابع گسترده نفت و آبراه های راهبردی برای کشورهای غربی اهمیت دارد (Hazbun 252:2010) در واقع ژئوپلیتیک شیعه با پیروزی انقلاب اسلامی که مبتنی بر آموزه های مذهب شیعه بود، پدید آمد. در این ارتباط فرانسوا توال معتقد است: رخداد انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی در لبنان، شیعه گری را به صورت عاملی ژئوپلیتیکی در خط مقدم صحنه بین المللی قرار داده است. توال در توصیف اقتدار نهضت شیعه از دو مفهوم ژئوپلیتیکی داخلی و خارجی نام می برد (توال، ۱۳۷۳ : ۲) وی معتقد است: ژئوپلیتیک داخلی گسترده و شدت تأثیرگذاری در جامعه شیعی بر مجموعه تحولات و سیاست های داخلی کشور است و ژئوپلیتیک خارجی نیز عبارت است از قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعی بر تحولات و سیاست های منطقه ای و بین المللی. (توال، ۱۳۷۳ : ۲۶) در واقع، کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را دربرمی گیرد و بخشهایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می پوشاند. (محمد پور، ۱۳۸۵ : ۲۵۲)

۵-۱۰-۲- ائتلاف استراتژیک : منطق ائتلاف استراتژیک از طریق عنصر شیعه به این واقعیت بر می گردد که بازی های آینده در منطقه خاورمیانه نه صرفا بر اساس ایدئولوژی بلکه بر ای تثبیت حوزه های نفوذ و نقش ها صورت می پذیرد. حمایت ایران از گروههای همسو نه تنها بر اساس مسائل ایدئولوژیک بلکه با نوعی واقعگرایی، تبیین منافع ملی و استراتژیک نیز در نظر خواهد بود. از سوی دیگر ساخت قدرت و سیاست در منطقه خاورمیانه به گونه ای است که همواره درجه ای از رقابت ها، اعم از سازنده یا غیر سازنده، در بین بازیگران اصلی منطقه ای و فرامنطقه ای وجود خواهد داشت. در چنین شرایطی به همان اندازه بر اهمیت نقش حضور بازیگران و قدرت های اصلی منطقه همچون ایران که دارای پایه های مستقل قدرت، به خصوص از جنبه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند، به عنوان عنصر متعادل کننده قدرت در سطح منطقه روز به روز افزوده می شود. اتحاد استراتژیک و همسویی دو کشور در منطقه میتواند سراغاز نوعی منطقه گرایی مثبت و آینده نگر، جهت کاهش بسیاری چالش های منطقه ای گردد (برزگر، ۱۳۹۵ : ۹۵)

۵-۱۰-۳- ایران وهلال شیعی : بحث در زمینه شکل گیری هلال شیعی بر این اساس است که : ۱- پرننگ شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت منطقه با ایجاد زمینه های ائتلاف بین ایران و عراق و سوریه، ساخت قدرت و سیاست در منطقه را به ضرر جوامع سنی که حکومت ها را در اختیار دارند، به هم میزند. ۲- این ائتلاف در درون سرزمین هایی شکل می گیرد (ایران، عراق، سوریه و لبنان) که حکومتهایی مخالف نظم سنتی موجود در راس قدرت قرار دارند و این اتصال استراتژیک تعادل قدرت را به هم میزند ۳- تشکیل و تقویت چنین ائتلافی با نوع نگاه متفاوت نسبت به قدرت های بزرگ، تهدیدی برای حکومت های محافظه کار منطقه به شمار می آید

بی تردید ایران از جنبه داخلی و منطقه ای کار کردن با گروهها و احزاب شیعی، منافع زیادی را برای خود در نظر گرفته است؛ و شکل گیری نوعی ائتلاف با این کشور و سایر کشور های همسو در منطقه را بایستی جهت افزایش فرصت ظرفیت سازی در حوزه های

مختلف سیاست خارجی افزایش داده است. استراتژی سیاسی - امنیتی ایران در جهت افزایش دوستان و حکومت های همفکر منطقه فعال بوده است. لذاست هرچند ممکن است دولت غیر ایدئولوژیک عراق و سوریه ان نگاه آرمانی ما را در سیاست خارجی تامین نکند، اما شکل گیری این هلال مذهبی می تواند علاوه بر کاهش دغدغه های امنیتی ایران بعضی همکاری های منطقه ای را در مقابل نظم سنتی حکام محافظه کار منطقه رقم زند. صحنه سیاست خارجی دوکشور عراق و سوریه تلاقیگاه جنبه های ایدئولوژیک و پراگماتیک در سیاست خارجی برای نخستین بار بعد از انقلاب اسلامی است. وبه این معنی است که صرفاً نه بایستی از نگاه ایدئولوژیک به استقبال این واقعیت رفت، بلکه منافع ملی ایران ملتزم به اتخاذ چنین استراتژی های سیاسی - امنیتی است؛ تا از منظر حمایت از گروههای همسو در منطقه، ائتلافی راتشکیل داده تا حداقل برای ایفای نقش های منطقه ای ایران ابزار فشار ان نیز در دسترس باشد. (برزگر، ۱۳۹۵: ۹۷)

### ۵-۱۱- دیدگاه اهمیت ژئواستراتژیکی سوریه برای ایران

سه دیدگاه اساسی درباره نوع رویکرد و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه قابل ذکر باشد؛

۵-۱۱-۱- **دیدگاه حقوق بشری:** طرفداران این دیدگاه بر این باورند که حکومت بشار اسد و حاکمیت حزب بعث در سوریه دارای ساختار غیردمکراتیک و ناعادلانه بوده و در جریان تحولات اخیر و برخورد با معترضان به نقض گسترده حقوق بشر پرداخته است و جمهوری اسلامی ایران نیز باید با درک این موضوع، همگام با کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه ای، از جمله ترکیه و بیشتر کشورهای عضو اتحادیه عرب، در صف تحریم کنندگان سوریه قرار گرفته و سرانجام در راستای سقوط حکومت بشار اسد حرکت کند.

۵-۱۱-۲- **دیدگاه صرفاً ایدئولوژیک:** بر این باور است که حکومت کنونی سوریه در صف جریان مقاومت منطقه بوده و موقعیت استراتژیکی این کشور به لحاظ همجواری با گروه های مقاومت در لبنان و فلسطین، از اهمیت ویژه ای در راستای آرمان های جمهوری اسلامی برخوردار است و از آن جا که سقوط بشار اسد در صف جریان مقاومت خلل ایجاد می کند، باید در هر شرایطی، از سقوط حکومت سوریه جلوگیری کرد.

۵-۱۱-۳- **دیدگاه ژئوپلیتیک و استراتژیکی:** بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران یک قدرت منطقه ای و بلکه قدرت برتر منطقه است و یکی از مؤلفه های برتری قدرت ایران ساختار سیاسی و امنیتی خاص حاکم بر این منطقه حساس است. ساخت قدرت در خاورمیانه و وجود گروه های مقاومت از جمله حزب الله و حماس و اتحاد محکم حکومت کنونی سوریه با جمهوری اسلامی ایران و موقعیت استراتژیکی این کشور متفاوت عربی و از طرفی تحولات اخیر در کشورهای عربی و سقوط دیکتاتورهای دست نشانده و همپیمان غرب و روی کار آمدن حکومت های اسلامگرا در این کشورها، موقعیت برتر جمهوری اسلامی ایران را تحکیم بخشیده و سقوط حکومت سوریه به ویژه با دخالت خارجی، معادلات را به نفع رقبای منطقه ای و مخالفان فرامنطقه ای این کشور متحول خواهد

ساخت؛ بنابراین، راهبرد جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر حفظ موقعیت کنونی سوریه باشد (سایت سیاسی پرسمانی، زینی وند، ۱۳۹۴) با توجه به اختلافات ایدئولوژیکی و مذهبی بین ایران و رژیم بشار اسد این دیدگاه بیشتر با واقعیت همخوانی دارد. لذا جمهوری اسلامی ایران در راستای رسیدن به این اهداف در سوریه این استراتژیها را سامان داده است:

۱- ایجاد گروههای شبه نظامی و آموزش نظامی امنیتی به نیروها و ترغیت حزب الله به دفاع از سوریه؛ ایجاد این نیروهای شبه نظامی در سوریه بر پایه مدل بسیج ایران، این امکان را به ایران می دهد تا بعد از بشار اسد) و در دوران حکومتهای جایگزین اسد (نیز به اعمال نفوذ و قدرت در این کشور بپردازد (تکرار مدل حزب الله لبنان در سوریه)

۲- دامن زدن به نفرت اعراب از آمریکا و اسرائیل در قبال بحران سوریه-۳ استفاده از تاکتیک پدافند غیرعامل در سوریه برای تقویت مواضع دفاعی این کشور؛ یکی از این اقدامات حمایت از پول ملی سوریه و کمک مالی به سوریه و تاسیس ساختهای زیربنایی در آن کشور است. ۴- اتحاد و نزدیکی با چین و روسیه برای تقویت جناح مقابل با آمریکا در خاورمیانه (سیمبر و قاسمی، ۱۳۹۳، ۱۷۲-۱۷۴)

با اتخاذ این استراتژی از جانب دستگاه سیاست خارجی؛ مشکل جمهوری اسلامی ایران بعد از بشار اسد نیز تا حدودی حل خواهد شد. هرچند تاکنون ایران حتی در راه حلهای سیاسی پیشنهادی برای حل بحران سوریه با هر گونه پیش شرطی که منجر به کنار رفتن بشار اسد از قدرت باشد مخالف خود را اعلام کرده است. مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز از حمایت ایران از دولت و ملت سوریه صحبت نموده و با طرح تجزیه عراق و سوریه اعلام مخالف نموده اند (Tasnimnews,1394/12/08)

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران منطقه ای دخیل در بحران سوریه با داشتن روابط دیرینه تاریخی با دولت سوریه و همچنین اهمیت راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم از بحران سوریه متاثر شده است، به گونه ای که بحران سوریه به مسئله امنیت ملی ایران تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران برای حفظ امنیت ملی خود در قبال تهدیدات بوجود آمده، رویکرد حمایت همه جانبه خود را از دولت بشار اسد به اجرا گذاشته و اتحادی با کشورهای روسیه و چین برای جلوگیری از سلطه غرب بر این منطقه اتخاذ کرده است و سیاست خارجی خود را در این راستا تنظیم کرده است. این اقدامات ایران در راستای همان مشکل فقدان متحد استراتژیک در منطقه صورت میگیرد. در این میان سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه میتواند نقش بسیار مهمی برای سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازی کند. بحران کنونی سوریه ممکن است منجر به تحول ساختاری در مجموعه امنیتی خاورمیانه شود و پای قدرتهای بزرگ را به منطقه بیشتر باز نماید. تغییر در ساختار قدرت سوریه و سقوط اسد میتواند صف بندی فعلی بین کشورها را در منطقه تغییر دهد و سر کار آمدن گروه های ضد ایرانی در حکومت سوریه منجر به انزوای بیشتر جمهوری اسلامی ایران در محیط امنیتی منطقه شود. این مسائل است که ماندگاری بشار اسد را برای ایران مهم و سقوط آن را خط قرمز خود تعیین کند. جمهوری اسلامی ایران و سوریه دو کشور تاثیرگذار در خاورمیانه هستند



که بیش از سه دهه با هم روابط استراتژیک دارند(غریب زندی ، ۱۳۸۸ : ۱۵۱) بر این اساس، نگاه ایران به شرق مدیترانه یک نگاه ژئواستراتژیک است. یعنی ایران در هر زمانی نگاهی به حاشیه مدیترانه داشته است و بنا به مورد بهره برداریهایی از آن را انتظار داشته است. اگر در قبل از انقلاب با اسرائیل ارتباط نزدیک برقرار می نمود و بعد از انقلاب بنا بر ملاحظات انقلابی و ایدئولوژیکی، در کنار سوریه قرار میگرفت؛ چیزی بیش از ملاحظات ایدئولوژیکی را دنبال میکند همچنان که در بیانات مقامات سیاسی ایران نیز به عمق استراتژیک و دور کردن تهدیدات امنیتی از مرزهای فیزیکی نیز نشانه هایی از آن قابل مشاهده است. ضمن اینکه با نگاهی به اختلافات جمهوری اسلامی ایران و سوریه از بعد سیاسی و ایدئولوژیکی نیز میتوان درک نمود که اهمیت این دو برای هم، چیزی فراتر از اهداف ایدئولوژیکی می باشد. سوریه یک کشور عرب و مدعی سردمداری ملی گرایی عربی با نظام سیاسی بعثی و گرایشات سوسیالیستی و در نهایت سکولار، چگونه ممکن است در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران جانب کشوری غیرعرب و به تعبیر عراق و عربستان رقیب و دشمن اعراب را بگیرد و در کنار یک نظام دینی و اسلامی قرار بگیرد؟ مگر اینکه از نگاه استراتژیک به این ائتلاف نگاه کرده باشد.(غریب زندی، ۱۳۸۸ : ۱۵۲)

استمرار روابط با دولت سوریه در سیاست های منطقه ای جمهوری اسلامی ایران یک اولویت به شمار می رود، چرا که یک شراکت ضروری در پروژه ای منطقه ای و چند بعدی به شمار می رود؛ جایگاه سوریه در جهان اسلام و عرب، جغرافیای خاورمیانه و معادلات منطقه ای، همسایگی با فلسطین و اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق ، دارا بودن نقش مستقل و هم راستا با جمهوری اسلامی ایران در مناسبات منطقه ای و بین المللی بخصوص در معادلات سیاسی لبنان و جریان مقاومت، درگیری با اسرائیل و سیاستهای مشترک با جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست های همزمن و همکار همزمن و توانایی اش برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق به اروپا، داشتن مسائل امنیتی همسو با جمهوری اسلامی ایران در بعد امنیت ملی وانسجام و یکپارچگی ملی و بافت جمعیتی، از ابعاد پر اهمیت سوریه در سیاست منطقه ای جمهوری اسلامی ایران است.

در ناآرامی های سوریه، کشورهای عربی و غربی تمام تلاش خود را به کار بستند تا با سرنگونی بشار اسد قدرت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را در منطقه کاهش دهند . چراکه کنار رفتن بشار اسد از سوریه میتواند بختهایی پی در پی در بازی خاورمیانه برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته باشد و ماندن آن بردهای پی در پی. به همین خاطر جمهوری اسلامی ایران تا قدم آخر از دولت سوریه حمایت خواهد کرد. چراکه اگر نظام سوریه تغییر کند؛ جمهوری اسلامی ایران، یک متحد راهبردی را در شرق مدیترانه، از دست خواهد داد و عمق راهبردی آن مورد تهدید قرار میگیرد. شکستن ارتباط رو به گسترش سه کشور ایران، عراق و سوریه که می تواند جایگاه منطقه ای ایران را ارتقا بخشد باختی بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران در برابر رقبای سنتی آن به خصوص اسرائیل و عربستان خواهد بود.

سوریه خط مقدم عمق استراتژیک ایران است با نقش آفرینی در معادلات سیاسی لبنان و فلسطین و خط مقدم درگیری با اسرائیل و همچنین اساس محور مقاومت در کنار جمهوری اسلامی ایران می باشد دسترسی به خاک سوریه، جمهوری اسلامی ایران

را از تنگنای استراتژیک رهایی می بخشد. سوریه همیار با جمهوری اسلامی ایران؛ موقعیت مناسبی را برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق به اروپا را تدارک خواهد دید. به همین دلیل عربستان و اسرائیل داعش را به گونه ای ساماندهی می کنند تا در عراق و سوریه بر مناطقی دست یابند که مانع دستیابی جمهوری اسلامی ایران به مدیترانه باشد. سوریه همسو با جمهوری اسلامی ایران؛ دروازه استراتژیک به دنیای عرب، سنگری علیه سیاستهای هژمونیک آمریکا و اسرائیل و مهمتر از همه راه ارتباط با حزب الله را برای ایران هموار میکند. وجود رژیم علوی در سوریه میتواند شکاف فارسی/ شیعی و عربی/ سنی را که اهل سنت و اعراب به آن دامن میزنند؛ کاهش دهد. ضمن اینکه ایران به واسطه رژیم علوی سوریه میتوان از نفوذ عربستان در منطقه نیز جلوگیری به عمل آورد. از دید عربستان سقوط بشار اسد یعنی از بین رفتن متحد ایران در منطقه است و تهران با سرنگونی نظام حاکم در دمشق تضعیف خواهد شد؛ عاملی که که زمینه را برای عربستان مهیا میسازد تا رهبری ائتلاف سنی طرفدار و هم پیمان با غرب را از آن خود کند و از این طرق بتواند شکاف سنی/ شیعه را تشدید نموده و ائتلاف ضد ایرانی را مستحکم نماید. در تحولات سوریه چند گزینه احتمالی امکان پذیر است

۱- بقای رژیم فعلی و انجام اصلاحات در راستای منافع ملی -۲ روی کار آمدن لیبرال ها و طرفداران غرب -۳ روی کار آمدن سلفی های تندرو -۴ روی کار آمدن حکومت هم سو با جریانهای محافظه کار از جمله اخوان مسلمین مصر و تونس -۵ تجزیه سوریه -۶ وارد شدن به جنگ خارجی برای وحدت ملی

در صورت گزینه اول؛ جمهوری اسلامی ایران با برد بازی خاورمیانه را دنبال میکند و حرکت های فعلی را در راستای منافع ملی خود دنبال خواهد کرد اما در صورت بروز هر کدام از گزینه های دیگر در سوریه بهترین راهکار برای جمهوری اسلامی ایران کم کردن بیشترین ضرری است که تحمل آن برایش اجتناب ناپذیر است ، لذا بسان یک بازیگر کم بیشینه حداقل باید مدل لبنان را در سوریه با ایجاد یک حزب الله دیگر عمل نماید. سیاستی که در یمن نیز قابل پیگیری است

### ۶- بحث و نتیجه گیری

پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ ، شاهد تغییر و تحولات عمیق در ابعاد سیاسی اقتصادی نظامی و ژئوپلیتیک گردید و پس از شروع جنگ تحمیلی عوامل ژئوپلیتیکی در ایران به گونه ای جدید مبادرت به ایفای نقش نمودند به نحوی که کشورهای منطقه از جایگاه ویژه ای در سیاستهای منطقه و فرا منطقه ای برخوردار گردیدند ایران به عنوان هارتلند جنوب غرب آسیا ، به لحاظ ژئوپلیتیک، محل تلاقی و پیوند آسیای جنوب شرقی به اروپا و مرکزیت محور مقاومت است. ایران سالهاست که ، گامهایی بلند برداشته و هزینه هایی بسیار را متحمل شده است. تا بتواند نقش محوری و استراتژیک خود را در منطقه جنوب غرب آسیا حفظ و گسترش دهد اما باتوجه به تفاوت که کشورهای منطقه در عرصه سیاسی دارند که موجب شده که منطقه همواره ابستن تحولات

متفاوتی شود که نتیجه ان افول امنیت در منطقه شده است. اندیشه مقاومت به عنوان پارادایم غالب نه تنها در جمهوری اسلامی ایران بلکه در بین سایر کشور جنوب غرب آسیا توسعه یافته است.

ساختار فضایی جغرافیایی ملت جنوب غرب آسیا از دویخش به هم پیوسته مرکزی و پیرامونی پدید آمده است. بخش پیرامونی همانند بخش مرکزی، دچار گسیختگی است و مجموعه‌های متنوع از کشورها با تنوع فرهنگی و قومی را در بر میگیرد. که اجزا و گروه های قومی و مذهبی ملت سوریه، دنباله جغرافیایی فضایی آنها محسوب می شوند که با یکدیگر دارای تعاملات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میباشند در این بین که امنیت ملی در واقع برای برخی از حکومت‌های منطقه عنصر اساسی برای موجودیتشان محسوب میشود.

در دنیایی که رقابت در آن لجام گسیخته است، کشورها به تنهایی قادر به دست یابی به اهداف استراتژیک خود نیستند و چاره ای جز پیوستن به اتحاد‌های استراتژیک منطقه ای ندارند. از مهم ترین همکاری های مشترک، اتحاد برای رفع تهدید های امنیتی و حصار هایی است که در مسیر پیشرفت و توسعه اعضای اتحادیه قرار دارد. به عبارت دیگر، آمیختگی وصف ناپذیر فرهنگی، اطلاعاتی و اقتصادی کشورها شرایطی را پدید آورده است، که وضعیت امنیتی آن ها نیز بریکدیگر تأثیر نموده و ناامنی یک کشور می تواند به آسانی کشور های همسایه و منطقه را ناامن نماید.

بر اساس نظریه بری بوزان و اهمیت یافتن مجموعه های امنیتی در هر منطقه از جهان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین کشور منطقه ی غرب آسیا با داشتن پتانسیل هایی مانند منابع نفت و گاز، جمعیت نسبتاً بالا و وسعت خاک، دسترسی به دریا های آزاد و استراتژیک جهان مانند خلیج فارس، دریای عمان و هم چنین دریای خزر و در نهایت مولفه های قدرت نرم مانند توان بالای ایدئولوژی اسلامی در حمایت از مستضعفین و کشورهای ضعیف منطقه می تواند به عنوان یک کشور محوری در تحولات کشورهای غرب آسیا تاثیرگذار باشد و روند همگرایی را در منطقه غرب آسیا تقویت کند.

در حال حاضر بحران سوریه و عراق آزمون بزرگی برای تئوری های امنیت منطقه ای است که کشورهای عضو، امنیت هریک از اعضا را باید امنیت خود بدانند و درصدد شکل گیری نوعی امنیت منطقه ای پایدار در غرب آسیا باشند. به وضوح مشهود است که در صف مخالفان امنیت کشورهای مورد بحث، آمریکا، اسرائیل، انگلیس، قطر، عربستان سعودی و وهابیت تکفیری در یک جبهه واحد قرار گرفته اند و با پشتیبانی های تسلیحاتی، مالی و رسانه ای، تمام همت خود را بر این گذاشته اند که سوریه و عراق را از این اتحادیه خارج کرده و علاوه بر تضعیف سوریه، با کمک های غرب جنگ مذهبی تمام عیاری بین مسلمانان شیعه و سنی در منطقه خاورمیانه به ویژه غرب آسیا راه بیندازند و مومنین اهل سنت را به پیاده نظام وهابیت تکفیری و صهیونیستی و آمریکا مبدلسازند و منافع این جنگ را قدرت های غربی، صهیونیست ها و حاکمان عرب منطقه ببرند.

از جهت دیگر افزایش و قدرت یابی شبکه های تروریستی مانند گروه های وهابی و تکفیری، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان و رشد افراط گرایی مذهبی و فعالیت این سازمان ها در جغرافیایی وسیع تر از یک کشور، زمینه ی مبارزه ی موثر یک کشور را به تنهایی با این سازمان ها از بین برده و ضرورت همکاری وسیع تر همه کشور های را به نحوی اجتناب ناپذیر کرده است. بنابراین تحولات منطقه ایجاب می کند تا کشورهای غرب آسیا با چالش های امنیتی مشترک مانند تهدیدات گروه های سلفی - وهابی - صهیونیستی و خطر گسترش تروریسم و مواد مخدر هر چه بیشتر به هم نزدیکتر شده و به یک راه حل منطقه ای بیندیشند.

در نتیجه، کشورهای مورد بحث، با توجه به چالش های امنیتی مشترک مانند توسعه طلبی رژیم صهیونیستی، ماجرا جویی های آمریکا علیه کشورهای مسلمانان غرب آسیا و توسعه ی جنبش های تکفیری، می توانند با محوریت جمهوری اسلامی اتحاد قدرتمندی را با عنوان محور مقاومت ایجاد کنند که محدوده ی ژئوپولیتیکی آن محصور به سه دریای مهم و استراتژیک منطقه یعنی دریای مدیترانه، خلیج فارس و دریای خزر و چهار کشور ایران، عراق، سوریه و لبنان است. این محور، علاوه بر سه کاربرد مهم ایجابی در حوزه های اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و ژئوپولیتیک، یک کاربرد ویژه ی مهم با دارنده و سلبی نیز دارد. بدین معنی که علیرغم فراهم کردن تسهیلات لازم برای تعاملات تجاری، فرهنگی و سیاسی، به عنوان یک گلوگاه مهم در منطقه غرب آسیا می تواند از ورود و توسعه هر نوع کالای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نامشروع نیز به منطقه ی تحت پوشش خود جلوگیری نماید و بر این اساس، یک کاربرد ویژه ی نظارتی و کنترل کننده را نیز در منطقه غرب آسیا یدک میکشد که بر مبنای آن، نوعی فیلترینگ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز می توان در منطقه سامان داد.

### منابع و ماخذ

- برزگر، کیهان (۱۳۸۷) ایران، عراق جدید و نظام سیاسی امنیتی خلیج فارس، تهران: دفتر گسترش تولید علم.
- محمد پور، علی (۱۳۸۵) ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق، تهران، انجمن ژئوپلیتیک ایران
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۴) ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹) مبانی مطالعات سیاسی اجتماعی (جلد اول)، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، قم.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: پاپلی.
- رایت، رابین، (۱۳۸۴) آخرین انقلاب بزرگ: انقلاب و تحول در ایران، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران: انتشارات رسا
- صفوی سیدیچی، (۱۳۹۳) جهان اسلام: شمال آفریقا و غرب آسیا، کتاب اول، تهران، امیرکبیر،
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳) نظریه های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر

- علیزاده طباطبایی سید موسی (۱۳۸۳) سوریه در یک نگاه ، گزارش تهیه شده در سفارت جمهوری اسلامی ایران دمشق
- مسعد، نیفین (۱۳۸۶) سیاست خارجی اعراب، توسعه روابط ایران و عرب ، مجموعه بحثهای نشست اندیشمندان ایران و عرب چاپ اول دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- سیف زاده سید حسین ( ۱۳۸۰) اصول روابط بین الملل، تهران: نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۴) ، روابط بین الملل: نظریه ها و رویکردها، تهران: سمت، چاپ دوم.
- متقی، ابراهیم ۱۳۸۸ نظام دوقطبی و جنگ ایران -عراق، تهران: انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۱) ، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، سمت
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹) ، خلیج فارس کشورها و مرزها، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشارات عطایی.
- بابایی، محمد ( ۱۳۸۸ ) هویت مشترک شیعی و روابط ایران و لبنان، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه تهران.
- مختارزاده (۱۳۸۳) سلسله مقالات قومیت شناسی امنیتی ماهنامه سخن آشنا سال دوم شماره ۸-۱۰
- حمدی فشارکی ، یاسر اسماعیلزاده ، (( داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ )) پژوهش راهبردی سیاست پاییز ۱۳۹۵- شماره ۱۸
- بوزان، باری (۱۳۷۹) (( آشنایی با مکتب کپنهاک در حوزه مطالعات امنیتی )) فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- حاتمی محمد رضا ( ۱۳۹۴) کارویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان
- زرنجک، جوزف (۱۳۹۲)، (( آمریکا در سوریه دنبال چیست )) ماهنامه بیداری اسلامی سال دوم، شماره ۶
- سیمبر، رضا و روح الله قاسمیان (۱۳۹۳) مؤلفه های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه (فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست) ، سال سوم، شماره ۹
- شهریاری، محمدعلی ( ۱۳۹۵) بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی، ش. ۲۷
- صادقی سید شمس الدین و کامران لطفی (۱۳۹۴) تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه ( جستارهای سیاسی معاصر)، سال ششم، شماره اول، صص. ۱۲۳ - ۱۴۴
- علایی حسین (۱۳۹۱) امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران فصلنامه آفاق امنیت سال پنجم شماره پانزدهم - تابستان ۱۳۹۱
- علی پور عباس (۱۳۸۹) ضرورت های بسط ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه عربی با تأکید بر تحولات اخیر فصلنامه آفاق امنیت سال سوم شماره نهم - زمستان
- غریباق زندی، داود (۱۳۸۸) (معرفی و نقد کتاب تحولات خاورمیانه از منظر ائتلاف ایران و سوریه با تأکید بر بازخوانی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ) نوشته انوشیروان احتشامی و ریموند هینوبوش، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس (نگین ایران) . سال هشتم، ش ۳۳ ، پاییز ۱۳۸۸

قادری کنگاوری روح الله (۱۳۹۷) نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه ای فصلنامه علمی پژوهشی آفاق امنیت شماره چهارم پاییز کرمی، کامران (۱۳۹۱)، (( عربستان و بحران سوریه در روند رقابت های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری)) فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره هشتم. متقی ابراهیم (۱۳۸۹) گونه شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فصلنامه علمی - پژوهشی آفاق امنیت سال سوم شماره هشتم پاییز مرادی، اسداله و شهرام نیا امیرمسعود (۱۳۹۴)، (( بحران سوریه و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران)) فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴

موسوی، سید حسین (۱۳۸۸) بلندیهای جولان و امنیت رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات راهبرد، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۴۴

زینی وند، علی، ۱۳۹۴/۰۶/۰۱ (تحولات سوریه و راهبرد سیاست خارجی ایران) قابل دریافت در <http://siasi.porsemani.ir/content>

-Alavi, Nasrin (2005), *We Are Iran: The Persian Blogs*, London: Portobello Books.

-Buzan, Barry and Ole Waever (2003), *Regions and Powers: The Structure of International Security*, Cambridge University.

-Chena, S. (2008). "L' E Cope De Copenhaguen Relations Internationales", in *Revue Asylon*, No. 4.

- Ehteshami, Anoushirvan and RymondA Hinnebush (1997), *Syria and Iran middle power in A penetrated Rejinal system*, London: Routledge

- Hazbun, Waleed (2010), "US Policy and the Geopolitics of Insecurity", 2011(blake- Hounshell, in the Arab World", *Geopolitic*, 15, No. 2

-Mearshiemer, John, (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York, Norton Company.

- Nasr, Vali and Ali Gheissari (2006), *Democracy in Iran: History and the Quest for Liberty*, Oxford: Oxford University Press

- Naghibzadeh, Ahmad, (2000), "Recitification of Iran's Foreign Policy Shortcomings during Khatam's Peresidency", *Discourse: An Iranian Quarterly*, Vol. 2, No. 2

- Sun, Degang, (2010), "Brothers Indeed: Syria-Iran Quasi Alliance Revisited", *Journal of Middle East and Islamic Studies in Asia*, No. 3.

- Liska, George (1962), *Nationals in Alliance*, Baltmor Johns Hopkins University Press.

- Takeyh, Ray (2006), *Hidden Iran: Paradox and Power in the Islamic Republic*, New York: Times Book.

-<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/12/08/1012975>



یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.  
 ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
 National Geography Organization Of Iran  
 15 February 2021



## آینده حکمرانی در شبه جزیره عربستان و سناریوهای پیش رو

عزیز نصیرزاده- کورش اشکبوس

۱- دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی - دانشگاه تربیت مدرس

۲- کارشناس ارشد مطالعات بین الملل - دانشگاه تهران

### چکیده

در سال های اخیر جنوب غرب آسیا به یکی از پرتحرک ترین و چالش برانگیزترین مناطق در جهان تبدیل شده است. جانشینی محمد بن سلمان، جنگ داخلی یمن، جنگ داخلی سوریه، عادی سازی روابط امارات متحده عربی، سودان و بحرین با رژیم صهیونیستی، حمایت های ترامپ از سیاست های بن سلمان جوان و نقش آفرینی اردوغان، تنها گوشه های از اتفاقات اخیر منطقه است. از این رو توجه به آینده حکمرانی در شبه جزیره عربستان می تواند از اهمیت به سزایی برای جمهوری اسلامی ایران در این برهه (پیچ تاریخی) برخوردار باشد. در این پژوهش سعی شده با استفاده از روش سناریونویسی، عوامل کلیدی و پیشران ها، عدم قطعیت و سناریوهای پیش روی آینده حکمرانی در شبه جزیره عربستان بررسی شود. پیشران ها به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم شده اند. پیشران های داخلی تحقق سند چشم انداز ۲۰۳۰، نفت و جانشینی خاندان آل سعود بوده و پیشران های خارجی شامل بازیگران منطقه ای و قدرت های بین المللی هستند. عدم قطعیت های اصلی نیز به صورت حفظ یا لغو اتحاد آمریکایی- سعودی در قالب ثبات یا بی ثباتی منطقه بررسی گردید.

کلمات کلیدی: عربستان سعودی، جنوب غرب آسیا، رژیم صهیونیستی، ایالات متحده آمریکا، سناریونویسی.



## مقدمه

پیش از هر چیز لازم است مرور مختصری بر وضعیت عربستان سعودی از ابتدای شکل گیری تاکنون داشته باشیم. زیرا که عربستان سعودی بخش اعظم شبه جزیره عرب را تشکیل می دهد و نقش به سزایی را در این منطقه بازی می کند. عربستان اولین کشور صادرکننده نفت در دنیا، رئیس اوپک و تنها کشور عربی است که عضو گروه ۲۰ است.<sup>۷۱</sup>

عبدالعزیز آل سعود در سال ۱۹۳۲ به طور رسمی عربستان سعودی را کشوری با عنوان پادشاهی نام نهاد، که از آن زمان به بعد حکمرانی آن توسط خاندان آل سعود ادامه یافته و پس از مرگ عبدالعزیز در سال ۱۹۵۳، فرزندان وی وراثت تاج و تخت او شدند.<sup>۷۲</sup> از سال ۲۰۱۵ سلمان بن عبدالعزیز، نهمین فرزند عبدالعزیز، رئیس دولت و وراثت تاج و تخت ملک عبدالله است. حکومت سلمان در مجموع ساختارهای اصلاح طلبانه سلف خود را شکسته و خط مشی سنتی تری را اتخاذ کرده است. این مهم از آزادی های مدنی جامعه سعودی کاسته است. در سال ۲۰۱۷ پادشاه، معاون نخست وزیر، محمد بن سلمان را شاهزاده وارث تاج و تخت اعلام کرد و به این ترتیب پایه قدرت محافظه کارانه خود را مستحکم کرد و همین امر او را تبدیل به یک بازیگر سیاسی با پشتوانه قدرت سلطنتی کرد.<sup>۷۳</sup> شاهزاده وارث تاج و تخت وانمود کرد که مسیر مدرنیته سازی عربستان سعودی را پیش برده و آن را با مدل «چشم انداز ۲۰۳۰ سعودی» تکمیل کرد؛<sup>۷۴</sup> اما اغلب این اصلاحات محدود به فضای اقتصادی است. در عوض در فضای سیاسی چنین اصلاحاتی به چشم نیامد و حتی برعکس خبرهایی مبنی بر خنثی سازی و حذف رقبای سیاسی بالقوه بن سلمان به گوش رسید.<sup>۷۵</sup> هدف اصلی از اصلاحات تعدیل سازی فرهنگی نیز پاسخ به انتقادات بین المللی و ناخشنودی برخی از سعودی ها بوده است. تسهیل برگزاری رویداد های ورزشی<sup>۷۶</sup> و کنسرت ها<sup>۷۷</sup> یا اجازه دادن به بانوان برای رانندگی<sup>۷۸</sup> مثال هایی از این اصلاحات فرهنگی در سال های اخیر است.

<sup>۷۱</sup><https://www.g20.org/en/ilg20.html#:~:text=Participants,Participants,States%2C%20and%20the%20European%20Union.>

<sup>۷۲</sup>"King Abdul Aziz family tree". Geocities.

<sup>۷۳</sup>Sudarsan Raghavan; Fahim Kareem (21 June 2017). "Saudi king names son as new crown prince, upending the royal succession line". The Washington Post.

<sup>۷۴</sup>Marwa Rashad (24 April 2016). "Saudis await Prince's vision of future with hope and concern". Reuters.

<sup>۷۵</sup>Ben Hubbard; Mark Mazzetti; Eric Schmitt (18 July 2017). "Saudi King's Son Plotted Effort to Oust His Rival". The New York Times.

<sup>۷۶</sup>"Saudi Arabia to allow women to enter stadiums to watch soccer". New York Post. 12 January 2018.

<sup>۷۷</sup>Smith, Lydia (9 December 2017). "Saudi Arabia hosts first-ever concert by female performer". The Independent.

<sup>۷۸</sup>Dadouch, Sarah (27 June 2018). "Prominent Saudi women's rights activist detained as driving ban lifted: sources". Riyadh. Reuters.

اما این اصلاحات گشایشی ظاهری در رژیم سعودی پدید آورده است که وابسته به ساختار فرهنگی-اجتماعی گزاره وهابیت است. با اندکی توجه به رفتار مخالفین می توان حقیقت دیگری از عربستان سعودی را استنباط کرد که قتل جمال خاشقچی خبرنگار مخالف در کنسول سعودی در استانبول<sup>۹</sup> در اکتبر ۲۰۱۸ یا کشتار هزاران شهروند غیرنظامی و در معرض خطر قرار دادن دهها میلیون نفر در برابر قحطی در یمن<sup>۱۰</sup> که سازمان ملل متحد نیز آن را جنایت بزرگ علیه بشریت اعلام کرده است، نمونه های کوچکی از میان آن هاست.<sup>۱۱</sup>

### پیشینه تحقیق

برای بررسی آینده حکمرانی یک کشور و یافتن سناریوهای محتمل لازم است در وهله اول به صورت مختصر به وضعیت منطقه آن کشور و ریشه های بروز آن وضعیت بپردازیم. منطقه جنوب غرب آسیا طی چند سال اخیر درگیر مناقشات و درگیری های مختلف با ماهیت ها و دلایل گوناگون است، که شامل جنگ داخلی در لیبی<sup>۱۲</sup> از بین رفتن حکمرانی دولت در بخش هایی از مصر، اختلافات میان فتح و حماس در داخل کرانه باختری<sup>۱۳</sup> نبود حکمرانی مؤثر مرکزی در لبنان از دهه ۷۰ میلادی، جنگ داخلی در سوریه<sup>۱۴</sup>، عدم وجود حکمرانی مؤثر و مستقل در عراق، جنگ داخلی در یمن<sup>۱۵</sup> و عدم وجود حکمرانی مؤثر در افغانستان است. می توان ادعا کرد که ویژگی اصلی مشترک میان تمامی موارد مذکور، تضعیف یا فروپاشی اقتدار حکومت است و دلیل بروز آن در مجامع بین المللی عمدتاً اختلاف میان شیعه و سنی تلقی می شود<sup>۱۶</sup>؛ اما این دلیل لزوماً صحیح نیست. بحران های سالیان گذشته در منطقه جنوب غرب آسیا اغلب در مناطقی رخ داده اند که در آن ها لزوماً اختلافات فرقه ای وجود ندارد؛ به عنوان مثال در کشور لیبی شاهد اختلافات میان سنی و شیعه نیستیم، اما شاهد درگیری آن ها بر سر سایر موارد نظیر گرایشات ایدئولوژیک و سوگیری های منطقه هستیم، یا در فلسطین اشغالی اختلافات فرقه ای محرک مشکلات پدید آمده در دهه های گذشته نبوده اند؛ بلکه مخاصمات

<sup>۹</sup>Turkey 'has recording proving Saudi murder". BBC News. 12 October 2018.

<sup>۱۰</sup>Summers, Hannah (15 October 2018). "Yemen on brink of 'world's worst famine in 100 years' if war continues". The Guardian.

<sup>۱۱</sup><https://www.dw.com/en/un-yemen-on-the-verge-of-a-catastrophic-famine/a55682097#:~:text=The%20United%20Nations%20warned%20on,of%20lives%20may%20be%20lost.%22>

<sup>۱۲</sup>Libya's Second Civil War: How did it come to this?" Conflict News.

National Post View (24 February 2015). "National Post View: Stabilizing Libya may be the best way to keep Europe safe". National Post.

<sup>۱۳</sup>Over 600 Palestinians killed in internal clashes since 2006". Reuters via Ynet. June 6, 2007.

<sup>۱۴</sup>Syria's civil war explained from the beginning". Al Jazeera.

<sup>۱۵</sup>Örkaby, Asher (25 March 2015). "Houthi Who?" Foreign Affairs.

<sup>۱۶</sup><https://www.cfr.org/timeline/modern-sunni-shia-tensions>

پدید آمده به دلیل درگیری بر سر رسیدن به یک مفهوم قابل قبول و مشترک از قدرت مشروع بوده است. در افغانستان شاهد فرقه‌گرایی هستیم، اما این امر محرک اصلی منازعات نبوده است. اقلیت شیعه در افغانستان کم‌جمعیت است<sup>۸۷</sup> و رقیب قابل توجهی برای قدرت در این کشور به حساب نمی‌آید. برای درک بهتر می‌توان به اقوام درگیر در منازعات منطقه اشاره کرد. به عنوان مثال کردها یک گروه فرقه‌ای نیستند، بلکه یک گروه ناسیونالیستی زبانی-نژادی هستند که خود به کردهای شیعه و سنی تقسیم می‌شوند؛ اما علی‌ای حال هویت کردی ایشان بر فرقه آنها غلبه می‌کند.<sup>۸۸</sup> سیحیان لبنانی نیز می‌توانند مثال دیگری باشند؛ برخی از ایشان حامی ائتلاف حزب‌الله و برخی دیگر نیز حامی ائتلاف ۱۴ مارس هستند. همچنین در بسیاری موارد در عمل شاهد این هستیم که جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی هر دو سعی بر کمرنگ کردن وجه فرقه‌ای اختلافات دارند. همچنین می‌توان به حمایت سعودی‌ها از ایاد علاوی، رهبر شیعه حزب عراقیه در انتخابات ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ عراق اشاره کرد؛<sup>۸۹</sup> گرچه وی نماینده منافع سیاسی شیعه نبود، اما اگر فرقه‌گرایی محرک اصلی اختلافات منطقه بود، در مورد مذکور سنی‌های سعودی از علاوی شیعه حمایت نمی‌کردند. پس سعی در درک اختلافات جنوب غرب آسیا از منظر فرقه‌گرایی یک رویکرد اشتباه است؛ اما نمی‌توان فرقه‌گرایی در منطقه را به کلی نفی کرد.

### عربستان سعودی در شاخص تغییر بنیاد برتلسمان استیفتونگ

شاخص تغییر بنیاد برتلسمان ژوندهای تغییر به سوی دموکراسی و اقتصاد بازار در ۱۳۷ کشور را از منظر بین‌المللی مقایسه و راهبردهای موفق برای تغییر و اصلاحات صلح‌آمیز را شناسایی می‌کند. به این ترتیب بنیاد مذکور دو شاخص را برای رتبه‌بندی مقایسه‌ای در نظر می‌گیرد: شاخص وضعیت و شاخص حکمرانی.<sup>۹۱</sup>

شاخص وضعیت از طریق میانگین‌گیری وضعیت دموکراسی و وضعیت اقتصاد هر کشور به دست می‌آید؛ در حالیکه شاخص حکمرانی از طریق مدیریت حکومت با در نظر گرفتن سطح دشواری که دولت با آن مواجه است ارزیابی می‌شود.

<sup>۸۷</sup>Chapter 1: Religious Affiliation". The World's Muslims: Unity and Diversity. Pew Research Center's Religion & Public Life Project. August 9, 2012.

<sup>۸۸</sup>Áziz, Mahir (2010). The Kurds of Iraq: Ethnonationalism and National Identity in Iraqi Kurdistan. London: Tauris Academic Studies. p. 4. ISBN 978-1-84885-546-5. The Kurds appear to be the largest ethnic group in the world without a state of their own.

<sup>۸۹</sup><https://www.thenationalnews.com/world/mena/saudis-hail-allawi-s-victory-in-iraq-with-relief-and-hope-1.543301>

<sup>۹۰</sup>Bertelsmann Transformation Index

<sup>۹۱</sup><https://www.bti-project.org/en/home.html?&cb=00000>

هر یک از ابعاد بنیاد برتلسمان، دموکراسی، اقتصاد و حکومت، بر پایه پرسش‌های مختلف (یا شاخص‌های فرعی) ارزیابی می‌شود. شاخص برتلسمان ترکیبی از تحلیل متنی و برآوردهای عددی است. شاخصها از ۰ (بدترین) تا ۱۰ (بهترین) در نوسان هستند. در رتبه بندی بین المللی از میان ۱۳۷ کشور ارزیابی شده تو سط بنیاد فوق الذکر، عربستان سعودی جایگاه صدم در شاخص وضعیت (۴,۳۳) و صد و یازدهم در شاخص حکمرانی را به خود اختصاص داده است.<sup>۹۲</sup>

### سناریونویسی

سناریوها ابزارهایی هستند که به ما در اتخاذ دیدگاه‌های دورنگر در جهان با عدم قطعیت بالا کمک می‌کنند. سناریوها داستان‌هایی هستند درباره روش تغییر و تحول ممکن جهان در فردا (آینده)؛ داستان‌هایی که ما را نسبت به تشخیص و سازگار شدن در برابر جنبه‌های متغیر محیط فعالیت کنونی مان یاری می‌دهند. به عبارت دیگر، سناریوها دسته‌ای از روش‌های سازمان یافته هستند که به ما در تصور و تخیل مؤثر درباره آینده کمک می‌کنند. در این پژوهش از روش سناریو سازی پیتز شوارتز استفاده شده است. به اعتقاد شوارتز، سناریوها ابزاری برای نظم بخشیدن به درک و تصور شخصی نسبت به محیط‌های بدیل آینده هستند که تصمیم‌های آن شخص ممکن است در هر کدام از آنها به وقوع بپیوندد. به عبارت دیگر، سناریوها دسته‌ای از روش‌های سازمان یافته جهت تصور و تخیل مؤثر درباره آینده و وسیله‌ای برای کمک به یادگیری افراد هستند. هدف سناریوها گردآوری و تبدیل اطلاعات راهبردی مهم به ادراکی جدید و نو است (شوارتز، ۱۳۹۰:۲۲۵).

در روش شوارتز گام‌های مختلفی برای طراحی سناریو پیش‌بینی شده است، که هدف اصلی و نهایی را ارائه سناریوهای بدیل درباره موضوع مورد تحقیق قرار داده است. نخستین گام در این روش، شناسایی موضوع یا مسئله اصلی تحقیق یعنی آینده حکمرانی شبه جزیره عربستان است. شناسایی عوامل و عناصر کلیدی و همچنین پیش‌شرانها گام‌های بعدی است. در مرحله بعد عوامل و پیش‌شران‌های اصلی به عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی یا بحرانی شناسایی می‌شوند که در نهایت بعد از انتخاب منطق سناریوها، سناریوهای بدیل طراحی می‌شوند. در گام نهایی سناریوها پربار شده و مضامین و عناصر آنها مشخص می‌شود (همان منبع: ۲۱۳-۲۲۷). در این پژوهش داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری و به دست آمده است.

### عوامل و پیش‌شران‌های اثرگذار در آینده حکمرانی در شبه جزیره عربستان

<sup>۹۲</sup><https://www.bti-project.org/en/reports/country-report-SAU-2020.html>

گام نخست در روش شوارتز، شناسایی عوامل کلیدی و پیشران‌هایی است که تاثیر ژرفی بر مساله مورد بررسی دارند. بر این اساس، ابتدا به شناسایی و تبیین اصلی‌ترین عوامل و پیشران‌های داخلی موثر بر حکمرانی در عربستان سعودی پرداخته می‌شود؛ سپس در ادامه عوامل و پیشران‌های خارجی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در پیشران‌های تاثیرگذار در بُعد داخلی، مؤلفه‌ها به جانشینی خاندان آل سعود، نفت و تحقق سند چشم انداز ۲۰۳۰ تقسیم می‌شوند و در رویکردهای خارجی، مؤلفه‌ها در دو بخش بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### جانشینی خاندان آل سعود

بر اساس قانون سعودی پادشاه سعودی می‌بایست از نوادگان خاندان ملک عبدالعزیز باشد. در اکتبر ۲۰۰۶ اصلاحاتی در خصوص مکانیزم جانشینی برای جابجایی مسالمت‌آمیز قدرت در نظام پادشاهی صورت گرفت. بر طبق این مکانیزم که هنوز مورد استفاده واقع نشده است، یک «شورای وفادار» متشکل از ۳۵ شاهزاده، به اتفاق اکثریت آرا، شاهزاده جانشین بعدی را انتخاب خواهند کرد. در این قانون پادشاه باید حداکثر سه نامزد را معرفی کند که توسط شورا به رای گذاشته شده و در نهایت یک نفر به عنوان جانشین انتخاب خواهند شد. در صورتیکه نامزد انتخابی مورد تایید شورا نباشد، شورا بین نامزد انتخابی خود و نامزد اعلام شده توسط پادشاه در بازه زمانی حداکثر یک ماهه، جانشین را انتخاب خواهند کرد. تا به امروز تصمیم انتصاب شاهزاده وارث تاج و تخت بر عهده خاندان آل سعود بوده است. با توجه به فرمان صادر شده در سال ۲۰۰۶، «در صورت مرگ پادشاه، شورا جلسه‌ای فوری برای اعلام شاهزاده وارث پادشاه تشکیل خواهد داد». حاکم جدید می‌بایست تا ده روز بعد نامزدهای خود را معرفی کند. پس از مرگ ملک عبدالله در سال ۲۰۱۵ مشخص شد وی در ژوئن ۲۰۱۲ برادر ناتنی خود سلمان را به عنوان شاهزاده جانشین معرفی کرده، که علی‌الظاهر بدون تشکیل شورا انجام پذیرفته است. ملک سلمان نیز در ژوئن ۲۰۱۷ پسر خود، محمد، را با ۳۱ سال سن به عنوان شاهزاده جانشین معرفی کرد، که با این تصمیم برادرزاده محمد بن سلمان، محمد بن نائف، که هم از نظر تجربه بر بن سلمان برتری دارد و هم از نظر جایگاه مردمی دارای محبوبیت بیشتر است، شانس خود برای رسیدن به قدرت را از دست داد. از زمان جانشینی بن سلمان، وی ترکیبی از سیاست‌های اصلاح طلبانه و اقتدارگرایانه را پیش برده است. در مدت کوتاهی که بن سلمان به جانشینی منصوب شده است، شاهد تغییرات داخلی نظیر اصلاحات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده‌ایم و در عین حال در حوزه خارجی شاهد قتل خاشقچی<sup>۹۲</sup>

بخش -بین الملل- ۲۶۹۷۱/۱۳-سرنوشت-مبهم-جمال-خاشقچی-در-کنسولگری-عربستان-در-استانبول/ <http://www.baeghtesad.com/><sup>۹۱</sup>

جنگ در یمن؛<sup>۴</sup> جنگ در سوریه؛<sup>۵</sup> محاصره قطر؛<sup>۶</sup> ربودن «سعدالحریری» نخست وزیر سابق لبنان؛<sup>۷</sup> جاسوسی از «جف بزوس»، رئیس شرکت آمازون؛<sup>۸</sup> دستکاری قیمت نفت؛<sup>۹</sup> با تغییر میزان تولید نفت بوده ایم. به همین منظور تصور غالب در میان تحلیلگران، احتمال بالای بروز بحران در میان خاندان سلطنتی است. لازم به ذکر است ملک سلمان ۸۲ ساله قادر به جایگزینی محمد بن سلمان است، اما تحلیلگران بر این باورند که در زمان کنونی وقوع این امر دور از انتظار است.

### نفت

عربستان سعودی برنامه مخارج سال آینده خود را انبساطی در نظر گرفته است و تمایل به دولت-محورتر کردن کنترل بودجه، به منظور تامین کسری بودجه به دلیل کاهش نرخ جهانی نفت و همه گیری ویروس کرونا دارد. پادشاهی عربستان سعودی به برنامه از پیش اعلام شده خود مبنی بر کاهش هزینه ها تا ۷,۳٪ در ۲۰۲۱ در نتیجه کمبود چشمگیر مشاهده شده در سال ۲۰۲۰ در بیانیه بودجه سالانه منتشر شده ادامه خواهد داد. مخارج اعلام شده ۹۹۰ میلیارد ریال عربستان (۲۶۴ میلیارد دلار آمریکا) خواهد بود. بزرگترین صادرکننده نفت خام در دنیا به دو بحران حیاتی برخورد کرده است. با آشفتگی بازار نفت و همه گیری کرونا، بحرانی مالی شدیدی در عربستان سعودی رخ داد. گزینه های دولت برای توسعه سیاست اقتصادی بدون نفت با کاهش تقاضای بین المللی در حوزه بازرگانی در نتیجه شیوع ویروس کرونا، محدودتر شد. در همین حال ذخایر دولت در بانک مرکزی در سال ۲۰۲۱ به دلیل کسری به وجود آمده در سال ۲۰۲۰، از ۳۴۶ میلیارد ریال سعودی به ۲۸۰ میلیارد ریال سعودی کاهش خواهد یافت، که این رقم در سال ۲۰۲۲-۲۰۲۳ پایدارتر شده و به رقم ۲۶۵ میلیارد ریال سعودی خواهد رسید.<sup>۱۰۱</sup>

متوسط تقاضای نفت در سال ۲۰۲۱ افزایش چشمگیری نسبت به ۲۰۲۰ خواهد داشت، اما این افزایش تقاضا شاید تنها خبر خوب در حوزه مصرف برای شرکت های نفتی باشد، چراکه انتظار می رود تقاضا همچنان بسیار کمتر از سطح پیش از همه گیری باشد و این به معنای نزدیک شدن به پایان روزهای خوش برای نفت است. تصویر آژانس بین المللی انرژی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۲۱ از مصرف

<sup>۴</sup>"Saudi Arabia Begins Air Assault in Yemen". The New York Times. 25 March 2015.

<sup>۵</sup><https://www.ettelaat.com/?p=483434>

<sup>۶</sup>Wintour, Patrick (7 June 2017). "Qatar: UAE and Saudi Arabia step up pressure in diplomatic crisis". The Guardian.

<sup>۷</sup>[https://www.eldiario.es/internacional/libano-hariri-secuestrado-arabia-saudi\\_1\\_3068559.html](https://www.eldiario.es/internacional/libano-hariri-secuestrado-arabia-saudi_1_3068559.html)

<sup>۸</sup><https://www.technologyreview.com/2020/01/22/276122/un-calls-for-investigation-of-saudis-allegedly-hacking-jeff-bezos/>

<sup>۹</sup>"Oil Prices, Stocks Plunge After Saudi Arabia Stuns World With Massive Discounts". NPR.org. 10 March 2020.

<sup>۱۰</sup><https://www.aljazeera.com/opinions/2020/3/10/mbs-and-the-saudi-crisis-of-legitimacy>

<sup>۱۱</sup><https://www.bloomberg.com/de6a5dbf-13e6-46e9-ab1e-4dfff570108d>

<sup>۱۲</sup>IEA: International Energy Agency

نشانگر افزایشی برابر با شش میلیون بشکه در روز است. اما نکته آنجاست که به رغم این افزایش، متوسط مصرف روزانه فقط ۹۶/۹ میلیون بشکه در روز خواهد بود، که همچنان بسیار کمتر از رکورد مصرف ۱۰۰ میلیون بشکه در روز است که پیش از شیوع همه گیری کرونا در سال ۲۰۱۹ وجود داشت. پیش بینی های قبل از بحران کرونا از رشد روزانه یک میلیون بشکه در بخش تقاضای طی سال های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ خبر می داد. این بدان معناست که میزان مصرف در سال ۲۰۲۱ طبق قواعد جدید بازار حدود پنج میلیون بشکه در روز کمتر از میزان پیش بینی شده برای این سال است. در سال ۲۰۱۹ و همزمان با شدت گرفتن بحران مالی در اقتصاد جهانی، تقاضا برای نفت خام کمی بیش از یک میلیون بشکه در روز کاهش یافت، که همین امر نشان دهنده ضربه عمیق بیماری کووید-۱۹ به صنعت نفت است. کاهش تقاضا در سه بخش اصلی رخ خواهد داد. بزرگ ترین کاهش در تقاضای سوخت جت است، چراکه انتظار می رود مسافرت های هوایی کماکان بی رونق و نیمه تعطیل باقی بمانند و چیزی برابر با ۲/۵ میلیون بشکه در روز کمتر از پیش از همه گیری مصرف شود. تقاضا برای بنزین و گازوئیل و وضعیتی بهتر خواهد داشت، اما انتظار می رود در نیمه اول سال ۲۰۲۱ و تا زمانی که واکسن به طور گسترده در دسترس همگان قرار نگیرند، با محدودیت هایی روبه رو باشند. مطابق اعلام آژانس بین المللی انرژی مصرف این دو سوخت به ۹۷ تا ۹۹ درصد سطح قبل از همه گیری باز خواهد گشت. آمریکا سن در انرژی اسپکتس آئی گوید: «ممکن است دوتا سه ماه ابتدای ۲۰۲۱ تفاوت معناداری با وضعیت کنونی نداشته باشد». البته ضربه اصلی تقاضا در نتیجه سقوط اقتصادی ناشی از تاثیرات بحران کووید خواهد بود، چراکه تقاضای شرکت های تولیدی از این طریق کاهش یافته و کالاهای کمتری هم از طریق حمل و نقل دریایی جابه جا خواهند شد.

بزرگترین تغییر ژئوپلیتیکی در سال ۲۰۲۱ احتمالاً با خروج دونالد ترامپ از کاخ سفید، به سراغ بازار نفت خواهد آمد. ترامپ در دوران زمامداری خود به شدت درگیر تصمیمات اوپک بود و عربستان سعودی را تحت فشار قرارداد تا در ازای حمایت او از این کشور، تولید طلای سیاه را در خلاف جهت سیاست های اوپک افزایش یا کاهش دهد. سیاستی که انتظار می رود با سر کار آمدن رئیس جمهور منتخب، جو بایدن، در ۲۰ ژانویه به پایان رسیده و این سیاستمدار کهنه کار دموکرات کمتر این سازمان نفتی را به چالش بکشد، که در نتیجه از تاثیر گذاری ایالات متحده بر بازار کاسته خواهد شد. از سوی دیگر احیای احتمالی توافق هسته ای با ایران می تواند باعث کاهش تحریم های نفتی ایالات متحده شده، که در نتیجه آن روزانه نزدیک به ۲ میلیون بشکه نفت خام ایران به بازار تزریق خواهد شد. تنش های موجود در برخی از کشورهای کوچک تر تولید کننده نفت در قاره آفریقا و آمریکای لاتین نیز از دیگر مسائل مهمی است که در شرایط موجود تاثیر گذار خواهند بود. واقعیت امر این است که همه بازیگران بازار نفت، با کاهش قیمت نفت به شدت آسیب دیده اند و ثبات سیاسی خود را در خطر تهدید می بینند.

EnergyAspects

<https://www.ft.com/content/3c810c04-3f9b-4ca4-a3ab-0795221368c2>

### چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی<sup>۱۰۵</sup>

چشم انداز ۲۰۳۰ را می توان به طور خلاصه نوعی بازسازی قرارداد اجتماعی نامید. این چشم انداز دید جاه طلبانه ای نسبت به اصلاحات داشته و سعی در کاهش وابستگی عربستان سعودی به نفت دارد. همچنین به اشکال مختلف از مردم سعودی خواسته شده تا نقش خود را در جامعه بازتعریف کنند و برای توسعه و پایدار سازی کشور، هر شهروند سعودی می بایست نقش خود را در این بازسازی ایفا کند. در واقع اینگونه تصویر سازی شده است که تا کنون دولت از مردم حمایت می کرده است و در این سند تاکید شده که مردم باید متعاقبا از دولت خود حمایت کنند. دیدگاه اصلی در این مطلب اراده حکومت برای تمرکز بیشتر بر تلاش جمعی در حوزه اقتصاد است. کلمه شراکت چندین بار در چشم انداز دیده شده که به صورت داخلی، با بخش خصوصی و با سازمان های مردم نهاد عنوان شده است. در چشم انداز ۲۰۳۰ به وجود چالش ها و مشکلات در آینده کشور و همچنین وجود پروژه های ناقص اذعان شده است. برخی از اهداف اصلی یاد شده در این چشم انداز را می توان در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول ۱- شاخص های ارتقای درج شده در سند چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی<sup>۱۰۶</sup>

ردیف	عنوان	از	به
۱	مشارکت بخش خصوصی در تولید ناخالص ملی	۴۰٪	۶۵٪
۲	افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سطح بین الملل	۳،۸٪	۵،۷٪
۳	افزایش رتبه در شاخص رقابت جهانی	۲۵	۱۰ کشور برتر
۴	افزایش دارایی های صندوق سرمایه گذاری عمومی	۶۰۰ میلیارد	۷ تریلیون
۵	افزایش بومی سازی بخش های نفت و گاز	۴۰٪	۷۵٪
۶	افزایش رتبه در میان اقتصادهای بزرگ دنیا	۱۹	۱۵ کشور برتر
۷	افزایش ذخیره خانوار از جمع درآمد	۶٪	۱۰٪
۸	افزایش مشارکت سازمان های مردم نهاد در تولید ناخالص ملی	۱٪	۵٪

<sup>۱۰۵</sup><https://vision2030.gov.sa/download/file/fid/417>  
<sup>۱۰۶</sup><https://vision2030.gov.sa/download/file/fid/417>



یکی از مواردی که می توان آن را در راستای اصلاحات اجتماعی قرار داد، اجرای خصوصی سازی آرامکو است؛ به این دلیل که اجرای خصوصی سازی آرامکو تاثیر چندانی بر سوددهی این مجموعه نفتی نخواهد داشت، بلکه تاثیر بیشتر آن بر گسترش شفاف سازی است. آرامکو یکی از پرسودترین شرکت های نفتی دنیا به حساب می آید، اما هنوز شفاف نیست صاحبان آرامکو سعودی چه افرادی هستند، چقدر از این درآمد نفتی سهم خاندان سعودی است و چند درصد آن سهام همگانی است. هدف از خصوصی سازی آرامکو، کنترل میزان تسلط جریان منابع مالی توسط شاهزاده بن سلمان است و وجه اجتماعی آن در تشویق مردم برای مطالبه گری در تمامی حوزه های اقتصاد برجسته می شود.

طبق آمار منتشر شده در اوت ۲۰۲۰، جریان نقدی آزاد آرامکو سعودی در سال ۲۰۱۸ بالغ بر ۸۵،۵ میلیارد دلار آمریکا بوده که در نتیجه این آمار، طبق ارزیابی ها این شرکت بیشترین میزان سوددهی را در میان شرکت های نفتی در سطح جهان داشته است، و همچنین عرضه اولیه سهام آن برای پایان سال ۲۰۱۹ برنامه ریزی شده بود. اگر این رقم را به رقم فرضی ۱۰۰ میلیارد دلار تبدیل کنیم و آن را ضربدر عدد ۲۰ کنیم که رقم استاندارد و معمول در محاسبات نفتی است، شاهد ارزش ۲ تریلیون دلار خواهیم بود که البته برای فهم آسان تر محاسبات، ارقام را فرضی در نظر گرفتیم. اشاره شده است که ۵٪ از سهام آرامکو شناور خواهد بود؛ ۵٪ از ۲ تریلیون دلار برابر است با ۱۰۰ میلیارد دلار سهام شناور. پخش سهام شناور به چند شکل انجام می گیرد. پیشنهاد فروش بخشی از سهام توسط دولت از بخشی از سهام خود از آرامکو سعودی که سهام موجود را تشکیل می دهد، از طریق لیست سهام موجود در بازار اصلی تداول، از طریق سرمایه گذاران و مؤسسات سرمایه گذاری معتبر و برخی مدل های دیگر که به تفصیل در فایل ارائه شده از سوی دولت سعودی منتشر شده است. یکی از راه های مناسب برای پخش سهام شناور که در راستای افزایش دارایی های صندوق سرمایه گذاری عمومی است، انتقال آرامکو سعودی به عنوان یک شرکت به صندوق سرمایه گذاری عمومی بوده و صندوق نیز ۵٪ از سهام را به صورت عمومی شناور می سازد و به این شکل دارایی صندوق سرمایه گذاری عمومی نیز افزایش می یابد. در صورت اتخاذ این تصمیم، دولت کنترل مستقیم خود را از دست خواهد داد و از طریق صندوق ثروت ملی آن را کنترل خواهد کرد، که در نتیجه آن به آرامکو به طور رسمی مالیات بر درآمد تعلق خواهد گرفت؛ اما در هر صورت منابع مالی دولت تحت تاثیر قرار نخواهد گرفت. یکی از نکات کلیدی شفاف سازی این است که در صورت شناور کردن سهام، ریاض ملزم به انتشار بیانییه حسابرسی خواهد شد. شفاف سازی جریان منابع مالی برای خصوص سازی امری کلیدی است و اینگونه دولت می تواند حسن نیت خود را نسبت به تغییر نگرش خود در امر شفاف سازی و مشارکت مردمی نشان دهد.

<https://www.statista.com/statistics/1070993/worldwide-value-of-free-cash-flow-of-oil-companies/#:~:text=As%20of%202018%2C%20the%20value,at%20the%20end%20of%202019.>

<https://www.theguardian.com/business/2019/dec/05/saudi-aramco-to-be-worlds-most-valuable-firm-after-ipo-next-week>

<https://www.saudiaramco.com/-/media/images/investors/aramco---intention-to-float.pdf?la=en&hash=D54989DC62ABBCCEE292208A48FC0FA05A2F4093>

## بازیگران منطقه‌ای

لازم به ذکر است که منازعات در جنوب غرب آسیا فراتر از قدرت‌های طالب وضع موجود یا تجدیدنظرطلب است؛ در نتیجه جنگ‌های داخلی، جنوب غرب آسیا تبدیل به یک نظام سه جانبه متشکل از تلاش برای رسیدن به قدرت میان ایران، عربستان سعودی و ترکیه شده است. چالش اصلی در آینده کاهش انگیزه‌های مجادله تجدیدنظرطلبانه علیه طرفداران وضع موجود خواهد بود، که خود فرصتی را برای گسترش همکاری میان کشورهای منطقه پدید خواهد آورد، که در نهایت مسیری سخت اما تنها مسیر منتهی به بازسازی و توسعه روابط در منطقه خواهد بود.

اختلافات جنوب غرب آسیا را می‌توان به نوعی جنگ سرد نوین در میان منطقه دانست. دلیل نوین دانستن آن وجود جنگ سرد دیگری در جنوب غرب آسیا بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۰ توسط جمال عبدالناصر و رقبای اوست: نحوه قدرت گرفتن جمال عبدالناصر سرمنشا ایدئولوژیک داشت. او با ایده «ناسیونالیسم عربی» مریدانی از دولت‌های ضعیف منطقه نظیر سوریه، لبنان، اردن و عراق گرد هم آورد تا به او در برانگیختن دگرگونی‌های سیاسی در منطقه کمک کنند. زمانی که او سعی بر اقدام نظامی در سال ۱۹۶۷ کرد، رژیم صهیونیستی این اقدام را در کمتر از شش روز متوقف کرد و زمانی که وی نیروهای خود را برای حمایت از مخالفان یمنی برای مبارزه با دولت رسمی یمن به شمال این کشور فرستاد، این موضوع تبدیل به ویتنام وی شد که خود نیز به طور علنی به آن اذعان داشت. آذلیل جنگ سرد خطاب کردن آن به این علت بود که در آن شاهد درگیری نیروهای رزمنده در یک جنگ متعارف نبودیم، بلکه هدف آن استفاده از ضعف سیاسی در سیاست‌های داخلی دولت‌های عرب برای پیشبرد اهداف عبدالناصر بود. جنگ سرد نوین در جنوب غرب آسیا به نوعی با جنگ سرد پیشین در این منطقه شباهت‌هایی نیز دارد. در هر دوی آنها هیچ رویارویی نظامی مستقیمی بین نیروهای متخاصم شکل نگرفت، درگیری در نظام‌های سیاسی داخلی دولت‌های ضعیف عرب نقش ایفا کرد و محور منازعات متعدد بود. به عنوان مثال در جنگ سرد عربی شاهد محور ترقی خواهان علیه مرتجعین و محور جمال عبدالناصر علیه عبدالکریم قاسم (حزب بعث) بودیم. در بحث منازعات و اختلافات در منطقه جنوب غرب آسیا می‌بایست توجه ویژه‌ای به پایه‌های داخلی جنگ سرد نوین جنوب غرب آسیا داشت. این ضعف و یا افول اقتدار حکومت است که دعوت کننده و محرک مداخلات منطقه‌ای است. بدیهی است که یک دولت افول یافته یا ضعیف شیعه به دنبال حامی شیعه و یک دولت شکست

The Arab Cold War, 1958–1964: A Study of Ideology in Politics. London: Chattam House Series, Oxford University Press, 1965.

Oren, Michael B. (2002). Six Days of War: June 1967 and the Making of the Modern Middle East. Oxford University Press. p. 171. ISBN 978-0-19-515174-9.

<https://press.princeton.edu/books/hardcover/9780691155142/nassers-gamble>

خورده سنی به دنبال حامی سنی باشد. این فرقه‌گرایی یک پدیده تحمیل شده از بالا به حساب نمی‌آید، بلکه یک پدیده برخاسته از پایین است که در نتیجه شکست اقتدار سیاسی به وجود می‌آید.

پس از این شاهد حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ هـ ستیم که یکی از شکست‌های بزرگ آمریکا پس از جنگ ویتنام تلقی می‌شود.<sup>۱۴</sup> ایالات متحده با نقض کردن سه اصل اساسی عراق، این کشور را در عرض یک هفته فلج کرد. آن‌ها حزب حاکم را نامشروع اعلام کرده، تعداد افراد حزب حاکم را برای خدمت در نظام بروکراتیک کاستند و ارتش را منحل کردند. آمریکا تصور می‌کرد که می‌تواند عراق را ویران کرده و از نو بسازد، اما در تحقق تصور خود شکست خورد. در نتیجه این شکست، عراق که خود بازیگری در جنوب غرب آسیا بود، تبدیل به زمین بازی شد و همین امر باعث شد گروه‌های مختلف سیاسی از قدرت‌های خارجی دعوت به عمل بیاورند و از آنها حمایت کنند، که در این زمینه جمهوری اسلامی ایران موفق به بهره‌گیری از شکست ایالات متحده شد.<sup>۱۵</sup> لار سال ۲۰۰۷ نیز فتاح و حماس در فلسطین دچار اختلاف شدند که خود راهی برای حمایت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی گشود تا در سیاست این کشور تاثیرگذار باشند. پس از این نیز شاهد بهار عربی (بیداری اسلامی) بودیم.<sup>۱۵</sup> این موضوع باعث شد کشورهای نظیر لیبی و سوریه که نسبتاً پایدار و مقتدر بودند، اقتدار خود را از دست داده و تحت تاثیر جنگ داخلی تبدیل به زمین بازی دیگری در جنوب غرب آسیا شوند و همانند عراق دعوت‌کننده قدرت‌های خارجی برای کسب حمایت از گروه‌های سیاسی شدند. یمن که خود از ابتدا حکومت ضعیفی به حساب می‌آمد، فروپاشید و دچار جنگ داخلی شد. در مصر نیز شاهد تنش‌هایی میان جامعه سنی بودیم که میان گروه دموکراتیک پوپولیزست اسلام‌گرای سنی (اخوان المسلمین) و گروه نسبتاً ملی-سکولار مصری که بازتاب سیاست‌های آن در ارتش قابل مشاهده بود، اتفاق افتاد. وجه اشتراک تمامی موارد مذکور افول اقتدار دولت و یا تضعیف آن در بخش‌های زیادی از جنوب غرب آسیا است، که خود زمینه را برای ظهور فرقه‌گرایی مفراهم می‌کند. ظهور و رشد گروه‌های شبه‌نظامی نظیر داعش در منطقه تنها در صورتی امکان پذیر بوده‌است که حکومت دچار فروپاشی شود. اگر حکومت بر سر قدرت باشد، ظهور چنین گروه‌های شبه نظامی را چالشی برای قدرت خود محسوب کرده و در نتیجه آن‌ها را از همان ابتدای امر سرکوب می‌کند.

نقش موفقیت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران در این جنگ سرد را نباید نادیده گرفت. یکی از امتیازاتی که ایران از آن بهره‌مند است ارتباطات شیعی است. تضعیف و یا فروپاشی حکومت در میان کشورهای نظیر لبنان، عراق و فلسطین که از جمعیت شیعه زیادی بهره‌مند هستند و دعوت ایشان از ایران جهت همیاری و حمایت، یکی از برگ‌های برنده ایران بود. در این میان شاهد تلاش‌های عربستان سعودی در یمن و سوریه جهت بازپس‌گیری دنیای عرب از جمهوری اسلامی و کاستن نفوذ ایران در منطقه هستیم.

<sup>۱۴</sup>U.S. has 100,000 troops in Kuwait". CNN. 18 February 2003.

<sup>۱۵</sup><https://qz.com/1530248/us-army-says-iran-won-the-iraq-war/#:~:text=The%20US%20Army%20has%20concluded,of%20the%20Iraq%20war's%20lessons.>

<sup>۱۶</sup>Peddler's martyrdom launched Tunisia's revolution". Reuters. 19 January 2011.

اما عربستان سعودی به اندازه جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است در جنگ سرد جنوب غرب آسیا نقش ایفا کند. دلیل این ناکامی قطعاً پول نیست؛ زیرا وضعیت عربستان سعودی از این منظر از ایران بهتر است. عربستان سعودی از امتیاز داشتن متحد قابل اتکای منطقه‌ای مانند حزب‌الله یا نیرویی مثل نیروی قدس ناکام است و مشکلات عربستان گریبان‌گیر متحدانش نیز است. بزرگترین متحد عربستان سعودی، امارات متحده عربی است که مسئولیت اصلی حملات به یمن را بر عهده دارد و عربستان سعودی بیشتر با حمایت هوایی در یمن درگیر می‌شود. سعودی‌ها همانند ایران توانایی استفاده از نیروهای نظامی خود را ندارند. عربستان سعودی نه تنها از یک نیروی متحد متعهد ایدئولوژیک بهره‌مند نیست، بلکه متحدانی دارد که با سیاست‌های او مخالف هستند. القاعده و دولت اسلامی که سلفی هستند و برداشت‌های نزدیکی به سعودی‌ها از اسلام دارند، خود از عربستان متنفردند و قابل اعزام به نقاط مورد نیاز نیستند.

طی سالیان اخیر شاهد تمایلات عربستان سعودی برای بدست گرفتن رهبری ائتلاف ضد ایران هستیم. تنها گزینه موجود در منطقه برای همیاری عربستان سعودی در خصوص این مهم، ترکیه است. اما هر دو کشور از هماهنگ سازی راهبردهای خود در مورد ایران ناکام مانده‌اند؛ زیرا سعودی‌ها نگران اسلام‌گرایی دموکراتیک پوپولیست سنی هستند که اردوغان نماینده آن است. از سوی دیگر اردوغان فردی جاه طلب است و حاضر به واگذاری رهبری به سعودی‌ها نیست. گزینه دیگر مصر است، که خود درگیر مشکلات داخلی بوده و از انجام اقدام مؤثر علیه ایران ناکام است. گزینه آخر نیز رژیم صهیونیستی است که به طور رسمی با عربستان سعودی ارتباط دارد، اما روابط آنها هنوز عادی سازی نشده است. در صورت اقدام مؤثر علیه ایران نیاز به این رابطه وجود دارد که در صورت عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، مشکلات داخلی عدیده‌ای در عربستان سعودی به وجود خواهد آمد. در نتیجه، اتخاذ سیاست رهبری ائتلاف ضد ایران برای سعودی‌ها بسیار مشکل و پرهزینه خواهد بود. در منطقه نیز به جز امارات متحده عربی که سعودی‌ها را در به انجام رساندن سیاست‌هایشان یاری می‌کند، بحرین، متحد دیگر عربستان، خود باری برای سعودی‌ها به حساب می‌آید و حمایت عربستان سعودی به دلیل خط قرمز بودن افول پادشاهی برای آنها است. کویت نیز دارای جمعیت شیعه ایست که به خوبی در سیاست‌های کویت ادغام شده‌اند و اقدام تاثیرگذاری علیه ایران انجام نخواهند داد، عمان نیز خود تسهیل‌گر روابط میان ایران و غرب بوده و پس از انقلاب همواره روابط خود را به خوبی با ایران ادامه داده است، لذا هرگز روابط حسنه خود را با ایران تحت شعاع سیاست‌های ائتلاف ضد ایران قرار نمی‌دهد.

در مجموع باید پذیرفت که سیاست‌های اتخاذ شده توسط عربستان سعودی گواه بر استفاده آن‌ها از مقوله فرقه‌گرایی برای پیشبرد اهداف خود است و موفق شده‌اند پرتوهای از خود به عنوان نماینده سنی‌های دنیای اسلام ارایه دهند، که در عمل اینطور نیست. در مکاتب کلامی مکاتب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی مذاهب چهارگانه فقهی را تشکیل می‌دهند که وهابیت از نظر فقهی پیرو

مکتب حنبلی است؛<sup>۶</sup> پیروان این گروه با وجود تبلیغات گسترده با اغماض حدود ۴ الی ۵ میلیون نفر هستند<sup>۷</sup> و نمی‌توانند نماینده سنی‌ها باشند. سنی‌گرایی که ترک‌ها و جمال عبدالنا صر نماینده آن بودند، تشکیل دهنده اکثریت جمعیت سنی دنیای اسلام هستند و نه وهابیت. میان سنی‌گرایی سلفی-وهابی و سایر مکاتب سنی‌گرایی تفاوت بنیادین مهمی پابرجاست. ضدیت علیه شیعه عنصر اصلی وهابیت است، به همین علت تنها ریسمانی که سعودی‌ها برای شکست ایران می‌توانند به آن چنگ بزنند، فرقه‌گرایانه جلوه دادن اختلافات است، تا بتواند سنی‌های دنیای اسلام را به حمایت از خود علیه جمهوری اسلامی ایران همراه کند.

### قدرت‌های بین‌المللی

یکی از قدرت‌های بین‌المللی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های کشورهای شبه جزیره عربستان ایالات متحده آمریکا است. در صورت انتخاب قطعی بایدن به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، دوره جدید ریاست جمهوری آمریکا می‌تواند برای سعودی‌ها چالش برانگیز باشد. ماجراجویی‌های بن سلمان در منطقه طی چهار سال گذشته در یمن و سوریه می‌تواند منجر به شکایات و اتهامات مبنی بر انجام جرائم جنگی شود. همچنین مذاکرات مخفی سعودی‌ها با چین برای غنی‌سازی اورانیوم برخی از اعضای ترقی‌خواه دموکرات کنگره آمریکا را به همکاری بیشتر با بایدن برای تجدید و یا لغو حمایت آمریکا از عربستان سوق داده است. اما برخی نیز بر این باورند که بایدن نباید دچار وسوسه اتخاذ چنین تصمیمی شود، زیرا رها کردن متحدان لزوماً به معنای تغییر رفتار آن‌ها به سوی «بهبتر شدن» پیش نخواهد رفت؛ اما رفتارهای عربستان سعودی نزد ایالات متحده آمریکا قطعاً بی‌پاسخ نخواهد ماند. یکی از محرک‌های سعودی‌ها برای پذیرفتن چنین جایگزینی، اهمیت و وابستگی آن‌ها به اتحاد با قدرت‌های بزرگ غربی به خصوص ایالات متحده آمریکا است. نگرانی سعودی‌ها از پایان یافتن اتحاد با آمریکا ریشه در بیداری اسلامی در دهه گذشته دارد. دولت وقت آمریکا در نهایت تصمیم به حمایت از طرفداران دموکراسی در مصر کرد و متحد خود حسنی مبارک را که علی‌رغم تغییر شش اصل قانون اساسی و ابطال یک اصل آن همچنان سرسختانه به مسند قدرت چنگ زده بود رها کرد. سعودی‌ها پس از وقوع این اتفاق احتمال بروز چنین خیانتی را در نظر گرفتند. طبیعی است که بن سلمان به همراه سایر نخبگان سعودی بر این باور باشند که توسعه روابط با چین، علی‌الخصوص وقتی می‌تواند منجر به داشتن سلاح هسته‌ای شود، به ادامه وابستگی به واشنگتن ارجحیت دارد. همچنین سران سعودی می‌دانند که واشنگتن هیچ‌گاه به آن‌ها اجازه داشتن قدرت هسته‌ای را نخواهد داد، زیرا در آن صورت تهدیدی برای برتری هسته‌ای رژیم صهیونیستی در منطقه خواهند بود. علی‌رغم اینکه اتحاد ایالات متحده با عربستان سعودی مشکلات زیادی را در منطقه پدید آورده است، عدم ادامه وابستگی سعودی‌ها به آمریکا و دسترسی به سلاح هسته‌ای توسط سعودی‌ها می‌تواند برای

<sup>۶</sup>Wahhabi. The Columbia Electronic Encyclopedia, Sixth Edition, Columbia University Press. , 2012.

<sup>۷</sup>Mehrdad Izady. «"Demography of Religion in the Gulf».

جنوب غرب آسیا مخاطره آمیز باشد و منافع تمامی گروه‌ها را تحت شعاع قرار دهد. امری که می‌تواند از نگرانی سعودی‌ها بکاهد و شکل حکمرانی در منطقه را تغییر ندهد، تشویق ریاض به پیوستن به اتحادیه جدیدی از کشورهای غربی و جنوب غرب آسیا، به منظور همکاری چندجانبه در حوزه نظامی، انرژی، اقتصادی و توسعه اجتماعی است.

در هفته اول دسامبر ۲۰۲۰ داماد ترامپ و مشاور کاخ سفید، جرد کوشنر، به قصد میانجیگری جهت حل اختلافات پدید آمده میان دو کشور عضو شورای همکاری خلیج با سفری به قطر و عربستان سعودی، سعی داشت تا بار مشکلات را برای دولت بایدن تلطیف سازد. لازم به ذکر است حتی در صورت توافق و عادی سازی روابط میان قطر و عربستان سعودی، شاهزاده محمد بن زاید همچنان قطر را به عنوان یک تهدید بزرگ علیه امارات متحده عربی به حساب خواهد آورد.

### عدم قطعیت‌های اصلی و سناریوهای آینده حکمرانی در شبه جزیره عربستان

- رابطه آمریکا با عربستان سعودی (حمایت/عدم حمایت) مبتنی بر شرایط منطقه (ثبات یا بی‌ثباتی)
- توان اتمی عربستان سعودی (هسته ای/غیرهسته ای)
- وضعیت نقض حقوق بشر (صدور حکم برای بن سلمان یا اعمال تحریم بر عربستان سعودی/تبرئه بن سلمان)
- عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی (پذیرش عادی سازی/عدم پذیرش عادی سازی)
- مشروعیت پادشاهی بن سلمان توسط آمریکا (پذیرش پادشاهی/عدم پذیرش پادشاهی)

قدرت نظامی عربستان سعودی با منع فروش سلاح توسط ایالات متحده و نزدیکی مخفیانه سعودی‌ها برای تهیه سلاح هسته‌ای به چین می‌تواند تغییر یابد. مشروعیت سیاسی بن سلمان با توجه به نارضایتی برخی از شاهزاده‌های آل سعود و نقض گسترده حقوق بشر می‌تواند تحت شعاع قرار بگیرد. توانمندی اقتصادی عربستان سعودی نیز به دلیل کسری بودجه نشات گرفته از شیوع ویروس کرونا و کاهش قیمت جهانی نفت می‌تواند با چالش‌های قابل توجهی مواجه شود.

طبق گزارش ۲۰۲۰ دیده‌بان حقوق بشر، عربستان سعودی در مؤلفه‌های مختلف از قبیل محاصره و حملات هوایی به یمن، آزادی بیان، تشکل و اعتقاد، عدالت کیفری، حقوق دختران و زنان و کارگران مهاجر<sup>۸</sup> اقدام به نقض حقوق بشر کرده و می‌بایست با عواقب آنها روبرو شود. از این رو بن سلمان مشکلات عدیده‌ای را در حوزه حقوق بشر پیش روی خود دارد که انتخاب بایدن می‌تواند یک متغیر قوی برای افزایش فشار مشکلات بر دولت سعودی شود.

<sup>۸</sup><https://www.hrw.org/world-report/2020/country-chapters/saudi-arabia>

مؤلفه حائز اهمیت دیگر مساله عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی است. شواهد گویای آن است که دولت سعودی عجله‌ای برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی ندارد. با توجه به موضوع نسبتاً قاطعی که نماینده دولت سعودی در قبال همتای صهیونیست خود در اجلاس منامه ۲۰۲۰ در بحرین داشت؛ با وجود اینکه متحدان دولت سعودی (بحرین، سودان و امارات متحده عربی) اقدام به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی کرده اند، به دلیل رهبری سعودی‌ها در شورای همکاری خلیج و نقش خودخواسته رهبری جهان اسلام که خاندان آل سعود برای خود در نظر گرفته‌اند، عادی سازی برای سعودی‌ها متغیرهای بیشتری را تحت شعاع قرار می‌دهد و لازمه جدیت بیشتری است. اما متغیرهای داخلی حتی از حساسیت‌های بیشتری نسبت به از دست دادن پرستیژ بین‌المللی برخوردار هستند. با توجه به نگاه منتقدانه شاهزاده‌های قدیمی‌تر خاندان آل سعود به شاهزاده جانشین جوان؛ بن سلمان نمی‌تواند دیدگاه ملک سلمان در قبال رژیم صهیونیستی را نادیده گرفته و در حوزه سیاسی نیز اقدام به اصلاحات در این ابعاد کند. اگرچه سعودی‌ها به خصوص شاهزاده‌های نسل قدیم خاندان آل سعود به آرمان فلسطین پایبند هستند.

### شبه جزیره عربستان بدون حمایت ایالات متحده آمریکا از عربستان

در صورتی که دولت بایدن تصمیم بر افزایش فشار بر عربستان سعودی بگیرد، عربستان سعودی با احتمال ادامه منع فروش سلاح، عدم پشتیبانی آمریکا در خصوص نقض حقوق بشر سعودی‌ها و در نهایت لغو اتحاد ایالات متحده آمریکا روبه رو خواهد شد و تغییرات عمده‌ای را در تصمیم‌گیری دولت سعودی شاهد خواهیم بود. یکی از احتمالات محتمل در صورت عدم حضور ایالات متحده آمریکا در تصمیم‌گیری‌های آل سعود، افزایش امکان عادی سازی روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی است. این نزدیکی موفقیت بزرگی برای نتانیاهو و چالش بزرگی برای بن سلمان به وجود خواهد آورد. با توجه به مشکلات داخلی فراوان تحت حکومت نتانیاهو در رژیم صهیونیستی طی سال‌های اخیر و بروز اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی متعدد، مخالفت‌ها در میان سیاستمداران تندروی رژیم صهیونیستی، افزایش نرخ بیکاری و... عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب منطقه به ویژه عربستان سعودی که نقش رهبر دنیای اسلام را برای خود قائل است، نزد نتانیاهو یک برد عظیم تلقی می‌شود؛ از این رو نتانیاهو نیز علاقه زیادی به شکل‌گیری این عادی سازی دارد. در صورت عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، تصمیمات عربستان سعودی تحت لوای بن سلمان جوان به سمت بر هم زدن نظم منطقه‌ای و توازن قوا در منطقه پیش خواهد رفت. از یک سو محرکی برای نزدیکی و آشتی با قطر از سوی عربستان سعودی و امارات متحده عربی حس نمی‌شود، که موجب مشکلات فراوانی در حوزه‌های مختلف خواهد شد و از سوی دیگر امکان شکل‌گیری ائتلافی متشکل از عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و سایر کشورهای متحد افزایش پیدا خواهد کرد، که در مقابل ائتلافی از قدرت بزرگ دیگر در منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران میان قطر عراق، یمن و سایر

<https://www.iiss.org/events/manama-dialogue/manama-dialogue-2020>

متحدین تشکیل خواهد شد، که خود می تواند سبب شکل گیری جنگ سرد دیگری در جنوب غرب آسیا شود. در این حالت جمهوری اسلامی ایران شاهد استقرار نیروهای رژیم صهیونیستی در نزدیک ترین فاصله به مرزهای جنوبی خود خواهد بود. یکی از متغیرهای محتمل در سناریوی لغو اتحاد آمریکا-عربستان، نزدیکی سعودی ها به چین برای تهیه سلاح هسته ای خواهد بود. از آنجا که رژیم صهیونیستی در حوزه رقابت تسلیحاتی در منطقه حساسیت بالایی دارد، به احتمال زیاد با وعده تامین امنیت عربستان، سعودی ها را از اتخاذ چنین تصمیمی منصرف می سازد. لازم به ذکر است در صورت عادی سازی روابط سعودی-صهیونیستی، رژیم صهیونیستی سیاست های مخرب تری را در منطقه به پیش خواهد برد. زمانی که کردستان عراق نیت برگزاری همه پرسی در عراق را داشت، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، ترکیه و حتی ایالات متحده آمریکا از سیاست عراق منسجم حمایت کردند؛ اما رژیم صهیونیستی برگزاری همه پرسی را به نفع امنیت رژیم صهیونیستی می دانست. سایر سیاست های این رژیم نیز می تواند به همین سمت و سو پیدا کند و در نهایت امنیت جمهوری اسلامی ایران را از جهت جنگ نرم، جاسوسی، افزایش تحرکات نظامی و در نهایت جنگ تمام عیار تحت تاثیر قرار دهد.

معضل دیگری که عربستان سعودی با آن روبروست، جنگ یمن است. در سناریوی حاضر با توجه به تهدیدات اخیر حوثی های یمن برای سعودی ها، دولت عربستان در تلاش خواهد بود تا معضل پیش روی خود را با کمترین هزینه و در اولین فرصت حل و فصل کند. این مهم می تواند از طریق آتش بس طولانی مدت و یا پذیرش شکست سعودی ها صورت پذیرد، که در هر دو صورت پیروزی دیگری برای ایران در منطقه خواهد بود. در صورت عدم وجود حمایت رئیس جمهور منتخب آمریکا از نظام پادشاهی سعودی، مقوله نقض حقوق بشر با فشار حداکثری از سوی مراجع بین المللی و افکار عمومی جهان دنبال خواهد شد. صدور کیفرخواست و احضار شاهزاده جانشین از سوی دادگاه های آمریکا نیز از چالش های پیش روی عربستان است، که در نبود حمایت رئیس جمهور آمریکا، عربستان برای حل این چالش مجبور به پرداخت هزینه های هنگفت برای رسیدگی به دعوی پیش رو خواهد شد. از سوی دیگر یکی از برنامه های اساسی جانشین جوان در بالا بردن وجه بین المللی عربستان با چالشی جدی روبرو خواهد شد. برخی از این اقدامات شامل برگزاری مسابقات ورزشی، خرید با شگاه های ورزشی، برگزاری کنسرت، حذف قانون التزام به حجاب اجباری و تسهیل پذیرش گردشگر خارجی بوده است.

### شبه جزیره عربستان با حمایت ایالات متحده آمریکا از عربستان سعودی

تاریخ انتخابات در ایالات متحده آمریکا گواه این بوده است سیاست های یک نامزد انتخاباتی از زمان اعلام نامزدی تا لحظه سوگند مراسم تحلیف می تواند تغییرات بنیادین داشته باشد. از این رو با توجه به مواضع سختی که بایدن پیش از پیروزی در قبال عربستان

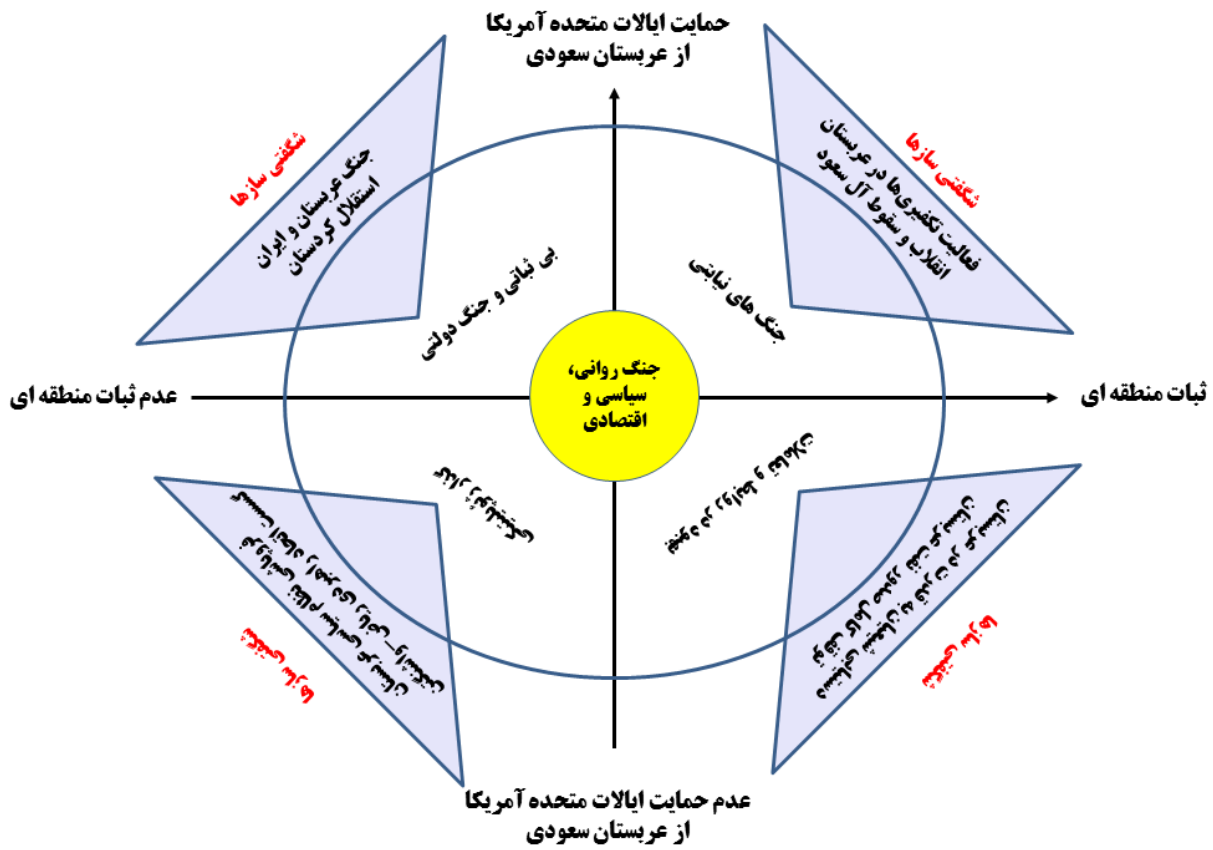


سعودی در انتخابات ریاست جمهوری در پیش گرفته بود، می توان استنتاج کرد که این مواضع نیز قابل اغماض بوده و در صورت مغایرت با منافع ملی ایالات متحده آمریکا، امکان تغییر در آنها محتمل است.

در صورتی که ایالات متحده آمریکا اتحاد خود با عربستان سعودی را حفظ کند، متغیرهای کنونی در منطقه به طور کلی با تغییر شدیدی روبه رو نخواهند شد. عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی در این سناریو می تواند از طریق انگیزه به رسمیت شناخته شدن پادشاهی بن سلمان توسط ایالات متحده آمریکا انجام پذیرد. البته باید دید که آیا بایدن نیز قول رقیب پیشین خود را حفظ خواهد کرد یا خیر. از این رو احتمال عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی همچون سناریوی قبلی محتمل نیست، اما دور از انتظار هم نخواهد بود.

### نتیجه گیری

رصد و مطالعه وضعیت حاضر در منطقه جنوب غرب آسیا حاکی از این است که عربستان سعودی به عنوان مهم ترین کشور در شبه جزیره عربستان در آینده نزدیک می تواند با تصمیم گیری های خود بر پایه حفظ یا لغو حمایت های ایالات متحده آمریکا، به پذیرش یا رد عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بپردازد، که تصمیمی چالش برانگیز و تاثیرگذار بر وقایع و همچنین بر توازن قوای منطقه خواهد بود. از این رو جمهوری اسلامی ایران به عنوان دیگر قدرت بزرگ منطقه می بایست در راهبردهای منطقه ای خود، نقش متغیر رئیس جمهور منتخب ایالات متحده آمریکا و عادی سازی روابط کشورهای نظیر سودان، بحرین و امارات متحده عربی که همگی از متحدان عربستان سعودی هستند، با رژیم صهیونیستی را جدی بگیرد. از سوی دیگر عادی سازی روابط عربستان سعودی با رژیم صهیونیستی می تواند فلسطین اشغالی را نیز بیش از پیش در خطر قرار دهد. ادامه مخالفت های امارات متحده عربی و عربستان سعودی در قبال قطر نیز از موضوعات دیگر تهدیدکننده برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید. در صورت حفظ پشتیبانی آمریکا از سعودی ها، تهران برای پایان دادن به جنگ یمن باید هزینه ادامه درگیری برای سعودی ها را بیشتر کرده و آنها را وادار به پذیرش شکست یا آتش بس سازد. این مهم در صورت لغو پشتیبانی آمریکایی ها از سعودی ها با سخت تر شدن شرایط برای خاندان آل سعود رو به پذیرش شکست یا آتش بس پیش خواهد رفت؛ بنابراین سناریوهای پیش روی آینده حکمرانی عربستان سعودی را به شرح ذیل می توان ترسیم کرد:



شکل ۱- سناریوها و شگفتی سازهای پیش روی آینده حکمرانی در شبه جزیره عربستان

## منابع و مأخذ

شوارتز، پیتز، (۱۳۹۰) «برنامه ریزی برای آینده در دنیایی با عدم قطعیت»، مترجم عزیز علیزاده ویرایش علمی: مسعود منزوی عبدالمجید کرامت زاده / ناشر مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی / چاپ دوم .

- "King Abdul Aziz family tree". Geocities.
- Aziz, Mahir (2010). The Kurds of Iraq: Ethnonationalism and National Identity in Iraqi Kurdistan. London: Tauris Academic Studies. p. 4. ISBN 978-1-84885-546-5. The Kurds appear to be the largest ethnic group in the world without a state of their own.
- The Arab Cold War, 1958–1964: A Study of Ideology in Politics. London: Chattam House Series, Oxford University Press, 1965.
- Oren, Michael B. (2002). Six Days of War: June 1967 and the Making of the Modern Middle East. Oxford University Press. p. 171. ISBN 978-0-19-515174-9.
- Wahhabi. The Columbia Electronic Encyclopedia, Sixth Edition, Columbia University Press. , 2012.
- Mehrdad Izady. «"Demography of Religion in the Gulf».
- Review: International Interventions in Lebanon, Review by: John P. Spagnolo, Published by: Taylor & Francis, Ltd., The International History Review .Vol. 16, No. 2 (May, 1994), pp. 329-335 (7 pages)
- "Chapter 1: Religious Affiliation". The World's Muslims: Unity and Diversity. Pew Research Center's Religion & Public Life Project. August 9, 2012.
- Vision 2030 Saudi document.
- <https://www.g20.org/en/il-g20.html#:~:text=Participants-Participants,States%2C%20and%20the%20European%20Union>.
- Sudarsan Raghavan; Fahim Kareem (21 June 2017). "Saudi king names son as new crown prince, upending the royal succession line". The Washington Post.
- Marwa Rashad (24 April 2016). "Saudis await Prince's vision of future with hope and concern". Reuters.
- Ben Hubbard; Mark Mazzetti; Eric Schmitt (18 July 2017). "Saudi King's Son Plotted Effort to Oust His Rival". The New York Times.
- "Saudi Arabia to allow women to enter stadiums to watch soccer". New York Post. 12 January 2018.
- Smith, Lydia (9 December 2017). "Saudi Arabia hosts first-ever concert by female performer". The Independent.
- Dadouch, Sarah (27 June 2018). "Prominent Saudi women's rights activist detained as driving ban lifted: sources". Riyadh. Reuters.
- "Turkey 'has recording proving Saudi murder'". BBC News. 12 October 2018.
- Summers, Hannah (15 October 2018). "Yemen on brink of 'world's worst famine in 100 years' if war continues". The Guardian.
- <https://www.dw.com/en/un-yemen-on-the-verge-of-a-catastrophic-famine/a-55682097#:~:text=The%20United%20Nations%20warned%20on,of%20lives%20may%20be%20lost.%22>

- "Libya's Second Civil War: How did it come to this?" Conflict News.
- National Post View (24 February 2015). "National Post View: Stabilizing Libya may be the best way to keep Europe safe". National Post.
- "Over 600 Palestinians killed in internal clashes since 2006". Reuters. June 6, 2007.
- "Syria's civil war explained from the beginning". Al Jazeera.
- Orkaby, Asher (25 March 2015). "Houthi Who?" Foreign Affairs.
- <https://www.cfr.org/timeline/modern-sunni-shia-tensions>
- "Chapter 1: Religious Affiliation". The World's Muslims: Unity and Diversity. Pew Research Center's Religion & Public Life Project. August 9, 2012.
- Aziz, Mahir (2010). The Kurds of Iraq: Ethnonationalism and National Identity in Iraqi Kurdistan. London: Tauris Academic Studies. p. 4. ISBN 978-1-84885-546-5. The Kurds appear to be the largest ethnic group in the world without a state of their own.
- <https://www.thenationalnews.com/world/mena/saudis-hail-allawi-s-victory-in-iraq-with-relief-and-hope-1.543301>
- <https://www.bti-project.org/en/home.html?&cb=00000>
- <https://www.bloomberg.com/de6a5dbf-13e6-46e9-ab1e-4dff570108d>
- <https://www.ft.com/content/3c810c04-3f9b-4ca4-a3ab-0795221368c2>
- <https://www.statista.com/statistics/1070993/worldwide-value-of-free-cash-flow-of-oil-companies/#:~:text=As%20of%202018%2C%20the%20value,at%20the%20end%20of%202019.>
- <https://vision2030.gov.sa/download/file/fid/417>
- <https://www.bti-project.org/en/reports/country-report-SAU-2020.html>
- <https://www.theguardian.com/business/2019/dec/05/saudi-aramco-to-be-worlds-most-valuable-firm-after-ipo-next-week>
- <https://press.princeton.edu/books/hardcover/9780691155142/nassers-gamble>
- "U.S. has 100,000 troops in Kuwait". CNN. 18 February 2003.
- <https://qz.com/1530248/us-army-says-iran-won-the-iraq-war/#:~:text=The%20US%20Army%20has%20concluded,of%20the%20Iraq%20war's%20lessons.>
- <https://www.ispionline.it/en/pubblicazione/irans-neither-east-nor-west-slogan-today-22234>
- "Peddler's martyrdom launched Tunisia's revolution". Reuters. 19 January 2011.
- <https://www.saudiaramco.com/-/media/images/investors/aramco---intention-to-float.pdf?la=en&hash=D54989DC62ABBCCEE292208A48FC0FA05A2F4093>
- <https://www.hrw.org/world-report/2020/country-chapters/saudi-arabia>
- <https://www.iiss.org/events/manama-dialogue/manama-dialogue-2020>
- "Cameron 'anger' at slow pace of Turkish EU negotiations". BBC News. 27 July 2010.
- "LET TURKEY IN » 16 Nov 2002 » The Spectator Archive". Archive.spectator.co.uk. 16 November 2002.
- <https://www.lawfareblog.com/saudi-crown-prince-facing-lawsuits-dc>
- <https://www.ettelaat.com/?p=483434>
- <http://www.baeghtesad.com/بخش-بین-الملل-۱۳-۲۶۹۷۱-سرنوشت-مبهم-جمال-خاشقچی-در-کنسولگری-عربستان-در-استانبول>

عربستان در-استانبول

- "Saudi Arabia Begins Air Assault in Yemen". The New York Times. 25 March 2015.
- [https://www.eldiario.es/internacional/libano-hariri-secuestrado-arabia-saudi\\_1\\_3068559.html](https://www.eldiario.es/internacional/libano-hariri-secuestrado-arabia-saudi_1_3068559.html)
- <https://www.technologyreview.com/2020/01/22/276122/un-calls-for-investigation-of-saudis-allegedly-hacking-jeff-bezos/>
- "Oil Prices, Stocks Plunge After Saudi Arabia Stuns World With Massive Discounts". NPR.org. 10 March 2020.
- <https://www.aljazeera.com/opinions/2020/3/10/mbs-and-the-saudi-crisis-of-legitimacy>

## تحولات ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا

(با محوریت سوریه و عراق)

مریم تک روستا<sup>۱</sup>، حسین ربیعی<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات)

۲- استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

### چکیده

مفهوم ژئوپلیتیک از آغاز تاکنون تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته که حداقل می‌توان کاربرد آن را در دوره‌های اوج استعمار، وقوع جنگ سرد، نظم نوین جهانی و نهضت زیست محیطی مورد مطالعه قرار داد. این مفهوم تأثیری جدی بر کیفیت حکومت‌ها داشته است و در واقع قدرت حکومت‌ها، متأثر از جایگاه ژئوپلیتیکی آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در مطالعه ژئوپلیتیک نوین غرب آسیا- علاوه بر ویژگی‌های ژئوپلیتیک سنتی و تأکید بر عراق و سوریه- توجه به کدهای جدید در تحلیل هرچه صحیح‌تر تحولات، لازم و ضروری است. به عبارت دیگر، بدون توجه به این شاخص‌ها امکان ترسیم وضعیت موجود و تحلیل روندها امکان‌پذیر نخواهد بود. از این‌رو در تحولات صورت گرفته در ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا شاهد جایگزینی «دیپلماسی عمومی» با «دیپلماسی رسمی» و جایگزینی «مدیریت ادراک ذهن» به جای «مدیریت فیزیک و جسم» هستیم. در این مسیر؛ دولت آمریکا بسیار مشتاق است که

بدون نیاز به حضور نظامی و با مسلط کردن حاکمانی وابسته، اهداف خود در منطقه غرب آستا (با تاکید بر عراق و سوریه) را به پیش ببرد تا عملاً هیچ‌یک از هزینه‌های مذکور را نپردازد.

واژگان کلیدی: تحولات ژئوپولیتیک، تحولات ژئواستراتژیک، سوریه، عراق

### مقدمه

از جمله مناطق حیاتی و مؤثر در معادلات ژئوپولیتیک جهانی، منطقه خاورمیانه است. خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس، به منزله «هارتلند» جهانی قرار دارد. تحولات خاورمیانه و خیزش جریان اسلام‌گرایی در منطقه، یک چالش معنایی را موجب شده که اگر آن را با آسیب دیدگی نظم سیاسی منطقه ای و جهانی و قدرت‌های بزرگ نوظهور در کنار هم قرار دهیم، ابعاد بیشتری از تحولات آشکار می‌شود. مهم‌ترین و عمیق‌ترین بحران‌های سیاسی جهان معاصر در این منطقه رقم می‌خورد و چالش‌های مهم ژئوپولیتیکی از عوامل شکل‌دهنده، تشدیدکننده و تداوم‌گر بحران در این حوزه جغرافیایی است (گلی، ۱۳۹۵، ۲۳). چشم‌انداز موجود از خیزش‌های مردمی، بیانگر آغاز تحولات و لرزش‌های ژئوپولیتیکی گسترده در فضای خاورمیانه (حوزه سوریه و عراق)؛ جغرافیای سیاسی منطقه را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. هدف اصلی اسن پژوهش، تبیین کدهای ژئوپولیتیکی در عرصه شکل‌گیری جغرافیای سیاسی نو پدید خاورمیانه و توجه به نقش آفرینان و بازیگران اصلی این صحنه است. نتیجه‌نهایی مبین آن است که ضمن تغییر شیوه‌ها و ابزارهای اعمال قدرت در عرصه‌های ژئوپولیتیکی نوین، کشورهای ترکیه و ایران به عنوان دو مدل حکومتی، رقابت بسیار سختی در شکل‌دادن جغرافیای سیاسی جدید خاورمیانه خواهند داشت. در واقع، ویژگی‌های ژئوپولیتیک و پایه‌های قدرت و نقش و اهداف و استراتژی‌های سیاسی-امنیتی و اقتصادی ایران و ترکیه به گونه‌ای است که به اصلی‌ترین بازیگران منطقه خاورمیانه تبدیل شده‌اند. از سال ۱۹۴۷ تا زمان سقوط شوروی دکترین‌های تدوین شده در سیاست خارجی آمریکا دارای فصل مشترک

«برخورداری از ماهیت ژئوپلیتیک» بودند و ارزیابی صحنه بین‌المللی در قالب ژئوپلیتیک و با در نظر گرفتن ساختار دوقطبی نظام بین‌المللی صورت می‌گرفت. در طول دوران جنگ سرد استراتژی مبارزه با کمونیسم در سه محور کلیدی سیاست سد نفوذ، سیاست اقتصاد بازار و سیاست ثبات سیاسی دنبال شد. پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی نقطه عطفی در تحولات بین‌المللی بود. تا پیش از حمله آمریکا و متحدان آن به عراق در جنگ اول خلیج فارس و اعلام رهنامه نظم نوین جهانی از سوی جورج بوش پدر، نظم بین‌المللی شکل و ویژگی آنارشیک و ستفالیایی داشت اما پس از این واقعه دولتمردان آمریکا به دنبال نظم نوینی بر مبنای انسانی محور از طریق به خدمت گرفتن کثیری از نهادها بودند. بوش اول می‌گفت: «من می‌گویم یک قرن آمریکایی را در پیش داریم و نظم نوین جهانی منوط و وابسته به رهبری، قدرت و ارزش‌های آمریکاست.» در زمان بوش دوم نیز تصمیم نوحافظه‌کاران هژمونی طلب آمریکا بر محور پیاده شدن این نظم ساماندهی شده بود. (آلساندری، ۲۰۱۲، ۳۱).

### ادبیات تحقیق

روند تحولات جهانی در دوران پس از جنگ سرد و تلاش‌های دامنه‌دار آمریکا در نقاط مختلف دنیا نشان‌دهنده پیگیری راهبردی مشخص از سوی آمریکا برای جهان است. در این راهبرد که ماهیت و زوایای آن را می‌توان از سخنان و نظریات رهبران سیاسی و نظریه‌پردازان آمریکایی بخوبی فهمید، آرایش و سازماندهی امور جهان براساس ایده‌ها، نظریات و منافع این کشور است. پیش‌فرض رهبران سیاسی و صاحب‌نظران ایالات متحده این بود که در دوران پس از جنگ سرد این کشور از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بزرگ‌ترین قدرت جهان است، بنابراین برای ادامه این برتری در طول قرن ۲۱ باید تمهیداتی اندیشیده شود تا از ظهور رقبای منطقه‌ای و جهانی و به چالش کشیده شدن جایگاه آمریکا در سراسر جهان جلوگیری شود. بدیهی است برای رسیدن به این هدف لازم بود آمریکا برای هر یک از مناطق و کشورهای جهان راهبرد و برنامه ویژه‌ای داشته باشد تا با هماهنگی آنها با اهداف خود،



هژمونی جهانی مورد نظر خود را به همه مناطق جهان بگستراند (جمالی، ۱۳۹۸، ۶۹). از جمله مناطق بسیار مهم در این راهبرد، مناطق خاورمیانه (غرب آسیا) سنتی و آسیای مرکزی و قفقاز بود که آمریکا همسو با این هدف خود، اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» را برای تعیین ظرف و چارچوب مناسب به منظور تسهیل کنترل این منطقه به کار گرفت. ایالات متحده در قالب این طرح با شعارهایی مانند مبارزه با تروریسم، گسترش دموکراسی، جلوگیری از نقض حقوق بشر و بهبود اوضاع اقتصادی مردم منطقه، در تلاش بود به اهدافی مانند کنترل منابع و مسیرهای انتقال انرژی، تأمین منافع همه جانبه اسرائیل و در نهایت سازگاری این منطقه با ارزش های آمریکایی دست یابد. ایالات متحده آمریکا به چند دلیل، منطقه خاورمیانه را جزو منافع حیاتی خود تعریف کرده است. چنانچه می دانیم منافع حیاتی این کشور در خارج از مرزهای جغرافیایی آن تعریف شده است؛ از جمله این دلایل می توان به وجود منابع سرشار انرژی های فسیلی (حدود ۴۰ درصد ذخایر نفت دنیا) در این منطقه، وجود مناطق سوق الجیشی و تنگه مهم هرمز - که دارای اهمیت تجاری است - وجود حکام و کشورهای همسو با سیاست های آمریکا در منطقه، وجود اسرائیل در منطقه و سایر دلایل خودگفته توسط آمریکا همچون وجود تروریسم و... اشاره کرد و آنها را برشمرد. بنابراین بررسی راهبرد آمریکا برای منطقه خالی از لطف نخواهد بود. همانطور که «جورج فریدمن»، رئیس استراتفورد (یکی از مراکز مطالعاتی موجود در ایالات متحده) در مقاله اخیر خود به نام «بلوغ موازنه قدرت در خاورمیانه» گفته، راهبرد منطقه ای آمریکا تا اوایل سال ۲۰۰۰ حضور مستقیم و جنگ سخت برای دفاع از منافع حیاتی این کشور بوده است؛ برای مثال می توان مواردی همچون کمک نظامی آمریکا به عراق در جنگ ایران و عراق، بستن پیمان های نظامی و ایجاد پایگاه های دائمی نظامی در کشورهای منطقه، حمله به عراق و افغانستان، حضور ناوهای هواپیمابر در خلیج فارس و... را نام برد (کار و همکاران، ۲۰۱۳، ۵۵). در منطقه جنوب غرب آسیا تعارضات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک همواره از نمود بالایی برخوردار بوده است؛ به گونه ای که این منطقه بیش از آنکه شاهد شکل گیری ائتلاف های منطقه ای و همگرایی باشد،

حول محور چالش‌های امنیتی درون منطقه‌ای شکل گرفته است. در این میان ایران، ترکیه، سوریه و عراق در طول تاریخ و به‌ویژه از زمان به‌رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه توسط صفویان، وارد چالش‌های فراوانی از جمله جنگ‌های ارضی و مرزی شدند و مسائل هویتی - مذهبی در دوران بعد در روابط میان طرفین تأثیر زیادی داشت. اساساً بر بنیاد درگیری‌های هویتی این پرسش مطرح می‌شود که متغیرهای ژئوپلیتیک در آینده روابط عراق و سوریه چه نقشی خواهند داشت؟ (فخار، ۱۳۹۷، ۹۷). به نظر می‌رسد با توجه به تجربیات تاریخی و با لحاظ متغیرهای ژئوپلیتیک، شاهد نوعی نوسان در روابط میان عراق و سوریه در طیفی از رقابت‌های تنش‌آمیز خواهیم بود که به‌طور قطع خود این امر تحت تأثیر ایدئولوژی و جریان‌های سیاسی حاکم در دو کشور خواهد بود. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی به تحلیل ژئوپلیتیک روابط کنونی عراق و سوریه بر مبنای تجربه‌های تاریخی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که کشورهای عراق و سوریه هرچند از شکل رقابت‌های قدیمی نظیر جنگ‌های طولانی دوری کرده‌اند، ولی این رقابت در شکل نوین ژئوپلیتیک به خارج از مرزهای جغرافیایی هر یک از طرفین سرایت کرده است. تلاش‌هایی که اخیراً آمریکا با اتخاذ مواضع چندپهلوی برای راضی نگه داشتن همه می‌کند یا جایگزین‌هایی برای دیکتاتوران منطقه پیشنهاد می‌کند و... مؤید قصد آمریکا برای تسلط غیرمستقیم بر این کشورهاست اما رخ دادن چنین اتفاقی نیز بعید و حتی محال به نظر می‌رسد، چرا که این طرز تفکر نشان از سطحی‌بینی و ساده‌انگاری آمریکا دارد و مردم منطقه غرب آسیا، بخوبی آمریکا را شناخته‌اند و دیگر به هیچ‌وجه حاضر نیستند تن به چنین وابستگی‌ای دهند. این اعتقاد، در میان شعارهای اصلی معترضان و قیام‌کنندگان به وضوح قابل مشاهده است. لذا ادامه حضور آمریکا در منطقه، چه به صورت نظامی و چه به صورت غیرنظامی، چیزی جز رسوایی برای این دولت به همراه نخواهد داشت، چرا که اراده جمعی غرب آسیا به سمت آمریکازدایی پیش می‌رود. البته آمریکا دیگر کم کم باید راه خود را مشخص کند که بالاخره ماندنی است یا رفتنی. اگر منطقی برخورد کند و رفتن را انتخاب کند، از این به بعد باید پاسخگوی گذشته خود در افکار عمومی دنیا باشد. چون رخداد‌های اخیر منطقه، بسیاری از مسائل را روشن کرد و بسیاری از سوالات فراموش شده درباره سوابق و اقدامات آمریکا را نیز در اذهان زنده کرد. اگر هم به‌رغم موج

خواسته های مردمی، تصمیم به ماندن بگیرد، باید خود را آماده پرداخت تمام هزینه های آن بکند. هزینه هایی که قطعاً شرایط را به جایی می رسانند که راه اول (یعنی رفتن) را به این دولت تحمیل خواهد کرد. در آن صورت دیگر این دولت مجبور است در انفعال تمام، مانند چیزی که سال ۵۷ در ایران رقم خورد، منطقه را ترک کند و این چیزی است که دونالد ترامپ در تمام نطق های انتخاباتی خود بدان اذعان کرده است.

### سیاست خارجی آمریکا از عصر ژئوپلیتیک تا عصر ارزشی

مطابق رهنامه نظم نوین جهانی، ایالات متحده پس از فروپاشی سیستم دوقطبی، جهان را تابع یک نظم سلسله مراتبی فرض می کند که در آن آمریکا تنها ابرقدرت جهانی بوده و سایر کشورها به قدرت های بزرگ، منطقه ای، متوسط، کوچک و ذره ای تقسیم می شوند. در همین حال آمریکایی ها طبق نظریات تکمیلی دیگری چون پایان تاریخ فوکویاما معتقد بودند در پسا جنگ سرد و به دنبال شکست مکاتب فاشیسم و کمونیسم در قرن بیستم، لیبرال-دموکراسی تنها نظامی است که برتری خود را در نظام جهانی به اثبات رسانده و از این پس، مسیر تاریخ به سوی گسترش دموکراسی در جهان و افول سایر اشکال نظام های سیاسی باقی مانده خواهد بود. با همین نگاه مخالفان ارزش های دموکراسی غربی به عنوان دشمنان اصلی تلقی شده و برای مقابله با آنها رهنامه جدید مبتنی بر پیشگیری و پیش دستی طراحی شد (علی سهرابی، ۱۳۹۶، ۱۴). بوش پسر در سخنرانی خود در جولای ۲۰۰۲ به صورت رسمی دکترین پیش دستی در دفاع را مطرح کرد و گفت: «در اکثر قرن گذشته دفاع از آمریکا مبتنی بر دکترین بازدارندگی و سد نفوذ جنگ سرد بود. در برخی موارد این استراتژی هنوز کاربرد دارد. اگر ما منتظر تهدید بمانیم بسیار دیر عمل کرده ایم... ما باید مبارزه با دشمن را آغاز کنیم و با بدترین تهدیدات قبل از ایجاد آن مبارزه کنیم». وی در ادامه پیش دستی در توسل به زور و اعمال نظامی گری یکجانبه را در هر زمان و هر جایی که آمریکا تشخیص دهد، مورد تاکید قرار داد. قدرت های بزرگ همیشه تلاش کرده اند نظام بین الملل را به نفع خود تغییر شکل دهند. در قرن ۱۶ میلادی اسپانیا جهان شمولی و عدالت را مطرح کرد تا پیروزی و اشغال سرزمین آمریکایی های بومی را توجیه کند.

فرانسه در قرن هجدهم موازنه قوا و مرز را مطرح کرد تا قدرت قاره‌ای خود را مستحکم کند. در قرن نوزدهم نیز انگلستان اصول استعمار و بی طرفی را مطرح کرد تا بتواند منافع خود را به عنوان قدرتمندترین کشور به پیش برد. بوش پسر هم حق دفاع از خود به صورت گسترده برابر کشورهای «حامی تروریسم» و «کشورهایی که به آنها پناه می‌دهند» را مطرح کرد و به دنبال پایه‌گذاری اصولی بود که بر مبنای آن حقوق بین‌الملل مبتنی بر خواسته‌های آمریکا تفسیر شود. کلینتون نیز مانند بوش معتقد بود جهان پس از جنگ سرد فرصت‌های زیادی را فراهم می‌آورد اما همچنان محیط خطرناکی خواهد بود که در آن آمریکا باید فعالانه از منافع خود حفاظت کند. در زمان کلینتون هم یکجانبه‌گرایی مطرح بود؛ مادالین آلبرایت وزیر خارجه کلینتون در این زمینه می‌گفت: «هر زمان بتوانیم چندجانبه عمل می‌کنیم.» ولی اطرافیان بوش تنها به یکجانبه‌گرایی نظامی معتقد بودند. «ریگان» رئیس‌جمهور اسبق آمریکا نیز چنین سیاستی را اتخاذ کرده بود. به تعبیری سیاست بوش پسر در واقع ادامه سیاست کابینه دوم ریگان بود. او نیز ضمن یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی، بر مرزبندی بین «خیر» و «شر» تاکید فراوان داشت و به حق دفاع گسترده از خود و به حقوق ویژه بین‌المللی برای آمریکا اعتقاد خاصی داشت. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان یکجانبه‌گرایی را به عنوان وجه غالب سیاست خارجی آمریکا در آن دوران معرفی کرد (دریکوند، ۱۳۹۸، ۳۹). در طول یک دهه گذشته جهان عرب شاهد افزایش دامنه اعتراضات و اعتصاب‌های سیاسی-اجتماعی بوده است. آنچه اواخر سال ۲۰۱۰ در تونس رخ داد، رویدادی کاملاً تازه نبود، بلکه نمونه چشم‌گیری از نارضایتی‌های مشترک موجود در سراسر منطقه بویژه عراق و سوریه است. آنچه در این میان اهمیت دارد، موضع‌گیری واشنگتن در قبال تحولات کشورهای منطقه است. اگر چه آمریکایی‌ها از عملکرد این دولت‌ها انتقاد کرده بودند، عدم موضع‌گیری شفاف آنها نشان‌دهنده پیچیدگی و ابهام مساله و عدم توان آنها در صحنه‌خوانی تحولات منطقه غرب آسیا بود. باید گفت نگرانی کنونی آمریکایی‌ها بابت بخش‌هایی است که طی دهه‌های گذشته نادیده گرفته شده بودند. هم آمریکایی‌ها و هم اروپایی‌ها در مناسبات خود با کشورهای منطقه، گروه‌های مدنی و فعالان و جریان‌های سیاسی-اجتماعی حاضر در این کشورها را به حاشیه رانده بودند. به عبارت دیگر، غربی‌ها تصور می‌کردند در دوران پسااستعماری، به دلیل پیشینه سیاسی و فرهنگی منطقه،

تنها رژیم‌های اقتدارگرا می‌توانند موجبات تداوم ثبات در این مناطق را فراهم آورند. همین مساله باعث شده بود رهبران خودکامه همواره خود را تنها آلترناتیو موجود برای جلوگیری از تنش و روی کارآمدن عناصر افراطی و معارض غرب معرفی کنند. رویکرد آمریکایی‌ها پیش از هر چیز نشان‌دهنده نوعی پارادوکس رفتاری در سیاست خارجی این کشور در قبال منطقه است. آنچه مسلم است در وضع کنونی تصمیم‌سازان سیاست‌خارجی آمریکا برنامه‌های خود را مبتنی بر همراهی با ملت‌های منطقه برای پیشگیری از به قدرت رسیدن جریان‌های ناهمگون با سیاست غرب یا ممانعت از رشد گروه‌های اسلامی استوار کرده‌اند. برخی مقامات غربی علاوه بر مطابق فوق، تاکید دارند این تحولات به طور ناخواسته فرصتی استثنایی برای تحقق اهداف خاورمیانه‌ای کاخ سفید فراهم آورده است. روزنامه «الحیاه» چاپ لندن، با انتشار مقاله‌ای با عنوان «آمریکا با خاورمیانه جدید چه باید کند؟» از زبان ویلیام برنز، معاون وزیر خارجه ایالات متحده نوشت: «حقیقت این است که من به تحولات خاورمیانه بسیار خوشبینم... در عین حال، لحظه مخاطرات بزرگ فرارسیده است، زیرا دولت‌های انتقالی در حالی شکل گرفته‌اند که پیش از این هیچ‌گونه آمادگی و زمینه‌ای برای فعالیت آنها مهیا نشده بود. کمک به این جریان‌های انتقالی برای نیل به موفقیت برای سیاست خارجی ایالات متحده بسیار مهم است، زیرا آمریکا از پایان جنگ سرد تاکنون تجربه چنین عملی را نداشته است». وی سپس یادآور می‌شود: «ما باید راهبردی تعریف شده و تکامل یافته را برای استفاده از این فرصت‌ها تعریف کنیم. این راهبرد باید مبتنی بر رابطه مثبت آمریکا با مردم منطقه و حاکمان آنها طراحی شود... اگر نتوانیم دستورالعملی صحیح برای تعامل همزمان با مردم و حکومت‌ها بیابیم، فضا را برای تندروها مهیا کرده‌ایم...» (رجبی، ۱۳۹۶، ۷۷). برنز سپس با ترسیم چند نکته اولویت‌های سیاست‌خارجی ایالات متحده را در مرحله کنونی خاورمیانه مورد توجه قرار می‌دهد و تاکید می‌کند: «دولت آمریکا باید ۴ نکته را در طراحی راهبرد آینده خود برای خاورمیانه مدنظر داشته باشد؛ کمک کنیم کشورهای عربی به آینده اقتصادی خود امیدوار باشند. توجه کنیم که کشورهای عربی را برای رسیدن به بازار آزاد جهانی یاری رسانیم. مساعی لازم برای برقراری صلح شامل و کامل میان اعراب و اسرائیل مجدداً به عمل آید. زمینه‌های لازم برای ادامه نقش مثبت ایالات متحده در امنیت منطقه‌ای، بویژه تقویت روابط با شورای همکاری

خلیج فارس، مبارزه با تروریسم و جلوگیری از رسیدن ایران به تسلیحات هسته‌ای ایجاد شود» (الصالحی و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۱۲۰).

### تحولات استراتژیک و ژئوپلیتیک عراق و سوریه

از استان «ادلب» و مناطق واقع در حومه آن می‌توان به عنوان آخرین ایستگاه حیات تکفیری‌ها در سوریه یاد کرد. هرچند که عناصر تکفیری در دیگر نقاط سوریه نیز مستقر هستند، اما تنها حضور سازمان یافته آن‌ها که مدت زیادی هم از آن سپری می‌شود، به استان ادلب و مناطق اطراف آن بازمی‌گردد. درست به همین دلیل است که زمان زیادی برای فراهم شدن مقدمات انجام عملیات نظامی آزادسازی ادلب صرف شد. «عماد خمیس» نخست‌وزیر سوریه اخیراً با حضور در پارلمان این کشور، سخنانی را در خصوص ادلب مطرح کرده است. وی در جریان سخنرانی خود در مقر پارلمان، به صورت رسمی از آغاز عملیات بزرگ آزادسازی ادلب خبر داد. این مقام عالی‌رتبه سوری در این خصوص تأکید کرد: «عملیات آزادسازی ادلب از لوٹ گروه‌های تروریستی تکفیری آغاز شده و به زودی این استان نیز همچون دیگر استان‌های سوری رنگ آرامش و ثبات را به روی خود خواهد دید» (جامی، ۱۳۹۵، ۱۲۵). یکی از مهمترین توافقاتی که در طول سال‌های گذشته میان دولت سوریه و متحدانش و معارضان شکل گرفته است، توافق موسوم به «مناطق کاهش تنش» است. اما با این وجود، تاکنون شاهد آن بوده ایم که این توافق به خوبی اجرا نشده و آنگونه که انتظار می‌رفت موفقیت آمیز نبوده است. توافق مناطق کاهش تنش به نام توافق «سوچی» شناخته می‌شود که به نوعی توافق دوجانبه محسوب می‌شود اما در هر حال، از حمایت جمهوری اسلامی نیز برخوردار هست. بر اساس این توافق که در سوچی حاصل شد، گروه‌های مسلح سوری می‌بایست خلع سلاح شوند و مخالفان مسلحی که تروریست محسوب نمی‌شوند، تنها سلاح سبک داشته باشند. اما گروه‌های دیگر مانند جبهه النصره و دیگر گروه‌های افراطی تکفیری القاعده ای و سلفی باید خلع سلاح شوند و از مناطق درگیری خارج شوند. این بخشی از مفاد توافق مناطق

کاهش تنش است (بلنک و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۶). اصل مطلب این است که ترکیه در عراق و سوریه ۱۲ ایستگاه نظارت بر توافق مناطق کاهش تنش ایجاد کرده است. سرویس اطلاعاتی ترکیه و همچنین نیروهای مسلح این کشور با همراهی یکدیگر ۱۲ ایستگاه نظامی و اطلاعاتی در عراق و سوریه ایجاد کرده اند. در داخل ادلب هم منطقه‌ای به طول ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر و عرض ۳ تا کیلومتر به عنوان منطقه خالی از تسلیحات معرفی شده است. یعنی هیچ نوع تسلیحاتی نباید در آن وجود داشته باشد. با این حال، این مسائل در مسأله ادلب تا حدودی رعایت نشده است. علاوه بر این، ارتش و سرویس اطلاعاتی ترکیه در ادلب ۱۵ گروه مسلح را تحت حمایت خود قرار داده اند. این‌ها ظاهراً القاعده ای نیستند اما سلفی و یا حتی تکفیری هستند و اسامی آنها نیز مشخص است. تمامی این‌ها زیرمجموعه ارتش آزاد سوریه قرار می‌گیرند. ارتش آزاد سوریه هم تحت نظارت و ترکیه ارتش و سرویس اطلاعات ترکیه است. البته ارتش آزاد سوریه قبلاً تا سال ۲۰۱۶ تحت کنترل مشترک آمریکا و ترکیه بوده است. اما آمریکا به نوعی از ارتش آزاد عبور کرد، زیرا افرادی را که آموزش می‌دادند، آنها یا سلاح‌های خود را به گروه‌های دیگر فروختند و یا به گروه‌های تکفیری سلفی ملحق شدند. در نتیجه ترکیه در حال حاضر کنترل ارتش آزاد سوریه را برعهده دارد و در عملیات سپر فرات و پیش از آن شاخه زیتون (عفرین) از ارتش آزاد حمایت کرد. ترکیه بخشی از نیروهای ارتش آزاد را به صورت پلیس امنیتی و بخش دیگری را به صورت نیروهای عملیات ویژه درآورده است که تعداد آنها به حدود ۲۵۰ نفر نیروی عملیات ویژه می‌رسد. این نیروها هم اطلاعاتی و هم نظامی هستند. علاوه بر این، در عفرین نیز چنین کاری صورت گرفته است. تا به امروز نیز حدود ۳۵۰ هزار نفر از پناهندگان سوری به این منطقه منتقل شده اند. در ادلب باز هم چنین مسأله ای وجود دارد. گروه‌های مسلح تروریستی تکفیری که در مناطق مختلف پراکنده بودند، توسط روسیه، ایران، حزب الله و ارتش سوریه و همچنین نیروهای دفاعی مردمی در ادلب جمع آوری شدند. لذا اکنون بین ۷۰ تا ۹۰ هزار نیروی مسلح سلفی، وهابی و تکفیری در ادلب مستقر هستند. این گروه‌ها تحت حمایت ترکیه قرار دارند. البته

آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان هم مخالف پاکسازی منطقه ادلب از گروه‌های تروریستی هستند. آنها دلایل مختلفی دارند که درباره آن سخن خواهیم گفت. در حال حاضر، ارتش سوریه با حمایت هوایی جنگنده‌های روسی یک سری روستاها و شهرک‌های ادلب را پاکسازی می‌کنند (محسنی، ۱۳۹۷، ۳۹). این عملیات‌ها در حالی انجام می‌شود که خبرگزاری آناتولی با انتشار اخباری روزانه تبلیغات سوئی را علیه عملیات‌های سوری روسی در ادلب، منتشر می‌کند. یعنی ترکیه به نوعی می‌گوید با ایران و روسیه در ادلب هماهنگ هستیم و از سوی دیگر، علیه سوریه چنین جنگ روانی را ادامه می‌دهد. در جنگ ادلب، اکثر گروه‌های مسلح مانند احرار الشام و نور الدین زنکی که سلفی وهابی و تکفیری هستند یعنی ضد شیعی هستند، گروهی از آنها متلاشی شدند. جبهه النصره آنها را متلاشی کردند. بخشی از این گروه‌های متلاشی شده به جبهه النصره پیوستند و بخشی دیگر به مناطق تحت کنترل ارتش آزاد سوریه و ارتش ترکیه پیوستند. یعنی آنها به شمال سوریه و نزدیک مرزهای ترکیه آمدند. آنطور که گفته می‌شود، حدوداً ۸۰ درصد از ادلب در حال حاضر تحت کنترل جبهه النصره است. ترکیه تحت فشار ایران و روسیه مجبور شد این گروه را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهد. ایران و روسیه یک سال به ترکیه فرصت داده اند تا جبهه النصره را خلع سلاح کند. اما ترکیه به بهانه آسیب نرسیدن به غیرنظامیان، از این اقدام خودداری می‌کند. در همین حال، ترکیه نیروهایی را به ادلب اعزام کرده تا اگر ایران قصد داشت از جنوب و غرب و شرق به این منطقه نفوذ پیدا کند، آنکارا دارای یک جبهه بازدارندگی در برابر ایران باشد. یعنی هدف ترکیه این است که ادلب با همین ساختار و موقعیت کنونی حفظ شود و نفوذ ارتش سوریه به ادلب و مناطق شمال سوریه صورت نپذیرد (یاری، ۱۳۹۷، ۱۳). در اینجا یک مسأله مهم این است که کسانی که قرار است در ادلب خلع سلاح شوند، به کجا می‌روند؟ یا در شرق فرات، یگان‌های مدافع خلق و حزب اتحاد دموکراتیک اگر خلع سلاح شوند به کجا باید بروند؟ آیا باید در مناطق خود بمانند و در کنار دیگر مردم زندگی کنند یا ترکیه می‌خواهد وارد مناطق آنها شده و آنها را پاکسازی کند؟ در اینجا این مسأله مهم مطرح می‌شود که اهمیت استراتژیک عراق و سوریه در چه عامل و عواملی نهفته است. اولاً؛ جاده مهم و استراتژیک دمشق حلب از ادلب رد می‌شود. دوماً اینکه استان ادلب روی استان لاذقیه و دمشق تسلط دارد. یعنی هم به پایگاه‌های



روسیه تسلط دارد و هم می تواند نیروهای روسی را تحت فشار قرار دهد. سومین دلیل این است که می تواند از مدل ایران استفاده کند. ترکیه به دنبال آن است تا یک نیروی نیابتی در ادلب تشکیل دهد که روی دولت دمشق تسلط داشته باشد. دلیل دیگر این است که ترکیه تلاش می کند مرزهای خود در شرق فرات را امن سازد. دلیل دیگر آن است که ترکیه می خواهد با داشتن نیروهای سازماندهی شده در آینده سیاسی سوریه تأثیرگذار بوده و قانون اساسی سوریه را به گونه ای تحت تأثیر قرار دهد که منافع آنکارا تأمین گردد. موضوع ادلب مثل شاخ غول تروریسم است. شاخ غول تروریسم با حل موضوع ادلب اتفاق می افتد. تا موضوع ادلب حل نشود، موضوع سوریه حل شدنی نیست. این سیاست خارجی ترکیه که مبتنی بر توازن است، به یک اشکالی برخورد. در سیاست خارجی متوازن نباید نه شرقی بود و نه غربی (منسفلد و همکاران؛ ۲۰۰۶، ۵۰).

### نتیجه گیری

همانطور که می دانید از عملیات آزادسازی استان «ادلب» سوریه تحت عناوینی همچون «مادر نبردها» و «نبرد بزرگ» یاد می شود. بسیاری از کارشناسان و ناظران تحولات سیاسی منطقه معتقدند که نبرد ادلب، سرنوشت جنگ ۸ ساله سوریه را مشخص می کند. صولت بیان می دارد من بخش اعظم جنوب ترکیه را در «ژئوپلیتیک» ترکیه، سوریه و عراق جستجو می کنم. جنوب سوریه و در رأس آن ادلب که به عنوان یک کاتالیزور در بحث سوریه محسوب می شود، دو مسأله مهم را در بر می گیرد. اول ژئوپلیتیک مدیترانه است. در مدیترانه، ترکیه علاوه بر اینکه ایران را می بیند، مشاهده کرده که از همه مهمتر، روسیه هم به راحتی به مدیترانه راه پیدا کرده است. موضوع دوم بافت قومیتی در جنوب سوریه است. به ویژه پس از همه پرسی شمال عراق، یک اتمسفر هیجانی در داخل ترکیه ایجاد شد و به هر حال، ساختار سیاسی ترکیه یک ساختار متزلزل شد. ما به سال ۲۰۱۱ باز می گردیم. چه اتفاقی افتاد که در جنوب ترکیه که هیچگاه تهدید برای امنیت ملی ترکیه به شمار نمی رفت، چنین تحولاتی رخ داده است. تا سال ۲۰۱۱ ترکیه

طبق نظر کارشناسان خارجی که در خارج از این کشور به بهار عربی نگاه می‌کردند، یک کشور پیروز و الگومند در داخل بهار عربی بود که الگوی جدیدی برای خاورمیانه تعریف می‌کرد. در داخل ترکیه، اینچنین نبود یعنی حتی تا سال ۲۰۱۱ سیاست خارجی ترکیه را با باخت غرور آمیز تعریف می‌کردند. کارشناسان مراکز وابسته به وزارت امور خارجه ترکیه دقیقاً از همین عنوان باخت غرور آمیز استفاده می‌کردند. اما سال ۲۰۱۱ اتفاقی که افتاد این بود که تمام معادلات سیاست خارجی ترکیه به هم خورد و عامل آن، سوریه بود. علت این بود که عراق کشوری بود که پس از سقوط صدام تازه از بحران نجات پیدا کرده بود و هنوز درگیر بحران بود و به هر حال نظام بین الملل و بازیگران بین المللی و فرمانطقه ای هزینه زیادی داده بودند؛ در این شرایط سوریه وارد موضوع بهار عربی شد. وقتی که سوریه وارد بهار عربی شد یک جبهه شیعی یعنی ایران، سوریه و عراق در مقابل ترکیه ایجاد شد. بنابراین، دسترسی ترکیه به خاورمیانه مسدود شد. اهمیت و ضرورت گردها افزایش پیدا کرد. از سوی دیگر مسأله داعش و جبهه النصره نیز بود. این مسائل باعث شد تا ترکیه با بازیگران متعدد اصلی و مجازی رو به رو شود. پس از آن روسیه نیز به مثلث مذکور پیوست و ترکیه اینجا تهدید علیه امنیت ملی خود را احساس کرد. حساسیت‌ها در داخل ترکیه نیز افزایش پیدا کرد. تا سال ۲۰۱۱ حزب عدالت و توسعه خود، می‌خواست مطالبات مناطق کردنشین جنوب ترکیه را پاسخ بدهد. از سال ۲۰۱۱ ما می‌بینیم که با بازنگری در قانون اساسی ترکیه، این اتفاق نیفتاد. این موضوعات، بخشی از آن به خارج از ترکیه کشیده شد و اتمسفرهای شمال عراق در ترکیه افزایش پیدا کرد. بدین ترتیب، ترکیه دید که علاوه بر اینکه موضوع گردها در داخل خود این کشور، شمال عراق و همچنین سوریه بیش از پیش گسترش پیدا کرده، مدیترانه را نیز از دست داده است. مدیترانه برای ترکیه در واقع یک شاه‌رگ حیاتی محسوب می‌شود. یعنی ایران، عراق و سوریه باعث می‌شوند که ترکیه به مدیترانه دسترسی نداشته باشد. تمامی محورها و تجزیه و تحلیل‌هایی که در داخل ترکیه انجام می‌شود حول ژئوپلیتیک است. یعنی وقتی که با خود کارشناسان ترکیه با خود دیپلمات‌های ترکیه صحبت می‌کنید، می‌بینید که آنها علت اینکه اردوغان از دوستی با اسد وارد دشمنی با آن است را تحولات منطقه می‌دانند؛

تحولاتی که برای ترکیه بسیار غافلگیر کننده بود. این تحولات باعث شد ترکیه در مقابل بازیگرانی قرار گیرد که استراتژی‌های ترکیه قادر به برخورد با آنها نبود.

## منابع و مأخذ

## منابع فارسی

جامی خواه، امین. (۱۳۹۵). سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه با تاکید بر تحولات سوریه. پیشنهاد کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.

جمالی، محمدحسین. (۱۳۹۸). تاثیر بحران سوریه بر روابط ایران و ترکیه؛ مورد مطالعه کردهای شمال سوریه. پارسای داخل کشور کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی.

دریکوند، بهروز. (۱۳۹۸). آینده پژوهی فضای ژئوپلیتیکی پسا داعش در منطقه غرب آسیا (مطالعه موردی عراق).  
پارسای داخل کشور دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر  
(عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

رجبی، یاسر. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی ژئوپلیتیک نظامی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات و  
تحركات تروریستی ۱۳۸۰-۱۳۹۶. پیشنهاد کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی فرهنگ - لاریجان.

علی سهرابی، همت. (۱۳۹۶). تاثیر ژئوکالچر شیعه بر بحران های امنیتی منطقه غرب آسیا (سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۶،  
مطالعه موردی: کشور عراق). پارسای داخل کشور کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی،  
مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

فخار، نادر. (۱۳۹۷). بررسی ژئوپلیتیک عراق و تحولات اخیر آن با تاکید بر بحران گروهک تروریستی داعش. پارسای  
داخل کشور کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی فرهنگ - لاریجان.

گلی، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر روابط ترکیه و عربستان سعودی در امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران (بعد از  
۲۰۱۱). پارسای داخل کشور کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

محسنی، سجاد. (۱۳۹۷). تحول ساختار شبکه ژئوپلیتیک جهانی و بازدارندگی منطقه ای ایران و عربستان سعودی.  
پارسای داخل کشور دکتری تخصصی. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

یاری، احمد. (۱۳۹۷). جایگاه روسیه در آینده نظم منطقه ای غرب آسیا بر اساس روش آینده پژوهی پیتز شوارتز.  
پیشنهاد کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، پردیس علوم انسانی و اجتماعی - گروه حقوق و علوم سیاسی.

منابع لاتین

- Alessandri, Emiliano.(2010).Turkey s New Foreign Policy and the of Turkey –EU Relation, the International Specta Future.
- Al-Salhy, Suadad & Canthy, Otten.(2014).Uncertainty as Iraq Election Result revealed, available at: <http://www.aljazeera.com>.
- Blanke, Jennifer and Thea Chiesa.(2013).The Travel & Tourism Competitiveness Report 2013, Published by The World Economic Forum.
- Karr, Cortni & Toby, Jones.(2011).Bahrain at the Crossroads, the Age of Revolution and Counter Revolution, The Indypendent, No. 162.
- Mansfeld, Yoel & Abraham Pizam.(2006).Toward a Theory of Tourism Security" article from: Tourism, Security and Safety from Theory to Practice book, published By: Elsevier
- Taspinar, Ömer.(2012).Turkey: The New Model?, Available at: <http://www.brookings.edu/research/papers/2012/04/24-turkey-new-model-taspinar> ,Accessed on: 5/4/ 2012.

## روابط ژئواستراتژیکی ایالات متحده آمریکا با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

عزت اله عزتی، عزیزاله نصیرزاده، مهدی نجاتی پور

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا و دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، عهده دار مکاتبات

### چکیده

حوزه خلیج فارس یکی از مهم ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان است که بحران های سیاسی و امنیتی پی در پی در این منطقه، آن را به یکی از مهم ترین مناطق ژئواستراتژیکی تبدیل کرده است بخصوص در دهه های اخیر با توجه به سیاست های تفرقه افکنانه ایالات متحده و پیگیری استراتژی نفت ارزان این منطقه را به بهترین مرکز فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی برای غرب مبدل کرده است. پژوهش به دنبال تبیین، چگونگی تأثیرگذاری روابط ژئواستراتژیک ایالات متحده با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می باشد در این باره دو متغیر حضور نظامی و فروش تسلیحات را مورد بررسی قرار می دهد. تا چگونگی تأثیر متغیرها بر امنیت جمهوری اسلامی ایران مشخص شود.

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی (تحلیلی - موردی) هست که اطلاعات و داده های واقعی به شیوه کتابخانه ای، گردآوری و پس از شناسایی و بررسی مسائل، شرایط وضعیت ها و وقایع جاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پس از تفسیر و ارزیابی، نتیجه گیری شده است.

روابط ژئواستراتژیکی ایالات متحده با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس منجر به مشروعیت بخشی به حضور و ایجاد پایگاه های نظامی متعدد در منطقه شده است و با اقداماتی چون پشتیبانی از تروریسم، اجرای مانورهای نظامی با کشورهای منطقه، بحران آفرینی و برهم زدن توازن قوا موجب افزایش میزان فروش تسلیحات خود گردیده است. کشورهای شورای همکاری

خلیج فارس نیز تحت تأثیر سیاست‌های ایران هراسی در مسیر امنیت مصنوعی برون زا گام برداشته که این اقدامات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی مؤثر بوده است.

کلمات کلیدی: ژئواستراتژی - ایالات متحده آمریکا - شورای همکاری خلیج فارس - امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

## مقدمه

منطقه ژئواستراتژیکی خلیج فارس همواره دارای اهمیت راهبردی فوق العاده ای برای قدرت‌های بزرگ فرا منطقه‌ای از گذشته تا اکنون بوده است. این موضوع در عصر امپریالیسم (قرن هیجدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم میلادی)، موجب حضور قدرت‌های بزرگ اروپایی به‌ویژه پرتغال، بریتانیا در منطقه غرب آسیا گردیده است. فروپاشی عثمانی و به دنبال آن شکل‌گیری کشورهای کوچک و بزرگ در منطقه، بیش از هر چیز متأثر از موقعیت ژئواکونومی این منطقه و ژئواستراتژی قدرت‌های بزرگ در سایه قراردادهای سایکس پیکو و سور هست.

بعد از جایگزین شدن ایالات متحده بجای بریتانیا از دهه ۷۰ میلادی و در ادامه انقلاب اسلامی و خارج شده ایران از چرخه قدرت‌های غرب و فروپاشی پیمان سنتو باعث تغییرات شگرفی در ساختار ژئوپلیتیکی منطقه به وجود آمد. تضادهای ایجاد شده بین ایران اسلامی با تحریک ایالات متحده منجر به تشکیل شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی گردید (حافظ نیا و رومینا، ۶۷:۱۳۸۵)

ایالات متحده همواره تلاش دارد با امنیتی سازی، ایران هراسی، بحران آفرینی (تنش و درگیری نظامی و دیپلماتیک) و به زعم خود مدیریت آن تهدیدات وجودی نامشروع خود را مشروعیت بخشیده و با تئوریزه نمودن خاورمیانه بزرگ علاوه بر بقای رژیم صهیونیستی، تجزیه و انشقاق در کشورهای نفت خیز منطقه را از طریق درگیری‌های داخلی میان مسلمانان (شیعه و سنی) و اقوام را پیش ببرد. (ماهانامه نامه آینده‌پژوهی، شماره ۳۵، مرداد ۱۳۹۵)

اکنون شرایط ویژه جمهوری اسلامی ایران در منطقه، از جمله نیاز به رشد و تقویت بنیه‌ی نظامی - دفاعی، افزایش چالش‌های نظامی موجود با ایالات متحده پس از ترور سردار قاسم سلیمانی، خروج از برجام و از سرگیری غنی سازی اورانیوم با غنای ۲۰٪، تنگ‌تر شدن دایره تحریم‌های اعمال شده و کاهش ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی با افزایش فروش تسلیحات استراتژیک به کشورهای منطقه حتی تا آخرین روز ریاست جمهوری ترامپ بدون تردد بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مؤثر خواهد بود. و ممکن است موازنه قوا را به نفع کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تغییر دهد.

در این مقاله اقدامات ژئواستراتژیکی ایالات متحده نظیر حضور و ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه خلیج فارس و به‌ویژه فروش تسلیحات مدرن به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مؤثر هست را مشخص و تبیین خواهد نمود. نوید است با کمک اطلاعات احصا شده مساعدت های نظامی ایالات متحده و میزان هزینه کرد کشورهای موصوف مشخص، نقاط ضعف دفاعی جمهوری اسلامی ایران شناسایی، راه کارهای مقابله‌ای با دشمن منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، احصاء و ابعاد برهم زننده موازنه امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه و به‌ویژه عضو شورای همکاری نمایان تر گردد.

ممکن است عدم توجه به موضوعاتی از این دست، موجب شود تا ضمن لاینحل ماندن مسئله تحقیق، کاستی‌ها و ضعف‌ها در حوزه دفاع و امنیت ملی مورد اغماض مسئولین قرار گرفته شود، از این رو لازم است چگونگی تأثیر گذاری ژئواستراتژی ایالات متحده در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از منابع موثق تبیین و نقش متحدین اصلی این کشور در حوزه امنیتی و دفاعی شناسایی تا ضمن تحقق اهداف تحقیق از بروز هرگونه غافلگیری در حوزه دفاعی جلوگیری به عمل آید.

می‌توان گفت؛ تحقیق، بدنبال تشریح و تبیین چگونگی تأثیر اقدامات و روابط ژئواستراتژی ایالات متحده (حضور و فروش تسلیحات) در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس به‌طور اعم و بلاخص کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است از این رو سؤال تحقیق بدین گونه خواهد بود.

### سؤال اصلی:

روابط ژئواستراتژیکی ایالات متحده با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس چگونه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار است؟

### فرضیه:

به نظر می‌رسد روابط ژئواستراتژیکی ایالات متحده با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تحت تأثیر سیاست‌های ایران هراسی ایالات متحده باعث تداوم حضور و افزایش فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی ایالات متحده در منطقه گردیده است از این رو با برهم زدن توازن قوا نظامی، حمایت از تروریسم، امنیتی سازی منطقه، واگرایی بین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است.

### ۲-۱- ادبیات (پیشینه) تحقیق:



ردیف	عنوان تحقیق	نویسنده و مؤلف	هسته بحث
۱	تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس)	ابراهیم طاهری، امین؛ صادقی بکیانی،	بررسی الگوی امنیتی موجود در خلیج فارس و پیامدهای امنیتی حاصله آن را در جهت تدوین سیاست خارجی کشورهای منطقه بهت ویژه جمهوری اسلامی ایران
۲	تحول جایگاه نفت و تسلیحات در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی (۲۰۰۹-۲۰۱۹)	حسینی قربانی مرادی و کریمی	امریکا با افزایش فروش تسلیحات به عربستان و افزایش وابستگی آن‌ها در این زمینه، نقش این کشور را از تامین کننده‌ی نفتی به تنظیم کننده‌ی بازار انرژی سوق دهد. از سوی دیگر سعودی‌ها هم با درک این موضوع که نیازمندی آمریکا به نفت در حال کاهش است و حفظ امنیت کشورشان، با افزایش خرید تسلیحات از آن کشور و نمایش قدرت در بازار بین‌المللی انرژی، به دنبال ایجاد مزیتی دیگر برای آمریکا و جلب حمایت و تداوم اتحاد با ایالات متحده می‌باشند.
۳	معضل ناامنی و واگرایی در منطقه خلیج فارس	ابراهیمی، شهرزاد؛ امرایی، منظر	ضمن تبیین مفهوم امنیت، سلسله مراتب نیازهای مازلو، عوامل واگرایی و ناامنی در خلیج فارس و راهکاری مناسب ترسیم الگوی امنیتی مناسب برای منطقه
۴	استراتژی آمریکا و جایگاه ایران در منطقه جنوب غربی آسیا	عزت‌اله عزتی	امنیت اسرائیل، برقراری صلح بین اعراب و اسرائیل دسترسی به منابع نفت، جلوگیری از تکثیر و توزیع سلاحهای کشتار جمعی و هسته‌ای، جلوگیری از پیشرفتهای مهم اقتصادی و برقراری ثبات داخلی در جهت

منافع خود و تحت کنترل نگاهداشتن تروریسم از جمله عوامل دلبستگی آمریکا به این منطقه هست."			
القای هراس از ایران برای بهدست آوردن منافع اقتصادی بیشتر برای کشورهای غربی و آمریکا از طریق فروش تسلیحات به کشورهای حاشیه خلیج فارس هست	ناصر جمال زاده محمد آقائی	تأثیر ایران هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس	۵
به بررسی اهمیت منطقه خلیج فارس و حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه پرداخته و از سوی دیگر اهداف و استراتژی ایالات متحده آمریکا را در این منطقه ژئوپلیتیکی بیان می دارد	ریباز قربان نژاد و طهمورث حیدری موصولو	حضور آمریکا در خلیج فارس؛ اهداف و استراتژی آن	۶

## ۲- چارچوب مفهومی و نظری تحقیق:

### ۱-۲- چهارچوب مفهومی

۱-۱-۲- ژئواستراتژیک: ژئواستراتژیک به بررسی روابط فی مابین استراتژی به ویژه استراتژی نظامی با عناصر جغرافیایی می پردازد. تعریف دقیق ژئواستراتژی تابع حوزه تخصص است. این تعریف بطور سنتی و ذاتی در حوزه نظامی و دفاعی قابل تفسیر و تبیین است. (حافظ نیا، ۲۳۲:۱۳۹۶) ژئواستراتژیک عبارت است از مطالعه اثر عوامل جغرافیایی، بر روی تصمیم گیری های سیاسی حکومت ها و اثر گذاری های متقابل کشورها در ابعاد منطقه ای و جهانی، و سیاست های قدرتی. دکتر عزت الله عزتی نیز ژئواستراتژی را این چنین تعریف می کنند: ژئواستراتژی در حقیقت علم روابط بین استراتژی ها و محیط جغرافیایی است (عزتی، ۱۳۹۸: ۱۰).

از منظر سیاست خارجی نیز ژئواستراتژی این چنین تعریف شده است: عبارت است از سیاست خارجی و متخذ از سوی دولت ها و سازمان های بین المللی مبتنی بر عامل سرزمین و توزیع جغرافیایی قدرت (حافظ نیا ۱۳۹۶، ۲۳۲)

ژئواستراتژیک شاخه ای از جغرافیای سیاسی است که به مطالعه کنش متقابل عوامل راهبردی و جغرافیای سیاسی در یک ناحیه خاص می پردازد تصمیم گیری های استراتژیک معطوف به حوزه امنیت ملی و بین المللی است ژئواستراتژیک یعنی علم و هنر پیوند فعالیت های مبتنی بر عوامل جغرافیا سیاست بین الملل و استراتژی های کلان جهان شمول (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۲۷۵)

۲-۱-۲- روابط ژئواستراتژیکی: روابطی هستند که بین بازیگران سیاسی بر پایه سیاست، جغرافیا و قدرت در مقیاس جهانی و حوزه امور نظامی و امنیتی شکل می گیرند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۶۲). جغرافیا نقشی بستر ساز را برای شکل گیری اراده سیاسی

روابط مهیا می کند و قدرت مبتنی بر وزن ژئوپلیتیکی بازیگران سیاسی نقش اصلی را در چگونگی و نوع روابط ژئواستراتژیکی تعیین می کند. روابط ژئواستراتژیکی بر اساس سطح قدرت طیفی از تعامل، سلطه، نفوذ و رقابت را تشکیل می دهد. رابطه تعاملی مبتنی بر برابری نسبی سطح قدرت است و در این نوع از رابطه بازیگران نگرشی مبتنی بر احترام را نسبت به همدیگر دارند و در صورت وجود منافع متضاد با همدیگر محتاطانه عمل می کنند. رابطه سلطه مبتنی بر نابرابری قدرت بین دو بازیگر سیاسی بوده و رابطه ای عمودی و یک طرفه از جنس اعمال فشار و اعمال اراده سیاسی است. نفوذ منعکس کننده سلطه و نتیجه نابرابری قدرت هست این نوع از رابطه از جنس قدرت نرم و بصورت نامرئی بر اساس گفتمان های فرهنگی - اجتماعی بر فضاهای جغرافیایی اعمال می گردد. رابطه رقابتی مبتنی بر برابر نسبی قدرت ملی دولت ها بوده و بازیگران بر اساس منافع متضاد با همدیگر به رقابت می پردازند (حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۴۹۲).

**۲-۱-۳- منطقه ژئوپلیتیکی:** منطقه ژئوپلیتیکی بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه ای از کشورها و واحدهای سیاسی قضایی همجوار اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکردی مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردیده مانند منطقه خلیج فارس (حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۱۸۵)

منطقه عبارتند از گروهی از کشورها و دولت های مجاور هم از نظر جغرافیایی که معمولاً دارای مؤسسات سیاسی و اقتصادی مشترکی می باشند منطقه ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و کارکردی شکل می گیرد هویت یابی منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم باردارشدن سیاسی منطقه جغرافیایی متجانس و عناصر مربوط به آن است (همان ۱۸۶)

**۲-۱-۴- امنیت و امنیت ملی:** واژه امنیت، به عنوان یک مفهوم عام، تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در برمی گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می خورد. در واقع امنیت تضمین کننده حیات و بقای انسان و موجودات زنده است. همه موجودات در تقلای بقا و حفظ وجود و حیات خود می باشند، و امنیت عامل تأمین این نیاز اساسی و حیاتی است، لذا امنیت مهم ترین آرمان انسان و هر موجود زنده تلقی می شود. امنیت بسته به متغیرها و عوامل مؤثر بر بقا، حیات سالم، دل نشین و بی دغدغه انسان دارای ابعاد مختلفی است. به عبارتی حفظ وجود و حیات سالم و آرامش بخش انسان موکول به تأمین همه نیازهای مادی و معنوی انسان است که در صورت عدم تأمین یا وجود نقص و تنگنا در تأمین آن، حیات سالم وجود انسان به چالش کشیده می شود و با تهدید روبرو می گردد (نجاتی پور، ۱۳۹۹: ۱۵۲).

**۲-۱-۵- شورای همکاری خلیج فارس:** نام کوتاه شورای تعاونی خلیج (GCC) به عربی مجلس التعاون الخلیجی است. بلوک سیاسی-تجاری ای شامل کشورهای پیرامون خلیج فارس و کشورهای عرب منطقه است که اعضای آن اهداف تجاری و اجتماعی مشترکی را پیگیری می کنند. شورای همکاری خلیج فارس در ۲۵ مهی ۱۹۸۱ میلادی و باهدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی

تشکیل شد که از جمله اهداف کشورهای عضو، رسیدن به واحد پولی مشترک تا سال ۲۰۱۰ بود. شش کشور عضو این شورا عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عمان، کویت، قطر و بحرین هستند، این شش کشور حوزه‌ی جنوبی خلیج فارس دارای بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی هستند. شش کشور شورای همکاری خلیج فارس در مجموع ۴۰ درصد منابع نفتی و یک چهارم منابع گازی سراسر جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این کشورها در مجموع ۵۰ میلیون جمعیت دارند که بیش از نیمی از جمعیت‌شان خارجی تبار هستند (Mohsin, ۲۰۰۹: ۱۱).

## ۲-۲ - چارچوب نظری

برای تحلیل روابط بین الملل در عرصه سیاست جهانی، مکاتب و نظریه‌های مختلفی توسط اندیشمندان این حوزه مطرح گردیده‌است. هر کدام از این مکاتب متناسب با تحولات علمی، سیاسی و تاریخی به‌عنوان پارادایم غالب مبنای تجزیه و تحلیل رویداد و روندها قرار گرفته است. یکی از باسابقه‌ترین و مهم‌ترین نظریه‌های قرن حاضر نظریه واقع‌گرایی<sup>۵</sup> است.

نظریه‌های واقع‌گرایی که گاه از آن‌ها به‌صورت مکتب اندیشه‌ی سیاست قدرت یاد می‌شود (بلیس، ۱۳۸: ۱۳۹۲) از آغاز شکل‌گیری رشته‌ی روابط بین‌الملل، نظریه‌ی غالب سیاست جهانی بوده‌است (قوام، ۱۳۹۴: ۷۹) در قرن بیستم پس از ناکامی سایر نظریه‌ها در تبیین و تحلیل رویدادها و تحولات نظام بین‌الملل نظریه‌های واقع‌گرایی حضور چشم‌گیرتری در عرصه‌ی نظری روابط بین‌الملل یافتند. اگرچه می‌توان خط‌مشی این نظریه‌ها را تا دوران باستان نیز دنبال کرد؛ اما استفاده از این رویکرد به‌صورت یک رویکرد نظری برای تجزیه و تحلیل سیاست بین‌الملل از اواخر دهه ی ۱۹۳۰ م و اوایل دهه ی ۱۹۴۰ م وارد عرصه ی روابط بین‌الملل شد (مرشایمر، ۱۳۹۰: ۳۵ - ۴۷).

در حوزه امنیت ملی دو برداشت از نواقع‌گرایی را به‌صورت واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی ارائه می‌کنند. واقع‌گرایان تهاجمی معتقدند که، قدرت نسبی برای دولت‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و واقع‌گرایان تدافعی جنگ را ناشی از نیروهای غیرعقلایی یک جامعه می‌دانند. (Mearsheimer, ۲۰۰۶: ۲۸۵) در این نظریه دولت‌ها امنیت ملی را هدف اصلی می‌دانند و به دنبال آن حدی از قدرتی هستند که بقای آنان را به‌طور پایدار تضمین نماید، نظریه‌ی واقع‌گرایی تهاجمی که از سوی جان مرشایمر مطرح شده است، مدعی آن است که هدف نهایی همه‌ی دولت‌ها این است که به‌جایگاه هژمونیک در نظام بین‌الملل دست یابند. طبق این دیدگاه، دولت‌ها همواره به دنبال قدرت بیشتر و بیشتر هستند. (Mersheimer ۲۰۰۱: ۲۱-۱۲).

## Realism

در خصوص نظریه مبنای انتخاب شده در این پژوهش می توان گفت؛ دلایل انتخاب این چهارچوب برگرفته از ماهیت هژمونیک توسعه طلبانه ایالات متحده در منطقه با دارا بودن بیشترین پایگاه نظامی و نقش آفرینی در حوزه نظامی است. همانطور که اشاره شد در نظریه رئالیست تهاجمی هدف نهایی یک دولت تبدیل شدن به هژمون در نظام بین الملل هست. در نظریه واقع گرایی تهاجمی، مرشایمر با قبول مفروضات واقع گرایی کلاسیک، قدرت های بزرگ را دنباله رو چهار هدف یعنی تبدیل شدن به تنها هژمون جهانی، کنترل بیشترین درصد ممکن از ثروت جهان، تسلط بر موازنه نظامی در منطقه خود و دستیابی به تفوق هسته ای، می داند. در این نظریه هدف دولت ها ایجاد استیلا و هژمونی از طریق بالا بردن قدرت سخت و نرم است، لذا تلاش می کنند از ضریب اطمینان کافی برای بقای خود برخوردار شوند. این افزایش قدرت به معنای بر هم خوردن موازنه به زیان دیگران است.

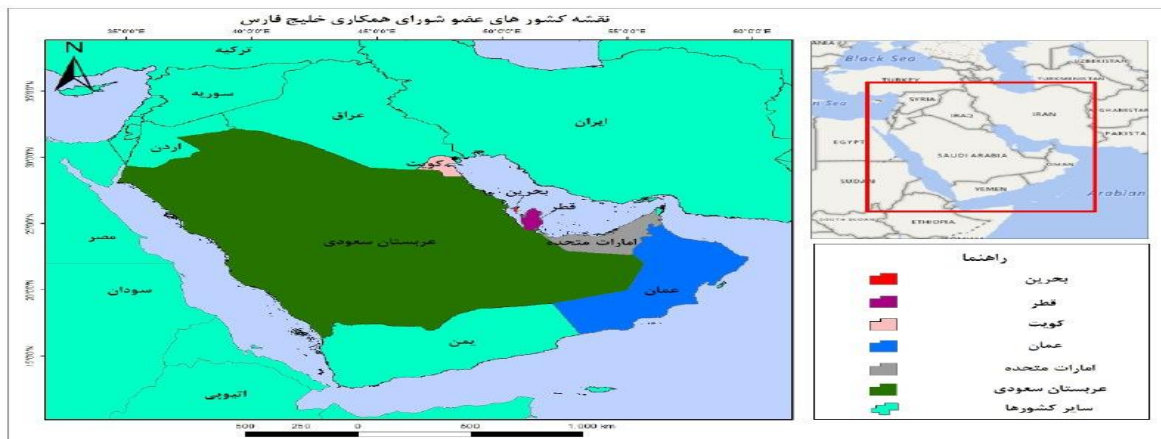
### ۲-۳- محیط شناسی

خلیج فارس در ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این خلیج توسط تنگه هرمز به دریای عمان و از طریق آن به دریاهای آزاد مرتبط است. از بین کشورهای همسایه خلیج فارس، کشوری ایران دارای بیشترین مرز آبی مشترک با خلیج فارس است.

کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس هستند. در این میان سواحل شمالی خلیج فارس تماماً در جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند. به سبب وجود منابع سرشار نفت و گاز در خلیج فارس منطقه ای مهم و راهبردی به شمار می آید

خلیج فارس قرب ۶۴ درصد از کل ذخایر نفتی شناخته شده در جهان را در خود جا داده است. در حال حاضر، به رغم اینکه جهان فقط بری حدود ۴۱ درصد از مصارف نفتی خود، به خلیج فارس متکی است، ولی این وضعیت در حال تحوّل بوده و همانگونه که وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا اخیراً اعلام کرده است، جهان به زودی بری تأمین ۶۵ درصد نیازهای نفتی خود به خلیج فارس وابسته خواهد شد. این منطقه غیر از نفت، قریب ۳۰ درصد از ذخایر گاز جهان را نیز در خود جا داده که پس از

روسیه، دومین منطقه از لحاظ میزان ذخایر گاز در جهان است. (طاهری، ۱۳۹۰: ۲۵).



ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹

یکی از عوامل مداخله گر و تعیین کننده در مناسبات ژئواستراتژیکی منطقه خلیج فارس رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی با توجه به فلسفه وجودی خود و عقاید خاص در زمینه قلمروخواهی و ایدئولوژی حاکم، یا اتخاذ استراتژی احاله مسئولیت، سیاست های خود را با ایالات متحده در واگرایی و امنیتی سازی بیشتر کشورهای منطقه هم سو نموده و در مواقع لزوم بازو اجرایی سیاست های بی ثبات کننده محسوب می شود. از زمان شکل گیری انقلاب اسلامی، با توجه به ماهیت ایدئولوژیک آرمانه ای انقلاب اسلامی، رژیم صهیونیستی به عنوان یکی از مؤلفه های ناامنی و تهدید در منطقه خاورمیانه برای امنیت ملی جمهوری اسلامی تلقی شده است. از آنجایی که این رژیم، انقلاب اسلامی را در تضاد با آرمان های خود می دیده؛ سعی داشته تأثیر به طرق مختلف، به تقابل با آن برخیزد. به باور مقام های رژیم صهیونیستی، افزایش قدرت ایران در منطقه موجب قدرتمند شدن مخالفان رژیم صهیونیستی و جنبش های مقاومت فلسطین خواهد شد که به موجودیت این رژیم لطمه وارد می نماید. (نجاتی پور، ۱۳۹۹: ۷۴)

رژیم صهیونیستی در همین راستا و به منظور قدرت نیافتن ایران اسلامی با مساعدت ها و معاضدت های ایالات متحده بر میزان و نوع تهدیدات (سخت و نرم) خود در سالیان اخیر افزوده است. با استفاده از استراتژی های متناوب (ایران هراسی، بی اعتبارسازی، و ..) مانع هم گرایی، همکاری و ارتباط مسالمت آمیز بین ایران و سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شده است (Haass, ۲۰۰۶: ۶۱)

۳- یافته های تحقیق:

موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم موسوم به سیپری<sup>۱۶</sup> نشان می‌دهد هزینه نظامی جهان در ۲۰۱۸ مجموعاً یک تریلیون و ۸۰۰ میلیارد دلار آمریکا شد که ۲,۶ درصد نسبت به ۲۰۱۷ افزایش داشته است. بر اساس گزارش سیپری، این هزینه معادل ۲۳۹ دلار آمریکا به ازای هر یک نفر می‌شود. آمریکا با ۶۴۹ میلیارد دلار همچنان بیشترین میزان هزینه نظامی در جهان را داشته است که نسبت به سال ماقبل آن چهار درصد افزایش نشان می‌دهد.<sup>۱۷</sup>

صادرات تسلیحات نظامی عمده به کشورهای جنوب غربی آسیا بین دو بازه زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۹ و ۲۰۱۸-۲۰۱۴، در مجموع ۸۷ درصد رشد کرده است؛ آن‌هم در حالی که در همین فاصله واردات ادوات نظامی در قاره آمریکا، اروپا، آسیا و اقیانوسیه، و آفریقا، کاهش یافته است. در پنج سال گذشته کشورهای آسیا و اقیانوسیه، و کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا مهم‌ترین دریافت‌کنندگان ادوات نظامی بودند. "سیپری" می‌گوید بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ میلادی ایالات متحده فاصله خود با دیگر فروشندگان جنگ‌افزار را بیشتر کرده است. صادرات تسلیحات آمریکایی ۳۶ درصد افزایش یافته است. به گفته «انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم» ۵۲ درصد صادرات آمریکا به جنوب غربی آسیا انجام شده است. عربستان سعودی در صدر پنج کشور اصلی واردکننده ادوات نظامی قرار دارد. این کشور، مشتری اول جنگ‌افزارهای آمریکای است. امارات متحده عربی نیز در جایگاه سوم مشتریان ایالات متحده قرار دارد. "سیپری" از جمله دلایل افزایش خریدهای نظامی توسط برخی کشورهای عربی جنوب غربی آسیا را، تنش‌ها بین این کشورها و ایران، جنگ در یمن و بحران بین قطر و متحدان ریاض برآورد کرده است. (زونی استنلی، لاکمن، ۲۰۱۹)

جنوب غرب آسیا در سالیان اخیر با سیاست‌ها و اقدامات برخی دولتمردان غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن‌ها به محلی برای تنش‌های سیاسی و نظامی تبدیل شده که رد پای همه آن‌ها به سیاست‌های تجاوزکارانه و دخالت‌های منطقه‌ای آمریکا و متحدانش باز می‌گردد. ژنرال ویلیام شرمن<sup>۱۸</sup> از نظامیان اسبق آمریکایی در جنگ داخلی آمریکا در سال ۱۸۷۹ درباره این نزاع‌ها سخن تاریخی بیان کرد: جنگ جهنم است. جنگ برای کسب و کار خوب است و سلاح و تجهیزات نظامی یکی از پر سودترین محصولات برای شرکت‌های بزرگ اسلحه سازی است.

SIPRI<sup>۱۶</sup> -

۱۷ - سراچه اینترنتی ایرنا به نقل از انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم

William Sherman<sup>۱۸</sup> -

قدرت‌نمایی در بازار فروش تسلیحات به‌ویژه در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس با بهانه‌هایی همچون «دفاعی، امنیتی، تضمین صلح، باز نگه داشتن مسیر تردد سوخت و ...» آن هم در قرن بیست و یکم، نه تنها هیچ کمکی به برقراری آرامش و کاستن از تنش‌ها نخواهد کرد بلکه به حرارات تنور داغ رقابت خریدارن سلاح خواهد افزود. قربانی، ۱۳۹۵:۶۵

### ۱-۳- نگاه آمریکا به خلیج‌فارس به‌عنوان بازار فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی

هرچند اعداد و ارقام بیانگر صدرنشینی آمریکا در صادرات تسلیحات نظامی به کشورهای مختلف جهان بویژه منطقه غرب آسیاست اما آمارهای منتشر شده از میزان صادرات سلاح و تجهیزات نظامی از سوی کشورهای اروپایی به خریداران آن در غرب آسیا، از پر رونقی این بازار و رقابت شدید میان صنایع نظامی کشورهای مختلف حکایت دارد.

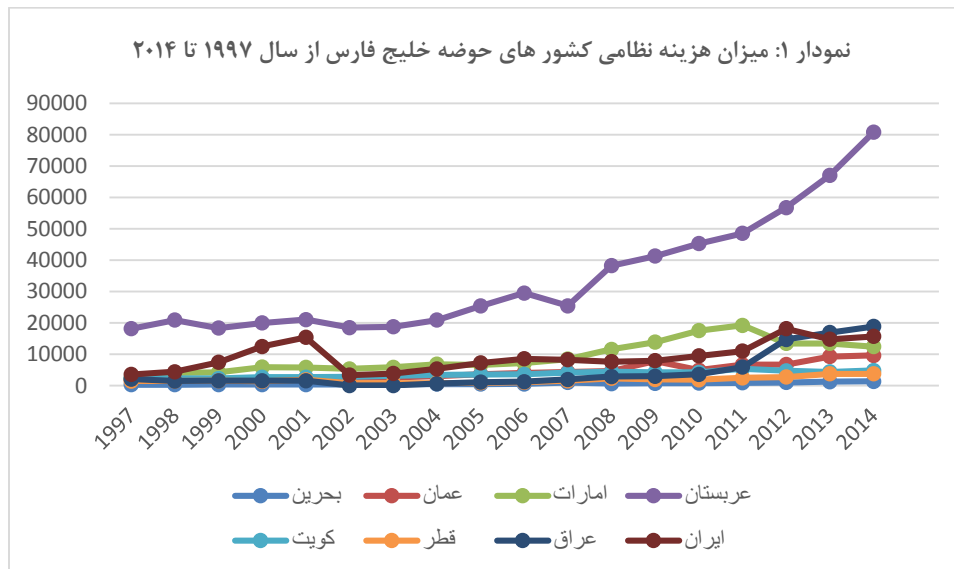
جست‌وجو در میان سایت‌ها و تارنماهای مختلف خبری و نظامی، اطلاعات دقیقی از میزان تولید و فروش تسلیحات کشورها را نمی‌دهد و این رویکرد چیزی جز تلاش صنایع نظامی بزرگ جهان برای محرمانه ماندن میزان تولید و سودهای سرشار آن‌ها از جنگ‌افروزی‌ها در جهان نیست. برخی کشورها اطلاعات محدودی از جزئیات تولیدات و صادرات تسلیحات خود ارائه می‌کنند و تنها مرجعی که به انتشار آمارهای یکساله از تجارت پرسود صنایع نظامی می‌پردازد، مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم است که اطلاعات صادرات و واردات کشورهای جهان را جمع‌آوری و منتشر. آخرین گزارش این مؤسسه مربوط به آمارهای دوران ۲۰۹۷ تا ۲۰۱۴ است.

	ایران	عراق	قطر	کویت	عربستان	امارات	عمان	بحرین
1997	3550	2063	1439	2455	18127	2336	1976	290
1998	4417	1439	1439	2280	20862	4010	1758	296
1999	7407	1549	1549	2286	18320	4222	1787	325
2000	12452	1549	1327	2697	19964	5876	2100	322
2001	15385	1549	1881	2686	21027	5798	2423	335
2002	3360	0	761	2821	18502	5353	2488	398
2003	3860	0	785	3131	18747	5834	2622	464
2004	5335	614	772	3447	20910	6816	2974	479
2005	7213	1120	888	3509	25393	6602	3652	486



2006	526	4030	7164	29481	3600	1066	1236	8546
2007	989	4326	8460	25425	4119	1562	1942	8239
2008	659	4617	11527	38223	4428	2318	2873	7608
2009	762	7790	13836	41272	4206	1948	2968	7946
2010	776	4895	17505	45245	4229	1877	3581	9478
2011	878	6668	19182	48531	5393	2450	5905	11007
2012	1018	6723	13432	56724	4728	2728	14727	18137
2013	1236	9246	13432	67020	4338	3728	16897	14786
2014	1335	9623	12422	80762	4841	3728	18868	15705

جدول ۱: میزان هزینه نظامی کشورهای حوزه خلیج فارس از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۴

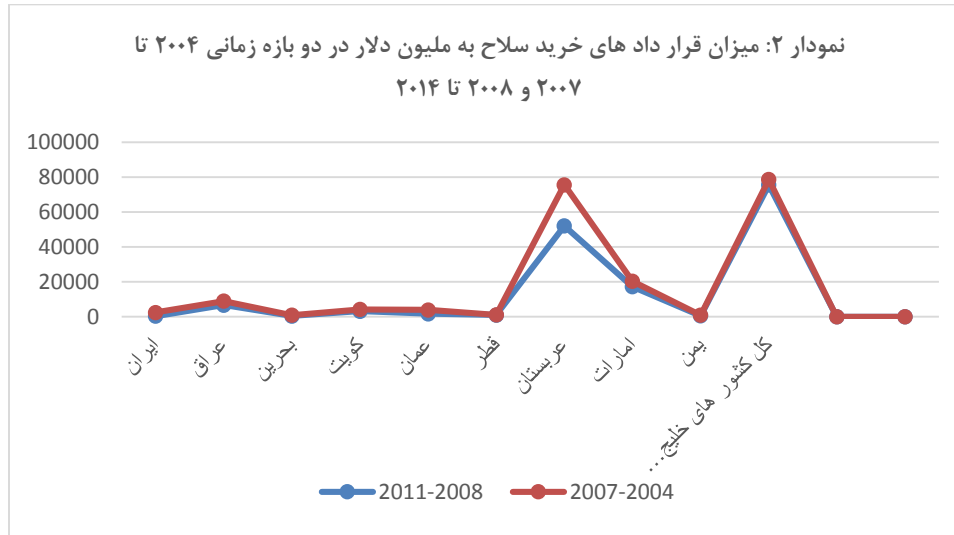


بر طبق داده‌های جدول فوق بیشترین هزینه نظامی از سوی کشور عربستان سعودی با ۱۸۱۲۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۷ و ۸۰۷۶۲ میلیون دلار در سال ۲۰۱۴ بوده است. بر اساس این جدول ایران در سال ۱۹۹۷، ۳۵۵۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۴ ۱۵۷۰۵ میلیون دلار هزینه نظامی داشته است. در این بحرین کمترین هزینه نظامی داشته که در سال ۱۹۹۷ تنها ۲۹۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۴، ۱۳۳۵ میلیون دلار داشته است. حال در نمودار ۱ میزان هزینه نظامی کشورهای حوزه خلیج فارس از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۴ نشان داده شده است

۲۰۱۱-۲۰۰۸	۲۰۰۷- ۲۰۰۴	کشورهای منطقه خلیج فارس
300	2100	ایران
6700	2300	عراق
400	500	بحرین
3200	1000	کویت
1700	2200	عمان
1000	100	قطر
52100	23600	عربستان
17200	3100	امارات
500	400	یمن
75600	3050	کل کشورهای خلیج فارس

جدول ۲: مقایسه هزینه نظامی ایران و کشورهای خلیج فارس از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۴

Source: Based on “Chapter Seven: Middle East and North Africa,” in *The Military Balance*,



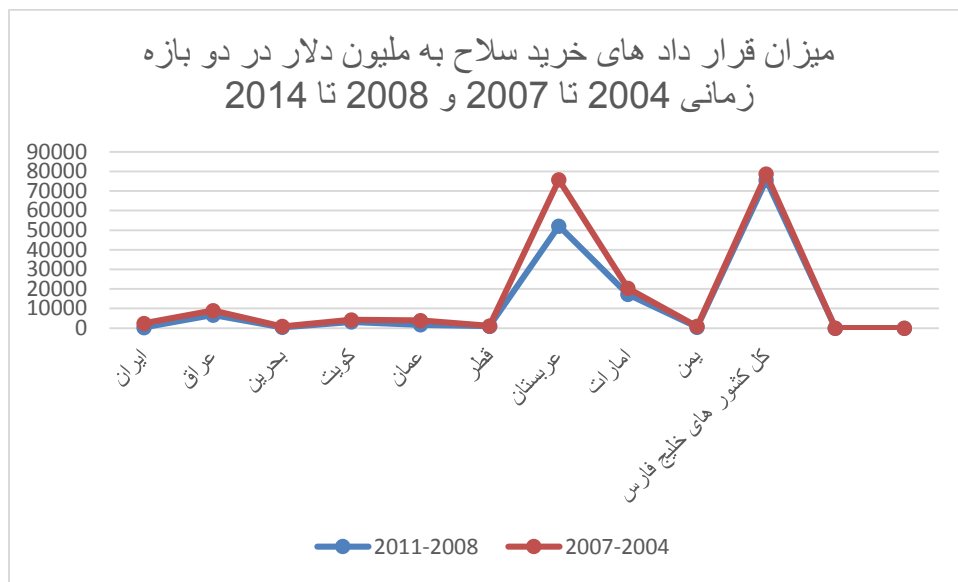
بحث دیگری می توان به آن اشاره کرد میزان قراردادهای است که بین کشورهای حوزه خلیج فارس با قدرت های فرا منطقه ای صورت گرفته است در جدول ۳ به دو بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ اشاره شده است که در آن میزان خریدهای صورت گرفته به میلیون دلار بیان شده است.

نام کشور	2007-2004	2011-2008
ایران	2100	300
عراق	2300	6700
بحرین	500	400
کویت	1000	3200
عمان	2200	1700
قطر	100	1000
عربستان	23600	52100

17200	3100	امارات
500	400	یمن
75600	3050	کل کشور های خلیج فارس

نمودار شماره ۳: میزان مبلغ قراردادهای نظامی کشورهای منطقه خلیج فارس در دو بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴

۲۰۱۴



Source: Richard F. Grimmert and Paul K. Kerr, *Conventional Arms Transfers to Developing*.

نام کشور	ایران	امارات	عربستان	قطر	عمان	کویت	بحرین
امریکا	۰	۴۰۳۹	۲۷۳۲	۷۱۰	۵۴۳	۶۹۱	۱۴۳

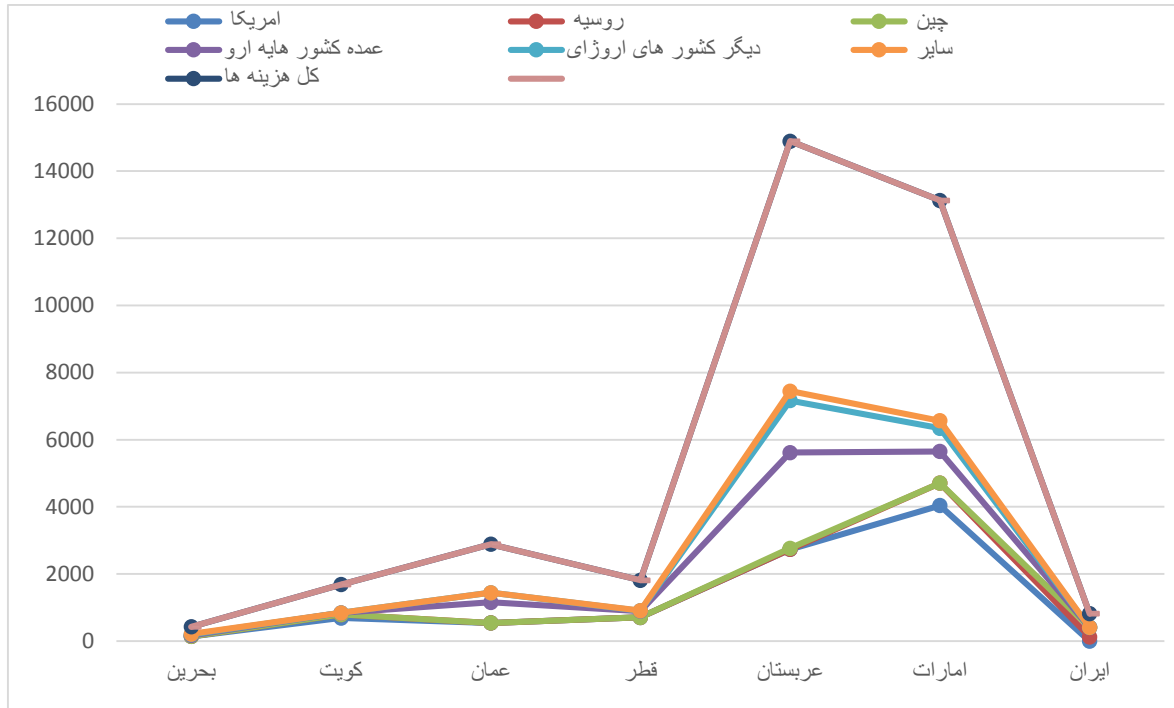
۲۷۷

۰	۱۰۱	۰	۰	۰	۶۷۰	۱۲۹	روسیه
۰	۰	۰	۰	۳۳	۰	۲۸۱	چین
۲۸	۴۹	۶۱۵	۱۸۲	۲۸۵۲	۹۴۲	۰	عمده کشور های اروپایی
۲۹	۱	۲۸۳	۱۱	۱۵۵۱	۶۹۲	۰	دیگر کشور های اروپایی
۱۴	۰	۳	۴	۲۷۹	۲۲۱	۰	سایر
۲۱۴	۸۴۲	۱۴۴۴	۹۰۷	۷۴۴۷	۶۵۶۴	۴۱۰	کل هزینه ها

جدول ۴: میزان هزینه خرید تسلیحات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران از کشورهای مختلف

Source: Based on “Chapter Seven: Middle East and North Africa,” in *The Military Balance*,

نمودار ۴: میزان هزینه خرید تسلیحات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران از کشورهای مختلف



در جدول مقایسه‌ای بین کشورهای عرب خلیج فارس و ایران از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۴ صورت گرفته است. بر طبق این آمارها، هزینه کل کشورهای خلیج فارس تنها در سال ۲۰۱۴، ۱۱۳۷۲۲ میلیون دلار بوده است و در مقابل ایران، ۱۵۷۰۵ بوده است

بررسی این جداول نشان می‌دهد خلیج فارس در سالیان اخیر به مرکز دادوستدهای نظامی جهان تبدیل شده به گونه‌ای که صادرات سلاح ۸۷ درصد افزایش یافته است. در مدت طی شده از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، صادرات تسلیحات این منطقه، ۳۵ درصد کل سلاح‌های صادراتی در سطح دنیا بود.

طبق آمارهای موسسه سیپری سوئد، از ۱۰ کشور بزرگ صادرکننده تسلیحات در جهان در سال ۲۰۱۸، هفت کشور اروپایی هستند. همچنین سه کشور غرب آسیا در میان ۱۰ واردکننده بزرگ سلاح در جهان قرار دارند. عربستان سعودی ۳۳ درصد از مجموع این تسلیحات را دریافت کرده است و امارات متحده عربی و عراق نیز هر کدام با ۱۱ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند.

در مجموع، فروش اسلحه در منطقه جنوب غربی آسیا در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ در مقایسه با پنج سال پیش از آن، ۲ برابر افزایش یافته است. بر اساس گزارش سیپری، صادرات سلاح‌های سنگین در طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ با رشد هشت درصدی همراه بوده است؛ همچنین ۲۵ کشور صادرکننده سلاح در مجموع ۹۹ درصد صادرات عمده سلاح جهان را در دست داشته‌اند و ۸۷ درصد این تسلیحات از آمریکای شمالی و اروپا به دیگر نقاط جهان صادر شده است.

جداول آماری منتشر شده این موسسه در مورد میزان صادرات سلاح در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهد آمریکا ۳۶ درصد کل صادرات تسلیحات جهان را در اختیار دارد و روسیه ۲۱، فرانسه ۶،۸، آلمان ۶،۴ و چین ۵،۲ درصد دیگر را از آن خود کرده‌اند. در واقع بیش از ۷۵ درصد کل صادرات تسلیحات و تجهیزات در جهان در انحصار این پنج کشور است. آمریکا در این مدت توانسته سهم خود در بازار تسلیحاتی جهان را ۶ درصد افزایش دهد. دامنه صادرات سلاح این کشور به ۹۸ کشور می‌رسد. در این گزارش اعلام شده که ۵۲ درصد سلاح‌های صادراتی آمریکا در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به غرب آسیا ارسال شده است. آمریکا در این مدت با تأمین ۶۸ درصد سلاح عربستان، ۶۴ درصد سلاح امارات و ۶۵ درصد سلاح قطر، به بزرگ‌ترین صادرکننده تسلیحات به کشورهای خلیج فارس تبدیل شده است. گزارش آژانس همکاری امنیت دفاعی پنتاگون نیز بیانگر آن است که صادرات نظامی آمریکا در سال مالی ۲۰۱۸ میلادی به بیش از ۵۵ میلیارد و ۶۶۰ میلیون دلار رسید.

طبق آمارهای سیپری، امارات در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ با ۳،۷ درصد واردات کل تسلیحات نظامی در جهان، هفتمین واردکننده بوده که در این میان آمریکا توانسته ۶۴ درصد بازار این کشور را از آن خود کند. امارات بعد از عربستان، بزرگ‌ترین خریدار تسلیحات از آمریکا است که ارزش قراردادهای اعلام شده آن بیش از ۱۰ میلیارد دلار بوده است.

عمان، کویت و بحرین از دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند که آمارهای دقیقی از میزان خرید تسلیحات آن‌ها منتشر نشده است. طبق گزارش سیپری از آمارهای سال ۲۰۱۷، پادشاهی عمان ۲۶،۳، بحرین ۱۱،۸ و کویت ۱۱،۳ درصد از بودجه خود را به خرید تسلیحات اختصاص داده‌اند که نزدیک به ۱۷ میلیارد دلار می‌شود.

جنگی که عربستان با تشکیل یک ائتلاف خود ساخته با برخی از متحدانش همچون امارات و بحرین علیه یمن کلید زد، سبب شد تا در سالیان اخیر این سه کشور منبع درآمدی برای صنایع نظامی آمریکا و برخی متحدانش باشد. البته تنش‌زایی ریاض از طریق قطع همه روابط با دوحه و همراه کردن برخی کشورهای عربی منطقه با خود، بر افزایش دامنه بازار تسلیحات منطقه خلیج فارس افزوده است. این مجموعه عوامل سبب شده تا عربستان در طی پنج سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به بزرگ‌ترین واردکننده سلاح در جهان تبدیل شود.

البته آمریکا بویژه با روی کار آمدن ترامپ، صنایع نظامی خود را رونق بخشیده و توانسته ۶۸ درصد کل واردات تسلیحات ریاض در مدت اعلام شده را به خوص اختصاص دهد. دامنه خرید سلاح و تجهیزات نظامی از سوی ریاض گسترده است و کشورهای مختلفی همچون چین، کانادا، انگلیس، اسپانیا، سوئد، اوکراین و ... را نیز شامل می‌شود. طبق گزارش سیپری، ریاض دومین واردکننده بزرگ تسلیحات در جهان و نخستین خریدار سلاح از آمریکا است. در پنج سال منتهی به ۲۰۱۸، ریاض ۱۸ درصد کل فروش اسلحه آمریکا (حدود ۹ میلیارد دلار) را از آن خود کرده است. همچنین در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ میزان واردات سلاح عربستان نسبت به مدت پنج سال منتهی به سال ۲۰۱۳، رشد ۱۹۲ درصد داشته است. بر اساس آمارهای اعلام شده، انگلیس در سال ۲۰۱۸ بیش از ۳،۸ میلیارد یورو، فرانسه ۱،۵ میلیارد یورو و آلمان ۷۲۲ میلیون یورو سلاح به عربستان فروخته‌اند. طبق این گزارش، یک دلار از هر هفت دلاری که در سال ۲۰۱۶ صرف خریداری تسلیحات نظامی در جهان شده، از سوی عربستان سعودی هزینه شده است. در مجموع ریاض ۱۲ درصد واردات جهانی تسلیحات را در اختیار دارد.

### ۳-۲- بحران آفرینی و ایران هراسی، فلسفه‌ای برای فروش تسلیحات در منطقه خلیج فارس

حضور ترامپ در کاخ سفید و فلسفه او مبنی بر پرداخت هزینه تأمین امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس از سوی خود آن‌ها سبب شده تا بزرگ‌ترین قراردادهای نظامی واشنگتن و ریاض در نخستین سفر خارجی ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا به عربستان به میزان ۱۱۰ میلیارد دلار برای مدت ۱۰ سال بسته شود. ضمن آنکه از آن زمان تاکنون چند قرارداد میلیاردی دیگر بین دو طرف منعقد که فقط در یک مورد سامانه دفاعی هزینه کل تولید و استقرار آن حدود ۱۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

در سال‌های اخیر بحث دولتمردان کاخ سفید، فروش سلاح به متحدان خود در غرب آسیا را سرعت بخشیده‌اند و معامله‌ای ۸،۱ میلیارد دلاری را با ریاض و ابوظبی دنبال می‌کنند، راهبرد دولت ترامپ در فروش تسلیحات مختلف به عربستان و امارات بر «ایران هراسی» معطوف بوده است؛ البته برنامه‌های بلندپروازانه ریاض و ابوظبی و ایجاد نزاع همراه با حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه سبب شده تا این کشورها بازیچه سیاست‌های آمریکا و متحدانش قرار گیرند. در تازه‌ترین تحولات مربوط به مسائل نظامی میان سعودی و آمریکا، تنش‌های مختلف در آبراه‌های منطقه سبب شده تا پادشاه سعودی با استقرار ۵۰۰ نظامی آمریکایی در پایگاه هوایی «ملک سلطان» در شرق ریاض موافقت کند.

در دیگر سو، تنش‌های حاصل از سیاست‌های انگلیس در منطقه و همسویی با واشنگتن در بهانه‌تراشی «تأمین امنیت کشتیرانی در آبراه‌های بین‌المللی» سبب شده تا لندن دومین ناوشکن خود بانام «تیپ ۴۵ دانتلس» را روانه خلیج فارس کند ضمن آنکه برخی رسانه‌های این کشور از احتمال «اعزام یک زیردریایی هسته‌ای برای محافظت از منافع انگلیس در امنیت کشتیرانی در منطقه خلیج فارس» خبر دهند.



تنش‌ها در خلیج فارس با اقدام تروریستی ایالات متحده در خصوص به شهادت رسانیدن سردار قاسم سلیمانی و توقیف نفت کش انگلیسی و کره‌ای در تنگه هرمز از سوی تفنگداران ایرانی دوچندان شده است؛ رویه کاخ سفید در منطقه خلیج فارس، تنش‌زایی و ایران هراسی باهدف تداوم دامنه فروش تسلیحات و به قولی رونق صنایع نظامی خود است؛

اختصاص بودجه‌های هنگفت، واردات فزاینده تسلیحات، تأکید بیشتر روی رزمایش‌های نظامی، دخالت در درگیری‌های نظامی در منطقه خلیج فارس هیچ شکی را باقی نمی‌گذارد که کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با تحریک ایالات متحده در حال نظامی شدن هستند. تلاش جدید و باز تجدید شده به منظور توسعه پایگاه‌های نظامی، صنایع و فن‌آوری دفاعی در پنج سال اخیر بیانگر این است که کشورهای عرب منطقه که سابقاً خود مشتری تسلیحات بودند، اکنون در حال تبدیل شدن به سازنده برخی و بخشی از تسلیحات گردیده و این امر حاکی از چرخشی در توازن ژئواستراتژیکی در منطقه خلیج فارس است. (گزارش تحلیلی، گروه امنیت، ۱۳۹۷: ۲)

### **۳-۳- روابط ژئواستراتژیکی ایالات متحده با کشورهای منطقه خلیج فارس**

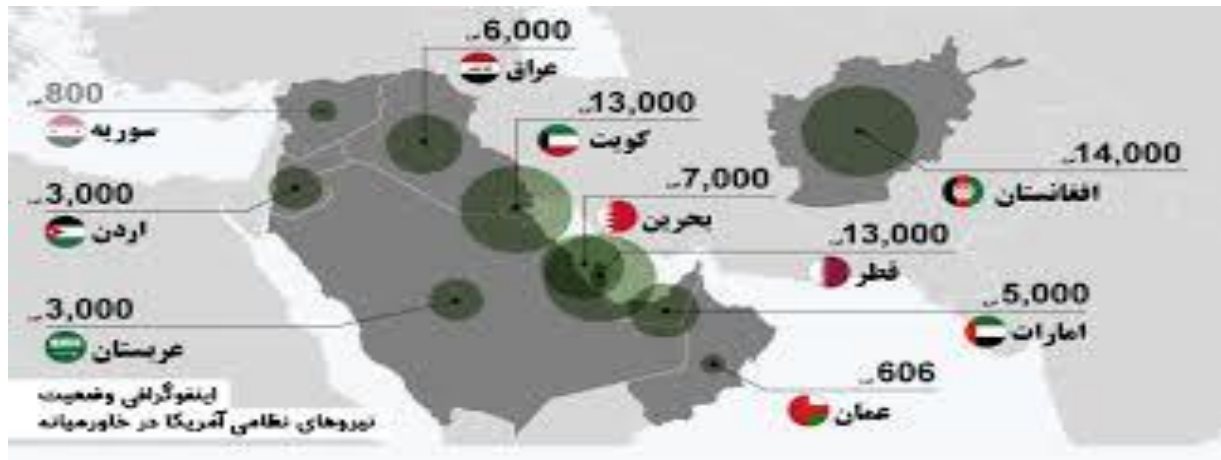
ایالات متحده پس از پایان جنگ جهانی دوم به کشورها کمک مالی کرده است. رژیم صهیونیستی با دریافت سالانه ۳ میلیارد دلار در رأس دریافت کنندگان این کمک‌ها قرار دارد. کشورهای دیگری چون مصر، اردن و... نیز مبالغ کلانی را دریافت می‌کنند. با آغاز جنگ ایالات متحده علیه تروریسم این کمک‌ها گسترش یافته‌اند. برنامه کمک نظامی پنتاگون از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ بیش از ۳۴ درصد افزایش یافت. این کمک‌ها از رقم ۳ / ۵ میلیارد دلار به ۴ / ۵ میلیارد دلار افزایش یافت. بوش رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده میزان این کمک‌ها را در سال ۲۰۰۶ بیش از ۴ / ۵ میلیارد دلار اعلام کرد. بسیاری از کشورهایی که در گذشته از دریافت کمک نظامی ایالات متحده محروم شده بودند، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ به دریافت کنندگان کمک نظامی از ایالات متحده تبدیل شدند. افغانستان، پاکستان و ازبکستان از این دسته کشورها بودند. اردن با افزایش ۱۲۷ میلیون دلار، پاکستان و افغانستان با ۳۹۶ میلیون دلار افزایش در رده بالاترین کشورهای دریافت کننده کمک نظامی بیشتری دریافت کرده‌اند. لازم به ذکر است که این کشورها بر اساس معیارهای وزارت خارجه ایالات متحده جزء کشورهای دموکراتیک محسوب نمی‌شوند. (بولتن اطلاعاتی، معاونت اطلاعات آجا، ۱۳۹۵: ۹)

### **۳-۴- پایگاه‌ها و حضور فیزیکی ایالات متحده امریکا در منطقه خلیج فارس**

بررسی مختصر آمار امکانات نظامی در پایگاه‌های ایالات متحده در خلیج فارس نشان‌دهنده اهمیت استراتژیکی این مناطق در سیاست‌های ایالات متحده است. ایالات متحده دارای حداقل ۲۰ پایگاه نظامی با تجهیزات شامل ۵۰۰ تانک و واحدهای زرهی، هفت سامانه پاتریوت، ۲۵ فروند شناور جنگی، ۶۰۰ فروند جنگنده و بالگرد برای مقاصد مختلف مانند جاسوسی، شناسایی،

سوخت گیری و حمل و نقل هست. این پایگاه های نظامی در عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، عمان و کویت واقع شده اند. (جانسون ۱۳۸۴: ۳۶۰)

### اینفوگرافی وضعیت پایگاه های نظامی آمریکا در پیرامون جمهوری اسلامی ایران



<https://www.rokna.net>

### ۳-۵- دلایل خریدهای تسلیحاتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای عربی منطقه به دلیل بافت خاص خود در سیاست و جغرافیایی با مشکلات عدیده مواجه هستند. از نظر ساختار حکومتی اکثریت این کشورها دارای حکومتی مطلقه استبدادی هستند که از نظر داخلی مشروعیتی ندارند و به روش پادشاهی مطلقه اداره می شوند این کشورها به مدد پول نفت و با خریدهای تسلیحاتی گسترده می خواهند خود را دولت های باثبات و مستحکم معرفی کنند. از اهداف دیگر این کشورها مقابله با تهدیدات داخلی است. بافت بسیاری از این کشورها از اقلیت های تشکیل شده اند که بازرور سرکوب مهار شده اند. اگر آن ها اندک مجال پیدا کنند بدون شک برای حکومت های مرکزی تهدید خواهند بود، برای نمونه عربستان سعودی یک اقلیت بزرگ شیعه ناراضی دارد و با سیاست مشت آهنین آن ها را کنترل می کند و یا به سیاست های پلیسی، امنیتی دولت بحرین در سرکوب اکثریت شیعه بحرین می توان اشاره کرد یا کشور عمان علی رغم سرکوب شورشیان در منطقه ظفار در چند دهه گذشته با همکاری دولت شاهنشاهی ایران هنوز می توان لایحه هایی از مخالفت را در این کشور دید و که به نوعی آتش زیر خاکستر است. اما از بعد سیاست خارجی رقابت های منطقه ای این کشورها، یکی از عوامل مهم خریدهای تسلیحاتی گسترده است. جمهوری اسلامی ایران با داشتن منابع انسانی و مالی گسترده و داشتن جغرافیای مهم یکی از قدرت های تأثیرگذار منطقه است ایران همیشه رقیب سنتی اعراب به حساب می آید سابقه این رقابت ها به گذشته های دور برمی گردد. اول، اختلاف

مذهبی، ایران کشوری با جمعیت اکثریت شیعه است و کشورهای های عربی بافتی اکثریت سنی دارند و این رقابت‌های مذهبی را تشدید کرده است. دوم، اختلافات نژادی و زبانی است که رقابت همیشگی عرب و عجم شاهدهی بر این مدعاست. اما این رقابت‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی شدت گرفت. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سالهای بعد از پیروزی انقلاب و کمک تسلیحاتی به عراق در جنگ تحمیلی را اوج این رقابت‌ها دانست. پیشینه اختلاف ایران و اعراب را حضور نیروهای فرا منطقه‌ای تشدید کرده است. (گزارش خریدهای سنگین تسلیحاتی برای مقابله با ایران ۱۳۹۴)

#### ۴- تجزیه و تحلیل:

ایالات متحده کماکان برای حفظ منافع خود به شدت تلاش می‌نماید تا روابط کشورهای منطقه مداوم متشنج باشد و از این وضعیت به نفع خود بهره‌برداری نماید. از نظر ایالات متحده آنچه در خلیج فارس در معرض خطر قرار دارد نفت ارزان، رفاه اقتصادی و سیاسی ایالات متحده و متحدان آن است اگر کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان از دسترسی ارزن به منافع انرژی خلیج فارس محروم شوند نتیجه‌اش احتمالاً ورشکستگی و به دردسر افتادن متحدان و اقتصاد جهانی خواهد بود، به همین دلیل ابرقدرت ایالات متحده و متحدانش درصدد محافظت از راهبرد حفظ بقا و از بین بردن امنیت درون ساخت خلیج فارس می‌باشند.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، سهم عمده‌ای از مجموع قراردادهای تسلیحاتی را در منطقه در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده‌اند. زیرا از یک سو ایالات متحده همواره تلاش نموده تا جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک تهدید برای این کشورها مطرح نموده و آن‌ها را به خرید تسلیحات و تجهیزات غربی ترغیب نماید از سوی دیگر این کشورها تمایل ندارند که جمهوری اسلامی ایران تنها قدرت برتر نظامی منطقه باشد. در مجموع این شرایط از مهم‌ترین علل آغاز مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده است و به طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار هست که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ✓ تجهیز این کشورهای شورای همکاری به تسلیحات مدرن منجر به افزایش ادعاهای ارضی و عمیق شدن اختلافات مرزی شده در نهایت افزایش تنش با علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گردد (امارات متحده در خصوص سه جزیره)
- ✓ واگذاری تسلیحات مدرن به کشورهای شورای همکاری باعث افزایش مهارت‌های تخصصی در قوای نظامی این کشورها شده که از جمله آن‌ها می‌توان به پیشرفت‌ها و اقدامات در زمینه جنگ الکترونیک، فرماندهی نیروها، سامانه هدایت موشک‌ها، هوش مصنوعی و... اشاره نمود. این فرایند منجر به افزایش توان رزمی کشورهای موصوف شده که تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.

- ✓ افزایش میزان تسلیحات در منطقه علاوه بر ایجاد فضای امنیتی، باعث تعمیق شکاف‌های واگرایی شده و منجر به تنش‌های جهانی بین قدرت‌های فرا منطقه‌ای شده و بیش از گذشته خواهد شد. و این قدرت‌های فرا منطقه‌ای به خاطر منافع سرشار اقدام به راه‌اندازی جنگ‌های مختلف و شعله‌ور کردن جنگ‌های نیابتی در منطقه شده و از سوی دیگر تقویت کارخانه‌ها تسلیحاتی و بهبود اقتصاد خود را در پی داشته باشند. این روند با امنیتی کردن فضای جهان، تأثیر مستقیم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت و ضمن بالا بردن هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران سایر ابعاد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (سیاسی اقتصادی و...) را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ✓ دولت ایالات متحده راهبرد مهار و محدود کردن منافع ایران به‌ویژه درزمینه بازاریابی تسلیحاتی و تولیدات دفاعی جمهوری اسلامی ایران و هرگونه تعاملات در این زمینه را به‌طور مستمر دنبال می‌نماید که تأثیر مستقیم بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت.
- ✓ ایجاد و متحد نمودن گروه‌های مسلح غیردولتی در منطقه و واگذاری تجهیزات به گروه‌های شبه‌نظامی موجب افزایش قدرت نفوذ این گروه‌ها به داخل کشور و افزایش اقدامات تروریستی و در نتیجه کاهش امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.
- ✓ توسعه پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در منطقه علاوه بر بحث تأمین کنترل و حفاظت خطوط انتقال انرژی (نفت و گاز) و کالا و تأمین امنیت متحدین خود در منطقه به‌ویژه رژیم صهیونیستی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار هست.

✓

### ۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

#### ۵-۱- نتیجه‌گیری:

بر مبنای رهیافت نظری تحقیق (واقع‌گرایی تهاجمی) ایران از سه شرط مهم یعنی جغرافیای مناسب و دسترسی به آب‌های آزاد، جمعیت زیاد و پتانسیل اقتصادی به‌واسطه منابع غنی انرژی، برای تبدیل شدن به هژمون در منطقه را برخوردار است. و این ظرفیت‌ها، هژمون ایالات متحده را ممکن است در درازمدت در منطقه خلیج فارس با چالش و به مرور زمان، استحاله نماید. ژئواستراتژی آمریکا، در منطقه خلیج فارس در قبال ایران مبتنی بر ایران‌هراسی و منزوی سازی و به‌طور کلی حذف ایران از معادلات منطقه‌ای است و برای رسیدن به این مهم و تسلط بر منابع اقتصادی و موقعیت استراتژیکی منطقه از تمامی ابزار

دیپلماسی و حتی نظامی در مقیاس گسترده استفاده می‌کند. تجارت سلاح‌های متعارف یک اقدام بی‌ثبات کننده در منطقه خلیج فارس بدین منظور تفسیر گردید.

آمریکا با تداوم حضور خود در منطقه و ایجاد روابط ژئواستراتژیکی خاص با کشورهای منطقه خلیج فارس به دنبال ایران هراسی، ایجاد بی‌اعتمادی و تنش‌زای در ارتباط ایران با کشورها منطقه می باشد.

بر اساس داده‌های گردآوری شده در تحقیق، صادرات اسلحه به کشورهای حوزه خلیج فارس در سالیان مورد بررسی (۱۹۹۷ تا ۲۰۱۴) ۸۷ درصد افزایش داشته و در حال حاضر روند افزایشی داشته و بیش از یک سوم تجارت جهانی اسلحه را تشکیل می‌دهد. عربستان در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ در قیاس با هر کشور دیگری در جهان، بیشتر تسلیحات وارد کرده و خرید تسلیحات سعودی در این مدت ۱۹۲ درصد نسبت به ۵ سال پیش از آن افزایش داشته است. ایالات متحده بزرگ‌ترین فروشنده اسلحه در جهان به شمار می‌رود و بیش از نیمی از صادرات اسلحه آن در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به خاورمیانه رفته و عربستان واردکننده ۲۲ درصد از صادرات نظامی ایالات متحده در سراسر جهان بوده است.

نکته غیر قابل اغماض، موارد استفاده از سلاح های است بطوریکه کاربرد اصلی سلاح‌های آمریکایی در منطقه در سرکوب‌های داخلی و نقض حقوق بشر از جمله در بحرین، سوریه، عراق و در سال‌های اخیر در حمله ائتلاف تحت رهبری عربستان به یمن استفاده شده‌اند.

ژئواستراتژی ایالات متحده درای چهار هدف عمده، تضعیف توان رزمی جمهوری اسلامی ایران، مشروعیت بخشی به حضور منطقه‌ای، تقویت توان رزمی کشورهای متحد خود (شورای همکاری خلیج فارس)، دریافت پول‌های هنگفت از کشورهای نفتی عربی در قبال فروش تسلیحات، و مسئله که در آینده نه چندان دور شاهد آن باشیم حضور رسمی ناوگان نظامی و موثر رژیم صهیونیستی در معادلات آتی در منطقه خلیج فارس است.

درمجموع آنچه در خرید و فروش سلاح بین ایالات متحده و کشورهای منطقه به دست آمده است نشان از آن دارد که منطقه در حال تبدیل شدن به انبار باروت است. و سیاست های واگرایانه بین ایران با کشورهای منطقه اتشی است که از زیر خاکستری است که توسط رژیم صهیونیستی با هماهنگی با دنیای غرب در حال شعله ور شدن است.

کشورهای منطقه هرکدام به دلیل عقب نماندن از قافله خرید سلاح هرروز در حال مذاکره با ایالات متحده و حتی روسیه برای خرید سلاح جدیدتر هستند که این مهم همان معمای قدرت و امنیت در فضای امنیتی ساخته شده برای منطقه است. این امر به طور معمول منجر به افزایش تنش‌های در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی شده و اندیشه‌ها و ادعاهای توسعه طلبانه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را در قبال منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قوت خواهد بخشید.

## ۲-۵ - پیشنهادها:

در دستور کار قرار گرفتن دیپلماسی اقتصادی توسط جمهوری اسلامی ایران در راستای پایان بخشیدن به روند مسابقه تسلیحاتی کشورهای منطقه، از طریق رفع تدریجی انواع محدودیت‌ها در مورد همکاری‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی با کشورهای منطقه به‌ویژه حوزه خلیج فارس، در قالب طرح‌های کوتاه‌مدت (رفع موانع و تهدیدات، استفاده از فرصت‌ها و اعتمادسازی و ...)، میان‌مدت (انجام همکاری دفاعی باهدف خروج بیگانگان از منطقه و ...) و بلندمدت (انعقاد پیمان‌های دفاعی مشترک در راستای ایجاد امنیت دسته‌جمعی).

ارتقاء روابط دیپلماتیک با کشورهای همسایه با رعایت مصلحت، حکمت، عزت با تأکید بر منافع مشترک حفظ برجام تلاش در جهت تنش‌زدایی و فراهم نمودن شرایط لازم برای رفع نگرانی‌های ساختگی (ایران‌هراسی) تلاش به‌منظور برقراری روابط نظامی و امنیتی با کشورهای دوست و همسو درسیاست‌های دفاعی و امنیتی به‌منظور ایجاد فضای اعتماد و اطمینان متقابل استفاده از ظرفیت‌های مراکز و مراجع علمی نظیر دانشگاه‌های معتبر و مراکز تحقیقاتی به منظور بسترسازی علمی در راستای هم‌گرایی و توسعه روابط چند جانبه علمی.

مغفول‌نماندن مباحث توسعه و تقویت توان رزمی در عرصه پدافندی براساس نظریه‌های واقع‌گرایی در عرصه بین الملل.

## منابع

### الف منابع فارسی:

### کتاب‌ها:

- بلیس، جان؛ استیو، اسمیت، (۱۳۹۲) جهانی‌شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین، ابرار معاصر تهران

- چالمرز، جانسون. (۱۳۸۴) مصائب امپراتوری، امپریالیسم نظامی ایالات متحده در قرن ۲۱، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. انتشارات پاپلی مشهد.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ کاویانی راد، مراد. سیری (۱۳۹۳) در فلسفه جغرافیایی سیاسی، مطالعات راهبردی
- زونی استنلی، لاکمن، (۲۰۱۹) صنایع دفاعی در کشورهای عربی، بازیگران و راهبردها، ترجمه: اداره کل پژوهش خبرگزاری فارس، بسته تبیینی تحلیلی شماره ۱۰، ۱۳۹۶،
- طاهری، رضا . (۱۳۹۰) از مروارید تا نفت، چاپ دوم، انتشارات نخستین،
- عزتی، عزت‌اله. (۱۳۹۸) ژئواستراتژی در قرن بیست و یکم. سمت. تهران
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۴) روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران، سمت،
- مرشایمر، جان (۱۳۸۸)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات

#### پایان‌نامه ها:

- نجاتی‌پور، مهدی. (۱۳۹۹) بررسی تهدیدات سیاسی رژیم صهیونیستی مؤثر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران  
پایان‌نامه ارشد به راهنمایی حسین ولی‌وند زمانی. دافوس آجا،

#### طرح‌های پژوهشی:

- بولتن تحلیل اطلاعاتی. (۱۳۹۵) معاونت اطلاعات آجا، شماره ۶۷
- قربانی، مجید، (۱۳۹۵) ترجمه ژورنال تخصصی ارتش ایالات متحده سایت باشگاه خبرنگاران جوان، گروه سیاسی، خردادماه.
- گزارش تحلیلی، گروه امنیت، (۱۳۹۷) مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، راهبردهای خصمانه عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی در حوزه‌های تقابل منطقه‌ای دیپلماسی عمومی و اقدامات امنیتی
- ماهنامه نامه آینده‌پژوهی، شماره ۳۵، مرداد ۱۳۹۵ مؤسسه افق آینده‌پژوهی راهبردی

- جام نیوز، گزارش خریدهای سنگین تسلیحاتی برای مقابله با ایران، سایت باشگاه خبرنگاران جوان، آذرماه ۱۳۹۴
- تحلیل و ارزیابی سند استراتژی دفاع ملی آمریکا. (۱۳۹۶) پژوهشکده مطالعات راهبردی، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، ۴ بهمن

#### مقاله‌ها:

- ابراهیمی، شهروز؛ امرایی، منظر. (۱۳۹۸) معضل ناامنی و واگرایی در منطقه خلیج فارس: راه کارهای نظری. دوره ۱۱. شماره ۴۱. بهار
- آقائی، محمدناصر. (۱۳۹۴). تأثیر ایران هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال ششم، شمار اول،
- حافظنیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم. (۱۳۸۴) تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷.
- حافظنیا، محمدرضا؛ رومینا، ابراهیم. (۱۳۸۴) تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۷.
- طاهری، ابراهیم. (۱۳۹۵) تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس). دوره ۲۴. شماره ۹۴.
- میرترابی، حسین. (۱۳۹۸) جایگاه نفت و تسلیحات در روابط ایالات متحده و عربستان سعودی (۲۰۰۹-۲۰۱۹) تهران دانشگاه امام حسین (ع) دوره ۹، شماره ۳۴ - شماره پیاپی بهار

#### ب. منابع انگلیسی:

- "Chapter Seven ۲۰۰۹: Middle East and North Africa," in The Military Balance, , International Institute for Strategic Studies, , (April 2009)
- Haass, Richard. N. 2006. TheNew Middle East, ForeignAffairs November/December
- IMF Data, World Economic Outlook Database October 2014
- Mearsheimer, John, J., (2001), The Tragedy of Great Power Politics, New York: Norton.-



- Mearsheimer, John, J., (2006) Conversation in International Relations: Interview with John J. Mearsheimer (part1), International Relations, Vol 20(1).
- Richard F. Grimmett and Paul K. Kerr, Conventional Arms Transfers to Developing Nations, 2004-2011, Congressional
- The GCC Monetary Union: Choice of Exchange Rate Regime (PDF), Washington DC, USA: Peterson Institute for International Economics Retrieved on -.

ب. منابع اینترنتی:

۱. <http://www.sipri.org/databases/armstransfers>
۲. <http://www.sipri.org/databases/armstransfers>

## فضای مجازی و نقش آفرینی در بحران های ژئوپلیتیکی

### (مطالعه موردی کشورهای عراق و سوریه)

۱- کیومرث فیروزی، ۲- سید علی میرزایی

۱- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.  
۲- کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

### چکیده:

با مرور نظریات ارتباطی مخصوصاً نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان که عنوان کرده است که با ظهور عصر ارتباطات و ظهور تکنولوژی های نوین ارتباطی رسانه ای، عناصر مکانی و زمانی در نوردیده خواهد شد. می توان اینگونه عنوان کرد که حوادث و رویدادهایی که امروزه در جنوب غرب آسیا (عراق و سوریه) به وقوع می پیوندد همواره با سرعتی برق آسا و ناگهانی و غیره منتظره به وجود می آیند، در واقع استفاده از تکنیک ها و تاکتیک های فناوری اطلاعات و ارتباطات از حالت خطی به حالت کروی تبدیل شده است. بهره برداری از فضای مجازی (سایبری) سرعت وقوع این تحولات را افزایش داده است. مهمترین ویژگی این تحولات غیر قابل پیش بینی بودن وقوع این رویدادها و تحولات است به طوریکه حتی کشورهای دارنده این تکنولوژی ها و غول های رسانه ای دنیا نیز از پیش بینی وقوع این جریانات ناتوان مانده اند. بنابراین با توجه به این شرایط ابتکار عمل همواره در دست گروه های تروریستی قرار دارد هر زمانی که اراده

کنند می توانند قدرت نقش آفرینی خود را به رخ جهانیان بکشند و به ایجاد خشونت، رعب و وحشت در هر نقطه از کره خاکی بپردازند و به راحتی قادر خواهند بود کانون های بحران و درگیری را از کشوری به کشور دیگر و از نقطه ای به نقطه دیگر و از قاره ای به قاره دیگر انتقال دهند، جالب اینکه این حملات در عین حال از شیوه سنتی جنگ های متقارن و کلاسیک به حالتی نامتقارن تبدیل می شوند و به سرعت مرزهای فیزیکی کشورها و حاکمیت ها را درنوردیده و موجی از ترس و وحشت را در آسیا، اروپا، آمریکا و دیگر نقاط جهان بوجود می آورند.

وقوع این تحولات در واقع بازتاب این پیام خواهد بود که در هیچ کجای دنیا مرزهای فیزیکی توان مقاومت در برابر این حملات تروریستی را نخواهند داشت به عبارت دیگر تهدید دیگر تابع هیچ حد و مرزی نیست.

مقاله حاضر با روش کتابخانه ای و به شیوه تحلیل و توصیف محتوا به بررسی فضای مجازی و نقش آفرینی در بحران های ژئوپلیتیکی می پردازد منطقه مورد مطالعه جنوب غرب آسیا کشورهای سوریه و عراق خواهد بود. اطلاعات و داده ها از طریق منابع موجود شامل کتب و مقالات علمی معتبر تدوین و گردآوری شده است.

**کلیدواژگان:** بحران های ژئوپلیتیکی، تروریسم، جهانی شدن، جنوب غرب آسیا (خاورمیانه)، فضای مجازی

### ۱- مقدمه:

یکی از کانال هایی که می تواند به تبادل اطلاعات درست و غلط قومی و قبیله ای کمک کند، پیشرفت سریع تکنولوژی های ارتباطی در جامعه امروز است این شمشیر دو لبه که هم آگاهی راستین را ارتقا می دهد و هم آموزه های دروغین را، یک لطف بدون حد و مرز است که با سرعتی بی وقفه به خانه ها شهرها و کشورها راه پیدا کرده است. این ویژگی بی حد و مرزی کمک شایانی به گروه های تروریستی کرده است که به وسیله آن قادر خواهند بود به سادگی و با صرف کم ترین هزینه با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و بتوانند اطلاعات تخیل گرایانه خود را اشاعه داده و در عین حال کمترین ردپایی از خود به جا بگذارند.

استفاده از شبکه های اجتماعی نوین و ابزارهای اطلاعاتی، در حوزه های متفاوتی به کمک تروریست های معاصر آمده است؛ از جمله برنامه ریزی های تشکیلاتی، هماهنگی ها، تبادل اطلاعات و دسترسی به یافته های موجود در کم ترین زمان ممکن، آسان سازی انتقال نقشه ها و وسایل، ردیابی تسهیل در هماهنگی ها و عملیات ها حتی در حوزه های سخت افزاری مانند انفجارها و پنهان شدن از انظار نمونه بارز از این ویژگی هاست.

. از سوی دیگر فضای مجازی و ارتباطات قطعاً به توانمند سازی گروه های افراطی کمک بسیاری خواهد کرد و دست آن ها را حتی برای عضو گیری های نامحدود و تبلیغات گسترده در سطح جهانی باز خواهد گذاشت. با این وجود تبلیغاتی که آرمان ها و فعالیت های آن ها در دور افتاده ترین کشورها و مناطق جهانی خواهد شد و با استفاده شیوه های تبلیغاتی مدرن عده زیادی را ترغیب به حمایت از آنان

خواهد می کند. حتی آموزش های نظامی و فراگیری مهارت های عملیاتی و امنیتی نیز از طریق شبکه های اجتماعی و ابزار مدرن کنونی به سادگی قابل اجراست.

بنابراین با پیشرفت ساعتی و حتی لحظه ای تکنولوژی های ارتباطی و عدم توقف آن در آینده می توان انتشار رشد استفاده تروریست ها از این ابزار را نیز داشت. وسعت نفوذی که می توان توسط کانال های اطلاعاتی و ارتباطی به داخل توده مردم داشت، منجر خواهد شد تشکیلات رادیکالیستی در آینده میزان دخالت و دسترسی خود را به سازمان و نهادها و جمعیت های مردمی متفاوت افزایش داده و این گونه شناسایی جامعه هدف و اتخاذ مناسب ترین استراتژی ها با کم ترین هزینه ها برای آنها محقق شده و اهداف گروه های افراطی، جنگ های روانی، بسیج مردم و گردآوری اطلاعات به سادگی و سرعت بیشتری انجام گیرد.

## ۲- بیان مسئله:

حوادث و رویدادهایی که اخیرا در جنوب غرب آسیا به خصوص سوریه و عراق در جریان بود نشانگر آن بود که حوادث همواره با سرعتی برق آسا، ناگهانی و غیرمنتظره به وقوع پیوسته و به سرعت از بین می روند. استفاده از تکنیک ها و تاکتیک های فناوری اطلاعات و ارتباطات و بهره برداری از فضای سایبر سرعت وقوع این تحولات را افزایش داده و غیرقابل پیش بینی کرده است. بطوری که حتی کشورهای دارنده این تکنولوژی ها و غول های رسانه ای دنیا نیز از پیش بینی وقوع این حوادث ناتوان مانده اند به عنوان مثال می توان به حوادث بمب گذاری های که در پاریس، آمریکا، لندن، بروکسل و دیگر نقاط اروپا اشاره نمود که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی این کشورها در آن مقطع زمانی از پیش بینی و جلوگیری از موج حملات تروریستی به اروپا و آمریکا نیز ناتوان مانده اند و کلیه کشورهای اروپایی را در بهت و حیرت فرو برده اند و در واقع می توان عنوان کرد که ابتکار عمل در دست گروه های تروریستی قرار دارد و هر زمان که اراده کنند قادر خواهند بود در هر نقطه از جهان بحران سازی نموده و قدرت نقش آفرینی خود را به رخ جهانیان بکشند.

## ۳- سؤال تحقیق:

چگونه فضای مجازی و شبکه های اجتماعی می تواند درچالش ها و بحران های ژئوپلیتیکی نقش آفرین باشد؟

## ۴- فرضیه های تحقیق:

به نظرمی رسد فضای مجازی و شبکه های اجتماعی در بحران های ژئوپلیتیکی می تواند تاثیر گذار باشد

## ۵- روش تحقیق:

در مقاله حاضر سعی شده که با روش کتابخانه ای و به شیوه تحلیل و توصیف محتوا به بررسی فضای مجازی و نقش آفرینی در بحران های ژئوپلیتیکی پرداخته شود و منطقه مورد مطالعه جنوب غرب آسیا کشورهای سوریه و عراق خواهد بود. اطلاعات و داده ها از طریق منابع موجود شامل کتب و مقالات علمی معتبر تدوین و گردآوری شده است.

## ۶- بنیادهای نظری:

### ۱-۶- بحران ژئوپلیتیکی<sup>۱۲</sup>

بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش های کشور ها و گروه های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی برسر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی - بحران ها سرچشمه ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی وزیستگاه انسان ها می گردند .

از این رو بحران های ژئوپلیتیکی دارای ویژگی های زیر می باشند :

**الف :** موضوع و عامل بحران کنترل مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است . نظیر مکان، فضا، موقعیت، آب، ابر، منابع معدنی، مردم ، اقلیت ها، زیارتگاه، بازار صادراتی، مسیر انتقال کالا، انرژی، توریسم، جزیره، تنگه جغرافیایی، که به تفصیل در فصل مربوطه مورد بحث قرار گرفته اند. پیتر هاگت جغرافیدان برجسته انگلیسی سرچشمه های جغرافیایی بحران در روابط بین المللی را در قالب یک مدل تصویری بیان می کند درمدل نظری وی عوامل مزبور عبارتند از مسیر ترانزیتی کشور محصور در خشکی، تغییر خط تقسیم آب در مرز ، تغییر مسیر رودخانه مرزی، خط منصف مستقر در دریاچه مرزی، کنترل سرچشمه رودخانه ها، گروه اقلیت خارج از کشور گروه اقلیت مستقر در مرز مشترک، کوچ نشینان، جدایی طلبی اقلیت های داخلی، ذخایر و مکان دارای کارکرد بین المللی، پتانسیل تهدید درحاشیه ماورای مرز نظیر مجاورت پایتخت بامرز مشترک، منابع معدنی اعم از استراتژیک و انرژی، باروری مصنوعی ابرها .

**ب:** بحران ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به سادگی قابل حل و برطرف شدن نیست ؛ زیرا موضوع بحران ارزش های جغرافیایی هستند که در زمره منافع ملی و جمعی محسوب می گردند .

**ج:** بحران های ژئوپلیتیکی هرچند شکل سیاسی به خود می گیرند ولی با نوع خاص بحران سیاسی تفاوت می کنند بحران های سیاسی عامل بروز تنش در روابط دولت ها بایکدیگر می باشند و ممکن است به سردی روابط ، قطع روابط و حتی جنگ و درگیری منجر شوند .

**د:** در بحران های ژئوپلیتیکی الگوی مداخله ای چند سطحی شکل می گیرد که سطوح مختلف بازیگران مداخله گر در بحران های ژئوپلیتیکی عبارتند از ۱- مدعیان و طرفهای مناظره یا سطح محلی ۲- سطح منطقه ای ۳- سطح فرمانطقه ای ژئوپلیتیکی الگوی مداخله

<sup>۱۲</sup> - Geopolitical crisis

ای چند سطحی شکل می گیرد که سطوح مختلف بازیگران مداخله گر در بحران های ژئوپلیتیکی عبارتند از ۱- مدعیان و طرفهای مناظره یا سطح محلی ۲- سطح منطقه ای ۳- سطح فرامنطقه ای ۴- سطح جهانی و کروی ۵- سطح سازه ای یا سازمانهای منطقه ای و جهانی نظیر سازمان ملل و شورای امنیت (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۳۰).

## ۲-۶- فضای مجازی:

برای واژه فضای مجازی تعاریف متعددی از سوی سازمانها و افراد مختلف ارائه شده است (Bell, 2010, 98). بنابراین برای بررسی فضای مجازی نیاز است که در ابتدا به ارائه تعریفی مفید از این اصطلاح دست یافت و سپس در ادامه به بررسی سایر مفاهیم مرتبط با فضای مجازی پرداخت.

ترکیب اولیه اصطلاح فضای مجازی از عبارت سایبرنتیک<sup>۲۱</sup> می آید که از عبارت یونانی (κυβερνήτης) اقتباس شده است (en.wikipedia.org, 2011). که در زبان انگلیسی با عبارت های governor, pilot مترادف گرفته شده است و به معنای فرماندار و رهبر می باشد.

اصطلاح فضای مجازی آذر دایره المعارف آزاد بدین شرح تعریف و ارائه شده است: واسطه ای الکترونیک میان شبکه های کامپیوتری است که ارتباطات آن لاین در آن صورت می پذیرند (thefreedictionary, 2012).

اصطلاح فضای مجازی برای اولین بار در داستان علمی تخیلی ولگرد مجازی<sup>۲۲</sup> توسط ویلیام گیبسون مورد استفاده قرار گرفت، هرچند این مفهوم مدتی پیش از آن در داستان کوتاه نام های حقیقی<sup>۲۳</sup> و ژورنر وینگ و ناول شبکه فرشته ها<sup>۲۴</sup> اثر جان.ام. فورد تشریح شده بود (hill, 2009).

در فضای مجازی می توان کارکرد دو موضوع را که خاص مدرنیسم هستند را مشاهده نمود؛ استفاده روزافزون از فن آوری و روی آوردن مردم به فعالیت های اجتماعی. هرچند فضای مجازی مرهون گسترش استفاده از فن آوری های نوین ارتباطی می باشد اما هستند صاحب نظرانی که بر این باورند فضای مجازی در سایه فعالیت های اجتماعی کاربران اینترنت هویت می شود چنانکه براساس نظر مورنینگ استار و فارمر فضای مجازی بیشتر به وسیله ایجاد تعامل های اجتماعی تعریف می گردد تا پیاده سازی فن آوری، در نظر آنان واسطه کامپیوتری در فضای مجازی مجرای ارتباطی مردم واقعی را افزایش می دهد: شاخصه مرکزی فضای مجازی این است که محیطی را که تعدادی مشترک را در می گیرد به همراه توانایی تاثیرگذاری و نفوذ بر روی یکدیگر فراهم می نماید (-ardrip Fruin and Montfort, 2003.664). نفوذ و تاثیر متقابل افراد را بر روی یکدیگر در چارچوب زندگی اجتماعی فرد می توان

<sup>۲۱</sup> Cybernetics  
<sup>۲۲</sup> Cyberspace  
<sup>۲۳</sup> Cyberpunk  
<sup>۲۴</sup> True Names  
<sup>۲۵</sup> Web Of Angels

تعریف نمود. نفوذ، نوعی رابطه است که باهدف ایجاد تغییر در رفتار دیگری به وسیله یک فرآیند ارتباطی انجام می‌گیرد (ریویز، ۱۳۸۶: ۳۲). این تغییر رفتار می‌تواند تغییر نظر اندیشه‌های مخالف، شهروندان خاموش و حتی تحت فشار قرار دادن طرف مقابل را منزهه که می‌تواند دولت و یا حکومتی خاص باشد، را شامل گردد. از اولین نمونه‌های کاربرد گسترده رسانه‌ها توسط مخالفان حکومت‌ها، حرکت مسلحانه گروه زاپاتیستا در اوایل دهه نود میلادی بود که سعی کردند با استفاده از رسانه‌های ارتباطی پیام خویش را به صورت مستقل به گوش جهانیان برسانند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

### ۳-۶- تروریسم:

واژه ترور از ریشه لاتین ترس<sup>۵</sup> به معنای ترساندن و وحشت است و در عربی معاصر از لغت ارباب برای معادل آن استفاده می‌شود.

مفهوم تروریسم به معنای استفاده غیرقانونی یا بهره‌گیری تهدیدآمیز از نیرو یا خشونت فردی و یا گروهی سازمان یافته علیه مردم یا دارایی آنها به قصد ترساندن یا مجبور کردن جوامع و حکومت‌ها، اغلب به دلایل ایدئولوژیک یا سیاسی. بنابراین تروریسم عبارت است از تهدید یا استفاده از خشونت اغلب بر ضد شهروندان برای دستیابی به اهداف سیاسی برای ترساندن مخالفان یا ایجاد نارضایتی عمومی در این چارچوب، تروریسم شامل فعالیت‌هایی چون آدم‌کشی، بمب‌گذاری، کشتار بی‌هدف، هواپیماربایی و آدم‌ربایی نیز می‌شود (Baylis & Smith, 2005, p. 481).

### ۴-۶- شبکه‌های اجتماعی:

اینترنت و فضای مجازی پدیده‌ای جدیدی را با عنوان شبکه‌های اجتماعی شکل داده است که در آن سازه‌های اجتماعی مرکب از افراد مختلف جهان شرکت دارند و قادر به تعامل و ابراز نظر و مشارکت فعال در فرآیند اجتماعی شدن اعضای شبکه در قالب هویت جدیدند؛ به عبارتی نقش اصلی این شبکه‌ها برقراری ارتباط میان افرادی است که پیشینه هویتی دارند و می‌توانند در قالب این شبکه‌ها برقراری ارتباط میان افرادی است که پیشینه هویتی دارند و می‌توانند در قالب این شبکه‌ها هویت جدیدی کسب کنند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۲۷). به طور کلی شبکه‌های اجتماعی فضایی متمایز با فضای واقعی را ایجاد می‌کنند که این فضا و اتفاقاتی که در داخل آن می‌افتد قادر است تا تأثیراتی را بر فضای واقعی بگذارد. (ماه پیشانیان، ۱۳۸۲: ۱۷)

فرهنگ معاصر با تکثیر تصاویر ماشینی شناخته می‌شود که مجموعه‌ای با شکوه از چاپ، صدا و تنوع زیبایی شناختی هنری است که ما در پیدا کردن راه خود در این جنگل نمادین سرگردانیم. (جوانان و فضای اینترنت و سایبر، ۱۳۹۰: ۲۱). شبکه‌های اجتماعی پایگاه‌هایی هستند که با استفاده از یک موتور جستجوگر و افزودن امکاناتی چون چت، پیام‌رسانی الکترونیک، انتقال تصویر و صدا امکان ارتباط بیشتر را در قالب شبکه‌ای روابط فردی و گروهی فراهم می‌آورند.

<sup>۵</sup>Ters

شبکه های اجتماعی مجازی در بعد روانی به انعطاف پذیری هویتی و شکل گیری هویت های مجازی جدید منجر می شود و در بعد سیاسی، فناوری ارتباطی - اطلاعاتی، تضعیف دولت های ملی، اشاعه اطلاعات سیاسی و کاهش مشارکت سیاسی افراد و گروه ها را به همراه دارد (همان، ۱۷). شبکه های اجتماعی بر افکار عمومی و بسیج آن تأثیر می گذارند. به واسطه این رسانه ها، نوعی فضای عمومی شکل می گیرد و بسیاری افراد بی آنکه یکدیگر را ببینند و تبادل نظر کنند، مانند همدیگر فکر و در نتیجه مانند یکدیگر عمل می کنند. (احمدی، ۱۳۹۰، ۱۸)

در چنین حالتی، شبکه های اجتماعی تنها به عنوان وسیله ای سیاسی عمل نمی کنند بلکه خود به فضایی سیاسی تبدیل می شوند. همچنین این شبکه ها این امکان را به جنبش ها می دهند که روش های سنتی بیان اعتراضات خود همانند راهپیمایی ها، اعتراضات، شعارها و استفاده از نمادها را آسان تر به کار برده و آن ها را با روش های نمادین جدید ترکیب کنند. بر همین اساس این جنبش ها توانمندی بیشتری برای جذب طبقه جوان جامعه و شکل دادن به افکار عمومی دارند (همان، ۱۹).

شبکه اجتماعی، سایت یا مجموعه سایت هایی است که در آن کاربران می توانند خواسته ها، دل بستگی ها، اندیشه ها و کارهایشان را با دیگران در میان بگذارند. شبکه های اجتماعی محل گردهمایی صدها میلیون کاربر اینترنت است که بی توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ به تعامل و تبادل اطلاعات می پردازند. شبکه های اجتماعی به مجموعه ای از وب سایت های مبتنی بر فناوری وب گفته می شود که با قابلیت ایجاد شبکه و ارتباطات مجازی تعاملی در فضای سایبر به اثر گذاری بر سایت های رسمی می پردازند. این شبکه های اجتماعی امکان سازی گسترده در اینترنت را پدید آورده اند (کیا، محمودی، ۱۳۹۰: ۱۷).

شبکه های اجتماعی که مبتنی بر تعامل کاربران در ارتباط گیری، تولید و به اشتراک گذاری محتوا هستند، به وجود آمدند تا جایی که مجموع کاربران معروف ترین شبکه های اجتماعی اینترنت به بیشتر از یک میلیارد کاربر رسیده است. برخی ظهور و بروز این شبکه ها را کاملاً طبیعی و در جهت تحول موضوع ارتباطات و اطلاع رسانی می شمارند و اما بسیاری بر این باورند که در پس راه اندازی این شبکه ها به خصوص از سوی ایالات متحده آمریکا، منافع اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیتی فراوانی وجود دارد.

ما در عصر شبکه ها زندگی می کنیم و زندگی ما با شبکه های اجتماعی پیوند خورده است. شبکه های اجتماعی مجازی محیط مساعدی را برای مشارکت افراد در جامعه مجازی، برقراری روابط نمادین، کشف مجدد خود و باز تعریف هویت های دینی، سیاسی و فارغ از محدودیت ها و عوامل سرکوب کننده از طریق تعاملات مجازی و نمادین را فراهم می کنند (تحلیل گران عصر اطلاعات، ۱۳۹۰: ۴۷).

شبکه های اجتماعی به طور هم زمان چندین نقش را ایفا می کنند. نخست آنکه جریانی آسان، به روز، و کم هزینه برای برقراری ارتباط مردم با یکدیگر ایجاد نمودند؛ ارتباطی واقعی که همچون تلویزیون، رادیو و مطبوعات از مجرای یک واسطه صورت نمی گیرد و علاوه بر آن همه کاربران می توانند در انتقال اخبار و ایده ها مشارکت داشته باشند. دیگر اینکه ویدئوها و تصاویر زیادی از رویدادها و اخبار به صورت آنلاین در اختیار مردم قرار می گیرد، بنابراین جایی برای هدایت افکار عمومی از طریق ارائه اخبار گزینشی از سوی منابع رسمی وجود ندارد. بدین ترتیب، اکثر مردم به جای پیگیری اخبار از طریق رسانه های رسمی کشور به شبکه های اجتماعی روی

آوردند؛ شبکه‌هایی که از آن خودشان است و خودشان آن را پوشش خبری می‌دهند. از طرف دیگر، این شبکه‌ها جای احزاب و گروه‌ها و سازمان‌ها را در جنبش‌های اعتراضی مشابه در سال‌های قبل گرفته‌اند. دیگر نیازی نیست برای اعتراض عضو سازمان و یا حزبی ویژه شد و نیز نیازی نیست تحت آموزش رهبران این گروه‌ها قرار گرفت، بلکه در بسیاری از موارد این رهبران سیاسی هستند که تحت تأثیر حرکت‌های خودجوش مردمی که در این فضاها شکل می‌گیرد و به بیرون هدایت می‌شود قرار می‌گیرند و به تحلیل آن می‌پردازند. به این ترتیب مردم یک کشور از طریق این فضای تازه بدون واسطه با یکدیگر ارتباط دارند و نیز علاوه بر آن با بقیه مردم دنیا می‌توانند به طور آسان ارتباط برقرار کنند. در این میان، نقش‌آفرینی شبکه‌های اجتماعی نظیر «فیس‌بوک» و «توییتر» در فرایند جهت‌دهی به افکار مردم و همچنین بسیج نیروها در این کشور توسط شبکه‌های اجتماعی موضوعی است که در دو مرحله صورت می‌پذیرد. در مرحله اول شبکه‌سازی در فضای مجازی و در مرحله بعدی شبکه‌سازی در فضای واقعی (کبریایی زاده، ۱۳۹۰).

### ۶-۵- جهانی شدن:

جهانی شدن، فرآیند پیچیده‌ای است که فقدان درک صحیح و تعریف مشترک از این مفهوم زمینه ساز مباحث متعددی شده است، به گونه‌ای که بر مبنای تلقی‌های مختلف و تعاریف گوناگون، نظریه‌های متعددی ارائه شده است. در ورای همه مباحث مناقشه‌انگیز و دیدگاه‌های متضاد، واقعیت انکارناپذیری وجود دارد و آن این است که از هر زاویه و از هر منظری به جهانی شدن توجه شود، در هر صورت نشان‌گر نوعی تغییر و تحول در نظام بین‌المللی است. تعاریف متعددی در مورد جهانی شدن وجود دارد که نشان می‌دهد درباره این مفهوم، اتفاق نظر کمتری وجود دارد. در سطح تحلیل کلان، مارتین آلبرو، جهانی شدن را به فرآیندهایی که براساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند تعریف می‌کند. ملکوم واترز نیز جهانی شدن را فرآیندی می‌داند که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۳۷۹: ۴۵). آنتونی مک‌گرو نیز معتقد است در جهانی شدن، الگوی فعالیت‌های مختلف بشری به سوی فرا قاره‌ای و بین منطقه‌ای شدن در حرکت است، هم‌چنین جهانی شدن در تمام حوزه‌های زندگی مدرن در ابعاد مختلف، ظهور و بروز دارد. از این رو یک فرآیند چند بعدی است. وی ضمن تأکید بر بعد ارتباطی جهانی شدن، ویژگی‌های ذیل را برای آن مطرح می‌کند: اولاً در فرآیند جهانی شدن فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اعتقادی بر ماورای مرزهای ملی تأثیر می‌گذارند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. ثانیاً حجم کنش متقابل افزایش می‌یابد و نظام جدید جهانی ایجاد می‌گردد. ثالثاً شدت و وسعت ارتباطات افزایش می‌یابند و زمان و مکان فشرده می‌شوند. رابعاً ارتباطات در حال رشد مسائل جدیدی در سطح فراملی ایجاد می‌کنند که دغدغه عمومی بشر هستند و حل و فصل آن‌ها نیازمند همکاری جهانی می‌باشد. خامساً شبکه‌های به هم فشرده، که بازیگران ملی را محدود می‌نمایند، شکل می‌گیرند و حاکمیت و خودمختاری آنان را کاهش می‌دهند (تریف، ۱۳۸۳: ۵۷). در بخشی از تعریف‌ها، به جنبه اقتصادی جهانی شدن نیز توجه شده است. به عنوان مثال سیموز در تعریف جامع‌تری از جهانی شدن، ویژگی‌های این پدیده را چنین بیان می‌کند: در فرآیند جهانی شدن مرزهای ملی برای جداسازی بازارها، اهمیت خود را از دست می‌دهند. فعالیت‌های تولیدی فرامرزی، تخصصی می‌شوند و بنابراین، سبب شکل‌گیری شبکه‌های تولیدی چند ملیتی می‌گردند. از سوی دیگر قدرت‌های چندپایه تکنولوژیک شکل می‌گیرند که این امر در نهایت به همکاری‌های بیش‌تر بین



بناگاه های بین المللی منتهی می شود. هم چنین شبکه اطلاعاتی جهانی، همه جهان را به یک دیگر مرتبط و وابسته می کند. و در آخر همبستگی بیشتری در مراکز مالی دنیا به وجود می آید.

جهانی شدن چه به عنوان پروسه و چه پروژه در هر حال دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خاصی است. البته با توجه به این که امروزه بیش از هر زمان دیگر شاهد نوعی تداخل و تلفیق در حوزه های حیات بشری هستیم و اساساً نمی توان میان فرهنگ و سیاست، اقتصاد و سیاست و بالاخره تکنولوژی و ایدئولوژی تفکیک مطلق انجام داد، باید با در نظر گرفتن مجموعه ای از عوامل و به شکل تلفیقی به این پدیده نگریست. باری آکسفورد با عنایت به همین نکته از ضرورت یک رهیافت فهم درست پیامدها و ماهیت جهانی شدن عام و چند بعدی یاد نموده، می گوید مستلزم رهیافت چند بعدی است؛ رهیافتی که نسبت به روابط میان ویژگی های نظام جهان گیر در حوزه های سیاست، اقتصاد و جامعه پذیری و نسبت به تعامل بازاندیشانه میان تنوع فزاینده کارگزاران و ساختارها و صورت های فرهنگی که به شکلی فزاینده (آکسفورد، ۱۳۷۸: ۴۳).

#### ۷- محیط شناسی:

##### ۷-۱- عراق:

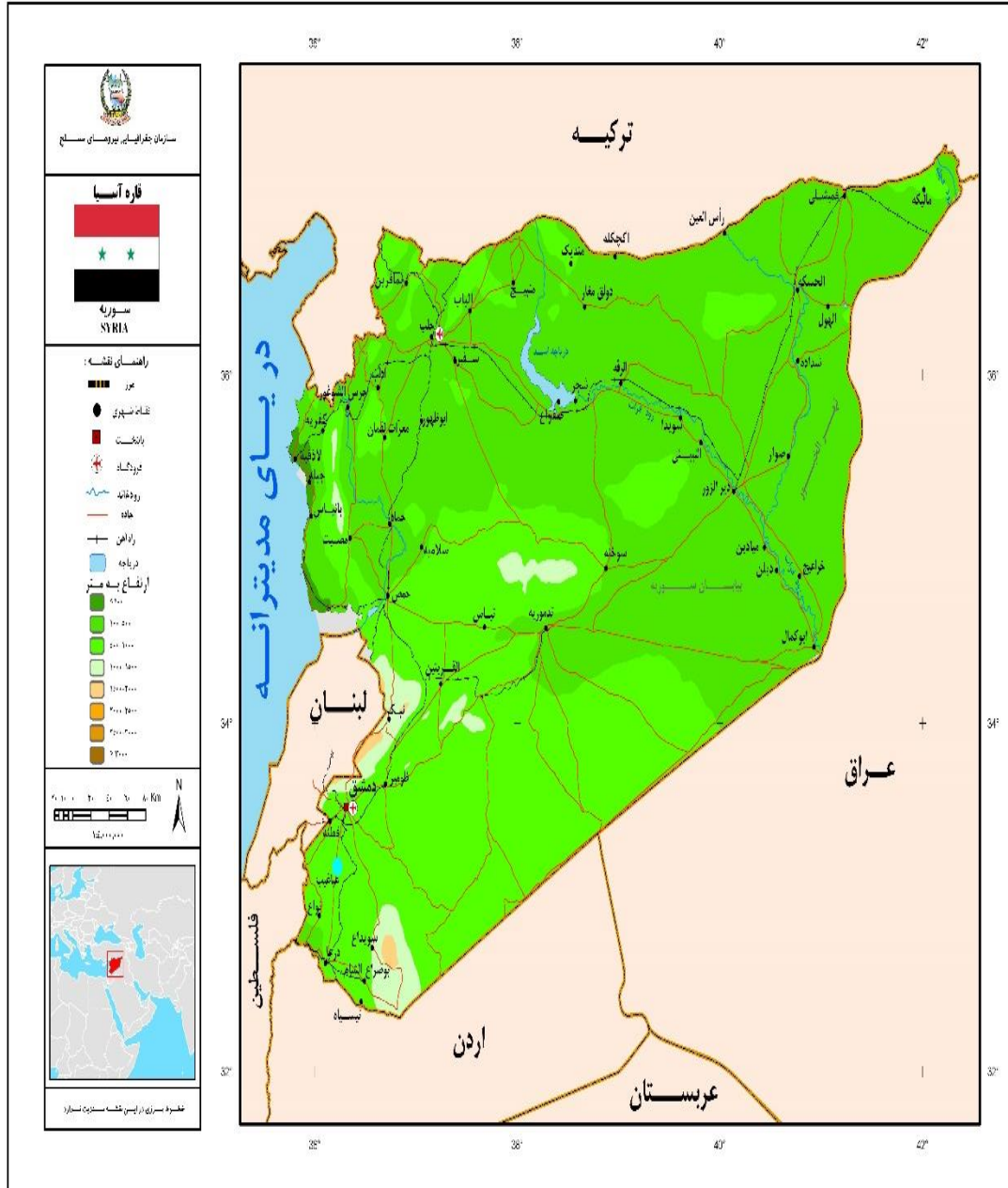
عراق دارای موقعیت جغرافیایی و سیاسی مهمی در منطقه خاورمیانه است. این کشور از طرف شمال به ترکیه، از غرب به سوریه و اردن، از جنوب به عربستان، از جنوب شرقی به کویت و از شرق به جمهوری اسلامی ایران محدود است.

کل مرزهای عراق ۳۸۵۹ کیلومتر می باشد که از میان ۱۶۰۹ کیلومتر با ایران، ۱۸۱ کیلومتر با اردن، ۲۴۰ کیلومتر با کویت، ۸۱۴ کیلومتر با عربستان سعودی، ۶۰۵ کیلومتر با کشور سوریه و ۳۵۲ کیلومتر با کشور ترکیه مرز مشترک دارد، طول نوار ساحلی این کشور در خلیج فارس که تنها مسیر دسترسی به آبهای آزاد است حدود ۵۸ کیلومتر می باشد (نامی، محمدپور، ۱۳۸۸: ۲۸).

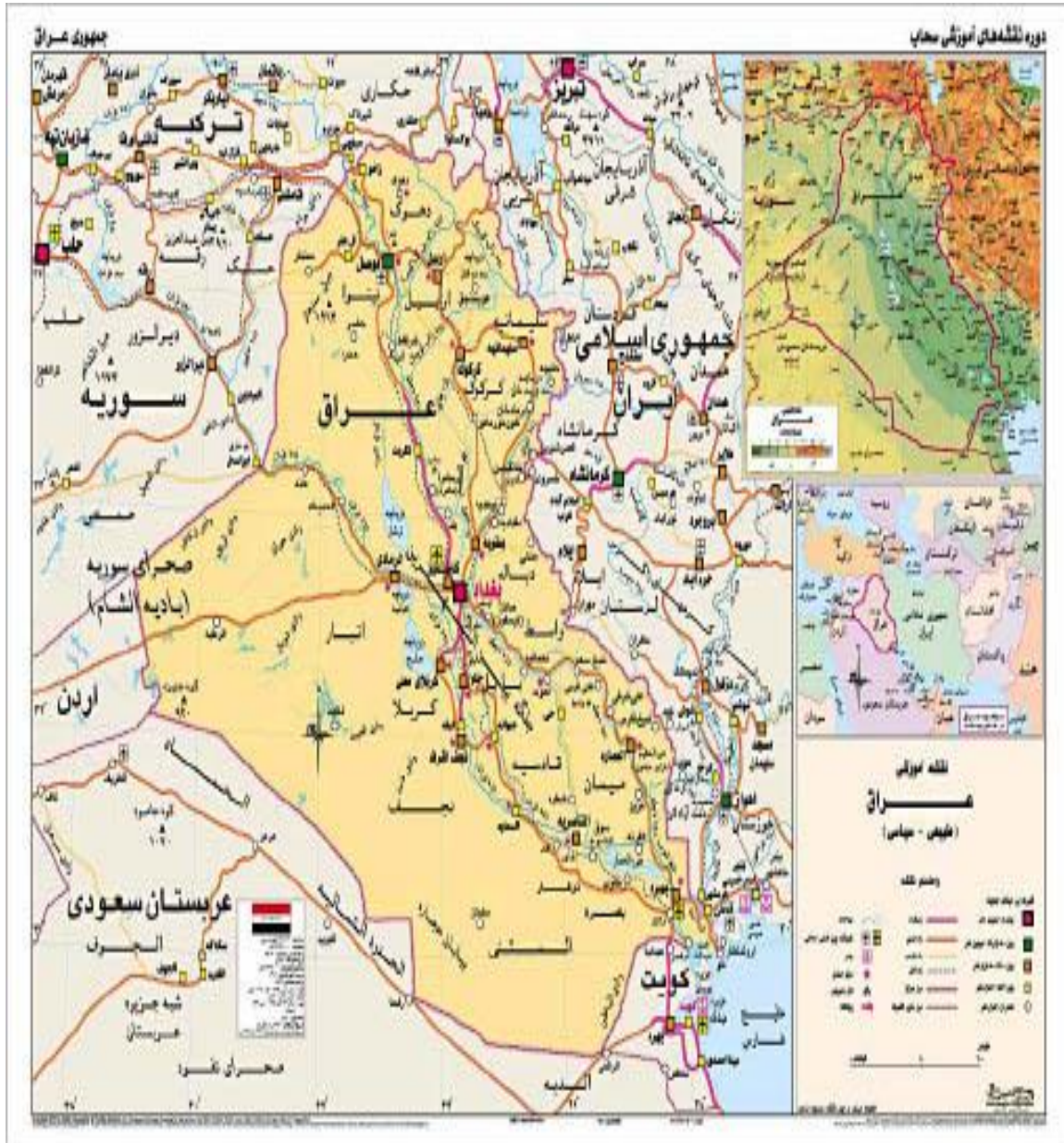
##### ۷-۲- سوریه:

سوریه کشوری با مساحت ۱۸۵ و ۱۸۰ کیلومترمربع (۷۱۴۹۸ مایل مربع) و جمعیتی در حدود ۱۷ میلیون نفر می باشد. سوریه از شمال به ترکیه، از غرب به لبنان و دریای مدیترانه، از جنوب به اردن و رژیم اشغالگر صهیونیستی و از شرق به عراق محدود است.

کشور سوریه آب و هوای مدیترانه ای با زمستان های خشک و تابستان های گرم دارد. میزان حرارت و بارش باران در نوار ساحلی با مناطق مرکزی و شرقی کشور تفاوت زیادی دارد. میزان بارندگی در بعضی نواحی غربی گاهی به ۱۰۰ سانتیمتر در سال می رسد. در اکثر نقاط کشور برف می بارد. از نظر جغرافیایی سوریه را می توان به دو قسمت اصلی تقسیم نمود (سوریه، ۱۳۷۴: ۱-۲).



نقشه (۱): نقشه سیاسی کشور سوریه



نقشه (۲): نقشه سیاسی کشور عراق [www.bargozideha.com](http://www.bargozideha.com)

## ۸- یافته های تحقیق:

### ۱-۸- تروریسم در عصر حاضر:

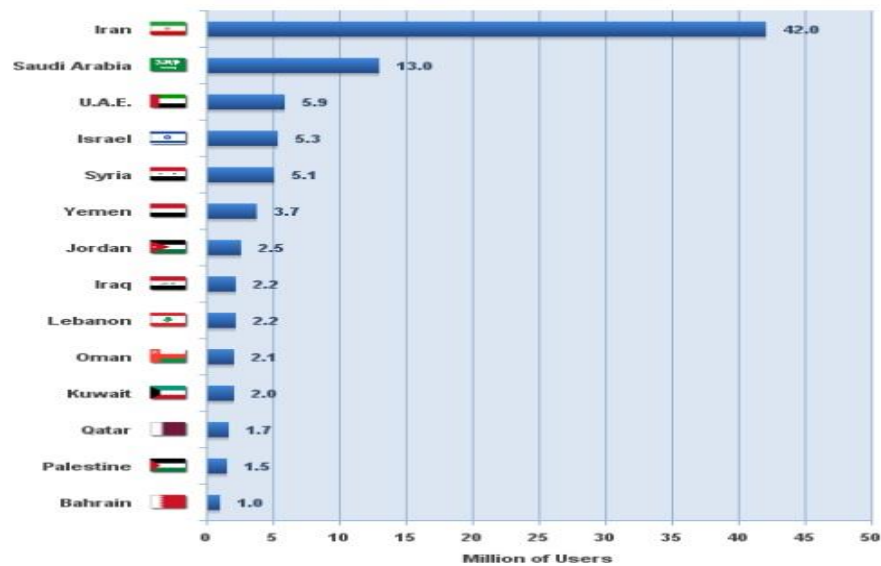
تروریسم از این جهت چهره جدید جنگ تلقی می شود که در دنیای کنونی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی و در عمل راه بر ایجاد منازعه یا جنگ واقعی بین گروه های معارض با دولت یا (دولت وابسته شده) است. در سطح بین المللی با تک قطبی شدن جهان و بی رقیب شدن ایالات متحده و دولت های طرفدار آن، کشورها یا گروه های مخالف را که قدرت رویارویی با توان ابرقدرت های جهان ندارند؛ به طرف اقدام های خشونت آمیز مخفیانه و نامتقارن سوق داده است. در سطح ملی نیز پس از استقلال کشورها و تحکیم نسبی آن ها، تنها راه مقابله خشونت آمیز برای گروه های مخالف با قدرت حاکم، اقدام های تروریستی است.

قبل از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱م، مبارزه با تروریسم یا پیشگیری از آن بیشتر بر عهده اراده جهانی در قالب کنوانسیون های بین المللی نهاده شده بود که این نوع از قانونگذاری با تصویب ۱۲ سند بین المللی بر جهانی بودن سرزنش و تقبیح تروریسم تاکید داشت. اما پس از حمله تروریست ها به مواضع تجاری و دفاعی ایالات متحده در یازده سپتامبر، کنوانسیون های بین المللی برای مبارزه با تروریسم ناتوان تشخیص داده شد و به تدریج رویکرد جهانی مبارزه با تروریسم تضعیف یافته و غیر از مواردی که قطعنامه های شورای امنیت به صورت موردی برای تامین اهداف اعضای آن تصویب می شد و اثری از اراده همه کشورها در شکل گیری این مصوبات موجود نبود؛ مبارزه با تروریسم یا پیشگیری از آن به طور جدی طریق امنیتی شدن را گزیده و در اولویت قانونگذاری داخلی اکثر کشورها قرار گرفت که ایالات متحده با تصویب قانون پاتریوت در کمتر از سه ماه از تاریخ حملات تروریست ها به این کشور، جزء پیشتازان امنیتی کردن قوانین جزایی مرتبط با اقدام های تروریستی شد. به دنبال آمریکا، کشورهای دیگر نظیر انگلیس، هندوستان، ایتالیا، عراق، کانادا. اقدام به تصویب قوانین ضد تروریسم کردند که در این میان انگلستان از سال ۲۰۰۱م، تا کنون سه قانون مجزا در ارتباط با تروریسم به تصویب رسانده است (همان: ۱۲۰).

بخش عمده ای از نسبیت مفهومی تروریسم و تحول مصادیق آن وابسته به نسبیت مفاهیم مقدمه بر آن است. مفاهیمی چون امنیت ملی و منافع ملی از جمله مفاهیم مقدم بر تروریسم قلمداد می شوند و رویکرد خاص سنت به مفهوم امنیت و منافع ملی کاملاً بر درک تروریسم و حتی مصادیق آن موثر بوده است. در واقع مفهوم امنیت و منافع در زمان ها و کشورهای مختلف و نیز سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی متغیر و نسبی است، بنابراین مفهوم تروریسم نیز به عنوان شبه متغیر وابسته متأثر از این نسبیت

خواهد بود. از این منظر هر نوع تلاش برای دستیابی به تعریف مشترک از تروریسم و تروریسم بین المللی و نیز اجماع و اتفاق بر مصادیق خاص به تلقی مشترک از امنیت و منافع بویژه در سطح بین المللی بستگی دارد (ره پیک، ۱۳۸۱: ۲۲۰). در قوانین ضد تروریسم کشورها معضل مفهومی و مصداقی تروریسم به این صورت حل شده است که قانونگذاران این کشورها هرگونه اقدام خشونت آمیز علیه امنیت ملی یا تهدید به آن را اقدام های تروریستی دانسته و برای حفظ منافع ملی و حاکمیت سیاسی اهمیتی برای انگیزه های سیاسی مرتکب یا مرتکبان و یا شیوه ارتکاب اعمال خشونت آمیز قائل نیستند. در واقع سوق دادن قانونگذاری در راستای مبارزه با تروریسم و پیشگیری از آن به طرف قانونگذاری ملی و داخلی با هدف پیش کشیدن امنیت ملی بود تا هرگونه تهدید یا خشونت علیه امنیت ملی هرچند با عالی ترین انگیزه های انسانی محقق گردد، به تدبیر کیفر دفع شود. در واقع گرایش امنیتی دولت های غربی، این تئوری را که فقط دولت های اقتدارگرا و مستبد، قدرت پلیس و شدت اقدامهای آن را برای صیانت از نظام تقویت می کنند و مجالی برای مخالفت علنی و قانونی نمی گذارند و مخالفان خود را همواره با نام دشمنان امنیت ملی سرکوب می کنند (آشوری، ۱۳۷۶: ۳۹).

**Middle East Internet Users  
June 30, 2012**



Source: Internet World Stats - [www.internetworldstats.com/stats5.htm](http://www.internetworldstats.com/stats5.htm)  
Approximately 90,000,455 Internet users in the Middle East as of 2012 Q2  
Copyright © 2012, Miniwatts Marketing Group

نمودار (۱): میزان کاربران شبکه های اجتماعی در جنوب غرب آسیا

۸-۲- تاثیر فناوری اطلاعات بر گسترش تروریسم:

تحولات جدید در عرصه‌های مختلف نظیر ارتباطات علوم پایه، فیزیک، شیمی، باعث شده است که مفهوم تروریسم به عنوان یک عامل فراملی و پیچیده مطرح گردد.

ترور همیشه از سوی مردم و یا یک فرد متوجه حکومت و دولت نبوده است. برعکس برخی از حکومت‌ها آن را به صورت یک کانون قوی و سازمان یافته مطرح کرده‌اند. ترور از نیمه دوم قرن نوزدهم به عنوان یک روش مورد استفاده آنارشیست‌ها به صورت اقدام به خشونت شناخته شده است. در یک مفهوم جزئی می‌توان ترور را به عنوان یک حرکت و اقدام خشن با هدف سیاسی تعریف نماییم.

تحولات شگرف و سریع در حوزه ارتباطات و اطلاعات باعث شده است. که این حوزه به عنوان یکی از فضاها مهم برای انجام اعمال تروریست‌ها مهیا گردد. این گروه‌ها به لطف پیشرفت حیرت‌انگیز تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات اهداف سیاسی خود را به این شیوه مدرن دنبال می‌کنند. در واقع این گروه‌ها میدان تاخت و تاز خود را به (فضای مجازی) کشانده‌اند.

تروریست‌ها این بار نیز با بهره‌گیری از علم و تکنولوژی هر نقطه از جهان را مدنظر قرار دهند و بخواهند، مورد حمله قرار می‌دهند. آن‌ها در حکم آشوبگران دوره گردی هستند که هر جا منافع آنان ایجاد کند امنیت کشور مورد نظر را مورد حمله قرار می‌دهند و بساط ترور، وحشت، خود را در این فضای مجازی پهن می‌نمایند.

اعمال و اقدامات، تروریست‌ها در عصر اطلاعات در فضای مجازی به (تروریسم مجازی) معروف است یکی از دلایل ورود تروریست‌ها به این فضای جدید، ناشی از کم هزینه بودن، سریع‌تر بودن و فضای زیادی است که می‌توانند در آنجا مانور بدهند.

### ۳-۸- فضای مجازی عرصه رقابت بین الملل:

دسترسی توده‌های مردم به فضای مجازی از یک سو و آزادی تولید و ارائه اطلاعات از سوی دیگر امکان شکل دادن به عقاید و افکار عمومی را برای بازیگران سیاسی فراهم آورده است. تلاش در جهت دهی به افکار جامعه یکی از اهداف رقابتی بازیگران سیاسی است. از این رو تبلیغات سیاسی، زمینه سازی برای نفوذ در جوامع دیگر و فراهم آوردن زمینه‌های مقبولیت بازیگران در افکار عمومی از نتایج این رقابت‌ها است. توزیع نامتوازن اطلاعات، تاثیر آگاهانه دولت بر توزیع نامتوازن اطلاعات و استفاده از روش‌های سانسور و تاثیرگذار بر افکار عمومی از جمله اقداماتی است که غالباً دولت‌ها به دنبال آن هستند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۲۷۸). فضای مجازی در مقابل فضای واقعی، علی‌رغم ماهیتی فرصت‌ساز، ماهیتی تهدیدکننده نیز دارد بحران هویت و گسترش احساس عدم اطمینان و ایجاد تعارض میان هویت‌ها در شبکه‌های مجازی از جمله عوامل تهدیدکننده امنیت محسوب می‌شود که ریشه در مجازی سازی و گسترش ارتباطات در بعد جهانی دارد. فضای مجازی امکان تبادل اطلاعات را بدون توجه به مرز بندی‌های سیاسی، اخلاقی و اجتماعی فراهم می‌آورد و به این ترتیب زمینه انتقال اندیشه تعارض بین هویت‌ها را فراهم می‌آورد (متقی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

#### ۴-۸- تاثیر فضای مجازی در شکل گیری و توسعه تروریسم در بحران های ژئوپلیتیکی در کشورهای عراق و سوریه :

باتوجه به گسترش اقدامات بنیاد گرایانه در کشورهای عراق و سوریه و استفاده این گروه ها از شکاف های مذهبی و اختلافات قومی و زبانی در این کشورها و انتصاب اقدامات و جنایات این گروه ها از عوامل اسلامی می توان عنوان کرد که این گروهها با استفاده از تکنیک ها و تاکتیک های رسانه ای سعی در نمایش غیر واقعی از اسلام در این کشورها داشته و با اقدامات تبلیغی در فضای مجازی سعی دارند مردم کشورهای اسلامی را جنگ طلب و ستیزه جو قلمداد نمایند. به طور مثال نمونه بارز استفاده تروریست ها از فضای مجازی در بحران ها و چالش های ژئوپلیتیکی در دو کشور عراق و سوریه می توان به اقداماتی از قبیل عضو گیری جوانان کشورهای مختلف، با استفاده از پیشنهاد های مالی هنگفت، تبلیغ، ایدئولوژی های وهابیت و سلفی گری افراطی، ایجاد جنگ روانی در کشورهای هدف، آموزش نظامی و قراردادن برنامه های عملیاتی در اختیار گروه های تروریستی، ایجاد ارتباط، هماهنگی، سازماندهی، اتحاد و اتفاق نظر در بین همه گروه های تروریستی با استفاده از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی در کشورهای عراق و سوریه را می توان اشاره نمود.

#### ۹- راهکارها و پیشنهادات:

حل بحران های ژئوپلیتیکی مستلزم شرایط شرایط زیر است:

۱. وجود فضای حسن نیت و روابط دوستانه بین طرفین موضوع بحران نظیر تعیین خطوط مرزی خشکی و دریایی (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ۱۲۸).
۲. تقسیم پذیر بودن ارزش جغرافیایی و منفعت متعارض، به گونه ای که هر کدام از مدعیان به سهم مناسبی دست یابند و رضایت آن ها حاصل آید (حافظ نیا، ۱۳۹۰، ۱۲۸).
۳. نا متوازن بودن مناسبات قدرت، به طوری که یک طرف منازعه قدرت برتر برخوردار بوده و در سایه قدرت نمایی خود رقبا و طرف های مقابل خود را مجاب به پذیرش خواسته خود بکند و کنترل ارزش جغرافیایی مورد منازعه را دست بگیرد (همان)

#### ۱۰- نتیجه گیری:

اقدامات تروریستی در سراسر جهان به شدت افزایش یافته است و در این میان افزایش عملیات هایی که با انگیزه های مذهبی صورت می پذیرند چشم گیر است. نظر به تحولات اخیر در جنوب غرب آسیا برخی بر این عقیده اند که اشتباه محاسباتی آمریکا و متحدانش در منطقه یکی از دلایل افزایش تروریسم اسلامی است و برخی پیشینه این امر را به دهه هشتاد و حمایت آمریکا از مجاهدین در افغانستان برمی گردانند. اگرچه همه این موارد می توانند برخی از حقیقت را بیان کنند اما تقلیل مسئله صرفاً به اشتباه محاسباتی غرب ساده سازی موضوع است تروریسم نیز دیگر صرفاً به معنای بمب گذاری و عملیات های مسلحانه نیست و دایره گستره تری پیدا کرده است. به علت وابستگی های زندگی روزمره مردم (از قبیل ارتباطات و رفت و آمد، انرژی، منابع غذایی و آبی) به تکنولوژی های مدرن

امکان عملیات های تروریستی و خرابکاری سایبری که می توانند لطمه های جدی به مردم وارد کنند به شدت افزایش یافته است. به همین خاطر است که برخی از تروریسم مدرن با عنوان خصوصی سازی جنگ یاد می کنند.

اگرچه با قدرت گیری گروه ها و سازمان های غیردولتی تهدیدهای امنیتی شکل جدیدی به خود گرفته و حالت فرا ملیتی پیدا کرده اند اما دولت ها کماکان برتری نسبی خود را داشته و مسئولیت اصلی حفاظت از شهروندان بر دوش آنها است. به تبع فرآیند جهانی شدن کشورهای جهان (مخصوصاً در غالب منطقه ای) تهدیدهای امنیتی کشورها به سادگی می توانند به کشورهای دیگر گسترش پیدا کنند. به عنوان مثال به خاطر برداشتن مرزهای میان کشورهای اروپایی یک گروه تروریستی که در یک کشور مستقر است در صورت مهار نشدن به راحتی می تواند در سایر کشورهای اتحادیه نیز اقدام به عملیات کند. باری بوزان یکی از مطرح ترین نظریه پردازان در حوزه مطالعات امنیتی این وضعیت را مجموعه های امنیتی ۶گانه نامد. مجموعه امنیتی به گروهی از کشورها اطلاق می شود که به خاطر مجاورت جغرافیایی و درهم تنیدگی، ملاحظات یکسانی نسبت به امنیت داشته و بنابراین نمی توان امنیت ملی هر یک را بدون در نظر گرفتن سایر کشورها بررسی کرد.

دولت اسلامی (داعش) مثال خوبی برای نمونه مدرن تروریسم بین الملل است. این گروه اگرچه در سوریه و عراق در غالب یک گروه شبه نظامی حضور میدانی داشته و در سودای احیای خلافت اسلامی است اما در سایر کشورهای منطقه و حتی در کشورهای غربی حضور سیال داشته و هوادار دارد و هر کدام از هواداران آن در هر کجای دنیا به صورت بالقوه قادر به انجام عملیات تروریستی اند. گروگان گیری اخیر در استرالیا و حمله به مجله چارلی ابدو در پاریس عمق خطر را نشان می دهد. چنانچه اشاره شد انقلاب انفورماتیک امکان ارتباطی و تبلیغاتی خوبی برای چنین گروهی است و استفاده حرفه ای داعش از شبکه های اجتماعی برای گسترش پیام خود و ایجاد رعب و وحشت در جهان هم نشان می دهد که این گروه کاملاً به این امکان واقف بوده و از آن استفاده می کند. بنابراین این گروه ها با استفاده از منابع مالی که کشورهای غربی و هم پیمانان منطقه ای آنها در اختیار می گذارند ابعاد جنایات و وقوع بحران های ژئوپلیتیکی را در کشورهای عراق و سوریه گسترش می داد.

بانگش به این موضوعات می توان اینگونه عنوان کرد که تروریسم امروزه مسئله مشترک همه جوامع بشری بوده و همه جوامع اعم از توسعه یافته و در حال توسعه را متاثر نموده است.

و می توان اظهار نمود که تنها راه حل بحران های ژئوپلیتیکی تعامل و اجماع کشورهای جهان و ایجاد یک دیدگاه مشترک که فارغ از همه ادیان، زبان ها، فرهنگ ها و قومیت ها را بوجود آورده یک حس مشترک همدلی و وفاق بین المللی را ایجاد نماید بطوریکه وقوع هر بحران و حادثه غیر مترقبه در هر گوشه از جهان دل همه انسانهای آزاد و نوع دوست را به درد آورده و وادار به موضع گیری و اقدام موثر در جهت رفع این بحران ها و فجایع بعمل آورند.



## منابع و ماخذ:

- نامی، محمد حسن و محمدپور، علی (۱۳۸۷)، جغرافیای کشور عراق با تاکید بر مسائل ژئوپلیتیک، انتشارات سازمان جغرافیایی ن.م، چاپ اول، تهران.
- احمدی، رقیه، محمد مجیدی، پریسا محمدی، و سمیه کریمی تنها، (۱۳۹۰)، گذری بر پدیدار شدن و تأثیرات شبکه های اجتماعی، ماهنامه وب، سال ۱۱، ش ۱۳۰.
- تحلیل گران عصر اطلاعات، (۱۳۹۰)، گزارشی از همایش شبکه های اجتماعی مجازی و زندگی روزمره، سال ۵، ش ۴۴.
- جوانان و فضای اینترنت و سایر، ش ۱۷۹، اردیبهشت ۹۰.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی فضای مجازی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ش ۲۸۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، جلد ۲، تهران، طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، جلد ۱، تهران، طرح نو.
- کیا، علی اصغر، و عبدالصمد محمودی، (۱۳۹۰)، نقش شبکه های اجتماعی در انقلاب تونس، مجله سیاسی - اقتصادی، ماه پیشانیان، مهسا، " شبکه های اجتماعی و آسیب های سیاسی و روانی "، ره آورد نور، ش ۳۵.
- میر پنهان، سید مسعود، " امنیت در شبکه های اجتماعی "، ماهنامه جوانان سرباز.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۱)، تحلیل تروریسم در نسبت مفهومی امنیت و منافع ملی، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۶)، دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ چهارم.
- جی بدی، توماس (۱۳۷۸)، تعریف تروریسم بین الملل: نگرش علمی، ترجمه سیدرضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵-۶، پاییز - زمستان.
- واترزه، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه مردانی گیوی، اسماعیل و مریدی، سیاوش، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، پژوهشکده مطالعات راهبردی چاپ اول، زمستان.

سوریه ( ۱۳۷۴ )، ابراهیم سعیدی ، وزارت امور خارجه ، موسسه چاپ و انتشارات ، مباحث کشور ها ۳۶، تهران.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، جغرافیای سیاسی فضای مجازی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها ( سمت ) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی .

متقی، ابراهیم ( ۱۳۸۳ )، ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری جنگ های جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد دفاعی ، شماره ۲.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها ( سمت ) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی .

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹)، خلیج فارس: کشورها و مرزها، تهران: انتشارات عطایی.

Beck, A & Bennett, B. (2002) Communication Studies: The Essential Introduction, London: Routledge.

Public Opinion Association, Fontainebleau Resort, Miami Beach, 2008/10/10.

Rhys, R. (1946) Rhetoric in the Works of Aristotle, London: Oxford University.

Smith Michael, International Security: politics, policy, prospects, Palgrave Macmillan, 2010

<http://www.Wikipedia.org>.

Pitea, F. (2002) [http://www.geocities.com/them\\_addancinyyod/infinn.html](http://www.geocities.com/them_addancinyyod/infinn.html)

## محور مقاومت و نقش ژئوپلیتیک آن در تحقق تمدن نوین اسلامی

حسین مصطفی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

### چکیده

بر خلاف جنبش‌ها و حرکت‌های قبلی در منطقه و حتی جهان که معمولا در حوزه نفوذ دو قدرت شرق و غرب تفسیر پیدا می‌کردند ، با اتخاذ رویکرد "نه شرقی نه غربی" از سوی جمهوری اسلامی، ایران موضع متفاوتی را نسبت به این نظام بین‌الملل دوقطبی تبیین کرد. این نظریه تاکید بر این داشت که ایران در پی تشکیل قطب جدیدی از قدرت در عرصه بین‌الملل است و بی تردید از جمله الزامات آن صدور آموزه‌های انقلاب اسلامی و به دنبال آن تشکیل گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه و سپس وقوع بیداری اسلامی و زمینه‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود. / این مقاله با روش تاریخی و برگرفته از اسناد کتابخانه ای در پی بررسی این مسیله می باشد .

**کلید واژه :** بیداری اسلامی ، جبهه مقاومت، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، صدورانقلاب

## ۱- مقدمه

شرایط جدید نظام بین الملل باعث شده مولفه های جدیدی در ساختارهای رسمی بین الملل نقش ایفا کنند و کشورها برای تامین منافع ملی خود ابزارها و راههای جدیدی را بکار گیرند که مهم ترین آنها را می توان بهره گیری از قدرت نرم دانست ایران زمانی می تواند از قدرت نرم خود بهره ببرد و به تقویت قدرت ملی خود دست یابد که استراتژی، راهبرد و نیز ارزش های مطلوب خود را به گونه ای ارائه دهد که از دو بعد ملی و فرا ملی مؤلفه های تولید قدرت خود نهایت بهره برداری را بعمل آورد.

آن گاه که انقلابیون با حرکت های انقلابی، در ساختار اجتماعی و سیاسی حاکم بر یک اجتماع دگرگونی ایجاد می کنند و نظام جدیدی را بوجود می آورند، در پی آنند که آن را به دیگر جوامع سرایت دهند تا به فطرت نوع دوستی خود پاسخ مثبت داده باشند، زیرا نظم استقرار یافته جدید را بهتر از نظم های حاکم بر بسیاری از کشورها میدانند و با صدور انقلاب اسلامی و شکل گیری جبهه مقاومت و بیداری اسلامی و زمینه سازی تحقق تمدن نوین اسلامی می خواهند در این زمینه مسئولیت اجتماعی و انسانی خود عمل کنند و از سوی دیگر علاوه بر حفظ انسجام داخلی و تقویت قدرت ملی با جذب گروهها، ملت ها و دولت های مستقل، بر آنند تا سیاستی همراه با سیاست کشور انقلابی خود در پیش بگیرند، خاصه نسبت به اصول اساسی حاکم بر انقلاب در سیاست خارجی.

## پیشینه تاریخی

بررسی تاریخ انقلاب ها، نشان می دهد صدور انقلاب به عنوان امری لازم برای همه انقلاب ها تلقی می شود. در این راستا انقلابیون فرانسه به طرح و مقوله صدور انقلاب توجه جدی داشتند. آن ها آغازگر رهگشای بسیاری از انقلاب های جهان شدند که مبتنی بر اندیشه ناسیونالیسم بود و بر اساس آن، مفاهیم وطن، شهروند، آزادی، میهن، معنای تازه ای پیدا کردند و فرانسه در این راستا برای صدور انقلاب به خارج مرزها به لشکرکشی نظامی مبادرت کرد. برای مثال ناپلئون در ۱۸۰۶ به پروس لشکر کشی نمود و در این جنگ زمامداران این کشور را متقاعد کرد که اصلاحات اساسی انقلاب فرانسه، تنها وسیله تجدید حیات مملکت مزبور است.

بر این اساس صدور اندیشه های برآمده از انقلاب فرانسه باعث شد بطور کلی اقتصاد اروپا که در قرن نوزدهم تحت تاثیر انقلاب صنعتی انگلیس بود، ایدئولوژی آن تحت تاثیر انقلاب لیبرالیستی فرانسه شکل گیرد و از وقوع انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) تا انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷)، سیاست اروپا عمدتاً در مبارزه له یا علیه اصول و دستاوردهای انقلاب فرانسه خلاصه می شد.

بر خلاف دو انقلاب فرانسه و روسیه که در موضوع صدور انقلاب از قوای قهریه و راه اندازی جنگ و تهاجم استفاده شد، انقلاب اسلامی بر مبنای اقتناع عقلی و منطقی صورت گرفت و به همین دلیل راهبردهایی که برای پیروزی آن بکار گرفته شد، از سنخ اندیشه و در حوزه فرهنگی قرار دارد و صدور انقلاب آن نیز از سنخ اندیشه و تفکر است.

برای صدور آموزه های انقلاب اسلامی، به دلایل گوناگون از جمله اشتراکات زیاد فرهنگی بین ملت های مسلمان بخصوص در غرب آسیا و شمال آفریقا زمینه های گوناگونی هم از لحاظ میزان جمعیت، مسلمانان، وسعت سرزمین مسلمانان، هم از لحاظ مناطق استراتژیک و حساس جهان و از لحاظ ژئوپلیتیکی وجود دارد.

از نظر ساختاری نیز التفات به صدور انقلاب اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخصوص مقدمه آن، بند ۱۶ اصل پنجاه و چهارم آمده است که نشان از اندیشه جهان گرایی تدوین کنندگان قانون اساسی در قالب آموزه های انقلاب به جهان بوده و از پشتوانه نظری نیز برخوردار است.

### ۲- مبانی نظری:

به لحاظ نظری، جهانی بودن دین اسلام، حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان و هم چنین اندیشه مهدویت و اعتقاد به تشکیل حکومت جهانی در شیعه به مثابه مبانی نظری و اقدام عملی برای صدور انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار می رود.

جهان شمولی اسلام، به این معنا که آموزه های آن به گروه، نژاد و یا جغرافیای خاصی محدود نمی گردد و پیام آن رهایی انسان از قیود محدود کننده مادی و رهایی از سلطه طواغیت است. بر همین مبناء در آغاز انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) به صراحت اعلام کردند؛ "ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی کنیم کنار بگذاریم".

از جمله مسلمات انقلاب اسلامی دفاع از حقوق همه مسلمین و مستضعفین و حمایت از نهضت های آزادی بخش چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی بود، تا آنجا که امام خمینی (ره) بیان داشتند: "در منازعات جهانی هر طرفی که مظلوم باشد ما طرفدار آن هستیم".

### ۳- یافته های پژوهش

#### شکل گیری جبهه مقاومت

از مهمترین آموزه های صدور انقلاب اسلامی در عرصه بین الملل اسلامی، مخالفت با اشغال سرزمین های اسلامی از سوی قدرت های استعمارگر و هم چنین رژیم صهیونیستی است و به همین دلیل و برای سرزمین فلسطین و قدس که قبله اول مسلمانان است و با هدف جذب و سازماندهی مسلمانان در انجام وظیفه اسلامی خود در حمایت از ملت مظلوم و آواره فلسطین و هم چنین مخالفت با تاراج منابع مادی و معنوی مسلمانان به خصوص از لحاظ ژئوپلیتیکی و منابع انرژی از سوی قدرت های غربی بخصوص آمریکا و تاکید

بر نقش بنیادین مردم در تعیین سرنوشت و تشکیل نظام سیاسی مورد نظر خود، ایجاد همبستگی منطقه ای و جهانی میان مسلمانان مبتنی بر آموزه های اسلامی و تلاش برای پیشرفت و دست یابی به تمدن نوین اسلامی، تشکیل قطب قدرت اسلامی و تلاش برای اصلاح فرم ها و ساختارهای حاکم بر نظام بین الملل، مهم ترین محورهایی است که بر زبان و قلم رهبران انقلاب اسلامی به خصوص امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب جاری شده است.

گسترش این مفاهیم و تلاش عملی جمهوری اسلامی ایران در میدان عمل، در حالی که جهان اسلام از یک سو تحت فشار قرار گرفته بود و از سوی دیگر به دلیل حمایت های گسترده غرب و ایالات متحده امریکا از رژیم صهیونیستی و تکیه گروههای مبارز بر ایسم های برآمده از غرب، بخصوص پس از شکست های فاحش دنیای غرب در جنگ های متوالی از رژیم صهیونیستی، موضوع فلسطین به مسئله دست چندم مسلمانان تبدیل شد. از جانب سوم دولتی مانند عربستان که بر مهم ترین امکان مسلمانان حاکم است، به همراه دولت پهلوی یکی از دو ستون سیاست نیکسون برای حفاظت از منابع آمریکا و غرب را تشکیل می داد. اما حاضر نبود حتی یک عدد فشنگ به مبارزان فلسطینی کمک نماید و در جهت مقابل تلاش داشت با گسترش وهابیت، شیعیانی که حدود یازده قرن بر یمن حکومت داشتند را به حاشیه براند.

با این مراتب، در ابتدا و با شکل یابی حزب الله و هم چنین حمایت سوریه از آن و حمایت از ایران در جنگ تحمیلی، محور مقاومت متشکل از ایران، سوریه و حزب الله تشکیل شد. در فلسطین و تحت تاثیر مستقیم انقلاب اسلامی، جنبش جهاد اسلامی شکل گرفت و حماس نیز کوشید رویکرد مقاومت را در پیش گیرد. با نفوذ آموزه های انقلاب اسلامی به دیگر کشورها از جمله عراق و بحرین، مصر، یمن و کشورهای شاخ آفریقا آمریکایی ها برای مهار انقلاب اسلامی که پایگاه ثروت و قدرت آن ها و غرب را به خطر انداخته بود، طرح خاورمیانه بزرگ را طراحی نمودند که با شکست آن در اشغال عراق و سپس شکست جنگ های نیابتی ۳۳ روزه و ۲۲ روزه در لبنان و غزه که هم زمان با ورود ایران به باشگاه هسته ای جهان صورت گرفت و در نهایت شکست داعش که نیرو های آن به عنوان پیاده نظام جنگ نیابتی آمریکا در عراق و سوریه می جنگیدند، اکنون دولت های جمهوری اسلامی ایران، عراق، سوریه، حزب الله، انصار الله، و گروههای دیگری در بعضی کشورهای منطقه، جبهه مقاومت اسلامی را شکل داده اند که از یک سو از دریای خزر تا مدیترانه و دریای سرخ یعنی هارتلند جهان سیاست را در چارچوب حاکمیت و نفوذ خود قرار داده اند و از سوی دیگر رژیم صهیونیستی و حتی دولت عربستان در محاصره این جبهه قرار گرفته اند. شکل گیری جبهه مقاومت برای آمریکا پیامدهای منفی گسترده ای داشته که یکی از آنها دغدغه تامین انرژی و امنیت آن به بازارهای جهانی است که در بیش از شصت سال گذشته راهنمایی سیاست خارجی آمریکا در منطقه بوده است به خصوص مالیات هایی که دولت آمریکا و دیگر دولت های غربی از واردات نفت دریافت می کنند، در بسیاری موارد از درآمد نفتی کشورهای خلیج فارس هم بیشتر است. تنفر گسترده از آمریکا در افکار عمومی منطقه و حتی جهان که نتیجه یکه تازی آن ها در عرصه بین الملل به خصوص ارتکاب جنایات بین المللی بی شمار در تهاجم به منطقه پدیده آمده است، تزلزل شدید در امنیت رژیم صهیونیستی، به گونه ای که به رغم اختصاص سی درصد از کمک های خارجی آمریکا به این رژیم

، اکنون این رژیم در بدترین وضعیت تاریخ هفتاد ساله خود قرار گرفته است به گونه ای که حتی در مقابل غزه که سال هاست در یک زندان بزرگ قرار گرفته، توان راه اندازی جنگی بیش از دو روز را ندارد.

هم چنین موقعیت لرزان دولت های هم پیمان آمریکا در منطقه تاثیر منفی گسترده بر اقتصاد و وضعیت اجتماع در آمریکا و در نهایت پایان رویای تک قطبی آمریکا در عرصه بین الملل، فقط تعدادی از نتایج شکل گیری جبهه مقاومت در منطقه است که به جهت تحمیل شکست بر آمریکا در منطقه رخ داده است.

نهایت این که اکنون ابتکار عمل در هارتلند جهان ، در اختیار جبهه مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است که پس از وقوع انقلاب اسلامی به این دلیل که در چرخه استعماری غرب در منطقه شکاف ایجاد کرده بود ، علی رغم تلاش های گوناگون برای کودتا و تجزیه کشور و سرانجام به انزوا کشاندن ایران در منطقه، نه تنها ایران منزوی نشد بلکه هم اینک براساس همین ابتکار عمل است که پس از چهل سال با اشاره رهبر انقلاب اسلامی، بعضی از قدرت های بزرگ منطقه که وارد ائتلاف به رهبری عربستان علیه یمن شده بودند، به دلیل استحکام درونی و نفوذ اقلیتی جمهوری اسلامی در منطقه، از ائتلاف خارج شدند و با تکیه انصارالله به حمایت معنوی جمهوری اسلامی ایران و مقاومت اعجاب برانگیز آن ها، دولت سعودی را در گرداب بزرگی فرو کرده است.

به هر حال، شکست آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ به خصوص در اشغال عراق و پیروزی های مقاومت در جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه که هم زمان با ورود ایران به باشگاه هسته ای جهان اتفاق افتاد، بیداری اسلامی را رقم زد.

### بیداری اسلامی

بیداری اسلامی را می توان از یک سو آگاهی مسلمانان از عقب ماندگی آن ها و تلاش برای رفع آن و دست یابی به جایگاه مناسب در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و دفاعی نظامی در سطح قابل قبول جهانی با تکیه بر زیر ساخت فرهنگ و مبانی اسلامی تعریف کرد.

از سوی دیگر بیداری اسلامی، در واقع واکنش دینی جوامع اسلامی به فرهنگ و تمدن غربی است که از آغاز ورود به جوامع اسلامی در اوایل قرن شانزدهم، که با روحیه تهاجمی و برای سلطه بر منافع مادی و معنوی مسلمانان وارد شدند و به چپاول ثروت سرزمینهای اسلامی پرداختند. غربی ها که علاوه بر راه اندازی جنگ های صلیبی علیه مسلمانان، سابقه تحریک مغول ها برای حمله به جهان اسلام به خصوص ایران را در پرونده خصومت تاریخی خود با جهان اسلام دارند، در دوران جدید نیز ، به خصوص انگلیسی ها، از یک سو با تحریک صفویان به ایجاد جنگ های ویرانگر میان مسلمانان عثمانی و ایرانی پرداختند که به جهت مستولی شدن ضعف بر امپراتور عثمانی، اشغال مصر از سوی فرانسه ناپلئون در ۱۷۹۸ را در پی داشت.

بیداری اسلامی که از زمان سید جمال اسد آبادی شروع شد، همواره میان حلقه های محدود و معین جلوه گر بود و هیچ گاه نتوانست همچون یک گفتمان مسلط عمل کند، حتی زمانی که این جریان توسط کسانی چون حسن البنا و سید قطب الدین در مصر ابعاد گسترده تری یافت، باز هم نتوانست توده های مسلمان را با خود درگیر کند.

تا اینکه امام خمینی با انقلاب اسلامی، این مشکل را حل کرد و بازگشت به اسلام ناب را یگانه راه حل وحدت امت اسلامی و پشتوانه نظری و عملی حمایت از مقاومت اسلامی در مقابل تلاش استعمار برای بازگشت دوباره و تسلط بر منافع مادی و معنوی مسلمانان مطرح کرد و در نهایت آن را به یکی از مهم ترین مباحث جهان سیاست تبدیل کرد.

تفسیری که امام خمینی از اسلام ارائه نمود باعث شد انقلاب اسلامی با دو شعار اصلی، برگرداندن دین به صحنه اجتماع و سیاست و همچنین اتخاذ رویکرد "نه شرقی، نه غربی" در عالم سیاست که در واقع نشان از وقوع قطب قدرت جدید و متفاوت از قدرت های مادی غرب در معادلات بین الملل بود، علاوه بر جهان سیاست، در تحرک دین داران در جهان نیز تاثیر شگرفی داشته باشد.

در حوزه جهان اسلام، که مردم آن از دیرباز با اسلام خو گرفته اند، تاثیرگذاری آموزه ها و افکار انقلاب اسلامی و تلاش مسلمانان برای هویت یابی و در نتیجه بیداری اسلامی برجسته تر بود، بخصوص اینکه انقلابیون منطقه با تمسک به ایدئولوژی های غربی و شرقی نتوانسته بودند در مبارزه با حکومت های مرتجع و مستبد منطقه و به خصوص رژیم صهیونیستی راه به جایی برند.

حتی شعارهای ناسیونالیستی جمال عبدالناصر در حکومت ۱۶ ساله اش در مصر، گرچه تا حد زیادی توانست جوش و خروشی در بین اعراب بوجود آورد، نتوانست موفقیت چندانی در مبارزه با رژیم صهیونیستی کسب کند.

شکست های پی در پی اعراب از رژیم صهیونیستی، باعث شد در ادامه میدان مبارزه با این رژیم که در ابتدا تمام قلمرو جهان اسلام را در بر می گرفت، در زمان التهاب شعارهای ناسیونالیستی و پان عربی، به حوزه عربی محدود شود و سرانجام نیز با شکست اعراب از رژیم صهیونیستی، مبارزه با این رژیم منحصر به گروه های فلسطینی شد که این گروه ها نیز غالباً به جهت اختلاف های دولت های عربی، مورد تسویه حساب این دولت ها قرار می گرفتند، زیرا گرفتار ایسم های وارداتی شده بودند.

لذا با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران نه فقط محرک جنبش ها و نهضت های اسلامی کنونی در سراسر جهان بوده ، بلکه باعث شده مسلمانان جهان به خصوص جمعیت های مسلمان کشورهای غربی شأن و شخصیت پیدا نمایند و از مسلمان بودن خود شرمگین نباشند.

مسلمانان اکنون دریافته اند که اسلام و قرآن منبع قوی و پرتحرکی در زمینه های مختلف سیاسی فرهنگی و اقتصادی است.

#### ۴- نتیجه گیری:



علاوه بر پشتیبانی نظری و تاریخی، حداقل اینکه طراحی و اجرای سیاست های آمریکا پس از فروپاشی شوروی در رابطه با منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، این تفاوت را روشن نمود که تاکید بر سیاست صدور آموزه های انقلاب اسلامی، اقدامی صحیح و در راستای اهداف سه گانه کلان جمهوری اسلامی در زمینه سازی تحقق تمدن نوین اسلامی بوده است :

**الف:** در قلمرو ملی، رهبران جمهوری اسلامی ایران و به خصوص امام خمینی از ابتدا موضوع مهم صدور آموزه های انقلاب اسلامی به ملل مسلمان و دیگر ملت ها را از جمله مهم ترین رسالت های انقلاب برشمرد. این مهم علاوه بر اینکه از پشتوانه تاریخی برخوردار است و مورد توجه انقلاب های بزرگ دنیا مانند فرانسه و شوروی نیز بوده است، به دلیل جهان شمول بودن دین اسلام و حمایت از مسلمانان و مستضعفان و هم چنین اعتقاد به اندیشه مهدویت و تشکیل حکومت جهانی در شیعه از جهت نظری نیز مورد پشتیبانی قرار می گیرد.

افزون بر این ها، اتفاق دو قدرت شرق و غرب برای براندازی ، نظام جمهوری اسلامی را با قاطعیت بیشتری به این مهم رهنمون ساخت که در صورت عدم گسترش آموزه های انقلاب اسلامی در میان ملل دیگر و همراه شدن ملت های مستقل و آزادی خواه با سیاست مخالفت با نظام سلطه که یکی از وجوه بارز انقلاب اسلامی است، به جهت خصومت تمدنی غرب با اسلام، انقلاب اسلامی در تنگنا و محاصره و سرانجام به شکست کشانده خواهد شد.

از سوی دیگر به جهت موقعیت استراتژیک منطقه و نیاز غرب و آمریکا به آن ، باعث شده است که آمریکائیا و صهیونیست جهانی طوری طراحی نمایند که دیگر هرگز ندای استقلال خواهی و آزادی طلبی مبتنی بر آموزه های اسلامی از ایران سرنگیرد، و همچنین کشوری وسیع و قدرتمند در منطقه در پیرامون اسرائیل نباشد ، به همین خاطر بود که نقشه تجزیه ایران از سوی آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ مطرح می گردد.

از این رو سیاست صدور انقلاب اسلامی علاوه بر پیشینه تاریخی و نظری، به لحاظ سیاسی و به جهت توسعه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و افزایش قدرت ملی کشور، ضرورتی انکار ناپذیر بود که در واقع در راستای تبدیل ایران به یک قدرت بین المللی قرار دارد که نخستین هدف کلان نظام جمهوری اسلامی ایران است.

**ب:** در حوزه بین الملل اسلامی، ساخت تمدن نوین اسلامی دومین هدف جمهوری اسلامی ایران است، از این رو از مهم ترین الزامات آن، زنده شدن هویت اسلامی است که این مهم و هم چنین حمایت از مسلمانان جهان از پایه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و در اصول گوناگون قانون اساسی نیز متبلور است. این سیاست باعث شده بر خلاف بسیاری از سیستم های سیاسی که از ایدئولوژی به مانند یک ابزار در حوزه قدرت جغرافیایی خود استفاده می نمایند، حمایت از مسلمانان از اصول اساسی جمهوری اسلامی باشد. بنابراین عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، مرزهای جهان اسلام قرار گرفت که در واقع بهترین راهبرد دفاعی برای مقابله با دشمن و اجازه ندادن به او در نزدیک شدن به مرزهای کشور است و بدین گونه جمهوری اسلامی توانست با در پیش گرفتن

دکترین مقاومت در مقابل نظام سلطه و با صدور آموزه های انقلاب اسلامی و شکل یابی گروه های مقاومت اسلامی و تشکیل جبهه مقاومت و هدایت آنها، طرح های پیچیده آمریکا برای تسلط بر منافع مادی و معنوی مسلمانان را با شکست کامل مواجه نماید و زمینه ساز پذیرش روحی و فکری مسلمانان در جهان نسبت به این امر مهم باشد که جمهوری اسلامی ایران با هدف اعتلای تمدن نوین اسلامی، می کوشد از تمام ظرفیت ها و فرصت های ملی، منطقه ای و بین المللی استفاده کند.

ج: در عرصه جهانی نیز مقاومت مردم ایران در حوزه ملی و تاکید بر صدور آموزه های انقلاب اسلامی که از جمله نتایج آن شکل یابی گروه های مقاومت اسلامی در منطقه و تحمیل شکست های پیاپی بر آمریکا بوده است، هم افزایی این دو ظرفیت قدرت ساز، جریان بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا را در پی داشت، البته به سبب ضعف هایی موجود و تلاش آمریکا و دوستانش در منطقه و ظهور داعش و النصره که با مجاهدت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی مدتی است از فروغ آن کاسته شده، اما در همان ایام محدود نیز، پیامدهای خود را بر جهان گذاشت

برجسته تر شدن دکترین مقاومت در سیاست خارجی دولت های جمهوری اسلامی ایران با توجه به شکست آمریکا و هم پیمانانش در سوریه و بن بستی که در یمن و افغانستان با آن رو به رو هستند- با التفات به تجربه ای که انقلابیون حوزه بیداری اسلامی از نقاط مثبت و ضعف خود پیدا کرده اند، چالش های موجود را رفع خواهند کرد، چالش هایی مانند ۱- مقابله جدی در سطح نخبگانی و عمومی با تفکر تکفیری ۲- تعیین خط دقیق و ابراز مخالفت جدی با دولت های دست نشانده و همراه آمریکا و صهیونیست ها در منطقه چون دولت آل سعود ۳- مرز بندی شفاف و شجاعانه با آمریکایی ها و صهیونیست ها ۴- استفاده بهتر و بیشتر از تجربه انقلاب اسلامی و مقاومت مردم ایران که به رغم توطئه های پیچیده و مستمر دشمن، توانست ایران را نسبت به چهل سال قبل به یک قدرت فرامنطقه ای تبدیل کند.

در این صورت بی تردید موج دوم بیداری اسلامی بار دیگر عرصه بین الملل را شدیدتر از گذشته درگیر خود خواهد نمود که علاوه بر بستر سازی برای تمدن نوین اسلامی و هم چنین تقویت تلاش ها در مسیر تشکیل جبهه مقاومت جهانی در مقابل نظام سلطه و اقدام برای اصلاح ساختار حاکم بر نظام بین الملل، یکی از پیامدهای حتمی آن ظهور قطب قدرت اسلامی در جهان سیاست خواهد بود که البته بسترهای مستحکم آن شکل گرفته است.

همانطور که اشاره شد صدور آموزه های انقلاب اسلامی باعث پیدایش گروه های جهادی و تشکیل جبهه مقاومت در منطقه شد که با محوریت جمهوری اسلامی ایران، شکست های پیاپی در جنگ های مابشرتی و نیابتی بر آمریکا تحمیل کردند.

## Abstract

Unlike previous movements in the region and even in the world, which were usually interpreted in the sphere of influence of the two powers, East and West, with the “neither East nor West” approach of the Islamic Republic, Iran has a different position on this international bipolar system. This theory emphasized that Iran seeks to form a new pole of power in the international arena, and undoubtedly one of its requirements is to issue the teachings of the Islamic Revolution, followed by the formation of Islamic resistance groups in the region and then the Islamic Awakening and laying the groundwork for the realization of a new Islamic civilization.

#### منابع :

- ۱- صادقی، حسین (۱۳۸۶) طرح خاور میانه بزرگ، تهران نشر میزان
- ۲- یاری، مهدی، (۱۳۹۳) تحلیل بر ناکامی استراتژی آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ، سایت خبری ویستا، ۲۲ مهر
- ۳- امیر عبداللہیان، حسین (۱۳۹۰) "ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم شماره دوم
- ۴- حسینی، حسن (۱۳۸۳) طرح خاورمیانه بزرگ تر، القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- ۵- طرح خاورمیانه بزرگ، غرب و کشورهای مسلمان زمینه ها، چپستی و پیامدها، مجله اندیشه تقریب تابستان ۱۳۸۴
- ۶- برزگر، ابراهیم وحیدری، علی حسن ، بررسی بیداری اسلامی از منظر رهیافت پوزیتیویسم
- ۷- مرتضی مطهری (علامه)، بررسی اجمالی از نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر
- ۸- پارسایی، رضا ومطهر نیا، مهدی (۱۳۹۵) "اثر گذاری محور ایران، سوریه و حزب الله بر منافع آمریکا در خاورمیانه" مجله سیاست دفاعی سال ۲۲ شماره ۸۶

- ۹- گلچین، سعید ، انقلاب اسلامی ایران و پیامد های آن بر ژئوپلیتیک تشیع در عربستان
- ۱۰- خلیلی، محسن و مریم مظفری و سید محسن موسوی زاده، "مقایسه مفهوم صدور انقلاب در انقلاب های فرانسه و روسیه" مجله جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهار و تابستان ۹۶
- ۱۱- صلاحی، سهراب (۱۳۹۹)- ایران و آمریکا در چهل سال (۱۳۵۷-۱۳۹۷) مقایسه دو نظریه مقاومت و تنش زدایی در سیاست خارجی- قم موسسه بوستان کتاب
- ۱۲- چهری، هادی (۱۳۹۵) تاثیر شکل گیری داعش بر نظام امنیتی منطقه، پایان نامه ارشد دانشگاه خوارزمی تهران
- ۱۳- پیروتی، طاهر (۱۳۹۴) سیاست خارجی آمریکا در خاور میانه بعد از یازده سپتامبر با تاکید بر القاعده و داعش، دانشگاه خوارزمی تهران
- ۱۴- نوزانی، بهرام (۱۳۸۳) الگوهای رفتاری ایالت متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
- ۱۵- صادقی، حسین، (۱۳۸۶) طرح خاورمیانه بزرگ، نشر میزان تهران
- ۱۶- صلاحی، سهراب (۱۳۹۵) اشغال عراق، اهداف راهبردی و استنادات حقوقی، چاپ پنجم، نشر میزان تهران
- ۱۷- خسرو پناه، عبدالحسین و شارخی اصفهانی، مهدی (۱۳۹۵) "تمدن اسلامی در منظومه فکر امام خمینی" پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۱۸- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سمت تهران ۱۳۹۵



یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.  
 ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
 National Geography Organization Of Iran  
 15 February 2021





# یازدهمین کنگره ی سالانه ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، سازمان جغرافیایی ن.م.

۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۹



The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical Association  
National Geography Organization Of Iran  
15 February 2021



**The Eleventh Annual Congress Of The Iranian Geopolitical  
Association National Geography Organization Of Iran  
1 February 2021**